



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

بسم آیت الکرسی

الحمد لله  
الذی هدانا  
لِحکمہ  
الحق  
والعزیز  
الجلیل

پاکستان پبلشرز



پاکستان پبلشرز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حلیه المتقین

نویسنده:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۵۰	حلیه المتقین
۵۰	مشخصات کتاب
۵۱	اشاره
۵۵	فهرست مطالب
۱۲۵	مقدمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)
۱۲۹	ضرورت ویرایش و تحقیق کتاب حلیه المتقین
۱۳۱	نکاتی درباره کارهای انجام شده
۱۳۳	نگاهی گذرا به زندگی علامه مجلسی رحمه الله
۱۳۳	ولادت و خاندان
۱۳۴	دوران تحصیل
۱۳۴	اساتید و شیوخ اجازه
۱۳۵	جانشینی پدر
۱۳۵	شاگردان و راویان
۱۳۶	تالیفات
۱۳۷	حلیه المتقین
۱۳۷	علامه در سفر
۱۳۸	علامه مجلسی و سیاست
۱۳۹	علامه از منظر اهل نظر
۱۴۰	وفات علامه مجلسی رحمه الله
۱۴۳	مقدمه علامه مجلسی
۱۴۷	فصل اول: آداب پوشیدن لباس و کفش
۱۴۷	اشاره
۱۴۹	فضیلت آراستن

۱۴۹	.....	اشاره
۱۴۹	.....	اطهار نعمت های پروردگار
۱۵۰	.....	خود را برای خودی ها بیارایید
۱۵۰	.....	لباس خوب از مال حلال
۱۵۱	.....	لباس زیرین و رویین
۱۵۲	.....	آراسته بودن در بیرون خانه
۱۵۲	.....	فلسفه سختی های دنیا
۱۵۳	.....	لباس های حرام
۱۵۳	.....	اشاره
۱۵۴	.....	لباس ابریشمین
۱۵۴	.....	زیورآلات طلا و نقره
۱۵۵	.....	بهترین لباس
۱۵۵	.....	اشاره
۱۵۵	.....	لباس پنبه ای و پشمین
۱۵۷	.....	لباس کتان و خز
۱۵۷	.....	رنگ لباس
۱۵۷	.....	اشاره
۱۵۸	.....	لباس سفید و زرد
۱۵۸	.....	لباس قرمز و کیود
۱۵۹	.....	لباس سبز سیر و سیاه
۱۶۰	.....	برخی آداب لباس پوشیدن
۱۶۲	.....	حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران
۱۶۳	.....	عمامه بستن و کلاه پوشیدن
۱۶۳	.....	اشاره
۱۶۳	.....	عمامه بر سر گذاشتن
۱۶۵	.....	کلاه پوشیدن

- ۱۶۵ ----- آداب پوشیدن پاجامه (شلوار راحتی)
- ۱۶۶ ----- آداب لباس نو بریدن و پوشیدن
- ۱۶۶ ----- دعاهای هنگام بریدن و پوشیدن لباس نو
- ۱۶۸ ----- پوشیدن لباس نو ورهایی یافتن از آفات
- ۱۶۸ ----- شکرانه پوشیدن لباس نو
- ۱۶۹ ----- دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس
- ۱۶۹ ----- هیچ گاه به طور کامل برهنه نشوید
- ۱۶۹ ----- ویژگی های پوشش بانوان
- ۱۷۰ ----- اسراف در پوشش
- ۱۷۰ ----- پاکیزگی و نظافت لباس
- ۱۷۱ ----- وصله زدن به لباس
- ۱۷۱ ----- رنگ کفش و ویژگی های دیگر آن
- ۱۷۱ ----- اشاره
- ۱۷۲ ----- اهمیت پوشیدن کفش
- ۱۷۲ ----- چه کفشی بپوشیم
- ۱۷۴ ----- آداب پوشیدن کفش
- ۱۷۴ ----- اشاره
- ۱۷۵ ----- استراحت دادن به پاها
- ۱۷۵ ----- دعای پوشیدن کفش
- ۱۷۷ ----- فصل دوم: زیورآلات و نوع زینت مردان و زنان
- ۱۷۷ ----- اشاره
- ۱۷۹ ----- فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن
- ۱۷۹ ----- اشاره
- ۱۷۹ ----- استحباب انگشتر در دست راست کردن
- ۱۸۱ ----- انگشتر در کدام دست کنیم
- ۱۸۱ ----- انگشتر در کدام انگشت نکنیم

۱۸۱	دعای انگشتر در دست کردن
۱۸۲	جنس انگشتر
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	چگونگی انگشتر
۱۸۲	انگشترهای نامناسب
۱۸۳	فضیلت عقیق
۱۸۳	اهمیت عقیق در دست کردن
۱۸۴	آثار و خواص عقیق در دست کردن
۱۸۷	فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد
۱۸۷	انگشتر یاقوت و رفع فقر و پریشانی
۱۸۸	انگشتر زمرد و راحتی و توانگری
۱۸۸	انگشتر زبرجد در دست کردن
۱۸۸	فضیلت فیروزه و جزع
۱۸۸	اشاره
۱۸۸	خواص انگشتر فیروزه
۱۸۹	خواص انگشتر جزع یمانی
۱۹۰	فضیلت دُر نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین ها
۱۹۲	نقش نگین
۱۹۲	اهمیت نقش نگین انگشتر
۱۹۲	نقش نگین انگشتر پیامبران
۱۹۴	نقش نگین انگشتر امامان علیهم السلام
۱۹۸	آثار و خواص نقش نگین
۲۰۱	پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان
۲۰۱	زیور کودکان
۲۰۱	زیور زنان
۲۰۲	آراستن دیگر چیزها با طلا



- ۲۰۳ ..... آداب سرمه کشیدن
- ۲۰۳ ..... اهمیت سرمه کشیدن
- ۲۰۴ ..... دعای هنگام سرمه کشیدن
- ۲۰۵ ..... آثار و فواید سرمه کشیدن
- ۲۰۶ ..... آداب نگاه کردن در آئینه
- ۲۰۶ ..... اهمیت و فواید نگاه کردن در آئینه
- ۲۰۶ ..... دعاهای هنگام نگاه کردن در آئینه
- ۲۰۸ ..... رنگ کردن موها
- ۲۰۸ ..... اشاره
- ۲۰۸ ..... اهمیت رنگ کردن با حنا
- ۲۰۹ ..... فواید و آثار رنگ کردن
- ۲۰۹ ..... فلسفه رنگ کردن
- ۲۱۱ ..... چگونگی و آثار رنگ کردن
- ۲۱۳ ..... فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن
- ۲۱۳ ..... اشاره
- ۲۱۵ ..... ظرف خوردن و آشامیدن
- ۲۱۶ ..... غذاهای مجاز و افراط در غذا
- ۲۱۶ ..... اشاره
- ۲۱۷ ..... شریک کردن دیگران در غذای خود
- ۲۱۷ ..... از غذای حلال نمی پرسند
- ۲۱۸ ..... غذا خوردن در حال سیری
- ۲۱۹ ..... کم خوری و سلامت تن
- ۲۲۱ ..... کمترین اسراف در غذا خوردن
- ۲۲۱ ..... پاره ای از آداب و اوقات غذا خوردن
- ۲۲۱ ..... اشاره
- ۲۲۲ ..... وعده های غذایی

- غذای داغ نخورید ..... ۲۲۳
- در غذا فوت نکنید ..... ۲۲۴
- از جلوی خود شروع به خوردن کنید ..... ۲۲۴
- روش غذا خوردن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ..... ۲۲۵
- بهترین راه جلوگیری از ضررهای غذا خوردن ..... ۲۲۵
- سفارشات امام حسن علیه السلام در مورد غذا خوردن ..... ۲۲۶
- سایر آداب غذا خوردن ..... ۲۲۷
- اشاره ..... ۲۲۷
- تنها غذا خوردن ..... ۲۲۷
- سهم نیازمندان از غذاها ..... ۲۲۸
- موارد ممنوع یا مکروه، هنگام غذا خوردن ..... ۲۲۸
- سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غذا خوردن ..... ۲۳۰
- آداب غذا خوردن ..... ۲۳۱
- شستن دست ها پیش از غذا خوردن ..... ۲۳۱
- شستن دست ها پس از غذا خوردن ..... ۲۳۲
- شستن دهان پس از غذا خوردن ..... ۲۳۳
- کیفیت نشستن هنگام غذا خوردن ..... ۲۳۳
- با چه چیز غذا خوردن را شروع و تمام کنیم؟ ..... ۲۳۳
- پای بر سفره نگذارید ..... ۲۳۵
- نشستن طولانی بر سر سفره ..... ۲۳۵
- غذا خوردن با زیردستان ..... ۲۳۵
- بیرون کردن کفش به هنگام غذا خوردن ..... ۲۳۶
- غذا خوردن با دست ..... ۲۳۶
- صاحبخانه پیش از میهمان شروع به غذا خوردن کند ..... ۲۳۶
- اول نماز خواندن یا غذا خوردن ..... ۲۳۶
- دعای سفره و آثار آن ..... ۲۳۷

- ۲۳۷ ..... آغاز وانجام غذا با نام و حمد خدا
- ۲۳۸ ..... آثار شروع به «بسم الله» و ختم به «الحمد لله»
- ۲۳۹ ..... آثار دعا خواندن هنگام غذا خوردن
- ۲۴۰ ..... دعای سفره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام
- ۲۴۲ ..... آداب پس از غذا خوردن
- ۲۴۲ ..... غذاهای ریخته شده اطراف سفره
- ۲۴۳ ..... حرمت نان و آثار کفران نعمت
- ۲۴۴ ..... خوابیدن بعد از غذا
- ۲۴۴ ..... ترک خدمت کردن به احترام غذا
- ۲۴۴ ..... در فضیلت برخی غذاها
- ۲۴۴ ..... مواد غذایی
- ۲۴۴ ..... نان
- ۲۴۶ ..... نان جو
- ۲۴۷ ..... نان برنجی
- ۲۴۷ ..... سویق یا آرد تافتته شده
- ۲۴۸ ..... گوشت و انواع آن
- ۲۴۸ ..... اشاره
- ۲۴۹ ..... گوشت گوسفند
- ۲۵۰ ..... گوشت گاو و گاومیش
- ۲۵۱ ..... گوشت کبوتر، دزاج و کبک
- ۲۵۱ ..... گوشت اسفرد، هوتره و گورخر
- ۲۵۲ ..... گوشت خام
- ۲۵۲ ..... گوشت خشک
- ۲۵۳ ..... گوشت ماهی و مرغ
- ۲۵۴ ..... غذاهای گوشتی
- ۲۵۴ ..... شیر گوشت و آبگوشت

- ۲۵۴ ..... کباب و خوراک کله
- ۲۵۵ ..... غذاهای غیر گوشتی
- ۲۵۵ ..... آش انار و حلیم
- ۲۵۶ ..... مثلثه و حلوا و پالوده
- ۲۵۶ ..... تخم مرغ
- ۲۵۷ ..... لبنیات
- ۲۵۷ ..... شیر
- ۲۵۸ ..... شیر گاو و شتر
- ۲۵۸ ..... ماست و پنیر
- ۲۵۹ ..... دیگر مواد غذایی
- ۲۵۹ ..... سرکه
- ۲۶۰ ..... روغن زیتون
- ۲۶۰ ..... روغن گاو و عسل
- ۲۶۱ ..... شکر و گردو
- ۲۶۱ ..... دعای پس از خوردن و آشامیدن
- ۲۶۲ ..... سبزی ها و میوه ها و دیگر خوراکی ها
- ۲۶۲ ..... سبزی ها
- ۲۶۲ ..... اشاره
- ۲۶۲ ..... کاسنی
- ۲۶۳ ..... بادروج
- ۲۶۴ ..... تره
- ۲۶۴ ..... تره تیزک (سبزی شاهی) و کرفس
- ۲۶۵ ..... گشنیز و برگ خرفه
- ۲۶۵ ..... کاهو و برگ چغندر
- ۲۶۶ ..... چغندر
- ۲۶۶ ..... کدو و ترب

- ۲۶۷ ..... گزر (هویج، زردک) وشلغم
- ۲۶۷ ..... خیار وبادمجان
- ۲۶۷ ..... پیاز
- ۲۶۸ ..... سیر و آویشن
- ۲۶۸ ..... قارچ
- ۲۶۹ ..... میوه ها
- ۲۶۹ ..... انگور
- ۲۷۰ ..... مویز (کشمش)
- ۲۷۰ ..... انار
- ۲۷۱ ..... سیب
- ۲۷۲ ..... به
- ۲۷۳ ..... انجیر
- ۲۷۳ ..... گلایی و آلو
- ۲۷۴ ..... ترنج و سنجد
- ۲۷۵ ..... خرما
- ۲۷۶ ..... خربزه
- ۲۷۷ ..... آداب میوه خوردن
- ۲۷۸ ..... حیوانات
- ۲۷۸ ..... برنج
- ۲۷۹ ..... نخود بریان و عدس
- ۲۷۹ ..... باقلا و لوبیا و ماش
- ۲۸۰ ..... خوردن خاک و گل
- ۲۸۱ ..... فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن
- ۲۸۱ ..... میهمانداری و فضیلت آن
- ۲۸۲ ..... قبول کردن دعوت مؤمنین
- ۲۸۳ ..... ولیمه و میهمانی دادن

- بی دعوت به میهمانی رفتن ..... ۲۸۳
- آداب پذیرایی از میهمان ..... ۲۸۳
- وظایف میزبان ..... ۲۸۴
- میهمان سرزده ودعوت نشده ..... ۲۸۴
- به خدمت گرفتن میهمان ..... ۲۸۵
- وظایف میزبان در سر سفره ..... ۲۸۵
- استقبال و بدرقه میهمان ..... ۲۸۶
- وظایف میهمان ..... ۲۸۶
- اشاره ..... ۲۸۶
- اندازه میهمانی ..... ۲۸۷
- فضیلت خلال کردن و آداب آن ..... ۲۸۷
- فضیلت وفایده خلال کردن ..... ۲۸۷
- اشاره ..... ۲۸۷
- چوب خلال ..... ۲۸۸
- آداب خلال کردن ..... ۲۸۹
- فضیلت نوشیدن آب وانواع آن ..... ۲۸۹
- فضیلت نوشیدن آب و خواص آن ..... ۲۸۹
- آب هایی که نوشیدن آن سفارش شده ..... ۲۹۰
- آب زمزم ..... ۲۹۰
- آب فرات ..... ۲۹۱
- آب باران و آب ناودان کعبه ..... ۲۹۲
- آب خنک ..... ۲۹۲
- آب جوشیده ..... ۲۹۳
- آب هایی که نوشیدن آن مذموم است ..... ۲۹۳
- فلسفه شیرین یا تلخ بودن آب ..... ۲۹۴
- آداب خوردن آب ..... ۲۹۴

- ۲۹۴ ..... طرز نوشیدن آب
- ۲۹۴ ..... آب خوردن در حال ایستاده یا نشسته
- ۲۹۵ ..... چگونگی آب خوردن
- ۲۹۶ ..... ظرف آب
- ۲۹۶ ..... دعاهای قبل و بعد از نوشیدن آب
- ۲۹۶ ..... ابتدا به نام خدا و انتها به حمد او
- ۲۹۸ ..... سلام بر حسین شهید
- ۲۹۸ ..... دعا برای دفع ضرر نوشیدن آب در شب
- ۲۹۸ ..... مقدار نوشیدن آب
- ۳۰۱ ..... فصل چهارم: ازدواج، آداب ازدواج، تربیت فرزندان
- ۳۰۱ ..... اشاره
- ۳۰۳ ..... فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت
- ۳۰۳ ..... ازدواج و دینداری
- ۳۰۴ ..... ترک ازدواج برای مسائل مالی
- ۳۰۴ ..... دوست داشتن همسر
- ۳۰۵ ..... لزوم آمیزش با همسر
- ۳۰۵ ..... رهبانیت ممنوع
- ۳۰۶ ..... صفات پسندیده و ناپسند زنان
- ۳۰۶ ..... اهمیت همسر
- ۳۰۸ ..... معیارهای معنوی همسر خوب
- ۳۰۹ ..... معیارهای جسمی همسر شایسته
- ۳۱۰ ..... بهترین و بدترین زنان
- ۳۱۱ ..... زنی که از کارکنان خداست
- ۳۱۲ ..... آداب خواستگاری و زمان مناسب آن
- ۳۱۲ ..... خواستگاری
- ۳۱۲ ..... زمان عقد و زفاف

- ۳۱۳ ..... ولیمه ازدواج
- ۳۱۳ ..... خواندن خطبه عقد
- ۳۱۴ ..... آداب زفاف و آمیزش
- ۳۱۴ ..... اشاره
- ۳۱۵ ..... اوقات مکروه آمیزش
- ۳۱۵ ..... شب چهارشنبه و هنگام تحت الشعاع
- ۳۱۵ ..... آمیزش در اوّل و وسط و آخر ماه
- ۳۱۶ ..... آمیزش هنگام طلوع و غروب آفتاب
- ۳۱۶ ..... آمیزش در شب عید فطر و عید قربان و در برابر آفتاب
- ۳۱۷ ..... اوقات حرام آمیزش
- ۳۱۷ ..... اوقات مستحبّ آمیزش
- ۳۱۸ ..... مکان هایی که آمیزش در آن مکروه است
- ۳۱۹ ..... کارهای مکروه به هنگام آمیزش
- ۳۲۰ ..... حالت های مکروه به هنگام آمیزش
- ۳۲۱ ..... آداب پیش از آمیزش
- ۳۲۲ ..... آداب عروسی
- ۳۲۳ ..... آمیزش در حتمّ یا بدون روانداز
- ۳۲۳ ..... دعا و نماز در شب زفاف و هنگام آمیزش
- ۳۲۳ ..... آداب شب زفاف
- ۳۲۵ ..... چگونه شیطان شریک نطفه می شود
- ۳۲۶ ..... دعای هنگام آمیزش
- ۳۲۷ ..... حقوق زن و شوهر بر یکدیگر
- ۳۲۷ ..... حقوق شوهر بر زن
- ۳۲۸ ..... حقوق زن بر شوهر
- ۳۲۹ ..... دعوای طلب فرزند و فضیلت آن
- ۳۲۹ ..... فرزندان در کلام معصومان علیهم السلام



- ۳۲۹ ..... اهمیت و تعداد فرزند
- ۳۳۰ ..... تأثیر اعمال فرزند در کارنامه والدین
- ۳۳۰ ..... پاداش زحمات پدر و مادر
- ۳۳۱ ..... ثواب دوران بارداری و شیردهی
- ۳۳۱ ..... دختر یا پسر
- ۳۳۲ ..... دعا برای فرزنددار شدن
- ۳۳۲ ..... دعاهای مخصوص
- ۳۳۳ ..... استغفار
- ۳۳۵ ..... تلاوت آیاتی از قرآن برای زاد و ولد
- ۳۳۶ ..... نماز مخصوص، اذان و نام علی
- ۳۳۷ ..... احکام دوران حمل و زایمان و پس از آن
- ۳۳۷ ..... پیش از زایمان
- ۳۳۷ ..... هنگام زایمان
- ۳۴۰ ..... پس از وضع حمل
- ۳۴۰ ..... غذای مادر
- ۳۴۰ ..... تبریک ولادت و رنگ لباس نوزاد
- ۳۴۱ ..... برداشتن کام طفل
- ۳۴۲ ..... قطره ریختن در بینی، اذان و اقامه گفتن در گوش و غسل دادن نوزاد
- ۳۴۳ ..... نامگذاری
- ۳۴۳ ..... اشاره
- ۳۴۳ ..... نام های نیک
- ۳۴۵ ..... نام های نامناسب
- ۳۴۵ ..... عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن
- ۳۴۵ ..... عقیقه
- ۳۴۶ ..... اهمیت عقیقه
- ۳۴۶ ..... فلسفه و زمان عقیقه

- ۳۴۶ ..... عقیقه برای بزرگسالان
- ۳۴۷ ..... صدقه یا قربانی به جای عقیقه
- ۳۴۷ ..... عقیقه کودک هفت روزه
- ۳۴۷ ..... شرایط عقیقه
- ۳۴۸ ..... دعای هنگام ذبح گوسفند
- ۳۵۰ ..... حکم مالیدن خون عقیقه بر نوزاد و هدیه دادن به قابله
- ۳۵۰ ..... آداب طبخ کردن و خوردن عقیقه
- ۳۵۱ ..... چه کسانی از گوشت عقیقه نخورند؟
- ۳۵۱ ..... تراشیدن موی سر نوزاد
- ۳۵۱ ..... ختنه کردن
- ۳۵۱ ..... زمان ختنه کردن
- ۳۵۲ ..... فلسفه ختنه کردن
- ۳۵۲ ..... دعای ختنه کردن، تکرار ختنه و احکام ترک ختنه
- ۳۵۳ ..... آداب شیر دادن و تربیت فرزند
- ۳۵۳ ..... اشاره
- ۳۵۴ ..... آداب شیر دادن
- ۳۵۵ ..... شیرهای ممنوع
- ۳۵۵ ..... حداقل مدت شیردهی
- ۳۵۵ ..... تعلیم و تربیت فرزند
- ۳۵۵ ..... اهمیت تربیت فرزند و سنّ بازی و تربیت
- ۳۵۶ ..... آموختن حدیث و مراحل تربیت فرزند
- ۳۵۷ ..... رختخواب مستقل و نظافت شبانه
- ۳۵۷ ..... اجتناب کردن از خرافات
- ۳۵۸ ..... حقوق فرزند بر والدین
- ۳۶۱ ..... نفقه فرزندان
- ۳۶۲ ..... چگونه آرامش پیدا کنیم

- ۳۶۲ ----- سنّ نامحرم شدن دختران و پسران
- ۳۶۳ ----- شیطنت در کودکی، نشانه بردباری در بزرگسالی
- ۳۶۳ ----- رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان
- ۳۶۳ ----- اشاره
- ۳۶۴ ----- بخشی از حقوق والدین
- ۳۶۴ ----- احترام به والدین
- ۳۶۴ ----- احسان و نیکی به والدین
- ۳۶۵ ----- نیکی به مادر و حقّ پدر
- ۳۶۶ ----- پرداخت هزینه های والدین
- ۳۶۶ ----- عاقّ والدین
- ۳۶۷ ----- آثار و پاداش احسان به والدین
- ۳۶۸ ----- مجازات بی حرمتی به والدین
- ۳۷۱ ----- فصل پنجم: مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب و تراشیدن سر
- ۳۷۱ ----- اشاره
- ۳۷۳ ----- مسواک زدن
- ۳۷۳ ----- فضیلت مسواک زدن
- ۳۷۳ ----- سنّت پیامبران
- ۳۷۴ ----- سفارش جبرئیل
- ۳۷۴ ----- مسواک و نماز
- ۳۷۵ ----- سرزنش ترک کننده مسواک
- ۳۷۵ ----- فلسفه مسواک زدن
- ۳۷۶ ----- آثار و فواید مسواک زدن
- ۳۷۶ ----- زمان و مکان مسواک زدن
- ۳۷۷ ----- چگونگی مسواک زدن
- ۳۷۷ ----- ترک کردن مسواک
- ۳۷۸ ----- تراشیدن موی سر

۳۷۸	اهمیت تراشیدن موی سر و فواید آن
۳۷۸	زمان تراشیدن موی سر و آداب آن
۳۷۹	آداب نگهداری موی سر
۳۷۹	اشاره
۳۸۰	آداب نگهداری موی سر مردان
۳۸۰	آداب نگهداری موی سر زنان
۳۸۱	فضیلت تراشیدن سبیل
۳۸۱	فلسفه تراشیدن سبیل و فواید آن
۳۸۱	وقت و مقدار گرفتن شارب
۳۸۲	دعای هنگام گرفتن شارب
۳۸۲	آداب ریش گذاشتن
۳۸۲	اشاره
۳۸۲	درازای ریش
۳۸۳	چگونگی اصلاح ریش
۳۸۴	محاسن سبب زیبایی است
۳۸۴	مجازات تراشیدن ریش
۳۸۴	فضیلت موی سفید
۳۸۴	نخستین موی سفید و فلسفه آن
۳۸۵	فایده موی سفید و حکم کردن آن
۳۸۶	بازی کردن با ریش و کندن موی بینی
۳۸۷	فضیلت ناخن گرفتن
۳۸۸	آداب اوقات ناخن گرفتن
۳۸۸	زمان ناخن گرفتن
۳۸۸	روز جمعه
۳۸۹	روز پنجشنبه
۳۹۰	سایر روزهای هفته

- ۳۹۱ ..... چگونه ناخن بگیریم؟
- ۳۹۲ ..... دعای هنگام ناخن گرفتن
- ۳۹۲ ..... دفن مو و ناخن
- ۳۹۳ ..... فضیلت شانه کردن موی سر و صورت
- ۳۹۴ ..... آداب و اوقات شانه کردن
- ۳۹۴ ..... وقت شانه کردن
- ۳۹۴ ..... چگونگی شانه کردن
- ۳۹۵ ..... دعای هنگام شانه کردن
- ۳۹۷ ..... فصل ششم: آداب استفاده از بوی خوش و گل ها و کرم ها و روغن ها
- ۳۹۷ ..... اشاره
- ۳۹۹ ..... سبب پیدایش بوهای خوش در زمین
- ۴۰۰ ..... فضیلت بوی خوش و آداب آن
- ۴۰۰ ..... فضیلت بوی خوش
- ۴۰۱ ..... وقت استفاده از بوی خوش
- ۴۰۲ ..... بوی خوش برای زنان
- ۴۰۲ ..... فواید بوی خوش
- ۴۰۳ ..... کراهت ردّ عطریات
- ۴۰۴ ..... فضیلت مشک و عنبر و زعفران
- ۴۰۴ ..... مشک
- ۴۰۵ ..... فضیلت عنبر و زعفران و عود
- ۴۰۵ ..... خلوق
- ۴۰۶ ..... فضیلت غالیه
- ۴۰۷ ..... فضیلت و آداب روغن زدن
- ۴۰۷ ..... زمان روغن زدن
- ۴۰۷ ..... فواید روغن زدن
- ۴۰۸ ..... آداب روغن زدن

۴۰۹	.....	روغن بنفشه
۴۰۹	.....	فضیلت روغن بنفشه
۴۰۹	.....	فواید روغن بنفشه
۴۱۰	.....	روغن بان وزنبق
۴۱۰	.....	فضیلت روغن بان
۴۱۱	.....	فضیلت روغن زنبق
۴۱۲	.....	فواید سایر روغن ها
۴۱۲	.....	روغن زیتون و گل خیری
۴۱۲	.....	روغن کنجد
۴۱۲	.....	بخور و انواع آداب آن
۴۱۲	.....	فضیلت بخور
۴۱۳	.....	بخور با عود
۴۱۴	.....	آداب ودعای بخور دادن
۴۱۵	.....	فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گل ها
۴۱۵	.....	خواص گلاب
۴۱۵	.....	گل نرگس و گل مورد
۴۱۶	.....	گل سرخ
۴۱۷	.....	گل مژنگوش
۴۱۷	.....	آداب بوییدن گل
۴۱۹	.....	فصل هفتم: نطافت شخصی
۴۱۹	.....	اشاره
۴۲۱	.....	فضیلت حتم کردن
۴۲۱	.....	اهمیت حتم رفتن
۴۲۱	.....	فواید حتم کردن
۴۲۲	.....	آداب ورود و خروج ودعاهای حتم
۴۲۲	.....	وقت حتم رفتن

- ۴۲۳ ..... پوشش عورتین
- ۴۲۳ ..... شستن پا به هنگام خروج از حمام
- ۴۲۴ ..... پوشش سر
- ۴۲۴ ..... دعاها واذکار حتمام رفتن
- ۴۲۵ ..... بایدها ونبایدهای حتمام
- ۴۲۵ ..... نبایدها
- ۴۲۷ ..... کارهای مجاز
- ۴۲۷ ..... فضیلت شستن سر و بدن وزدودن بوهای بد
- ۴۲۷ ..... شستن وخوشبو کردن بدن
- ۴۲۸ ..... شستن لباس
- ۴۲۸ ..... درمان کچلی
- ۴۲۹ ..... فضیلت شستن سر با سدر وگل خطمی
- ۴۲۹ ..... فواید شست وشو با گل خطمی
- ۴۲۹ ..... شست وشوی سر با سدر
- ۴۳۰ ..... فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)
- ۴۳۰ ..... اهمیت وفواید دارو کشیدن
- ۴۳۱ ..... فلسفه دارو کشیدن
- ۴۳۲ ..... ازاله کردن موی زیر بغل
- ۴۳۲ ..... وقت دارو کشیدن
- ۴۳۴ ..... دعاهاى هنگام دارو کشیدن
- ۴۳۵ ..... وقت دارو کشیدن وديگر آداب آن
- ۴۳۵ ..... اوقات مناسب ونامناسب
- ۴۳۶ ..... دارو کشیدن در حال جنابت ونشسته
- ۴۳۶ ..... روش برطرف کردن بوی ناپسند دارو
- ۴۳۷ ..... فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره
- ۴۳۸ ..... آداب غسل جمعه وديگر غسل ها

- ۴۳۸ ..... غسل های واجب .....
- ۴۳۹ ..... غسل های مستحب .....
- ۴۳۹ ..... اشاره .....
- ۴۳۹ ..... اول: غسل های زمانی .....
- ۴۳۹ ..... اشاره .....
- ۴۴۰ ..... غسل جمعه .....
- ۴۴۱ ..... غسل شب های فرد ماه رمضان .....
- ۴۴۲ ..... غسل شب های دهه آخر ماه رمضان .....
- ۴۴۲ ..... غسل روز عید فطر و قربان و شب عید فطر .....
- ۴۴۳ ..... غسل هشتم و نهم ماه ذوالحجّه و اول و وسط و آخر ماه رجب .....
- ۴۴۳ ..... غسل روز مبعث .....
- ۴۴۳ ..... غسل شب نیمه شعبان .....
- ۴۴۳ ..... غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه) .....
- ۴۴۵ ..... غسل روز مباهله (۲۴ ذوالحجّه) .....
- ۴۴۵ ..... غسل روز دحو الأرض (۲۵ ذوالقعدة) .....
- ۴۴۵ ..... غسل روز نوروز .....
- ۴۴۵ ..... دوم: غسل های مستحب مکانی .....
- ۴۴۷ ..... سوم: غسل های مستحب مربوط به برخی اعمال .....
- ۴۵۳ ..... فصل هشتم: آداب خوابیدن، بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه .....
- ۴۵۳ ..... اشاره .....
- ۴۵۵ ..... اوقات خوابیدن .....
- ۴۵۵ ..... اشاره .....
- ۴۵۵ ..... خواب بین الطلوعین .....
- ۴۵۷ ..... خواب قیلوله .....
- ۴۵۸ ..... وضو گرفتن قبل از خواب .....
- ۴۵۸ ..... فضیلت و فلسفه وضو گرفتن قبل از خواب .....



- شب زنده داری سالانه ..... ۴۵۸
- مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب ..... ۴۶۰
- اشاره ..... ۴۶۰
- مکان هایی که خوابیدن در آنها کراهت دارد ..... ۴۶۰
- اوقاتی که خوابیدن کراهت دارد ..... ۴۶۱
- رفتن به حاجتگاه پیش از خواب ..... ۴۶۱
- دیگر آداب خوابیدن ..... ۴۶۱
- آداب ودعاهای قبل از خواب ..... ۴۶۲
- از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ..... ۴۶۲
- از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۴۶۳
- از امام سجّاد علیه السلام ..... ۴۶۵
- از امام باقر علیه السلام ..... ۴۶۵
- از امام صادق علیه السلام ..... ۴۶۷
- از امام رضا علیه السلام ..... ۴۷۰
- برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن ..... ۴۷۰
- راه های برطرف کردن ترس به هنگام خواب ..... ۴۷۰
- دعاها و ذکرهای خاص ..... ۴۷۰
- فصد (رگ زدن) و پرداخت زکات ..... ۴۷۲
- دعا برای محتلم نشدن و برطرف کردن بی خوابی ..... ۴۷۲
- دعای برطرف کردن خواب های پریشان ..... ۴۷۳
- دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب ..... ۴۷۴
- چگونه به وقت بیدار شویم؟ ..... ۴۷۴
- برطرف کردن بی خوابی ..... ۴۷۵
- نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن ..... ۴۷۶
- چگونه اموات را در خواب ببینیم؟ ..... ۴۷۶
- ذکر از یک پهلوی به پهلوی دیگر شدن ..... ۴۷۷

- ۴۷۸ ..... آداب پس از بیدار شدن
- ۴۷۹ ..... سز خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب
- ۴۷۹ ..... اقسام خواب دیدن
- ۴۸۰ ..... خواب راست (رؤیای صادقه)
- ۴۸۱ ..... سز خواب های خوب و خواب های پریشان
- ۴۸۳ ..... خواب خود را به کسی نگویند
- ۴۸۳ ..... برای خوابتان تعبیر خوب کنید
- ۴۸۳ ..... تعبیر خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله
- ۴۸۴ ..... تعبیر خواب امام صادق علیه السلام
- ۴۸۶ ..... تعبیر خواب امام رضا علیه السلام
- ۴۸۶ ..... تحقیقی در مورد حقیقت خواب ورؤیا
- ۴۹۱ ..... آداب بیداری و مذمت پر خوابی
- ۴۹۱ ..... عواقب پر خوابی
- ۴۹۳ ..... بیداری های مذموم
- ۴۹۳ ..... کسانی که خواب ندارند
- ۴۹۴ ..... رو به آفتاب خوابیدن و نشستن
- ۴۹۵ ..... آداب حاجتگاه رفتن
- ۴۹۵ ..... آداب تخلیه
- ۴۹۷ ..... مکروهات استنجاء (تطهیر)
- ۵۰۰ ..... حاجتگاه و آداب آن
- ۵۰۰ ..... اشاره
- ۵۰۱ ..... مستحبات تخلی
- ۵۰۲ ..... مکروهات تخلی
- ۵۰۴ ..... فصل نهم: آداب حجامت و تنقیه، داروها و بیماری ها
- ۵۰۴ ..... اشاره
- ۵۰۶ ..... ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن

۵۰۶	پاداش بیماری
۵۰۸	تب
۵۰۹	فلسفه بلاها
۵۱۱	آداب حجامت
۵۱۱	اهمیت حجامت
۵۱۲	زمان مناسب برای حجامت
۵۱۴	اوقات نامناسب
۵۱۶	محل حجامت
۵۱۷	آداب حجامت
۵۱۷	آداب قبل از حجامت
۵۱۷	آداب هنگام حجامت
۵۱۸	آداب پس از حجامت
۵۱۹	فواید حجامت
۵۲۱	سفارش های طیبی ائمه علیهم السلام و حکم رجوع به اطبا
۵۲۱	ضرورت اقدام برای درمان
۵۲۱	چه کسی شفا می دهد؟
۵۲۱	مراجعه به طبیب غیر مسلمان
۵۲۲	زمان مراجعه به طبیب
۵۲۲	مصرف دارو به مقدار ضرورت
۵۲۳	پرهیز وامساک
۵۲۴	انواع معالجات
۵۲۴	معالجه با آب، عسل، شیر، باران و مانند آن
۵۲۵	معالجه با صدقه
۵۲۵	معالجه با پیشگیری و آمیزش
۵۲۶	معالجه با حقنه (اماله)
۵۲۶	معالجه با حجامت و حتم رفتن

- ۵۲۶ ----- معالجه با چکاندن دارو در بینی و دارو کشیدن
- ۵۲۷ ----- معالجات مختلف
- ۵۲۷ ----- چگونگی نماز انسان مبتلا به چشم درد
- ۵۲۷ ----- دستورهای طبی نه گانه
- ۵۲۹ ----- معالجه انواع تب و تعویذها
- ۵۲۹ ----- روش های مادی درمان تب
- ۵۲۹ ----- آب سرد و سیب
- ۵۳۰ ----- قندآب
- ۵۳۱ ----- آب باران و بنفشه
- ۵۳۱ ----- سنجد و کباب
- ۵۳۱ ----- برنج
- ۵۳۲ ----- معالجه تب
- ۵۳۲ ----- معجون و پالوده مخصوص
- ۵۳۲ ----- روش های معنوی درمان تب
- ۵۳۲ ----- اشاره
- ۵۳۳ ----- آب آیه الکرسی و یاد اهل بیت علیهم السلام
- ۵۳۳ ----- هفتاد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه یاالله
- ۵۳۴ ----- اذان و اقامه و سوره حمد
- ۵۳۴ ----- صدقه و دعاهای مخصوص
- ۵۳۷ ----- تعویذ تب
- ۵۴۰ ----- نشانه های فشار خون
- ۵۴۰ ----- دعای عیادت از بیمار
- ۵۴۰ ----- دعاهای جامع همه دردها و داروهای ترکیبی
- ۵۴۰ ----- دعاهای جامع، یا دعادرمانی
- ۵۴۲ ----- درمان بیماری های مختلف با داروهای گیاهی
- ۵۴۲ ----- درمان سردی، عقرب زدگی و مارزدگی

- ۵۴۳ ..... درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه
- ۵۴۴ ..... درمان سردرد و سردی سر
- ۵۴۴ ..... درمان زکام
- ۵۴۵ ..... معالجه انواع بیماری های سر
- ۵۴۵ ..... درمان سردرد
- ۵۴۶ ..... درمان درد شقیقه و گوش
- ۵۴۷ ..... درمان اختلالات مغزی و بیماری صرع
- ۵۴۸ ..... درمان بیماری های چشم و گوش و دندان
- ۵۴۸ ..... معالجه چشم درد
- ۵۴۸ ..... معالجه با آیات قرآن
- ۵۴۸ ..... معالجه با دعا
- ۵۴۹ ..... درمان ضعف چشم و شب کوری
- ۵۵۰ ..... درمان چشم درد با دارو
- ۵۵۴ ..... معالجه گوش
- ۵۵۴ ..... درمان گوش درد با قرآن
- ۵۵۵ ..... درمان گوش درد با داروی گیاهی
- ۵۵۶ ..... معالجه دندان
- ۵۵۶ ..... اشاره
- ۵۵۷ ..... درمانی دیگر
- ۵۵۸ ..... درمان دندان درد با دارو
- ۵۵۸ ..... معالجه برخی از بیماری های پوستی
- ۵۵۸ ..... درمان پیسی
- ۵۶۰ ..... درمان خوره (جنام)
- ۵۶۱ ..... درمان بهق
- ۵۶۲ ..... درمان زگیل
- ۵۶۲ ..... درمان دمل و طاعون

- ۵۶۳ ----- درمان خنازیر
- ۵۶۴ ----- درمان غده
- ۵۶۵ ----- معالجه بیماری های داخلی
- ۵۶۵ ----- درمان بیماری های شکم
- ۵۶۵ ----- معالجه درد شکم
- ۵۶۵ ----- معالجه ناراحتی شکم
- ۵۶۶ ----- درمان درد سینه
- ۵۶۷ ----- درمان درد طحال
- ۵۶۸ ----- درمان زخم جگر و بیماری های معده
- ۵۶۹ ----- درمان اسهال
- ۵۶۹ ----- درمان قولنج
- ۵۷۰ ----- درمان درد باسن
- ۵۷۲ ----- درمان درد پشت
- ۵۷۲ ----- درمان سرفه وسل و دردهای درونی
- ۵۷۳ ----- معالجه درد مفاصل و بعضی بیماری های دیگر
- ۵۷۳ ----- اشاره
- ۵۷۴ ----- درمان بلغم
- ۵۷۵ ----- درمان لقوه
- ۵۷۵ ----- درمان بادهای بدن و درد مفاصل
- ۵۷۶ ----- درمان درد پا
- ۵۷۷ ----- درمان درد ران و زانو
- ۵۷۷ ----- درمان درد ساق و مثنانه
- ۵۷۸ ----- درمان حبس ادرار و بی اختیاری ادرار
- ۵۷۹ ----- درمان طیبی یبوست مزاج و عرق التّسا
- ۵۷۹ ----- دعا برای چاره جویی سحر و زهر گزندگان و دیگر بلاها
- ۵۷۹ ----- دعا برای از بین بردن چشم زخم

- ۵۸۰ ..... تعویذ برای از بین بردن سحر
- ۵۸۲ ..... دور کردن خیالات فاسد و وسوسه های شیطان و آرزوهای طولانی
- ۵۸۳ ..... از بین بردن ترس از تنهایی
- ۵۸۴ ..... گشودن کسی که او را بسته اند
- ۵۸۵ ..... فرو بردن خشم
- ۵۸۶ ..... دعا برای از بین بردن فراموشی و اندوه
- ۵۸۷ ..... دعا برای چاره جویی فقر و پریشانی و بدهی و ضرر
- ۵۸۸ ..... دعا برای رسیدن به حج
- ۵۸۸ ..... دعا برای دور کردن سگ و حیوانات درنده و جانوران
- ۵۸۹ ..... دعا برای دور کردن ضرر گزندگان
- ۵۹۰ ..... دعا برای دور کردن حشرات موذی
- ۵۹۱ ..... دعای یافتن گمشده
- ۵۹۲ ..... حکم تعویذ همراه جنب و حائض
- ۵۹۲ ..... تعویذهای نامناسب
- ۵۹۳ ..... فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواص برخی داروها
- ۵۹۳ ..... تربت امام حسین علیه السلام
- ۵۹۳ ..... محدوده تربت و دعای هنگام برداشتن آن
- ۵۹۴ ..... فواید و خواص تربت
- ۵۹۵ ..... تربت و ایمنی از بلا و تلف و ترس
- ۵۹۶ ..... مقدار خوردن تربت
- ۵۹۶ ..... تسبیح تربت
- ۵۹۷ ..... شرط اثربخشی تربت
- ۵۹۷ ..... آداب استفاده از تربت
- ۵۹۸ ..... خرید و فروش تربت
- ۵۹۸ ..... تربت گذاشتن در کفن
- ۵۹۹ ..... خواص برخی خوراکی ها و گیاهان

۵۹۹	عَتَاب
۵۹۹	سیاهدانه
۶۰۰	اسفند
۶۰۰	انجیر
۶۰۱	کُندر وهلیله زرد
۶۰۱	خرفه و کرفس
۶۰۱	بادروج و کاهو و سداب
۶۰۲	اسفرزه و سنا و کاسنی
۶۰۴	نمک و سرکه و اُشنان
۶۰۴	زنیان و گردو و آبشم
۶۰۵	زنیان و آبشم و سیاهدانه
۶۰۵	عسل
۶۰۶	فصل دهم: آداب معاشرت با مردم و حقوق آنان
۶۰۶	اشاره
۶۰۸	حقوق خویشاوندان و خادمان
۶۰۸	اهمیت صلّه رحم و فواید آن در دنیا
۶۰۹	فواید صلّه رحم برای آخرت
۶۱۱	حقّ صلّه رحم
۶۱۱	رعایت حقوق خادمان
۶۱۲	حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیلّه
۶۱۲	رعایت حقوق همسایگان
۶۱۲	اهمیت حقّ همسایه
۶۱۲	حقوق همسایه و حدود همسایگی
۶۱۳	بدترین بلاها
۶۱۴	زبان های همسایه آزاری و فواید رعایت حقوق همسایه
۶۱۴	حقوق یتیمان



- ۶۱۴----- سرپرستی یتیمان
- ۶۱۵----- یتیم نوازی و پاداش آن در دنیا و آخرت
- ۶۱۶----- مجازات به ناحق خوردن مال یتیمان
- ۶۱۷----- حقوق قبیله و عشیره
- ۶۱۸----- اُخْوَت و صداقت
- ۶۱۸----- اُخْوَت و برادری
- ۶۱۸----- اهمیت اُخْوَت
- ۶۱۹----- انواع و آثار اخْوَت
- ۶۲۰----- حقوق و پاداش اخْوَت
- ۶۲۰----- دوستی
- ۶۲۰----- اهمیت دوستی
- ۶۲۱----- معیارهای دوستی
- ۶۲۲----- مراتب و حقوق دوستی
- ۶۲۳----- حدّ دوستی و مقدار توقّع از دوست
- ۶۲۴----- حرمت دوستان پدر و محبّت بیجا
- ۶۲۴----- حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حُسن معاشرت با مردم
- ۶۲۴----- اهمیت حقّ مؤمن
- ۶۲۵----- حقّ مؤمن بر مؤمن
- ۶۲۶----- حقّ مسلمان بر مسلمان
- ۶۲۸----- برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران
- ۶۲۸----- برآوردن حاجت مؤمن
- ۶۲۸----- اهمیت برآوردن حاجت
- ۶۲۹----- پاداش دنیوی برآوردن حاجت
- ۶۳۰----- پاداش اخروی برآوردن حاجت
- ۶۳۳----- پاداش غمگین شدن برای مشکل دیگران
- ۶۳۴----- مجازات اجابت نکردن درخواست مؤمنان

- ۶۳۵ ..... چگونگی رفتار با مردم
- ۶۳۶ ..... شاد کردن دیگران
- ۶۳۶ ..... اهمیت شاد کردن مؤمن
- ۶۳۶ ..... پاداش شاد کردن مؤمنان
- ۶۳۸ ..... دیدار مؤمن و عیادت از بیماران
- ۶۳۸ ..... دیدار مؤمن
- ۶۳۸ ..... اهمیت دیدار مؤمن
- ۶۳۹ ..... پاداش دیدار مؤمن
- ۶۴۰ ..... آثار دیدار مؤمن
- ۶۴۱ ..... عیادت بیماران
- ۶۴۱ ..... اعلان بیماری و اجازه ملاقات
- ۶۴۱ ..... آداب عیادت از بیمار
- ۶۴۲ ..... پاداش عیادت از بیمار
- ۶۴۳ ..... اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک ها به مؤمنان
- ۶۴۳ ..... اطعام کردن مؤمنان
- ۶۴۳ ..... اهمیت اطعام کردن
- ۶۴۴ ..... پاداش های دنیوی اطعام کردن
- ۶۴۵ ..... پاداش های آخروی اطعام کردن
- ۶۴۵ ..... مجازات ترک اطعام کردن
- ۶۴۶ ..... سیراب کردن
- ۶۴۶ ..... پوشانیدن برهنه و سکنی دادن بی خانمان ها
- ۶۴۷ ..... برطرف کردن مانع سر راه مردم
- ۶۴۷ ..... هدیه دادن
- ۶۴۸ ..... حقوق فقرا، ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان
- ۶۴۸ ..... فقرا و نیازمندان
- ۶۴۸ ..... حقیقت فقر

- ۶۴۸ ..... طرز رفتار با نیازمندان
- ۶۴۹ ..... وضعیت فقرا در جهان آخرت
- ۶۵۰ ..... پاداش صبر بر فقر ومجازات بی حرمتی به نیازمندان
- ۶۵۱ ..... بنده مؤمن
- ۶۵۱ ..... مقام مؤمن
- ۶۵۲ ..... چرا مؤمن را مؤمن گویند
- ۶۵۲ ..... ترسانیدن مسلمان ودشنام دادن مؤمن
- ۶۵۲ ..... مجازات تحقیر کردن مؤمن
- ۶۵۳ ..... مجازات آزار دادن مؤمن
- ۶۵۴ ..... مجازات ترک کردن یاری مؤمن
- ۶۵۵ ..... پاداش گرمی داشتن مؤمن
- ۶۵۷ ..... مجازات نپذیرفتن دیدارکننده
- ۶۵۸ ..... احترام به بزرگسالان
- ۶۵۸ ..... کمک به نابینایان وناشنوایان
- ۶۵۹ ..... مبتلایان به بیماری های سخت
- ۶۵۹ ..... به اهل بلا زیاد نگاه نکنید
- ۶۶۰ ..... اذکار مخصوص در برخورد با بلادیدگان
- ۶۶۰ ..... آداب رفتار با مبتلایان به خوره
- ۶۶۱ ..... رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان
- ۶۶۱ ..... غیبت
- ۶۶۱ ..... ماهیت غیبت
- ۶۶۲ ..... غیبت را ترک کنید
- ۶۶۳ ..... مجازات غیبت کننده
- ۶۶۴ ..... آثار ردّ غیبت وپاداش ترک آن
- ۶۶۵ ..... استثنائات غیبت
- ۶۶۶ ..... حفظ الغیب

- ۶۶۶ ..... برادر مؤمن را تصدیق کن
- ۶۶۷ ..... سرزنش کردن و شماتت مؤمن
- ۶۶۷ ..... تهمت زدن و گمان بد بردن
- ۶۶۸ ..... سخن چینی
- ۶۶۸ ..... قهر و آشتی
- ۶۶۹ ..... آداب رفتار با ظالمان
- ۶۶۹ ..... وضعیت حاکمان ظالم
- ۶۷۰ ..... جایگاه حاکمان عادل
- ۶۷۰ ..... کیفیت رفتار با حاکمان
- ۶۷۰ ..... اطاعت از حاکم و حکم یاری کردن او
- ۶۷۱ ..... تحریک کردن حاکم ظالم، یا مدارا کردن با وی
- ۶۷۱ ..... بقای ظالم را دوست نداشته باش و به ظلمش کمک نکن
- ۶۷۲ ..... به در خانه ظالم نرو
- ۶۷۳ ..... همکاری با ظالمین
- ۶۷۴ ..... جبران کردن همکاری با ظالم
- ۶۷۵ ..... منازعه با حاکم و استفاده از اموال وی
- ۶۷۶ ..... نصیحت حاکم و رساندن حاجات مردم به او
- ۶۷۶ ..... مجازات ها و پبی امدها
- ۶۷۶ ..... مجازات مدح یا راهنمایی ظالم
- ۶۷۷ ..... مجازات درخواست از حاکم ظالم
- ۶۷۷ ..... گناه و مجازات همکاری با حاکمان ظالم
- ۶۷۸ ..... مجازات توجیه ظلم ظالم و خضوع در برابر ثروتمند مغرور
- ۶۷۹ ..... مجازات به ناحق حکومت کردن و به کار مردم رسیدگی نکردن
- ۶۸۰ ..... مجازات جباران
- ۶۸۰ ..... مجازات ظالمان
- ۶۸۱ ..... آداب معاشرت با کافران و مخالفان

- ۶۸۱ ----- معاشرت با کافران
- ۶۸۲ ----- معاشرت کردن با مخالفان
- ۶۸۴ ----- حقوق مردگان بر زندگان
- ۶۸۴ ----- وظیفه محتضر
- ۶۸۶ ----- وصیت کردن نیکو
- ۶۸۹ ----- دعای محتضر در حال احتضار
- ۶۸۹ ----- وظیفه اطرافیان محتضر
- ۶۹۰ ----- محتضری که جان کندنش دشوار است
- ۶۹۰ ----- دست بر محتضر نگذارید، برایش قرآن بخوانید
- ۶۹۱ ----- تلقین
- ۶۹۱ ----- تلقین لا إله إلا الله
- ۶۹۱ ----- تلقین کلمات فرج
- ۶۹۲ ----- تلقین شهادتین و اقرار به ائمه علیهم السلام
- ۶۹۳ ----- تلقین دعای خاص
- ۶۹۴ ----- پس از مرگ
- ۶۹۴ ----- آداب تشییع جنازه
- ۶۹۴ ----- خبردار کردن مؤمنان
- ۶۹۴ ----- ثواب حضور در تشییع جنازه
- ۶۹۶ ----- آداب شرکت جستن در تشییع جنازه
- ۶۹۶ ----- دعای هنگام دیدن جنازه
- ۶۹۷ ----- آداب غسل دادن میت
- ۶۹۸ ----- کفن کردن میت
- ۶۹۸ ----- نماز خواندن بر میت
- ۶۹۸ ----- آثار شهادت دادن برای میت
- ۶۹۹ ----- آداب دفن کردن میت
- ۷۰۰ ----- تسلی دادن صاحبان عزا

۷۰۰	..... زیارت اهل قبور
۷۰۰	..... مردگان خبردار و شاد می شوند
۷۰۱	..... ثواب زیارت اهل قبور
۷۰۴	..... فصل یازدهم: آداب مجالس
۷۰۴	..... اشاره
۷۰۶	..... فضیلت سلام کردن و آداب آن
۷۰۶	..... اهمیت سلام کردن
۷۰۷	..... حکم سلام کردن و پاسخ آن
۷۰۷	..... به چنین کسانی سلام نکنید
۷۰۸	..... آداب سلام کردن
۷۱۰	..... سلام رخصت
۷۱۱	..... پاداش سلام کردن
۷۱۱	..... فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن
۷۱۱	..... اشاره
۷۱۱	..... اهمیت مصافحه کردن
۷۱۲	..... آداب مصافحه کردن
۷۱۲	..... آثار دنیوی مصافحه کردن
۷۱۳	..... پاداش آخروی مصافحه کردن
۷۱۴	..... معانقه (به هنگام ملاقات دست در گردن یکدیگر کردن)
۷۱۶	..... روبوسی کردن
۷۱۷	..... آداب نشستن در مجالس
۷۱۷	..... رفتن به مجلسی بدون دعوت
۷۱۸	..... آداب ورود به مجلس و نشستن
۷۱۹	..... جایگاه صدر مجلس
۷۱۹	..... آداب و روش های نشستن
۷۲۱	..... آداب ملاقات میزبان با میهمان

- ۷۲۱ ..... اهمیت میهمان داری
- ۷۲۲ ..... وظایف میزبان
- ۷۲۲ ..... گرامیداشت بزرگسالان
- ۷۲۳ ..... ردّ احسان ممنوع
- ۷۲۳ ..... پاداش پذیرایی از مؤمن
- ۷۲۴ ..... مجالس مناسب و همنشینان شایسته
- ۷۲۴ ..... همنشینی
- ۷۲۴ ..... اهمیت همشین
- ۷۲۵ ..... همنشینان خوب
- ۷۲۵ ..... هر که عیب تو را گوید
- ۷۲۵ ..... همنشینی با کسانی که تو را به یاد خدا آورند
- ۷۲۶ ..... همنشینی با اهل دین و معرفت
- ۷۲۷ ..... همنشینان بد
- ۷۲۷ ..... اصحاب بدعت، احمقان و جاهلان
- ۷۲۷ ..... زینت دهنده گناه و انسان های بد
- ۷۲۹ ..... توانگران خدانشناس
- ۷۲۹ ..... فاجر و پست
- ۷۳۰ ..... دروغگو، فاسق، بخیل، قاطع رحم، متهم
- ۷۳۱ ..... بی وفاء، ناسپاس، رازدار، قدرشناس علم
- ۷۳۱ ..... همنشینان پدر
- ۷۳۱ ..... حدّ همنشینی و حقّ آن
- ۷۳۲ ..... مجالس خوب و بد
- ۷۳۲ ..... مجالس شایسته
- ۷۳۲ ..... مجالس ناشایست
- ۷۳۳ ..... آداب عطسه زدن
- ۷۳۳ ..... اهمیت عطسه زدن و فلسفه آن

- آداب عطسه زدن - ۷۳۴
- ذکر عطسه کننده - ۷۳۴
- ذکر شنونده عطسه - ۷۳۵
- پاسخ عطسه کننده - ۷۳۶
- تکرار عطسه - ۷۳۷
- حدیث جامع آداب عطسه - ۷۳۷
- مزاح کردن، خندیدن، سخن درگوشی، رازداری، آداب سخن گفتن - ۷۳۸
- آداب سخن گفتن - ۷۳۸
- رازداری مجالس - ۷۳۸
- مزاح و شوخی کردن - ۷۳۹
- اهمیت شوخی کردن - ۷۳۹
- شوخی های ناروا - ۷۳۹
- خنده های ناروا - ۷۴۰
- قهقهه زدن - ۷۴۱
- آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر - ۷۴۲
- اهمیت همنشینی نیکو - ۷۴۲
- حق مصاحبت - ۷۴۳
- پرسش از نام و قبيله - ۷۴۳
- ترک مجادله و فراموش کردن کینه - ۷۴۳
- رفتار نیکو با همنشین - ۷۴۴
- روش های همنشینی نیکو - ۷۴۴
- فواید و آثار همنشینی نیکو - ۷۴۵
- اظهار محبت کردن و رعایت عدالت - ۷۴۶
- همنشینان بد - ۷۴۶
- این گونه سخن نگو - ۷۴۷
- فضیلت یاد خدا در مجالس - ۷۴۷



- ۷۴۷ ..... اهمیت یاد خدا
- ۷۴۸ ..... یاد خدا در همه جا
- ۷۴۸ ..... ذکر پایان مجالس
- ۷۴۹ ..... حسرت ترک کردن ذکر خدا
- ۷۵۰ ..... رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آئمه علیهم السلام در مجالس
- ۷۵۰ ..... اهمیت ذکر محمد و آل محمد
- ۷۵۱ ..... فواید ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام
- ۷۵۲ ..... همکاران فرشتگان و همکاران شیطان
- ۷۵۳ ..... تحصیل و مباحثه علوم اهل بیت علیهم السلام
- ۷۵۴ ..... مشورت و آداب آن
- ۷۵۴ ..... اهمیت مشورت
- ۷۵۴ ..... با چه کسانی مشورت کنیم
- ۷۵۵ ..... وظیفه مشاور
- ۷۵۶ ..... فایده مشورت
- ۷۵۶ ..... کسانی که نباید با آنها مشورت کرد
- ۷۵۷ ..... نامه نگاری
- ۷۵۷ ..... اهمیت نوشتن نامه
- ۷۵۷ ..... آداب نامه نگاری
- ۷۵۸ ..... جواب نامه و روش های از بین بردن نامه
- ۷۶۱ ..... فصل دوازدهم: آداب وارد شدن و خارج شدن از خانه
- ۷۶۱ ..... اشاره
- ۷۶۳ ..... خانه گشاده
- ۷۶۳ ..... خانه وسیع
- ۷۶۴ ..... خانه کوچک و تنگ
- ۷۶۴ ..... مذمت خانه به خانه شدن
- ۷۶۵ ..... مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه

- ۷۶۵ ..... ساختن بنای اضافه بر نیاز
- ۷۶۵ ..... مجازات کسب پول حرام
- ۷۶۶ ..... بناهای گران قیمت و خانه های ریایی
- ۷۶۶ ..... ساختن سقف های بلند
- ۷۶۷ ..... مجسمه سازی و کشیدن نقاشی
- ۷۶۷ ..... اشاره
- ۷۶۸ ..... مجسمه سازی
- ۷۶۸ ..... نقاشی های ممنوع
- ۷۶۸ ..... نقاشی های مجاز
- ۷۶۹ ..... آداب فرش کردن خانه
- ۷۶۹ ..... فرشی که بدان نیاز است
- ۷۶۹ ..... فرش جهیزیه همسران
- ۷۷۰ ..... چگونگی فرش
- ۷۷۰ ..... فرش حضرات معصومین علیهم السلام
- ۷۷۰ ..... فرش ابریشم و فرش های دارای نقش
- ۷۷۱ ..... آداب عبادت کردن در خانه
- ۷۷۱ ..... محلّ ویژه عبادت
- ۷۷۲ ..... فلسفه عبادت در خانه
- ۷۷۳ ..... نگهداری حیوانات در خانه
- ۷۷۳ ..... فضیلت نگهداری کبوتر
- ۷۷۴ ..... فواید نگهداری کبوتر
- ۷۷۵ ..... نگهداری خروس
- ۷۷۶ ..... اهمّیت دامداری
- ۷۷۷ ..... نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر
- ۷۷۷ ..... پرندگان
- ۷۷۷ ..... فاخته

- ۷۷۸ ..... پرستو، زنبور عسل، کرکس، قورباغه
- ۷۷۹ ..... هدهد وچکاوک
- ۷۸۰ ..... طاووس
- ۷۸۰ ..... گنجشک
- ۷۸۱ ..... وقت شکار پرندگان
- ۷۸۱ ..... کشتن، آتش زدن و شکنجه حیوانات
- ۷۸۲ ..... نگهداری سگ در خانه
- ۷۸۲ ..... کراهِت و مجازات نگهداری سگ
- ۷۸۳ ..... موارد مجاز نگهداری سگ
- ۷۸۴ ..... چیزهایی که حیوانات می فهمند و ما نمی فهمیم
- ۷۸۴ ..... آداب خانه خریدن
- ۷۸۴ ..... ولیمه خریدن و ساختن خانه
- ۷۸۴ ..... آداب چراغ افروختن
- ۷۸۶ ..... سایر آداب خانه
- ۷۸۶ ..... مکروهات
- ۷۸۶ ..... سکونت در خانه بی در و پرده
- ۷۸۶ ..... تنها خوابیدن
- ۷۸۶ ..... نگهداری خاکروب و دستمال آلوده در خانه
- ۷۸۷ ..... نگاه کردن به خانه همسایه
- ۷۸۸ ..... مستحبات خانه داری
- ۷۸۸ ..... جاروب کردن
- ۷۸۸ ..... پاک کردن تار عنکبوت ها
- ۷۸۸ ..... بستن در ظرف آب و غذا و حفاظت از کودکان و چهارپایان
- ۷۸۹ ..... آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه
- ۷۸۹ ..... آداب وارد شدن به خانه
- ۷۹۰ ..... دعای هنگام بیرون رفتن از خانه

- ۷۹۱ ..... فایده دعا خواندن هنگام بیرون رفتن از خانه
- ۷۹۳ ..... طلب حاجت کردن
- ۷۹۵ ..... فصل سیزدهم: آداب پیاده روی، سواری، تجارت، زراعت
- ۷۹۵ ..... اشاره
- ۷۹۷ ..... سوار شدن چهارپایان
- ۷۹۷ ..... آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان
- ۷۹۹ ..... آداب زین کردن ولجام زدن
- ۷۹۹ ..... دعاها و آداب سواری
- ۷۹۹ ..... ادعیه هنگام سوار شدن
- ۸۰۰ ..... آداب سواری
- ۸۰۱ ..... آداب پیاده روی
- ۸۰۱ ..... چگونه باید راه رفت؟
- ۸۰۲ ..... آداب راه رفتن
- ۸۰۳ ..... سفارش های جامع امام صادق علیه السلام
- ۸۰۳ ..... بهترین اموال
- ۸۰۴ ..... آداب خریداری و نگهداری حیوانات
- ۸۰۵ ..... بخشی از احوالات و اقسام حیوانات
- ۸۰۵ ..... سر تنوع وجدایی حیوانات
- ۸۰۵ ..... حیوانات و تسبیح خدا
- ۸۰۶ ..... فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن
- ۸۰۶ ..... تجارت و کار و تلاش کردن
- ۸۰۶ ..... ارزش و فضیلت تجارت
- ۸۰۷ ..... تجارت کردن یا عبادت کردن
- ۸۰۷ ..... سربار مردم نشوید
- ۸۰۸ ..... طلب کردن دنیا یا آخرت
- ۸۰۸ ..... استفاده نکردن از بیت المال

- توانگری ..... ۸۰۹
- وقت تجارت ..... ۸۰۹
- کسب روزی حلال ..... ۸۰۹
- اشاره ..... ۸۰۹
- روزی رسان خداست ..... ۸۱۰
- آداب تجارت ..... ۸۱۱
- فراگیری احکام تجارت واهمیت آن ..... ۸۱۱
- کارهایی که به هنگام تجارت باید ترک کرد ..... ۸۱۲
- آداب تجارت ..... ۸۱۳
- دعای هنگام وارد شدن به بازار ..... ۸۱۴
- خواندن دعا در بازار ..... ۸۱۶
- دعای هنگام خرید وپس از آن ..... ۸۱۷
- با چنین کسانی معامله نکنید ..... ۸۱۹
- برخی معاملات مکروه ..... ۸۲۰
- درآمد واجرت معلم قرآن ..... ۸۲۰
- خرید وفروش ودستمزد کتابت قرآن ..... ۸۲۱
- فضیلت زراعت ودرختکاری ..... ۸۲۱
- ارزش وفضیلت زراعت ..... ۸۲۱
- فضیلت درختکاری ..... ۸۲۳
- باغ وباغداری ..... ۸۲۴
- آداب زراعت ودرختکاری ..... ۸۲۴
- آداب زراعت ..... ۸۲۴
- آداب درختکاری ..... ۸۲۵
- دعای هنگام درختکاری ..... ۸۲۵
- بارور کردن درخت خرما وآبیاری درخت سدر ..... ۸۲۶
- فلسفه درختان بدون میوه ودرمان میوه های گرم زده ..... ۸۲۶

۸۲۷	بریدن درخت
۸۲۹	فصل چهاردهم: آداب سفر
۸۲۹	اشاره
۸۳۱	سفر کردن، روزها وساعت های خوب و بد
۸۳۱	هدف از سفر کردن
۸۳۱	سفر کردن به مقدار ضرورت
۸۳۲	روزهای نیک برای سفر کردن
۸۳۳	روزهای نامیمون برای سفر کردن
۸۳۴	اموری که نحوست های سفر را از بین می برد
۸۳۴	صدقه دادن
۸۳۵	خواندن دعا به هنگام سفر
۸۳۷	کتاب های نجوم را بسوزان
۸۳۷	آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر
۸۳۷	غسل کردن پیش از سفر
۸۳۸	نماز خواندن پیش از سفر
۸۴۰	دعا خواندن پیش از رفتن به سفر
۸۴۴	دعای سفر
۸۴۴	اشاره
۸۴۵	همراه داشتن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در سفر
۸۴۶	انگشتر به دست کردن در سفر
۸۴۷	خواندن سوره عبس در سفر
۸۴۷	به همراه بردن تعویذ در سفر
۸۴۸	وسایل سفر پیامبر صلی الله علیه و آله و سفارشات لقمان
۸۴۸	توشه سفر
۸۴۸	اهمیت به همراه بردن توشه سفر
۸۴۹	توشه لازم برای سفر

- ۸۴۹ ----- اعتدال و میانه روی در هزینه های سفر
- ۸۵۰ ----- مراقبت از توشه سفر
- ۸۵۰ ----- آداب معاشرت با همسفر
- ۸۵۰ ----- آداب سفر
- ۸۵۰ ----- تنها سفر نکن
- ۸۵۱ ----- حق همسفر
- ۸۵۱ ----- هزینه های سفر
- ۸۵۲ ----- همسفران
- ۸۵۲ ----- اهمیت و تعداد همسفر
- ۸۵۲ ----- ویژگی های علمی و اخلاقی و مالی همسفر
- ۸۵۴ ----- سایر آداب سفر
- ۸۵۴ ----- سفارشات لقمان در مورد سفر و همسفران
- ۸۵۶ ----- مرورت در سفر و حضر
- ۸۵۷ ----- کمک کردن به مسافران
- ۸۵۷ ----- توشه سفر
- ۸۵۸ ----- همراهی با همسفران
- ۸۵۸ ----- آداب راه رفتن و فرود آمدن
- ۸۵۸ ----- اشاره
- ۸۵۹ ----- آداب فرود آمدن
- ۸۵۹ ----- مدارا کردن با مرکب
- ۸۶۰ ----- دعاهای مسیر راه و منازل
- ۸۶۰ ----- دعاها و اذکار سفر
- ۸۶۲ ----- دعای ایمنی از دشمنان و دزدان
- ۸۶۳ ----- دعای منازل بین راه
- ۸۶۶ ----- دعا به هنگام رسیدن به مقصد
- ۸۶۶ ----- آداب سفرهای دریایی و عبور از پل ها

- ۸۶۶ ..... سفر دریا -
- ۸۶۶ ..... حکم سفرهای دریایی .....
- ۸۶۷ ..... آداب ودعای سوار شدن کشتی .....
- ۸۶۹ ..... دعا به هنگام ترس از غرق شدن .....
- ۸۷۰ ..... ذکر ودعای عبور کردن از پل .....
- ۸۷۰ ..... آداب مشایعت واستقبال کردن از مسافر .....
- ۸۷۰ ..... خواندن دعای سفر .....
- ۸۷۱ ..... مشایعت کردن واستقبال از مسافر .....
- ۸۷۲ ..... سوغاتی آوردن وآداب پس از سفر .....
- ۸۷۳ ..... آداب اسب سواری وتیراندازی .....
- ۸۷۳ ..... مسابقات .....
- ۸۷۳ ..... اسب سواری .....
- ۸۷۳ ..... تیراندازی .....
- ۸۷۴ ..... شترسواری .....
- ۸۷۴ ..... کشتی .....
- ۸۷۵ ..... دفاع وجهاد .....
- ۸۷۸ ..... تحقیقی در مورد مسابقات اسب سواری وتیراندازی .....
- ۸۷۸ ..... جایزه دهندگان وجایزه گیرندگان .....
- ۸۷۹ ..... شرایط مسابقه اسب سواری .....
- ۸۸۰ ..... نام اسب های مسابقه .....
- ۸۸۰ ..... شرایط تیراندازی .....
- ۸۸۲ ..... اقسام نشانه گیری .....
- ۸۸۳ ..... خاتمه: برخی آداب متفرقه وفواید سودمند .....
- ۸۸۳ ..... اشاره .....
- ۸۸۵ ..... آغاز کردن هر کار به نام خدا وگفتن ان شاءالله .....
- ۸۸۶ ..... علل فراموشی واسباب تقویت حافظه .....



- ۸۸۶ ..... عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه
- ۸۸۶ ..... عوامل فقر و غنی
- ۸۸۷ ..... اشعار ممدوح و مذموم
- ۸۸۸ ..... مجازات لواط در دنیا و آخرت
- ۸۸۹ ..... پندهای امام صادق علیه السلام
- ۸۸۹ ..... برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۸۹۱ ..... محرومان از نظر رحمت پروردگار و بهشت
- ۸۹۲ ..... مساحقه (همجنس بازی زنان) و عقوبت شدید آن
- ۸۹۲ ..... مسلمانان کافر!
- ۸۹۲ ..... مست همچون بت پرست است
- ۸۹۲ ..... موسیقی و قمار
- ۸۹۴ ..... مناهی التبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)
- ۹۰۵ ..... فهرست منابع
- ۹۱۴ ..... درباره مرکز

سرشناسه : مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ق.

عنوان و نام پدیدآور : حلیه المتقین / مولف محمد تقی مجلسی؛ با مقدمه مکارم شیرازی؛ بازنگری و تحقیق ابوالقاسم علیان نژادی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۸۲۱ ص.

شابک : ۲۴۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۱۸۰-۹

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۸۱۳] - ۸۲۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : اخلاق شیعی

موضوع : \* Shiite ethics

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : Hadiths - Ethics

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ ق.

موضوع : Hadith (Shiites) -- Texts -- ۱۷th century

موضوع : رستاخیز

موضوع : Resurrection

موضوع : شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع : Shi'ah -- Controversial literature

شناسه افزوده : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -، مقدمه نویس

شناسه افزوده : علیان نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳ -

رده بندی کنگره : BP۲۴۷/۶۵/م۳ح۸ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۰۵۲۵۵

ص: ۱

**اشاره**







## فهرست مطالب

مقدمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) ۴۱

ضرورت ویرایش و تحقیق کتاب حلیه المتقین ۴۵

نکاتی درباره کارهای انجام شده ۴۷

نگاهی گذرا به زندگی علامه مجلسی رحمه الله ۴۹

ولادت و خاندان ۴۹

دوران تحصیل ۵۰

اساتید و شیوخ اجازه ۵۰

جانشینی پدر ۵۱

شاگردان و راویان ۵۱

تألیفات ۵۲

حلیه المتقین ۵۳

علامه در سفر ۵۳

علامه مجلسی و سیاست ۵۴

علامه از منظر اهل نظر ۵۵

وفات علامه مجلسی رحمه الله ۵۶

مقدمه علامه مجلسی رحمه الله ۵۹

فصل اول: آداب پوشیدن لباس و کفش / ۶۳

فضیلت آراستن ۶۵

اظهار نعمت های پروردگار ۶۵

خود را برای خودی ها بیاراید ۶۶

لباس خوب از مال حلال ۶۶

لباس زیرین و رویین ۶۷

آراسته بودن در بیرون خانه ۶۸

فلسفه سختی های دنیا ۶۸



لباس های حرام ۶۹

لباس ابریشمین ۷۰

زیورآلات طلا و نقره ۷۰

بهترین لباس ۷۱

لباس پنبه ای و پشمین ۷۱

لباس کتان و خز ۷۳

رنگ لباس ۷۳

لباس سفید و زرد ۷۴

لباس قرمز و کبود ۷۴

لباس سبز سیر و سیاه ۷۵

برخی آداب لباس پوشیدن ۷۶

حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران ۷۸

عمامه بستن و کلاه پوشیدن ۷۹

عمامه بر سر گذاشتن ۷۹

کلاه پوشیدن ۸۱

آداب پوشیدن پاجامه (شلوار راحتی) ۸۱

آداب لباس نو بریدن و پوشیدن ۸۲

دعاهای هنگام بریدن و پوشیدن لباس نو ۸۲

پوشیدن لباس نو و رهایی یافتن از آفات ۸۴

شکرانه پوشیدن لباس نو ۸۴

دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس ۸۵

هیچ گاه به طور کامل برهنه نشوید ۸۵

ویژگی های پوشش بانوان ۸۵

اسراف در پوشش ۸۶

پاکیزگی و نظافت لباس ۸۶

وصله زدن به لباس ۸۷

رنگ کفش و ویژگی های دیگر آن ۸۷

اهمیت پوشیدن کفش ۸۸

چه کفشی بپوشیم ۸۸

آداب پوشیدن کفش ۹۰

استراحت دادن به پاها ۹۱

دعای پوشیدن کفش ۹۱

فصل دوم: زیورآلات و نوع زینت مردان و زنان / ۹۳

فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن ۹۵

استحباب انگشتر در دست راست کردن ۹۵

انگشتر در کدام دست کنیم ۹۷

انگشتر در کدام انگشت نکنیم ۹۷

دعای انگشتر در دست کردن ۹۷

جنس انگشتر ۹۸

چگونگی انگشتر ۹۸

انگشترهای نامناسب ۹۸

فضیلت عقیق ۹۹

اهمیت عقیق در دست کردن ۹۹

آثار و خواص عقیق در دست کردن ۱۰۰

فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد ۱۰۳

انگشتر یاقوت و رفع فقر و پریشانی ۱۰۳

انگشتر زمرد و راحتی و توانگری ۱۰۴

انگشتر زبرجد در دست کردن ۱۰۴

فضیلت فیروزه و جزع یمانی ۱۰۴

خواص انگشتر فیروزه ۱۰۴

خواص انگشتر جزع یمانی ۱۰۵

فضیلت دُرّ نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین ها ۱۰۶

نقش نگین ۱۰۸

اهمیت نقش نگین انگشتر ۱۰۸

نقش نگین انگشتر پیامبران ۱۰۸

نقش نگین انگشتر امامان علیهم السلام ۱۱۰

آثار و خواصّ نقش نگین ۱۱۴

پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان ۱۱۷

زیور کودکان ۱۱۷

زیور زنان ۱۱۷

آراستن دیگر چیزها با طلا ۱۱۸

آداب سرمه کشیدن ۱۱۹

اهمیت سرمه کشیدن ۱۱۹

دعای هنگام سر مه کشیدن ۱۲۰

آثار و فواید سر مه کشیدن ۱۲۱

آداب نگاه کردن در آینه ۱۲۲

اهمیت و فواید نگاه کردن در آینه ۱۲۲

دعاهای هنگام نگاه کردن در آینه ۱۲۲

رنگ کردن موها ۱۲۴

اهمیت رنگ کردن با حنا ۱۲۴

فواید و آثار رنگ کردن ۱۲۵

فلسفه رنگ کردن ۱۲۵

چگونگی و آثار رنگ کردن ۱۲۷

فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن / ۱۲۹

ظرف خوردن و آشامیدن ۱۳۱

غذاهای مجاز و افراط در غذا ۱۳۲

شریک کردن دیگران در غذای خود ۱۳۳

از غذای حلال نمی پرسند ۱۳۳

غذا خوردن در حال سیری ۱۳۴

کم خوری و سلامت تن ۱۳۵

کمترین اسراف در غذا خوردن ۱۳۷

پاره ای از آداب و اوقات غذا خوردن ۱۳۷

وعده های غذایی ۱۳۸

غذای داغ نخورید ۱۳۹

در غذا فوت نکنید ۱۴۰

از جلوی خود شروع به خوردن کنید ۱۴۰

روش غذا خوردن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۴۱

بهترین راه جلوگیری از ضررهای غذا خوردن ۱۴۱

سفارشات امام حسن علیه السلام در مورد غذا خوردن ۱۴۲

سایر آداب غذا خوردن ۱۴۳

تنها غذا خوردن ۱۴۳

سهم نیازمندان از غذاها ۱۴۴

موارد ممنوع یا مکروه، هنگام غذا خوردن ۱۴۴

سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غذا خوردن ۱۴۶

آداب غذا خوردن ۱۴۷

شستن دست ها پیش از غذا خوردن ۱۴۷

شستن دست ها پس از غذا خوردن ۱۴۸

شستن دهان پس از غذا خوردن ۱۴۹

کیفیت نشستن هنگام غذا خوردن ۱۴۹

با چه چیز غذا خوردن را شروع و تمام کنیم؟ ۱۴۹

دعای سفره و آثار آن ۱۵۳

آغاز وانجام غذا با نام و حمد خدا ۱۵۳

آثار شروع به «بسم الله» و ختم به «الحمد لله» ۱۵۴

آثار دعا خواندن هنگام غذا خوردن ۱۵۵

دعای سفره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام ۱۵۶

آداب پس از غذا خوردن ۱۵۸

غذاهای ریخته شده اطراف سفره ۱۵۸

حرمت نان و آثار کفران نعمت ۱۵۹

خوابیدن بعد از غذا ۱۶۰

ترک خدمت کردن به احترام غذا ۱۶۰

در فضیلت برخی غذاها ۱۶۰

مواد غذایی ۱۶۰

گوشت وانواع آن ۱۶۴

غذاهای گوشتی ۱۷۰

غذاهای غیر گوشتی ۱۷۱

لبنیات ۱۷۳

دیگر مواد غذایی ۱۷۵

دعای پس از خوردن و آشامیدن ۱۷۷

سبزی ها و میوه ها و دیگر خوراکی ها ۱۷۸

سبزی ها ۱۷۸

میوه ها ۱۸۵

آداب میوه خوردن ۱۹۳

حبوبات ۱۹۴

خوردن خاک و گِل ۱۹۶



فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن ۱۹۷

میهمان‌داری و فضیلت آن ۱۹۷

قبول کردن دعوت مؤمنین ۱۹۸

ولیمه و میهمانی دادن ۱۹۹

بی دعوت به میهمانی رفتن ۱۹۹

آداب پذیرایی از میهمان ۱۹۹

وظایف میزبان ۲۰۰

میهمان سرزده و دعوت نشده ۲۰۰

به خدمت گرفتن میهمان ۲۰۱

وظایف میزبان در سر سفره ۲۰۱

استقبال و بدرقه میهمان ۲۰۲

وظایف میهمان ۲۰۲

اندازه میهمانی ۲۰۳

فضیلت خلال کردن و آداب آن ۲۰۳

فضیلت وفایده خلال کردن ۲۰۳

چوب خلال ۲۰۴

آداب خلال کردن ۲۰۵

فضیلت نوشیدن آب و انواع آن ۲۰۵

فضیلت نوشیدن آب و خواص آن ۲۰۵

آب هایی که نوشیدن آن سفارش شده ۲۰۶

آب زمزم ۲۰۶

آب فرات ۲۰۷

آب باران و آب ناودان کعبه ۲۰۸

آب خنک ۲۰۸

آب جوشیده ۲۰۹

آب هایی که نوشیدن آن مذموم است ۲۰۹

فلسفه شیرین یا تلخ بودن آب ۲۱۰

آداب خوردن آب ۲۱۰

طرز نوشیدن آب ۲۱۰

آب خوردن در حال ایستاده یا نشسته ۲۱۰

چگونگی آب خوردن ۲۱۱

ظرف آب ۲۱۲

دعاهای قبل و بعد از نوشیدن آب ۲۱۲

ابتدا به نام خدا و انتها به حمد او ۲۱۲

سلام بر حسین شهید ۲۱۴

دعا برای دفع ضرر نوشیدن آب در شب ۲۱۴

مقدار نوشیدن آب ۲۱۴

فصل چهارم: ازدواج، آداب ازدواج، تربیت فرزندان / ۲۱۷

فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت ۲۱۹

ازدواج ودینداری ۲۱۹

ترک ازدواج برای مسائل مالی ۲۲۰

دوست داشتن همسر ۲۲۰

لزوم آمیزش با همسر ۲۲۱

رهبانیت ممنوع ۲۲۱

صفات پسندیده وناپسند زنان ۲۲۲

اهمیت همسر ۲۲۲

معیارهای معنوی همسر خوب ۲۲۴

معیارهای جسمی همسر شایسته ۲۲۵

بهترین وبدترین زنان ۲۲۶

زنی که از کارکنان خداست ۲۲۷

آداب خواستگاری و زمان مناسب آن ۲۲۸

خواستگاری ۲۲۸

زمان عقد و زفاف ۲۲۸

ولیمه ازدواج ۲۲۹

خواندن خطبه عقد ۲۲۹

آداب زفاف و آمیزش ۲۳۰

اوقات مکروه آمیزش ۲۳۱

شب چهارشنبه و هنگام تحت الشعاع ۲۳۱

آمیزش در اوّل و وسط و آخر ماه ۲۳۱

آمیزش هنگام طلوع و غروب آفتاب ۲۳۲

آمیزش در شب عید فطر و عید قربان و در برابر آفتاب ۲۳۲

اوقات حرام آمیزش ۲۳۳

اوقات مستحب آمیزش ۲۳۳

مکان هایی که آمیزش در آن مکروه است ۲۳۴

کارهای مکروه به هنگام آمیزش ۲۳۵

حالت های مکروه به هنگام آمیزش ۲۳۶

آداب پیش از آمیزش ۲۳۷

آداب عروسی ۲۳۸

آمیزش در حَمّام یا بدون روانداز ۲۳۹

دعا و نماز در شب زفاف و هنگام آمیزش ۲۳۹

آداب شب زفاف ۲۳۹

چگونه شیطان شریک نطفه می شود ۲۴۱

دعای هنگام آمیزش ۲۴۲

حقوق زن و شوهر بر یکدیگر ۲۴۳

حقوق شوهر بر زن ۲۴۳

حقوق زن بر شوهر ۲۴۴

دعاهای طلب فرزند و فضیلت آن ۲۴۵

فرزندان در کلام معصومان علیهم السلام ۲۴۵

اهمیت و تعداد فرزند ۲۴۵

تأثیر اعمال فرزند در کارنامه والدین ۲۴۶

پاداش زحمات پدر و مادر ۲۴۶

ثواب دوران بارداری و شیردهی ۲۴۷

دختر یا پسر ۲۴۷

دعا برای فرزنددار شدن ۲۴۸

دعاهای مخصوص ۲۴۸

استغفار ۲۴۹

تلاوت آیاتی از قرآن برای زاد و ولد ۲۵۱

نماز مخصوص، اذان و نام علی ۲۵۲

احکام دوران حمل و زایمان و پس از آن ۲۵۳

پیش از زایمان ۲۵۳

هنگام زایمان ۲۵۳

پس از وضع حمل ۲۵۶

غذای مادر ۲۵۶

تبریک ولادت و رنگ لباس نوزاد ۲۵۶

برداشتن کام طفل ۲۵۷

قطره ریختن در بینی، اذان واقامه گفتن در گوش و غسل دادن نوزاد ۲۵۸

نامگذاری ۲۵۹

نام های نیک ۲۵۹

نام های نامناسب ۲۶۱

عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن ۲۶۱

عقیقه ۲۶۱

اهمیت عقیقه ۲۶۲

فلسفه و زمان عقیقه ۲۶۲

عقیقه برای بزرگسالان ۲۶۲

صدقه یا قربانی به جای عقیقه ۲۶۳

عقیقه کودک هفت روزه ۲۶۳

شرایط عقیقه ۲۶۳

دعای هنگام ذبح گوسفند ۲۶۴

حکم مالیدن خون عقیقه بر نوزاد و هدیه دادن به قابله ۲۶۶

آداب طبخ کردن و خوردن عقیقه ۲۶۶

چه کسانی از گوشت عقیقه نخورند؟ ۲۶۷

تراشیدن موی سر نوزاد ۲۶۷

ختنه کردن ۲۶۷

زمان ختنه کردن ۲۶۷

فلسفه ختنه کردن ۲۶۸

دعای ختنه کردن، تکرار ختنه واحکام ترک ختنه ۲۶۸

آداب شیر دادن و تربیت فرزند ۲۶۹

آداب شیر دادن ۲۷۰

شیرهای ممنوع ۲۷۱

حدّ اقل مدّت شیردهی ۲۷۱

تعلیم و تربیت فرزند ۲۷۱

اهمّیت تربیت فرزند و سنّ بازی و تربیت ۲۷۱

آموختن حدیث و مراحل تربیت فرزند ۲۷۲



رختخواب مستقل و نظافت شبانه ۲۷۳

اجتناب کردن از خرافات ۲۷۳

حقوق فرزند بر والدین ۲۷۴

نفقه فرزندان ۲۷۷

چگونه آرامش پیدا کنیم ۲۷۸

سنّ نامحرم شدن دختران و پسران ۲۷۸

شیطنت در کودکی، نشانه بردباری در بزرگسالی ۲۷۹

رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان ۲۷۹

بخشی از حقوق والدین ۲۸۰

احترام به والدین ۲۸۰

احسان و نیکی به والدین ۲۸۰

نیکی به مادر و حقّ پدر ۲۸۱

پرداخت هزینه های والدین ۲۸۲

عاقّ والدین ۲۸۲

آثار و پاداش احسان به والدین ۲۸۳

مجازات بی حرمتی به والدین ۲۸۴

فصل پنجم: مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب و تراشیدن سر / ۲۸۷

مسواک زدن ۲۸۹

فضیلت مسواک زدن ۲۸۹

سنت پیامبران ۲۸۹

سفارش جبرئیل ۲۹۰

مسواک و نماز ۲۹۰

سرزنش ترک کننده مسواک ۲۹۱

فلسفه مسواک زدن ۲۹۱

آثار و فواید مسواک زدن ۲۹۲

زمان و مکان مسواک زدن ۲۹۲

چگونگی مسواک زدن ۲۹۳

ترک کردن مسواک ۲۹۳

تراشیدن موی سر ۲۹۴

اهمیت تراشیدن موی سر و فواید آن ۲۹۴

زمان تراشیدن موی سر و آداب آن ۲۹۴

آداب نگهداری موی سر ۲۹۵

آداب نگهداری موی سر مردان ۲۹۶

آداب نگهداری موی سر زنان ۲۹۶

فضیلت تراشیدن سیل ۲۹۷

فلسفه تراشیدن سیل و فواید آن ۲۹۷

وقت و مقدار گرفتن شارب ۲۹۷

دعای هنگام گرفتن شارب ۲۹۸

آداب ریش گذاشتن ۲۹۸

درازای ریش ۲۹۸

چگونگی اصلاح ریش ۲۹۹

محاسن سبب زیبایی است ۳۰۰

مجازات تراشیدن ریش ۳۰۰

فضیلت موی سفید ۳۰۰

نخستین موی سفید و فلسفه آن ۳۰۰

فایده موی سفید و حکم کندن آن ۳۰۱

بازی کردن با ریش و کندن موی بینی ۳۰۲

فضیلت ناخن گرفتن ۳۰۳

آداب و اوقات ناخن گرفتن ۳۰۴

زمان ناخن گرفتن ۳۰۴

روز جمعه ۳۰۴

روز پنجشنبه ۳۰۵

سایر روزهای هفته ۳۰۶

چگونه ناخن بگیریم؟ ۳۰۷

دعای هنگام ناخن گرفتن ۳۰۸

دفن مو و ناخن ۳۰۸

فضیلت شانه کردن موی سر و صورت ۳۰۹

آداب و اوقات شانه کردن ۳۱۰

وقت شانه کردن ۳۱۰

چگونگی شانه کردن ۳۱۰

دعای هنگام شانه کردن ۳۱۱

فصل ششم: آداب استفاده از بوی خوش و گل ها و کرم ها و روغن ها / ۳۱۳

سبب پیدایش بوهای خوش در زمین ۳۱۵

فضیلت بوی خوش و آداب آن ۳۱۶

فضیلت بوی خوش ۳۱۶

وقت استفاده از بوی خوش ۳۱۷

بوی خوش برای زنان ۳۱۸

فواید بوی خوش ۳۱۸

کراهت ردّ عطریات ۳۱۹

فضیلت مشک و عنبر و زعفران ۳۲۰

مشک ۳۲۰

فضیلت عنبر و زعفران و عود ۳۲۱

خلوق ۳۲۱

فضیلت غالیه ۳۲۲

فضیلت و آداب روغن زدن ۳۲۳

زمان روغن زدن ۳۲۳

فواید روغن زدن ۳۲۳

آداب روغن زدن ۳۲۴

روغن بنفشه ۳۲۵

فضیلت روغن بنفشه ۳۲۵

فواید روغن بنفشه ۳۲۵

روغن بان وزنبق ۳۲۶

فضیلت روغن بان ۳۲۶

فضیلت روغن زنبق ۳۲۷

فواید سایر روغن ها ۳۲۸

روغن زیتون و گل خیری ۳۲۸

روغن کنجد ۳۲۸

بخور و انواع و آداب آن ۳۲۸

فضیلت بخور ۳۲۸

بخور با عود ۳۲۹

آداب و دعای بخور دادن ۳۳۰

فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گل ها ۳۳۱

خواص گلاب ۳۳۱

گل نرگس و گل مورد ۳۳۱

گل سرخ ۳۳۲

گل موزنگوش ۳۳۳

آداب بوییدن گل ۳۳۳

فصل هفتم: نظافت شخصی / ۳۳۵

فضیلت حمام کردن ۳۳۷

اهمیت حمام رفتن ۳۳۷

فواید حمام کردن ۳۳۷

آداب ورود و خروج ودعاهای حمام ۳۳۸

وقت حمام رفتن ۳۳۸

پوشش عورتین ۳۳۹

شستن پا به هنگام خروج از حمام ۳۳۹

پوشش سر ۳۴۰

دعاها واذکار حمام رفتن ۳۴۰

بایدها ونبایدهای حمام ۳۴۱

نبایدها ۳۴۱

کارهای مجاز ۳۴۳

فضیلت شستن سر و بدن وزدودن بوهای بد ۳۴۳

شستن و خوشبو کردن بدن ۳۴۳

شستن لباس ۳۴۴

درمان کچلی ۳۴۴

فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی ۳۴۵

فواید شست و شو با گل خطمی ۳۴۵

شست و شوی سر با سدر ۳۴۵

فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار) ۳۴۶

اهمیت و فواید دارو کشیدن ۳۴۶

فلسفه دارو کشیدن ۳۴۷

ازاله کردن موی زیر بغل ۳۴۸

وقت دارو کشیدن ۳۴۸

دعاهای هنگام دارو کشیدن ۳۵۰



وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن ۳۵۱

اوقات مناسب و نامناسب ۳۵۱

دارو کشیدن در حال جنابت و نشسته ۳۵۲

روش برطرف کردن بوی ناپسند دارو ۳۵۲

فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره ۳۵۳

آداب غسل جمعه و دیگر غسل ها ۳۵۴

غسل های واجب ۳۵۴

غسل های مستحب ۳۵۵

اوّل: غسل های زمانی ۳۵۵

غسل جمعه ۳۵۶

غسل شب های فرد ماه رمضان ۳۵۷

غسل شب های دهه آخر ماه رمضان ۳۵۸

غسل روز عید فطر و قربان و شب عید فطر ۳۵۸

غسل هشتم و نهم ماه ذوالحجّه ۳۵۹

واوّل و وسط و آخر ماه رجب ۳۵۹

غسل روز مبعث ۳۵۹

غسل شب نیمه شعبان ۳۵۹

غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه) ۳۵۹

غسل روز مباحله (۲۴ ذوالحجّه) و برخی معتقدند روز ۲۵ ذوالحجّه است ۳۶۰

غسل روز دحو الأَرْض (۲۵ ذوالقعدة) ۳۶۰

غسل روز نوروز ۳۶۰

دوم: غسل های مستحب مکانی ۳۶۰

سوم: غسل های مستحب مربوط به برخی اعمال ۳۶۱

فصل هشتم: آداب خوابیدن، بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه / ۳۶۵

اوقات خوابیدن ۳۶۷

خواب بین الطلوعین ۳۶۷

خواب قیلوله ۳۶۹

وضو گرفتن قبل از خواب ۳۷۰

فضیلت و فلسفه وضو گرفتن قبل از خواب ۳۷۰

شب زنده داری سالانه ۳۷۰

مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب ۳۷۲

مکان هایی که خوابیدن در آنها کراهت دارد ۳۷۲

اوقاتی که خوابیدن کراهت دارد ۳۷۳

رفتن به حاجتگاه پیش از خواب ۳۷۳

دیگر آداب خوابیدن ۳۷۳

آداب ودعاهای قبل از خواب ۳۷۴

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ۳۷۴

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ۳۷۵

از امام سجّاد علیه السلام ۳۷۷

از امام باقر علیه السلام ۳۷۷

از امام صادق علیه السلام ۳۷۹

از امام رضا علیه السلام ۳۸۲

برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن ۳۸۲

راه های برطرف کردن ترس به هنگام خواب ۳۸۲

دعاها و ذکرهای خاص ۳۸۲

فصد (رگ زدن) و پرداخت زکات ۳۸۴

دعا برای محتلم نشدن و برطرف کردن بی خوابی ۳۸۴

دعای برطرف کردن خواب های پریشان ۳۸۵

دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب ۳۸۶

چگونه به وقت بیدار شویم؟ ۳۸۶

برطرف کردن بی خوابی ۳۸۷

نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن ۳۸۸

چگونه اموات را در خواب ببینیم؟ ۳۸۸

ذکر از یک پهلوی به پهلوی دیگر شدن ۳۸۹

آداب پس از بیدار شدن ۳۹۰

سرّ خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب ۳۹۱

اقسام خواب دیدن ۳۹۱

خواب راست (رؤیای صادقانه) ۳۹۲

سرّ خواب های خوب و خواب های پریشان ۳۹۳

خواب خود را به کسی نگوئید ۳۹۵

برای خوابتان تعبیر خوب کنید ۳۹۵

تعبیر خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله ۳۹۵

تعبیر خواب امام صادق علیه السلام ۳۹۶

تعبیر خواب امام رضا علیه السلام ۳۹۸

تحقیقی در مورد حقیقت خواب ورؤیا ۳۹۸

آداب بیداری و مذمت پر خوابی ۴۰۳

عواقب پر خوابی ۴۰۳

بیداری های مذموم ۴۰۵

کسانی که خواب ندارند ۴۰۵

رو به آفتاب خوابیدن و نشستن ۴۰۶

آداب حاجتگاه رفتن ۴۰۷

آداب تخلیه ۴۰۷

مکروهات استنجا (تطهیر) ۴۰۹

حاجتگاه و آداب آن ۴۱۱

مستحبات تخلی ۴۱۲

مکروهات تخلی ۴۱۳

فصل نهم: آداب حجامت و تنقیه، داروها و بیماری ها / ۴۱۵

ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن ۴۱۷

پاداش بیماری ۴۱۷

تب ۴۱۹

فلسفه بلاها ۴۲۰

آداب حجامت ۴۲۲

اهمیت حجامت ۴۲۲

زمان مناسب برای حجامت ۴۲۳

اوقات نامناسب ۴۲۵

محلّ حجامت ۴۲۷

آداب حجامت ۴۲۸

آداب قبل از حجامت ۴۲۸

آداب هنگام حجامت ۴۲۸

آداب پس از حجامت ۴۲۹

فواید حجامت ۴۳۰

سفارش های طبّی ائمه علیهم السلام و حکم رجوع به اطبّا ۴۳۲

ضرورت اقدام برای درمان ۴۳۲

چه کسی شفا می دهد؟ ۴۳۲

مراجعه به طیب غیر مسلمان ۴۳۲

زمان مراجعه به طیب ۴۳۳

مصرف دارو به مقدار ضرورت ۴۳۳

پرهیز و امساک ۴۳۴

انواع معالجات ۴۳۵

معالجه با آب، عسل، شیر، باران و مانند آن ۴۳۵

معالجه با صدقه ۴۳۶

معالجه با پیشگیری و آمیزش ۴۳۶

معالجه با حقنه (اماله) ۴۳۷

معالجه با حجامت و حَمّام رفتن ۴۳۷

معالجه با چکاندن دارو در بینی و دارو کشیدن ۴۳۷

معالجات مختلف ۴۳۸

چگونگی نماز انسان مبتلا به چشم درد ۴۳۸

دستورهای طبّی نه گانه ۴۳۸

معالجه انواع تب و تعویذها ۴۴۰

روش های مادّی درمان تب ۴۴۰

آب سرد و سیب ۴۴۰

قند آب ۴۴۱

آب باران و بنفشه ۴۴۲

سنجد و کباب ۴۴۲

برنج ۴۴۲

معالجه تب ۴۴۳

معجون و پالوده مخصوص ۴۴۳

روش های معنوی درمان تب ۴۴۳

آب آیه الکرسی و یاد اهل بیت علیهم السلام ۴۴۴

هفتاد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه یا الله ۴۴۴

اذان و اقامه و سوره حمد ۴۴۵

صدقه و دعا های مخصوص ۴۴۵



تعوید تب ۴۴۸

نشانه های فشار خون ۴۵۱

دعای عیادت از بیمار ۴۵۱

دعاهای جامع همه دردها و داروهای ترکیبی ۴۵۱

دعاهای جامع، یا دعادرمانی ۴۵۱

درمان بیماری های مختلف با داروهای گیاهی ۴۵۳

درمان سردی، عقرب زدگی و مارزدگی ۴۵۳

درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه ۴۵۴

درمان سردرد و سردی سر ۴۵۵

درمان زکام ۴۵۵

معالجه انواع بیماری های سر ۴۵۶

درمان سردرد ۴۵۶

درمان درد شقیقه و گوش ۴۵۷

درمان اختلالات مغزی و بیماری صرع ۴۵۸

درمان بیماری های چشم و گوش و دندان ۴۵۹

معالجه چشم درد ۴۵۹

معالجه با آیات قرآن ۴۵۹

معالجه با دعا ۴۵۹

درمان ضعف چشم و شب کوری ۴۶۰

درمان چشم درد با دارو ۴۶۱

معالجه گوش ۴۶۴

درمان گوش درد با قرآن ۴۶۴

درمان گوش درد با داروی گیاهی ۴۶۵

معالجه دندان ۴۶۶

درمانی دیگر ۴۶۷

درمان دندان درد با دارو ۴۶۸

معالجه برخی از بیماری های پوستی ۴۶۸

درمان پیسی ۴۶۸

درمان خوره (جذام) ۴۷۰

درمان بهق ۴۷۱

درمان زگیل ۴۷۲

درمان دمل و طاعون ۴۷۲

درمان خنازیر و ورم ۴۷۳

درمان غده ۴۷۴

معالجه بیماری های داخلی ۴۷۵

درمان بیماری های شکم ۴۷۵

معالجه درد شکم ۴۷۵

معالجه ناراحتی شکم ۴۷۵

درمان درد سینه ۴۷۶

درمان درد طحال ۴۷۷

درمان زخم جگر و بیماری های معده ۴۷۸

درمان اسهال ۴۷۹

درمان قولنج ۴۷۹

درمان درد باسن ۴۸۰

درمان درد پشت ۴۸۲

درمان سرفه و دردهای درونی ۴۸۲

معالجه درد مفاصل و بعضی بیماری های دیگر ۴۸۳

درمان بلغم ۴۸۴

درمان لقوه ۴۸۵

درمان بادهای بدن و درد مفاصل ۴۸۵

درمان درد پا ۴۸۶

درمان درد ران وزانو ۴۸۷

درمان درد ساق ومثانه ۴۸۷

درمان حبس ادرار وبی اختیاری ادرار ۴۸۸

درمان طبّی یبوست مزاج وعرق النّسا ۴۸۹

دعا برای چاره جویی سحر وزهر گزندگان ودیگر بلاها ۴۸۹

دعا برای از بین بردن چشم زخم ۴۸۹

تعویذ برای از بین بردن سحر ۴۹۰

دور کردن خیالات فاسد ووسوسه های شیطان وآرزوهای طولانی ۴۹۲

از بین بردن ترس از تنهایی ۴۹۳

گشودن کسی که او را بسته اند ۴۹۴

فرو بردن خشم ۴۹۵

دعا برای از بین بردن فراموشی و اندوه ۴۹۶

دعا برای چاره جویی فقر و پریشانی و بدهی و ضرر ۴۹۷

دعا برای رسیدن به حج ۴۹۸

دعا برای دور کردن سگ و حیوانات درنده و جانوران ۴۹۸

دعا برای دور کردن ضرر گزندگان ۴۹۹

دعا برای دور کردن حشرات موذی ۵۰۰

دعای یافتن گمشده ۵۰۱

حکم تعویذ همراه جنب و حائض ۵۰۲

تعویذهای نامناسب ۵۰۲

فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواص برخی داروها ۵۰۳

تربت امام حسین علیه السلام ۵۰۳

محدوده تربت و دعای هنگام برداشتن آن ۵۰۳

فواید و خواص تربت ۵۰۴

تربت و ایمنی از بلا و تلف و ترس ۵۰۵

مقدار خوردن تربت ۵۰۶

تسبیح تربت ۵۰۶

شرط اثربخشی تربت ۵۰۷

آداب استفاده از تربت ۵۰۷

خرید و فروش تربت ۵۰۸

تربت گذاشتن در کفن ۵۰۸

خواصّ برخی خوراکی ها و گیاهان ۵۰۹

عَنَاب ۵۰۹

سیاهدانه ۵۰۹

اسفند ۵۱۰

انجیر ۵۱۰

کُنْدِر و هلیله زرد ۵۱۱

خرفه و کرفس ۵۱۱

بادروج و کاهو و سداب ۵۱۱

اسفرزه و سنا و کاسنی ۵۱۲

نمک و سرکه و اُشنان ۵۱۳

زنیان و گردو و آبشم ۵۱۳

زنیان و آبشم و سیاهدانه ۵۱۴

عسل ۵۱۴

فصل دهم: آداب معاشرت با مردم و حقوق آنان / ۵۱۵

حقوق خویشاوندان و خادمان ۵۱۷

اهمیت صله رحم و فواید آن در دنیا ۵۱۷

فواید صله رحم برای آخرت ۵۱۸

حق صله رحم ۵۲۰

رعایت حقوق خادمان ۵۲۰

حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله ۵۲۱

رعایت حقوق همسایگان ۵۲۱

اهمیت حق همسایه ۵۲۱

حقوق همسایه و حدود همسایگی ۵۲۱

بدترین بلاها ۵۲۲

زیان های همسایه آزاری و فواید رعایت حقوق همسایه ۵۲۳

حقوق یتیمان ۵۲۳

سرپرستی یتیمان ۵۲۳

یتیم نوازی و پاداش آن در دنیا و آخرت ۵۲۴

مجازات به ناحق خوردن مال یتیمان ۵۲۵

حقوق قبیله و عشیره ۵۲۶

أُخُوْتٌ وَصِدَاقَةٌ ٥٢٧

أُخُوْتٌ وَبِرَادِرِي ٥٢٧

أَهْمِيَّةُ أُخُوْتٍ ٥٢٧

أَنْوَاعٌ وَأَثَارُ أُخُوْتٍ ٥٢٨

حَقُوقٌ وَبِرَادِشُ أُخُوْتٍ ٥٢٩

دُوسْتِي ٥٢٩

أَهْمِيَّةُ دُوسْتِي ٥٢٩

مَعْيَارُهَائِي دُوسْتِي ٥٣٠

مَرَاتِبٌ وَحَقُوقٌ دُوسْتِي ٥٣١

حَدُّ دُوسْتِي وَمَقْدَارُ تَوْقَعِ أَيْزِ دُوسْتٍ ٥٣٢

حَرْمَتُ دُوسْتَانِ بِدْرِ وَمَحَبَّةُ بِيْجَا ٥٣٣



حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حسن معاشرت با مردم ۵۳۳

اهمیت حق مؤمن ۵۳۳

حق مؤمن بر مؤمن ۵۳۴

حق مسلمان بر مسلمان ۵۳۵

بر آوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران ۵۳۷

بر آوردن حاجت مؤمن ۵۳۷

اهمیت بر آوردن حاجت ۵۳۷

پاداش دنیوی بر آوردن حاجت ۵۳۸

پاداش اخروی بر آوردن حاجت ۵۳۹

پاداش غمگین شدن برای مشکل دیگران ۵۴۲

مجازات اجابت نکردن درخواست مؤمنان ۵۴۳

چگونگی رفتار با مردم ۵۴۴

شاد کردن دیگران ۵۴۵

اهمیت شاد کردن مؤمن ۵۴۵

پاداش شاد کردن مؤمنان ۵۴۵

دیدار مؤمن و عیادت از بیماران ۵۴۷

دیدار مؤمن ۵۴۷

اهمیت دیدار مؤمن ۵۴۷

پاداش دیدار مؤمن ۵۴۸

آثار دیدار مؤمن ۵۴۹

عیادت بیماران ۵۵۰

اعلان بیماری و اجازه ملاقات ۵۵۰

آداب عیادت از بیمار ۵۵۰

پاداش عیادت از بیمار ۵۵۱

اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک ها به مؤمنان ۵۵۲

اطعام کردن مؤمنان ۵۵۲

اهمیت اطعام کردن ۵۵۲

پاداش های دنیوی اطعام کردن ۵۵۳

پاداش های اُخروی اطعام کردن ۵۵۴

مجازات ترک اطعام کردن ۵۵۴

سیراب کردن ۵۵۵

پوشانیدن برهنه و سکنی دادن بی خانمان ها ۵۵۵

برطرف کردن مانع سر راه مردم ۵۵۶

هدیه دادن ۵۵۶

حقوق فقرا، ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان ۵۵۷

فقرا و نیازمندان ۵۵۷

حقیقت فقر ۵۵۷

طرز رفتار با نیازمندان ۵۵۷

وضعیت فقرا در جهان آخرت ۵۵۸

پاداش صبر بر فقر و مجازات بی حرمتی به نیازمندان ۵۵۹

بنده مؤمن ۵۶۰

مقام مؤمن ۵۶۰

چرا مؤمن را مؤمن گویند ۵۶۱

ترسانیدن مسلمان و دشنام دادن مؤمن ۵۶۱

مجازات تحقیر کردن مؤمن ۵۶۱

مجازات آزار دادن مؤمن ۵۶۲

مجازات ترک کردن یاری مؤمن ۵۶۳

پاداش گرامی داشتن مؤمن ۵۶۴

مجازات نپذیرفتن دیدارکننده ۵۶۶

احترام به بزرگسالان ۵۶۷

کممک به نابینایان و ناشنوایان ۵۶۷

مبتلایان به بیماری های سخت ۵۶۸

به اهل بلا زیاد نگاه نکنید ۵۶۸

اذکار مخصوص در برخورد با بلادیدگان ۵۶۹

آداب رفتار با مبتلایان به خوره ۵۶۹

رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان ۵۷۰

غیبت ۵۷۰

ماهیت غیبت ۵۷۰

غیبت را ترک کنید ۵۷۱

مجازات غیبت کننده ۵۷۲

آثار ردّ غیبت و پاداش ترک آن ۵۷۳

استثنائات غیبت ۵۷۴

حفظ الغیب ۵۷۵

برادر مؤمن را تصدیق کن ۵۷۵

سرزنش کردن و شماتت مؤمن ۵۷۶

تهمت زدن و گمان بد بردن ۵۷۶

سخن چینی ۵۷۷

قهر و آشتی ۵۷۷

آداب رفتار با ظالمان ۵۷۸

وضعیت حاکمان ظالم ۵۷۸

جایگاه حاکمان عادل ۵۷۹

کیفیت رفتار با حاکمان ۵۷۹

اطاعت از حاکم و حکم یاری کردن او ۵۷۹

تحریک کردن حاکم ظالم، یا مدارا کردن با وی ۵۸۰

بقای ظالم را دوست نداشته باش و به ظلمش کمک نکن ۵۸۰

به در خانه ظالم نرو ۵۸۱

همکاری با ظالمین ۵۸۲

جبران کردن همکاری با ظالم ۵۸۳

منزعه با حاکم و استفاده از اموال وی ۵۸۴

نصیحت حاکم و رساندن حاجات مردم به او ۵۸۵

مجازات ها و پبی امدها ۵۸۵

مجازات مدح یا راهنمایی ظالم ۵۸۵

مجازات درخواست از حاکم ظالم ۵۸۶

گناه و مجازات همکاری با حاکمان ظالم ۵۸۶

مجازات توجیه ظلم ظالم و خضوع در برابر ثروتمند مغرور ۵۸۷

مجازات به ناحق حکومت کردن و به کار مردم رسیدگی نکردن ۵۸۸

مجازات جباران ۵۸۹

مجازات ظالمان ۵۸۹

آداب معاشرت با کافران و مخالفان ۵۹۰

معاشرت با کافران ۵۹۰

معاشرت کردن با مخالفان ۵۹۱

حقوق مردگان بر زندگان ۵۹۳

وظیفه محتضر ۵۹۳

وصیت کردن نیکو ۵۹۵

دعای محضر در حال احتضار ۵۹۸

وظیفه اطرافیان محضر ۵۹۸

محضری که جان کندش دشوار است ۵۹۹

دست بر محضر نگذارید، برایش قرآن بخوانید ۵۹۹

تلقین ۶۰۰

تلقین لا إله إلا الله ۶۰۰

تلقین کلمات فرج ۶۰۰

تلقین شهادتین و اقرار به ائمه علیهم السلام ۶۰۱

تلقین دعای خاص ۶۰۲

پس از مرگ ۶۰۳

آداب تشییع جنازه ۶۰۳

خبردار کردن مؤمنان ۶۰۳

ثواب حضور در تشییع جنازه ۶۰۳

آداب شرکت جستن در تشییع جنازه ۶۰۵

دعای هنگام دیدن جنازه ۶۰۵

آداب غسل دادن میت ۶۰۶

کفن کردن میت ۶۰۷

نماز خواندن بر میت ۶۰۷

آثار شهادت دادن برای میت ۶۰۷

آداب دفن کردن میت ۶۰۸

تسلی دادن صاحبان عزا ۶۰۹

زیارت اهل قبور ۶۰۹

مردگان خبردار و شاد می شوند ۶۰۹

ثواب زیارت اهل قبور ۶۱۰

فصل یازدهم: آداب مجالس / ۶۱۳

فضیلت سلام کردن و آداب آن ۶۱۵

اهمیت سلام کردن ۶۱۵

حکم سلام کردن و پاسخ آن ۶۱۶

به چنین کسانی سلام نکنید ۶۱۶



آداب سلام کردن ۶۱۷

سلام رخصت ۶۱۹

پاداش سلام کردن ۶۲۰

فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن ۶۲۰

اهمّیت مصافحه کردن ۶۲۰

آداب مصافحه کردن ۶۲۱

آثار دنیوی مصافحه کردن ۶۲۱

پاداش أُخروی مصافحه کردن ۶۲۲

معانقه (به هنگام ملاقات دست در گردن یکدیگر کردن) ۶۲۳

روبوسی کردن ۶۲۵

آداب نشستن در مجالس ۶۲۶

رفتن به مجلسی بدون دعوت ۶۲۶

آداب ورود به مجلس و نشستن ۶۲۷

جایگاه صدر مجلس ۶۲۸

آداب و روش های نشستن ۶۲۸

آداب ملاقات میزبان با میهمان ۶۳۰

اهمّیت میهمان داری ۶۳۰

وظایف میزبان ۶۳۱

گرامیداشت بزرگسالان ۶۳۱

رد احسان ممنوع ۶۳۲

پاداش پذیرایی از مؤمن ۶۳۲

مجالس مناسب و همنشینان شایسته ۶۳۳

همنشینی ۶۳۳

اهمیت همنشین ۶۳۳

همنشینان خوب ۶۳۴

هر که عیب تو را گوید ۶۳۴

همنشینی با کسانی که تو را به یاد خدا آورند ۶۳۴

همنشینی با اهل دین و معرفت ۶۳۵

همنشینان بد ۶۳۶

اصحاب بدعت، احمقان و جاهلان ۶۳۶

زینت دهنده گناه و انسان های بد ۶۳۶

توانگران خدانشناس ۶۳۷

فاجر و پست ۶۳۷

دروغگو، فاسق، بخیل، قاطع رحم، متهم ۶۳۸

بی وفا، ناسپاس، رازندار، قدرنشناس علم ۶۳۹

همنشینان پدر ۶۳۹

حدّ همنشینی و حقّ آن ۶۳۹

مجالس خوب و بد ۶۴۰

مجالس شایسته ۶۴۰

مجالس ناشایست ۶۴۰

آداب عطسه زدن ۶۴۱

اهمّیت عطسه زدن و فلسفه آن ۶۴۱

آداب عطسه زدن ۶۴۲

ذکر عطسه کننده ۶۴۲

ذکر شنونده عطسه ۶۴۳

پاسخ عطسه کننده ۶۴۴

تکرار عطسه ۶۴۵

حدیث جامع آداب عطسه ۶۴۵

مزاح کردن، خندیدن، سخن در گوشه، رازداری، آداب سخن گفتن ۶۴۶

آداب سخن گفتن ۶۴۶

رازداری مجالس ۶۴۶

مزاح و شوخی کردن ۶۴۷

اهمیت شوخی کردن ۶۴۷

شوخی های ناروا ۶۴۷

خنده های ناروا ۶۴۸

قهقهه زدن ۶۴۹

آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر ۶۵۰

اهمیت همنشینی نیکو ۶۵۰

حقّ مصاحبت ۶۵۱

پرسش از نام و قبيله ۶۵۱

ترک مجادله و فراموش کردن کینه ۶۵۱

رفتار نیکو با همنشین ۶۵۲

روش های همنشینی نیکو ۶۵۲

فواید و آثار همنشینی نیکو ۶۵۳

اظهار محبت کردن و رعایت عدالت ۶۵۴

همنشینان بد ۶۵۴

این گونه سخن نگو ۶۵۵

فضیلت یاد خدا در مجالس ۶۵۵

اهمیت یاد خدا ۶۵۵

یاد خدا در همه جا ۶۵۶

ذکر پایان مجالس ۶۵۶

حسرت ترک کردن ذکر خدا ۶۵۷

رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آئمه علیهم السلام در مجالس ۶۵۸

اهمیت ذکر محمد و آل محمد ۶۵۸

فواید ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام ۶۵۹

همکاران فرشتگان و همکاران شیطان ۶۶۰

تحصیل و مباحثه علوم اهل بیت علیهم السلام ۶۶۱

مشورت و آداب آن ۶۶۲

اهمیت مشورت ۶۶۲

با چه کسانی مشورت کنیم ۶۶۲

وظیفه مشاور ۶۶۳

فایده مشورت ۶۶۴

کسانی که نباید با آنها مشورت کرد ۶۶۴

نامه نگاری ۶۶۵

اهمیت نوشتن نامه ۶۶۵

آداب نامه نگاری ۶۶۵

جواب نامه و روش های از بین بردن نامه ۶۶۶

فصل دوازدهم: آداب وارد شدن و خارج شدن از خانه / ۶۶۹

خانه گشاده ۶۷۱

خانه وسیع ۶۷۱

خانه کوچک و تنگ ۶۷۲

مذمت خانه به خانه شدن ۶۷۳

مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه ۶۷۳

ساختن بنای اضافه بر نیاز ۶۷۳

مجازات کسب پول حرام ۶۷۳

بناهای گران قیمت و خانه های ریایی ۶۷۴

ساختن سقف های بلند ۶۷۴

مجسمه سازی و کشیدن نقاشی ۶۷۵

مجسمه سازی ۶۷۶

نقاشی های ممنوع ۶۷۶

نقاشی های مجاز ۶۷۶

آداب فرش کردن خانه ۶۷۷

فرشی که بدان نیاز است ۶۷۷

فرش جهیزیه همسران ۶۷۷

چگونگی فرش ۶۷۸

فرش حضرات معصومین علیهم السلام ۶۷۸

فرش ابریشم و فرش های دارای نقش ۶۷۸

آداب عبادت کردن در خانه ۶۷۹

محل ویژه عبادت ۶۷۹

فلسفه عبادت در خانه ۶۸۰

نگهداری حیوانات در خانه ۶۸۱

فضیلت نگهداری کبوتر ۶۸۱

فواید نگهداری کبوتر ۶۸۲

نگهداری خروس ۶۸۳

اهمیت دامداری ۶۸۴

نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر ۶۸۵

پرندگان ۶۸۵

فاخته ۶۸۵

پرستو، زنبور عسل، کرکس، قورباغه ۶۸۶

هدهد و چکاوک ۶۸۷

طاووس ۶۸۸

گنجشک ۶۸۸

وقت شکار پرندگان ۶۸۹



کشتن، آتش زدن وشکنجه حیوانات ۶۸۹

نگهداری سگ در خانه ۶۹۰

کراهت و مجازات نگهداری سگ ۶۹۰

موارد مجاز نگهداری سگ ۶۹۱

چیزهایی که حیوانات می فهمند وما نمی فهمیم ۶۹۲

آداب خانه خریدن ۶۹۲

ولیمه خریدن وساختن خانه ۶۹۲

آداب چراغ افروختن ۶۹۲

سایر آداب خانه ۶۹۴

مکروهات ۶۹۴

سکونت در خانه بی در و پرده ۶۹۴

تنها خوابیدن ۶۹۴

نگهداری خاکروبه ودستمال آلوده در خانه ۶۹۴

نگاه کردن به خانه همسایه ۶۹۵

مستحبات خانه داری ۶۹۶

جاروب کردن ۶۹۶

پاک کردن تار عنکبوت ها ۶۹۶

بستن در ظرف آب و غذا وحفاظت از کودکان وچهارپایان ۶۹۶

آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه ۶۹۷

آداب وارد شدن به خانه ۶۹۷

دعای هنگام بیرون رفتن از خانه ۶۹۸

فایده دعا خواندن هنگام بیرون رفتن از خانه ۶۹۹

طلب حاجت کردن ۷۰۱

فصل سیزدهم: آداب پیاده روی، سواری، تجارت، زراعت / ۷۰۳

سوار شدن چهارپایان ۷۰۵

آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان ۷۰۵

آداب زین کردن ولجام زدن ۷۰۷

دعاها و آداب سواری ۷۰۷

ادعیه هنگام سوار شدن ۷۰۷

آداب سواری ۷۰۸

آداب پیاده روی ۷۰۹

چگونه باید راه رفت؟ ۷۰۹

آداب راه رفتن ۷۱۰

سفارش های جامع امام صادق علیه السلام ۷۱۱

بهترین اموال ۷۱۱

آداب خریداری و نگهداری حیوانات ۷۱۲

بخشی از احوالات و اقسام حیوانات ۷۱۳

سرّ تنوع و جدایی حیوانات ۷۱۳

حیوانات و تسبیح خدا ۷۱۳

فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن ۷۱۴

تجارت و کار و تلاش کردن ۷۱۴

ارزش و فضیلت تجارت ۷۱۴

تجارت کردن یا عبادت کردن ۷۱۵

سربار مردم نشوید ۷۱۵

طلب کردن دنیا یا آخرت ۷۱۶

استفاده نکردن از بیت المال ۷۱۶

توانگری ۷۱۷

وقت تجارت ۷۱۷

کسب روزی حلال ۷۱۷

روزی رسان خداست ۷۱۸

آداب تجارت ۷۱۹

فراگیری احکام تجارت واهمیت آن ۷۱۹

کارهایی که به هنگام تجارت باید ترک کرد ۷۲۰

آداب تجارت ۷۲۱

دعای هنگام وارد شدن به بازار ۷۲۲

خواندن دعا در بازار ۷۲۴

دعای هنگام خرید وپس از آن ۷۲۵

با چنین کسانی معامله نکنید ۷۲۷

برخی معاملات مکروه ۷۲۸

درآمد واجرت معلم قرآن ۷۲۸

خرید وفروش ودستمزد کتابت قرآن ۷۲۹

فضیلت زراعت و درختکاری ۷۲۹

ارزش و فضیلت زراعت ۷۲۹

فضیلت درختکاری ۷۳۱

باغ و باغداری ۷۳۲

آداب زراعت و درختکاری ۷۳۲

آداب زراعت ۷۳۲

آداب درختکاری ۷۳۳

دعای هنگام درختکاری ۷۳۳

بارور کردن درخت خرما و آبیاری درخت سدر ۷۳۴

فلسفه درختان بدون میوه و درمان میوه های کرم زده ۷۳۴

بریدن درخت ۷۳۵

فصل چهاردهم: آداب سفر / ۷۳۷

سفر کردن، روزها و ساعت های خوب و بد ۷۳۹

هدف از سفر کردن ۷۳۹

سفر کردن به مقدار ضرورت ۷۳۹

روزهای نیک برای سفر کردن ۷۴۰

روزهای نامیمون برای سفر کردن ۷۴۱

اموری که نحوست های سفر را از بین می برد ۷۴۲

صدقه دادن ۷۴۲

خواندن دعا به هنگام سفر ۷۴۳

کتاب های نجوم را بسوزان ۷۴۵

آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر ۷۴۵

غسل کردن پیش از سفر ۷۴۵

نماز خواندن پیش از سفر ۷۴۶

دعا خواندن پیش از رفتن به سفر ۷۴۸

دعای سفر ۷۵۲

همراه داشتن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در سفر ۷۵۳

انگشتر به دست کردن در سفر ۷۵۴

خواندن سوره عبس در سفر ۷۵۵

به همراه بردن تعویذ در سفر ۷۵۵

وسایل سفر پیامبر صلی الله علیه و آله و سفارشات لقمان ۷۵۶

توشه سفر ۷۵۶

اهمیت به همراه بردن توشه سفر ۷۵۶

توشه لازم برای سفر ۷۵۷

اعتدال و میانه روی در هزینه های سفر ۷۵۷

مراقبت از توشه سفر ۷۵۸

آداب معاشرت با همسفر ۷۵۸

آداب سفر ۷۵۸

تنها سفر نکن ۷۵۸

حق همسفر ۷۵۹

هزینه های سفر ۷۵۹

همسفران ۷۶۰

اهمیت و تعداد همسفر ۷۶۰

ویژگی های علمی و اخلاقی و مالی همسفر ۷۶۰

سایر آداب سفر ۷۶۲

سفارشات لقمان در مورد سفر و همسفران ۷۶۲

مروّت در سفر و حضر ۷۶۴

کمک کردن به مسافران ۷۶۵

توشه سفر ۷۶۵

همراهی با همسفران ۷۶۶

آداب راه رفتن و فرود آمدن ۷۶۶

آداب پیاده روی در سفر ۷۶۶

آداب فرود آمدن ۷۶۷

مدارا کردن با مرکب ۷۶۷

دعاهای مسیر راه و منازل ۷۶۸

دعاها و اذکار سفر ۷۶۸

دعای ایمنی از دشمنان و دزدان ۷۷۰

دعای منازل بین راه ۷۷۱

دعا به هنگام رسیدن به مقصد ۷۷۴

آداب سفرهای دریایی و عبور از پل ها ۷۷۴

سفر دریا ۷۷۴



حکم سفرهای دریایی ۷۷۴

آداب ودعای سوار شدن کشتی ۷۷۵

دعا به هنگام ترس از غرق شدن ۷۷۷

ذکر ودعای عبور کردن از پل ۷۷۸

آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر ۷۷۸

خواندن دعای سفر ۷۷۸

مشایعت کردن و استقبال از مسافر ۷۷۹

سوغاتی آوردن و آداب پس از سفر ۷۸۰

آداب اسب سواری و تیراندازی ۷۸۱

مسابقات ۷۸۱

اسب سواری ۷۸۱

تیراندازی ۷۸۱

شترسواری ۷۸۲

کشتی ۷۸۲

دفاع و جهاد ۷۸۳

تحقیقی در مورد مسابقات اسب سواری و تیراندازی ۷۸۶

جایزه دهندگان و جایزه گیرندگان ۷۸۶

شرایط مسابقه اسب سواری ۷۸۷

نام اسب های مسابقه ۷۸۸

شرایط تیراندازی ۷۸۸

اقسام نشانه گیری ۷۹۰

خاتمه: برخی آداب متفرقه و فواید سودمند / ۷۹۱

آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن *إن شاء الله* ۷۹۳

علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه ۷۹۴

عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه ۷۹۴

عوامل فقر و غنی ۷۹۴

اشعار ممدوح و مذموم ۷۹۵

مجازات لواط در دنیا و آخرت ۷۹۶

پندهای امام صادق علیه السلام ۷۹۷

برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله ۷۹۷

محرمان از نظر رحمت پروردگار و بهشت ۷۹۹

مساحقه (همجنس بازی زنان) و عقوبت شدید آن ۸۰۰

مسلمانان کافر! ۸۰۰

مست همچون بت پرست است ۸۰۰

موسیقی و قمار ۸۰۰

مناهی النبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد) ۸۰۲

فهرست منابع ۸۱۳



## مقدمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاهی به کتاب ارزشمند حلیه المتّقین

علّامه عالیقدر مجلسی رحمه الله

از افتخارات شیعه در اختیار داشتن گنجینه ای پر بار از احادیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و روایات اهل بیت علیهم السلام است که آن هم عموماً منتهی به روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می شود. (۱)

در همه ابواب علوم اسلامی اعم از عبادات، معاملات، سیاسات، عرفان و اخلاق اسلامی - بحمدالله - دست پری از روایات معصومین علیهم السلام داریم، در حالی که دیگران از این نظر بسیار در تنگنا قرار دارند تا آنجا که معروف است «ابوحنیفه» در تمام ابواب فقه به بیش از هفده حدیث از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست نیافت. (۲)

این سخن خواه حقیقت باشد یا مبالغه، نشان از تهی بودن دست کسانی دارد که از مکتب اهل بیت علیهم السلام فاصله گرفته و به «حدیث ثقلین» پشت کرده اند.

۱- جامع احادیث الشّیعه، ج ۱، ص ۱۷۹ به بعد، باب ۴.

۲- تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۷۹۶.

ومی توان گفت یکی از عوامل پناه بردن به «قیاس» و «استحسان» و «ظنون غیر معتبر»، همین دست مایه ناچیز روایی است.

از کسانی که از گنجینه علوم محمّد و آل محمّد علیهم السلام بهره کافی و وافی برده اند، علامه مجلسی است که عالم بزرگ روزگار خود و دارای ابتکارات فراوان در علوم اسلامی، به ویژه «علم الحدیث» بود.

کتاب بحار الأنوار او که اقیانوسی عظیم از روایات اهل بیت علیهم السلام است، دلیل روشن این معناست. درست است که اراده علامه مجلسی بر این بوده که در این کتاب تمام احادیث را اعمّ از صحیح و ضعیف، گرد آورد و نقّادی آن را به کتاب های دیگرش واگذارد، هر چه هست دایره المعارف عجیب و پرازشی است.

نشانه اهتمام علامه مجلسی رحمه الله به اسناد روایات در کتاب ارزشمندش مرآة العقول آشکار می شود که موشکافی و دقت بسیار فوق العاده در نقّادی احادیث کتاب کافی - آن کتاب بسیار پراهمیت - به خرج داده است.

\*

به هر حال، این مرد بزرگ و پرمایه و مؤید به تأییدات الهی و آگاه به نیازهای مختلف پیروان این مکتب، کتاب های گوناگون هر کدام را برای هدف خاصی و یا صحیح تر، پر کردن خلأ معینی نگاشته است.

از جمله همین کتاب پربار حلیه المتّقین است که با زبان فارسی روان و ساده عصر خود، آداب زندگی را در تمام زمینه ها از دیدگاه اسلام وائمه اهل بیت علیهم السلام در چهارده باب به رشته تحریر درآورده و در هر باب هر چه را مناسب و باارزش یافته ذکر کرده است؛ به گونه ای که تمام زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان را پوشش می دهد.

ولی چون با گذشت زمان (حدود چهارصد سال)، ادبیات فارسی و نیازها

تغییر یافته، لازم بود ویرایش دقیقی در آن صورت گیرد وپاره ای از مسائل را که در زمان ما خارج از محدوده نیازهای مردم است کنار گذاشته شود و کتاب مزبور، با حفظ اصالت محتوا، در لباس تازه ای عرضه شود که همگان از آن بهره ببرند.

\*

اینجانب مدّت ها پیش این نیاز را احساس کرده بودم تا اینکه تصمیم گرفتم انجام دادن آن را بر عهده دانشمند محترم حجّه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابوالقاسم علیان نژادی که عالمی خوش ذوق و پرکار و هوشیار است بگذارم وایشان با صرف وقت فراوان - بحمدالله - این کار را به سامان رساند.

امیدوارم روح مقدّس علامه مجلسی - رضوان الله تعالی علیه - از این کار خشنود باشد و همگان توفیق یابند از زحمات آن مرد بزرگ بهره مند شوند.

درود خداوند بر روان پاکش باد.

والحمد لله ربّ العالمین

اوّل ربیع الثانی ۱۴۳۳

ناصر مکارم شیرازی





## ضرورت ویرایش و تحقیق کتاب حلیه المتقین

هرچند از قبل با این کتاب نفیس آشنایی داشتم، اما هر چه مطالعاتم درباره آن بیشتر شد و کار تحقیق و بررسی روایات کتاب جلوتر می رفت، اهمیت و ارزش مطالب کتاب و مقام علمی نویسنده عالیقدر آن بر من روشن تر می شد.

با مطالعه این کتاب انسان درمی یابد که در هر موضوعی به طور جامع سخن رفته است و این دلیل بر احاطه وسیع علامه مجلسی بر روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام است.

موضوع این کتاب چندان ارزشمند و کاربردی است که بر همه خانواده ها لازم و ضروری است این کتاب را در کنار قرآن مجید، نهج البلاغه، مفاتیح الجنان و رساله توضیح المسائل قرار دهند و هر از چندی از آن بهره ببرند.

در اهمیت این کتاب همین بس است که علامه بحر العلوم؛ (۱) گفته :

ای کاش ثواب تمام تألیفات من در دیوان علامه مجلسی نوشته شود و در برابر آن، ثواب یکی از کتاب های فارسی او (مانند همین کتاب حلیه المتقین) که

۱- مهدی بن المرتضی بن محمد الحسینی البروجردی، معروف به علامه بحر العلوم، در یکی از شب های جمعه ماه شوال سال ۱۱۵۵ ه. ق در کربلای معلی دیده به جهان گشود و در سال ۱۲۱۲ در نجف اشرف رخت از جهان بریست و در جوار شیخ طوسی رحمه الله آرام گرفت. از جمله کتاب های وی می توان به دوره سه جلدی مصابیح در فقه، فوائد رجالیه، الفوائد فی الاصول اشاره کرد. شرح بیشتر را در اعیان الشیعه، (ج ۱۰، ص ۱۵۸ به بعد) مطالعه فرمایید.

ترجمه احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام است و در دسترس همگان قرار دارد، در نامه عمل من نوشته شود. (۱)

از سوی دیگر با توجه به گذشت ۳۵۲ سال از تألیف این کتاب گرانسنگ و تغییر و تحولات فراوانی که از جهات مختلف در زندگی بشر ایجاد شده است نیاز به بازنگری در کتاب مزبور احساس می شود.

نکته دیگر اینکه جلسات استفتاء مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی - مدّظله - که این حقیر توفیق شرکت در آن را دارم، تنها پاسخگوی پرسش های فقهی نیست، بلکه به شبهه هایی که برای پرسشگران در مسائل مختلف به وجود می آید در این جلسات پاسخ داده می شود.

افزون بر این، اگر احساس شود شبهه یا مشکلی فراگیر شده است، اقدام عملی وسیع نظیر تألیف کتاب یا کتاب ها در آن زمینه، نامه نگاری با مسئولین ذی ربط، طرح آن مسائل و راهکارهای آن در سخنرانی ها و خطابه ها و دادن بیانیه و رهنمود به رسانه ها و جز آن انجام می شود.

در این میان برخی احادیث کتاب ارزشمند حلیه المتّقین برای بعضی از مردم سؤال برانگیز بود و نامه های مختلفی در مورد آن به جلسه استفتاء معّظم له می رسید و ایشان پاسخ می دادند تا اینکه در یکی از جلسات، حضرت استاد فرمودند: «ای کاش کتاب حلیه المتّقین بازنگری می شد». بنده برای این کار اعلام آمادگی کردم و پس از موافقت استاد، با توکل بر خداوند متعال و استعانت از ذات پاکش در تاریخ ۳/۱۲/۱۳۸۲ کار را شروع کردم و در تاریخ ۳۰/۱۲/۱۳۸۸ به پایان رسید، سپس تمام کتاب را با اصلاحات انجام شده به نظر استاد رساندم و راهنمایی ها و ارشادات معّظم له را به کار بستم، آن گاه کتاب را برای ویرایش فنی به دست ویراستار محترم جناب حجّه الاسلام احمد علی بابائی سپردم

وایشان افزون بر ویرایش متن، برخی ترجمه‌ها را با متن روایت تطبیق و آن را اصلاح کردند و اکنون این کتاب با مزایای ذیل در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

### نکاتی درباره کارهای انجام شده

هرچند در مورد کتاب حلیه المتّقین، پیش از این کارهای متعدّدی از سوی نویسندگان محترم صورت گرفته، اما ندیدیم در حدّ وسیع که شرح آن خواهد آمد، کسی روی این کتاب ارزشمند کار کرده باشد.

کارهایی که انجام گرفته را می‌توان در ده بند به شرح زیر بیان کرد:

۱. تبدیل نثر کتاب به نثر روز (با حفظ اصالت کتاب).

۲. حذف احادیثی که در عصر ما محلّ ابتلا نیست.

۳. نوشتن آدرس آیات قرآن و منابع روایات معصومان علیهم السلام و مدرک دیگر مطالبی که علامه بزرگوار مجلسی از جای دیگر نقل کرده است.

۴. شرح و توضیح روایاتی که در ابتدای نظر با هم تعارض دارد.

۵. ترجمه آیات و دعاها.

۶. موضوع بندی روایات هر فصل در زیر شاخه‌های محدودتر و انتخاب عنوان‌ها و تیتراهای مناسب و آموزنده برای آن.

۷. تقطیع برخی روایات طولانی که مشتمل بر موضوعات مختلف بود و قرار دادن هر قسمت در جایگاه خاصّ خود.

۸. ویرایش کامل و گسترده.

۹. تطبیق برخی روایات با متن اصلی و اصلاح و ترجمه آن بر اساس

متن اصلی.

۱۰. شرح و توضیح کلماتی که نیاز به توضیح داشته، در پاورقی کتاب.

امید است این خدمت مورد رضای درگاه خداوند متعال قرار گیرد و مایه

خشنودی روح نویسنده عالی مقام کتاب حلیه المتّقین را فراهم کند.

در پایان از همه کسانی که به نوعی در تکمیل این کار نقش داشته اند، به ویژه حجج اسلام آقایان عبدالمجید شفقت، سیدمحمدجواد بنی سعید، وحید علیان نژاد و بعضی اعضای خانواده تشکر می کنم و برای همه آنها خیر دنیا و آخرت را آرزو دارم.

خدایا، توفیق مطالعه آثار اهل بیت علیهم السلام و به کار بستن دستورهای آن بزرگواران را به همه ما عطا فرما!

آمین یا ربّ العالمین

قم - حوزه مقدّسه علمیّه

ابوالقاسم علیان نژادی

۱۳۹۰ / ۱۰ / ۱۱

## نگاهی گذرا به زندگی علامه مجلسی رحمه الله

### ولادت و خاندان

نام او محمّد باقر و پدرش محمّد تقی وجدش مقصود علی است. مادرش از نزدیکان شیخ عبدالله بن جابر عاملی و دختر صدرالدین محمّد عاشوری است که خود از پرورش یافتگان خاندان علم و فضیلت بود. (۱)

وی که به علامه مجلسی شهرت یافته، (۲) در سال ۱۰۳۷ (وبه گفته برخی سال

۱۰۳۸ و به گفته علامه سید محسن امین در سال ۱۰۲۷) دیده به جهان گشود. (۳)

محمّد باقر آخرین فرزند پسر خانواده بود. پدرش در سال ۱۰۷۰، یعنی ۶۷ سالگی، از دنیا رفت. (۴) برادر بزرگ او مولا عزیزالله در سال ۱۱۵۹ و برادر دوم وی

مولا عبدالله در سال ۱۰۸۴ دار فانی را وداع گفتند. (۵)

۱- گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲- در مورد شهرت یافتن محمّد باقر و پدرش محمّد تقی به صفت «مجلسی»، در شرح حال پدرش آمده است که وی به ذوق و قریحه شعرا شهرت داشت و به «مجلسی» تخلص می کرد؛ گویی از همین رو، مجلسی نامگرفته بود. (گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۱۸).

۳- بحار الأنوار، ج ۰، ص ۶۲.

۴- بحار الأنوار، ج ۰، ص ۶۶.

۵- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۳۲.

خداوند به علامه مجلسی چهار پسر و پنج دختر عنایت فرمود. نام پسرانش محمدصادق و محمدرضا و میرزا جعفر و میرزا عبدالله است. (۱)

### دوران تحصیل

وی از چهار سالگی نزد پدر درس خواند و در دوران تحصیل در درس بیش از بیست استاد شرکت جست که در فصل بعد به آن اشاره می‌کنیم.

او در اندک زمانی بر علم صرف و نحو و معانی و بیان و لغت و ریاضیات و تاریخ و فلسفه و حدیث و رجال و درایه و اصول و فقه و کلام، احاطه کامل یافت. (۲)

وی در چهارده سالگی از فیلسوف بزرگ اسلام، ملاصدرا، اجازه روایت گرفت.

### اساتید و شیوخ اجازه

علامه مجلسی سال‌ها نزد علمای بزرگ درس خواند و شاگردی کرد و از بعضی از آنها اجازه نقل روایت گرفت که از جمله می‌توان به دانشمندان زیر اشاره کرد:

۱. شیخ المحدثین محمد بن الحسن الحرّ العاملی، نویسنده کتاب ارزشمند وسائل الشیعه.

۲. عالم فاضل و محدث عارف، فیض کاشانی، نویسنده کتاب‌های وافى و تفسیر صافی و مفاتیح الشرایع.

۳. پدر بزرگوارش، عالم گرانسنگ علامه محمدتقی مجلسی، نویسنده کتاب

---

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۳۵.

۲- گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۰.

ارزشمند روضه المتّقین.

۴. فیلسوف نامدار مَلّاصدرا.

۵. مَلّا صالح مازندرانی، شارح اصول کافی. (۱)

### جانشینی پدر

عَلّامه مجلسی در مدرسه مَلّاعبدالله اقامه نماز و تدریس می کرد و پس از رحلت پدر بزرگوارش در مسجد جامع اصفهان این دو کار مهم را ادامه داد.

سید نعمت الله جزایری رحمه الله که از نامورترین شاگردان اوست، درباره عَلّامه مجلسی رحمه الله می گوید :

با آنکه جوان بود چنان در علوم تتبع کرده بود که کسی از علمای زمانش به آن پایه نرسیده بود. هنگامی که در مسجد جامع اصفهان به مردم پند می داد هیچ کس را فصیح تر و خوش کلام تر از او نیافتم. حدیثی که شب مطالعه می کردم چون صبح از او می شنیدم چنان بیان می کرد که گویی هرگز آن را نشنیده ام. (۲)

### شاگردان و راویان

جمعی از بزرگان و علمای شیعه در محضر عَلّامه مجلسی رحمه الله شاگردی کرده، یا از وی روایت نقل کرده اند.

در مجلس درس او، بنا بر نقلی، هزار تن یا بیشتر شرکت می کرده اند که عَلّامه نوری در کتاب فیض قدس نام آنها را ذکر کرده و در جلد صفر بحار الأنوار نام پنجاه تن از شاگردانش آمده است که به ذکر پنج تن از آنان بسنده می کنیم :

۱. صدرالدین سید علی خان شیرازی، شارح کتاب صحیفه سجّادیّه.

---

۱- بحار الأنوار، ج ۰، ص ۵۲ - ۵۵.

۲- گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. آغا میرزا عبدالله بن عیسی بن محمد صالح مشهور به آفندی، نویسنده کتاب ریاض العلماء وصحیفه ثالثه.

۳. محمد بن علی الأردبیلی مؤلف کتاب جامع الزواہ.

۴. میرزا محمد مشهدی صاحب تفسیر کنز العرفان.

۵. محدث نبیل، سید نعمت الله جزایری. (۱)

## تالیفات

علّامه مجلسی رحمه الله از بزرگ ترین نویسندگان جهان اسلام است. وی کتاب های فراوانی در علوم مختلف به عربی و فارسی به رشته تحریر در آورده که معروف ترین و مهم ترین وارزشمندترین آنها کتاب بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار است و می توان آن را بزرگ ترین موسوعه حدیثی شیعه، بلکه جهان اسلام شمرد.

نیز از ایشان سیزده کتاب به زبان عربی به ثبت رسیده که علاوه بر بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار می توان به مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول اشاره کرد که از کتاب های مشهور است.

نخستین کتابی که این مرد بزرگ نگاشته، رساله الأوزان نام دارد که آن هم به زبان عربی است.

کتاب تاریخ تشیع اصفهان، مجموع کتاب های علّامه مجلسی را بالغ بر ۲۴۵ جلد شمرده است. (۲)

تعداد کتاب هایی که علّامه مجلسی به زبان فارسی نوشته است تا پنجاه و سه جلد نوشته اند؛ البتّه برخی معتقدند تعداد تالیفات فارسی او بیش از اینهاست.

---

۱- بحار الأنوار، ج ۰، ص ۵۶ - ۶۱.

۲- تاریخ تشیع اصفهان، ص ۳۷۰.



از جمله کتاب های فارسی ایشان می توان به عین الحیاه، حیاه القلوب، زادالمعاد، حلیه المتقین وحقّ الیقین اشاره کرد؛ حقّ الیقین، آخرین کتاب علامه مجلسی رحمه الله است. (۱)

### حلیه المتقین

حلیه المتقین از کتاب های بسیار ارزشمند و پرمفعت علامه مجلسی است که احتمالاً بیش از سایر کتاب هایش چاپ و منتشر شده است.

علامه آقا بزرگ تهرانی معتقد است که علامه مجلسی در ۲۶ ذوالحجّه سال ۱۰۸۱، در ۴۴ سالگی، تألیف این کتاب ارزشمند را به پایان رساند و این کتاب به زبان هندی و عربی نیز ترجمه شده است. (۲)

سیدمقبول احمد دهلوی، کتاب حلیه المتقین را به زبان اردو ترجمه کرد و نام آن را تهذیب الإسلام نهاد. (۳) و شیخ خلیل رزق عاملی و علی عبدالحسین

شبستری نیز آن را تعریب کردند. (۴)

گزیده حلیه المتقین به نام مختصر الأبواب فی السینن والآداب، به وسیله حاج شیخ عبّاس قمی (۵)، وچکیده آن به نام آداب الشریعه به وسیله ملا محمدباقر فشارکی اصفهانی تنظیم شده است. (۶)

### علامه در سفر

علامه هیچ گاه قلم را حتّی در سفر از خود جدا نمی کرد و جلد بیست و دوم

۱- بحار الأنوار، ج ۰، ص ۴۶.

۲- الذریعه إلى تصانیف الشّیعه، ج ۷، ص ۸۳.

۳- الذریعه إلى تصانیف الشّیعه، ج ۴، ص ۵۰۸.

۴- مجله مبلّغان، شماره ۱۲۴، ص ۱۶۰ به بعد.

۵- الذریعه إلى تصانیف الشّیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

۶- الذریعه إلى تصانیف الشّیعه، ج ۱، ص ۲۱.

بحار الأنوار را پس از مراجعت از سفر حج در نجف اشرف تألیف کرد و در بازگشت از سفر خراسان در بین راه، ترجمه خطبه امام رضا علیه السلام و رساله و جیزه رجب را نگاشت.

در روزهایی که این محدث شهیر به منظور زیارت در مشهد مقدس به سر می برد، جمعی از علما و فضلا و طلباب برای استفاده از دانش او تقاضای درس حدیث کردند و او چهل حدیث (اربعون حدیث) را نگاشت.

هنگامی که شرح اربعین را به انجام رساند یکی از فضلاء اهل سنت بعد از دیدن کتاب از راه انصاف و محبت گفت :

گمان می کردم پایه علمی علامه مجلسی منحصر به ترجمه کتاب عربی به فارسی است تا آن که کتاب السماء والعالم بحار و شرح اربعین او را دیدم، دانستم علامه مجلسی دانایی است که مافوق او در علم متصور نیست. (۱)

### علامه مجلسی و سیاست

علامه پس از درگذشت ملا محمدباقر سبزواری در سال ۱۰۹۰ ه ق، به منصب «شیخ الاسلام» دست یافت (۲) و در این مسند خدمات بسیاری در

زمینه های گوناگون سیاسی و اجتماعی به ایران و تشیع کرد.

بزرگ ترین کار علامه مجلسی رحمه الله در صحنه سیاست که به نفع مکتب تشیع منتهی شد، مبارزه با صوفیان بود. علامه در دوایر دولتی و نیز نظام های مختلف اداری از قدرت آنها کاست. او در خصوص این گروه که فقط در اصفهان بیست و یک تکیه و خانقاه و زاویه داشتند، در رساله اعتقادات می نویسد :

اینک اجمالاً برای شما می نویسم و بیان می کنم چیزهایی را که برای خودم از

۱- گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۴.

۲- زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۶۱، به نقل از گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۵.

اصول مذهب به وسیله اخبار کثیره و متواتره ظاهر شده، تا گمراه نشوید و به خدعه‌ها و فریب‌ها و غرورهای صوفیه فریب داده نشوید و حجت خدا را بر شما تمام می‌کنم. (۱)

علامه علاوه بر صوفیان، کشیشان دربار، بیگانگان، نمایندگان مؤسّسات و شرکت‌های غربی به مبارزه با بت پرستان پرداخت. روزی به وی خبر دادند که بت پرستان در شهر اصفهان در خانه‌ای بتی قرار داده و برای نیایش آن بت به آن خانه می‌روند. وی بعد از تحقیق و آگاهی از محلّ بت، فتوای خراب کردن آن را صادر کرد. (۲)

### علامه از منظر اهل نظر

دانشمندان مطالب ارزشمندی در مورد شخصیت علامه مجلسی گفته‌اند که به منظور رعایت اختصار به سه نمونه آن بسنده می‌کنیم:

۱. محدّث شهیر شیخ حرّ عاملی رحمه الله شخصیت آن عالم بزرگوار را چنین وصف کرده است:

آقا محمّد باقر مجلسی عالم فاضل، محقّق ماهر، علامه مدقّق، اندیشمند فقیه، متکلم برجسته، محدّث مورد اعتماد، دربردارنده محاسن و فضائل، استاد جلیل القدر و عظیم الشان، دارای تألیفات بسیار و سودمند است. بحار الأنوار فی أخبار الأئمه الأطهار، جلاء العیون، حیاة القلوب، عین الحیاة، مشکاه الأنوار و حلیه المتّقین از جمله آثار اوست. (۳)

۲. علامه سید محسن امین رحمه الله می‌گوید:

۱- ترجمه رساله اعتقادات علامه مجلسی، ص ۷۸، به نقل از گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲- روّضات الجنّات، ج ۲، ص ۷۹، به نقل از گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳- اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

ملا محمدباقر اصفهانی معروف به مجلسی ثانی، فرزند ملا محمدتقی (مجلسی اول)، از عالمان موفقی است که در عالم اسلام کسی به درجه توفیقات ایشان نایل نگشته است. خدمات علامه به مذهب تشیع در آن پایه است که عالم متعصب اهل سنت، عبدالعزیز دهلوی صاحب التحفه الاثنی عشریه فی الرد علی الامامیه گفته است: اگر شیعیان را مجلسی مذهب بنامند جا دارد، زیرا این مرد در رونق این مذهب نقش بسزایی داشته است. (۱)

۳. معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی قدس سره، همکاری علامه مجلسی با سلاطین عصر را برای کنترل زمامداران دانسته، می فرماید:

مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویّه بود، صفویّه را آخوند کرد؛ نه خودش را صفویّه کرد؛ آنها را کشاند توی مدرسه و توی علم و توی دانش و اینها، تا آن اندازه ای که البتّه توانستند. (۲)

### وفات علامه مجلسی رحمه الله

طبق آنچه در کتاب وقایع الأيام ولؤلؤه آمده، علامه مجلسی در روز ۲۷ ماه رمضان سال ۱۱۱۱ در ۷۳ سالگی از دنیا رفت. (۳)

علامه سیدمحسن امین معتقد است که علامه مجلسی در ۱۰۲۷ متولد شد و در سال ۱۱۱۰ رحلت یافت؛ بنابراین، عمر شریفشان ۸۳ سال بوده است. (۴)

شاعر در مورد تاریخ وفاتش چنین گفته است:

۱- امل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۸، شماره ۷۳۳.

۲- صحیفه نور، ج ۸، ص ۸.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۶۲. البتّه نویسنده کتاب الروضات از کتاب حدائق المقرّبین نقل کرده که تاریخ گذشت ایشان ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ بوده است.

۴- اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۲.

ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد تاریخ وفات باقر اعلم شد

پیکر پاک علامه مجلسی در مقبره ای که پدرش و جمعی دیگر از علمای بزرگ مدفون بودند آرام گرفت، تا قبرستان عتیق  
اصفهان به نور این بزرگان

منور شود.

عاش سعیدآ و مات سعیدآ

وسوف یبعث إن شاء الله سعیدآ



## مقدمه علامه مجلسی

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پیامبران و رسولانش را به زیباترین چیزی که متقین خود را به آن می آریند، آراست و گل سرسید بر گزید گانش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به منظور تکمیل اخلاق مؤمنین مبعوث کرد و برترین خصلت های اخلاقی پیامبران را در اوصیا و امامان انتخاب شده، به اکمال رساند. پس صلوات و درود خداوند به تعداد نفس های تسیح کنندگان از همه ملائکه و تمامی انسان ها بر محمد و اوصیایش باد و نفرین خدا به قدری که تمام آسمان ها وزمین ها را پُر کند بر دشمنان محمد و آل محمد علیهم السلام. (۱)

از آنجا که مهم ترین امتیاز انسان بر سایر موجودات، آراستگی وی به اخلاق پسندیده و استفاده از آداب و خلق و خوی نیکوست و به مقتضای حدیث نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که فرمود: *بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ* (۲)، تمام خلق و خوهای

نیکو و اخلاق پسندیده در آیین اسلام جمع شده است. و چون بخشی از مکارم اخلاق را در کتاب عین الحیاه ذکر کرده ام، بدین رو جمعی از دوستان راه سعادت و علاقه مندان به پیروی از اهل بیت رسالت از اینجانب درخواست

۱- متن مزبور خطبه علامه مجلسی به زبان عربی است که ترجمه شده.

۲- ترجمه: «مبعوث شدم تا اصول اخلاقی را کامل کنم». بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰؛ میزان الحکمه، ج ۳، باب ۱۱۷۶، ح ۵۴۵۷.

کردند که کتابی در مورد آداب اسلامی که با اسناد معتبر از حضرات معصومین علیهم السلام به من رسیده، گردآوری کنم و برای این که همه مردم بتوانند از آن استفاده کنند به فارسی باشد. پس، علی رغم کمبود وقت و اشتغالات فراوان، چون اجابت این دعوت را لازم و انجام دادن آن را حقی بر گردن خود می دانستم و به امید آنکه مصداق حدیث شریف [نبوی]:  
 الدُّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كِفَاعِلُهُ (۱) شوم،

کتابی را که پیش روی شما خوانندگان محترم است، در چهارده فصل و یک خاتمه نوشتم:

فصل اول: آداب لباس پوشیدن.

فصل دوم: آداب پوشیدن زیورآلات و سرمه کشیدن و رنگ کردن و نگاه کردن در آینه.

فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن.

فصل چهارم: فضیلت ازدواج و آداب آمیزش و معاشرت با زنان و چگونگی تربیت فرزندان و رفتار با آنها.

فصل پنجم: آداب مسواک زدن و ناخن گرفتن و کوتاه کردن شارب و اصلاح سر و صورت و شانه کردن و مانند آن.

فصل ششم: آداب استعمال بوی خوش و بوییدن گل خوش و روغن مالیدن.

فصل هفتم: آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و مانند آن.

فصل هشتم: آداب خوابیدن و بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه.

فصل نهم: آداب حجامت کردن و تنقیه و ذکر برخی دعاها و حرزها و خواص برخی داروها و چگونگی معالجه برخی بیماری ها.

۱- ترجمه: «هر که دیگران را به کارهای خیر راهنمایی کند، همانند انجام دهنده آن است». بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۱۹، ح

۲۰؛ میزان الحکمه، ج ۳، باب ۱۱۷۶، ح ۵۴۵۷.



فصل دهم: آداب معاشرت با مؤمنین و حقوق واصناف مؤمنان.

فصل یازدهم: آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه کردن و مانند آن.

فصل دوازدهم: آداب وارد شدن به خانه و بیرون رفتن از آن.

فصل سیزدهم: آداب سوار شدن و راه رفتن و به بازار رفتن و تجارت و زراعت کردن و نگهداری حیوانات.

فصل چهاردهم: آداب سفر.

خاتمه: بیان برخی فواید (ورویات) متفرقه.

وهر فصل دوازده بخش دارد.

این کتاب را «حلیه المتقین» نامیدم، به امید آنکه خوانندگان این کتاب ارزشمند و عمل کنندگان به روایاتش، نویسنده را از دعای خیر فراموش نکنند.

والله الموفق والمعین

محمد باقر بن محمد تقی مجلسی



## فصل اول: آداب پوشیدن لباس و کفش

### اشاره

۱. فضیلت آراستن
۲. لباس های حرام
۳. بهترین لباس
۴. رنگ لباس
۵. برخی آداب لباس پوشیدن
۶. حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران
۷. عمامه بستن و کلاه پوشیدن
۸. آداب پوشیدن پاجامه
۹. آداب لباس نو بریدن و پوشیدن
۱۰. دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس
۱۱. رنگ کفش و ویژگی های آن
۱۲. آداب پوشیدن کفش



## فضیلت آراستن

### اشاره

(مقدمه:) از احادیث معتبر و فراوان استفاده می شود که پوشیدن لباس تمیز و خوب و آراستن و زینت کردن مناسب خویش، در صورتی که هزینه آن از راه حلال به دست آمده و در شأن انسان باشد، مستحب و موجب خشنودی پروردگار عالمیان است. اما اگر از راه حلال ممکن نباشد باید به قدر امکان بسنند کرد، تا زیاده خواهی های پوشاک مانع بندگی و عبادت نشود و چنانچه خداوند متعال درهای روزی را بر کسی گشود، هم خود او از آن به شایستگی بهره برد و هم دیگران را در آن سهیم کند و اگر بر او تنگ گرفت، قناعت پیشه سازد و خود را به حرام و حتی اموال مشتبه آلوده نکند. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

### اظهار نعمت های پروردگار

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده خود دهد و آثار آن نعمت بر آن بنده آشکار شود، او ذاکر (وشاکر) نعمت پروردگار و دوست خداوند نامیده می شود، اما اگر آثار نعمت در (گفتار و کردار) او ظاهر نشود، دشمن خدا و تکذیب کننده نعمت پروردگار شمرده خواهد شد.» (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده اش کرامت کند،

---

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۳۸، ح ۲؛ میزان الحکمه، ج ۱۰، باب ۳۹۱۱، ح ۲۰۴۳۱.

دوست دارد اثر آن نعمت را بر او ببیند». (۱)

۳. نیز در سخنی فرمود: «خداوند متعال زینت و اظهار و ابراز نعمت را دوست دارد و از ترک زینت و اظهار فقر و بدحالی بیزار است. دوست دارد آثار نعمت را در بنده اش ببیند. (مثل اینکه) لباس خود را خوشبو سازد، از منزلش به خوبی نگهداری کند، خانه اش را جاروب کرده، آن را تمیز نگاه دارد و حتی روشن کردن خانه پیش از غروب آفتاب (۲)، فقر را زایل می کند و بر روزی می افزاید». (۳)

### خود را برای خودی ها بیاراید

از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «همان گونه که به هنگام ملاقات با غریبه ها خود را می آرایی تا شما را در بهترین حال ببینند، برای برادران مؤمن نیز خود را بیارایی». (۴)

### لباس خوب از مال حلال

یوسف بن ابراهیم، از راویان حدیث، می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم در حالی که لباس هایی خوب (از خز) (۵) پوشیده بودم. پرسیدم: نظرتان در مورد

این لباس ها چیست؟ فرمود: اشکالی ندارد زیرا امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت از همین لباس بر تن داشت و هنگامی که حضرت علی علیه السلام به عبدالله بن عباس

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۳، ح ۱ و ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۹۸.

۲- البته این بخش از روایت مربوط به زمان های گذشته است که مردم از نعمت برق محروم بودند و لازم بود پیش از تاریکی هوا وسایل روشن کننده را آماده سازند.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۴۱؛ میزان الحکمه، ج ۱۰، باب ۳۹۱۱، ح ۲۰۴۳۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۳۹، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۹۸.

۵- خز، پوست حیواناتی است که موهایی بلند و نرم و لطیف و پرپشت دارند. برخی حیوانات غیر اهلی نیز خزدارند. چنین حیواناتی در زمان های گذشته فراوان بود ولی امروزه بر اثر صید بی رویه، کمیاب یا نایاب است.

مأموریت داد تا با خوارج نهروان مذاکره کند، بهترین لباس ها را پوشید و با بهترین عطرها خود را خوشبو ساخت و بر بهترین اسبان سوار شد و رو به آنها رفت. خوارج چون او را در آن حال دیدند، گفتند: تو از بهترین مردمانی، پس چرا لباس جباران بر تن داری و بر مرکب آنان سوار شده ای؟ ابن عبّاس آیه زیر را تلاوت کرد: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ): «بگو: چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟» (۱) (و آنها جوابی در برابر او نداشتند).

سپس امام صادق علیه السلام به یوسف بن ابراهیم فرمود: لباس های خوب و ارزشمند بپوش و خود را پیرایش کن که خداوند زیباست و زیبایی ها را دوست می دارد؛ البته مشروط بر آنکه از راه حلال به دست آمده باشد (و در حدّ اسراف نباشد). (۲)

### لباس زیرین و روین

در روایتی معتبر آمده است که روزی سفیان ثوری از سران متصوّفه به مسجد الحرام رفت. امام صادق علیه السلام را دید که در گوشه ای از مسجد نشسته و لباس هایی زیبا و ارزشمند بر تن دارد. با خود گفت: به خدا سوگند باید به نزدش بروم و او را به خاطر این لباس ها سرزنش کنم. سپس خدمت حضرت رسید و با سخنی اعتراض آمیز عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، به خدا قسم پیامبر و هیچ یک از پدران و چنین لباسی نپوشیده اند.

امام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روزگاری زندگی می کرد که عموم مردم در فقر و تنگدستی به سر می بردند (و به همین علت چنین لباس هایی

۱- سوره اعراف، آیه ۳۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۴۲، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۲۵.

نمی پوشید)، امّا امروز وضعیت مالی شان بهتر است و سزاوارترین مردم به استفاده از نعمت های پروردگار، انسان های نیکوکار و پرهیزگاران هستند». سپس آیه ۳۲ سوره اعراف را که در روایت پیشین گذشت، تلاوت کرد. آن گاه فرمود: «ما سزاوارترین مردم برای استفاده از نعمت های پروردگار هستیم». و در ادامه فرمود: «ای ثوری، این جامه روین را که می بینی برای (حفظ آبرو در برابر) مردم پوشیده ام»، سپس دامن لباس را بالا زد و لباس زیرین را که لباس بسیار ساده و کم ارزش بود به وی نشان داد و فرمود: «این لباس را برای خود پوشیده ام». بعد حضرت لباس روین سفیان ثوری را بالا زد و او لباس زیبا و ارزشمندی در زیر و لباس ساده و کم ارزشی روی آن پوشیده بود! حضرت فرمود: «ثوری، لباس زیرین را برای لذت نفس و لباس روین را برای فریب دادن مردم پوشیده ای». (۱)

### آراسته بودن در بیرون خانه

در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام در فصل تابستان بر روی حصیر و در زمستان بر روی پلاس (۲) می نشست و در خانه لباس گشاد می پوشید، امّا در

بیرون خانه و در برابر مردم، آراسته ظاهر می شد. (۳)

### فلسفه سختی های دنیا

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بر اثر علاقه ای که به برخی بندگانش دارد، دنیا را بر آنها تنگ گرفته و محبت دنیا را از دل آنها برداشته است. از این رو آنان بر تنگی خوردنی ها و آشامیدنی ها

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۴۲، ح ۷؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۴۴.

۲- گلیم، فرشی از پشم (که) به رنگ های مختلف می بافند و پرز ندارد (فرهنگ عمید).

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۷.



وسختی های دنیا شکیبایی ورزیده و به جهان آخرت و آنچه از کرامت ابدی که نزد خداست مشتاق و راغب اند و جان خود را در راه رضای خدایشان بر کف گرفته و سرانجام به شهادت می رسند و هنگام کوچیدن به جهان دیگر، خداوند از آنان خوشنود است. چنین بندگانی نیک می دانند که مرگ دامنگیر همه می شود (و باید دنیا و هر آنچه را در آن است بگذارند و بگذرند)؛ به همین علت، به فکر تهیه زاد و توشه برای جهان دیگرند. آنها به فکر گردآوری طلا و نقره نیستند، لباس های ساده می پوشند و بیش از ضرورت و نیاز غذا نمی خورند و اضافه بر آن را در راه خدا هزینه می کنند، تا توشه آخرتشان باشد. آنان برای جلب رضای خدا، با انسان های خوب دست دوستی داده و با دشمنان خدا قطع رابطه می کنند. این بندگان خوب خدا، چراغ های هدایت و غرق در نعمت های جهان آخرتند». (۱)

یادآوری: بسیاری از روایات مناسب این فصل را در کتاب عین الحیاه آورده ام. (۲)

## لباس های حرام

### اشاره

(مقدمه:) برخی لباس هایی که پوشیدن آن حرام است به شرح زیر است :

(اول:) پوشیدن لباس هایی که از ابریشم خالص است و همچنین لباس های طلا باف (وهر آنچه زینت طلا دارد)، بر مردان حرام است. و نیز احتیاط آن است که عرقچین و کیف دستی و چیزهای کوچکی که نمی توان با آن عورت را پوشاند از ابریشم خالص نباشد. همان گونه که احتیاط آن است که اجزای لباس، حتی نوارهایی را که در حاشیه لباس می دوزند از ابریشم خالص نباشد. و چنانچه کسانی بخواهند لباس حریر بپوشند، بهترین راه آن است که چیزی با ابریشم مخلوط کنند؛ به هر نسبتی که باشد ولی سزاوار است نسبت آن ده به یک یا بیشتر

۱- معانی الأخبار، ص ۱۹۹؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۵۱.

۲- عین الحیاه، ص ۲۸۶، لمعه ششم.

باشد. و اگر مجموع تار یا مجموع پود (۱) آن غیر ابریشم باشد بهتر است. و سزاوار است که ولی، پسران نابالغ خود را از پوشیدن لباس های ابریشمین و طلا باف منع کند.

(دوم: لباس هایی که از پوست حیوان مرده تهیه شده، هر چند آن را دباغی کرده باشند.

(سوم: لباس هایی که از پوست حیوانات حرام گوشت تهیه شده، هر چند حیوان را به طریق شرعی ذبح کرده باشند. حتی اگر یک تار موی حیوان حرام گوشت (مانند گربه) در لباس یا بدن نماز گزار باشد حرام است. (در این زمینه به روایات زیر توجه کنید:)

### لباس ابریشمین

۱. در روایت معتبری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «انگشتر طلا در دست نکن و لباس ابریشمین نپوش که این هر دو، زینت و پوشش تو در بهشت است». (۲)

۲. و در سخنی دیگر، به آن حضرت فرمود: «لباس ابریشمین نپوش که اگر بپوشی، خداوند پوست تو را به آتش می سوزاند». (۳)

### زیور آلات طلا و نقره

۱. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا بر مرد جایز است خانواده اش را با زیور آلات طلا بیاراید؟ حضرت فرمود: «برای زنان و دختران

۱- نخ های عمودی پارچه «تار» و نخ های افقی آن «پود» نامیده می شود.

۲- خصال، ج ۲، ص ۳۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۴۸، ح ۸.

۳- علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۴۸، باب ۵۷، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۷۷۴.

اشکال ندارد، ولی برای پسران جایز نیست». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام فرزندان (دختر) و همسران خود را به زیورآلات طلا و نقره می آراست و می فرمود: اشکالی ندارد». (۲)

## بهترین لباس

### اشاره

(مقدمه:) بهترین لباس آن است که از پنبه بافته شده باشد و بعد از آن کتان است و کراحت دارد همواره لباس پشمین بپوشند، اما پوشیدن آن در برخی اوقات به منظور حفاظت از سرما و صرفه جویی در هزینه و مانند آن خوب است. (به روایاتی در این زمینه توجه کنید:)

### لباس پنبه ای و پشمین

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «لباس های پنبه ای بپوشید که پوشش حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ما اهل بیت است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله لباسی را که از مو یا پشم تهیه شده بود جز در موارد ضرورت نمی پوشید». (۳)

۲. امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «لباسی که از مو یا پشم بافته شده، جز در موارد ضرورت نپوشید». (۴)

۳. حسین بن کثیر می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که پیراهنی گشاد بر تن داشت و جامه پشمینه ای بر روی آن پوشیده بود. عرض کردم: فدایت شوم، مردم

۱- سرائر، ج ۳، ص ۶۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۲، ح ۱. هدف اسلام از این کار، مبارزه با تجمل پرستی و خوی اشرافیگری است.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۳۹، ح ۴۹.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۵۰، ح ۲؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۳، ح ۵۵۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، ح ۱؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۳، ح ۵۵۱.

از پوشیدن لباس پشمین خودداری می‌ورزند شما چرا می‌پوشید؟ حضرت فرمود: «پدرم امام باقر و پدرش امام سجّاد علیهما السلام چنین لباسی می‌پوشیدند و هرگاه به نماز می‌ایستادند گشادترین (وساده‌ترین) لباس‌های خود را می‌پوشیدند و ما به پیروی از آنان چنین می‌کنیم».<sup>(۱)</sup>

۴. در روایتی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چند کار را تا پایان عمر ترک نخواهم کرد تا پس از من سنّت شود: هم غذا شدن با مستخدمان در حال نشسته بر روی زمین، سوار شدن بر مرکب ساده، دوشیدن شیر از حیوان با دستان خود، سلام کردن بر کودکان، پوشیدن لباس پشمین».<sup>(۲)</sup>

(سؤال): در برخی روایات، پوشیدن لباس پشمین مکروه شمرده شده و طبق برخی روایات دیگر، برخی امامان معصوم آن را می‌پوشیدند. چگونه این روایات با هم سازگار است؟

(جواب): اگر از لباس پشمی برای همیشه و به منظور خودنمایی و جلوه‌گری استفاده شود کار مذموم و ناپسندی است، اما اگر به منظور قناعت در هزینه‌های زندگی، یا تواضع و فروتنی، یا حفاظت از سرما پوشیده شود اشکال ندارد. روایت زیر پاسخ بالا را تأیید می‌کند. توجه فرمایید:

۵. طبق آنچه ابوذر غفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، آن حضرت فرمودند: «در آخر الزّمان گروهی در تابستان و زمستان لباس‌های پشمی می‌پوشند، به گمان آنکه با این کار بر دیگران فضیلت و برتری خواهند داشت. ملائکه آسمان‌ها و زمین آنها را لعنت می‌کنند».<sup>(۳)</sup> (و شاید نامیدن آنها به صوفیه به علت پوشیدن همین

لباس‌های پشمی بوده که عرب به آن صوف می‌گویند. در ضمن لباس پشمی بر دو گونه

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۵۰، ح ۴.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۴۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۵.

۳- امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۷۱.

است: بخشی از آن نرم ولطیف که غالباً اشراف می پوشیدند و بخشی دیگر، خشن و درشت که زاهدان واقعی و گاهی ریاکاران می پوشیدند).

### لباس کتان و خز

۱. در حدیثی آمده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پوشش پیامبران لباس کتان بوده است». (۱)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «لباس کتان انسان را فربه (و دارای تناسب اندام) می کند». (۲)
۳. در روایت دیگری می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام برای خرید لباس خز (۳) هزار یا هزار و پانصد درهم می پرداخت و آن را در زمستان می پوشید و هنگام فصل بهار آن را فروخته، قیمتش را به فقرا صدقه می دادند. (۴)

### رنگ لباس

#### اشاره

(مقدمه: بهترین رنگ برای لباس، سفید و سپس زرد، بعد سبز و پس از آن قرمز کم رنگ (صورتی) است. و پوشیدن لباس به رنگ کبود و عدسی و قرمز پررنگ، به ویژه هنگام نماز کراهت دارد. و پوشیدن لباس سیاه در همه حال کراهت شدید دارد؛ البته عمامه و عبا و کفش سیاه (۵) از این حکم مستثناست،

هرچند که عبا و عمامه سیاه نباشد بهتر است. (به روایاتی در این زمینه توجه کنید:)

- 
- ۱- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۴؛ کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، باب کتان، ح ۱.
  - ۲- کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، باب کتان، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۷، باب ۱۶، ح ۱.
  - ۳- خز را بیشتر تفسیر کردیم.
  - ۴- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۶، ودعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۵۵۲.
  - ۵- و نیز عبا و چادر زنان.

**لباس سفید وزرد**

۱. در احادیثی معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «لباس سفید بپوشید که نیکوترین و پاکیزه ترین رنگ هاست. و مردگان خود را با کفن سفید دفن کنید». (۱)
۲. امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت علی علیه السلام در بیشتر اوقات، لباس سفید می پوشید. (۲)
۳. حفص مؤذن می گوید: امام صادق علیه السلام را در مسجد پیامبر در بین قبر و منبر در حال نماز دیدم. آن حضرت لباسی زرد همچون رنگ به بر تن داشت. (۳)
۴. زراره می گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم که لباسی گشاد و عبایی زردرنگ از خز پوشیده بود. (۴)

**لباس قرمز و کبود**

۱. در حدیثی معتبر آمده است که حکم بن عیینه خدمت امام باقر علیه السلام رسید. حضرت لباس سرخ تیره که با گل کافشه (۵) رنگ شده بود بر تن داشت. به حکم فرمود: نظر تو در مورد این لباس چیست؟ عرض کرد: چه گویم در مورد لباسی که اگر جوانان شوخ بپوشند ما آن را عیب می دانیم. حضرت فرمود: «چه کسی زینت الهی را بر بندگانش حرام کرده است؟» سپس فرمود: «چون تازه دامادم چنین لباسی پوشیده ام». (۶)

- ۱- کافی، ج ۶، ص ۴۴۵، ح ۱ و ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۵، ح ۱.
- ۲- قرب الإسناد، ص ۱۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۶، ح ۶.
- ۳- کافی، ج ۶، ص ۴۵۲، ح ۱۰؛ قرب الإسناد، ص ۳۰، ح ۳۷.
- ۴- کافی، ج ۶، ص ۴۵۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۴.
- ۵- گیاهی است با برگ های بیضی شکل و گل های زرد رنگ که گل های آن را پس از خشک کردن نرم می کنند و روی نان می ریزند و گاه به جای زعفران به کار می برند (فرهنگ عمید).
- ۶- کافی، ج ۶، ص ۴۴۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۵.

۲. در روایت دیگری آمده است که پوشیدن لباس قرمز تیره، جز برای تازه داماد، کراهت دارد. (۱)

۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «جبرئیل در روز آخر ماه رمضان بعد از نماز عصر بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد. چون به آسمان رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را خواند که با شوهرت نزد من آیی. هنگامی که خدمت حضرت رسیدند علی علیه السلام را در جانب راست و فاطمه علیها السلام را در جانب چپ خود نشانید و دست آنها را گرفت و بر دامان خویش نهاد. سپس فرمود: دوست دارید آنچه را که جبرئیل به من گفت به شما بگویم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. فرمود: جبرئیل گفت: در روز قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خداوند دو لباس بر من می پوشاند که یکی به رنگ سبز و دیگری سرخ همچون رنگ گل است و تو ای علی، در جانب راست عرش خواهی بود و بر تو نیز دو لباس همانند لباس های من می پوشاند». راوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردم رنگ سرخ را نمی پسندند. امام فرمود: «هنگامی که خداوند حضرت عیسی را به آسمان برد، آن حضرت دو لباس به همین رنگ بر تن داشت». (۲)

۴. در روایتی معتبر آمده است که یونس می گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که لباسی گشاد و بلند و کبودرنگ بر تن داشت. (۳)

### لباس سبز سیر و سیاه

۱. محمد بن علی می گوید: امام هفتم علیه السلام را در لباس عدسی رنگ دیدم. (۴)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۴۷، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۵.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۶۰، ح ۱۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۴۸، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۶.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۴۸، ح ۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۹.

۲. ابوالعلا می گوید: حضرت صادق علیه السلام را در حال احرام با بُردِ یمنی سبزرنگ دیدم. (۱)

۳. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: با کلاه سیاه نماز بخوانم؟ فرمود: «لباس سیاه لباس اهل جهنم است با آن نماز نخوان». (۲)

۴. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «لباس سیاه کراهت دارد، مگر در سه چیز: عبا و عمامه و کفش». (۳)

### برخی آداب لباس پوشیدن

(مقدمه: پیراهن های دراز و بلند پوشیدن و آستین پیراهن را بلند کردن و لباس را برای تکبر بر روی زمین کشیدن، مکروه و ناپسند است. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به بازار رفت و با یک دینار (اشرفی) سه قطعه لباس خرید: پیراهنی که بلندای آن تا نزدیک بند پا بود، لنگی که طول آن تا نیمه ساق پا بود، ازاری که از جلو تا روی سینه ها و از عقب تا پایین تر از کمر را می پوشاند. حضرت پس از خرید، دست به آسمان بلند کرد و پیوسته خدا را بر این نعمت شکر می کرد تا به خانه بازگشت». (۴)

۲. و در حدیثی دیگر فرمود: «آنچه از بلندای پیراهن از قوزک پا می گذرد در آتش جهنم است». (۵)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۵، ح ۹۷۸.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۷.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۳. گفتنی است که چادر زنان در میان عرب، نوعی عبا محسوب می شود.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۵۵، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۳.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۵۶، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۹.



۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبرش فرمود: (وَيَأْتِيكَ فَطَهْرٌ)؛ ولباست را پاکیزه دار. (۱) لباس های پیامبر صلی الله علیه و آله پاک و پاکیزه بود،

منظور خدا این بود که پیراهنت را کوتاه کن تا آلوده نشود». (۲)

و در روایت دیگری آمده است که آن را بالا بزن تا به زمین کشیده نشود. (۳)

۴. در روایت حسنه ای از امام باقر علیه السلام نقل شده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مردی از بنی تمیم چنین وصیت کرد: مبادا پیراهن و لنگ خود را بلند و دراز کنی که نشانه تکبر است و خداوند متکبران را دوست نمی دارد». (۴)

۵. در روایتی معتبر آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام هرگاه پیراهن می پوشید آستین آن را می کشید و آنچه را که از سر انگشتانش می گذشت می بُرید. (۵)

۶. در حدیث آمده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: هر که از روی تکبر، جامه اش را بر زمین بکشد خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی کند. و ازار مرد تا نیمه ساق پاست؛ البته تا بند پا هم جایز است، اما افزون بر آن در آتش است». (۶)

(یادآوری: به طور کلی همواره باید اهداف پوشش لباس را در نظر داشته باشیم و مطابق آن، لباس های خود را تهیه کنیم.

هدف از پوشیدن لباس سه چیز است:

نخست حفظ تن از سرما و گرما و صدمات احتمالی ناشی از برخورد با موانع طبیعی و غیر طبیعی؛ این هدف مربوط به جسم انسان است.

هدف دیگر، حفظ حرمت و کرامت انسانی در برابر دیدگان دیگر انسان هاست، زیرا

۱- سوره مدثر، آیه ۴.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۵۶، ح ۴.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۵۵، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۵۶، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۹.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۵۷، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۱.

۶- امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۰.

اگر آدمی به صورت برهنه، همچون حیوانات، در برابر هموعان خود حاضر شود، از چشم آنان می افتد و حرمتش شکسته و کرامتش لگه دار می شود؛ این هدف مربوط به روح انسان است.

وهدف سوم، کمک به حفظ پاکدامنی و عفت هموعان در سطح جامعه و حتی خانواده است که این هدف بر خلاف دو هدف اول، مربوط به دیگران است؛ بنابراین، آنچه به هنگام تهیه لباس مهم است رعایت سه هدف مزبور است؛ از این رو لباس های تنگ و چسبان هر چند تمام بدن را بپوشاند، پسندیده نیست زیرا نه مایه آرامش جسم انسان است و نه روح و نه افراد جامعه.

همان گونه که لباس های آستین کوتاه که بیش از حد متعارف، آستین آن کوتاه است در انظار عمومی پسندیده نیست.

مختصر اینکه، لباس های واجد اهداف سه گانه بالا مورد تأیید اسلام است و آنچه فاقد آن سه هدف، یا برخی از آنها باشد در اسلام سفارش نشده است).

### حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران

(مقدمه: پوشیدن لباس ویژه بانوان، مانند روسری، مقنعه، چادر و برخی از لباس های زیر، بر مردان حرام است. چنانکه بر بانوان حرام است پوشیدن لباس های مخصوص مردان، مانند قبا، عمامه و دیگر لباس های ویژه آنان. و بر مرد وزن جایز نیست پوشیدن لباس های مخصوص کافران. (به دو روایت در این زمینه توجه کنید:)

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جایز نیست زنان شبیه مردان شوند، زیرا رسول خدا زنانی را که شبیه به مردان می شوند و مردانی را که شبیه به زنان می شوند نفرین کرده است».<sup>(۱)</sup>

۱- خصال، ج ۲، ص ۳۷۴؛ بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۶.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال به پیامبری از پیامبرانش فرمود: به مؤمنین بگو: لباس های مخصوص دشمنان مرا را نپوشید و از غذای آنان نخورید و خود را شبیه آنان نکنید، وگرنه شما هم دشمن من خواهید بود». (۱)

## عِمَامَه بَسْتَن وَ كَلَاه پُوشِيدَن

### اشاره

(مقدمه:) به دو روش می توان عِمَامَه بست: بر سر و زانو. بستن عِمَامَه بر روی سر مستحب است، چنانکه تحت الحنک (۲) نهادن برای عِمَامَه هم مستحب است. (۳)

شهید اول رحمه الله اعتقاد دارد که ایستاده عِمَامَه پیچیدن مستحب است. (۴) (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

### عِمَامَه بر سر گذاشتن

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس عِمَامَه بر سر بیچد و تحت الحنک (۵) نبندد و به درد بی درمانی مبتلا شود، کسی را جز خودش سرزنش نکند». (۶)

۲. و در روایتی دیگر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با دست (مبارک) خود بر سر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام عِمَامَه بست. یک

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۷۶۹؛ مشکاه الأنوار، ص ۳۲۵.

۲- پیچی از عِمَامَه که از زیر چانه می گذرانند و روی شانه می اندازند.

۳- روایات مربوط به استحباب تحت الحنک فراوان است، ولی ظاهر آ همه آنها مربوط به تمام حالات است و در خصوص حال نماز، فقط یک روایت داریم که آن هم ضعیف است. رک: اصول کافی، ج ۶، ص ۴۶۰، باب العمام.

۴- دروس، ج ۱، ص ۱۵۲.

۵- باید توجه داشت که «تحت الحنک» در گذشته در همه حال معمول بود، ولی اکنون متعارف نیست و گاه ممکن است لباس شهرت به شمار آید.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۶۱، باب العمام، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۱، ح ۱.

طرف عمامه را از پیش صورت و طرف دیگر آن را چهار انگشت کوتاه تر، از پشت سر آویخت، سپس به علی علیه السلام فرمود: برو! رفت و فرمود: بیا! آمد و بعد فرمود: به خدا قسم، تاج ملائکه و فرشتگان چنین است». (۱)

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمامه را بر سر بست و یک طرف آن را به جلو و طرف دیگر آن را به پشت سر انداخت. چنانکه جبرئیل (در هیأتی که در برابر پیامبر آشکار می شد) نیز به این صورت عمامه می بست». (۲)

۴. و از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشتگان در جنگ بدر عمامه های سفید بر سر داشتند». (۳)

۵. در کتاب فقه الرضا خواندن این دعا به هنگام گذاشتن عمامه بر سر سفارش شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَرْفَعُ ذِكْرِي وَاَعْلِي شَانِي وَاَعَزِّي بِعِزَّتِكَ وَاُكْرِمُنِي بِكَرَمِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّحْنِي بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ. (۴)

۶. در کتاب مکارم الأخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که به هنگام گذاشتن عمامه این دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ الْإِيمَانِ وَتَوَجَّحْنِي بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي (۵) و افزوده است که عمامه را باید در حال ایستاده پیچید. (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۶۱، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۶۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۶۰.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۶۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۹.

۴- ترجمه: «به نام خدا، پروردگارا، ذکر مرا بالا بر ورتبه ام را بلند گردان و مرا در پیشگاه خود و در میان مخلوقات گرامی بدار.

بار خدایا، تاج کرامت و عزت و پذیرش (اعمال) را بر سرم نه». فقه الرضا، ص ۳۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۷۷، ح ۸.

۵- ترجمه: «خدایا، مرا به نشانه ایمان نشانه گذار و تاج کرامت بر سرم نه و بند اسلام و ایمان بر گردنم افکنو آن را از گردنم بیرون میاور».

۶- مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰.

## کلاه پوشیدن

در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله کلاه های متعددی داشت که بر سر می نهاد. (۱)

علما پوشیدن کلاه های دراز و بلند را که به آن «بُرْطُل» گویند و یهودیان بر سر می گذاشتند، مکروه شمرده اند. (۲) و از برخی روایات استفاده می شود که شکستن

پایین کلاه و برگردانیدن آن مکروه است. (۳)

## آداب پوشیدن پاجامه (شلوار راحتی)

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که زمین به سبب دیدن عورت تو به من شکایت می کند، میان زمین و عورت خود حجابی قرار ده تا زمین ناراحت نباشد (۴) ، سپس حضرت ابراهیم پاجامه را اختراع کرد و پوشید». (۵)

۲. در کتاب جامع بزنطی روایت شده است که هر که پاجامه را ایستاده بپوشد، تا سه روز حاجتش برآورده نشود. (۶)

۳. از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن پاجامه در حال ایستاده، موجب اندوه است».

(۷)

۱- بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۵.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰ (با اندکی تفاوت).

۳- بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۴۵، ح ۶۲.

۴- گفتنی است که عرب ها زیر پیراهن بلند (دشداشه) پاجامه نمی پوشیدند. اکنون هم کم و بیش برخی عرب ها چنین می کنند. روایت مزبور ناظر به پوشش پاجامه برای چنین کسانی است، زیرا در حرکات و حالات مختلف، ممکن است قسمت هایی از بدن انسان نمایان شود.

۵- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۷۷، ح ۳.

۶- السرائر، ج ۳، ص ۵۸۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۷، ابواب احکام الملابس، باب ۶۸، ح ۵.

۷- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۶، ابواب احکام الملابس، باب ۶۸، ح ۲. (شاید به این خاطر که گاه ممکن است خطرهایی پیش آید).

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «پاجامه را ایستاده و رو به قبله و رو به انسان دیگری نپوشید». (۱)

۵. و در سخنی دیگر فرمود: «پیامبران پیراهن را پیش از پاجامه می پوشیدند». (۲)

۶. در کتاب فقه الرضا آمده است: پاجامه را ایستاده نپوشید که موجب هلاکت و زردآب و غم و درد می شود، بلکه نشسته بپوشید و در وقت پوشیدن این دعا را بخوانید: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَلَا تَهْتِكْنِي فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ وَأَعْفُ فَرْجِي وَلَا تَخْلَعْ عَنِّي زِينَةَ الْإِيمَانِ. (۳)

۷. کتاب مکارم الأخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که به هنگام پوشیدن پاجامه این دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَأَمِنْ رَوْعَتِي وَأَعْفُ فَرْجِي

وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذَلِكَ نَصِيبًا وَلَا لَهُ إِلَى ذَلِكَ وَصُولًا فَيُضَنَّ لِي الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ. (۴)

### آداب لباس نو بریدن و پوشیدن

#### دعاهای هنگام بریدن و پوشیدن لباس نو

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که لباس نو ببرد و ظرفی را پر از آب کند و سی و شش مرتبه سوره قدر بر آن بخواند و هر مرتبه که به آیه (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ) می رسد اندکی از آب را آرام بر پارچه بپاشد، سپس دو

۱- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۶، ابواب احکام الملابس، باب ۶۸، ح ۴.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۶، ابواب احکام الملابس، باب ۶۸، ح ۳.

۳- ترجمه: «به نام خدا، پروردگارا، عیوبم را ببوشان و در روز قیامت مرا رسوا مگردان و مرا پاکدامن قرار دهوزینت ایمان را از من سلب نفرما». فقه الرضا، ص ۳۹۵، باب الزی و الزینه؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۱۳، باب ۴۴، ح ۱.

۴- ترجمه: «بار خدایا، عیوبم را ببوشان و هراسم را برطرف کن و مرا پاکدامن قرار ده و از برای شیطان در آنبهره ای و برای رسیدن به آن راهی قرار مده، تا برای من حيله ها سازد و بر گناهان تحریک ام کند». مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱.

رکعت نماز بخواند و دعا کند و بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَأُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَصِيْلِي فِيهِ لِزَبِي (۱)** و آن گاه خدا را شکر کند، پیوسته در

و فور نعمت باشد تا آن لباس کهنه شود». (۲)

۲. در روایتی صحیح می خوانیم که امام محمد باقر علیه السلام، خواندن این دعا را به هنگام پوشیدن لباس نو سفارش کرد: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتَقَى وَبَرَكَهٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَأَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ (۳)**

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که در ظرفی نو آب کند و بر آن سی و دو مرتبه سوره قدر بخواند و بر لباس نو بپاشد، با پوشیدن آن لباس همواره در و فور نعمت باشد تا وقتی که تاری از آن لباس باقی باشد». (۴)

۴. در روایتی معتبر آمده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: به هنگام پوشیدن لباس نو این دعا را بخوان: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ اللِّبَاسِ مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَهٍ، أَشِيْعِي فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَأَعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدَكَ (۵)** سپس فرمود: «ای علی، هر که این دعا را بخواند سپس لباس نو را بپوشد، خداوند او را می آموزد». (۶)

۱- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که چیزی (لباسی) روزی ام کرد که با آن بتوانم خود را در میان مردم زینت کنم و با آن خود را بپوشانم و در آن برای پروردگارم نماز بگذارم».

۲- ثواب الأعمال، ص ۴۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۹۹.

۳- ترجمه: «پروردگارا، این لباس نو را لباس میمنت و پرهیزگاری و برکت قرار ده. بار خدایا، پرستش نیکو انجام دادن دستورها و ادای شکر نعمت را در این لباس روزی ام کن. حمد و سپاس مخصوص خدایاست که لباسی به من عنایت کرد که خود را با آن بپوشانم و در میان مردم خود را زینت کنم». کافی، ج ۶، ص ۴۵۸، ح ۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۵۹، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۱، ابواب احکام الملابس، باب ۲۶، ح ۲.

۵- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که بر اندام من لباسی پوشاند که با آن در میان مردم خود را می آرایم. خدایا، آن را مایه برکت قرار ده تا در آن به سوی خشنودیت حرکت کنم و در مساجد حضور یابم».

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۵۸، ح ۲.

۵. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شایسته است هر که لباس نو می پوشد دست بر آن بکشد و بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَأَتَزَيَّنُّ بِهِ بَيْنَهُمْ**». (۱)

۶. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام هر گاه می خواست لباس نو بپوشد، لباس ها را در طرف راست خود می نهاد و پس از پوشیدن لباس، ظرفی آب می طلبید و هر یک از سوره های توحید و کافرون و آیه الکرسی (۲) را ده مرتبه

بر آن می خواند، سپس آب را بر لباس می پاشید و می فرمود: «هر که چنین کند، همواره در وفور نعمت باشد تا وقتی که تار نخی از آن لباس باقی باشد». (۳)

### پوشیدن لباس نو و راهی یافتن از آفات

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به هنگام پوشیدن لباس نو

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بگو، تا از آفت ها نجات یابی. و چیزی را که بسیار دوست داری فراوان یاد نکن که تو را در هم می شکنند و اگر با کسی کاری داشتی در غیابش به او دشنام نده که در دلش اثر می کند». (۴)

### شکرانه پوشیدن لباس نو

در روایتی معتبر آمده است که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: «هر گاه خداوند لباس نو نصیب کسی کند، شایسته است وضو بگیرد و دو رکعت نماز (شکر) بگزارد و در هر رکعت سوره حمد و آیه الکرسی و سوره های توحید

۱- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که لباسی بر اندام من پوشاند که به وسیله آن عیبم را پنهان کنم و با آن خود را در میان مردم زینت و آرایش دهم». کافی، ج ۶، ص ۴۵۹، ح ۳.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۵۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۵۹، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۳، ابواب احکام الملابس، باب ۲۷، ح ۴.



وقدر بخواند، سپس از خداوندی که تن او را پوشانده و در میان مردم زینتش داده، تشکر کند و ستایش او را به جا آورد و بسیار ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید. هر که چنین کند، در آن لباس معصیت نکند. و پروردگار به عدد هر نخي که در آن لباس است، فرشته ای می آفریند که خداوند را به پاکی یاد کند و برای او استغفار کند و بر او ترحم کند». (۱)

## دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس

### هیچ گاه به طور کامل برهنه نشوید

۱. در حدیث است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از برهنه شدن (به طور کامل) در روز و شب نهی کردند. (۲)
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مردی (کاملاً) عریان شود، شیطان به او نظر کرده و طمع می کند که او را به گناه بکشاند». و نیز فرمود: «هنگامی که انسان در جمعی نشسته، سزاوار نیست که ران های خود را برهنه سازد». (۳)
۳. و در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه لباس خود را از تن بیرون می آورید، «بسم الله» بگویید». (۴)

### ویژگی های پوشش بانوان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای زن مسلمان شایسته نیست که روسری یا پیراهن بدن نما بپوشد». (۵)

- ۱- کافی، ج ۶، ص ۴۵۹؛ خصال، ج ۲، ص ۴۱۶.
- ۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵.
- ۳- خصال، ج ۲، ص ۴۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸.
- ۴- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۵، باب ۶۷، ح ۱.
- ۵- مکارم الأخلاق، ص ۹۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۱، باب ۲۱، ح ۲.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عرض مقنعه حضرت فاطمه علیها السلام به قدری بود که تا نصف بازوی آن حضرت می رسید و زنان باید

چنین کنند». (۱)

### اسراف در پوشش

۱. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کمترین حدّ اسراف آن است که لباس داخل و بیرون از خانه یکی باشد». (۲)

۲. در حدیثی است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: اگر کسی ده پیراهن داشته باشد اسراف است؟ فرمود: «نه، بلکه به منظور حفاظت از لباس این کار بهتر است؛ اسراف آن است که جامه نگاه داشتنی را در جاهای کثیف بپوشی». (۳) (و این برای آن است که پیراهن ها دوام بیشتری پیدا می کند).

### پاکیزگی و نظافت لباس

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن لباس نو، دشمن را منکوب می کند». (۴)

۲. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر لباسی که می پوشید باید پاکیزه باشد». (۵)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شست و شوی لباس،

---

۱- مکارم الأخلاق، ص ۹۳.

۲- زیرا لباس بیرون منزل معمولاً قیمت بیشتری دارد و اگر در داخل منزل همان پوشیده شود هزینه لباسانسان سنگین خواهد شد. کافی، ج ۶، ص ۴۶۰، ح ۱ و ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۹۸.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۳.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۴۱، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۶، باب ۶، ح ۳.

اندوه را می زداید و موجب قبولی نماز می شود». (۱)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کوتاه کردن پیراهن (های بلند)، سبب راحتی پوشیدن و دوام آن می شود». (۲)

### وصله زدن به لباس

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آن قدر بر لباس خود وصله زدم که از وصله کننده آن خجالت کشیدم». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که یقه پیراهنش را وصله کند و کفش خود را پینه زند و آنچه برای خانه اش خریده با دست خود به خانه ببرد، از تکبر و خودبرتربینی در امان می ماند». (۴)

۳. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید دید حضرت یقه لباسش را وصله زده، با تعجب به حضرت نگاه کرد. حضرت فرمود: «چرا تعجب می کنی؟» گفت: از وصله لباس شما شگفت زده شدم. کتابی در پیش روی حضرت بود، به او فرمود: «این جملات را بخوان». نوشته بود: هر که حیا ندارد ایمان ندارد و کسی که به اندازه خرج نمی کند سرمایه ای برایش نمی ماند و هر که جامه کهنه ندارد لباس نو نخواهد داشت. (۵)

### رنگ کفش و ویژگی های دیگر آن

#### اشاره

(مقدمه: بهترین رنگ برای نعلین و دیگر کفش ها، رنگ زرد است و سپس

۱- خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۳.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۰۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۴۶. این در زمانی است که مردم مشکلات مادی دارند.

۴- خصال، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۶۸.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۶۰، ح ۳.

سفید. و بهترین رنگ برای چکمه، رنگ سیاه است. رنگ قرمز در سفر سفارش شده، ولی در وطن کراهت دارد. و در مورد نعلین سفارش شده است که جلو و عقبش بلند و قسمت میانی آن کوتاه و تهی باشد و تمام آن بر زمین نجسند و غیر آن کراهت دارد؛ ظاهراً کفش نیز همین حکم را دارد. و (پوشیدن) کفش سرپایی (در بیرون از منزل) مکروه است. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید):

### اهمیت پوشیدن کفش

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «پوشیدن کفش خوب، تن را از بلاها حفظ کرده، به انسان کمک می کند که وضو و نمازش را به صورت کامل به جا آورد». (۱)
۲. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «هر که دوست دارد عمرش طولانی شود، باید چهار کار کند: صبحانه را نزدیک طلوع آفتاب بخورد، کفش خوب بپوشد، لباس سبک بپوشد، کمتر آمیزش جنسی کند». (۲)

### چه کفشی بپوشیم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن نعل هموار و صاف که همه اش بر روی زمین برسد، پوشش یهودیان است». (۳)
- و روایات فراوانی در مذمت چنین کفشی وارد شده است. (۴)
۲. در احادیث معتبر آمده است: «کفش سیاه نپوشید که: چشم را ضعیف می کند، از قدرت شهوت می کاهد، موجب اندوه می شود. و کفش زرد بپوشید که :

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۲۲.

۲- امالی طوسی، ج ۲، ص ۲۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۱، باب ۳۲، ح ۵.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۶۳، ح ۶.

۴- برخی از این روایات در وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۲، باب ۳۳، باب کیفیت النعل، آمده است.

چشم را جلا می دهد، بر قدرت شهوت می افزاید، اندوه را برطرف می سازد و پوشش پیامبران است». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن کفش سیاه موجب غرور و تکبر است». (۲)

۴. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که کفش زرد رنگ بپوشد، تا وقتی در پای اوست در شادی و سرور باشد زیرا خداوند متعال در وصف گاو بنی اسرائیل می فرماید: (صَفْرَاءُ فَاقَعَ لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ) (۳)». (۴)

۵. سدید صراف می گوید: با کفشی سفید رنگ خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت فرمود: آیا دانسته چنین رنگی را انتخاب کرده ای؟ سپس فرمود: «هر که کفشی سفید از بازار بخرد کهنه نمی شود، مگر اینکه از جایی که گمان نمی برد مالی به او می رسد». سدید می گوید: هنوز آن کفش سفید کهنه نشده بود که صد اشرفی از جایی که گمان نداشتم به دستم رسید. (۵)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که کفش سفید یا زرد رنگ بپوشد، مال و فرزندانی نصیب او شود». (۶)

۷. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پوشیدن چکمه بر نور چشم می افزاید». (۷)

۸. و در روایتی دیگر فرمود: «مداومت بر پوشیدن چکمه، انسان را از مرگ بد

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۶۵، مکارم الأخلاق، ص ۱۲۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۶۵، دنباله حدیث او ۴ با کمی تفاوت؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۵، باب ۳۸، ح ۱ و ۲ و ۳.

۳- ترجمه: «گاوی باشد زرد یکدست که بینندگان را شاد و مسرور سازد». سوره بقره، آیه ۶۹.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۷، باب ۴۰، ح ۲ و ۴.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۶۵؛ ثواب الأعمال، ص ۴۳.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۸، باب ۴۰، ح ۵.

۷- کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۲۱.

وبیماری سل می رهند». (۱)

۹. در حدیث است که داوود رقی می گوید: امام صادق علیه السلام را در سفر دیدم که چکمه سرخی پوشیده بود. پرسیدم: این چکمه سرخ چیست؟ فرمود: «این کفش را برای سفر گرفته ام و برای گل و باران خوب است، اما در وطن هیچ رنگی بهتر از سیاه نیست». (۲)

۱۰. و در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام اول کسی بود که نعلین (۳) پوشید». (۴)

## آداب پوشیدن کفش

### اشاره

۱. در روایاتی معتبر که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است، سفارش کرده اند به هنگام پوشیدن کفش از پای راست و بیرون آوردن آن از پای چپ آغاز شود.

و نیز فرموده اند: «هر که یک پا در کفش کند و پای دیگرش برهنه باشد و با این حال راه رود، شیطان بر او دست می یابد». (۵)

۲. در حدیث است که عبدالرحمن بن کثیر می گوید: همراه امام صادق علیه السلام به جایی می رفتیم، بند کفش امام پاره شد. من بند دیگری که همراه داشتم در آوردم و جایگزین بند پاره کردم. حضرت که در این هنگام دست بر شانه من نهاده بود، فرمود: «هر کس کفش مؤمنی را اصلاح (و مشکل او را حل) کند، هنگامی که از قبر بیرون آید خداوند او را بر شتر پرسرعت سوار کند تا در بهشت را بکوبد». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۲ و ۳ و ص ۴۶۷، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۸، باب ۴۱، ح ۱ و ۲ و ۳.

۲- محاسن، ص ۳۷۸، ح ۵؛ کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۴.

۳- «نعلین» کفشی است که پشت ندارد و روی پا را به طور کامل نمی پوشاند.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۱، باب ۳۲، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۶۷، ح ۱ - ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۰، باب ۴۳، ح ۱-۴ و باب ۴۴، ح ۱-۴.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۶۴، ح ۱۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۴، باب ۳۵، ح ۱.

۳. در حدیث است که یعقوب سراج می گوید: در سفری در خدمت امام صادق علیه السلام بودم. بند کفش حضرت پاره شد و به اجبار با پای برهنه به راه خود ادامه داد. عبدالله بن ابی یعفور بند کفش خود را در آورد و به حضرت داد، اما آن حضرت قبول نکرد و فرمود: «هر که گرفتار مشکلی شده، سزاوار است که بر مشکل خود صبر کند». (۱)

### استراحت دادن به پاها

۱. در حدیث است که عبدالرحمن بن ابی عبدالله می گوید: همراه امام صادق علیه السلام به دیدن کسی رفتم. چون حضرت بر او وارد شد (گویا جمعی با کفش نشسته بودند)، کفش خود را از پا بیرون آورد و فرمود: «کفش هایتان را بیرون آورید که این کار موجب استراحت پا می شود». (۲)

### دعای پوشیدن کفش

۱. در کتاب مکارم الأخلاق (۳) به نقل از کتاب نجات آمده است: کفش را نشسته

پوش و در وقت پوشیدن آن بگو: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتَبَّتْهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ. (۴)

و در وقت بیرون آوردن، ایستاده کفش ها را در آور و بگو: بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا آقَى بِهِ قَدَمِي مِنَ الْأَذَى اللَّهُمَّ تَبَّتْهُمَا عَلَى صِرَاطِكَ وَلَا تَزَلْهُمَا

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۶۴، ح ۱۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۲۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۶۴، ح ۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۵، باب ۳۷، ح ۱.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۲۳؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۶۳.

۴- ترجمه: «به نام خدا. پروردگارا، بر محمد و خاندان پاکش درود بفرست و گام هایم را در دنیا و جهان آخرت استوار گردان و در روزی که همه قدم ها می لغزند، آنها را بر پل صراط محکم و ثابت گردان».

عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ. (۱)

۲. در کتاب فقه الرضا (۲) آمده است: هر گاه بخواهی کفش یا چکمه بپوشی از

پای راست شروع کن و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِإِلَهِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ وَطِّئْ قَدَمِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتَبَتُّهُمَا عَلَى الْإِيمَانِ وَلَا تُزِلْهُمَا يَوْمَ زَلْزَلَةِ الْأَقْدَامِ اللَّهُمَّ وَقِنِي مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَمِنْ الْأَذَى. (۳)

و هنگام بیرون آوردن کفش از پای چپ شروع کن و بگو: اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَعَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّي حُلَّةَ الْإِيمَانِ. (۴)

۱- ترجمه: «به نام خدا. حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که نعمتی به من داد تا بتوانم با آن پاهایم را از آزار و اذیت حفظ کنم. بار خدایا، پاهایم را بر صراط خود پایدار کن و از راه راست خود نلغزان.»

۲- فقه الرضا، ص ۳۹۷ و ۳۹۸.

۳- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می‌کنم). و حمد و ستایش مخصوص خداست. بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست. بار خدایا! قدم‌های مرا در دنیا و آخرت ثابت گردان، و در پیمودن راهایمان پایدارشان کن، و در روزی که قدم‌ها می‌لغزد آنها را ملغزان. خدایا! مرا از تمام آسیب‌ها و آفات و آزارها حفظ کن.»

۴- ترجمه: «خدایا، هر اندوهی را از من برطرف کن و جامه ایمان را از تنم بیرون مکن.»



## فصل دوم: زیورآلات و نوع زینت مردان و زنان

### اشاره

۱. فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن
۲. جنس انگشتر
۳. فضیلت عقیق
۴. فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد
۵. فضیلت فیروزه و جزع یمانی
۶. فضیلت درّ نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین ها
۷. نقش نگین
۸. پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان
۹. آداب سرمه کشیدن
۱۰. آداب نگاه کردن در آینه
۱۱. رنگ کردن موها
۱۲. چگونگی و آثار رنگ کردن



## فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن

### اشاره

(مقدمه:) تأکید شده است که مردان و زنان انگشتر را در دست راست کنند. هر چند در برخی روایات، انگشتر در دست چپ کردن هم تجویز شده است. و اگر نقش نگین یا خود نگین، شریف و باعظمت باشد باید به هنگام تطهیر کردن در حاجتگاه، آن را بیرون آورد. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید.)

### استحباب انگشتر در دست راست کردن

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست می کرد». (۱)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست می کرد. (۲)

۳. در حدیث است که سلمان فارسی - که رضوان خدا بر او باد - می گوید: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، انگشتر را در دست راست کن تا از مقربان باشی. حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، مقربان کیانند؟ فرمود: جبرئیل و میکائیل. علی علیه السلام پرسید: چه انگشتری در دست کنم؟ فرمود:

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۳، ح ۲۶۸؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸، باب ۱۲۷، ح ۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۵، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۷، ح ۴ و ۶.

عقیق سرخ، زیرا عقیق سرخ بر یگانگی خدا و پیامبری من و امامت و وصایت تو و امامت یازده فرزند از تو و استحقاق دوستان تو به بهشت و اختصاص جنت الفردوس به شیعیان تو اقرار کرده است». (۱)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر در دست راست کردن از سنت پیامبران است». (۲)

۵. در روایتی معتبر آمده است که از امام هفتم علیه السلام پرسیدند: چرا حضرت علی علیه السلام انگشتر را در دست راست می کرد؟ فرمود: «زیرا آن حضرت در روز قیامت پیشوای اصحاب یمین است که نامه هایشان را به دست راستشان می دهند. افزون بر این، رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می کرد. افزون بر آنکه این کار نشانه ای برای شیعیان است که بدین سبب و به پنج عمل زیر بر دیگران امتیاز دارند: مراقبت کردن بر وقت نمازهای پنجگانه، پرداختن زکات اموال (و وجوهات شرعیّه)، تقسیم کردن اموال و امکانات خود با برادران مؤمن، امر به معروف و نیکی ها کردن، نهی از منکر و زشتی ها کردن». (۳)

۶. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: هر که انگشتر در دست راست کند و هدفش از این کار، پیروی از تو و سنت تو باشد، چنانچه او را در قیامت سرگردان بینم دستش را گرفته و به تو و امیر مؤمنان می رسانم». (۴)

۱- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸، باب ۱۲۷، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۸۰، ح ۱.

۲- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵۹۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۹، باب ۳۰، ح ۷، به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. البته از برخی روایات هم استفاده می شود که انگشتر به دست چپ کردن اشکال ندارد.

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸، باب ۱۲۷، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۶، باب ۴۹، ح ۳.

۴- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۰۳.

**انگشتر در کدام دست کنیم**

در حدیثی معتبر آمده که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «اگر بخواهی انگشتر را در دست راست کن و اگر دوست داری در دست چپ، تفاوتی ندارد». (۱)

ولی از برخی روایات استفاده می شود که هر کس انگشتری در دست چپ کند که نام خداوند بر آن نقش بسته، برای تطهیر کردن در حاجتگاه آن را به دست دیگر کند». (۲)

**انگشتر در کدام انگشت نکنیم**

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت از اینکه انگشتر را در انگشت شهادت یا انگشت میانی کنند نهی فرمود». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر را به بند پایین انگشت برسانید». (۴)

۳. شیخ صدوق از ابو سعید آدمی روایت کرده است: انگشتر به سر انگشتان کردن از کارهای قوم لوط است. (۵)

**دعای انگشتر در دست کردن**

در کتاب فقه الرضا آمده است که هنگام انگشتر در دست کردن این دعا را بخوانید: **اللَّهُمَّ سَيِّمِنِي بِسَيِّمَاءِ الْإِيمَانِ وَاخْتِمِ لِي بِخَيْرٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَتِي إِلَى خَيْرٍ، إِنَّكَ**

۱- السرائر، ج ۳، ص ۵۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۵، باب ۴۸، ح ۶.

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۱.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۹۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۸، باب ۵۹، ح ۱ و ۲.

۴- خصال، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۲، ذیل روایت شماره ۷.

۵- خصال، ج ۱، ص ۲۳۷، ادامه حدیث ۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۲، ذیل روایت ۷.

أَنْتَ الْعَزِيزُ الْأَكْرَمُ. (۱)

سید بن طاووس سفارش کرده است که به هنگام انگشتر در دست کردن این دعا را بخوانید: اللَّهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِمَاءِ الْإِيمَانِ وَتَوَجِّنِي بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي. (۲)

### جنس انگشتر

### اشاره

(مقدمه: انگشتر نقره در دست کردن مستحب و انگشتر طلا- بر مردان حرام است. و انگشتر ساخته شده از آهن و برنج (برنز) و فولاد برای مردان و زنان کراهت دارد. (به روایاتی در این زمینه توجه فرماید:)

### چگونگی انگشتر

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر پیامبر صلی الله علیه و آله از نقره بود». (۳)
۲. در روایتی دیگر فرمود: «انگشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود، نگین نداشت و بر آن جمله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نقش بسته بود». (۴)

### انگشترهای نامناسب

۱. در چندین روایت معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام

- ۱- ترجمه: «پروردگارا، بر من نشان ایمان بگذار و برایم به نیکی پایان ده و عاقبتم را ختم به خیر کن، زیرا تو عزیز و کریم هستی». فقه الرضا، ص ۳۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۴، ح ۲۵.
- ۲- ترجمه: «بار خدایا، بر من نشان ایمان بگذار و تاج کرامت بر سرم نه و ریسمان اسلام بر گردنم افکن و بندایمان را از گردنم بردار». الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۳۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۹۳.
- ۳- کافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۳، باب ۴۶، ح ۱ و ۲.
- ۴- مکارم الأخلاق، ص ۸۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۴، باب ۴۶، ح ۵.

فرمود: «انگشتر طلا در دست نکن که زینت تو در آخرت است». (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتری جز نقره در دست نکنید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و

آله فرمود: دستی که انگشتری از جنس آهن در آن باشد آلوده است». (۲)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند دستی را که انگشتر آهنی در آن باشد پاک نخواهد کرد». (۳)

۴. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به هنگام نماز، انگشتر آهنی در دست نکنید و در هیچ حال،

انگشتر برنز نپوشید». (۴)

### فضیلت عقیق

#### اهمیت عقیق در دست کردن

۱. در حدیثی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «انگشتر عقیق با خود داشته باشید زیرا عقیق، نخستین

کوهی است که به یگانگی خداوند و رسالت من و امامت علی بن ابی طالب اقرار کرد». (۵)

۲. در حدیثی معتبر آمده است که بشیر دهان می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم چه نگینی بر انگشترم بنشانم؟

فرمود: «چرا از عقیق سرخ وزرد و سفید غافلی؟ اینها سه کوه هستند در بهشت؛ عقیق سرخ نام کوهی است که مُشرف بر خانه

رسول صلی الله علیه و آله است. کوه عقیق زرد مُشرف بر خانه فاطمه زهرا علیها السلام و عقیق سفید مُشرف بر خانه حضرت

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۶.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۶؛ خصال، ج ۲، ص ۴۰۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۷۷۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۶.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۵۲، ح ۱۶ و ج ۷۶، ص ۳۳۱.

۵- مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۰۰؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۰، ح ۳۲۴.

علی علیه السلام است و همه اینها یک خانه است. و از زیر هر کوهی نهری جاری است که آب آن از برف سردتر و از شیر سفیدتر است و هر سه نهر از کوثر سرچشمه می گیرد و به یک جا می ریزد. و جز آل محمد و شیعیانش از این نهرها نمی نوشند. این سه کوه (همواره) تسبیح و تقدیس و تمجید پروردگار کرده و برای محبان آل محمد آموزش می طلبند. پس هر کس از شیعیان آل محمد یکی از این عقیق ها را در دست داشته باشد، جز نیکی و وسعت روزی و سلامتی از بلاها و امان از شر پادشاهان و هر آنچه انسان از آن بیم دارد، به او نرسد». (۱)

۳. در حدیث است که ربیعہ الرأی می گوید: انگشتر عقیقی در دست امام سجّاد دیدم، پرسیدم: این چه نگینی است؟ فرمود: «این عقیق رومی است». (۲)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دستی که در آن انگشتر عقیق باشد، از تمام دست هایی که به آسمان بلند می شود در نزد پروردگار محبوب تر است». (۳)

۵. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق در دست کردن مستحب است». (۴)

### آثار و خواصّ عقیق در دست کردن

۱. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت موسی علیه السلام در کوه طور به هنگام مناجات با خداوند نگاهی به زمین کرد، خداوند عقیق را از نور صورت او آفرید، سپس فرمود: به ذاتم قسم، دستی را که انگشتر عقیق در آن

- 
- ۱- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۱، باب ۵۲، ح ۱.
  - ۲- کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۹، باب ۵۱، ح ۴ و ۵.
  - ۳- ثواب الأعمال، ص ۲۰۸، ح ۹؛ عدّه الدّاعی، ص ۱۱۸.
  - ۴- ثواب الأعمال، ص ۲۰۹، ح ۱۱؛ عدّه الدّاعی، ص ۱۱۹.



باشد عذاب نمی کنم، مشروط بر اینکه به ولایت علی بن ابی طالب اقرار داشته باشد». (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نماز (جماعت) کسی که انگشتر عقیق در دست دارد، نسبت به نماز جماعتی که غیر عقیق در دست داشته باشد چهل درجه برتری دارد». (۲)

۳. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز با انگشتر عقیق، بسیار بهتر از نماز بدون آن است». (۳)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق در سفر، پیام آور امتیّت است». (۴)

۵. در حدیث است که کسی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از اینکه دزد در بین راه اموالش را برده بود شکایت کرد. حضرت فرمود: «چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که انسان را از بدی نگاه می دارد؟». (۵)

۶. در روایتی آمده است که حاکمی حکم جلب شخص بیگناهی را صادر کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق به او برسانید» این کار را کردند و گزندی به او نرسید. (۶)

۷. در حدیث است که مردی را از مقابل چشمان مبارک امام باقر علیه السلام عبور دادند که بسی تازیانه بر بدنش زده بودند. حضرت فرمود: «انگشتر عقیق او کجاست؟ اگر همراهش بود شلاق نمی خورد». (۷)

۱- ثواب الأعمال، ص ۲۰۹، ح ۱۱؛ عدّه الدّاعی، ص ۱۱۹.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۸۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۹۷، باب ۳۴، ح ۱. در مستدرک الوسائل به جایچهل، عدد هفتاد ذکر شده و در هیچ یک از این دو کتاب، سخنی از نماز جماعت نیست.

۳- عدّه الدّاعی، ص ۱۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۳، باب ۵۳، ح ۱۰.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۵؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۳۹.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۱.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۹.

۷- ثواب الأعمال، ص ۲۰۷، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۲، باب ۵۳، ح ۴.

۸. سلیمان اعمش می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم کسی را که تازیانه خورده بود از قصر منصور عباسی بیرون آوردند. حضرت فرمود: «سلیمان، بین نگین انگشترش چیست؟» عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، نگین آن عقیق نیست. فرمود: «ای سلیمان، اگر عقیق بود تازیانه اش نمی زدند». عرض کردم: شرح بیشتری در مورد عقیق بفرماید. فرمود: «نگین عقیق از قطع شدن دست انسان جلوگیری می کند». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «خداوند دوست دارد دستی را که به سوی او برای دعا بلند می شود انگشتر عقیق در آن باشد». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «تعجب می کنم دستی که انگشتر عقیق در آن باشد، چطور از دینار و درهم خالی شود».

عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انگشتر عقیق انسان را از هر بلایی نگاه می دارد». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انسان را از فقر نگاه می دارد». عرض کردم: اجازه می فرمایید این حدیث را به نقل از جدت امام حسین علیه السلام از پدرش امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کنم؟ فرمود: «مانعی ندارد». (۱)

۹. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق، فقر ونداری را برطرف و نفاق و دورویی را زایل می کند». (۲)

۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس قرعه بزند در حالی که انگشتر عقیق در دست دارد، شانس بیشتری خواهد داشت». (۳)

۱۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق در دست کنید که میمون و مبارک است و امید می رود که دارنده آن، عاقبت به خیر شود». (۴)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۳، باب ۵۳، ح ۱۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۹، باب ۵۱، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۲؛ ثواب الأعمال، ص ۲۰۸، ح ۱۰.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۹، باب ۵۱، ح ۳.

۱۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس انگشتر عقیق به دست کند، پریشان خاطر نگردد و بی شک عاقبت به خیر می شود». (۱)
۱۳. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس انگشتر عقیق در دست داشته باشد، حاجتش برآورده می شود». (۲)
۱۴. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق به دست کنید، زیرا تا زمانی که در دست است اندوهی به صاحبش نمی رسد». (۳)
۱۵. در حدیث است که حضرت امیرمؤمنان علیه السلام چهار انگشتر در دست می کردند: انگشتر یاقوت برای شرافت و زینت، فیروزه برای نصرت و یاری اش، حدید چینی برای قوتش، عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها. (۴)

### فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد

### انگشتر یاقوت و رفع فقر و پریشانی

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «انگشتر یاقوت پریشانی را زایل می کند». (۵)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر یاقوت در دست داشتن سنت است». (۶)
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود». (۷)
- 
- ۱- کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۶؛ ثواب الأعمال، ص ۲۰۷، ح ۱.
- ۲- کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۹، باب ۵۱، ح ۴ و ۵.
- ۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۸۰؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۰، باب ۵۱، ح ۷.
- ۴- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۷، باب ۱۲۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۶.
- ۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۴؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰، ح ۱.
- ۶- کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۴، باب ۵۴، ح ۲.
- ۷- مکارم الأخلاق، ص ۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۴، باب ۵۴، ح ۱ و ۳ و ۴. البته در روایات و سائلالشیعه، کلمه «زرد» وجود ندارد.

## انگشتر زمرد و راحتی و توانگری

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر زمرد به دست کردن چنان سهولت و آسانی به دنبال خواهد داشت که هیچ سختی در آن نباشد». (۱)

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر زمرد در دست داشتن، فقر را به توانگری مبدل می سازد». (۲)

## انگشتر زبرجد در دست کردن

در حدیثی می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در دست کردن انگشتر زبرجد، چنان سهولت و آسانی به دنبال دارد که هیچ سختی در آن نباشد». (۳)

## فضیلت فیروزه و جزع

### اشاره

فضیلت فیروزه و جزع (۴) یمانی

### خواص انگشتر فیروزه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که انگشتر فیروزه در دست کند، فقیر نمی شود». (۵)
۲. در حدیث است که حسن بن علی بن مهران می گوید: خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم، آن حضرت انگشتری در دست داشت که نگینش فیروزه و نقش آن «اللَّهُ الْمَلِکُ» بود. به انگشترش خیره شدم. امام فرمود: «به چه نگاه می کنی؟» عرض کردم: امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز انگشتر فیروزه ای داشته که نقش آن «اللَّهُ الْمَلِکُ»

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۷۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰، ح ۱.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۵، باب ۵۵، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۳؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰، ح ۱.

۴- «جَزَع» مهره یمانی، سنگی است سیاه و سفید دارای خال های سفید و زرد و سرخ و سیاه، که در معدن عقیق یافت می شود (فرهنگ عمید).

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۲، باب الفیروزج، ح ۱؛ ثواب الأعمال ص ۲۰۹، باب التختم بالفیروزج، ح ۱.

بوده، امام فرمود: «آن را می شناسی؟» عرض کردم: نه. فرمود: «این همان انگشتر است که جبرئیل آن را از بهشت برای رسول خدا هدیه آورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را به حضرت علی علیه السلام بخشید». (۱)

۳. علی بن محمد صیمری می گوید: با دختر جعفر بن محمود کاتب (۲) ازدواج

کردم و او را بسیار دوست می داشتم، لیکن فرزندی از او به دنیا نیامد. خدمت امام هشتم علیه السلام رسیدم و مشکل را گفتم. حضرت تبسمی کرد و فرمود: «انگشتر فیروزه ای تهیّه و آیه شریفه (رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ) (۳) را بر آن

نقش کن تا مشکل حل شود. به فرمایش حضرت عمل کردم و یک سال نگذشت که از آن زن، پسری نصیبم شد. (۴)

۴. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال می فرماید: شرم می کنم از دستی که انگشتر فیروزه در آن است و برای دعا به سوی من بلند می شود، آن را ناامید برگردانم». (۵)

### خواص انگشتر جزع یمانی

۱. از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر جزع یمانی در دست کنید که شیاطین سرکش را دور می سازد». (۶)

۲. در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که حضرت علی علیه السلام فرمود:

۱- مکارم الأخلاق، ص ۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۵، باب ۵۶، ح ۱.

۲- جعفر بن محمود الکاتب در دمشق مصاحب و همنشین متوکل عباسی بود و در سال ۲۸۴ ه ق وزیرالمستعین و سپس وزیر المعترف بالله شد و در سال ۲۸۶ ه ق از دنیا رفت (مختصر تاریخ دمشق، ج ۶، ص ۹۵).

۳- ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها نگذار و فرزند برومندی به من عطا کن و توبهترین وارثانی». سوره انبیاء، آیه ۸۹.

۴- امالی طوسی، ص ۸۴، ح ۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۶، باب ۵۶، ح ۴.

۵- عدّه الدّاعی، ص ۱۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۶، باب ۵۶، ح ۵.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، باب الجزع الیمانی، ح ۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰، ح ۱.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما نماز خواند، در حالی که انگشتر یمانی در دست داشت. پس از نماز، انگشترش را به من داد و فرمود: این انگشتر را در دست کن و با آن نماز بخوان که نماز در جزع یمانی برابر با هفتاد نماز است. و این انگشتر تسبیح و استغفار می کند و ثوابش برای صاحبش نوشته می شود».<sup>(۱)</sup>

### فضیلت دُرّ نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین ها

۱. در حدیث است که مفضل بن عمر می گوید: روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که انگشتر فیروزه ای در دست داشتم. حضرت فرمود: «ای مفضل، فیروزه دورکننده دردها از دیدگان مؤمنان است. دوست دارم هر مؤمن پنج انگشتر در دست داشته باشد:

انگشتر یاقوت که فاخرترین همه است.

انگشتر عقیق که خالص ترین نوع انگشتر برای جلب رضایت خدا و اهل بیت است.

انگشتر فیروزه که نور چشم را زیاد و سینه را گشاده و بر قوت دل می افزاید و اگر کسی که در پی انجام دادن کاری است آن را در دست کند به هدف می رسد.

انگشتر حدید چینی که دوست ندارم همیشه آن را در دست کند ولی بد نیست هنگامی که به دیدن کسی می رود که از شرّ او می ترسد آن را در دست کند تا از شرّ او در امان باشد. افزون بر اینکه این نگین، شیاطین را از انسان دور می کند و برای همین دوست دارم که مؤمن آن را داشته باشد.

دُرّی که خداوند آن را در نجف اشرف ظاهر می سازد چرا که هر کس آن را در

---

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۲، ح ۱۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۷، باب ۵۷، ح ۲.

دست کند در مقابل هر بار که به آن نگاه کند، خداوند ثواب زیارت حج یا عمره در نامه عمل او می نویسد که ثوابش ثواب پیامبران و صالحان باشد. و اگر خدا بر شیعیان ما رحم نمی کرد، هر نگین آن به قیمت گرانی خرید و فروش می شد. لیکن آن را ارزان کرده تا ثروتمند و فقیر بتوانند از آن استفاده کنند». (۱)

۲. ابوطاهر می گوید: این حدیث را برای امام حسن عسکری علیه السلام نقل کردم. حضرت فرمود: «این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است». عرض کردم: چرا شما هیچ انگشتی را بر عقیق سرخ ترجیح نمی دهید؟ فرمود: «فضایل فراوانی در مورد آن وارد شده است؛ جدم (امام محمد تقی علیه السلام) فرمود: اول کسی که انگشت عقیق در دست کرد حضرت آدم علیه السلام بود. او دید که در عرش نوشته شده است: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَخَدِي، مُحَمَّدٌ صِفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِأَخِيهِ عَلِيٍّ وَنَصَرْتُهُ» (۲) تا آخر نام های پنجگانه آل عبا» پس چون حضرت را از بهشت راندند

و به زمین آمد و به آن نام های پنجگانه به خداوند توسل جست و خداوند به برکت آن نام ها او را بخشود، حضرت انگشتی از نقره ساخت، نگینش را عقیق سرخ قرار داد و نام های پنجگانه مزبور را بر آن حک کرد و آن انگشت را در دست راست خود نمود و از آن پس، انگشت عقیق در دست راست کردن سنتی شد که پرهیزگاران از فرزندانش به آن عمل کردند». (۳)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نگین بلور، نگین نیک و خوبی است». (۴)

۱- تهذیب، ج ۶، ص ۴۲، ح ۷۵؛ فرحه الغری، ص ۸۶ و ۸۷.

۲- ترجمه: «منم آن خدای یگانه ای که جز من خدایی نیست، محمد برگزیده من از میان مخلوقات است، او رابه وسیله برادرش علی علیه السلام تأیید کرده و یاری اش نمودم».

۳- فرحه الغری، ص ۸۷ - ۸۹.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۷۲، باب الجزع الیمانی، ح ۲؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

## نقش نگین

## اهمیت نقش نگین انگشتر

۱. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقل مردان را در سه چیز می توان آزمود: بلندی ریش، نقش انگشتر، کینه آنها (۱)». (۲)

۲. در حدیث است که حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا کسی که نقش نگین انگشترش «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است جایز است با آن حال خود را تطهیر کند؟ حضرت فرمود: «این کار را برای او خوب نمی دانم». (۳)

۳. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دادند مسلمانان شکل حیوانات را بر نگین انگشتر خود حک نکنند. (۴)

## نقش نگین انگشتر پیامبران

۱. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: نقش نگین انگشتر حضرت آدم علیه السلام «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود که از بهشت همراه خود آورده بود». (۵)

۲. در حدیث است هنگامی که حضرت نوح سوار بر کشتی شد خداوند به او وحی کرد: «هرگاه از غرق شدن ترسیدی هزار مرتبه «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگو، سپس دعا کن تا تو و مؤمنین را از غرق شدن نجات دهم». کشتی حرکت کرد، باد تنیدی وزیدن گرفت، حضرت نوح از غرق شدن ترسید و فرصت پیدا نکرد هزار مرتبه

۱- اشاره به اینکه اگر نقش نگین اش پرمعنا باشد و کینه خوب انتخاب کند و ریش او بیش از حد بلند نباشد، دلیل بر عقلانیت اوست.

۲- بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲؛ سفینه البحار، ج ۷، ص ۵۸۴.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ امالی صدوق، ص ۴۵۷، ح ۵.

۴- کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۴۳، ح ۵۶۶۷؛ امالی صدوق، ص ۴۲۶، ح ۱.

۵- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.



«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، پس به زبان سریانی گفت: «هَلُو لِيَا أَلْفَا يَا مارا ثَقْنُ» سپس طوفان فرو نشست و کشتی به حرکت خود ادامه داد. آن گاه با خود گفت: «سخنی که خداوند مرا با آن نجات داد سزاوار است همیشه همراه من باشد». از این رو، جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلْفَ مَرَّةٍ يَا رَبِّ أَصْلِحْنِي» (۱) را به زبان عربی بر نگین انگشتر

خویش حک کرد. (۲)

۳. در حدیث است هنگامی که نمرودیان ابراهیم علیه السلام را در کَفَّه منجیق (۳) نهاده

تا در آتش افکنند، جبرئیل به خشم آمد. خداوند از جبرئیل پرسید: چه چیز تو را خشمگین ساخته است؟ عرض کرد: پروردگارا، ابراهیم خلیل (دوست) تو است چطور دشمن مشترکمان را بروی که تنها یکتاپرست است مسلط فرموده ای؟ خداوند فرمود: ساکت باش، کسی در امور عجله می کند که همچون تو بنده است. من هر زمان اراده کنم او را از کام خطر نجات می دهم. جبرئیل خیالش راحت شد و به جانب ابراهیم رفت. از او پرسید: آیا در این هنگامه خطر حاجتی داری؟ حضرت فرمود: با تو کاری ندارم و از تو حاجتی نمی طلبم. پس از آن خداوند متعال انگشتری برای آن حضرت فرستاد که جملات زیر بر نگین آن نقش بسته بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَوَضَّتْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، أَسْتَنْدُتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، حَشِبِي اللَّهُ» (۴)، سپس به او وحی کرد: «این انگشتر را در

دست کن تا آتش را بر تو سرد و سالم گردانم». (۵)

۱- ترجمه: «هزار بار لا اله الا الله و گفتن یارب اصلحنی (پروردگارا کار مرا سامان بخش)».

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۹، ح ۹.

۳- «مُنْجِنِي لِنَاقٍ» آلتی است که در جنگهای قدیم برای پرتاب کردن سنگ یا گلوله های آتش به کار می رفت... در عربی منجلیق نیز می گویند. و در فارسی منجنیک هم گفته شده است. (فرهنگ عمید)

۴- ترجمه: «خدایی جز الله نیست، محمد رسول اوست، هیچ پناهگاه و قدرتی جز به ذات خداوند نیست، اموراتم را به خدا واگذار کردم، تکیه گاهم خداست و او برای من بس است».

۵- همان؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.

نقش نگین انگشتر حضرت موسی علیه السلام دو جمله برگرفته از تورات بود: «إِصْبِرْ تُوجَزُ أُصْدَقُ تَنْجَحُ» (صبر کن تا پاداشت دهند و راستگو باش تا نجات یابی). (۱)

۵. نقش نگین انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام این جمله بود: «سُبْحَانَ مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ بِكَلِمَاتِهِ» (منزه است خداوندی که جن را با کلماتش مسخر و تحت فرمان گرفت). (۲)

۶. در حدیث است که نقش نگین انگشتر حضرت مسیح دو جمله برگرفته از انجیل بود: «طُوبَى لِعَبْدٍ ذُكِرَ اللَّهُ مِنْ أَجَلِهِ وَوَيْلٌ لِعَبْدٍ نُسِيَ اللَّهُ مِنْ أَجَلِهِ» (خوشا به حال بنده ای که منشأ یاد خداست و بدبا به حال بنده ای که سبب فراموشی یاد خداست). (۳)

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود». (۴)

۸. در حدیث است که عبدالله بن سنان گوید: حضرت صادق علیه السلام انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من نشان داد. نگین انگشتر آن حضرت سیاه و جمله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» در دو سطر بر آن حک شده بود. (۵)

۹. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین رسول خدا صلی الله علیه و آله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود». (۶)

### نقش نگین انگشتر امامان علیهم السلام

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت علی علیه السلام «اللَّهُ الْمَلِكُ» بود». (۷)

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۹.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۴، ح ۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۴، باب ۴۷، ح ۲.

۶- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۹، باب ۶۲، ح ۱.

۷- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۹.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام از نقره و نقش آن «نِعَمَ الْقَادِرُ اللَّهُ» بود». (۱)

۳. در برخی روایات نیز نقش آن «الْمَلِكُ لِلَّهِ» ذکر شده است. (۲)

۴. در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی علیه السلام انگشتری از حدید چینی صاف داشت که جملات زیر در هفت سطر بر آن نقش بسته بود و آن را هنگام جنگ ها و کارهای سخت به دست می کرد:

أَعِيذُكَ لِكُلِّ هَوْلٍ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَلِكُلِّ كَرْبٍ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ نَّازِلَةٍ «حَسْبِيَ اللَّهُ» وَلِكُلِّ ذَنْبٍ كَبِيرٍ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ قَادِحٍ «مَا شَاءَ اللَّهُ» وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ مُتَجَدِّدَةٍ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» مَا بَعَلِي بِنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ  
فَمِنَ اللَّهِ». (۳)

۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسن علیه السلام «العِزَّةُ لِلَّهِ» بود». (۴)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسن علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود». (۵)

۷. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام حسین علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود». (۶)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۹۰.

۲- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۲، باب ۶۲، ح ۹.

۳- ترجمه: «برای هر ترسی ذکر «لا-إله إلا الله» و برای هر اندوهی ذکر «لا-حول ولا قوة إلا بالله» و برای هر مصیبتی که نازل می شود ذکر «حسبی الله» و برای هر گناه بزرگی ذکر «استغفر الله» و برای هر اندوه زیانباری ذکر «ما شاء الله» و برای هر نعمت تازه ای ذکر «الحمد لله» را آماده کرده ام؛ هر نعمتی که به علی ابن ابی طالب رسیده از ناحیه خداست». مکارم الأخلاق، ص ۹۱. علامه مجلسی مطابق آنچه در بحار الأنوار، (ج ۴۳، ص ۱۹) نقل کرده، معتقد است که نقش نگین حضرت فاطمه علیها السلام «أمن المتوكلون» بوده است.

۴- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۲، باب ۶۲، ح ۹.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۸، باب ۶۰، ح ۱.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۸، باب ۶۰، ح ۱.

۸. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسین علیه السلام

«إِنَّ اللَّهَ بِالْبُغِ أَمْرُهُ» بود. (۱)

۹. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: نقش نگین امام علی بن الحسین علیهما السلام «الْحَمِيدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ»

بود. (۲)

۱۰. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام زین العابدین، همچون پدر بزرگوارش، «إِنَّ اللَّهَ بِالْبُغِ

أَمْرُهُ» بود. (۳)

۱۱. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام سجّاد علیه السلام، جمله «خَزِيٌّ وَشَقِيٌّ قَاتِلُ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ» بود. (۴)

۱۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین پدرم «الْعِزَّةُ لِلَّهِ» بود. (۵)

۱۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام باقر علیه السلام همچون جدّش امام حسین علیه

السلام، «إِنَّ اللَّهَ بِالْبُغِ أَمْرُهُ» بود. (۶)

۱۴. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام باقر علیه السلام جمله «ظَنَنْتِي بِإِلَهِ حَسَنٌ وَبِالنَّبِيِّ الْمَيُّوتَمَنِّ وَبِالْوَصِيِّ ذِي الْمِنَنِ

وَبِالْحُسَيْنِ وَالْحَسَنِ» بود. (۷)

۱۵. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا کراهت دارد که انسان در نگین انگشترش غیر از نام خود

و پدرش، چیز دیگری حک کند؟ فرمود:

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۶؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱.

۶- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۷- ترجمه: «گمانم به خداوند و پیامبر امین اش و جانشین پربرکت پیامبرش و به امام حسن و امام حسین: خوب و نیکوست».

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷، ح ۱۵، مکارم الأخلاق، ص ۹۲.

نقش نگین انگشتر من، جمله «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» است. (۱)

۱۶. در حدیثی معتبر آمده است که نقش نگین امام صادق علیه السلام جمله «اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقْتِي فَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ» بوده است. (۲)

۱۷. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «نقش نگین انگشتر امام جعفر صادق علیه السلام «أَنْتَ ثَقْتِي فَأَعْصِمْنِي مِنَ النَّاسِ» بوده است». (۳)

۱۸. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین انگشتر امام صادق علیه السلام جمله «اللَّهُ وَلِيِّ وَعِصْمَتِي مِنْ خَلْقِي» بود». (۴)

۱۹. اسماعیل بن موسی می گوید: انگشتر امام صادق علیه السلام به طور کامل از نقره بود و بر نگین آن، جمله «يَا ثَقْتِي قِنِي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ» نقش بسته بود. (۵)

۲۰. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت کاظم علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود و در زیر آن گل و در بالایش هلالی نیز نقش بسته بود». (۶)

۲۱. در حدیث است که حسین بن خالد می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «نقش نگین امام کاظم علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود». حسین بن خالد ادامه می دهد: سپس امام رضا علیه السلام دست مبارک را دراز کرد و انگشتر پدرش را که در دست داشت به من نشان داد. (۷)

۲۲. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که نقش نگین امام رضا علیه السلام، جمله «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بود. (۸)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۳، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۵۹۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۴.

۴- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۹۱.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۴، مکارم الأخلاق، ص ۹۰.

۷- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۸- کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۵. نقش نگین امام جواد علیه السلام «نعم القادر الله» (سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۵۴) و نقش نگین امام هادی علیه السلام «حفظالعهود من اخلاق المعبود» (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۱۷) و نقش نگین امام حسن عسکری علیه السلام «إِنَّ اللّٰهَ شَهِيدٌ» (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۸) بود. گفتنی است که برخی از آن بزرگواران، دو یا چند انگشتر با نقش ها و نگین های متفاوت داشتند.

## آثار و خواص نقش نگین

۱. سید بن طاووس به نقل از قاسم بن العلا از صافی، خادم امام هادی علیه السلام چنین نقل می کند: از امام محمد نقی علیه السلام اجازه گرفتم که به زیارت جدش امام رضا علیه السلام (در خراسان) بروم. حضرت فرمود: «انگشتی با نگین عقیق زرد که جمله «ما شاء الله لا قوة الا بالله، اَسْتَعْفِرُ الله» بر آن نقش بسته و بر روی دیگر نگین، نام های محمد و علی حک شده باشد همراه داشته باش، زیرا اگر چنین انگشتی با خود ببری از شرّ دزدان و راهزنان در امان خواهی بود و برای سلامتی ات مؤثر واز دین تو حفاظت می کند».

صافی خادم می گوید: از خدمت حضرت بیرون شدم و انگشتی که وصف فرمودند تهیه کردم و برای خدا حافظی نزد آن حضرت رفتم. پس از خدا حافظی، مقداری از آن حضرت دور شدم، مرا صدا زد، خدمتشان رسیدم، فرمودند: «لازم است انگشت فیروزه نیز همراه داشته باشی، زیرا در بین راه طوس و نیشابور، شیری سدّ راه تو و کاروان همراهت می شود. انگشت فیروزه ات را به شیر نشان بده و بگو مولایم می گوید: از جلوی راه ما دور شو! بر یک روی نگین فیروزه جمله «اللَّهُ الْمَلِكُ» و بر روی دیگر آن جمله «الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» را حک کن، چرا که نقش نگین حضرت علی علیه السلام «اللَّهُ الْمَلِكُ» بود و چون خلافت آن حضرت برگشت، جمله «الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» را بر نگین انگشترش که از فیروزه بود حک کرد. و چنین نگینی انسان را از حیوانات درنده در امان می دارد و موجب پیروزی در جنگ ها می شود».

صافی خادم می گوید: به سفر رفتم. به خدا سوگند، در همان مکانی که

حضرت فرموده بود شیری بر سر راه ما ظاهر شد. به فرمایش حضرت عمل کردم و شیر باز گشت. هنگامی که از سفر برگشتم آنچه بر من گذشته بود خدمت حضرت گزارش دادم. حضرت فرمود: «مطلبی را نقل نکردی، می خواهی من بگویم؟» عرض کردم: شاید فراموش کرده باشم. حضرت فرمود: «شبی که در طوس نزدیک ضریح مطهر امام رضا علیه السلام خوابیده بودی، گروهی از جیان به زیارت قبر آن حضرت می رفتند. آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند، آن را از دست تو درآوردند، نزد بیماری که همراه داشتند بردند و آن را در آبی شسته، آب را به بیمار خود نوشاندند و بیمارشان شفا پیدا کرد. سپس انگشتر را بازگردانده و آن را در دست چپ شما کردند، در حالی که شما آن را در دست راست خود کرده بودید. هنگامی که از خواب برخاستی، از این مطلب تعجب کردی ولی علت آن را نفهمیدی و بر بالین خود یاقوتی یافتی و آن را برداشتی که اکنون همراه تو است، آن هدیه جیان است که برای تو آورده اند. آن را به بازار ببر که به هشتاد اشرفی از تو خواهند خرید.»

صافی خادم می گوید: آن را به بازار بردم و به فرمایش حضرت به هشتاد دینار فروختم. (۱)

۲. سید بن طاووس می گوید: در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: می ترسم دشمنانم خشم حاکم شهرمان را علیه من برافروزند و در نتیجه جانم به خطر افتد. حضرت فرمود: انگشتری که نگین آن حدید چینی باشد تهیه کن و بر روی نگین آن سه جمله در سه سطر حک کن: در سطر اول «أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ» و در سطر دوم «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ» و در سطر سوم «أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ» و در زیر نگین نیز سه جمله به ترتیب زیر حک کن: «آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكُتِبَ»، «أَنْتِ وَاتَّقِ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ»، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا» و آن را هنگامی که حاجتی

داری و از دشمن ترسان هستی در دست کن که حاجات تو برآورده و ترس تو به آرامش و اطمینان تبدیل می شود. و اگر آن انگشتر را در دست زنی که زایمان بر او سخت شده کنید، به خواست خدا به زودی وضع حمل می کند. همچنین اثر چشم زخم را از بین می برد. امّا مراقب باش که نجاست و چربی به نگین آن نرسد و آن را همراه خود به حمام و حاجتگاه نبر و آن را به خوبی حفظ کن که از اسرار خداست. و شما شیعیان که از دشمنان خود ترسان هستید لازم است هماره این انگشتر را همراه داشته باشید و آن را از دشمنان خود پنهان سازید و آن را جز به کسانی که به آنها اعتماد دارید تعلیم ندهید». راوی می گوید: من تجربه کردم و آثار آن را دیدم. (۱)

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که شب را به صبح برساند در حالی که انگشتر عقیق در دست راست داشته باشد و پیش از آنکه نگاهش به کسی بیفتد نگین آن را به سمت کف دست بچرخاند و در حالی که به آن نگاه می کند سوره قدر را تا آخر بخواند، سپس بگوید: «أَمِنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَأَمِنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ» (۲) خداوند دو جهان او را از شر آنچه در زمین

و آسمان است در آن روز نگه می دارد و تا شب در حمایت پروردگار باشد». (۳)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس آیه ای از قرآن بر نگین انگشتر خود حک کند آمرزیده می شود». (۴)

۱- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۳۷ و ۳۸.

۲- ترجمه: «به خداوند یگانه ای که همتا ندارد ایمان آوردم و به جبت و طاغوت کافر شدم و به پنهان و آشکار آل محمد و ظاهر و باطنشان و اول و آخرشان ایمان آوردم».

۳- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۳۹؛ عدّه الدّاعی، ص ۱۱۸.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۹۱.



۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که انگشتری از عقیق بسازد و جمله «مُحَمَّدٌ نَبِيُّ اللَّهِ وَعَلَيْهِ وَسَلَّمَ» را بر نگین آن حک کند، خداوند او را از مرگ بد حفظ می کند و جز بر دین حق نمی میرد». (۱)

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «هر که جمله «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» را بر نگین انگشترش حک کند از فقر در امان خواهد بود». (۲)

## پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان

### زیور کودکان

۱. در روایتی معتبر آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بر پسران نابالغ زیور و طلا پوشاند؟ حضرت فرمود: «امام زین العابدین علیه السلام زنان و کودکان (دختر) خویش را به زیور طلا و نقره سفارش می کرد». (۳)

۲. در روایت معتبر دیگری آمده است که امام صادق در پاسخ به این پرسش فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام به زنان و فرزندان (دختر) خویش اجازه می داد از زیور طلا و نقره استفاده کنند». (۴)

### زیور زنان

۱. نیز در روایتی معتبر آمده است که از آن حضرت پرسیدند: آیا زنان می توانند زیور آلات طلا و نقره بپوشند؟ حضرت فرمود: «اشکال ندارد». (۵)

۱- ثواب الأعمال، ص ۲۰۸، ح ۸.

۲- ثواب الأعمال، ص ۲۱۴، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۲؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۵۸۴.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۳.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنان همواره زیور (طلا) می پوشیده اند». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار نیست زن بدون زینت باشد، هر چند به گردنبندی (ساده) که بر گردن بیاویزد. و شایسته نیست دستش بدون رنگ باشد». (۲)

### آراستن دیگر چیزها با طلا

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «زینت کردن قرآن ها و شمشیرها به طلا و نقره، اشکال ندارد». (۳)

۲. نیز در روایتی معتبر آمده است: «جایز است دندان ها را با طلا به یکدیگر ببندند». (۴)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام در وصف شمشیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سر غلاف شمشیر آن حضرت و دسته اش از نقره بود. و بر روی غلاف، حلقه هایی از نقره وجود داشت. و زره آن حضرت سه حلقه نقره از جلو و دو حلقه در قسمت پشت سر داشت». (۵)

۴. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ذوالفقار را که جبرئیل از آسمان برای رسول خدا آورد، با نقره تزئین شده بود». (۶)

۵. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «زینت کردن شمشیر با

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۸.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۹۴.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۷.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۹۵.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۴.

۶- کافی، ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۰، ح ۱۹۵.

طلا و نقره، اشکال ندارد». (۱)

۶. در روایتی دیگر فرمود: «زیور شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود، هم دسته اش و هم سر دسته اش». (۲)
۷. در حدیثی معتبر آمده است که فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا در خانه می توان کرسی ای که با طلا زینت شده، نگه داشت؟ حضرت فرمود: «اگر از طلا باشد جایز نیست، اما چنانچه آب طلا داده باشند اشکال ندارد». (۳)
- (یادآوری: سزاوار است مردان مطلقاً از طلا برای زینت استفاده نکنند؛ هر چند در شمشیر و قرآن باشد (و آنچه در بالا آمد مسأله جواز بود، نه استحباب).

### آداب سر مه کشیدن

#### اهمیت سر مه کشیدن

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید سر مه بکشد». (۴)
۲. در حدیثی معتبر آمده است که حسن بن جهم می گوید: امام رضا علیه السلام میل و سر مه دانی به من داد و فرمود: این (یادگاری) از امام کاظم علیه السلام است، با آن سر مه بکش». (۵)
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سر مه کشیدن در شب برای چشم سودمند و در روز زینت است». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷۶، ح ۱۰.

۴- ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۲.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۳.

۴. و در حدیثی دیگر فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمه سنگ به چشم می کشید و در وقت خواب به پشت می خوابید». (۱)

۵. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از خواب، سرمه می کشید؛ چهار میل بر چشم راست و سه میل بر چشم چپ. (۲)

۶. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که سرمه می کشد تعداد سرمه کشیدن را فرد قرار دهد؛ هر چند این کار واجب نیست». (۳)

### دعای هنگام سرمه کشیدن

۱. در کتاب فقه الرضا آمده است که هرگاه بخواهی سرمه بکشی میل را به دست راست بگیر و در سرمه دان بزن و بسم الله بگو و هنگامی که میل را بر چشم می کشی بگو: **اللَّهُمَّ تَوَزَّرْ بَصْرِي وَاجْعَلْ فِيهِ نُورًا أَبْصُرُ بِهِ حَقَّكَ وَاهْدِنِي إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ وَأَرْشِدْنِي إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ. اللَّهُمَّ تَوَزَّرْ عَلَيَّ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي.** (۴)

۲. در کتاب مکارم الأخلاق خواندن این دعا به هنگام سرمه کشیدن روایت شده است: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصِيرَتِي وَالتَّبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالتَّيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالأَخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي.** (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۳، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۱۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۹.

۴- ترجمه: «بار خدایا، دیده ام را روشن گردان و در آن نوری قرار ده که به حق تو بینا باشم و مرا به راه حقرهنمون ساز و به راه راست ارشاد کن. بار خدایا، دنیا و آخرتم را بر من روشن فرما». فقه الرضا، ص ۳۹۷.

۵- ترجمه: «بار خدایا، به حق محمد و آل محمد از تو می خواهم که در دیده ام روشنائی و در دین ام بینایی و در دلم یقین و در کارم اخلاص و در بدنم سلامتی و به روزی ام وسعت بخشی و تا وقتی زنده ام توفیق سپاسگزاری عنایت فرمایی». مکارم الأخلاق، ص ۴۷.

## آثار و فواید سرمه کشیدن

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز سیمای انسان را نورانی می کند: نگاه کردن به چهره انسان های خوش چهره، نگاه کردن به آب جاری، نگاه کردن به سبزه زار و سرمه کشیدن به هنگام خواب». (۱)
۲. در روایتی دیگر فرمود: «سرمه کشیدن به هنگام خواب، از آب آوردن چشم جلوگیری می کند». (۲)
۳. و در گفته ای دیگر فرمود: «هر که هر شب از سرمه سنگ بدون مُشک استفاده کند، هرگز چشمش آب سیاه نمی آورد». (۳)
- در روایتی معتبر آمده است که سرمه کشیدن دهان را شیرین می کند. (۴)
۴. در روایتی معتبر آمده است که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «استفاده از سرمه سنگ، دهان را خوشبو و مژگان را محکم می کند». (۵)
۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرمه کشیدن، موی مژگان را می رویاند و بینایی را قوی می کند و بر طولانی شدن سجده کمک می نماید». (۶)
۶. در حدیثی دیگر فرمود: «سرمه سنگ چشم را جلا می دهد و موی مژه را می رویاند و آب ریختن چشم را شفا می دهد». (۷)

- 
- ۱- خصال، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۲.
  - ۲- ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۳، مکارم الأخلاق، ص ۴۶.
  - ۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۹.
  - ۴- کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۶.
  - ۵- کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۴.
  - ۶- کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۶.
  - ۷- کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۷.

## آداب نگاه کردن در آینه

### اهمیت و فواید نگاه کردن در آینه

۱. در حدیثی معتبر آمده که امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «خداوند عالمان بهشت را واجب می کند بر جوانی که بسی در آینه نگاه کند و حمد (و شکر) خدا بسیار گوید. و (نیز) بر کسی که خداوند او را به صورت نیکو آفرید و او را معیوب نگردانید». (۱)

۲. در برخی روایات آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را در آینه نگاه می کرد و بر موی سر و صورتش شانه می زد. و خویش را برای هنگام روبه رو شدن با اصحاب یا همسرانش می آراست و می فرمود: «خداوند دوست می دارد بنده اش هنگام ملاقات با برادران مؤمن، خود را بیاراید». (۲)

### دعاهای هنگام نگاه کردن در آینه

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه در آینه نگاه کنی بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَأَحْسِنَ خَلْقِي وَصَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صُورَتِي وَزَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي وَأَكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ». (۳)

۲. در کتاب فقه الرضا آمده است که: «هرگاه بخواهی در آینه نگاه کنی، آینه را به دست چپ بگیر و بسم الله بگو و هنگامی که در آن نگاه کردی دست راست را بر پیش سر بگذار و بر صورت بکش و محاسن خود را به دست راست بگیر و در آینه نگاه کن و بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي بَشْرًا سَوِيًّا وَزَيَّنَنِي وَلَمْ يَشْنِي

۱- ثواب الأعمال، ص ۴۴، ح ۱.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۳۴.

۳- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که مرا آفرید و چهره ای زیبا و خلقتی نیکو به من بخشید و آنچه را که در دیگران زشت است در من نیکو گردانید و مرا به نعمت اسلام گرامی داشت». مکارم الأخلاق، ص ۶۹ به نقل از امام صادق علیه السلام.

وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ خَلْقِهِ وَمَنْ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ وَرَضِيَهُ لِي دِينًا (۱)، سپس آئینه را

بر زمین بگذار و بگو: اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ نِعْمِكَ وَاجْعَلْنَا لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِأَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ». (۲)

۳. در حدیث دیگری آمده است: «آئینه را به دست چپ بگیر و هنگامی که چهره ات را در آن دیدی بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْسَنَ وَأَكْمَلَ خَلْقِي وَحَسَّنَ خُلُقِي وَخَلَقَنِي خَلْقًا سَوِيًّا وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي زَيَّنَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي اللَّهُمَّ كَمَا أَحْسَنْتَ خَلْقِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَسِّنْ خُلُقِي وَتَمِّمْ نِعْمَتَيْكَ عَلَيَّ وَزَيِّنِي فِي عُيُونِ خَلْقِكَ وَجَمِّلْنِي فِي عُيُونِ بَرِيَّتِكَ وَارْزُقْنِي الْقَبُولَ وَالْمَهَابَةَ وَالرُّفْهَ وَالرَّحْمَةَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (۳)

۴. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا علی، هرگاه در آئینه نظر کنی بگو: اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي وَرِزْقِي». (۴)

۱- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که مرا بشری سالم و کامل آفرید و مرا آراسته ساخت و خوارنگردانید و بر بسیاری از مخلوقاتش برتری داد و به (گرویدنم به) اسلام بر من منت نهاد و خشنود شد که اسلام دین من باشد».

۲- ترجمه: «بار خدایا، نعمت هایی را که بر ما ارزانی داشتی تغییر نده و ما را نسبت به نعمت هایت از شکر گزارانویاد کنندگان قرار ده». فقه الرضا، ص ۳۹۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۹.

۳- ترجمه: «سپاس ویژه خداوندی است که مرا نیکو و کامل آفرید و اخلاق مرا خوب و نیکو گرداند و مرا مخلوقی سالم و کامل آفرید و ستمکار و بدبخت قرارم نداد و عیوبی که در بعضی مردم است در من قرار نداد. بار خدایا، همچنان که آفرینش مرا نیکو گردانیدی بر محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله درود بفرست و اخلاق مرا نیز نیکو گردان و نعمتت را بر من تمام کن و مرا در چشم مردم نیکو (وبا آبرو) گردان و در دیدگاه دیگران مرا زیبا قرار ده و پذیرش و هیبت و مهربانی و رحمت را روزی ام گردان، ای مهربان ترین مهربانان». الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۲۴.

۴- ترجمه: «بار خدایا، همان گونه که آفرینش مرا نیکو قرار دادی، اخلاق و روزی ام را نیکو گردان». مکارم الأخلاق، ص ۶۹.

## رنگ کردن موها

## اشاره

(مقدمه:) رنگ کردن موی سر و صورت برای مردان و موی سر برای زنان، مستحب مؤکد است. (به روایات زیر توجه کنید:)

## اهمیت رنگ کردن با حنا

۱. در احادیث معتبر آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «چهار چیز از سنت های پیامبران است: بوی خوش، آمیزش با همسر، مسواک زدن، رنگ کردن با حنا». (۱)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رنگ کردن موی سر و صورت مستحب است؟ حضرت فرمود: «آری، ولی» حضرت امیر مؤمنان علیه السلام خضاب نمی کرد، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: یا علی، محاسن تو از خون سر تو خضاب خواهد شد. پس حضرت علی در انتظار آن خضاب بود». (۲)

۳. در حدیث است که حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام باقر علیه السلام خضاب می کردند. (۳)

۴. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام در مورد علت ترک خضاب کردن چنین فرمود: «به خاطر اندوه از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله خضاب نمی کنم». (۴)

۵. ابوالصباح می گوید: اثر حنا را در دست امام محمد باقر علیه السلام دیدم. (۵)

۶. در روایات بسیاری آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله موهای خود را

رنگ می کرد. (۶)

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۷، ح ۹.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۵.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۷-۹.

۴- نهج البلاغه، کوتاه سخن ۴۷۳.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۸۰.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۹، ح ۲۷۷؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۳، باب ۱۳۸، ح ۱.



## فواید و آثار رنگ کردن

۱. در حدیثی می خوانیم: «خضاب کردن چهارده اثر دارد: باد را از گوش ها بیرون می کند، غبار از چشم برطرف ساخته و آن را جلا می دهد، بینی را نرم می کند، دهان را خوشبو می سازد، ریشه دندان ها را محکم می کند، بوی بد زیر بغل را از بین می برد، از وسوسه شیطان می کاهد، ملائکه با آن شاد می شوند، سبب شادی مؤمنان و خشم کافران می شود، هم زینت محسوب می شود و هم بوی خوش است، موجب خلاصی از عذاب قبر می شود، نکیر و منکر از آن

شرم می کنند». (۱)

۲. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مداوای تَرَكْ هایی که گاه در دست و پا پیدا می شود، در حَمَام بر آنها خلوq بمالید؛ اما دوست ندارم که همیشه این کار انجام شود». (۲)

«خلوق»، گیاهی است خوشبو که آن را با زعفران می آمیزند و رنگ آن بر بدن باقی می ماند.

## فلسفه رنگ کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سفید خود را رنگ کنی و شبیه دشمنان نشوید». (۳)

۲. در روایتی معتبر آمده است که جمعی خدمت امام حسین علیه السلام رسیدند دیدند حضرت موهایش را رنگ مشکی کرده است. از علت آن پرسیدند. حضرت دست بر محاسن خویش نهاد و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از

۱- خصال، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۷۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۲.

۳- خصال، ج ۲، ص ۲۷۱، ادامه ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۸، ح ۳.

جنگ ها به مسلمان ها دستور داد که موهایشان را رنگ مشکی کنند، تا سبب غلبه آنها بر دشمنان شود». (۱)

۳. در حدیث است که حسن بن جهم می گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، حضرت محاسن (ریش) خود را رنگ مشکی کرده بود. حضرت فرمود: «خضاب کردن پاداشی عظیم دارد. و آراستگی موجب بیشتر شدن عفت زنان می شود. و عفت اینکه جمعی از زنان به بی عفتی گرایش پیدا کرده اند این است که شوهرانشان خود را برای همسرانشان نمی آراستند».

حسن بن جهم می گوید عرض کردم: شنیده ام که حنا بر موی های سفید می افزاید. حضرت فرمود: «موی سفید خود (به طور طبیعی) زیاد می شود، هر چند حنا نکنید». (۲)

۴. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید حضرت نگاهی به چهره اش کرد، موی سفیدی در محاسن او دید. فرمود: «هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او پیدا شود، بسان نوری در روز قیامت برای وی باشد». آن شخص پس از مدتی در حالی که موی صورت خود را خضاب کرده بود خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. حضرت فرمود: «هم نور است وهم اسلام». آن شخص از خدمت حضرت مرخص شد و محاسن خود را به رنگ دیگری خضاب کرد و باز گشت. حضرت فرمود: «نور است و اسلام و ایمان و این کار، شما را نزد زنان محبوس می کند و ترس را در دل دشمنان می افکند». (۳)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۴. از آنجا که در آن زمان تعداد مسلمانان کم بود، دستور داده شد موهایشان را رنگ کنند تا جوان به نظر برسند و در برابر دشمن، باشکوه جلوه کنند.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸۰، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۹، ح ۲۷۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۸۰، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۷۹.

## چگونگی و آثار رنگ کردن

(مقدمه:) در روایات اسلامی اقسام خضاب کردن و آثار آن بیان شده و بر رنگ های نیلی، قرمز، مشکی و خصوص حنا بیشتر تأکید شده است، و به برخی از آثار خضاب در ضمن روایاتی که خواهد آمد اشاره شده است.

۱. در حدیثی معتبر و صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «رنگ کردن به وَسْمَه (۱) برای سالخوردهگان اشکال ندارد». (۲)

۲. در چند روایت معتبر آمده است که به هنگام شهادت امام حسین علیه السلام، آثار خضاب به وسمه در محاسن آن حضرت آشکار بود. (۳)

۳. در روایتی معتبر و صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام با حنا خضاب می کرد؛ خضاب به رنگ سرخ. (۴)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خضاب به حنا بوهای بد را

از بین می برد و بر آبرو می افزاید و دهان را خوشبو می سازد و فرزند را نیکو می کند». (۵)

۵. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زنی که حیض نمی شود، سرش را به حنا خضاب کند که حیضش برخواهد گشت». (۶)

۶. در حدیث آمده است که امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام با ترکیبی از حنا و وسمه خضاب می کردند. (۷)

۱- «وَسْمَه»، برگ نیل یا رنگی شبیه نیل است که زنان در آب خیسانده و به ابروانشان می کشند. فرهنگ عمید

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸۲، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۸۳، ح ۵ و ۶.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۱۰.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۷۸.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۶.

۷- کافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۹.

۷. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین رنگ ها نزد خداوند، مشکی است». (۱)

۸. امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت به زنان اجازه داد موهای سرشان را با رنگ مشکی رنگ کنند. (۲)

شایان ذکر است که میان علما مشهور این است که رنگ کردن در حال عادت ماهیانه (۳) و جنابت (۴) کراهت دارد، همان گونه که در حال خضاب کردن، جنب

شدن مکروه است. (۵) البته از برخی روایات معتبر استفاده می شود هرگاه حنا اثر

خود را گذاشت، کراهت جنابت برطرف می گردد. (۶)

---

۱- ثواب الأعمال، ص ۳۷، ح ۲.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۸۲.

۳- مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، ج ۳، ص ۲۶۲.

۴- جواهر الکلام، ج ۳، ص ۷۷.

۵- جواهر الکلام، ج ۳، ص ۷۸.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱، ابواب الجنابه، باب ۲۲، ح ۴.

## فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن

### اشاره

۱. ظرف خوردن و آشامیدن
۲. غذاهای مجاز و افراط در غذا
۳. پاره ای از آداب و اوقات غذا خوردن
۴. سایر آداب غذا خوردن
۵. دعای سفره و آثار آن
۶. آداب پس از غذا خوردن
۷. در فضیلت برخی غذاها
۸. سبزی ها و میوه ها و دیگر خوراکی ها
۹. فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن
۱۰. فضیلت خلال کردن و آداب آن
۱۱. فضیلت نوشیدن آب و انواع آن
۱۲. آداب خوردن آب



## ظرف خوردن و آشامیدن

(مقدمه:) خوردن و آشامیدن در ظرف طلا-ونقره حرام است. و در مورد استفاده از چنین ظروفی در غیر خوردن و آشامیدن اختلاف نظر وجود دارد و احتیاط آن است که برای تزئین نیز نگهداری نشود. وضو گرفتن از ظروف طلا-ونقره حرام است. و خوردن و آشامیدن از ظروف نقره کوب و طلا-کوب کراهت دارد. استفاده از ظرفی که از پوست حیوان حلال گوشت که به روش شرعی ذبح شده، اشکال ندارد، اما اگر از پوست حیوان مرده باشد جایز نیست. (به روایاتی در این باره توجه کنید:)

۱. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب بنوشد، در بهشت از این ظروف محروم خواهد شد». (۱)

۲. در روایتی معتبر آمده است که محمد بن اسماعیل بن بزیر از امام رضا علیه السلام درباره استفاده از ظروف طلا و نقره پرسید. حضرت فرمود: «کراهت دارد». راوی عرض کرد: شنیده ایم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آینه ای داشت که پوشش آن از نقره بود. امام فرمود: «خدا را سپاس، نه چنین نیست. آن آینه اکنون نزد من است و تنها حلقه ای از نقره بر آن است». سپس اضافه فرمود: «هنگامی که عیاس را ختنه کردند برایش عصایی ساختند که پوشش آن از نقره بود، از قبیل چیزهایی

---

۱- خصال، ج ۲، ص ۹۳، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۲۷، ح ۴.

که برای کودکان می سازند که نقره آن در حدود ده درهم بود. چون پدرم آن را دید دستور داد آن را شکستند». (۱)

۳. عمرو بن ابی المقدم می گوید: ظرفی آب خدمت امام صادق آوردند که نقره ای بر آن چسبانده بودند. آن حضرت تکه نقره را از ظرف جدا کرد، سپس آب نوشید. (۲)

۴. در حدیثی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «ظروف طلا و نقره کالای کسانی است که به جهان آخرت یقین ندارند». (۳)

۵. در حدیثی مؤثق از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد یا قسمتی از آن نقره باشد کراهت دارد. روغن مالیدن از چنین روغن دانی و شانه کردن با چنین شانه ای نیز مکروه است». (۴)

## غذاهای مجاز و افراط در غذا

### اشاره

(مقدمه: از احادیث و روایات معصومین علیهم السلام استفاده می شود که خوردن غذاهای لذیذ و خوراندن آن به مردم و به زحمت افتادن در پاکیزگی و خوبی غذا شایسته است. و سزاوار نیست انسان غذاهای لذیذ را بر خود حرام کند. البته بی شک، غذا باید حلال باشد و آن قدر نخورد که او را از عبادت و پرستش پروردگار بازدارد و نباید همانند حیوانات، پیوسته برای خوردن و آشامیدن بکوشد، بلکه باید هدفش از خوردن و آشامیدن، آمادگی برای اطاعت خداوند باشد و به گونه ای خرج کند که نسبت به شأن و جایگاه وی اسراف محسوب نشود که خداوند اسرافکاران را دوست نمی دارد. (به روایات زیر توجه کنید):

۱- محاسن، ص ۵۸۲، ح ۶۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۷، ح ۲.

۲- محاسن، ص ۵۸۲، ح ۶۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۷، ح ۶.

۳- محاسن، ص ۵۸۲، ح ۶۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۷.

۴- محاسن، ص ۵۸۲، ح ۶۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۷، ح ۵.



## شریک کردن دیگران در غذای خود

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام بسی نان و غذای لذیذ

به مردم می داد تا بخورند و می فرمود: «هرگاه خداوند بر ما توسعه دهد و امکانات ما را وسیع گرداند، ما نیز بر مردم توسعه می دهیم. و چون خداوند بر ما تنگ

گیرد و امکانات محدود شود، ما نیز (به ناچار) دایره کمک به مردم را

محدود می کنیم». (۱)

۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «غذا را طبخ کن و یاران را دعوت نما و با آنها بخور». (۲)

## از غذای حلال نمی پرسند

۱. نیز در روایتی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «سه چیز است که خداوند متعال در قیامت مؤمن را در مورد آن بازخواست نمی کند: غذایی که می خورد، لباسی که می پوشد، همسر شایسته ای که یاور اوست و او را از آلودگی ها بازمی دارد». (۳)

۲. در حدیث است که ابو خالد کابلی می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. حضرت دستور داد صبحانه آوردند. با حضرت غذایی خوردم که پاکیزه تر و بهتر از آن نخورده بودم. حضرت فرمود: «نظر تو در مورد غذای ما چیست؟» عرض کردم جانم به فدایت، هرگز غذایی به این خوبی نخورده بودم لیکن به یاد این آیه شریفه افتادم که می فرماید: (ثُمَّ لَکَسِبْتُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّحْمِ الْمَکْتُومِ): «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت هایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد». (۴) حضرت فرمود:

۱- محاسن، ص ۴۰۰، ح ۸۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۹، ح ۱.

۲- محاسن، ص ۴۱۰، ح ۱۳۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۶.

۳- محاسن، ص ۳۹۹، ح ۸۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۲.

۴- سوره تکوین، آیه ۸.

«منظور از نعیم در آیه شریفه، ولایت اهل بیت علیهم السلام است که در روز قیامت از شما می پرسند». (۱)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال کریم تر از آن است که از مؤمن در مورد خوردنی ها و نوشیدنی هایی که در دنیا بر او حلال کرده سؤال کند». (۲)

### غذا خوردن در حال سیری

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذا خوردن در حال سیری، عامل بیماری پیسی (برص) است». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند صاحب سه چیز را دشمن می دارد: خواب (بسیار) بدون شب زنده داری، خندیدن در غیر محل تعجب، خوردن به هنگام سیری». (۴)

۳. در حدیث است که ابوجحیفه خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید در حالی که از سیری، آروغ می زد. حضرت فرمود: «از آروغ زدن پرهیز (کمتر بخور تا آروغ نزنی)، زیرا هر که در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه تر است». پس از این فرمایش رسول خدا، ابوجحیفه سیر غذا نخورد تا از دنیا رفت. (۵)

۴. در روایتی آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند هیچ چیز را همچون شکم پر از غذا، دشمن نمی دارد». (۶)

۱- محاسن، ص ۳۹۹، ح ۸۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۵.

۲- محاسن، ص ۳۹۹، ح ۸۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۳.

۳- خصال، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۴، ح ۱۶.

۴- خصال، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۹.

۵- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۳.

۶- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۹.

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه شکم سیر شود، موجب طغیان و فساد می گردد».<sup>(۱)</sup>

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «ریشه هر درد و بیماری پرخوری است، جز تب که ناگهانی ظاهر می شود».<sup>(۲)</sup>

۷. در روایتی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «ای بنی اسرائیل، تا گرسنه نشوید چیزی نخورید و چون گرسنه شدید سیر نخورید، زیرا هر گاه سیر بخورید فربه می شوید و پروردگارتان را به دست فراموشی می سپارید».<sup>(۳)</sup>

۸. در حدیث است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پنج کار را موجب بیماری برص و پیسی برشمرده است: «نوره کشیدن در روزهای جمعه و چهارشنبه، وضو گرفتن و غسل کردن با آبی که در آفتاب گرم شده باشد، خوردن در حال جنابت، آمیزش با زوجه حائض، غذا خوردن در حال سیری».<sup>(۴)</sup>

۹. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند هیچ چیز را مانند شکم پر از غذا دشمن نمی دارد».<sup>(۵)</sup>

### کم خوری و سلامت تن

۱. از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام به شهری رسید که مرد وزنی با هم درگیر بودند و فریاد می کشیدند. جویای سبب آن شد. مرد گفت: این همسرم وزنی شایسته است و هیچ عیبی ندارد، اما او را دوست ندارم و می خواهم طلاقش دهم. حضرت پرسید: چرا؟»

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۵، ح ۱۰۵۲.

۲- محاسن، ص ۴۴۷، ح ۳۴۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۸.

۳- محاسن، ص ۴۴۷، ح ۳۴۲.

۴- خصال، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۸.

۵- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۹.

عرض کرد: چون صورتش طراوت ندارد، با آنکه پیر نشده است. حضرت عیسی رو به آن زن فرمود: می خواهی طراوت صورت تو بازگردد؟ زن گفت: آری. حضرت فرمود: شکم را از غذا پر نکن، زیرا طعام بسیار، آب صورت را از بین می برد و چهره را بی طراوت می سازد. آن زن به دستور حضرت عیسی عمل کرد و طراوت چهره اش بازگشت و محبوب شوهرش شد. (۱)

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم در غذا خوردن زیاده روی نکنند بلکه میانه رو باشند، همیشه بدنشان سالم خواهد بود». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کفران نعمت الهی است اینکه کسی بگوید: فلان غذا را خوردم مرا آزار داد» (شاید این زیان بر اثر زیاده روی در خوردن غذا بوده نه خود غذا). (۳)

۴. در حدیث است که روزی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر و عسل آوردند. حضرت اندکی از آن تناول کرد و باقی را بر زمین نهاد. پرسیدند: ای رسول خدا، آیا خوردن این غذا حرام است؟ فرمود: «نه، اما برای رضای خدا فروتنی می کنم (و کم می خورم)». (۴)

۵. در حدیث است که پالوده خوشبویی نزد امیر مؤمنان علی علیه السلام آوردند. حضرت از آن اندکی خورد، سپس فرمود: «خوردن آن حرام نیست، اما نمی خواهم خود را به چیزی که به آن عادت نکرده ام، عادت دهم».

و در روایتی دیگر فرمود: «خوردن آن حرام نیست، ولی هرگز چیزی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله نخورده، نمی خورم». (۵)

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۹۷، باب ۲۵۲، ح ۱.

۲- محاسن، ص ۴۳۹، ح ۲۹۶.

۳- محاسن، ص ۴۵۰، ح ۳۶۲.

۴- محاسن، ص ۴۰۹، ح ۱۳۳؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۳۸۴.

۵- محاسن، ص ۴۰۹، ح ۱۳۴.

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان برای کسب نیرو و تجدید قوا ناگزیر است غذا بخورد، ولی لازم است بخشی از شکم را به غذا و بخشی دیگر را به آب اختصاص دهد و بخش سوم را برای تنفس، خالی بگذارد. و برای فربه کردن خود نکوشید چنانکه حیوانات را برای کشتن،

فربه می کنند» (۱).

### کمترین اسراف در غذا خوردن

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سرکه نانِ خورش خوبی است. و کمترین اسراف آن است غذایی را که نزد انسان می آورند (با بی اعتنایی) نخورد» (۲).

### پاره ای از آداب اوقات غذا خوردن

#### اشاره

(مقدمه:) مستحب است صبحانه را نزدیک طلوع آفتاب بخورد و ناهار نخورد و پس از نماز خفتن (نماز عشا)، بار دیگر غذا بخورد. و نیز مستحب است لقمه کوچک بگیرد و آن را خوب بجود و هنگام غذا خوردن، به چهره هم سفره ای ها نگاه نکند و غذای بسیار داغ نخورد و در غذای داغ فوت نکند، بلکه صبر کند تا سرد شود سپس آن را تناول کند. و نان را با کارد نبرد و استخوان را (کاملأً) پاک نکند و با کمتر از سه انگشت چیزی نخورد و از غذایی که جلوی دیگران است نخورد. خوردن و نوشیدن در حال جنابت کراهت دارد، ولی اگر پیش از آن وضو بگیرد، یا دست هایش را بشوید و مضمضه و استنشاق کند، یا دست و صورتش را بشوید و مضمضه کند، یا دست هایش را بشوید و مضمضه کند، کراهتش

۱- محاسن، ص ۴۴۰، ح ۲۹۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۹.

۲- محاسن، ص ۴۴۱، ح ۳۰۳.

برطرف می شود. فلسفه این حکم، مطابق آنچه در حدیث آمده، این است که: «اگر در حال جنابت چیزی بخورد بی آنکه یکی از اعمال مزبور را انجام دهد، بیم آن می رود که مبتلا به بیماری برص شود». (۱) (به روایات زیر توجه فرمایید):

### وعده های غذایی

۱. در روایتی معتبر آمده است که کسی از درد سوء هاضمه به سبب پر بودن معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «صبح وشام غذا بخور و در میان آنها چیز دیگری نخور، زیرا خداوند دو جهان در وصف غذای بهشتیان می فرماید: (وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا): وهر صبح وشام، روزی آنان در بهشت مقرر است. (۲)» (۳)

۲. در روایتی معتبر آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پیامبران غذای آخر روز را پس از نماز عشا می خوردند؛ پس غذا خوردن در آن وقت را ترک نکنید که ترک آن موجب بیماری تن می شود». (۴)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «شام نخوردن انسان را پیر می کند». (۵)

۴. نیز در گفتاری فرمود: «چون انسان پیر شد لازم است پیش از خواب شبانه چیزی بخورد که با این کار، بهتر خواب می رود و دهانش خوشبو یا خُلُقش

نیکو می شود». (۶)

۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای شب را ترک نکنید، هر

۱- کافی، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱، ص ۴۶، باب ۱۹.

۲- سوره مریم، آیه ۶۱.

۳- محاسن، ص ۴۲، ح ۱۹۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۱؛ خصال، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱۳۲.

۵- کافی ج ۶، ص ۲۸۸ ح ۳؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۵۰۵.

۶- محاسن، ص ۴۲۲، ح ۲۰۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۴.

چند به پاره نان خشکی باشد، که موجب قوت بدن و نیروی آمیزش می شود». (۱)

۶. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در بدن رگی است به نام عشا، هر که در شب چیزی نخورد آن رگ او را تا صبح نفرین می کند و می گوید: خداوند تو را گرسنه و تشنه بدارد که مرا تا صبح گرسنه و تشنه نگاه داشتی؛ پس غذای شب را ترک نکنید، هر چند به لقمه نان ولیوانی آب باشد». (۲)

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شایسته نیست مؤمن از خانه بیرون رود، مگر آنکه صبحانه خورده باشد که این کار بر قدرتش می افزاید». (۳)

### غذای داغ نخورید

۱. از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای گرم را بگذارید تا سرد شود (سپس آن را بخورید) زیرا غذایی گرم برای رسول خدا آوردند، حضرت فرمود: بگذارید تا سرد شود که خداوند، آتش را غذای ما قرار نداده و برکت در غذای سرد است». (۴)

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای داغ برکت ندارد و شیطان در آن بهره و نصیبی دارد». (۵)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که سلیمان خالد می گوید: در یکی از شب های تابستان بر سر سفره امام جعفر صادق علیه السلام حاضر شدم. سفره گسترده بودند، مقداری

۱- محاسن، ص ۴۲۳، ح ۲۱۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۵.

۲- محاسن، ص ۴۲۳، ح ۱۲.

۳- محاسن، ص ۳۹۷، ح ۷۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۲۱، باب الطعام الحار، ح ۱؛ خصال، ج ۲، ص ۴۰۳، ح ۴۸.

۵- محاسن، ص ۴۰۶، ح ۱۱۷.

نان و کاسه ای آبگوشت آوردند که در آن نان و گوشت بود. حضرت دست بر کاسه برد و برداشت، سپس فرمود: «امان می طلبم از خدا از آتش جهنم، پناه می برم به خدا از آتش جهنم، خدایا تاب حرارت و گرمای این غذا را نداریم و بر آن صبر نمی توانیم کرد، چگونه بر آتش جهنم تاب آوریم و صبر کنیم؟» حضرت این جملات را چندین بار تکرار کرد که غذا سرد و آماده خوردن شد، سپس غذا را تناول فرمود و ما هم غذایمان را خوردیم».<sup>(۱)</sup>

### در غذا فوت نکنید

۱. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دمیدن در خوردنی ها و آشامیدنی ها نهی کرد.<sup>(۲)</sup>
۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام سه نوع دمیدن را مکروه شمرده است: «دمیدن در گره ها برای افسون کردن، دمیدن در غذا، دمیدن در محلّ سجده».<sup>(۳)</sup>
۳. و در حدیثی دیگر آمده است که حضرت فرمود: «فوت کردن غذای داغ اشکال ندارد». این روایت مربوط به حال ضرورت و زمانی است که شخص عجله دارد.<sup>(۴)</sup>

### از جلوی خود شروع به خوردن کنید

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از بالای غذا شروع نکنید، بلکه از کناره غذا (قسمتی که در جلوی شماست) آغاز کنید که برکت غذا

۱- محاسن، ص ۴۰۷، ح ۱۲۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۵.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۷.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۸؛ خصال، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۱۷۵.

۴- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸، باب ۲۹، ح ۱.



در بالای طعام است» (وبا خوردن بالای طعام در ابتدای کار، برکت را از سفره نبرید). (۱)

۲. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهید غذا بخورید از جلوی خود شروع به خوردن کنید». (۲)

### روش غذا خوردن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

۱. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت به هنگام غذا خوردن دوزانو نشسته و یک دست بر زمین گذاشته و با دست دیگر و با سه انگشت، غذا تناول می کرد و می فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین غذا تناول می کردند، نه با دو انگشت که روش متکبران و جباران است». (۳)

۲. در حدیثی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت به هنگام صرف غذا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ می گفت و از پیش دیگران چیزی بر نمی داشت و پیش از میهمانان شروع به خوردن نمی کرد و با سه انگشت و گاه چهار انگشت و گاه با تمام انگشتان غذا می خورد و هرگز با دو انگشت غذا نمی خورد و می فرمود: «با دو انگشت غذا خوردن، روش غذا خوردن شیطان است». (۴)

### بهترین راه جلوگیری از ضررهای غذا خوردن

۱. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که بخواهد غذا زیانی به او نرزد چهار کار کند: تا گرسنه نشده و معده اش پاک نگشته

۱- محاسن، ص ۴۰۳، ح ۱۰۱؛ کافی ج ۶، ص ۲۹۶، ح ۱، و ص ۳۱۸، ح ۹.

۲- محاسن، ص ۴۴۸، ح ۳۴۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۷، ح ۳.

۳- محاسن، ص ۴۴۱، ح ۳۰۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۷، ح ۶.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۲۸.

چیزی نخورد، هنگام شروع به غذا خوردن بسم الله الرحمن الرحيم بگویند، غذا را خوب بجود، پیش از آنکه کاملاً سیر شود دست از غذا خوردن بکشد» (۱).

۲. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: «دوست داری چهار مطلب به تو بیاموزم که اگر انجام دهی نیاز به طبیب نداشته باشی؟ عرض کرد: آری ای امیر مؤمنان. فرمود: تا گرسنه نشدی بر سر سفره نشین، پیش از سیر شدن کامل برخیز، خوب جویدن غذا را فراموش نکن، پیش از خواب به حاجتگاه برو» (۲).

### سفارشات امام حسن علیه السلام در مورد غذا خوردن

۱. از امام حسن علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر سر هر سفره ای دوازده ویژگی لازم است که مسلمان نباید از آن غافل باشد. چهار ویژگی آن بسیار مهم و چهار ویژگی دیگر آن مهم تر و چهارتای باقی مانده مهم است. اما چهار ویژگی بسیار مهم عبارتند از:

کسی که این نعمت ها را به وی داده بشناسد و بداند که از جانب پروردگار است، به آنچه خداوند به وی ارزانی داشته راضی باشد، در آغاز بسم الله بگوید و در پایان خدا را شکر کند.

و ویژگی های مهم تر به شرح زیر است: پیش از غذا دستانش را بشوید، بر طرف چپ بنشینید، با سه انگشت غذا بخورد، (هرگاه با دست غذا می خورد) به طور کامل غذا را از دست ها برگیرد.

و چهار ویژگی دیگر عبارتند از: از پیش خود غذا بخورد، لقمه را کوچک بردارد، غذا را بسیار بجود، به صورت دیگران نگاه نکند» (۳).

۱- طَبِّ الْأَئِمَّةِ، ص ۲۹.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۵، ح ۱۵.

۳- خصال، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۳، ح ۱۳.

## سایر آداب غذا خوردن

## اشاره

(مقدمه:) مستحب است با دست راست غذا بخورد و دوزانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد، اما اگر به دست چپ تکیه کند اشکال ندارد. و چهار زانو نشستن به هنگام غذا خوردن مکروه است و اگر پا را بر روی زانو بگذارد کراهت آن شدیدتر است. تنها غذا خوردن کراهت دارد و مستحب است با خدمتکاران و بر روی زمین غذا بخورد. غذا خوردن به هنگام راه رفتن کراهت دارد. و شستن دست پیش و پس از غذا سفارش شده است. غذا خوردن بر سفره ای که شراب در آن خورده اند حرام است، بلکه برخی معتقدند غذا خوردن بر سر سفره ای که در آن مجلس، گناه مرتکب شده نیز حرام است. حتی غذا خوردن بر سفره جمعی که غیبت مسلمانان را کرده اند حرام است. و مستحب است با نمک، غذای خود را آغاز کند و به پایان برساند. (به روایاتی در این زمینه توجه فرماید:)

## تنها غذا خوردن

۱. در روایتی معتبر آمده که امام موسی کاظم علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت سه کس را نفرین کرد: «کسی که تنها خور باشد، کسی که تنها سفر کند، کسی که در خانه تنها بخوابد». (۱)
۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذایی کامل است که چهار چیز در آن جمع باشد: از راه حلال تهیه شده باشد، دست های بسیاری در آن سفره برود (جمع فراوانی از آن غذا استفاده کنند)، در ابتدای آن نام خدا گفته شود و در پایان، حمد الهی گویند». (۲)

۱- محاسن، ج ۳۹۸، ح ۷۶؛ خصال، ج ۱، ۱۱۷، ح ۳۴.

۲- محاسن، ص ۳۹۸، ح ۷۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۳، ح ۲.

## سهم نیازمندان از غذاها

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که هر گاه ظرف غذایی خدمت امام رضا علیه السلام می آوردند، دستور می داد یک ظرف خالی هم بیاورند و از هر یک از بهترین غذاها، مقداری در آن ظرف می ریخت و دستور می داد به مساکین و بیچارگان بدهند. (۱)

۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «علت ابتلای حضرت یعقوب علیه السلام به جدایی از فرزندش حضرت یوسف علیه السلام این بود که روزی گوسفندی چاق کشت و بریان کرد. مرد نیکوکار روزه داری در همسایگی آن حضرت بود و بوی آن غذا را استشمام کرد. حضرت یعقوب علیه السلام غافل شد و چیزی از آن غذا به وی نداد. جبرئیل همان شب بر حضرت نازل شد و گفت: آماده بلایی (در برابر این ترک اولی) از سوی خدا باش و در همان شب، حضرت یوسف علیه السلام آن خواب را دید (و پس از آن، داستان حضرت یوسف اتفاق افتاد). پس از این حادثه، حضرت یعقوب به هنگام صبحانه تا یک فرسخ راه اعلان می کرد که هر کس اشتهای به غذا دارد بر سر سفره یعقوب حاضر شود. و این کار را در شب هم تکرار می کرد». (۲)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر گاه سفره بگسترند، هر نیازمندی آمد او را دست خالی رد نکنید». (۳)

## موارد ممنوع یا مکروه، هنگام غذا خوردن

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «ملعون است آن

۱- محاسن، ص ۳۹۲، ح ۳۹.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۴۵، باب ۴۱، ح ۱.

۳- محاسن، ۴۲۳، ح ۲۱۳.

که بر سفره ای بنشیند که در آن شراب می نوشند (هر چند خودش ننوشد)». (۱)

۲. در حدیثی دیگر می خوانیم که فرمود: «هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد، از سفره ای که بر آن شراب می نوشند غذا نمی خورد». (۲)

۳. در فقه الرضا علیه السلام آمده است: از سفره ای که پس از رفتن تو بر آن شراب می نوشند غذا نخور. (۳)

۴. در چندین حدیث آمده است که خوردن در حال جنابت، سبب فقر و تنگدستی می شود. (۴)

۵. در روایات فراوانی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوردن و آشامیدن با دست چپ، جز در حال اضطرار، نهی کردند. (۵)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که توانایی استفاده از دست راست خویش دارد مکروه است با دست چپ غذا بخورد، یا چیزی بیاشامد، یا چیزی بردارد». (۶)

۷. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «در حال راه رفتن چیزی نخور، مگر اینکه مجبور باشی». (۷)

۸. در حدیثی دیگر فرمود: «در حالی که تکیه کرده اید، یا به رو خوابیده اید، چیزی نخورید». (۸)

۱- محاسن، ص ۵۸۴، ح ۷۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۲؛ تهذیب، ج ۹، ص ۱۱۳، ح ۴۲۰.

۳- فقه الرضا، ص ۲۸۱.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷، ح ۱۷۸.

۵- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۳۹۹. از امام صادق علیه السلام.

۶- محاسن، ص ۳۵۸، ح ۳۹۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۳، ح ۲.

۷- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۳، ح ۱۰۴۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۵.

۸- کافی، ج ۶، ص ۲۷۱، ح ؛ محاسن، ص ۴۵۸، ح ۳۹۳.

## سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غذا خوردن

۱. در روایات معتبر آمده است که حضرت صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که: «آن حضرت هرگز در حال تکیه بر پهلوی چپ یا راست، چیزی نمی خورد و به هنگام غذا خوردن، دوزانو نشسته و با فروتنی غذا می خورد». (۱)

۲. در حدیث است که روزی عباد بصری که از مشایخ متصوفه و علمای اهل سنت است در حضور امام صادق علیه السلام نشسته بود. حضرت در حالی که دست چپ خویش را بر زمین گذاشته بود غذا می خورد. عباد به عنوان اعتراض به حضرت گفت: مگر نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرده است؟ حضرت دست را برداشت و دوباره روی زمین گذاشت. دوباره عباد اعتراض کرد و امام همان کار را کرد و این سه بار تکرار شد. سپس حضرت فرمود: «والله رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز از این کار نهی نکرد (آنچه از آن نهی شده، خوردن در حال خوابیدن بر پهلوی راست یا چپ است، همان گونه که روش برخی مستکبران است)». (۲)

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از خوردن غذا، دستان مبارک را می شست، آب در دهان می کرد و مضمضه می فرمود». (۳)

۴. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از صبحانه، دست های خود را می شست و پیش از آنکه با حوله خشک کند به سر و صورت می مالید و می فرمود: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ لَا يُرْهَقُ وَجْهَهُ قَتْرٌ وَلَا ذَلَّةٌ». (۴)

۱- محاسن، ۴۵۷، ح ۳۹۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۷۱، ح ۵.

۳- تهذیب الاحکام، تحقیق غفّاری، ج ۱، ص ۳۵۰.

۴- ترجمه: «پروردگارا، مرا از کسانی قرار ده که گرد تنگی و خواری بر چهره اش نمی نشیند». محاسن، ص ۴۲۶، ح ۲۳۴.

۵. در روایتی دیگر در مورد چگونگی غذا خوردن رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هرگاه بر سر سفره می نشست از پیش خود غذا می خورد و همانند حالت تشهد نماز می نشست و می فرمود: من بنده ام، به روش بردگان غذا می خورم و همچون آنان می نشینم». (۱)

۶. در حدیثی دیگر آمده است: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از شستن دستان خویش پس از غذا فارغ می شد، دست بر صورت کشیده و این دعا را می خواند: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا وَاطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ بَلَاءٍ صَالِحٍ اَوْلَانَا». (۲)

## آداب غذا خوردن

### شستن دست ها پیش از غذا خوردن

۱. در روایات متعددی از امیر مؤمنان علی علیه السلام وائمه طاهرين عليهم السلام نقل شده است که هر که بخوهد خیر و برکت خانه اش افزون شود، دست خود را پیش از غذا خوردن بشوید. (۳)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن دست ها پیش از

غذا خوردن و پس از آن فقر را برطرف، روزی را بسیار، لباس انسان را پاکیزه و دردها را از بدن دور می کند و چشم را جلا می دهد». (۴)

۳. در حدیث است که مرزم از یاران امام کاظم علیه السلام می گوید دیدم که امام پیش از غذا خوردن دستانش را می شست و آن را با دستمال خشک نمی کرد، ولی پس

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۷.

۲- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که ما را هدایت کرد و به ما آب و غذا داد و هر نعمت خوبی را به ما بخشید».

مکارم الأخلاق، ص ۱۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۳، ح ۳۸.

۳- محاسن، ۴۲۴، ح ۲۱۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۴.

۴- محاسن، ص ۴۲۴، ح ۲۱۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۲ و ۳.

از غذا خوردن دستانش را می شست و آن را با دستمال خشک می کرد». (۱)

۴. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگام غذا خوردن دست ها را بشوی و آن را خشک نکن، زیرا تا زمانی که رطوبت آن موجود است برکت در غذا خواهد بود. (۲) و پس از شستن دست ها آن را بر صورت مالیدن،

کَلْف (۳) را از چهره برطرف می کند و بر روزی می افزاید». (۴)

۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که دستش پاکیزه است لازم نیست پیش از غذا خوردن آن را بشوید». (۵)

### شستن دست ها پس از غذا خوردن

۱. در حدیث است که مفضل بن عمر از یاران ارزشمند امام صادق علیه السلام می گوید از درد چشم به حضرت شکایت کردم. فرمود: «پس از غذا خوردن دستان را بشوی و این جمله را سه بار بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ

الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ»». (۶) راوی می گوید: به دستور امام عمل کردم و پس از آن هرگز

چشمانم درد نگرفت. (۷)

۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه پس از غذا دست ها را بشویی و بارطوبت آن دیدگان را مسح کنی، این کار جلوی چشم درد را می گیرد». (۸)

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۹۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۰.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۹۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۳۹.

۳- «کَلْف» لکه ای است که در چهره انسان پیدا می شود و آن را در فارسی کک مک می گویند (فرهنگ عمید).

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۹۱.

۵- محاسن، ص ۴۲۸، ح ۲۴۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۱۳.

۶- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که احسان کننده، نیکوکار، نعمت دهنده و فضیلت بخش است».

۷- کافی، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۵.

۸- مکارم الأخلاق، ص ۱۴۰.



۳. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه پس از غذا خوردن دست ها را شستی، پیش از آنکه با دستمال خشک کنی بر دیدگان بکشی و این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الزَّیْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَالْبُغْضَةِ».

(۱)

### نشستن دهان پس از غذا خوردن

از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله دست ها را پس از خوردن غذا می شست، سپس آب در دهان کرده و آن را می شست».

(۲)

### کیفیت نشستن هنگام غذا خوردن

در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگام غذا خوردن دوزانو بنشینید و یک پا را روی پای دیگر نیندازید و چهار زانو ننشینید، زیرا خداوند از چنین نشستن و صاحب آن بیزار است».

توجه: ظاهر روایت این است که منظور از چهار زانو نشستن آن است که به روش جِیّاران باشد، یعنی یک پا را بر روی ران پای دیگر بگذارد.

(۳)

### با چه چیز غذا خوردن را شروع و تمام کنیم؟

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «در ابتدا و انتهای غذای خوردن مقداری نمک بخور که هر که چنین کند خدا او را از هفتاد بلا که آسان ترین آن بیماری جُذام است، حفظ می کند».

(۴)

۱- ترجمه: «بار خدایا، من از تو زینت و دوستی می خواهم و از گناه و دشمنی به تو پناه می برم». محاسن، ص ۴۲۶، ح ۲۳۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۵، ح ۱۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۷۲، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۱.

۴- محاسن، ص ۵۹۳، ح ۱۰۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۱.

۲. در حدیثی دیگر آمده است که این کار انسان را از هفتاد و دو نوع بیماری که از جمله آن دیوانگی و جذام و بیماری پیسی است حفظ می کند. (۱)

۳. و در حدیثی دیگر آمده است که این کار از درد گلو و دندان درد و درد شکم جلوگیری می کند. (۲)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به حضرت موسی علیه السلام امر کرد که به قومش بگوید: غذای خود را با نمک آغاز کنند و با آن پایان دهند و گرنه (چنانچه به بلایی مبتلا شوند)، کسی را جز خود سرزنش نکنند».

(۳)

۵. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «نمک شفای هفتاد نوع از انواع دردهاست و اگر مردم بدانند چه آثار و منافع در نمک هست، جز با آن امراض خود را مداوا نمی کنند». (۴)

۶. در روایتی معتبر می خوانیم که هنگام غذا خوردن، ابتدا به سرکه خوب است. (۵)

۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «ما غذا را با نمک شروع و با سرکه ختم می کنیم». (۶)

۸. در سخنی دیگر فرمود: «هر که بر نخستین لقمه ای که می خورد نمک بپاشد، رو به توانگری خواهد آورد». (۷)

۱- محاسن، ص ۵۹۳، ح ۱۰۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۳.

۲- محاسن، ص ۵۹۳، ح ۱۱۰ و ۱۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.

۳- محاسن، ص ۵۹۲، ح ۱۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۶.

۴- محاسن، ص ۵۹۰، ح ۹۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۳. این روایت اشاره به شروع غذا با اندکی نمک است.

۵- محاسن، ص ۴۸۷، ح ۵۵۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۴.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.

۷- محاسن، ص ۵۹۴، ح ۱۱۳.

**پای بر سفره نگذارید**

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روزی به مجلس سفاح از خلفای بنی عباس رفتم. سفره غذایشان گسترده بود. دست مرا گرفت و به سوی خود کشید. (ناخودآگاه) پای من بر کناره سفره قرار گرفت. آن قدر غمگین شدم که خدا می داند، زیرا این کار کفران نعمت پروردگار است». (۱)

**نشستن طولانی بر سر سفره**

در حدیثی دیگر فرمود: «نشستن بر سر سفره را طولانی کنید (و غذا را آهسته بخورید) که این مدت جزء عمر شما به حساب نمی آید». (۲)

**غذا خوردن با زیردستان**

در حدیث است که یاسر، خادم امام رضا علیه السلام در مورد سیره آن حضرت هنگام غذا خوردن چنین گوید: هرگاه آن حضرت بر سر سفره می نشست، کوچک و بزرگ، حتی حجامت کننده و بزرگ قوم را دعوت می کرد که بر سر سفره نشینند. (۳)

ابراهیم بن عباس نیز در این باره می گوید: آن حضرت چون خلوت می شد و غذا می آوردند، همه دربانان و خدمتکاران را بر سفره ای که خود نشسته بود می نشاند». (۴)

۱- محاسن، ص ۵۸۸، ح ۸۸.

۲- الاختصاص، ۲۵۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۱.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۲۴.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۷.

### بیرون کردن کفش به هنگام غذا خوردن

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگام خوردن غذا، کفش خود را از پا بیرون کنید که سنت نیکو است و موجب استراحت بیشتر پاهای شماست». (۱)

### غذا خوردن با دست

در روایاتی معتبر آمده که یکی از امتیازات انسان بر حیوان آن است که غذایش را با دست می خورد؛ پس انسان باید غذای خود را با کمک دستانش بخورد. (۲)

### صاحبخانه پیش از میهمان شروع به غذا خوردن کند

در روایاتی معتبر آمده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با جمعی از میهمانانش غذا می خورد، پیش از همه شروع می کرد و پس از همه دست می کشید، تا میهمانان غذای بیشتری بخورند. (۳)

### اول نماز خواندن یا غذا خوردن

در حدیث است که سماعه بن مهران می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: وقت نماز رسیده و غذا حاضر است به کدام پردازیم؟ امام فرمود: «اگر ابتدای وقت نماز است اول غذا بخورید و اگر بخشی از وقت نماز گذشته و بیم آن می رود که وقت فضیلت نماز بگذرد، نماز بخوانید». (۴)

۱- محاسن، ص ۴۴۹، ح ۳۵۱.

۲- امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۳- محاسن، ص ۴۴۸، ح ۳۴۹؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، باب الأکل مع الضیف، ح ۱.

۴- محاسن، ص ۴۲۳، ح ۲۱۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۹.

## دعای سفره و آثار آن

### آغاز وانجام غذا با نام و حمد خدا

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه سفره بگسترند بگو: بسم الله و چون شروع به غذا کردی بگو: بِسْمِ اللَّهِ عَلَىٰ أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ و چون سفره را جمع کردند بگو: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ». (۱)
۲. و در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «هنگامی که ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و او برای آنها گوساله ای بریان شده آورد و گفت بخورید! گفتند: نمی خوریم تا بگویی ارزش این نعمت الهی چقدر است؟ حضرت فرمود: (قیمت آن این است که) چون شروع به خوردن کنید بسم الله بگویید و هنگامی که غذا تمام شد اَلْحَمْدُ لِلَّهِ بگویید. جبرئیل رو به سه فرشته دیگر کرد و گفت: می سزد که پروردگار چنین بنده ای را خلیل خود گرداند». (۲)
۳. و در سخنی دیگر فرمود: «هر گاه چند نوع غذا بر سر سفره باشد برای هر کدام یک بسم الله بگویید». راوی پرسید: اگر فراموش شود چه کنم؟ حضرت فرمود: «بگو بِسْمِ اللَّهِ عَلَىٰ أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ». (۳)
۴. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر گاه غذا حاضر شود، چنانچه یکی از حاضران بسم الله بگوید از دیگران کفایت می کند». (۴)
۵. در سخنی دیگر فرمود: «به هنگام خوردن غذا خدا را یاد کنید و بسیار سخن نگویند که آن طعام، نعمت و روزی خداست و بر شما لازم است که در وقت غذا خوردن یاد خدا، سپاس او و شکرش را به جا آورید». (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۲.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۵، باب ۳۲، ح ۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۵۹، ح ۲۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۹.

۵- کافی، ج ۶، ص ۲۹۶، ح ۲۳.

۶. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «غذا خورنده ای که شکر پروردگار را به جا می آورد، از روزه دار خاموش بهتر است». (۱)

۷. در حدیثی است که امام صادق علیه السلام به سماعه فرمود: «ای سماعه، بخور و سپاس خدا کن و نخور که خاموش (از یاد خدا) باشی». (۲)

### آثار شروع به «بسم الله» و ختم به «الحمد لله»

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه سفره گسترده شود، چهار هزار فرشته آن را احاطه می کنند. اگر کسانی که می خواهند غذا بخورند بسم الله بگویند ملائکه می گویند: خداوند بر کاتش را بر شما و غذای شما نازل کند. سپس به شیطان می گویند: ای فاسق، از اینجا خارج شو که تو بر این افراد سلطه ای نداری. و چنانچه پس از فراغت از غذا الحمد لله بگویند، فرشتگان می گویند: اینها بندگانی هستند که خداوند به آنها نعمت داده و شکر نعمت پروردگار را به جا آورده اند. و اگر غذای خود را با بسم الله آغاز نکنند

ملائکه به شیطان می گویند: ای فاسق، جلو بیا و با اینها غذا بخور و چنانچه در پایان غذا حمد و سپاس الهی را به جا نیاورند، ملائکه می گویند: اینان گروهی هستند که خداوند به آنها نعمت داده، ولی پروردگار خویش را فراموش کردند». (۳)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر که نام خدا را در اوّل طعام ببرد و در پایان سپاس خدای را به جا آورد، هرگز آن طعام از او سؤال نمی کنند». (۴)

۳. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه مسلمانی به هنگام شروع غذا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» پیش از آنکه لقمه به

۱- محاسن، ص ۴۳۵، ح ۲۷۱.

۲- محاسن، ص ۴۳۵، ح ۲۷۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۴، ح ۱۰۴۹.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۴؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۹.

دهانش برسد، خداوند متعال گناهانش را می آمرزد».<sup>(۱)</sup>

۴. امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: «روزی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس غذای خود را با بسم الله شروع کند، من ضمانت می کنم که آن غذا زیانی به او نرساند. ابن کوا گفت: دیشب غذا خوردم و بسم الله گفتم و غذا مرا اذیت کرد. حضرت فرمود: شاید چند نوع غذا خورده ای و بر برخی بسم الله گفته و بر برخی نگفته ای».<sup>(۲)</sup>

۵. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: هرگاه غذا بخورم مرا اذیت می کند. امام فرمود: «مگر بسم الله نمی گویی؟» عرض کرد: آری می گویم، ولی باز غذا آزارم می دهد. امام فرمود: «پس از آنکه در وسط غذا سخن می گویی، بسم الله را تکرار می کنی؟» عرض کرد: نه. امام فرمود: «علت ناراحتی تو همین است؛ هرگاه سخنان تمام شد دوباره بسم الله بگو و به خوردن ادامه بده».<sup>(۳)</sup>

### آثار دعا خواندن هنگام غذا خوردن

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که این دعا را هنگام خوردن غذا بخواند، ضمانت می کنم که آن غذا آسیبی به او نرساند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلْکَ بِاَسْمِکَ خَیْرِ الْاَسْمَاءِ مِلا الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ، الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَهُ دَءٌ».<sup>(۴)</sup>

۲. در حدیث است که کسی از ضعف معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد.

۱- محاسن، ص ۴۳۵، ح ۲۷۳؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۵۹، ح ۱۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.

۳- محاسن، ص ۴۳۸، ح ۲۸۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۵۹، ح ۱۹.

۴- ترجمه: «بار خدایا، از تو به بهترین نام های تو که زمین و آسمان را پر کرده و به بخشنده گی و مهربانی ات که با آن هیچ دردی زیان نمی رساند، تو را مسئلت می کنم». محاسن، ص ۴۳۸، ح ۲۸۹.

حضرت فرمود: «هر گاه از غذا خوردن فارغ شدی، دست بر شکم بکش و این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ هِنِّئِنِيهِ، اللَّهُمَّ سَوِّغْنِيهِ، اللَّهُمَّ امْرَأْنِيهِ». (۱)

### دعای سفره حضرت رسول صلی الله علیه و آله وائمه اطهار علیهم السلام

۱. در روایتی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از خوردن غذا می فرمود: «اللَّهُمَّ أَكْثَرْتَ وَأَطْبَتَ وَبَارَكْتَ مَا شَبِعْتُ وَأَرْوَيْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ». (۲)

۲. در روایتی آمده است که هر گاه سفره را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می گستراندند چنین دعا می کرد: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا تَبْتَلِينَا سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعْطِينَا، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعَافِينَا. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيْنَا وَعَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ». (۳)

۳. در روایتی معتبر آمده است که امام سجّاد علیه السلام غذا خوردن را با این دعا

آغاز می کرد: «اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ، فَبَارِكْ لَنَا فِيهِ وَسَوِّغْنَا وَارْزُقْنَا خَلْفًا إِذَا أَكَلْنَاهُ وَرُبَّ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِ رَزَقَتْ فَاحْسَنْتَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا

مِنَ الشَّاكِرِينَ». (۴) و پس از غذا خوردن می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَمَلْنَا فِي الْبَرِّ

وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا». (۵)

۱- ترجمه: «بار خدایا، آن را بر من گوارا و کامل و خوش گردان». محاسن، ص ۴۳۹، ح ۲۹۱.

۲- ترجمه: «بار خدایا، افزودی و پاکیزه گرداندی و برکت دادی آن چنان که سیر و سیراب شدم. سپاس ویژه خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص ۴۳۶، ح ۲۷۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۵.

۳- ترجمه: «بار خدایا، تو منزهی، چه نیک ما را می آزمایی، منزهی تو چه بسیار به ما عطا می کنی، منزهی تو چه بسیار از ما درمی گذری. بار خدایا، بر ما و بر نیازمندان از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات و سعتو گشایش ده». کافی، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۲.

۴- ترجمه: «بار خدایا، این (غذا) از تو و از فضل و بخشش تو است، پس برای ما در آن برکت ده و کامل گردان چون آن را خوردیم به جای آن به ما روزی ده و چه بسیار نیازمندان که به آنها روزی دادی و نیکی کردی. بار خدایا، ما را از شکر گزاران قرار ده». محاسن، ص ۴۳۳، ح ۲۶۳؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۲.

۵- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که ما را در خشکی و دریا بر مرکب سوار کرد و از چیزهای پاکیزه ما روزی داد و ما را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشید».



۴. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام پس از غذا خوردن چنین دعا می کرد: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْبَعَنَا فِي جَائِعِينَ وَأَزْوَانًا فِي ظَامِئِينَ وَأَوَانًا فِي ضَاحِينَ وَحَمَلْنَا فِي رَاجِلِينَ وَأَمَّنَّا فِي خَائِفِينَ وَأَخَذَنَا فِي عَانِينَ». (۱)

۵. در روایتی معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام پس از غذا خوردن چنین دعا می کرد: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَيْدَنَا وَأَوَانًا وَأَنْعَمَ عَلَيْنَا وَأَفْضَلَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ». (۲)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در ابتدای خوردن غذا نام خدا را ببرید و پس غذا خوردن بگویید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ». (۳)

۷. در روایتی معتبر آمده است که امام محمدباقر علیه السلام بعد از خوردن غذا چنین دعا می کرد: اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». (۴)

۸. در روایتی معتبر آمده است که زراره می گوید با امام صادق علیه السلام

غذا می خوردم و حضرت جمله الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي أَشْتَهِيهِ را بسیار تکرار می کرد. (۵)

۱- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را در میان گرسنگان سیر کرد و در میان تشنگان سیراب گردانید و در میان گرفتاران پناه داد و در میان پیادگان سوار کرد و در میان خائفان امتیّت داد و در میان ضعیفان و زحمتکشان کمک کار برای ما قرار داد». محاسن، ص ۴۳۶، ح ۲۸۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۵، ح ۱۲.

۲- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به ما آب و غذا داد و ما را کفایت و تأیید نمود و ما را مأوی داد و نعمت بخشید و تفضّل کرد. حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص ۴۳۵، ح ۲۷۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۳.

۳- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص ۴۳۴، ح ۲۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۳.

۴- ترجمه: «بار خدایا، طعامی که تناول کردیم از سوی تو و به واسطه محمد رسول تو است. بار خدایا، حمد و ثنا مخصوص تو است، بر محمد و آل محمد درود بفرست». کافی، ج ۶، ص ۲۹۶، ح ۲۲.

۵- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که میل به چنین غذایی را در من ایجاد کرد». محاسن، ص ۴۳۷، ح ۲۸۳؛ کافی، ج ۶، ص ۲۵۹، ح ۱۲.

## آداب پس از غذا خوردن

### غذاهای ریخته شده اطراف سفره

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «غذایی را که از سفره بیرون می افتد بخورید که خوردن آن به اذن خدا شفای هر دردی است». (۱) (البته با حفظ نظافت آن، این نهایت صرفه جویی در مواد غذایی است به

عکس این همه مواد غذایی که امروز به زباله دان ها ریخته می شود).

۲. در حدیث است که کسی از درد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آنچه را که از سفره بر زمین می افتد بخور». او به فرمایش امام عمل کرد و ناراحتی اش از بین رفت. (۲)

۳. در حدیث است که معاویه بن وهب می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام غذا خوردیم و چون سفره را جمع کردند، حضرت آنچه را که از سفره بر روی زمین ریخته بود برمی داشت و تناول می کرد، سپس فرمود: «خوردن اینها فقر و ناداری را برطرف می کند و بر فرزندان می افزاید». (۳)

۴. در حدیث است که عبدالله ارجایی می گوید در خدمت امام صادق علیه السلام بودم دیدم آن حضرت جست و جو می کند تا آنچه را که از غذا بر روی زمین افتاده بردارد و بخورد، حتی کنجد و امثال آن. عرض کردم: فدایت شوم اینها را هم برمی دارید؟ فرمود: «اینها روزی تو است، آن را برای دیگری وانگذار که شفای دردهاست». (۴)

۵. در روایتی دیگر، اثر این کار برطرف شدن فقر از خورنده آن و فرزندان او تا هفت نسل بیان شده است. (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۹۹، باب أكل ما يسقط عن الخوان، ح ۱.

۲- محاسن، ص ۴۴۴، ح ۳۲۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۰، ح ۵.

۳- محاسن، ص ۴۴۴، ح ۳۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۰، ح ۴.

۴- محاسن، ص ۴۴۴، ح ۳۲۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۱، ح ۹.

۵- محاسن، ص ۴۴۵، ح ۳۲۹؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۵.

۶. در حدیثی دیگر آمده است: «هر که غذای اطراف سفره را بخورد از دیوانگی، خوره، پیسی، زردآب و حماقت مصون می ماند». (۱)

۷. در روایات معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آنچه از سفره می ریزد مهر حورالعین است». (۲)

۸. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «هرگاه در خانه غذا می خورید و چیزی از غذا بیرون سفره می ریزد آن را بردارید و بخورید، اما اگر در صحرا باشید آن را برای پرندگان و حیوانات رها کنید». (۳)

۹. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر در صحرا باشید بردارید، هر چند ران گوسفند باشد». (۴)

### حرمت نان و آثار کفران نعمت

عَلَمَاهُ مَجْلِسِی در اینجا روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده است که غذاهایی را که از سفره بیرون می افتد (هرگاه آلوده نباشد و قابل خوردن باشد) بردارند و تناول کنند و برای آن آثار و فواید بسیاری ذکر شده است. ولی اگر در بیابان باشد برای پرندگان و حیوانات باقی بگذارد. همچنین در مورد غذاهایی که بر اثر سهل انگاری بر روی زمین افتاده، روایات فراوانی ذکر کرده است که باید آن را برداشت و پس از تمیز کردن، تناول کرد و این نشان می دهد که اسلام در مورد استفاده کردن از مواد غذایی و اسراف نکردن، اهمّیت بسیاری قائل است.

۱- دعوات راوندی، ص ۱۳۸، ح ۳۴۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۶.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴، ح ۶۸.

۳- محاسن، ص ۴۴۵، ح ۳۲۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۰، ح ۸.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۵، ح ۱۰۵۴.

## خوابیدن بعد از غذا

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «پس از غذا بر پشت بخواب و پایی راست را بر روی پای چپ بگذار.» (۱)

## ترک خدمت کردن به احترام غذا

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام به خادمان خود، یاسر و نادر، فرمود: «اگر به هنگام غذا خوردن من بالای سرتان ایستاده باشم، تا پایان غذا خوردن برنخیزید» و بسیار اتفاق می افتاد که یکی از ما را صدا می زد، وقتی

گفته می شد مشغول خوردن غذاست، می فرمود: «رهاش کنید تا غذایش

را بخورد.» (۲)

۲. در روایتی دیگر، همان دو خادم امام رضا علیه السلام گویند: سیره امام رضا علیه السلام این بود که هرگاه یکی از ما مشغول غذا خوردن بودیم دستوری به ما نمی داد تا غذایمان را کامل بخوریم. (۳)

## در فضیلت برخی غذاها

### مواد غذایی

#### نان

۱. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نان را گرامی بدارید که برای آماده شدن آن، فرشتگان پروردگار از عرش تا زمین و همچنین بسیاری از اهل زمین تلاش کرده اند. سپس فرمود: روزی حضرت دانیال نزد

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۹۹، ح ۲۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۱۰.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۱۱.

ناخدای کشتی ای رفت ونانی به او داد تا وی را از آب بگذرانند. کشتی بان نان را به دور انداخت و گفت: این نان را چه کنم؟ نزد ما آن قدر نان فراوان است که در زیر دست و پای مردم افتاده و مردم بر آن پا می نهند. حضرت دانیال دست به آسمان برد و عرض کرد: «پروردگارا، تو آگاهی این بنده ات با نان چه کرد و در مورد آن چه گفت. خدایا، نان را گرامی دار». خداوند به آسمان دستور داد که بر آن مردم باران نبارد و بر زمین وحی کرد که برای آنها گیاهی نرویانند (بر اثر قطع برکات آسمان و زمین) کار آن مردم به جایی رسید که از گرسنگی گوشت مردگانشان را می خوردند. هنگامی که حضرت دانیال علیه السلام از این مطلب باخبر شد دست به سوی آسمان برد و عرض کرد: «پروردگارا، فضل و رحمت و برکات خود را بر این مردم بازگردان و اطفال و بیگناهانشان را به گناه کشتی بان مجازات نکن». خداوند متعال دعای پیامبرش را اجابت کرد. به آسمان دستور باریدن و به زمین فرمان روییدن داد و حتی دستور جبران گذشته را صادر کرد و فرمود: بر این قوم و اطفال صغیر آنها رحم کردم». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان را گرامی بدارید». پرسیدند: گرامی داشتن نان چگونه است؟ فرمود: «چون نان بر سر سفره حاضر شد بخورید و منتظر غذای دیگری نباشید». (۲)

۳. در حدیثی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوندا، نان ما را پربرکت کن و میان ما و نان جدایی نینداز که اگر نان نباشد نمی توانیم نماز بخوانیم و روزه بگیریم و دیگر فرائض خدا را به جا آوریم». (۳)

۴. و در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه بر سر سفره نان و گوشت حاضر شود،

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۰۲، ح ۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۸۷، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴.

ابتدا نان بخورید تا گرسنگی شما برطرف گردد، سپس گوشت بخورید». (۱)

۵. در روایتی صحیح و معتبر آمده که امام رضا علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اندازه نان ها را کوچک بگیرید که با هر قطعه نانی برکتی است». (۲)

۶. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «نان را زیر کاسه نگذارید». (۳)

۷. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «نان را به روش درندگان بو نکنید که نان مبارک است. به کمک آن نماز می خوانید و روزه می گیرید و حج خانه خدا به جا می آورید». (۴)

۸. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان را با کارد نبرید، بلکه آن را با دست تکه کنید» (مگر در مواردی که نبریدن نان، موجب اسراف و دور ریختن قسمت هایی از آن شود). (۵)

## نان جو

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که در مورد نان جو فرمود: «فضیلت نان جو بر نان گندم، مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم است. و هیچ پیامبری نیست مگر اینکه برای خورنده نان جو و آش جو دعا کرده و خداوند بر آن برکت فرستاده است. و وارد شکم هر که شود، دردهای درون و جودش را بیرون می کند. نان جو غذای پیامبران و طعام نیکان است. خداوند غذای پیامبرانش را نان جو قرار داده است». (۶)

۱- الجعفریات، ص ۱۶۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۸.

۳- محاسن، ص ۵۸۹، ح ۹۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۳ و ۴ و ص ۳۰۴، ح ۱۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۶.

۵- محاسن، ص ۵۸۹، ح ۹۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۴، ح ۱۳ و ۱۴.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۰۴، باب خبز الشعیر، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴.

۲. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوراک حضرت رسول صلی الله علیه و آله هماره نان جو بود تا از دنیا رفت». (۱)

### نان برنجی

۱. و در حدیثی دیگر فرمود: «نان برنجی برای مبتلایان به اسهال و سل مفید است. نان برنجی دردها را از بدن می کشد». (۲)
۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای مبتلایان به بیماری سل، چیزی نافع تر و مفیدتر از نان برنجی نیست». (۳)

### سویق یا آرد تافته شده

۱. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «سویق (آرد تافته شده) غذای نیکویی است. گرسنه را سیر و غذا را هضم می کند». (۴)
۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سویق به وحی الهی ساخته شده است. گوشت بدن را می رویاند، استخوان را محکم می کند و خوراک پیامبران است. و اگر مبتلایان به بلغم و صفرا، صبح ناشتا سه کف از سویق خشک بخورند بلغم و صفرای آنها برطرف می شود».

سپس در مورد قاووت (۵) فرمود: «قاووت خشک، پیسی را برطرف می کند

و اگر همراه با روغن زیتون خورده شود، گوشت بدن را می رویاند و استخوان را

---

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۹.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، باب خبز الارز، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، باب خبز الارز، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، باب الأسوقه، ح ۱.

۵- «قاووت» یا «قاوت» واژه ای است ترکی، به معنای آرد نخود که با قهوه و شکر، یا قند کوبیده و مخلوط می کنند و بیشتر آن را در سوگواری ها می خورند (فرهنگ عمید).

محکم و پوست را لطیف و نازک و قدرت آمیزش را زیاد می کند». (۱)

۳. در سخنی دیگر فرمود: «سویق هفتاد بلا را از بین می برد و هر که چهل صبح آن را بخورد بازوانش پر قدرت خواهد شد».

(۲)

۴. و در گفتاری دیگر فرمود: «سویق عطش تشنگی را زایل و معده را پر قدرت و پاک می کند و صفرا را فرو می نشاند و هیجان خون و حرارت را برطرف کرده و درمان هفتاد درد است». (۳)

۵. در روایتی صحیح آمده است که امام محمد تقی علیه السلام فرمود: «زنی که خون عادت ماهیانه اش قطع نمی شود سویق بخورد تا خون قطع گردد». (۴)

## گوشت و انواع آن

### اشاره

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین غذاها در دنیا و آخرت گوشت (مخصوصاً گوشت سفید) است. مگر نشینده ای که خداوند در وصف بهشت فرماید: *وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ*؛ و گوشت پرنده از هر نوع که بخواهند». (۵)

۲. در روایتی دیگر آمده است که عبدالاعلی و مسمع به امام صادق علیه السلام عرض کردند: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که خداوند دشمن می دارد خانه ای را که پر از گوشت است! حضرت فرمود: «روایت صحیح است، ولی معنای آن این نیست که فهمیده اند، بلکه منظور حضرت این است که خداوند دشمن می دارد خانه ای که گوشت مردم را به سبب غیبت کردن بخورند». (۶)

۱- محاسن، ص ۴۸۸، ح ۵۵۵، ۵۵۷ و ۵۵۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، باب الاسوقه، ح ۲ الی ۴؛ ص ۳۰۶، ح ۶-۸.

۲- محاسن، ص ۴۸۹، ح ۵۶۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۱۱ و ۱۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳.

۵- سوره واقعه، آیه ۲۱. محاسن، ص ۴۶۰، ح ۴۰۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۱.

۶- محاسن، ص ۴۶۰، ح ۴۱۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۵.



۳. و در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسیار گوشت می خورد و آن را بسی دوست می داشت». (۱)

۴. و نیز در روایتی فرمود: «پدرم گوشت را بسیار دوست داشت و روزی که از دنیا رفت، سی درهم برای خریدن گوشت جدا کرده بود». (۲)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ما قریشیان، گوشت را دوست می داریم». (۳)

۶. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خوردن گوشت موجب رویش گوشت در بدن می شود و هر که چهل روز گوشت نخورد بد اخلاق می شود و هر که بد اخلاق شود باید در گوشش اذان بگویند». (۴)

۷. در روایتی دیگر فرمود: «هر که چهل روز بر او بگذرد و گوشت نخورد، بر خدا توکل کند و قرض بگیرد و گوشت بخورد که قرضش ادا می شود». (۵)

### گوشت گوسفند

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که کسی خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد: اهل خانه ما گوشت گوسفند نمی خورند زیرا معتقدند سودا را به حرکت درمی آورد و بر اثر آن، سردرد و دردهای دیگری تولید می شود. حضرت فرمود: «اگر گوشتی بهتر از گوشت گوسفند وجود داشت، خداوند فدای اسماعیل را گوسفند قرار نمی داد». (۶)

۱- محاسن، ص ۴۶۱، ح ۴۱۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۷.

۲- محاسن، ص ۴۶۱، ح ۴۱۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۸.

۳- محاسن، ص ۴۶۱، ح ۴۱۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۹.

۴- محاسن، ص ۴۶۵، ح ۴۳۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۹.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۹.

۲. در احادیث فراوانی آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله گوشت دست و کتف گوسفند را دوست می داشت و از گوشت ران گوسفند کراهت داشت، زیرا نزدیک محل بول گوسفند است. (۱)

۳. در چندین روایت آمده است که: حضرت آدم علیه السلام گوسفندی برای پیامبران از فرزندان خود قربانی کرد. هر عضوی از گوسفند را به پیامبری اختصاص داد و دست آن را برای پیامبر آخر الزمان برگزید. بدین علت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله دست گوسفند را دوست می داشت و بر دیگر اعضای آن ترجیح می داد. (۲)

### گوشت گاو و گاو میش

۱. از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بنی اسرائیل از بیماری پیسی که در میان آنها شایع شده بود به حضرت موسی علیه السلام شکایت کردند. خداوند به پیامبرش وحی کرد که به آنها دستور بده گوشت گاو را با چغندر بخورند». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آبگوشت گاو پیسی را از بین می برد. (۴) و شیر گاو دوا و روغن گاو شفا و گوشت گاو درد است» (شاید

منظور، زیاده روی در خوردن گوشت گاو است). (۵)

۳. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن گوشت و شیر و روغن به دست آمده از گاو میش اشکالی ندارد». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۳.

۲- محاسن، ص ۴۷۰، ح ۴۵۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۱۰، باب لحم البقر، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۰.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۰.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۹.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۱۳، باب لحوم الجوامیس، ح ۱.

**گوشت کبوتر، دزاج و کبک**

۱. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چرا از کبوتری که تازه به دنیا آمده باشد و فرد خوش سلیقه ای آن را خوب تربیت کرده باشد استفاده نمی کنید». (۱)

۲. در احادیث معتبر آمده است: «هر که می خواهد خشمش کم و اندوهش زایل شود، گوشت دزاج بخورد». (۲)

۳. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت کبک، ساق پا را قوی و تب را از انسان دور می کند». (۳)

**گوشت اسفرو، هوبره و گورخر**

۱. در روایتی صحیح می خوانیم که امام محمد تقی علیه السلام فرمود: «گوشت اسفرو (۴) مبارک است و پدرم آن را دوست می داشت و می فرمود: برای هر که

زردی دارد بریان کنید و به او بخورانید». (۵)

۲. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن گوشت هوبره (۶) اشکال ندارد و برای درمان بواسیر و درد پشت سودمند است و بر قدرت

آمیزش می افزاید». (۷)

۱- محاسن، ص ۴۷۴، ح ۴۷۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۴- «اسْفِرُود» پرنده ای است کوچک و سیاه‌رنگ که آن را سنگ‌خوار هم می گویند، به عربی «قطاه» گفته می شود (فرهنگ عمید).

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۶- «هُوبَر» پرنده ای است وحشی و حلال گوشت، بزرگ تر از مرغ خانگی، دارای گردن دراز و بال های زرد رنگ‌خالداری که در عربی به آن «جباری» گویند و در بلاهت به آن مثل می زنند. در فارسی ابره، تودره، جرز، چرز، و مجرد هم گفته شده و آن را برای گوشتش شکار می کنند (فرهنگ عمید).

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۳. در حدیث است که از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد گوشت گورخر پرسیدند. حضرت فرمود: «چون وحشی است [\(۱\)](#) خوردن آن جایز، ولی نخوردنش بهتر است». [\(۲\)](#)

### گوشت خام

۱. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوردن گوشت خام نهی کرد و فرمود: «این، کار حیوانات درنده است و تا با آفتاب یا آتش پخته نشده، نباید آن را خورد». [\(۳\)](#)

۲. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: خوردن گوشت خام چه حکمی دارد؟ فرمود: «غذای درندگان است». [\(۴\)](#)

### گوشت خشک

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز خوردنی نیست، ولی انسان را فربه می کند: پوشیدن پیراهن کتان، استعمال بوی خوش، استفاده از نوره برای ازاله موهای زاید بدن. و سه چیز خوردنی است، ولی انسان را لاغر می کند: گوشت خشک، پنیر، شکوفه خرما. و دو چیز است که به همه چیز نفع می رساند و به هیچ چیز ضرر نمی زند: آب نیم گرم و انار». [\(۵\)](#)

۲. در روایات بسیاری از گوشت قدید که در سایه خشک کرده باشند نهی شده، چرا که دردها را به حرکت درآورده و معده را سست می کند. [\(۶\)](#) هر چند در

۱- یعنی مانند الاغ اهلی نیست که گوشت آن مکروه باشد.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۲.

۵- محاسن، ص ۴۶۳، ح ۴۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۷.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۳ و ۴.

برخی روایات خوردن آن جایز شمرده شده است. (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز بدن انسان را فاسد کرده و بسا موجب مرگ انسان شود: خوردن گوشت قدید بدبو، حمام رفتن با شکم پر و آمیزش با زنان پیر». (۲)

### گوشت ماهی و مرغ

۱. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت ماهی بخورید که اگر بدون نان خورده شود کافی است و اگر با نان بخورید گواراست». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «ماهی تازه چربی بدن را آب می کند». (۴)

۳. در حدیث است که کسی به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت: اگر حجامت کنم صفرا به هیجان می آید و اگر آن را ترک کنم خون بدن آزارم می دهد چه کنم؟ فرمود: «حجامت کن و پس از آن ماهی تازه که با آب و نمک کباب کرده باشند بخور». او به دستور امام عمل کرد و همواره در عافیت و تندرستی بود. (۵)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که هر شب ماهی بخورد و پس از آن خرما یا عسل نخورد، رگ فالج در بدنش تا صبح متحرک است». (۶)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر گاه ماهی تناول می کرد، می فرمود: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَأَبْدِلْنَا بِهِ خَيْرَ آمِنَةٍ». (۷)

۱- محاسن، ص ۴۶۳، ح ۴۲۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۱ و ۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۰.

۳- محاسن، ص ۴۷۵، ح ۴۷۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۴.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۲۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۵.

۶- محاسن، ص ۴۷۷، ح ۴۹۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۱.

۷- ترجمه: «پروردگارا، برکات را در این طعام (ماهی) بر ما نازل فرما و بهتر از آن به ما عنایت کن». کافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح

۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۲.

۶. در حدیث است که عبدالاعلی می گوید: روزی خدمت حضرت صادق علیه السلام غذا می خوردم، مرغی آوردند که شکمش را از خرما و روغن پر کرده بودند. (۱)

## غذاهای گوشتی

### شیر گوشت و آبگوشت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشتی که با شیر پخته باشند آبگوشت پیامبران است». (۲)
۲. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه ضعف بر مسلمانی غلبه کند، گوشت را با شیر بپزد و بخورد». (۳)
۳. پیامبری از ضعف و سستی بدنش به خداوند متعال شکایت کرد، به او وحی رسید که: «گوشت را با شیر طبخ کن و بخور که بدن را قوی می کند». (۴)
۴. آبگوشتی که نان در آن ترید کنند در روایات بسیاری ستوده شده است. (۵)

### کباب و خوراک کله

۱. احادیث معتبر بسیاری در مدح کباب آمده است که ضعف را زایل و رنگ بدن را سرخ می کند و تب را از بین می برد. (۶)
۲. در روایتی معتبر آمده است که روزی اصبع بن نباته خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید. گوشت بریانی نزد آن حضرت نهاده بودند. فرمود:

- ۱- محاسن، ص ۴۰۸، ح ۱۲۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۱، باب الحلواء، ح ۱.
- ۲- محاسن، ص ۴۶۸، ح ۴۴۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۱ و ۳.
- ۳- محاسن، ص ۴۶۷، ح ۴۴۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۲.
- ۴- کافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۹.
- ۵- کافی، ج ۶، ص ۳۱۷، ح ۳ و ۴ و ۵ و ۳۱۸، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۴.
- ۶- کافی، ج ۶، ص ۳۱۸، ح ۲، ص ۳۱۹، ح ۳ و ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۴.

«نزدیک بیا واز این گوشت بخور». عرض کرد: یا امیرالمؤمنین برای من ضرر دارد. حضرت فرمود: «دعایی به تو تعلیم می‌دهم که اگر آن دعا را بخوانی هیچ چیز به تو ضرر نمی‌رساند. بگو: بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مِلَأِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ».<sup>(۱)</sup>

۳. مدح کله نیز در احادیث وارد شده، چرا که محلّ تذکيه و قربانی است واز همه اعضای بدن حیوان به چراگاه نزدیک تر واز کثافات دورتر است.<sup>(۲)</sup>

## غذاهای غیر گوشتی

### آش انار و حلیم

۱. در روایتی معتبر آمده است که: محبوب ترین غذاها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، آش انار بود.<sup>(۳)</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حلیم بخورید که تا چهل روز قوّت و قدرت بر عبادت می‌دهد واز جمله غذاهایی است که خداوند جهانیان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرو فرستاد».<sup>(۴)</sup>
۳. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یکی از پیامبران از ضعف قدرت آمیزش به خداوند شکایت کرد. خداوند برای برطرف شدن این مشکل، به وی سفارش کرد حلیم بخورد».<sup>(۵)</sup>

- ۱- ترجمه: «به نام خدایی که نامش بهترین نامهاست؛ به اندازه ظرفیت زمین و آسمان. (خدای) بخشندهمهربانی که با نام او هیچ درد و چیز دیگری به انسان زیان نمی‌رساند». محاسن، ص ۴۶۹، ح ۴۵۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۸، ح ۱.
- ۲- کافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۳.
- ۳- محاسن، ص ۴۰۱، ح ۹۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۵.
- ۴- محاسن، ص ۴۰۴، ح ۸۰۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۱.
- ۵- محاسن، ص ۴۰۳، ح ۱۰۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۲.

**مثلثه و حلوا و پالوده**

۱. «مثلثه» غذایی است که از یک پیمانۀ برنج و یک پیمانۀ نخود و یک پیمانۀ باقلا تهیه می شود؛ به این ترتیب که این هر سه را می کوبند و سپس می پزند و گاه به جای باقلا، دانه دیگری می نهادهند؛ چنین غذایی در روایات اسلامی مدح شده است. (۱)

۲. در حدیث است که هارون بن موفق می گوید: روزی امام موسی بن جعفر علیهما السلام مرا فراخواند تا در خدمتش غذا بخورم. حلوی فراوانی آورده بودند. گفتم: چقدر حلوا! حضرت فرمود: «ما و شیعیان ما از شیرینی آفریده شده ایم، لذا حلوا را دوست داریم». (۲)

۳. «تلین» نیز در روایات ستوده شده است و آن حلوی رومی است که از آرد و شیر و عسل ساخته می شود. (۳)

۴. در حدیث است که یونس بن یعقوب می گوید: ما در مدینه سکونت داشتیم. حضرت صادق علیه السلام کسی را نزد ما فرستاد که برای حضرتش پالوده درست کنیم و فرمود: «مقدار کمی بفرستید». ما ظرفی کوچک درست کردیم و برای حضرت فرستادیم. (۴)

**تخم مرغ**

۱. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تخم (مرغ) سبک است و خواص گوشت را دارد و ضررهای آن را ندارد». (۵)

- 
- ۱- کافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۳.
  - ۲- محاسن، ص ۴۰۸، ح ۱۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۱.
  - ۳- محاسن، ص ۴۰۵، ح ۱۱۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۲.
  - ۴- محاسن، ص ۴۰۸، ح ۸۳۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۴.
  - ۵- محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۱۲ و ۵۱۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۱.



۲. کسی به امام رضا علیه السلام از کمی فرزند شکایت کرد. حضرت فرمود: «استغفار کن و تخم مرغ را با پیاز بخور». (۱)
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبری از پیامبران الهی از کمی فرزند به خدا شکایت کرد. به او وحی رسید که تخم (مرغ) با گوشت بخور». (۲)
۴. در سخنی دیگر فرمود: «زرده تخم (مرغ) سبک و سفیده اش سنگین است». (۳)
۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد تخم مرغ خوردن، فرزند را زیاد می کند». (۴)

## لبنیات

### شیر

۱. کسی به امام باقر علیه السلام از ضعف بدن شکایت کرد. حضرت فرمود: «شیر بخور که گوشت را می رویاند و استخوان را محکم می کند». (۵)
۲. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صاحب فرزند نمی شود شیر با عسل بخورد». (۶)
۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر خوراک پیامبران است». (۷)
۴. کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: با خوردن شیر اذیت شدم.

- 
- ۱- محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۰۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۲.
  - ۲- محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۰۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۳.
  - ۳- محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۱۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۵.
  - ۴- محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۱۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۴.
  - ۵- محاسن، ص ۴۹۲، ح ۵۸۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۷.
  - ۶- محاسن، ص ۴۹۲، ح ۵۸۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۸.
  - ۷- محاسن، ص ۴۹۱، ح ۵۷۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۶.

حضرت فرمود: «شیر آسیبی به بدن انسان نمی رساند، (شاید) با شیر چیز دیگری خورده ای که آن باعث آزار تو شده است».

(۱)

### شیر گاو و شتر

۱. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از شیر گاو استفاده کنید که از همه درختان تغذیه می کند و خاصیت همه گیاهان در شیر آن هست».

(۲)

۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر گاو دواست».

(۳)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «شیر گاو برای ناراحتی های معده مفید است».

(۴)

۴. از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر شتر شفای همه دردهاست».

(۵)

۵. در حدیثی آمده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر می خورد می فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا وَزِدْنَا مِنْهُ».

(۶)

### ماست و پنیر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد ماست به او آسیبی نرساند آن را با زنیان (۷) تناول کند».

(۸)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳.

۲- محاسن، ص ۴۹۳، ح ۵۸۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۲.

۵- محاسن، ص ۴۹۳، ح ۵۸۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۸، ح ۲.

۶- ترجمه: «خدایا، آنچه را آشامیدیم بر ما مبارک گردان و از آن نعمت بر ما بیفزا». محاسن، ص ۴۹۱، ح ۵۷۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۱.

۷- «زنیان» تخمی است زرد رنگ و خوشبو و طعم آن اندکی تند و تلخ است. گاه آن را روی نان می ریزند. جوانی، نانخواه، زنیان، زنیان و ساسم هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۸- کافی، ج ۶، ص ۳۳۸، باب الماست، ح ۱.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنیر را دوست می دارم». (۱)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خوردن پنیر به هنگام صبح مضرّ است، اما در شب نافع و سودمند است و موجب تولّد فرزند می شود». (۲)

۴. در چندین حدیث آمده که: اگر پنیر و مغز گردو را با هم بخورید دواست، ولی هر یک به تنهایی درد است. (۳)

## دیگر موادّ غذایی

### سرکه

۱. روایات بسیاری در مدح سرکه وارد شده (۴)، از جمله این که: سرکه خوراک

پیامبران است. و روایت شده است که: بهترین نان خورش ها برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سرکه بود؛ به همین علت فرمود: «خانه ای که در آن سرکه باشد خالی از نان خورش نیست». (۵)

۲. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه نان خورش نیکویی است، صفرا را فرو می نشاند و دل را زنده می کند». (۶)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه ای که از شراب درست شده (یعنی شراب به سرکه تبدیل شده) باشد، کرم معده را می کشد و ریشه دندان را محکم و عقل را قوی و شهوت را قطع می کند». (۷)

۱- محاسن، ص ۴۹۵، ح ۵۹۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۹، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۴۰، باب الجبن وَالْجوز، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۱ - ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹.

۶- محاسن، ص ۴۸۶، ح ۵۴۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۷.

۷- انگور معمولاً نخست تبدیل به شراب و پس از مدّتی تبدیل به سرکه می شود. محاسن، ص ۴۸۷، ح ۵۵۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹.

۴. و در حدیثی دیگر فرمود: «بنی اسرائیل در ابتدا وانتهای غذای خود سرکه می خوردند و ما در اول غذا مقداری نمک و در آخر آن سرکه می خوریم» (۱).

### روغن زیتون

۱. در احادیث بسیار، خوردن روغن زیتون و مالیدن آن بر بدن سفارش

شده است. (۲)

۲. در روایتی آمده است که: «زیتون نان خورش پیامبران و برگزیدگان است». (۳)

۳. مدح و ستایش میوه زیتون نیز در روایات بسیاری وارد شده است که میوه زیتون بادهای بدن را بیرون می کند. (۴)

### روغن گاو و عسل

۱. در مدح روغن، به خصوص روغن گاو، احادیث بسیار است ولی برای بزرگسالان بالای پنجاه سال منع شده است. (۵)

۲. و نقل شده است که روغن گاو شفاست. (۶)

۳. به چند سند از ائمه طاهرين عليهم السلام روایت شده است که فرمودند: «هیچ چیز مانند عسل شفا بخش نیست. عسل شفای هر دردی است. خوردن عسل و تلاوت قرآن و جویدن گندر، بلغم را می گدازد». (۷)

---

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۱۲.

۲- محاسن، ص ۴۸۴، ح ۵۳۱، و ص ۴۸۵، ح ۵۳۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۴، ص ۳۳۲، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱.

۴- محاسن، ص ۴۸۳، ح ۵۲۶ و ص ۴۸۴، ح ۵۲۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۵.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۴.

۶- محاسن، ص ۴۹۸، ح ۶۰۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۱.

۷- محاسن، ص ۴۹۸، ح ۶۱۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۲.

**شکر و گردو**

احادیث فراوانی در مدح و وصف شکر وارد شده است. (۱) منظور از شکر هر چیزی است که از شکر درست کنند مانند قند، نبات، نقل و جز اینها (البته شکر در زمان قدیم به صورتی سالم تر از امروز تهیه می شد).

۱. روایت شده است که امام کاظم علیه السلام هنگام خواب، شکر تناول می فرمود. (۲)

۲. و در روایت آمده است که شکر برای هر چیزی سودمند است و بلغم را برطرف می کند. (۳)

۳. در حدیث آمده است که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و جز آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر خریداری کند، اسرافکار شمرده نمی شود. (۴)

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مغز گردو در تابستان، حرارت درونی انسان را به حرکت درآورده و باعث ایجاد دمل می شود و در زمستان، کلیه ها را گرم و سرما را از بین می برد». (۵)

**دعای پس از خوردن و آشامیدن**

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از هر خوردن و نوشیدنی به پیشگاه خدا عرض می کرد: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا وَابْدِلْنَا خَيْرًا مِنْهُ». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۲ و ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۷.

۲- محاسن، ص ۵۰۱، ح ۶۲۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۲، باب السكر، ح ۱.

۳- محاسن، ص ۵۰۱، ح ۶۲۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۴، ص ۳۳۴، ح ۱۰.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۳۴، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸.

۵- محاسن، ص ۴۹۷، ح ۶۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۱.

۶- ترجمه: «خداوندا، آنچه را خوردیم بر ما مبارک گردان و بهتر از آن را به ما عطا فرما». محاسن، ص ۴۹۱، ح ۵۷۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۱.

## سبزی ها و میوه ها و دیگر خوراکی ها

## سبزی ها

## اشاره

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگز غذایی نزد حضرت علی علیه السلام ننهادند مگر اینکه سبزی خوردن در کنار آن بود». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «دل های مؤمنان سبز است و به سبزی علاقه مند». (۲)

## کاسنی

۱. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معده اش باشد، آن شب از قولنج در امان است». (۳)

۲. نیز در سخنی فرمود: «کسی که دوست دارد مال و فرزندش زیاد شود، برگ کاسنی زیاد بخورد». (۴)

۳. در گفتاری دیگر فرمود: «کاسنی سبزی نیکویی است. هیچ برگگی از کاسنی نیست مگر اینکه قطره ای از آب بهشت بر روی آن هست؛ پس، در هنگام خوردن آن را فشار ندهید که قطراتش بریزد». (۵)

۴. نیز در حدیثی فرمود: «کاسنی بهترین سبزی هاست. فرزندان را بسیار نیکو می کند و پسر می آورد». (۶)

۵. در گفته ای دیگر فرمود: «فضیلت کاسنی بر دیگر سبزی ها، مانند فضیلت ما بر سایر مخلوقات است». (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۶۲، باب البقول، ح ۲.

۲- محاسن، ص ۵۰۷، ح ۶۵۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۲، باب البقول، ح ۲.

۳- محاسن، ص ۵۰۹، ح ۶۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۲، باب ما جاء فی الهمدباء، ح ۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۷- محاسن، ص ۵۰۹، ح ۶۷۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۷.

۶. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کاسنی شفای همه دردهاست. هیچ دردی در بدن انسان نیست مگر اینکه کاسنی آن را از بیخ و بن قطع می کند». (۱)

۷. در حدیث است که حضرت رضا علیه السلام در مورد کسی که تب و سردرد داشت فرمود: «کاسنی را بکوبند و بر کاغذی پهن کنند و بر روی آن روغن بنفشه بریزند، سپس بر پیشانی اش بگذارند که تب و سردرد را قطع می کند». (۲)

## بادروج

۱. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کاسنی سبزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بادروج (۳) سبزی امیرالمؤمنین علیه السلام و برگ خرفه سبزی

حضرت فاطمه علیها السلام بوده است». (۴)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «کاسنی و بادروج از ماست». (۵)

۳. در مورد بادروج احادیث بسیاری وارد شده است که باید اول غذا خورده شود و «سُئِدَه» (۶) را باز می کند و بر اشتها می افزاید و سل را از بین می برد و آروغ را

خوشبو می کند و انسان را نسبت به خوره، ایمن می سازد و چون در شکم قرار گیرد همه دردها را برطرف می کند. (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۶۳ ادامه حدیث ۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۳- «بادروج» ریحان کوهی، نوعی ریحان، گیاهی است دارای برگ های ریز و گل های سرخ رنگ. به معنای گلستان افروز هم گفته اند. بادرویه و بورنگ و بوینگ هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۱۰.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۶۸.

۶- «سُئِدَه» در اصطلاح طب به چیزی گفته می شود که در روده گیر کرده و سدّ راه می شود (فرهنگ عمید).

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۳ و ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۹.

**تره**

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد کسی که طحالش دچار عارضه شده بود فرمود: «سه روز به او تره بخورانیید خوب می شود». به فرمایش امام عمل کردند و او بهبود یافت. (۱)

۲. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تره بخورید

که چهار خاصیت در آن است: بوی بد دهان را برطرف، بادهای بدن را

بیرون، بواسیر را قطع می کند و هر کس مداومت بر آن کند از خوره در امان خواهد بود». (۲)

۳. در روایت آمده است که: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تره را با نمک ساییده تناول می فرمود. (۳)

**تره تیزک (سبزی شاهی) و کرفس**

۱. در حدیث است که خادم امام کاظم علیه السلام می گوید: هرگاه حضرت دستور می داد سبزی بخیریم می فرمود تره تیزک هم بخیرید و می فرمود: «برخی مردم چقدر احمق اند که می گویند تره تیزک در کنار رودخانه جهنم می روید، در حالی که خداوند فرماید: آتش افروز جهنم، مردم و سنگ بت ها یا سنگ کبریت است (۴)،

پس چگونه ممکن است سبزی در جهنم بروید». (۵)

۲. در روایتی معتبر آمده، امام صادق علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آورده

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۲- محاسن، ص ۵۱۰، ح ۶۷۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۴.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۴- سوره بقره، آیه ۲۴؛ سوره تحریم، آیه ۶.

۵- برخی این روایت را حمل بر تقیّه کرده اند. محاسن، ص ۵۱۸، ح ۷۱۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۴.



است که فرمود: «کرفس بخورید که خوراک حضرت الیاس و یوشع بن نون: بوده است». (۱)

### گشنیز و برگ خرفه

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن سیب ترش و گشنیز حافظه را کم می کند». (۲)
۲. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سبزی ای شریف تر و سودمندتر از خرفه بر روی زمین نیست و آن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است». (۳)

### کاهو و برگ چغندر

۱. در حدیثی دیگر فرمود: «کاهو بخورید که خون را صاف می کند». (۴)
۲. از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به بیمارانتان برگ چغندر بخورانید که در آن شفاست. دردی در آن نیست و ضرری ندارد. بیمار را به خواب راحت می برد و ریشه چغندر، سودا را به حرکت درمی آورد». (۵)
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «چیزی مانند برگ چغندر وارد شکم صاحب ذاتُ الجنب (۶) نشده است». (۷)

۱- محاسن، ص ۵۱۵، ح ۷۰۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۶، باب الکرفس، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۶۶، باب الکزبره، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۶۷، باب الفرفخ، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۰.

۴- محاسن، ص ۵۱۴، ح ۷۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۷، باب الخس، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۴.

۶- به ورم پرده درونی پهلو که باعث درد پهلو و تب و تنگی نفس و سرفه می شود، ذات الجنب می گویند (فرهنگ عمید) و در فارسی امروز به آن سینه پهلو گفته می شود.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۱.

**چغندر**

۱. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند بیماری خوره را از یهودیان با خوردن چغندر و بیرون آوردن رگ های گوشت دور کرد». (۱)
۲. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چغندر، سبزی نیکویی است». (۲)

**کدو و ترب**

۱. در چندین روایت آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله کدو را دوست می داشت (۳) و به همسرانش سفارش می کرد که در غذا بسیار کدو بریزند». (۴)
۲. و در حدیثی آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام سفارش کرد: «کدو فراوان بخور که عقل انسان را بسیار می کند». (۵)
۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ترب سه خاصیت دارد: برگش بادهای بدن را بیرون و تخمش غذا را هضم و ریشه اش بلغم را قطع می کند». (۶)
۴. و در حدیثی دیگر فرمود: «برگش مدرّ است». (۷)
۵. و در سخنی دیگر فرمود: «تخمش (نیز) مدرّ است». (۸)

- ۱- کافی، ج ۶، ص ۳۶۹، باب السلق، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۱.
- ۲- محاسن، ص ۵۲۰، ح ۷۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۲.
- ۳- محاسن، ص ۵۲۱، ح ۷۳۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۰، باب الکماه، ح ۲.
- ۴- محاسن، ص ۵۲۱، ح ۷۳۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۶.
- ۵- محاسن، ص ۵۲۱، ح ۷۳۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۷.
- ۶- کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، باب الفجل، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲.
- ۷- محاسن، ص ۵۲۴، ح ۷۴۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، دنباله ح ۲.
- ۸- کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۱.

**گز (هویج، زردک) و شلغم**

۱. در روایتی معتبر از امام ششم وهفتم علیهما السلام آمده است که فرمودند: «خوردن هویج بر قدرت آمیزش می افزاید و از قولنج امان می دهد و بواسیر را درمان می کند». (۱)
۲. در چهار حدیث صحیح و معتبر آمده است که: شلغم بخورید و بر آن مداومت کنید، زیرا شلغم زمینه بیماری خوره را که در همه هست از بین می برد. (۲)

**خیار و بادمجان**

۱. در حدیثی معتبر آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیار را با نمک تناول می کرد. (۳)
۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیار را از ته آن بخورید که باعث برکت می شود». (۴)
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «بادمجان بخورید که درد را می برد و با آن دردی نیست». (۵)
- احادیث فراوانی در مدح بادمجان و منافع آن وارد شده است. (۶)

**پیاز**

۱. در چندین روایت از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «پیاز بوی بد دهان را از بین می برد، بلغم را زایل می کند، سستی و واماندگی را برطرف می سازد،

- ۱- کافی، ج ۶، ص ۳۷۲، باب الجزر، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۴.
- ۲- کافی، ج ۶، ص ۳۷۲، باب السلجم، ح ۱ - ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۱.
- ۳- کافی، ج ۶، ص ۳۷۳، باب القناء، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.
- ۴- کافی، ج ۶، ص ۳۷۳، باب القناء، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.
- ۵- محاسن، ص ۵۲۶، ح ۷۵۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۳، باب الباذنجان، ح ۱.
- ۶- کافی، ج ۶، ص ۳۷۳، باب الباذنجان، ح ۲ و ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

ریشه دندان ها را محکم می کند، بر قدرت آمیزش می افزایش دهد، نسل را زیاد می کند، تب را قطع و پوست را لطیف می کند».

(۱)

۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به هر شهری سفر کردید پیاز همان شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور می کند». (۲)

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیاز وتره را خام و پخته خوردن اشکالی ندارد، اما هر که آن را می خورد وارد مسجد نشود که کراهت دارد، زیرا کسی که نزد او می نشیند (از بوی دهانش) اذیت می شود». (۳)

### سیر و آویشن

۱. در حدیثی امام محمد باقر علیه السلام آورده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس سیر بخورد به خاطر بوی بد آن به مسجد نرود. اما کسی که قصد ندارد به مسجد برود می تواند سیر بخورد». (۴)

۲. در احادیث در مدح آویشن آمده که: معده را تقویت می کند و اگر صبح ناشتا آن را نرم کنند و بر روی زبان بریزند و بخورند رطوبت معده را از بین می برد. (۵)

### فارچ

در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «فارچ جزء منّ (ترنجبین) است که بر بنی اسرائیل نازل شد. (۶) و منّ (ترنجبین) از بهشت آمده

و آبش شفای چشم است». (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۷۴، باب البصل، ح ۱ - ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۷۴، باب البصل، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۷۵، باب الثوم، ح ۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۷۴، باب الثوم، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۷۵، باب اسعته، ح ۱ و ۲.

۶- در آیه ۵۷ سوره بقره به این موضوع اشاره شده است.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۷۰، باب الکماه، ح ۲؛ محاسن، ص ۵۲۷، ح ۷۶۱.

۱. در روایتی آمده است که یکی از پیامبران از اندوه به خدا شکایت کرد. وحی آمد که انگور بخور. (۱)

۲. در احادیث معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد مشاهده استخوان مرده ها، اندوهی بزرگ در وجودش پدید آورد. از این غم به خدا شکایت کرد. به او وحی رسید که انگور سیاه بخور تا اندوه تو زایل شود». (۲)

۳. در روایتی آمده است که امام سجّاد انگور را بسیار دوست می داشت. روزی روزه بود، هنگام افطار همسرش خوشه ای انگور برای آن حضرت آورد، در حالی که ابتدای فصل انگور بود. فقیری رسید و حضرت انگور را به او داد. زن به دنبال فقیر رفت و خوشه انگور را از وی خرید و نزد حضرت گذاشت. نیازمند دیگری از راه رسید و حضرت انگور را به او داد. بار دیگر آن زن در پی سائل رفت و انگور را از وی خرید و نزد حضرت نهاد. این کار چهار بار تکرار شد، تا امام در مرتبه چهارم انگور را تناول فرمود. (۳)

۴. در حدیث است که ابو عکاشه خدمت امام باقر علیه السلام رسید، انگوری نزد وی نهادند. حضرت فرمود: «کهنسالان و کودکان انگور را دانه دانه بخورند و هر که بترسد سیر نشود سه دانه و چهار دانه بخورد و تو دو دانه دو دانه بخور که مستحب است». (۴)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۲- محاسن، ص ۵۴۸، ح ۸۷۰، کافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۶.

**مویز (کشمش)**

۱. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صبح ناشتا (پیش از صبحانه) بیست و یک دانه مویز سرخ بخورد، تمام بیماری هایش درمان می شود، جز مرگ». (۱)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کشمش طائف، عصب های بدن را محکم و انسان را شاد می کند و ملالت و ضعف را از بین می برد». (۲)

**انار**

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «میوه صد و بیست نوع دارد و بهتر از همه انار است». (۳)
۲. در روایتی دیگر فرمود: «انار بخورید که گرسنه را سیر و غذای انسان سیر را هضم می کند». (۴)
۳. در سخنی دیگر فرمود: «هیچ میوه ای نزد پیامبر محبوب تر از انار نبود». (۵)
۴. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق فرمود: «انار شیرین بخورید که هیچ دانه ای از آن وارد معده مؤمن نمی شود مگر اینکه دردی را برطرف و وسوسه شیطان را از وی دور می کند». (۶)
۵. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس ناشتا (پیش از صبحانه) یک انار بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد». (۷)

- ۱- محاسن، ص ۵۴۸، ح ۸۷۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۱.
- ۲- کافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۴.
- ۳- محاسن، ص ۵۳۹، ح ۸۲۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۲.
- ۴- محاسن، ص ۵۴۰، ح ۸۲۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۱.
- ۵- محاسن، ص ۵۴۱، ح ۸۳۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۳.
- ۶- محاسن، ص ۵۴۵، ح ۸۵۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۰.
- ۷- محاسن، ص ۵۴۵، ح ۸۴۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۳، ح ۱۱.

۶. در سخنی دیگر فرمود: «انار را با پیه آن (برگ نازکی که میان انبوه دانه های انار است) بخورید که معده را دباغی می کند و بر شعور آدمی می افزاید». (۱)

۷. و در گفتاری دیگر فرمود: «انار ترش و شیرین برای بدن شایسته تر است». (۲)

### سیب

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «سیب معده را

جلا می دهد». (۳)

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سیب برای از بین بردن

اثر زهر، سحر، استیلاى اجنه، غلبه بلغم مؤثر است و هیچ چیز نفعش از آن

بیشتر نیست». (۴)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «سه چیز است که ضرری نمی رساند: انگور رازقی، نیشکر، سیب». (۵)

۴. در روایات معتبر آمده است که خوردن سیب، تب و رعاف (خون دماغ) و طاعون را درمان می کند. (۶)

۵. نیز در حدیثی معتبر آمده است که سویق سیب خشک، خون دماغ را

قطع می کند. (۷)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ دواىی در از بین بردن

۱- محاسن، ص ۵۴۲، ح ۸۳۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۲.

۲- محاسن، ص ۵۴۳، ح ۸۴۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۴.

۳- محاسن، ص ۵۵۳، ح ۹۰۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱.

۴- محاسن، ص ۵۵۳، ح ۸۹۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۲.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸.

۶- محاسن، ص ۵۵۱، ح ۸۸۹ و ۵۵۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۳ و ص ۳۵۶، ح ۴.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۶.

زهر، بهتر از خوراک آرد سیب نیست». (۱)

۷. در سخنی دیگر فرمود: «اگر مردم بدانند چه منفعت هایی در سیب است بیماران خود را جز با آن معالجه نمی کنند». (۲)

۸. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سیب بخورید که معده را دباغی می کند». (۳)

به

۱. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن به، دل ضعیف را قوی، معده را پاکیزه و آدمی را زیرک و مرد ترسو را شجاع می کند». (۴)

۲. از حضرت صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «به، رنگ را صاف و فرزند را نیکو می کند». (۵)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «هر کس یک به بخورد، حق تعالی تا چهل روز حکمت را بر زبانش جاری می سازد». (۶)

۴. در سخنی دیگر فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر آنکه بوی به با او بوده است». (۷)

و در ادامه فرمود: «به، اندوه اندوهگین را می برد همان گونه که دست، عرق جبین را می گیرد». (۸)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۷.

۲- محاسن، ص ۵۵۱، ح ۸۹۱، کافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۱۰.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۱.

۴- محاسن، ص ۵۵۰، ح ۸۸۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱.

۵- محاسن، ص ۵۴۹، ح ۸۷۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۲.

۶- محاسن، ص ۵۴۸، ح ۸۷۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۵.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲.

۸- محاسن، ص ۵۵۰، ح ۸۸۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۷.



۵. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ناشتا (پیش از صبحانه) به بخورد، نطفه اش پاکیزه و فرزندش خوشرو می شود». (۱)

### انجیر

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر بوی بد دهان را برطرف و استخوان را محکم می کند و مو را می رویند. وبا وجود آن، نیاز به داروی دیگری نیست و شبیه ترین میوه به میوه های بهشت است». (۲)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر، گرفتگی روده ها را درمان می کند و برای بادهای قولنج، سودمند است. در روز بسیار بخورید ولی در شب زیاد نخورید». (۳)

۳. نیز روایت شده است که: «انجیر، بواسیر (۴) و نقرس (۵) را درمان می کند و بر قوت آمیزش می افزاید». (۶)

### کلابی و آلو

۱. در حدیثی با سند معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کلابی بخورید که دل را جلا می دهد و دردهای درونی بدن را به امر و فرمان پروردگار ساکت می کند». (۷)

۱- محاسن، ص ۵۴۹، ح ۸۷۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۳.

۲- محاسن، ص ۵۴۴، ح ۹۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱.

۳- طبّ الائمه، ص ۱۳۷.

۴- «بواسیر» ورم دردناک رگ های مقعد است که گاه از آن خون می آید و بیشتر به سبب یبوست مزمن، یانشتن زیاد، به خصوص نشستن سر پا تولید می شود و با عمل جراحی معالجه می شود (فرهنگ عمید).

۵- «نقرس» ورم و آماس و درد شدیدی است که در پا و بند انگشتان به خصوص شست پا بروز می کند (فرهنگ عمید).

۶- مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۵.

۲. در حدیث معتبر دیگری آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «گلابی معده را دباغی می کند و به آن قوت و قدرت می دهد و پس از غذا، نافع تر است از ناشتا خوردن». (۱)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «گلابی برای درمان قولنج نافع است». (۲)

۴. در حدیث است که زیاد قندی می گوید خدمت امام موسی کاظم علیه السلام رسیدم. ظرفی آب نزد حضرت بود که در آن آلوی سیاه ریخته شده بود. حضرت فرمود: «حرارتی بر من مستولی و غالب شده بود. آلوی تازه، حرارت را فرو می نشاند و صفرا را ساکن می کند. و آلوی خشک، خون را ساکن کرده و دردهای کهنه را از بدن می کشد». (۳)

### ترنج و سنج

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام از کسی پرسید: «اطبای شما در مورد ترنج چه می گویند؟» عرض کرد: می گویند باید پیش از غذا خورد. حضرت فرمود: «من می گویم پس از غذا بخورید». (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «ترنج بخورید که آل محمد آن را می خوردند». (۵)

و نان خشک، ترنج را هضم می کند». (۶)

۳. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله نگاه

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۲.

۲- روایتی به این مضمون یافت نشد؛ امّا در کافی (ج ۶، ص ۳۵۸) حدیثی به شرح زیر هست که قابل تطبیق بر مضمون بالاست. امام صادق علیه السلام فرمود: گلابی بخورید که قلب را جلا می دهد و بیماری ها و دردهای داخلیرا تسکین می بخشد».

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۵۹، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۵.

۴- محاسن، ص ۵۵۵، ح ۹۰۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۹، ح ۲.

۵- محاسن، ص ۵۵۵، ح ۹۰۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۳.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۴.

کردن به ترنج سبز و سیب سرخ را دوست می داشت». (۱)

نکته: عرب به لیمو و نارنج هم ترنج می گوید.

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن مغز سنجد گوشت، پوستش پوست و استخوانش استخوان را می رویاند. خوردن سنجد کلیه ها را گرم و معده را دباغی می کند. و انسان را از بواسیر و ریزش بول حفظ می کند و ساق پا را قوت می دهد و ریشه خوره را قطع می کند». (۲)

## خرما

۱. در احادیث معتبر نقل شده که: «پنج میوه از بهشت آمده است: انار ملس، سیب شامی، به، انگور رازقی، رطب مشان». (۳)
۲. در روایتی معتبر آمده است که هرگاه چند نوع غذا برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرما بود، خوردن را از خرما آغاز می کرد. (۴)
۳. در حدیث است که حضرت علی بن الحسین علیه السلام خرما را دوست می داشت. (۵)
۴. در حدیث است که سلیمان بن جعفر می گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. ظرفی از خرما برنی نزد آن حضرت بود و امام با اشتها و اشتیاق از آن تناول می کرد. فرمود: «سلیمان، نزدیک بیا و از این خرما بخور». عرض کردم: فدایت شوم بسیار جدی و از روی اشتها تناول می کنید! فرمود: «آری، دوست دارم چرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و پدرم امام کاظم: همگی

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۶.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۰.

۴- محاسن، ص ۵۳۱، ح ۷۸۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۵، باب التمر، ح ۲.

۵- محاسن، ص ۵۳۱، ح ۷۸۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۳.

خرما را دوست داشتند. من نیز خرما را دوست دارم و شیعیان ما هم دوست دارند، زیرا شیعیان ما از طینت ما خلق شده اند. و دشمنان ما شراب را دوست دارند، زیرا آنها از آتش خلق شده اند». (۱)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس روزی هفت دانه خرماى عجوه که از خرماهای اطراف مدینه است، ناشتا (پیش از صبحانه) بخورد، هیچ زهر و سحر و شیطانی به او آسیب نمی رساند». (۲)

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام خواب، هفت دانه خرماى عجوه بخورد، کرم های شکمش از بین می رود». (۳)

۷. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دود چوب درخت خرما، حشرات و گزندگان زمین را دور می کند». (۴)

### خریزه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خریزه بخورید که دارای ده ویژگی است: زیانی ندارد، خوردنی است (جنبه غذایی دارد)، آشامیدنی است (مایع مورد نیاز بدن را تأمین می کند)، میوه است، گل است (خاصیت میوه و گل را دارد)، نوعی مواد شوینده محسوب می شود و دهان را پاک می کند، نان خورش است، بر قدرت آمیزش می افزاید، مثانه را شسته و سنگ مثانه را از طریق ادرار دفع می کند». (۵)

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن خریزه پیش از

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۶.

۲- محاسن، ص ۵۳۲، ح ۷۸۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۱۹.

۳- محاسن، ص ۵۳۳، ح ۷۹۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۲۰.

۴- محاسن، ص ۵۴۵، ح ۸۵۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱۸.

۵- خصال، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.

صبحانه موجب فلج شدن است». (۱)

۳. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خربزه را با رطب تناول می کرد و این کار را دوست می داشت. (۲)

### آداب میوه خوردن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام میوه خوردن بسم الله بگوید آسیبی به وی نمی رسد». (۳)

۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله میوه تازه (نوبر) می دید، آن را می بوسید و بر هر دو دیده می نهاد و می فرمود: اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوْلَهَا فِي عَافِيَةِ فَاَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ». (۴)

۳. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کندن پوست میوه ها(یی که با پوست قابل خوردن است) کراهت دارد». (۵)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «بر روی هر میوه ای زهری است، آن را پیش از خوردن بشوید». (۶)

۵. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند: انجیر و خرما و دیگر میوه ها(ی مانند آن) را دو تا دو تا خوردن چه حکمی دارد؟ فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرد؛ پس اگر تنها باشید به هر صورت که بخواهید بخورید و اگر با جمعی از مسلمانان می خورید چنین نکنید

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۶۱، باب البطیخ، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۶۱، باب البطیخ، ح ۱ - ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۷۰.

۴- ترجمه: «پروردگارا، همان گونه که در ابتدای فصل، این میوه را در حال عافیت به ما دادی، تا انتهای فصل آنرا در حال عافیت به ما عنایت فرما». مکارم الأخلاق، ص ۱۴۶ و ۱۷۰.

۵- محاسن، ص ۵۵۶، ح ۹۱۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۳.

۶- محاسن، ص ۵۵۶، ح ۹۱۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۴.

ویک دانه یک دانه بخورید». (۱)

۶. در روایتی معتبر آمده است که روزی حضرت رضا علیه السلام دید خادمانش میوه ای را نیم خورده، دور انداخته اند. فرمود: «سبحان الله، اگر شما بی نیاز شده اید، دیگران بی نیاز نیستند، آن را به کسی که نیاز دارد بدهید». (۲)

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «باید انگور و انار را با دو دست خورد». (با یک دست بگیرند و با دست دیگر بخورند). (۳)

## حبوبات

### برنج

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برنج غذای نیکو و خوبی است. روده ها را باز و بواسیر را درمان می کند». (۴)

۲. در چند حدیث آمده است که: ما بیماران خود را با برنج مداوا می کنیم. (۵)

۳. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از درد شکم شکایت کرد. حضرت فرمود: «برنج را بشوی و در سایه خشک کن و اندکی از آن را بریان کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف دست از آن بخور». (۶)

۴. در روایتی دیگر آمده است که: آن حضرت دل درد داشت، دستور داد برنج را با سماق بپزند و چون تناول کرد، درد برطرف شد. (۷)

۱- محاسن، ص ۴۴۲، ح ۳۱۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۹، باب ۲۹۴، ح ۱.

۲- محاسن، ص ۴۴۱، ح ۳۰۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۷، ح ۸.

۳- محاسن، ص ۵۵۶، ح ۹۱۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۴- محاسن، ص ۵۰۳، ح ۶۳۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۲.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۵.

۶- محاسن، ص ۵۰۳، ح ۶۳۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۶.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۷.

۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای سل چیزی سودمندتر از نان برنج نیست». (۱)

۶. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان برنج برای مبتلایان به اسهال و سل مفید است و دردها را از بدن می کشد». (۲)

### نخود بریان و عدس

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام قبل و بعد از غذا، نخود بریان تناول می فرمود. (۳)

۲. در روایات معتبر و بسیاری آمده است که: خوردن عدس، دل را نرم و اشک را جاری می کند. (۴)

### باقلا و لوبیا و ماش

۱. در حدیثی معتبر آمده است که: باقلا ساق پاها را پر مغز و قدرت مغز را زیاد و خون تازه تولید می کند. (۵)

۲. در روایتی دیگر آمده است که: باقلا را با پوست بخورید که معده را

دبّاغی می کند. (۶)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن لوبیا بادهای درونی را بیرون می کند». (۷)

---

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۲.

۳- محاسن، ص ۵۰۵، ح ۶۴۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸.

۵- محاسن، ص ۵۰۶، ح ۶۴۷، کافی، ج ۶، ص ۳۴۴، باب الباقلی واللوییا، ح ۱.

۶- محاسن، ص ۵۰۶، ح ۶۵۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۴، باب الباقلی واللوییا، ح ۳.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۴.

۴. کسی از بهق (۱) به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود:

«ماش را پخته و به غذایت اضافه کن و آن را بخور». (۲)

### خوردن خاک و گل

۱. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس گِل بخورد و بمیرد، در خون خود شریک است». (۳)

۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند حضرت

آدم علیه السلام را از خاک آفرید، به همین علت خوردن خاک را بر فرزندان او حرام کرد». (۴)

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بزرگ ترین دام های شیطان، خوردن خاک و گل است که دردهایی در بدن ایجاد می کند و موجب خارش بدن و بواسیر می شود و دردهای سوداوی معلول آن است و قوت را از ساق پا می برد و هر چه از قوتش به سبب خوردن خاک و گل کم شده و در نتیجه از اعمال خیرش کاسته شده، در قیامت بازخواست خواهد شد و سپس عذاب می شود». (۵)

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از وسوسه های شیطان است: خوردن گِل، خرد کردن گِل خشک شده با دست، گرفتن ناخن با دندان، به دندان گرفتن ریش». (۶)

۵. در احادیث معتبر آمده است که: «خوردن هر گلی حرام است (همان گونه

۱- «بهق» لکه سفیدی است که بر اثر علّتی غیر از برص، روی پوست بدن پیدا می شود و در فارسی آن را بهکمی گویند (فرهنگ عمید).

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، باب الماش، ح ۱.

۳- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۳۸.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۶۵، ح ۴؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۳۲، باب ۳۱۷، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۲۶۶، ح ۶؛ تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۳۷۷.

۶- خصال، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۴۶، ح ۱۰.



که مردار و خون و گوشت خوک حرام است) مگر گِل قبر امام حسین علیه السلام که خوردن آن به اندازه یک عدس، شفای هر درد و امان از هر ترسی است». (۱)

(بهتر است آن را در استکان کوچکی از آب بریزند و میل کنند).

## فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن

### میهمانداری و فضیلت آن

۱. در احادیث معتبر و بسیار آمده است که: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمان خود را گرامی بدارد. (۲)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی هزار درهم برای تهیه غذایی هزینه کند و مؤمنی از آن بخورد، اسراف نکرده است». (۳)
۳. در روایات متعددی آمده است: هر گاه میهمان بیاید روزی اش همراهش می آید و هنگامی که غذا بخورد، خدا صاحب خانه را می آمرزد. (۴)
۴. و در روایتی دیگر می خوانیم: «چون میهمان بیرون رود، خداوند گناه تو و عیالت را بیرون می برد». (۵)
۵. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «یک لقمه غذایی که برادر مؤمن نزد من بخورد، از آزاد کردن برده ای نزد من محبوب تر است». (۶)
۶. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که صدای میهمانی را بشنود و با آن شاد گردد، گناهانش بخشوده می شود». (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۶۶، ح ۹؛ تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۳۷۶.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، باب حَقِّ الضَّیْفِ وَاِکْرَامِهِ، ح ۱ و ۲.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۳۴.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۸۴، ح ۱.

۵- محاسن، ص ۳۹۰، ح ۲۸؛ کافی، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۸.

۶- محاسن، ص ۳۹۳، ح ۴۶؛ کافی، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۳.

۷- جامع الأخبار، ص ۱۳۶.

۷. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر خانه ای که میهمان به آن نرود، فرشتگان وارد آن نمی شوند». (۱)

۸. از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه به برادر مؤمنی برادری کنم و او را سیر سازم، این کار برای من بهتر است از آنکه شکم ده مسکین را سیر کنم». (۲)

۹. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی را به سفره خود دعوت کن که برای رضای خدا او را دوست می داری». (۳)

### قبول کردن دعوت مؤمنین

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن آن است که اگر او را به میهمانی دعوت کرد قبول کند». (۴)

۲. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سفارش می کنم به حاضران و غایبان از امتم که دعوت مسلمانان را قبول کنند، هر چند پنج میل (۵)

فاصله باشد، چرا که پذیرش دعوت از نظر دین لازم است». (۶)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر مؤمنی مرا برای دست گوسفندی (که اندکی گوشت بر آن باشد) دعوت کند اجابت می کنم». (۷)

۴. و در سخنی دیگر فرمود: «بدترین عجزها آن است که شخصی برادرش را به غذایی دعوت کند و او قبول نکند». (۸)

۱- جامع الأخبار، ص ۱۳۶.

۲- محاسن، ص ۳۹۲، ح ۳۵.

۳- محاسن، ص ۳۹۱، ح ۲۹.

۴- محاسن، ص ۳۹۱، ح ۲۹.

۵- هر «میل» یک سوم فرسخ است؛ پس پنج میل حدود دو فرسخ است.

۶- محاسن، ص ۴۱۱، ح ۱۴۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۴، ح ۴.

۷- محاسن، ص ۴۱۱، ح ۱۴۳؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۴، ح ۱.

۸- محاسن، ص ۴۱۱، ح ۱۴۶.

### ولیمه و میهمانی دادن

۱. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ولیمه و میهمانی دادن در پنج چیز سنت است: عروسی، عقیقه، ختنه کردن پسر، خریدن یا ساختن خانه نو، بازگشت از سفر». (۱)
۲. در حدیثی دیگر می خوانیم که فرمود: «در وقتی که از سفر حج باز گردد». (۲)
۳. در روایتی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهی کردند از اینکه ولیمه مخصوص ثروتمندان باشد و فقرا حضور نداشته باشند. (۳)

### بی دعوت به میهمانی رفتن

۱. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هشت کس اگر خوار و ذلیل شود، جز خود کسی را سرزنش نکند: آن که بدون دعوت سر سفره ای حاضر شود، میهمانی که به صاحب خانه زور بگوید، کسی که از دشمن خود طلب خیر کند، کسی که از انسان های پست و بخیل فضل و احسان بطلبد، کسی که خود را داخل در رازی کند که بین دو تن بوده است؛ البته بدون رضایت آنها، آن که به بزرگان توهین کند، کسی که در محلی از مجلس بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد، هر که با کسی سخن گوید که به سخنش گوش فرا ندهد». (۴)

### آداب پذیرایی از میهمان

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه برادر مؤمن به خانه ات آمد از او نپرس که چیزی خورده ای یا نه، بلکه هر چه در خانه

- ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۷؛ خصال، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۸۴.
- ۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۷؛ خصال، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۸۴.
- ۳- کافی، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۴.
- ۴- خصال، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۶.

داری برایش بیاور که جواد وجوانمرد آن است که هر چه دارد برای میهمانش حاضر کند». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون برادر مؤمن میهمان تو شد او را دعوت به خوردن کن، اگر نخورد دعوت به نوشیدنی کن، اگر نپذیرفت دعوت به شست و شوی دست و صورت با آب کن، یا او را معطر ساز». (۲)

۳. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله گرامی داشتن برادر مؤمن آن است که تحفه او را قبول کند و آنچه حاضر داشته برایش هدیه بیاورد و نسبت به چیزی که نداشته باشد بر او تکلیف نکند». (۳)

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که امکانات موجود خود را در پذیرایی از میهمانی که برایش آمده کوچک بشمرد، به زحمت می افتد و هر کس هدیه ای را که مؤمن برایش می آورد کوچک و ناچیز بشمرد هلاک می شود». (۴)

## وظایف میزبان

### میهمان سرزده و دعوت نشده

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه برادر مؤمن بدون دعوت و سرزده میهمان تو شد، آنچه در خانه داری برایش بیاور و خود را به زحمت نینداز. و اگر با دعوت قبلی آمد در پذیرایی از او تلاش کن». (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، باب حَقِّ الضَّیْفِ وَاِکْرَامِهِ، ح ۱ و ۲.

۲- محاسن، ص ۴۱۷، ح ۱۷۹؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۵، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۷۵، باب اِنْسِ الرَّجْلِ فِی مَنْزِلِ اَخِيهِ، ح ۱.

۴- محاسن، ص ۴۱۵، ح ۱۶۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۶، دنباله حدیث ۳.

۵- تکلیف یعنی اضافه بر آنچه در خانه دارد از بیرون برای او چیزی فراهم کند؛ یعنی خود را به رنج انداختن. محاسن، ص

۴۱۰، ح ۱۳۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۶، ح ۶.

**به خدمت گرفتن میهمان**

۱. ابن ابی یعفر می گوید: میهمانی را در خانه امام صادق علیه السلام دیدم که برای انجام دادن کاری برخاست، حضرت او را منع کرد و خود برخاست و آن کار را انجام داد و فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خدمت کردن میهمان برای میزبان

نهی کرد». (۱)

۲. در حدیثی دیگر آمده است که میهمانی در حضور امام رضا علیه السلام خواست چراغ را تمیز کند. حضرت او را از این کار نهی کرد و خود به اصلاح

چراغ پرداخت و فرمود: «ما اهل بیت اجازه نمی دهیم میهمان در خانه به ما خدمت کند». (۲)

**وظایف میزبان در سر سفره**

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله میهمان داشت پیش از همه شروع به خوردن غذا می کرد و بعد از همه دست از غذا خوردن می کشید». (۳)

۲. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که به جماعتی آب دهد، باید خودش پس از همه آب بنوشد». (۴)

۳. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق میهمان آن است که او را گرمی داشته و (حتی) برایش خلال حاضر سازد». (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، باب کراهیه استخدام الضیف، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، باب کراهیه استخدام الضیف، ح ۲.

۳- محاسن، ص ۲۶۸، ح ۳۴۹، کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، باب الأکل مع الضیف، ح ۱ و ۲.

۴- محاسن، ص ۴۵۲، ح ۳۶۸.

۵- محاسن، ص ۵۶۴، ح ۹۶۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، ح ۳.

## استقبال و بدرقه میهمان

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از جمله موارد ضعف و سستی انسان آن است که کسی به تو احسان کند و تو پاسخ احسان او را ندهی. و خدمت کردن میهمان به صاحب خانه بر خلاف آداب است، بلکه هرگاه میهمانی بر انسان وارد می شود باید به او (برای آوردن اسبابش) کمک کند و هنگامی که می خواهد برود به او کمک نکند که این کار دلیل بر خست نفس است. و در تهیّه توشه همراهی اش کنید و توشه خوشبو و نیکویی برای وی فراهم آورید که این کار دلیل بر جوانمردی است». (۱)

۲. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق میهمان آن است که تا در خانه همراهش بروید». (۲)

## وظایف میهمان

### اشاره

۱. در حدیث است که ابن ابی یعفور می گوید میهمان امام صادق علیه السلام شدم. حضرت دستور داد غذا حاضر کنند. یکی دیگر از میهمانان به نام هشام گفت: من کمتر چیزی می خورم. حضرت فرمود: «مگر نمی دانی که محبت مؤمن بر مؤمن به مقدار غذایی است که از او می خورد». این مطلب در احادیث فراوانی آمده است. (۳)

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سخاوتمند و بلندهمت از طعام مردم می خورد تا مردم نیز از غذایش بخورند. و بخیل غذای مردم را نمی خورد تا از غذایش نخورند». (۴)

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، ح ۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۵۹، ح ۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۹، ح ۳۲۳.

۳- محاسن، ص ۴۱۳، ح ۱۶۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۸، ح ۱.

۴- کافی، ج ۴، ص ۴۱، ح ۱۰؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲، ح ۲۶.

۳. در احادیث معتبر آمده است که: هر کس وارد شهری شود میهمان برادران مؤمن و همکیشان خود در آن شهر است. و سزاوار نیست میهمان بدون اجازه صاحب خانه روزه بگیرد، مبادا صاحب خانه غذایی تهیه کند و خورده نشود. همان گونه که میزبان نباید بدون اجازه صاحب خانه روزه بگیرد، مبادا میهمان شرم کند و غذا نخورد. (۱)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی میهمان دیگری شود، هر کجا که صاحب خانه امر کند بنشیند، زیرا صاحب خانه از امور پنهانی خانه اش بهتر خبر دارد». (۲)

### اندازه میهمانی

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «حدّ ضیافت و میهمانی سه روز است و پس از سه روز، صدقه ای است که میزبان به میهمان می دهد». (۳)

۲. و در سخنی دیگر فرمود: «آن قدر نزد میزبان نمانید که او را در هم شکنید». عرض شد: ای رسول خدا، چگونه در هم می شکنند؟ فرمود: «آن قدر بمانید که برای پذیرایی از شما به زحمت بیفتد». (۴)

### فضیلت خلال کردن و آداب آن

### فضیلت و فایده خلال کردن

#### اشاره

۱. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ملائکه هیچ چیز

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۱ و ۲.

۲- قرب الإسناد، ص ۷۳، ح ۲۱۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، ح ۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، باب انّ الضیافه ثلاثه ایام، ح ۲.

را دشمن ندارند مانند آنکه ببینند در دندان بنده ای طعامی مانده (وخلال نکرده و سبب بدبویی دهانش شده است)». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک وخلال و حجامت آورد و فرمود: خلال ریشه دندان را اصلاح می کند و بر روزی می افزاید». (۲)

### چوب خلال

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با چوب گل و چوب درخت انار خلال نکنید که محرک بیماری خوره اند». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با «نی» خلال نکنید که تا شش روز حاجاتتان برآورده نمی شود». (۴)

۳. نیز در سخنی فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله با هر چوبی خلال می کرد، جز برگ درخت خرما و نی». (۵)

۴. در حدیثی آمده است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خلال کردن با چوب درخت انار و درخت مورد و نی نهی کرد و فرمود: اینها زمینه ساز بیماری خوره هستند». (۶)

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خلال کردن با چوب گز موجب فقر و بی چیزی است». (۷)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۱۵۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۲.

۴- محاسن، ص ۵۶۴، ح ۹۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۸.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۳.

۶- محاسن، ص ۵۶۴، ح ۹۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۸.

۷- مکارم الأخلاق، ص ۱۵۲.



## آداب خلال کردن

۱. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «آنچه با خلال بیرون می آوری فرو نبر که موجب جراحت های داخلی می شود». (۱)

۲. در احادیث دیگر آمده است: «آنچه را با خلال بیرون می آوری (نخور، بلکه) بیرون بینداز». (۲)

۳. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه خلال می کنید آب نخورید، مگر اینکه سه نوبت مضمضه کنید و آب دهان را بیرون بریزید». (۳)

۴. در احادیث معتبر وارد شده است که داخل و خارج از دهان را بعد از غذا با «سُعد» (۴) و «اشنان» (۵) بشوید. (۶)

## فضیلت نوشیدن آب و انواع آن

### فضیلت نوشیدن آب و خواص آن

۱. در احادیث معتبر آمده است که بهترین آشامیدنی های دنیا و آخرت،

آب است. (۷)

۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از آشامیدن آب دنیا لذت ببرد، خداوند متعال در آخرت او را از آشامیدنی های بهشت

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۴.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۶، ح ۱۰۵۹.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۵۳، از امیرالمؤمنین علیه السلام.

۴- «سُعد» گیاهی از تیره جگن ها که قسمتی از ساقه های زیرزمینی آن غده ای شکل و دارای مواد غذایی چربوشیرین است که به مصرف خوراکی می رسد (لغت نامه متوسط دهخدا).

۵- «اشنان» یا «اشنیا» یک ماده شوینده قدیمی است.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۱ و ۳ و ۳۷۹، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱.

۷- محاسن، ص ۵۷۰، ح ۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۰، ح ۱.

بهره مند می سازد تا از آنها هم لذت ببرد». (۱)

۳. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آب چه طعمی دارد؟ حضرت فرمود: «طعم حیات، زیرا خداوند متعال در قرآن کریم فرماید: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ». (۲)

۴. در حدیث دیگری می خوانیم که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، در حالی که حضرت خرما تناول می کرد و پس از آن آب نوشید. عرض کرد: اگر بعد از خرما آب نخورید بهتر است. حضرت فرمود: «برای این خرما می خورم که لذت نوشیدن آب را ببرم». (۳)

۵. در حدیث است که ابن ابی طیفور خدمت امام کاظم علیه السلام رسید (ظاهراً این شخص طبیب بود و حضرت کسالتی داشت). حضرت را از نوشیدن آب بر حذر داشت. حضرت فرمود: «نوشیدن آب اشکالی ندارد، زیرا غذا را در معده جابه جا می کند و غضب را فرو می نشاند و بر عقل می افزاید و از صفرا می کاهد». (۴)

### آب هایی که نوشیدن آن سفارش شده

#### آب زمزم

۱. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین آب روی زمین آب زمزم و بدترین آن آب برهوت است؛ برهوت سرزمینی است در یمن که ارواح کافران را شبانه به آنجا می برند و در عذاب هستند». (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۶؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۹.

۲- ترجمه: «وهر موجود زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟» (سوره انبیاء، آیه ۳۰) کافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۱.

۳- محاسن، ص ۵۷۱، ح ۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۳.

۴- محاسن، ص ۵۷۲، ح ۱۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۲.

۵- محاسن، ص ۵۷۳، ح ۱۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۶، ح ۳.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «آب زمزم دوی هر دردی است». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب زمزم درمان هر بیماری است». (۲)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «آب زمزم را برای هر حاجتی بنوشند آن حاجت برآورده می شود». (۳)

## آب فرات

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گمان نمی کنم کام کودکی را با آب فرات بردارند مگر اینکه دوستدار ما اهل بیت شود». (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آب فرات

فرو می ریزد». (۵)

۳. در سخنی دیگر فرمود: «اگر هم فاصله بین من و آب فرات بسیار باشد، برای شفا به آنجا می روم و از آب فرات می نوشم». (۶)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر نزدیک آب فرات بودم دوست می داشتم صبح و شام نزد آن بروم». (۷)

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را از آب فرات بردارند، همه آنها شیعه ما خواهند شد». (۸)

---

۱- محاسن، ص ۵۷۳، ح ۱۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ح ۵.

۲- محاسن، ص ۵۷۳، ح ۲۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۶، ح ۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۴۵، ح ۱۷ از درّ المنثور.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۸۸، باب فضل ماء الفرات، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۸۸، باب فضل ماء الفرات، ح ۱.

۶- محاسن، ص ۵۷۵، ح ۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۸، باب فضل ماء الفرات، ح ۱.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳۸۸، ح ۴.

۸- کافی، ج ۶، ص ۳۸۹، ح ۵.

۶. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشته ای هر شب سه مثقال از مشک بهشتی در آب فرات می ریزد. و هیچ نهری در شرق و غرب عالم پربرکت تر از نهر فرات نیست». (۱)

### آب باران و آب ناودان کعبه

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از آب باران بنوشید که بدن را پاک و دردها و بیماری ها را از بدن بیرون می کند». (۲)

۲. در حدیث است که مصادف از یاران حضرت صادق علیه السلام می گوید: یکی از دوستان ما در مکه بیمار شد، بیماریش چندان شدت گرفت که به حال احتضار افتاد. وضعیتی او را به امام صادق علیه السلام عرض کردم. حضرت فرمود: «اگر من جای شما بودم از آب ناودان کعبه به او می دادم». ما در شهر مکه در جست و جوی آب ناودان کعبه رفتیم ولی نیافتیم. به ناگاه ابری در آسمان ظاهر و صدای رعد و برق بلند شد و باران شروع به باریدن کرد. ظرفی را زیر ناودان کعبه نهادیم، سپس ظرف پر از آب را نزد بیمار بردیم. از آن آب نوشید و همان ساعت شفا یافت. (۳)

### آب خنک

۱. در روایتی آمده است که حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه (ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) (۴) فرمود: «منظور از آن نعمت ها، رطب و آب سرد است». (۵)

۲. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن آب سرد

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۸۹، ح ۶؛ کامل الزیارات، ص ۴۸ و ۴۹.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ح ۲.

۳- محاسن، ص ۵۷۴، ح ۲۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ح ۶.

۴- ترجمه: «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت هایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد». سوره تکوین، آیه ۸.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۱۵۷.

لذت بیشتری دارد». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب سرد حرارت بدن را فرو می‌نشاند و صفراراساکن می‌کند و غذارا در معده می‌گدازد و تب را پایین می‌آورد». (۲)

### آب جوشیده

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب جوشیده برای همه دردها سودمند است و هیچ ضرری ندارد». (۳)

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب جوشیده ای که هفت بار بجوشد و از ظرفی به ظرف دیگر برگردانده شود، تب را زایل کرده و ساق پا و قدم‌ها را قوت می‌بخشد». (۴)

### آب‌هایی که نوشیدن آن مذموم است

۱. در احادیث فراوانی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شفا طلبیدن از آب‌های گرم که بوی گوگرد می‌دهد و از کوه‌ها می‌جوشد نهی کرد و فرمود: «گرمی آن آب‌ها از گرمی جهنم است». (۵)

۲. در حدیث است که امام باقر علیه السلام از اینکه کسی از آب تلخ و آبی که بوی گوگرد می‌دهد طلب شفا کند، کراهت داشت و می‌فرمود: «حضرت نوح علیه السلام به هنگام طوفان، آب‌ها را طلبید، همه اجابت کردند جز آب تلخ و آب گوگرد، پس هر دو را نفرین کرد». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۱.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۵۶.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۵۷.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۱۵۷.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۸۹، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۹۰، ح ۴.

## فلسفه شیرین یا تلخ بودن آب

از امام حسن و امام حسین علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: «ولایت و دوستی ما را بر همه آب ها عرضه کردند، هر آبی که آن را پذیرفت شیرین و گوارا شد و هر آبی که نپذیرفت تلخ و شور شد». (۱)

## آداب خوردن آب

### طرز نوشیدن آب

(مقدمه: در احادیث بسیاری آمده است که ایستاده آب خوردن خوب و آب را به یک نفس خوردن نیکو است، ولی بهتر است که به سه نفس خورده شود و در روز ایستاده و در شب نشسته بخورد. (به روایاتی در این باره توجه کنید:)

### آب خوردن در حال ایستاده یا نشسته

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرداب و صفرا می شود». (۲)
۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب نخورید، زیرا موجب دردی می شود که درمان نداشته باشد، مگر آنکه خدا عافیت دهد». (۳)
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب نخور و بر گرد هیچ قبری نگردد و در آب را کد ادرار نکن، زیرا هر کس این کارها را انجام دهد و بلایی به او برسد، کسی جز خود را سرزنش نکند». (۴)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۸۹، دنباله حدیث ۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۸۳، دنباله ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۳.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۲۹، ح ۳۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۸، ح ۱.

۴- علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۳، باب ۲۰۰، ح ۱.

صدوق رحمه الله فرمود: روایاتی که از آب خوردن در حال ایستاده نهی می کند منظور، آب خوردن در شب است.

۴. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «ایستاده آب خوردن باعث قوت و صحت بیشتر بدن می شود». (۱)

این روایت و مانند آن مربوط به آب خوردن در روز است؛ بنابراین، همان گونه که مراجع تقلید فرموده اند: ایستاده آب خوردن در روز اشکال ندارد، ولی در شب مکروه است.

### چگونگی آب خوردن

۱. در روایتی که با دو سند صحیح به امام صادق علیه السلام می رسد آمده است که حضرت فرمود: «آب را به سه نفس خوردن بهتر از یک نفس خوردن است». (۲)

۲. در حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دمیدن در آب با دهان نهی کرد. (۳)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در صورتی دمیدن در آب مکروه است که کس دیگری بخواهد از آن آب بخورد، مبادا که او از این کار ناراحت شود». (۴)

۴. در روایتی آمده است که حضرت صادق علیه السلام از خوردن آب با دست چپ نهی کرد. (۵) و در سخنی دیگر فرمود: «آب را بمکید و اندک اندک بنوشید و دهان را

پر نکنید که باعث درد جگر می شود». (۶)

۱- محاسن، ص ۵۸۱، ح ۵۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۸۳، ح ۷ و ۸؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۳، ح ۱۰۴۰.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۷.

۴- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸، باب ۲۹۰، ح ۱.

۵- محاسن، ص ۴۵۵، ح ۳۸۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۲، ح ۱.

۶- محاسن، ص ۵۷۵، ح ۲۷.

**ظرف آب**

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله آب خوردن در «قدح شامی» را دوست می داشت و می فرمود: پاکیزه ترین ظرف های شما قدح های شامی است». (۱) ولذا برای آن حضرت این گونه ظروف را از شام هدیه

می آوردند. (۲)

۲. در حدیث آمده است که حضرت باقر علیه السلام از کوزه سفالی آب می نوشید. (۳)

۳. در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گاه در قدح های آبگینه که از شام می آوردند و گاه در قدح چوبی آب می آشامید. (۴)

۴. در روایتی آمده است: حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر گروهی گذشت که (به خاطر نداشتن ظرف) دهان بر آب گذاشته و می خوردند، فرمود: «با دست آب بخورید که بهترین ظرف های شماست». (۵)

**دعاهای قبل و بعد از نوشیدن آب****ابتدا به نام خدا و انتها به حمد او**

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آداب آشامیدن آب به این شرح است: گفتن بسم الله در ابتدا و الحمد لله در پایان و نوشیدن آب از جای دسته کوزه و جایی که شکسته یا رخنه داشته باشد که این دو موضع جای شیطان است». (۶) (ممکن است اشاره به جمع شدن میکروب ها در این گونه جاها باشد).

۱- محاسن، ص ۵۷۷، ح ۳۸؛ کافی ج ۶، ص ۳۸۶، ح ۸.

۲- محاسن، ص ۵۷۷، ح ۴۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۱.

۳- محاسن، ص ۵۸۳، ح ۷۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۲.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۱.

۵- محاسن، ص ۵۷۷، ح ۳۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۷.

۶- محاسن، ص ۵۷۷، ح ۴۱.



۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله بگوید ودمی بخورد والحمد لله بگوید، سپس بسم الله بگوید و مقداری بخورد والحمد لله بگوید و این کار را سه بار تکرار کند، مادام که آن آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید و ثوابش از آن او باشد». (۱)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه شخصی با یک نوبت آب خوردن بهشتی می شود، بدین ترتیب که آب بخورد و هنوز سیراب نشده آب را از لب جدا کند و حمد خدای به جا آورد، سپس آب خوردن را ادامه دهد و هنوز سیراب نشده، آب را از لب جدا کند و حمد خدای گوید سپس آب بنوشد. خداوند به سبب این کار او را بهشتی می کند». (۲)

۴. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله آب می آشامید این دعا را می خواند: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زَلَالًا وَلَمْ يَسْقِنَا مِلْحًا اُجَاثًا وَلَمْ يُؤَاخِذْنَا بِدُنُونِنَا». (۳)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در وقت نوشیدن آب این دعا را بخوانید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانِي فَارَوَانِي وَاَعْطَانِي فَارَضَانِي وَعَافَانِي وَكَفَانِي. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَسْقِيهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُسَبِّحُهُ بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (۴)

۱- محاسن، ص ۵۷۸، ح ۴۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۴، ح ۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۸۴، ح ۱؛ معانی الأخبار، ص ۳۸۵.

۳- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به ما آبی گوارا و زلال نوشانید، نه شور و ناگوار و ما را به گناهانمان نگرفت (و مؤاخذه نکرد)». قرب الإسناد، ص ۳۶، ح ۶۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۴، ح ۲.

۴- ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که آب داد و سیراب کرد و عطا کرد و راضی ام نمود و عافیتم بخشید و کفایتم کرد. بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که در قیامت از حوض (کوثر) محمّد صلی الله علیه و آله به همراه آنحضرت به آنان آب می دهی و با همنشینانی آن حضرت آنها را سعادت مند می کنی، به مهربانی خودت ای مهربان ترین مهربانان». مکارم الأخلاق، ص ۱۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۵.

**سلام بر حسین شهید**

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس آب بنوشد و از تشنگی امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت یاد کند و قاتلین آن حضرت را نفرین نماید، خداوند متعال پاداش های بسیار زیادی برایش خواهد نوشت و در روز قیامت او را خوشحال خواهد کرد و با خیالی آسوده محشور می گرداند». (۱) و اگر

چنین بگوید خوب است: «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ وَأَعْدَائِهِ». (۲)

**دعا برای دفع ضرر نوشیدن آب در شب**

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه بخواهی در شب آب بنوشی ظرف آب را بردار و آن را حرکت بده و بگو: یا مَاءُ، مَاءُ زَمْزَمٍ وَمَاءُ فُرَاتٍ يُقْرِآنَكَ السَّلَامَ». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در شب آب بنوشد و سه مرتبه بگوید: «عَلَيْكَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمٍ وَمَاءِ الْفُرَاتِ» آب به او ضرر نمی زند». (۴)

**مقدار نوشیدن آب**

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد آب نخور که هر دردی را به سوی تو جذب می کند و تا وقتی که طاقت درد داری از دارو استفاده

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۹۱، ح ۶؛ کامل الزیارات، ص ۱۰۶.

۲- ترجمه: «درود و سلام خداوند بر حسین علیه السلام و خاندان و یارانش و لعنت خداوند بر کشندگان حسین علیه السلام و دشمنانش».

۳- ترجمه: «ای آب، آب زمزم و فرات بر تو درود می فرستند». کافی، ج ۶، ص ۳۸۴، ح ۴.

۴- ترجمه: «درود و سلام آب زمزم و فرات بر تو باد». مکارم الأخلاق، ص ۱۵۷.

نکن». (۱) (تا بدن با قدرت خود، بیماری را بیرون کند که گرفتار ضایعات داروها نشود).

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب خوردن زیاد پس از غذا ضرر ندارد، اما در غیر آن زمان زیاد آب نخور». (۲)

---

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۲.

۲- محاسن، ص ۵۷۲، ح ۱۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۳.



## فصل چهارم: ازدواج، آداب ازدواج، تربیت فرزندان

### اشاره

۱. فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت
۲. صفات پسندیده وناپسند زنان
۳. آداب خواستگاری و زمان مناسب آن
۴. آداب زفاف و آمیزش
۵. دعا و نماز در شب زفاف وهنگام آمیزش
۶. حقوق زن وشوهر بر یکدیگر
۷. دعوای طلب فرزند وفضیلت آن
۸. احکام دوران حمل وزایمان و پس از آن
۹. عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن
۱۰. ختنه کردن
۱۱. آداب شیر دادن وتربیت فرزند
۱۲. رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان



## فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت

### ازدواج ودینداری

۱. در حدیثی امام صادق علیه السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس زنی را به عقد خود درآورد نصف دینش را حفظ کرده است، پس باید تقوای الهی را برای حفظ نصف دیگر آن به کار بندد». (۱)
۲. در روایتی دیگر فرمود: «بدترین مردان شما بی زن ها هستند. چه چیز مانع شما از ازدواج می شود؟ شاید خداوند فرزندی به شما بدهد که زمین را به گفتن لا إله إلا الله سنگین کند». (۲)
۳. ودر حدیثی دیگر فرمود: «هر کس می خواهد از سنت من پیروی کند، ازدواج کند». (۳)
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوش ندارم دنیا و آنچه در دنیاست را داشته باشم و یک شب بدون همسر بخوابم». سپس فرمود: «دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از عبادات شخص مجردی است که تمام شب ها

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۱، ح ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۲۹، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

نماز بخواند و روزها را روزه باشد». (۱)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز شخص متأهل برابر با هفتاد رکعت نماز شخص مجرد است». (۲)

۶. به سندهای معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «از دنیای شما همسران و بوی خوش را اختیار کردم و روشنی دیده من در نماز است». (۳)

### ترک ازدواج برای مسائل مالی

از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ازدواج را برای ترس از فقر ترک کند به خداوند بدگمان است، زیرا خداوند متعال در قرآن مجید فرماید: (إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)». (۴)

### دوست داشتن همسر

۱. در حدیثی به سند معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست داشتن همسر از اخلاق پیامبران است». (۵)

۲. و در روایتی فرمود: «گمان نمی کنم ایمان کسی بالا رود، مگر اینکه محبتش به همسرش زیاد شود». (۶)

۱- تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۷، ح ۵۷۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۲۸، باب کراهیه العزبه، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

۳- خصال، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۱۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۸، ح ۷.

۴- ترجمه: «اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد». (سوره نور، آیه ۳۲) کافی، ج ۵، ص ۳۳۰، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

۵- کافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

۶- کافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۲، ح ۱۱۵۱.



## لزوم آمیزش با همسر

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «سه چیز از سنت پیامبران است: بوی خوش، ازاله موهای زاید بدن و همخوابی با همسر». (۱)

۲. زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از شوهرش که نزد او نمی رفت شکایت کرد. حضرت فرمود: «خود را خوشبو ساز تا نزد تو آید». زن گفت: به هر عطری که داشتم خود را خوشبو ساختم ولی باز از من دوری می کند. حضرت فرمود: «اگر می دانست این کار چه ثوابی دارد از تو دوری نمی کرد». سپس فرمود: «هرگاه به سوی تو حرکت کند دو فرشته او را همراهی می کنند و ثوابش چونان کسی است که سلاح به دست گرفته، در راه خدا جهاد می کند و زمانی که با تو درآمیزد گناهانش می ریزد همچون ریزش برگ درختان و هرگاه غسل کند از گناهان خارج می شود». (۲)

## رهبانیت ممنوع

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «همسر عثمان بن مظعون خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، شوهرم روزها را روزه می گیرد و شب ها به عبادت می پردازد و نزد من نمی آید. حضرت خشمناک شد و با همان حال نزد عثمان بن مظعون رفت و فرمود: «ای عثمان، خداوند مرا به رهبانیت نفرستاده، بلکه به دین مستقیم و آسان مبعوث کرده است. من نماز می خوانم، روزه می گیرم و با همسرانم نزدیکی می کنم؛ پس هر که مرا دوست دارد باید طبق سنت و روش من عمل کند و آمیزش با همسران از

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۶۶، ح ۵۶۸.

۲- کافی، ج ۵، ص ۴۹۶، ح ۴.

سنت من است». (۱)

۲. در روایتی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «سه زن خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند. یکی گفت: شوهرم گوشت نمی خورد. دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استعمال نمی کند. و سومی گفت: شوهرم نزد همسرانش نمی رود. حضرت به سوی مسجد حرکت کرد، در حالی که از شدت خشم عباى وی بر زمین کشیده می شد. بر فراز منبر رفت، حمد و ثنای الهی گفت و فرمود: چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمی خورند و بوی خوش استعمال نمی کنند و نزد همسرانشان نمی روند؟ در حالی که من گوشت می خورم و بوی خوش می بویم و نزد همسرانم می روم. هر کس از سنت من پیروی نکند از من نیست». (۲)

۳. در روایتی معتبر آمده است که سکین نخعی بوی خوش و غذاهای لذیذ و آمیزش با همسرانش را ترک کرده و به عبادت پرداخته بود. در این موضوع نامه ای به حضرت صادق علیه السلام نوشت و آن حضرت در پاسخ نوشتند: «اما در مورد زنان، می دانی حضرت رسول چند همسر داشت و نزد آنها می رفت. و اما غذای لذیذ، حضرت رسول گوشت و غسل تناول می کرد». (۳)

## صفات پسندیده و ناپسند زنان

### اهمیت همسر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زن همچون گردنبند (وقلاده ای) است که به گردن خود می افکنی، دقت کن که چگونه گردنبندی برای خود انتخاب می کنی». (۴)

۱- کافی، ج ۵، ص ۴۹۴، باب کراهیه الزهانیه و ترک الباه، ح ۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۴۹۶، ح ۵.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۴.

۴- کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، باب اختیار الزوجه، ح ۱، تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۴، ح ۵۶۱.

۲. ودر حدیثی دیگر فرمود: «زنان صالحه و غیر صالحه هیچ یک قابل قیمت گذاری نیستند. اگر زن صالحه باشد هیچ طلا و نقره ای معادل ارزش او نخواهد بود، بلکه از طلا و نقره بهتر است. و اگر غیر صالحه باشد به خاک هم نمی ارزد، بلکه خاک از او بهتر است».<sup>(۱)</sup>

۳. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند جهانیان فرماید: هر گاه اراده کنم که خوبی های دنیا و آخرت را به کسی دهم این نعمت ها را نصیبش می کنم: دل شکسته خاشع، زبان ذاکر، بدن صبور بر بلا، زن مؤمن که هر گاه به او نگاه کند شاد شود و چون شوهر غایب شود خود را نگاه دارد و اموال شوهر را ضایع نکند».<sup>(۲)</sup>

۴. در روایتی صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «شخص عاقل و بسیار ثروتمندی در بنی اسرائیل زندگی می کرد که دارای دو همسر بود. یک فرزند از همسر عقیفه اش داشت که در شکل و شمایل شبیه پدر بود و دو فرزند از همسر دیگر که عفتی نداشت. به هنگام مرگ وصیت کرد که همه اموال من از آن یکی از شماهاست. چون پدر مرد هر کدام ادعا کرد که تمام اموال به وی می رسد. نزد قاضی رفتند، گفت: نزد آن سه برادر که به عقل و درایت در بین مردم مشهورند بروید تا در میان شما حکم کنند. نزد یکی از آنها رفتند که ظاهراً از همه بزرگ تر بود و آثار پیری در چهره اش نمایان بود. او گفت: نزد فلان برادرم که از من بزرگ تر است بروید. هنگامی که نزد او رفتند وی نه پیر و نه جوان بود، بلکه میانسال به نظر می رسید. او گفت: نزد برادر سوم که از من بزرگ تر است بروید. هنگامی که او را ملاقات کردند با کمال تعجب دیدند او از همه آنها جوان تر است. پرسیدند: چطور برادر کوچک تر از همه پیر تر و تو که از همه بزرگ تر از

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، باب اختیار الزوجه، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۴، ح ۵۶۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۲۷، ح ۲.

آنها جوان تری؟ پاسخ داد: اما برادر کوچک تر ما، همسر بسیار بدی دارد که برادرمان بر بدی های او صبر می کند، مبادا که به بلای دیگری مبتلا شود که نتواند صبر کند، بدین جهت از همه پیرتر نشان می دهد. و اما برادر دیگر همسری دارد که گاه خوشحالش می کند، بدین جهت میانسال مانده است. و اما من، همسری دارم که همواره مرا خوشحال می کند و هرگز خاطر مرا نمی آزارد، بدین سبب جوان مانده ام. به هر حال آن سه برادر داستان خود را نقل کردند و از او داوری خواستند. وی گفت: نخست بروید استخوان های پدر را از قبر خارج کرده و آتش بزنید، سپس بیایید تا در میان شما حکم کنم. چون از نزد آن شخص رفتند پسر کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگ برداشتند. هنگامی که به سر قبر رسیدند و قصد داشتند قبر پدر را با کلنگ بشکافند، پسر کوچک در مقابل آنها شمشیر کشید و گفت: اجازه نمی دهم قبر پدرم را بشکافید، من از سهم خود گذشتم و اموال پدر را به شما واگذار کردم. آنها نزد قاضی بازگشته و ماجرا را شرح دادند. قاضی اموال را به پسر کوچک واگذار کرد و خطاب به آن دو گفت: اگر شماها هم فرزند او بودید، مهر و عاطفه فرزندى مانع بیرون آوردن استخوان های پدرتان می شد». (۱)

### معیارهای معنوی همسر خوب

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «هر کس زنی را برای زیبایی یا اموالش بخواهد از هر دو محروم خواهد شد. و اگر به خاطر دین و ایمانش با وی ازدواج کند، خداوند زیبایی و ثروت نیز روزی او کند». (۲)
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به کفو وهم شأن خود

۱- راوندی، قصص الانبیاء، ص ۱۸۲.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۳۳، باب من تزوج ذات دین، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۳.

دختر بدهید و از کفو و هم شأن خود دختر بگیرید. و برای نطفه خود زنی پیدا کنید که شایسته فرزنددار شدن باشد». (۱)

### معیارهای جسمی همسر شایسته

۱. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با دختر باکره ازدواج کنید که فرزند بسیار آورد. و به سراغ زنی که از هر جهت مورد قبول شماست ولی فرزند نمی آورد نروید که من به تعداد مسلمانان نسبت به امت های دیگر در روز قیامت مباحات می کنم. مگر نمی دانید که فرزندان در زیر عرش الهی برای پدران خود طلب آمرزش می کنند. و حضرت ابراهیم علیه السلام از آنها نگهداری کرده و حضرت ساره آنها را بر فراز کوهی از مشک و عنبر و زعفران تربیت می کند». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «با دختران باکره ازدواج کنید که دهانشان خوشبوتر و رحم هایشان خشک تر و پستان هایشان پرشیرتر و فرزندان بیشتری می آورند. مگر نمی دانید که من در روز قیامت به فزونی جمعیت مسلمانان افتخار می کنم؟ حتی فرزندی که پیش از موعد سقط شده باشد خشمناک بر در بهشت می ایستد. خداوند فرماید: وارد شو، می گوید: نمی روم تا پدر و مادرم پیش از من وارد بهشت شوند. سپس خداوند به فرشتگان دستور می دهد که

پدر و مادرش را وارد بهشت کنید. پس از ورود آنها به بهشت، به آن طفل می فرماید: به خاطر رحمت زیادی که نسبت به تو داشتم پدر و مادر تو را هم وارد بهشت کردم». (۳)

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، ح ۳؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۷۰۴.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۳۴، ح ۴.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۳۴، باب فضل الأبکار، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۲، ح ۵۵۵.

۳. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سعادت انسان است که زنی سفیدرو داشته باشد». (۱)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که قصد خواستگاری از زنی داشتید از موهایش بپرسید، همان گونه که از چهره اش

سؤال می کنید». (۲)

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنی را خواستگاری کن که گندمگون، فراخ چشم، سیاه چشم، بزرگ سر، میانه بالا باشد. اگر نپسندید بیاید مهر او را از من بگیرد». (۳)

۶. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوبی زن آن است که مهرش کم وزایدنش آسان باشد. و شومی زن آن است که مهرش سنگین وزایدنش دشوار باشد». (۴)

### بهترین و بدترین زنان

۱. در روایتی با سند معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما زنی است که: فرزند بسیار آورد، شوهر دوست، عقیف، در میان خویشاوندانش عزیز، نزد شوهرش فروتن باشد، برای شوهرش زینت کند، از دیگران شرم کرده و عفت پیشه سازد، هر چه شوهرش گوید اطاعت کند، با شوهر گلاویز نشود و او را وادار بر آمیزش نکند». (۵) سپس فرمود: «بدترین زنان

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۳۵، ح ۷.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۵، ح ۱۱۶۴ از امیرالمؤمنین علیه السلام؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۰ از امام سجّاد علیه السلام.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۳۵، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۹.

۴- کافی، ج ۵، ص ۵۶۴، ح ۳۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۸.

۵- کافی، ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۰.

شما زنی است که: در میان قومش خوار، بر شوهر مسلط باشد، فرزند نیاورد، کینه توز باشد، از کارهای زشت و قبیح اجتناب نرزد، هنگامی که شوهرش نیست آرایش کند، خود را به دیگران عرضه نماید، هرگاه شوهر به منزل می آید خود را از وی پنهان سازد، از شوهر اطاعت نکند، در خلوت با شوهر از او مضایقه کند، از تقصیر شوهر درنگذرد». (۱)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «زنان قریش بهترین زنان مسلمان و مهربان ترین زنان نسبت به شوهران و فرزندانشان و امین ترین همسران نسبت به شوهران و باعفت ترین زنان نسبت به غیر شوهرانشان هستند». (۲)

و مصداق قریش در روزگار ما سادات هستند.

۳. و در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین زنان امت من زنی است که از دیگران خوش روتر و مهرش سبک تر باشد». (۳)

### زنی که از کارکنان خداست

در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: زنی دارم که هرگاه به خانه روم از من استقبال و چون بیرون آیم بدرقه ام می کند و هنگامی که مرا غمگین بیند می گوید: چرا ناخوشی؟ اگر برای رزق و روزی غمگین هستی خداوند متکفل روزی ما و دیگران است و اگر برای آخرت محزون، دعا می کنم که خدا اندوه تو را بزدايد. حضرت فرمود: «خداوند کارکنانی دارد و این زن از کارکنان خداست و نیمی از ثواب شهید را دارد». (۴)

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۲۵، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۲.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۲۶، باب فضل نساء قریش، ح ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۶، ح ۵۷۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۱.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۶، ح ۱۱۶۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۰.

## آداب خواستگاری و زمان مناسب آن

### خواستگاری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی به خواستگاری بروی دو رکعت نماز بگزار و حمد و ستایش پروردگار را به جا آور، سپس این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِیْ مِنَ النِّسَاءِ اَعْفَهْنَ فَرْجًا وَاَحْفَظَهْنَ لِیْ فِیْ نَفْسِهَا وَمَالِیْ وَاَوْسَعَهْنَ رِزْقًا وَاَعْظَمَهْنَ بَرَکَةً وَقَدِّرْ لِیْ وَلَدًا طَیِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِیْ حَیَاتِیْ وَبَعْدَ مَوْتِی». (۱)

۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است». (۲)

۳. در حدیث است که به حضرت باقر علیه السلام خبر رسید شخصی در گرمای هوا و در وسط روز به خواستگاری زنی رفته است. حضرت فرمود: «گمان نمی کنم محبت و الفت در میان آنها استوار شود». آنها به زودی از هم جدا شدند. (۳)

### زمان عقد و زفاف

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس عقد یا زفاف کند در حالی که قمر در عقرب باشد، عاقبت به خیر نمی شود». (۴)

۱- ترجمه: «بار خدایا، می خواهم ازدواج کنم. همسری برایم مقدر کن که پاکدامن ترین زنان و نگاه دارنده ترین آنها در حفظ و نگهداری خود و مال، از نظر روزی گسترده تر و از جهت برکت عظیم تر باشد و فرزند پاكروزی ام گردان که جانشین شایسته ای در حیات و پس از مرگ من باشد». کافی، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۵.

۲- علل الشرایع، ج ۳، ص ۵۹۸.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۶۶، باب الوقت الذی یکره فیه التزویج، ح ۱.

۴- تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۰، ح ۵۸۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۸.



۲. در روایتی معتبر آمده است که عقد کردن در ماه شوال خوب است. (۱)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که ازدواج در شب مستحب است. (۲)

### ولیمه ازدواج

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذا دادن به هنگام ازدواج از سنت پیامبران است». (۳)

۲. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون با میمونه ازدواج کرد به مردم ولیمه داد و غذای آن روز چیزی به نام «جلس» بود که از خرما و روغن و کشک تهیه می شد. (۴)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ولیمه روز اول ازدواج لازم و در روز دوم نیک و در روز سوم، ریا و سمعه است». (۵)

### خواندن خطبه عقد

در روایتی آمده است که امام جواد علیه السلام برای عقد کردن دختر مأمون چنین خطبه خواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ إِقْرَارًا بِنِعْمَتِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِخْلَاصًا لَوْحِيْدًا بِنَيْبَتِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَالْأَضْيَفِيَاءِ مِنْ عَثْرَتِهِ. أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَي الْأَنَامِ أَنْ أَعْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)». (۶)

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۶۳، ح ۲۹.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۶۶، باب ما يستحب من التزويج بالليل، ح ۱؛ تهذيب، ج ۷، ص ۴۸۲، ح ۶۳۲.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۶۷، ح ۱؛ تهذيب، ج ۷، ص ۴۷۲، ح ۵۹۰.

۴- کافی، ج ۵، ص ۳۶۸، باب الإطعام عند التزويج، ح ۲؛ تهذيب، ج ۷، ص ۴۷۱، ح ۵۸۹.

۵- الجعفریات، ص ۱۶۴؛ کافی، ج ۵، ص ۳۶۸، ح ۴.

۶- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به نعمت او اعتراف دارم و خدایی جز الله که خالصانه و حدائیت او اعتراف می کنم وجود ندارد و درود خداوند بر سرور مخلوقاتش و برگزیدگان از ذریه اش. اما بعد، از فضل خداوند بر مردم این است که آنان را با حلال از حرام بی نیاز گردانید و فرمود: مردان و زنانی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدستان باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ (فضل) خداوند واسع و (از نیازهای بندگان) آگاه است». (سوره نور، آیه ۳۲) مکارم الأخلاق، ص ۲۰۶.

سایر خطبه های طولانی در کتاب های مبسوط و مفصل ذکر شده است (۱)

و این کتاب گنجایش آن را ندارد و در مورد آداب صیغه نکاح کتابی جداگانه نوشته ام.

## آداب زفاف و آمیزش

### اشاره

(مقدمه:) انجام دادن مراسم عروسی (زفاف) به هنگامی که قمر در عقرب است، یا تحت الشعاع (۲) باشد، کراهت دارد. و آمیزش در حال عادت ماهیانه، یا

هنگامی که زن خون نفاس دیده حرام است، امّا تمتّعات دیگر (غیر از آمیزش) جایز است هر چند نسبت به بین ناف وزانو کراهت دارد. و برخی فقها آمیزش پس از پاک شدن و پیش از غسل را حرام دانسته اند و احتیاط در اجتناب است مگر اینکه ضرورتی باشد وزن مستحاضه اگر غسل و دیگر وظایفش را انجام دهد آمیزش اشکال ندارد. آنچه گفته شد در مورد آمیزش از طریق متعارف بود، امّا در آمیزش با همسر از طریق غیر متعارف (از پشت) بین فقها اختلاف نظر است؛ عدّه ای آن را حرام و بیشتر علما آن را مکروه می دانند و احوط اجتناب است و بهتر است به هنگام آمیزش با همسر، نطفه را بیرون نریزد و برخی علما این کار را بدون اجازه همسر حرام می دانند.

۱- به کتاب بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶۳، باب ۶ مراجعه فرمایید.

۲- کنایه از دو یا سه روز آخر هر ماه که جرم قمر (ماه) در آن ایام بر اثر باریکی زیاد، دیده نمی شود. (لغت نامه دهخدا).

## اوقات مکروه آمیزش

## شب چهارشنبه و هنگام تحت الشعاع

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مرد نباید در شب چهارشنبه با همسرش آمیزش کند». (۱)
۲. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در تحت الشعاع با همسرش آمیزش کند، (بیم آن می رود که) موجب سقط جنین شود». (۲)

## آمیزش در اوّل و وسط و آخر ماه

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در اوّل و وسط و آخر ماه آمیزش نکن که موجب سقط فرزند می شود. و اگر سقط نشود دیوانه به دنیا می آید، یا مبتلا به بیماری صرع خواهد شد. و نطفه کسانی که بیماری صرع دارند اکثر در اوّل یا آخر ماه منعقد شده است». (۳)
۲. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در اوّل و وسط ماه آمیزش نکن که زمینه بیماری های جنون، خوره و فساد عقل را در همسر و فرزندت به وجود می آورد». (۴)
۳. همچنین فرمود: «ای علی، در شب نیمه شعبان آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید شوم و نامیمون باشد. و در روز آخر ماه شعبان نیز این کار را ترک کن، چرا که اگر فرزندی به وجود آید یاور ستمکاران شود». (۵)

۱- کافی، ج ۵، ص ۳۶۶، باب الوقت الذی یکره فیہ التزوید، ح ۳.

۲- کافی، ج ۵، ص ۴۹۹، ح ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۴، ح ۶۰.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۵، ح ۱۲۰۸.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

### آمیزش هنگام طلوع و غروب آفتاب

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جنب شدن به هنگام طلوع آفتاب و نیز هنگام زردی آفتاب که خورشید غروب می کند کراهت دارد». (۱)

۲. در حدیثی معتبر آمده است که: «آمیزش میان سپیده صبح تا طلوع آفتاب و از هنگام غروب آفتاب تا برطرف شدن سرخی مغرب و در روزی که آفتاب می گیرد و در شبی که ماه می گیرد و در شب یا روزی که باد سیاه یا سرخ یا زرد می وزد کراهت دارد. به خدا قسم، اگر در این اوقات آمیزش کنند و فرزندى به دنیا آید آنچه را دوست دارند در آن فرزند نخواهند یافت، زیرا نشانه های خشم الهی را سبک شمرده اند». (۲)

### آمیزش در شب عید فطر و عید قربان و در برابر آفتاب

۱. در حدیث است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در شب عید فطر با همسر خود هم بستر نشو که اگر نطفه فرزندى در آن شب منعقد شود، منشأ شرور فراوانی خواهد شد». (۳)

۲. نیز فرمود: «ای علی، در شب عید قربان با زوجه خود آمیزش نکن که اگر فرزندى منعقد شود، نقص عضو خواهد داشت». (۴)

۳. نیز فرمود: «ای علی، در برابر تابش مستقیم نور آفتاب آمیزش نکن، مگر اینکه پرده ای میان خود و آفتاب قرار دهی، زیرا اگر در چنان حالتی فرزندى به وجود آید همواره پریشان وبدحال باشد». (۵)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷، ح ۱۸۲، ج ۳، ص ۲۵۵، ح ۱۲۰۹.

۲- محاسن، ص ۳۱۱، ح ۲۶؛ کافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

## اوقات حرام آمیزش

(مقدمه:) آمیزش با همسر در پاره ای از اوقات حرام است که علامه مجلسی رحمه الله فقط به یک مورد آن اشاره کرده است. (توجه کنید:)

در حدیثی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «هر کس با همسرش در حال حیض همبستر گردد و نطفه فرزندی در آن حال بسته شود، سپس آن فرزند به دنیا آید در حالی که مبتلا به بیماری پیسی باشد، جز خود هیچ کس را سرزنش نکند». (۱)

## اوقات مستحب آمیزش

۱. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آمیزش در شب اول ماه مبارک رمضان مستحب است». (۲)

۲. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در شب دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندی به وجود آید، (امید است) حافظ قرآن و راضی به قسمت خدا باشد». (۳)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، اگر در شب سه شنبه آمیزش کنی و خداوند فرزندی نصیب تو کند، سعادت اسلام نصیب وی شود و دهانش خوشبو و دلش مهربان و دستش سخاوتمند و زبانش از غیبت و تهمت پاک باشد». (۴)

۴. در سخنی دیگر فرمود: «ای علی، اگر در شب پنجشنبه آمیزش کنی و نطفه

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۱۲۱۳.

۲- کافی، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۲، ح ۴۸۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

فرزندی منعقد شود، حاکمی از حاکمان دینی، یا دانشمندی از دانشمندان خواهد شد». (۱)

۵. نیز در سخنی فرمود: «ای علی، اگر در شب جمعه آمیزش کنی و فرزندی از آن به وجود آید، خطیب و سخنگو باشد. و چنانچه در شب جمعه بعد از نماز عشا باشد، امید است که آن فرزند از ابدال (شریف و صالح و نیکوکار) باشد». (۲)

۶. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی زنی را ببیند و از او خوشش بیاید، با همسرش آمیزش کند زیرا او هم زنی است مانند آن زن؛ شیطان را بر دل خود مسلط نکند. و اگر همسری ندارد دو رکعت نماز بگزارد و حمد و ستایش خدا فراوان گوید و بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، سپس از خداوند تقاضای همسر کند تا او را از حرام بی نیاز سازد». (۳)

۷. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، هرگاه در عصر جمعه آمیزش کنی و فرزندی به وجود آید، از دانایان مشهور خواهد بود». (۴)

### مکان هایی که آمیزش در آن مکروه است

۱. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، زیر درخت دارای میوه آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید، (بیم آن می رود که) جلاّد و قاتل مردم، یا رئیس و سرکرده ستمکاران باشد». (۵)

۲. در سخنی دیگر فرمود: «ای علی، بر پشت بام آمیزش نکن که اگر فرزندی

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۷، ح ۱۹.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

به وجود آید، (بیم آن می رود که) منافق وریاکار و بدعتگذار باشد». (۱)

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوست ندارم کسی که در سفر برای غسل کردن آب در اختیار ندارد آمیزش کند، مگر اینکه بترسد

به او زیانی برسد». (۲)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در اتافی که کودکی در آن باشد آمیزش نکنید که آن کودک یا فرزندی که از آن آمیزش به وجود می آید، عقیف نباشد». (۳)

۵. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به حقّ خداوندی که جانم در دست اوست، هرگاه کسی با همسر خود آمیزش کند و در آنجا کسی بیدار باشد که ایشان را ببیند، یا سخن و نفس آنها را بشنود، فرزندی که از این آمیزش به وجود آید رستگار نشود و عقیف نباشد». (۴)

### کارهای مکروه به هنگام آمیزش

۱. در حدیثی معتبر و صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام آمیزش سخن نگویند، زیرا بیم آن می رود که اگر فرزندی به وجود آید لال باشد. (۵) و شوهر در آن وقت به عورت زوجه نگاه نکند، زیرا بیم نابینایی فرزند می رود». (۶)

توجه: این سخن در روایت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۲- تهذیب، ج ۷، ص ۴۸۲، ح ۶۳۴.

۳- کافی، ج ۵، ص ۴۹۹، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۶، ح ۶۱۲.

۴- کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲.

۵- کافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۷؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۶، ح ۶۰۸.

۶- تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۷، ح ۶۱۳.

علی علیه السلام نیز آمده است. البتّه نگاه کردن به عورت زوجه، در برخی دیگر از روایات جایز شمرده شده است. (۱) و این نشان می دهد که آنچه در روایت بالا

آمده، حکم تحریم نیست بلکه دلالت بر کراهت این کار دارد.

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، با علاقه زن دیگر با همسر خود آمیزش نکن که اگر در این حال فرزندی نصیب تو شود، (بیم آن می رود که) آلوده دامن باشد». (۲)

۳. در گفته ای دیگر فرمود: «ای علی، هنگامی که همسرت حامله است، بدون وضو با او آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید، کوردل و بخیل باشد». (۳)

۴. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «زن و شوهر به هنگام آمیزش کاملاً عریان نشوند، زیرا این کار موجب دوری فرشتگان از آنها می شود». (۴)

### حالت های مکروه به هنگام آمیزش

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که محتلم شده، پیش از آنکه غسل جنابت کند با همسر خود آمیزش نکند و اگر آمیزش کرد و فرزند عقب افتاده ای نصیبش شد، جز خود کسی را سرزنش نکند». (۵)

۲. در چندین روایت معتبر آمده است که زن و شوهر در حالتی که خضاب به حنا یا غیر آن بسته باشند، آمیزش نکنند. (۶)

۱- کافی، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۵؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۶، ح ۶۰۸.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۴- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸، ح ۸.

۵- طبّ الائمه، ص ۱۳۸.

۶- کافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۸؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۶، ح ۶۱۱.



۳. در روایتی آمده است که اگر کسی انگشتی در دست داشته باشد که نام خدا در آن باشد، جماع نکند. (۱)

۴. در حدیثی امام رضا علیه السلام از جدّ بزرگوارش امام صادق علیه السلام آورده است که: «هر کس پس از آمیزش و پیش از غسل بخواهد بار دیگر آمیزش کند، وضو بگیرد». (۲)

### آداب پیش از آمیزش

۱. در چندین روایت معتبر آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهید با همسر خود آمیزش کنید به روش مرغان نزد او نروید، بلکه نخست با زبان و دست و با گفتار و لمس، او را آماده سازید سپس آمیزش کنید». (۳)

۲. در روایتی می خوانیم که: «هرگاه امام زین العابدین علیه السلام می خواست با همسرش آمیزش کند، خدمتکاران را از آن محل دور می کرد و درها را می بست و پرده ها را می انداخت». (۴)

۳. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه کار را از کلاغ بیاموزید: آمیزش کاملاً پنهانی و به دور از چشم دیگران، بامداد به سراغ کار و کسب رفتن، و احتیاط فراوان». (۵)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردان به هنگام آمیزش عجله نکنند، زیرا زنان پیش از آمیزش کارهایی دارند که می خواهند انجام دهند». (۶)

۱- استبصار، ج ۱، ص ۴۸، ح ۱۳۳.

۲- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۸۲۲؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۶۳، ح ۸۰.

۳- کافی، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۵، ح ۶۵.

۴- کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲.

۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۰؛ خصال، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۴۷.

۶- خصال، ج ۲، ص ۴۳۳.

## آداب عروسی

۱. در حدیثی معتبر آمده است: «خداوند متعال در روز عقد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به سدره المنتهی دستور داد که آنچه داری برای نثار فاطمه فرو ریز! سدره المنتهی آنچه از مروارید و مرجان و جواهر داشت بر اهل بهشت نثار کرد. حوریان بهشتی آنها را بردند و تا روز قیامت به آن افتخار می کنند و برای یکدیگر هدیه می فرستند و می گویند: این نثار (هدیه شب عروسی) فاطمه (به حاضران) است». (۱)

۲. در حدیث آمده است که: «در شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام، مرکب حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله را آوردند و قطیفه ای بر روی آن انداختند، سپس حضرت به دخترش فاطمه فرمود: «سوار شو!» سلمان افسار آن را می کشید و پیامبر از پشت سر حرکت می کرد. در اثنای راه، صدای ملائکه به گوش حضرت رسید. جبرئیل با هزار فرشته و میکائیل با هزار فرشته فرود آمدند و به حضرت عرض کردند: خداوند ما را برای عروسی فاطمه فرستاده است. سپس جبرئیل و میکائیل تکبیر گفتند و ملائکه نیز الله اکبر گفتند و از آنجا سَنّت شد که در شب زفاف، الله اکبر بگویند». (۲)

۳. در احادیث و روایات معتبر در مورد عروسی در شب سفارش شده، از این رو عروسی در شب سَنّت است، همان گونه که پختن غذا در صبحگاهان. (۳)

۴. در برخی احادیث معتبر آمده است که نثار (۴) عروسی را می توان برداشت،

اما چون از یکدیگر غارت می کنند و می ربایند کراهت دارد.

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۱۲۰۲.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۱۲۰۲.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۶۶، باب ما یستحبّ من التّرویج باللیل، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۸۲، ح ۶۳۳.

۴- «نثار» چیزی است که شب عروسی بر سر عروس می ریزند.

وعلما فرموده اند: در صورتی برداشتن آن جایز است که از قراین و شواهد معلوم شود که صاحبان آن رضایت دارند. (۱)

۵. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ما غذاهای بسیار خوب و خوشبویی درست می کنیم، ولی بوی غذای عروسی در هیچ غذایی یافت نمی شود. حضرت فرمود: «علت آن این است که نسیم بهشتی بر طعام عروسی می وزد، زیرا غذایی است که برای کار حلالی آماده می شود». (۲)

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه به عروسی دعوت شدید دیر بروید، زیرا شما را به یاد دنیا می اندازد. و چون به تشییع جنازه دعوتتان کردند زودتر بروید که شما را به یاد آخرت می اندازد». (۳)

### آمیزش در حَمَام یا بدون روانداز

۱. در روایتی صحیح آمده است که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: آمیزش با همسر در حَمَام چه حکمی دارد؟ فرمود: «جایز است». (۴)

۲. در روایتی آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: اگر در حال آمیزش، روانداز از روی زن وشوهر کنار رود چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد». (۵)

### دعا و نماز در شب زفاف و هنگام آمیزش

#### آداب شب زفاف

۱. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «پیش از

۱- جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵۱.

۲- محاسن، ص ۴۱۸، ح ۱۸۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۶.

۳- قرب الإسناد، ص ۸۷، ح ۲۶۸؛ تهذیب، ج ۱، ص ۴۹۰، ح ۱۵۱۰.

۴- تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۱۱۳۵.

۵- کافی، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۷۵، ح ۶۰۶.

آنکه عروس را نزد تو آورند بگو وضو بگیرد، تو نیز وضو بگیر، سپس هر کدام دو رکعت نماز بگزارید. بعد حمد و ثنای الهی را به جا آورده، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و دعا کن و از زانی که همراه عروس آمده اند تقاضا کن که آمین بگویند. آن گاه این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي إِيَّهَا وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا وَأَرْضِنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَأَنْسِ اثْتِلَافِي، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ.** (۱) سپس فرمود: «الفت و محبت از سوی خدا و دشمنی از جانب

شیطان است و او می خواهد آنچه را خدا حلال کرده، در نظر مردم زشت

جلوه دهد». (۲)

۲. در روایتی حسنه آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که در شب زفاف نزد عروس رفتی، موی پیشانی اش را بگیر و او را رو به قبله کن و بگو:

**اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاءَ وَلَا نَصِيْبًا.** (۳)

۳. در حدیثی آمده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «داماد در شب زفاف این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا وَبِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَلُودًا وَدُودًا لَا تَفْرَكُ تَأْكُلُ مِمَّا رَاحَ وَلَا تَسْأَلُ عَمَّا سَرَخَ.**» (۴)

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود این دعا را بخواند:

۱- ترجمه: «بار خدایا، الفت و دوستی و خشنودیش را روزی ام کن و مرا (نیز) با او خشنود ساز و میان ما بهترین سازگاری و خو گرفتن و همدم بودن جمع کن، زیرا تو حلال را دوست و حرام را دشمن می داری».

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۲، ح ۵۹۳.

۳- ترجمه: «بار خدایا، به امانت تو او را به همسری گرفتم و با کلمات تو وی را بر خود حلال کردم، پس اگر برایمن از او فرزندی مقدر کرده ای او را مبارک و پرهیزگار و از شیعیان آل محمد قرار ده و از برای شیطان در او شراکت و بهره ای قرار مده». کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲.

۴- ترجمه: «بار خدایا، او را با کلمات تو بر خود حلال کردم و به امانت تو وی را به همسری گرفتم. بار خدایا، از او فرزندان بسیاری به من عطا کن و بر محبتش بیفزای، به گونه ای که دشمنی نکند و به آنچه برایش آورده می شود قناعت کند و از آنچه ندارد نپرسد». کافی، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۴.

«بِكَلِمَاتِ اللَّهِ اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا وَفِي أَمَانَةِ اللَّهِ أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ إِنَّ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ بَارًا تَقِيًّا وَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكًَا لِلشَّيْطَانِ». (۱)

### چگونه شیطان شریک نطفه می شود

۱. در روایتی معتبر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که در مورد دعای شب زفاف فرمود: «دست بر بالای پیشانی اش بگذار و بگو: اللَّهُمَّ عَلَي كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْكًَا لِلشَّيْطَانِ». (۲)

راوی پرسید: چگونه شیطان شریک نطفه می شود؟ امام فرمود: «اگر به هنگام آمیزش، نام خدا را ببرند شیطان دور می شود و اگر نبرند شریک نطفه می شود». آن شخص پرسید: چگونه می توان فهمید شیطان در نطفه کسی شریک شده است؟ فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد شیطان در نطفه اش شریک نشده و هر کس دشمن ما باشد شیطان در نطفه اش شرکت جسته است». (۳)

و به این مضمون، احادیث بسیاری در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد.

۲. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هر کس بخواهد شیطان در نطفه اش شریک نشود، بسم الله بگوید و سپس از شر شیطان به خداوند پناه ببرد». (۴)

۱- ترجمه: «با کلمات خدا او را بر خود حلال و بر امانت خدا با وی ازدواج کردم. بار خدایا، اگر در رحم او فرزندی برای من مقدر کرده ای او را نیکوکار و پرهیزگار قرار ده و مسلمانی راست اندام (وسالم) گردان و از برای شیطان در او شراکتی قرار مده». کافی، ج ۵، ص ۵۰۲، ح ۲.

۲- ترجمه: «بار خدایا، بر طبق کتاب تو او را به ازدواج خود در آوردم و با امانت تو او را به همسری گرفتم و با کلمات تو او را بر خود حلال کردم. اگر در رحم او فرزندی برای من مقدر کرده ای خلقتش را کامل گردان و برای شیطان در آن شراکتی قرار مده». کافی، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۰، ح ۵۸۴.

۳- کافی، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۰۷، ح ۵۸۴.

۴- کافی، ج ۵، ص ۵۰۲، ح ۱.

۳. در حدیثی دیگر آمده است که امام صادق علیه السلام چگونگی شرکت شیطان در نطفه انسان را بیان فرمود و آن را بسیار مهم شمرد. راوی پرسید: چه باید کرد که این اتفاق نیفتد؟ حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی آمیزش کنی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِیْ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ یَدِیْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اللّٰهُمَّ اِنْ قَضَیْتَ مِنِّیْ فِیْ هَذِهِ اللَّیْلَةِ خَلِیْفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطٰنِ فِیْهِ شِرْکًا وَلَا نَصِیْبًا وَلَا حَظًّا وَاجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا مُصَفًّیًّا مِنَ الشَّیْطٰنِ وَرَجَزِهِ جَلَّ ثَنَاؤُکَ» (۱).

### دعای هنگام آمیزش

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی با همسرت آمیزش کنی این دعا را بخوان. اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِیْ وَوَلَدًا وَاجْعَلْهُ تَقِیًّا زَكِیًّا لَیْسَ فِیْ خَلْقِهِ زِیَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ اِلَیْ خَیْرٍ» (۲).

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی بخواهد آمیزش کند این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ جَنِّبِنِی الشَّیْطٰنَ وَجَنِّبِ الشَّیْطٰنَ مَا رَزَقْتَنِیْ. در این صورت اگر فرزندی نصیبش شود، شیطان هرگز به او ضرری نمی رساند» (۳).

۱- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خدایی که جز او خدایی نیست. همو که آفریننده آسمان ها وزمیناست. بار خدایا، اگر در این شب برای من فرزندی مقدر کردی، برای شیطان در او شراکت و بهره ای قرار مدهو او را مؤمنی با اخلاص و پاکیزه از شیطان و پلیدی شیطان قرار ده، تو مستحق ستایش بزرگی». کافی، ج ۵، ص ۵۰۳، ح ۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۰۶.

۲- ترجمه: «بار خدایا، فرزندی روزی ام کن و او را پرهیزگار و پاک قرار ده، در خلقتش زیاد و کمی نباشد و عاقبت او را نیک گردان». تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۳، ح ۵۹۸.

۳- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). بار خدایا، شیطان را از من و فرزندی که نصیب من می کنی دور کن». کافی، ج ۵، ص ۵۰۳، ح ۵۹۸.

## حقوق زن وشوهر بر یکدیگر

### حقوق شوهر بر زن

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: «زنی خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: حقّ شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمود: لازم است از شوهرش اطاعت کند و نافرمانی نکند، بدون اجازه شوهر از اموالش صدقه ندهد، بدون رضایت شوهر روزه مستحبّی نگیرد، هر گاه نیاز به آمیزش داشت مضایقه نکند، بی اجازه شوهر (جز برای کار ضروری) از خانه بیرون نرود که اگر چنین کند تا زمانی که به خانه بازگردد ملائکه آسمان وزمین و ملائکه غضب و رحمت همگی او را نفرین می کنند. آن زن دوباره پرسید: حقّ چه کسی بر مرد از همه عظیم تر است؟ فرمود: حقّ پدر. عرض کرد: حقّ چه کسی بر زن از همه عظیم تر است؟ فرمود: حقّ شوهر».

۲. در روایتی دیگر می خوانیم: «زنی خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله رسید و از حقّ شوهر بر زن پرسید. حضرت فرمود: بیش از آن است که بتوان گفت، از جمله

اینکه بدون اجازه اش روزه مستحبّی نگیرد و از خانه بیرون نرود، به بهترین بویا خود را خوشبو سازد، زیباترین لباس ها را برای او بپوشد، خود را به بهترین صورت برای شوهر بیاراید» (۱).

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «بی اجازه شوهر چیزی از اموالش را به کسی ندهد که اگر چنین کند گناهِش برای زن و ثوابش برای شوهر است. و هیچ شب سر بر بالین نگذارد مگر اینکه شوهر از او راضی باشد» (۲).

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زنی شب را به صبح برد

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۷.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۸.

در حالی که شوهرش از او آزرده خاطر باشد، نمازش قبول نمی شود تا شوهر از او راضی گردد. و هر زنی که برای غیر شوهر بوی خوش استفاده کند نمازش قبول نیست تا آنکه بوی خوش را از خود بزدايد». (۱)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «عمل سه گروه به آسمان بالا نمی رود؛ یک گروه زنانی اند که شوهرانشان از آنها راضی نباشند». (۲)

۶. در احادیث معتبر آمده است: «جهاد مردان آن است که جان و مال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته (یا پیروز) شوند و جهاد زنان آن است که با شوهر خود مدارا کنند». (۳)

۷. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر زنی به شوهرش بگوید: من هرگز از تو نیکی ندیده ام، ثواب اعمالش از بین می رود». (۴)

### حقوق زن بر شوهر

۱. در روایاتی معتبر و بسیار آمده است: «حق زن بر مرد این است که نیازهای او را در تغذیه و لباس تأمین کند و اگر بدی کرد او را ببخشد». (۵)

۲. در حدیثی دیگر در مورد (بخشی از) حقوق زن، علاوه بر آنچه در بالا

ذکر شد، چنین آمده است: «با وی بد اخلاقی نکنند، به مقدار نیاز برایش مواد آرایشی و غذایی و لباس تهیه کنند، خانه اش را از مواد مورد نیاز خالی نگذارند، میوه های فصل را برایش بخرند، در اعیاد بیش از ایام دیگر برایش مواد خوراکی

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۰۷، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۱۳۲۰ و ۱۳۲۲.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۰۷، ح ۳.

۳- کافی، ج ۵، ص ۵۰۷، ح ۳.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۱۳۲۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۵.

۵- کافی، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۹، ح ۱۳۲۷.



تهیه کند». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از خدا درباره حقّ دو گروه بترسید: یتیمان و زنان». (۲)

۴. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین شما کسی است که با همسر خود رفتار بهتری داشته باشد». (۳)

۵. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «خلاف مروّت است که انسان در شهری که همسرش آنجاست، شب را نزد همسرش نرود و جای دیگر بخوابد». (۴)

۶. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: «اگر مردی به همسر خود بگوید دوست دارم، همسرش هرگز آن را فراموش نمی کند». (۵)

## دعاهای طلب فرزند و فضیلت آن

### فرزندان در کلام معصومان علیهم السلام

#### اهمیت و تعداد فرزند

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «فرزند صالح گلی از گل های بهشت است». (۶)

۲. و در حدیثی دیگر فرمود: «فرزند صالح از سعادت انسان است». (۷)

۳. و در روایتی دیگر فرمود: «هر که بدون فرزند بمیرد گویا هرگز در میان

---

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۱۱، ح ۵.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۱۱، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۸، ح ۱۱۷۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۱، ح ۱۳۳۹.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۱۷۱۹.

۵- کافی، ج ۵، ص ۵۶۹، ح ۵۹.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۸.

۷- کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۱.

مردم نبوده و کسی که از خود فرزندی به جا گذاشته، گویی نمرده است». (۱)

۴. و در سخنی دیگر فرمود: «فرزند بسیار داشته باشید که من به جمعیت فراوان مسلمانان در روز قیامت مباحث می کنم». (۲)

### تأثیر اعمال فرزند در کارنامه والدین

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت عیسی از کنار قبری گذشت که صاحبش را عذاب می کردند. سال دیگر از کنار همان قبر عبور کرد اما خبری از عذاب نبود. در این مورد از پروردگار سؤال کرد. وحی رسید: امسال فرزند صاحب قبر به سنّ بلوغ رسید و جاده ای را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، بدین سبب او را آمرزیدم. سپس فرمود: میراثی که از برای خدا از بنده می ماند، فرزندی است که پس از او خدا را عبادت کند». (۳)

### پاداش زحمات پدر و مادر

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون بیماری گریبانگیر فرزند می شود، کفّاره گناهان والدین اوست». (۴)

۲. در حدیثی صحیح می خوانیم: «روزی جبرئیل نازل شد و دید حضرت رسول و علی علیهما السلام ناله می کنند. علت را پرسید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: دو طفل ما گریه کردند و بر اثر گریه آنها ما اذیت شدیم. جبرئیل گفت: خداوند متعال فرموده است: گریه کودکان تا هفت سال همچون ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و از هفت تا

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱۴۹۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲، ح ۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۲؛ عدّه الدّاعی، ص ۷۷.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۲، ح ۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۰، ثواب مرض الصّبی، ح ۱.

چهارده سالگی، طلب آموزش برای پدر و مادر است و چون به سنّ بلوغ برسند، پدر و مادر در ثواب اعمال آنها شریک اند و در گناهانشان شریک نیستند». (۱)

### ثواب دوران بارداری و شیردهی

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از هنگامی که زن باردار می شود تا زمانی که وضع حمل کند و فرزندش را از شیر می گیرد، مانند کسی است که در مرزهای کشور اسلامی با کافران جهاد کرده و شرّ آنها را از سر مسلمانان کوتاه می کند. و اگر در این بین بمیرد، ثواب شهیدان را دارد». (۲)

### دختر یا پسر

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند بر دختران مهربان تر از پسران است. و هر مردی که شاد کند زنی را که با او خویشاوندی دارد و محرم اوست، خداوند او را در قیامت شاد می گرداند». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دختران حسنات هستند و پسران نعمت و خداوند بر حسنه ثواب می دهد و از نعمت سؤال می کند». (۴)

۳. امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: «شنیده ام خداوند دختری به

تو عنایت کرده ولی او را نمی خواهی؟ مگر چه ضرری برای تو دارد؟ دختر

گلی است که اورامی بویی و روزیش را خدا می دهد و پیامبر پدر دختران بود». (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۲، ح ۵.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۲۳۴.

۳- کافی، ج ۶، ص ۶، ح ۷.

۴- کافی، ج ۶، ص ۶، ح ۸؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۹، ثواب اب البنات، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۶، ح ۹.

۴. ودر سخنی دیگر فرمود: «هر کس آرزوی مرگ دختران را کند و آنها بمیرند، ثوابی در کارنامه اعمالش نخواهد بود و در روز قیامت نزد خداوند گناهکار باشد». (۱)

۵. در حدیثی دیگر آمده است: «کسی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود، به وی خبر دادند خداوند دختری به تو داد، رنگش تغییر کرد. حضرت فرمود: زمین گهواره او و آسمان سایبانش و خداوند روزیش را می دهد. وگلی است که او را می بویی (از چه چیز ناراحتی؟) سپس رو به یارانش کرد و در مورد کسانی که یک یا چند دختر دارند سفارش هایی فرمود». (۲)

۶. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس نفقه سه دختر یا سه خواهر را دهد بهشت بر او واجب می شود. سپس فرمود: بلکه هر کس دو یا یک تن از آنان را نفقه دهد، بهشت بر او واجب می شود». (۳)

### دعا برای فرزندان شدن

#### دعاهای مخصوص

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسانی که دیرهنگام صاحب فرزند می شوند این دعا را بخوانند:  
 اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحِيدًا وَخَشَاءً، فَيَقْضِي شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي عَاقِبَةً صِدْقًا ذُكُورًا وَإِنَاثًا، أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَسِيكُنْ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرْكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ، يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعْظَمُ. ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَاقِبَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ

۱- کافی، ج ۶، ص ۵، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۹.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۹.

۳- کافی، ج ۶، ص ۶، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۹.

فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءِ بِالْعَهْدِ». (۱)

۲. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس این دعا را بخواند، خداوند دعاهایش را در مورد ثروت و فرزند و خیر دنیا و آخرت مستجاب می کند: رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي فِي حَيَاتِي وَيَسِّرْ تَغْفِيرِي لِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۲) و برای فرزنددار

شدن، هفتاد مرتبه آن را بخواند». (۳)

۳. در حدیث است که کسی از نداشتن فرزند به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هر گاه بخواهی با همسر خود آمیزش کنی این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنْ رَزَقْتَنِي ذَكَرًا سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا». (۴)

## استغفار

۱. ابرش کلبی به امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد: صاحب فرزند نمی شوم.

۱- ترجمه: «بار خدایا، مرا تنها وامگذار و تویی بهترین وارثان، تنهای ترس آوری که تفکرم از شکر گزاریمی کاهد، بلکه مرا عاقبتی صادقانه با پسران و دخترانی ببخش که از تنهایی به آنان مانوس بوده و آرام گیرم و در هنگام کامل شدن، نعمت تو را شکر کنم ای بخشنده، ای بزرگ، ای بزرگ کننده. سپس در هر عافیتتوفیق شکر و سپاس به من عطا کن تا مرا در راستگویی و ادای امانت و وفای به پیمان، به خشنودی و بهشتتو برساند». کافی، ج ۶، ص ۷، ح ۱.

۲- ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار. و تویی بهترین وارثان و از نزد خود برای من یآوری (فرزندی) قرار ده که در زندگی به من کمک کند و پس از مرگ برایم طلب مغفرت نماید و او را خلقتی موزون قرار ده و از برایشیطان در او بهره ای قرار مده! بار خدایا، من از تو طلب مغفرت می کنم و به سوی تو بازمی گردم، زیرا تو بخشنده و مهربانی».

۳- مکارم الأخلاق، ص ۲۲۴.

۴- ترجمه: «خدایا، اگر فرزند پسری روزی ام کنی او را محمد نامیدم». کافی، ج ۶، ص ۱۱، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۵.

حضرت فرمود: «هر روز یا هر شب صد مرتبه استغفار کن». (۱)

وبهتر آن است که «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بگویند.

۲. در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است که برای حلّ مشکل نداشتن فرزند چنین بگویند: هر صبح و شام هفتاد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ»، سپس ده بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، بعد نه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» و به دنبال آن، یک بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ». راوی می گویند: جمع بسیاری به این دستور عمل کردند و بر آن مداومت نمودند و فرزندان فراوانی روزی آنها شد. و در هر یک از اینها می توان به یک «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» اکتفا کرد. (۲)

۳. در حدیث است که کسی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و از کمی فرزند شکایت کرد. حضرت فرمود: «سه روز پس از نماز صبح و عشا هفتاد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» بگو و پس از آن این آیات شریفه را تلاوت کن: (إِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَبَيْنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا). (۳) سپس در شب سوم با همسر خود آمیزش کن، خداوند پسری سالم به تو خواهد داد». (۴)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که برای فرزنددار شدن سفارش کرد: «هر شب سحر صد بار استغفار کن و اگر شبی فراموش شد در وقت دیگر قضای آن را به جا آور». (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۸، ح ۴.

۲- کافی، ج ۶، ص ۸، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۴.

۳- ترجمه: «از پروردگار خویش آموزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است - تا باران های پربرکت آسمان را پیدر پی بر شما فرو فرستد - و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد». سوره نوح، آیات ۱۰ - ۱۲.

۴- طبّ الائمه، ص ۱۲۹.

۵- کافی، ج ۶، ص ۹، ح ۶.

۵. از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزند بخواهد، بسیار استغفار کند». (۱)

### تلاوت آیاتی از قرآن برای زاد و ولد

۱. در حدیث است که حارث نصری می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم از خاندانی هستم که منقرض شدند و فرزند ندارم. حضرت فرمود: «در حال سجود چنین دعا کن: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. (۲) رَبِّ لَا تَذَرْنِي

فَزْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ». (۳) این کار را کردم و خداوند متعال به من علی و حسین

را عطا فرمود. (۴)

۲. مردی از اینکه صاحب فرزند نمی شد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هر گاه بخواهی با همسر خود آمیزش کنی، این سه آیه را از قرآن بخوان، إن شاء الله خداوند فرزندی روزی تو کند: (وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ

أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ \* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ \* وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ). (۵)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۲۶.

۲- ترجمه: «پروردگارا، از نزد خود نسلی پاکیزه به من ببخش، که تو شنونده دعایی». سوره آل عمران، آیه ۳۸.

۳- ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار (و فرزند برومند به من عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی». سوره انبیاء، آیه ۸۹.

۴- کافی، ج ۶، ص ۸، ح ۲.

۵- ترجمه: «و (به یاد آر) صاحب ماهی (یونس) را در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (امریا وقتی که در کام نهنگ فرو رفت)، در آن ظلمت ها (یمترکم) صدا زد: «خداوندا، جز تو معبودی نیست؛ منزهی تو! من از ستمکاران بودم». ما دعای او را بهاجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم. و (به یاد آر) زکریا را در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگارا، مرا تنها مگذار (و فرزند برومند به من عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی». (سوره انبیاء، آیات ۸۷ - ۸۹) کافی، ج ۶، ص ۱۰، ح

## نماز مخصوص، اذان و نام علی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواند همسرش حامله شود، پس از نماز جمعه دو رکعت نماز بخواند و رکوع و سجودش را طولانی کند و پس از نماز بگوید: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلُكَ بِهِ زَكَرِيَّا: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ إِسْتَحَلَّتْهَا وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاءَ وَلَا نَصِيبًا».** (۱)

۲. در حدیث است که کسی خدمت امام رضا علیه السلام رسید و عرض کرد: همواره بیمارم و صاحب فرزند نمی شوم. حضرت فرمود: «در خانه ات با صدای بلند اذان بگو» آن شخص به دستور امام عمل کرد، بیماریش برطرف و فرزندان بسیاری نصیبش شد. (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزندی روزی اش نشده، اگر نیت کند که نام فرزندش را علی بگذارد، خداوند پسری به او عطا کند». (۳)

۴. در روایت دیگری می خوانیم: «نام فرزند را علی بگذارید تا عمرش درازتر شود». (۴)

۱- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم آنچه را که زکریا از تو خواست «پروردگارا، مرا تنها وامگذار و تو بهترین وارثانی. بار خدایا، از نزد خود نسلی پاکیزه به من ببخش زیرا تو شنونده دعایی»، بار خدایا، با نام تو او را بر خود حلال کردم و به امانت تو او را گرفتم، پس اگر در رحم او فرزندی مقدر کرده ای او را مبارک و پاک گردانواز برای شیطان در او شریک و بهره ای قرار مده». کافی، ج ۶، ص ۸، ح ۳؛ تهذیب، ج ۳، ص ۳۴۸، ح ۹۷۴.

۲- کافی، ج ۶، ص ۹، ح ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۹۰۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۱۰، ح ۱۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۱۱، ح ۲.



## احکام دوران حمل وزایمان و پس از آن

### پیش از زایمان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به زن حامله به بخورانید تا فرزندش خوشبوتر و رنکش صاف تر شود». (۱)

۲. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به زنان حامله کُنْدُر بخورانید که اگر کندر غذای جنین شود، دلش محکم و عقلش زیاد می شود؛ اگر پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد نزد شوهرش عزیز است». (۲)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نام فرزندان را پیش از ولادت انتخاب کنید. اگر نمی دانید پسر است یا دختر از نامی مشترک بین پسر و دختر بگذارید، زیرا اگر این کار را نکنید و فرزند سقط شود، در روز قیامت به شما گوید: چرا بر من نام نگذاشتید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله، محسن فرزند فاطمه علیها السلام را هنگامی که در شکم مادر بود نام نهاد». (۳)

### هنگام زایمان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بر زن حامله درد زایمان سخت شود، این آیات را بر روی پوستی نوشته، بر ران راستش ببندید و پس از زایمان آن را باز کنید: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ (۴) كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحِيَّةً (۵) إِذْ

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۶، ح ۷۱۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۳، ح ۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۱۸، ح ۲.

۴- ترجمه: «هنگامی که وعده ای را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند». سوره احقاف، آیه ۳۵.

۵- ترجمه: «آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است». سوره نازعات، آیه ۴۶.

قَالَتْ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا». (۱)

۲. نویسنده کتاب طب الائمه می گوید: «کسی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و گفت: همسرم بر اثر شدت درد زایمان نزدیک است بمیرد. حضرت فرمود: این آیات را بر او بخوان: (فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِهِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا \* فَنَادِيهَا مِنْ تَحْتِهَا أَنْ لَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا \* وَهَزِي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلِهِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا) (۲) سپس با صدای بلند این آیه را بخوان:

(وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) (۳) كَذَلِكَ أَيُّهَا الطَّلُقُ أُخْرِجُ بِإِذْنِ اللَّهِ. (۴) اگر آنچه را که گفته

شد بخوانی، به یاری خداوند فوراً زن نجات می یابد». (۵)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه زن حامله وارد ماه وضع حمل شد این آیات را در کاغذی بنویسد و چیزی بر آن بیچید (اما گره نزنید) و بر کمر آن زن ببندید. در این صورت درد زایمان او را نیازارد و پس از وضع حمل آن را باز کنید و بیش از یک ساعت همراهش نباشد.

(أَوَلَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ

۱- ترجمه: «(به یاد آرید) آن گاه که همسر عمران گفت: خداوندا، آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، کهمحرر (وآزاد، برای خدمت خانه تو) باشد». (سوره آل عمران، آیه ۳۵) السرائر، ج ۳، ص ۵۹۸.

۲- ترجمه: «درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند؛ (آن قدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش می شدم». ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است. و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطبتازه ای بر تو فرو می ریزد». سوره مریم، آیات ۲۳ - ۲۵.

۳- ترجمه: «و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج کرد در حالی که هیچ چیز نمی دانستید؛ و برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را به جا آورید». سوره نحل، آیه ۷۸.

۴- ترجمه: «ای درد، به اذن خداوند این چنین خارج شو».

۵- طب الائمه، ص ۶۹.

الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ. (۱) (وَأَيُّ لَهْمٍ لَّهُمْ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلَمُونَ \*

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ \* وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ \* لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ \* وَأَيُّ لَهْمٍ لَّهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ \* وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ \* وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ \* إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ). (۲) (وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ). (۳)

و در پشت کاغذ این آیات زیر را بنویسید: (كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ). (۴) (كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ

يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا). (۵)

۱- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم و هرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟!» سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲- ترجمه: «شب (نیز) برای آنها نشانه ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی گیریم، ناگهان تاریکیانان را فرا می گیرد. و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است؛ اینتقدیر خداوند توانا وداناست. و برای ماه منزلگاه هایی قرار دادیم، (وهنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام به صورت «شاخه کهنه قوسی شکل وزردرنگ خرما» درمی آید. نه خورشید را سزاست که به ماهبرسد ونه شب بر روز پیشی می گیرد؛ وهر کدام در مسیر خود شناورند. نشانه (ای دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان این است که ما فرزندانشان را در کشتی هایی پر (از وسایل وبارها) حمل کردیم. و برای آنها مرکب های دیگری همانند آن آفریدیم. و اگر بخواهیم غرقشان می کنیم به طوری که نه فریادرسی داشته باشند ونه نجات داده شوند. مگر اینکه رحمت ما (شامل آنان شود)، و تا زمانی معین از این زندگی بهره گیرند». سوره یس، آیات ۳۷ - ۴۴.

۳- ترجمه: «(بار دیگر) در صور دمیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشانمی روند». سوره یس، آیه ۵۱.

۴- ترجمه: «هرگاه وعده ای را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند». سوره احقاف، آیه ۳۵.

۵- ترجمه: «آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقفشان (در دنیاوبرزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است». (سوره نازعات، آیه ۴۶) طَبَّ الْأُنْمَةِ، ص ۹۵.

## پس از وضع حمل

## غذای مادر

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اَوَّلُ چیزی که زن پس از وضع حمل باید بخورد رطب است، همان گونه که خداوند متعال به حضرت مریم علیها السلام پس از وضع حمل دستور داد رطب بخورد. و اگر فصل رطب نباشد (یا رطب در دسترس نباشد) نُه عدد از خرماهای مدینه بخورد. و اگر آن هم موجود نبود، نُه عدد از خرماهای دیگر که در اختیار دارد بخورد، زیرا خداوند متعال می فرماید: به عَزَّتْ و جلالم سوگند، اگر هر زنی که تازه زاییده رطب بخورد فرزندش را بردبار می گردانم».<sup>(۱)</sup>

۲. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بهترین میوه های شما خرماهای برنی است؛ پس به زنان بعد از وضع حمل، خرماهای برنی بخورانید تا فرزندش زیرک و بردبار شود».<sup>(۲)</sup>

۳. در روایتی آمده است که هرگاه به حضرت سجاد علیه السلام بشارت ولادت فرزند می دادند نمی پرسید پسر است یا دختر، بلکه از سلامتی مولود سؤال می کرد

و هنگامی که خبر سلامتی اش را می دادند، می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَيْئًا مُسَوِّهَاً».<sup>(۳)</sup>

## تبریک ولادت و رنگ لباس نوزاد

۱. در حدیثی می خوانیم امام صادق علیه السلام به کسی که خداوند به وی پسر داده

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۴.

۲- محاسن، ص ۵۳۴، ح ۸۰۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۳.

۳- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که از من، فرزند معیوب و زشتی نیافرید». کافی، ج ۶، ص ۲۱، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۶، ح ۷۱۰.

بود چنین تبریک گفت: «رَزَقَكَ اللهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ وَبَارَكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ وَبَلَغَ بِهِ أَشَدَّهُ وَرَزَقَكَ بِرَّهُ». (۱)

۲. از حدیث هایی که در مورد ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام وارد شده است استفاده می شود که پیچیدن نوزاد در پارچه زرد، کراهت دارد و در پارچه سفید مستحب است. (۲)

### برداشتن کام طفل

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام طفل خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که این کار، نوزاد را در برابر دردها و بلاها بیمه می کند». (۳)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام طفل را با آب فرات بردارید و در گوشش اقامه بگویید». (۴)

۳. در روایتی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «کام نوزاد را با آب

فرات و تربت امام حسین علیه السلام بردارید و اگر آب فرات نباشد با آب باران». (۵)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام فرزندان خود را با خرما بردارید، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله با امام حسن و حسین علیهما السلام چنین کرد». (۶)

۱- ترجمه: «خداوند توفیق شکر کسی که این فرزند را به تو بخشیده عنایت فرماید و در آن فرزند به تو برکت دهد و او را به کمال قوت برساند و خوبی های او را روزی تو کند». کافی، ج ۶، ص ۱۷، باب التهیه بالولد، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۳، ح ۶۹۹.

۲- صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۷۳، ح ۱۴۵.

۳- کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۲؛ تهذیب، ج ۶، ص ۸۴، ح ۱۴۲ و ۱۴۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۶۹۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۹.

۶- کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۵؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۳، ح ۶۹۷.

### قطره ریختن در بینی، اذان واقامه گفتن در گوش و غسل دادن نوزاد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه نوزاد به دنیا آمد به مقدار یک عدس از جاوشیر (۱) در آب حل کنید، سپس دو قطره از آن را در بینی

راست و یک قطره را در بینی چپ نوزاد بریزید». (۲)

۲. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از آنکه ناف نوزاد را قطع کنید، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویید، در این صورت ترسی بر آن فرزند نیست و امّالصبّیان (نوعی بیماری کودکان) به او

ضرر نمی زند». (۳)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزندی از او متولد شود باید در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید که او را از شرّ شیطان حفظ می کند». (۴)

۴. از جمله اعمال مستحب در وقت ولادت، غسل دادن نوزاد است (۵)، حتّی

برخی علما آن را واجب می دانند. (۶) و احتیاط آن است که چنین نیت کند: غسل

می دهم این طفل را برای رضای خدا، سپس سرش را بشوید و بعد سمت راست و در آخر سمت چپ بدنش را بشوید.

۱- «جاوشیر» صمغی است بدبو به رنگ سرخ تیره که از بیخ و ساقه گیاهی گرفته می شود. گیاه آن دارای ساقه بلند و پرزدار و برگ هایش شبیه برگ انجیر و گل های آن زرد و خوشبو است. گاوشیر و جواشیر و کوشیر همگفته شده است (فرهنگ عمید).

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۳، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۶۹۵.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۳، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۶۹۵.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۶؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۳، ح ۶۹۸.

۵- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۷، ح ۳.

۶- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۵۱.

## نامگذاری

## اشاره

۱. در فقه الرضا آمده است که: «نام نوزاد را در روز هفتم تعیین کنید». (۱)

۲. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نخستین نیکی پدر به فرزند، انتخاب نام نیک است». (۲)

## نام های نیک

۱. از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «راست ترین نام ها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند،

مانند عبدالله و بهترین نام ها نام پیامبران است». (۳)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس چهار فرزند نصیبش شود و هیچ یک را به نام

من نهد، بر من جفا کرده است». (۴)

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه ای که در آن نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا

جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه بوده باشد، فقر و بینوایی وارد آن خانه نمی شود». (۵)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی برای مشورت جمع شوند و در میان آنها

کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد، رأی آنها بر آنچه خیر است قرار می گیرد». (۶)

۵. و در حدیثی دیگر فرمود: «فرزندی که نام محمد را برای او انتخاب

۱- فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۳۹.

۲- کافی، ج ۶، ص ۱۸، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۳، ح ۷۰۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۱۸، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۴، ح ۷۰۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۱۹، ح ۶؛ عدّه الدّاعی، ص ۷۷.

۵- کافی، ج ۶، ص ۱۹، ح ۸؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۴، ح ۷۰۴.

۶- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۳۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.

کرده اید، گرامی بدارید و در مجلس برایش جا باز کنید و بر او رو ترش نکنید». (۱)

۶. و در روایتی دیگر فرمود: «هر خانواده ای که نام پیامبری در میان آنها باشد، خداوند متعال هر صبح و شام فرشته ای می فرستد که برایشان به قداست و پاکی دعا کند». (۲)

۷. در روایتی می خوانیم که کسی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: خداوند به من پسری داده است. امام فرمود: «مبارک باشد چه نامی برایش انتخاب کرده ای؟» عرض کرد: محمد. امام سر را به پایین خم کرد، نام محمد را تکرار می کرد به حدی که صورت ایشان به زمین نزدیک شد. سپس فرمود: «جان خود و فرزندان و همسران و پدر و مادر و تمام ساکنان زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله باد! اکنون که چنین نام مبارکی برایش انتخاب کرده ای به او دشنام نده و او را کتک زن و در حقش بدی نکن و توجه داشته باش که هیچ خانه ای نیست که در آن نام محمد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را تطهیر و تقدیس می کنند». (۳)

۸. در حدیث است که جابر می گوید همراه امام باقر علیه السلام به منزل یکی از شیعیان برای عیادت از وی رفتم. کودکی بیرون آمد. حضرت پرسید: «نام تو چیست؟» گفت: محمد. فرمود: «کنیه ات چیست؟» عرض کرد: ابوعلی. فرمود: «خود را در برابر شیطان در قلعه محکمی قرار داده ای؛ هرگاه شیطان بشنود کسی این کودک را به نام محمد یا علی صدا می زند دور می شود و اگر نام کسی همان دشمنان ما باشد و او را با آن نام صدا زنند شیطان شاد می شود». (۴)

۹. در روایتی معتبر آمده است که کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد:

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۲۹.

۲- امالی طوسی، ج ۲، ص ۶۹.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۹، ح ۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۰، ح ۱۲.



خداوند پسری به من داده است چه نامی بر او بگذارم؟ حضرت فرمود: «بهترین نام ها نزد من حمزه است، این نام را برایش انتخاب کن». (۱)

### نام های نامناسب

۱. در چندین حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از انتخاب نام های حکم، حکیم، خالد، مالک نهی کرد و فرمود: «دشمن ترین نام ها نزد خدا، حارث و مالک و خالد است». (۲) و نیز از کنیه های ابو عیسی، ابوالحکم، ابومالک و همچنین

ابوالقاسم برای کسی که نامش محمد است نهی کرد، تا نام و کنیه یک شخص هر دو همسان نام و کنیه حضرت محمد صلی الله علیه و آله نباشد. (۳)

۲. در حدیثی دیگر می خوانیم: نام «یاسین» را برای فرزندان انتخاب نکنید که مخصوص حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. (۴)

### عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن

#### عقیقه

(مقدمه:) عقیقه برای فرزند مستحب مؤکد است، البته برای کسانی که قادر بر آن باشند و بعضی از علما آن را واجب می دانند و بهتر آن است که در هفتمین روز تولد فرزند انجام شود و اگر انجام نشود تا زمان بلوغ فرزند بر پدر و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش مستحب است.

۱- کافی، ج ۶، ص ۱۹، ح ۹؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۴، ح ۷۰۵.

۲- علّت عدم انتخاب این نام ها ظاهر آ این است که موجب غفلت انسان از موقعیت خویش و گاه از خدا می شود. کافی، ج ۶، ص ۲۰، ح ۱۴؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۵، ح ۷۰۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۱، ح ۱۵؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۵، ح ۷۰۸.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۰، ح ۱۳.

**اهمیت عقیده**

در احادیث معتبر فراوانی آمده است که: عقیده بر کسی که صاحب فرزندی شود واجب است (۱) (ولی حق آن است که جزء مستحبات مؤکد است).

**فلسفه و زمان عقیده**

۱. در احادیث بسیاری آمده است که فرزند در گرو ورهن عقیده است. (۲) یعنی

اگر عقیده نشود در معرض انواع بلاها خواهد بود.

۲. در حدیثی معتبر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هرگاه پسر یا دختری متولد شد روز هفتم برایش گوسفند یا شتری عقیده کن و همان روز برایش نام (نیکی) انتخاب بنما و موهای سرش را بتراش و به وزن موهایش طلا یا نقره صدقه بده». (۳)

۳. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در روز ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام در گوش آنان اذان گفت و حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم ولادت آن بزرگواران برایشان عقیده کرد و ران گوسفند را به همراه یک اشرفی به قابله داد». (۴)

**عقیده برای بزرگسالان**

در روایتی معتبر آمده است که عمر بن یزید می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: نمی دانم پدرم برایم عقیده کرده است یا نه، (چه کنم؟) امام فرمود: «عقیده کن». سپس عمر بن یزید در پیری برای خود عقیده کرد. (۵)

۱- کافی، ج ۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۶.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۲ و ص ۲۵، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۸، ح ۷.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۷۰.

۵- کافی، ج ۶، ص ۲۵، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۸، ح ۷۱۹.

### صدقه یا قربانی به جای عقیقه

۱. در حدیثی آمده است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: گوسفندی برای عقیقه نیافتم آیا می توانم قیمتش را صدقه دهم؟ امام علیه السلام فرمود: «کفایت نمی کند، جست و جو کن تا گوسفندی بیابی، زیرا خداوند دوست دارد گوسفندی قربانی و اطعام داده شود». (۱)

۲. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقیقه برای کسانی که غنی هستند لازم است و کسی که فقیر باشد هرگاه توانایی یافت انجام می دهد و اگر توانایی نیافت چیزی بر او نیست. و اگر عقیقه نکرد تا زمانی که قربانی برای او کنند همان قربانی برای او کافی است». (۲)

### عقیقه کودک هفت روزه

۱. در حدیثی آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا فرزندی که روز هفتم می میرد عقیقه دارد؟ فرمود: «چنانچه قبل از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر از دنیا برود عقیقه دارد». (۳)

### شرایط عقیقه

(مقدمه:) عقیقه اگر شتر باشد باید پنج ساله یا بیشتر و اگر بز باشد یک ساله یا بیشتر و اگر گوسفند باشد حداقل شش ماهه یا بیشتر و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و می بایست بیضه اش را نکشیده بلکه نکوبیده باشند. و مغز شاخش شکسته نباشد و گوشش را نبریده باشند و کور و زیاد لاغر نباشد و لنگ نباشد به

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۵، ح ۶ و ۸؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۸، ح ۷۲۰.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۲، ح ۱۵۱۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۹، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۴، ح ۱۵۲۵.

حدی که راه رفتن برایش مشکل باشد.

(ولی) در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقیقه همچون قربانی نیست و شرایط آن را ندارد، بنابراین هر گوسفندی باشد کفایت می کند (۱)»،

زیرا هدف گوشت آن است هر چند اگر چاق تر باشد بهتر است». (و این نشان می دهد که بیان اول به جنبه های مستحبی نظر دارد). (۲)

### دعای هنگام ذبح گوسفند

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام ذبح گوسفند این دعا را بخوانید: بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِمَّ عَقِيقَةً عَنِ فُلَانٍ (به جای فلان، نام کسی را بگویند که برایش عقیقه می کنند) لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ». (۳)

۲. در حدیثی دیگر آمده است که خواندن این دعا را سفارش فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِمَّ عَقِيقَةً عَنِ فُلَانِ أَيْمَانًا بِاللَّهِ، وَثَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ، وَالشُّكْرَ لِرِزْقِهِ، وَالْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلِ الْبَيْتِ». (۴)

سپس اگر فرزند پسر باشد بگویند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا ذَكَرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۹، باب أَنَّ الْعَقِيقَةَ لَيْسَتْ بِمَنْزِلَةِ الْأَضْحِيَّةِ، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۹، باب أَنَّ الْعَقِيقَةَ لَيْسَتْ بِمَنْزِلَةِ الْأَضْحِيَّةِ، ح ۲.

۳- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). بار خدایا این عقیقه از طرف فلانی است، گوشتش رادر برابر گوشت او و خونش را در برابر خون او و استخوانش را در برابر استخوان او (حفظ کن) بار خدایا، آن رامایه حفظ خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار ده». کافی، ج ۶، ص ۳۰، باب القول علی العقیقه، ح ۱.

۴- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). و حمد و ثنا مخصوص خداست و خداوند بزرگ تر از آن است که به وصف آید (این عقیقه را همراه با) ایمان به خدا و ستایش بر رسول خدا و گردن نهادن به فرمان او و سپاس برای روزی دادن او و شناختن فضل خداوند بر ما اهل بیت (انجام می دهیم)». کافی، ج ۶، ص ۳۰، باب القول علی العقیقه، ح ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۱، ح ۷۳۰.

وَهَبَتْ وَمِنْكَ مَا أَعْطَيْتَ وَكُلُّ مَا صَدَقْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَى سُرَّتِكَ وَسُرَّتِهِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآخِسًا عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لِمَكَ سَفَكْتُ الدِّمَاءَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لِحُمِّهَا بَلْحَمِهِ وَدَمِّهَا بِدَمِهِ وَعَظْمِهَا بِعَظْمِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَبِهِ جَاى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ نَامِ كَسَى كَه بَرَايش عَقِيْقَه شَدَه وَبِدَرَش رَا بَبَرَد.

(۱)

۳. در روایت معتبر دیگری آمده است که امام صادق علیه السلام این دعا را به هنگام ذبح کردن عقیقه سفارش کرد: «يَا قَوْمِ اِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ (۲) اِنَّ صَلَاتِي

وَنُسُوكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۳) اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ اَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانٍ وَبِهِ جَاى فُلَانِ، نَامِ فَرَزَنْدِ رَا بَبَرَدِ سَبِسِ كُوسْفَنْدِ رَا

سر ببرد. (۴)

۱- ترجمه: «بار خدایا، تو پسری به ما دادی در حالی که تو داناتری به آنچه داده ای و این بخشش از جانب تو است و آنچه را که ما انجام داده ایم بر سنت تو و پیامبر تو است از ما بپذیر و شیطان رانده شده را از ما دور کن، از برای (فرمان) تو عقیقه کردم، تو شریکی نداری و حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، گوشتش را در برابر گوشت او و خونش را در برابر خون او و استخوانش را در برابر استخوان او و مویش را در مقابل موی او و پوستش را در برابر پوست او (حفظ کن). پروردگارا، این عقیقه را مایه حفظ و سلامتی فلان کس فرزند فلان کس قرار بده.»

۲- ترجمه: «ای قوم، من از شریکانی که شما (برای خدا) می سازید بیزارم. من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان ها و زمین را آفریده، من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم». سوره انعام، آیات ۷۸ و ۷۹.

۳- ترجمه: «نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. همتایبیرای او نیست؛ و به همین مأمور شده ام؛ و من نخستین مسلمانم». سوره انعام، آیات ۱۶۲ و ۱۶۳.

۴- ترجمه: «بار خدایا، از تو و برای تو است، به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم) و خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود. بار خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و از فلانی بپذیر». کافی، ج ۶، ص ۳۱، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۷.

### حکم مالیدن خون عقیقه بر نوزاد و هدیه دادن به قابله

۱. در احادیث بسیار از مالیدن خون عقیقه بر سر نوزاد نهی شده و این کار از خرافات جاهلیت شمرده شده است. (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک چهارم گوسفند عقیقه را به قابله بدهید و اگر زایمان بدون قابله صورت گرفته، آن را به مادر نوزاد دهید تا به هر که بخواهد بدهد و لااقل ده فقیر مسلمان را با آن اطعام کنید و هر چه زیادت باشد بهتر است. و خود مادر از آن نخورد». (۲)

۳. در روایت دیگری آمده است که یک سوم گوسفند را به قابله بدهند. (۳)

### آداب طبخ کردن و خوردن عقیقه

مستحب است که استخوان ها را نشکنند بلکه از بندها جدا سازند (۴)، چنانکه مستحب است آن را نپخته و خام تقسیم نکنند و حدّ اقل با آب و نمک بپزند. (۵)

بلکه این روش احتمالاً روش خوبی باشد و اگر خام هم صدقه دهند خوب است و لازم نیست کسانی را که برای خوردن عقیقه دعوت می کنند فقیر باشند، هر چند بهتر است صالحان و فقیران دعوت شوند. و مشهور آن است که اول سر نوزاد را بتراشند سپس برای او عقیقه کنند. (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۳، ح ۲ و ۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵، ح ۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۸، ح ۹؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۰، ح ۷۲۷.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۲، ح ۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۲۹، ح ۱۱.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الأولاد، باب ۴۴، ح ۱۶.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الأولاد، باب ۴۴، ح ۴.

## چه کسانی از گوشت عقیقه نخورند؟

مستحب است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند. و نیز بهتر است از غذایی که با گوشت عقیقه پخته شده نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است و بهتر آنکه عیال و نانخور پدر و مادر نیز که در خانه ایشان هستند از آن گوشت و طعام نخورند.

(۱)

## تراشیدن موی سر نوزاد

۱. در حدیثی آمده است که: «عقیقه کردن و تراشیدن موی سر و صدقه دادن طلا یا نقره هموزن آن، همه در یک زمان و مکان باشد». (۲)

۲. در مورد تراشیدن سر مستحب است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند. (۳)

۳. در روایتی آمده است که مستحب است پس از تراشیدن سر نوزاد، بر سرش زعفران بمالند. (۴)

## ختنه کردن

### زمان ختنه کردن

۱. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «مستحب است پسران را در روز هفتم ولادتشان ختنه کنند و اگر قبل از آن باشد نیز

اشکال ندارد». (۵)

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الأولاد، باب ۴۷، ح ۱ و ۲ و ۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۷، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۰، باب کراهیه القناع، ح ۱ و ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۵، ح ۷۴۶.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۲۲۸.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۶، ح ۷؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۳، ح ۷۳۶.

۲. در روایتی حضرت علی علیه السلام فرمود: «کسی که مسلمان شود ختنه اش می کنند، هر چند هشتاد سال داشته باشد». (۱)

### فلسفه ختنه کردن

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزندان را در روز هفتم ختنه کنید که باعث پاکیزگی بیشتر بدن و رویش بهتر گوشت آنها می شود. و زمین از ادرار کسی که ختنه نشده باشد ناراحت می شود». (۲)

در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «زمین از ادرار کسی که ختنه نکرده، تا چهل روز نجس می شود». (۳)

و در حدیثی دیگر فرمود: «زمین از ادرار کسی که ختنه نکرده، به خدا شکایت می کند». (۴)

### دعای ختنه کردن، تکرار ختنه و احکام ترک ختنه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به هنگام ختنه کردن پسر این دعا را بخوانید و اگر آن زمان خوانده نشد، تا زمان بلوغ هر زمان امکان داشت بخوانید که حرارت و صدمات ناشی از آهن، مانند کشته شدن و جز آن را از وی دور می کند و آن دعا این است: اَللّٰهُمَّ هَذِهِ سُنَّتُكَ وَ سُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

وَآلِهِ وَاتَّبَاعٍ مِنْهَا لَكَ وَ لِنَبِيِّكَ، بِمَشِيَّتِكَ وَبِأَرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ لِأَمْرِ أَرَدْتَهُ وَقَضَاءِ حَتْمَتِهِ وَأَمْرِ أَنْفَذْتَهُ وَأَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ، بِأَمْرِ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۷، ح ۱۰؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۳، ح ۷۳۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۴، باب التطهیر، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۲، ح ۷۳۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۵، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۳۰.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۵، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۹.



مَبِي. اَللّٰهُمَّ فَطِّهْرُهُ مِنْ الذُّنُوْبِ وَزِدْ فِيْ عُمْرِهِ وَاذْفَعِ الْاَفَاْتِ عَنْ يَدَيْهِ وَالْاَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَاذْفَعِ عَنْهُ الْفَقْرَ، فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ». (۱)

۲. از حضرت امام زمان علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر پسری را ختنه کنند و دوباره قسمت بریده شده برآید به طوری که سر حشفه پنهان شود، باید دوباره ختنه کنند زیرا زمین از ادرار کسی که ختنه (کامل) نکرده باشد تا چهل روز ناله می کند». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که ختنه نکرده امام جماعت نشود، شهادتش قبول نیست و هر زمان مرد بر او نماز نخوانید، زیرا بزرگ ترین سنت های پیامبر را ترک کرده است، مگر اینکه به خاطر (عذری مثلاً ترس از) مرگ آن را ترک کرده باشد». (۳)

### آداب شیر دادن و تربیت فرزند

#### اشاره

(مقدمه:) انتهای شیر دادن پایان دو سالگی است. (۴) و برخی علما معتقدند که بدون عذر بیش از دو سال شیر دادن جایز نیست (۵)، مگر آنکه باعث اذیت و آزار

۱- ترجمه: «بار خدایا، این سنت تو و سنت پیامبر تو است که درود تو بر او و بر آل او باد، (و این مراسم) پیرویمان از تو و از پیامبرت به خواست و اراده و قضای تو برای امری که اراده کردی و قضایی که واجب کردی و امریکه انفاذ نمودی و در ختنه کردن و حجامت او سوزش آهن را به او چشاندی، به خاطر مصالحی که تو از من به آن عارف تری. بار خدایا، او را از گناهان پاک گردان و بر عمرش بیفزا، آسیب را از بدنش و دردها را از جسمش بازدار و بر توانگریش بیفزا و تنگدستی را از او بازدار، زیرا تو می دانی و ما نمی دانیم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۵، ح ۱۵۳۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۹.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۵۵۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۱۱۰۷ از امیرالمؤمنین علیه السلام.

۴- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۷۶.

۵- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۷۷.

کودک گردد و حالت اضطراری ایجاد شود.

از سوی دیگر، کمتر از بیست و یک ماه شیر ندهند، مگر در صورت ضرورت، مثل اینکه مادر شیر نداشته باشد، یا شیر مادر برای کودک مضر باشد، یا دایه ای یافت نشود، یا قادر بر پرداخت اجرت دایه نباشد. و جمعی از علما معتقدند که بر مادر واجب است نخستین شیری که به پستانش می آید به نوزادش بخوراند (۱)، شیری که اگر به بچه ندهد زنده نخواهد ماند، یا قدرت کافی نخواهد

داشت.

### آداب شیر دادن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سودمندترین و مبارک ترین شیرها برای فرزند، شیر مادر است». (۲)
۲. در حدیث است که روزی امام صادق علیه السلام مشاهده کرد ام اسحاق به فرزندش شیر می دهد، به او فرمود: «ای مادر اسحاق، از یک پستان به کودک شیر نده بلکه از هر دو پستان بده که یکی به جای غذا و دیگری به جای آب است». (۳)
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دایه ای انتخاب کنید که هم صورتی زیبا و هم سیرتی نیک داشته باشد، زیرا در نوزاد تأثیر دارد و کودک در صورت وسیرت شبیه به دایه می شود». (۴)

۱- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۷۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۰، باب الرضاع، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۵، ح ۱۴۶۵.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۰، باب الرضاع، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۵، ح ۱۴۶۶.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۴، ح ۱۲ و ۱۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۷، ح ۱۴۷۹.

## شیرهای ممنوع

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اگر به حکم ضرورت فرزند خود را به دایه یهودی یا مسیحی سپردید (اولاً): اجازه ندهید که فرزندتان

رابه خانه خود ببرد و (ثانیاً): سفارش کنید از خوردن شراب و گوشت خوک و دیگر چیزهایی که در آیین آنها حلال (ولی در اسلام حرام) است اجتناب ورزد». (۱)

۲. در احادیث معتبر استفاده کردن از شیری که از زنا به وجود آمده نهی

شده است. (۲)

۳. (نیز) در احادیث از شیر زنی که خود متولد از زناست نهی شده است. (۳)

۴. حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شیر زن احمق و همچنین زنی که چشمش معیوب است نهی کرد، زیرا شیر در شیرخوار اثر می کند. (۴)

## حدّ اقل مدّت شیردهی

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مدّت شیر دادن به نوزاد بیست و یک ماه است و هر چه کمتر باشد ظلم بر نوزاد است». (۵)

## تعلیم و تربیت فرزند

### اهمیت تربیت فرزند و سنّ بازی و تربیت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۸، ح ۱۴۸۲؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۹۱، ح ۳۹۷.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۷، ح ۱۴۸۰.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۴، ح ۱۱؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۳۲۱، ح ۱۱۴۴.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴، ح ۶۷.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۰، باب الرضاع، ح ۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۷۸، ح ۳۵۳.

رحم کند کسی که به فرزندش بر نیکی ها کمک کند. راوی سؤال کرد: چگونه؟ فرمود: کار آسانی که از او برمی آید قبول کند و کارهایی که برایش دشوار باشد و انجام نمی دهد از او درگذرد. و کارهای سخت از او نخواهد و با وی سفاقت و تندی نکند». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرزندت را تا هفت سالگی رها کن که بازی کند و پس از آن تا هفت سال دوم در مورد تربیتش تلاش کن». (۲)

۳. و در حدیثی دیگر فرمود: «هفت سال اول برای بازی، هفت سال دوم برای تعلیم علم و هفت سال سوم برای آموختن احکام حلال و حرام خداست». (۳)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کودک تا هفت سالگی به تربیت بدنش پردازد و هفت سال دوم آداب را بیاموزد و باید هفت سال سوم به او خدمت کرد و تا بیست و سه سال قدش بلند می شود و تا سی و پنج سال عقلش رشد می کند و پس از آن تجربه هایش اندوخته می گردد». (۴)

### آموختن حدیث و مراحل تربیت فرزند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «احادیث ما را زود به فرزندانمان تعلیم دهید، تا مخالفان آنها را گمراه نکنند». (۵)

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که پسر سه ساله شود به او می گویند هفت بار «لا إله إلا الله» بگو. چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد به او می گویند هفت مرتبه «محمد رسول الله» بگو.

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۶؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۷، ح ۳۸۶.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۶، باب تأدیب الولد، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۳؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۴، ح ۳۷۵.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ۳۱۹، ح ۱۵۵۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۵؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۵، ح ۳۷۷.

وزمانی که چهار سالش تمام شود به او می گویند هفت بار «صلی الله علی محمد وآله» بگو. وپس از تمام شدن پنج سالگی او را وادار بر سجده می کنند. با تکمیل پنج سالگی وورود به شش سال به وی نماز بیاموزند و سفارش به انجام دادن آن کنند. و چون نه سالش کامل شد وضو و نماز را به خوبی به وی تعلیم دهند و چنانچه نماز را ترک کرد او را تنبیه کنند. هنگامی که وضو و نماز را فرا گرفت خداوند پدر و مادرش را بیامرزد». (۱)

### رختخواب مستقل و نظافت شبانه

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پسران که شش ساله شدند نباید در رختخواب مشترک وزیر یک پتو بخوابند». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چربی و چرک های دست و صورت اطفال را پیش از خواب بشوید که شیطان به هنگام خواب او را می بوید و کودک در خواب می ترسد و فرشتگان نویسنده اعمال (پدر و مادر) اذیت می شوند». (۳)

### اجتناب کردن از خرافات

حضرت علی علیه السلام مشاهده کرد زیر سر کودک کی تیغی گذارده اند (گویا خرافه ای برای حفظ کودک بوده است)، حضرت آن را برداشت و به کناری انداخت. سیره امام علی علیه السلام این بود که گذاردن تیغ را در اختیار کودکان ناپسند می شمرد. (۴)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۸۶۳.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۴- قرب الإسناد، ص ۱۲۷، ح ۴۹۲.

## حقوق فرزند بر والدین

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «پدر و مادر ممکن است عاق فرزندان خود شوند، چنانکه امکان دارد فرزندان عاق والدین گردند». (۱)
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «خدا رحم کند به پدر و مادری که فرزندانشان خود را بر نیکی کردن به ایشان یاری کنند». (۲)
۳. کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟  
امام فرمود: «به پدر و مادرت». عرض کرد: آنها از دنیا رفته اند. فرمود: «به فرزندان». (۳)
۴. در احادیث معتبر آمده است که فرزندانشان خود را بر محبت علی بن ابی طالب علیه السلام تربیت کنید. (۴)
۵. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند غضب نمی کند برای چیزی مانند غضب برای ظلم به زنان و کودکان». (۵)
۶. در روایتی آمده است که سکونی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: غمگین ام. امام فرمود: «چرا؟» عرض کرد: خداوند به من دختری داده است. امام فرمود: «زمین بستر زندگی اوست و روزیش بر خداست و عمری جدا از عمر تو دارد و روزی تو را نمی خورد (پس جای نگرانی نیست)». سپس فرمود: «چه نامش گذارده ای؟» عرض کرد: فاطمه. فرمود: «آه آه» (گویا حضرت به یاد جدّه اش فاطمه زهرا علیها السلام و مصائب او افتاد)، سپس دست بر پیشانی نهاد و فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند اگر پسر باشد حقش بر پدر آن است که به مادرش

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۳؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۳۸۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۲.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۹، ح ۱۵۵۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۲۳.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۸.

احترام بگذارد و نام نیکی برایش انتخاب کند و قرآن به او بیاموزد و ختنه اش کند و به او شنا آموزش دهد و اگر دختر باشد به مادرش نیکی کند و نام نیکی بر او بگذارد و سوره نور را به او بیاموزد و... و او را زود به خانه شوهر بفرستد». سپس فرمود: «به فرزندی که نامش را فاطمه نهاده ای دشنام نده و نفرینش نکن و او را کتک زن». (۱)

۷. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حقّ فرزند بر پدر آن است که برایش نام نیکی انتخاب کند و نیکو تربیتش نماید و او را به کسب شایسته ای بگمارد». (۲)

۸. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است: «شنا کردن و تیراندازی را به فرزندانان تعلیم دهید». (۳)

۹. از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کودکان خود را دوست بدارید و به آنها رحم کنید و اگر وعده ای دادید وفا کنید، زیرا آنها گمان می کنند که شما روزی رسان آنها هستید». (۴)

۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس کودکی داشته باشد باید با او همچون کودکان بازی کند». (۵)

۱۱. در حدیثی صحیح و معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «هر کس فرزند خود را ببوسد خداوند حسنه ای برای او می نویسد و هر کس فرزندش را شاد کند خدا او را در قیامت شاد می کند و هر کس به فرزند خود قرآن

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۶؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۳۸۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۱؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۳۸۰.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۴.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۱۵۰۵.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۲، ح ۱۵۱۰.

بیاموزد، در قیامت پدر و مادر او را می طلبند و دو لباس فاخر بر آنها می پوشانند که از نور آن دو لباس، سیمای اهل بهشت روشن گردد». (۱)

۱۲. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: هرگز فرزندان خود را نبوسیده ام. حضرت فرمود: «به نظر من این مرد جهنمی است (چرا که قلب او از محبت و عاطفه خالی است)». (۲)

۱۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به بنده ای که فرزند خود را بسیار دوست داشته باشد رحم می کند». (۳)

۱۴. روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله شخصی را دید که یک پسرش را بوسید و دیگری را نبوسید. فرمود: «چرا نسبت به هر دو یکسان مهربانی نکردی؟» (۴)

بهتر آن است که در میان فرزندان تبعیض قائل نشود، مگر آنکه یکی عالم تر و صالح تر باشد و به این علت او را بر دیگری ترجیح دهد.

۱۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که به بازار برود و هدیه ای برای خانواده اش بخرد و به خانه ببرد، همچون کسی است که به جمعی از فقرا صدقه داده است. و باید هدیه دختران را پیش از پسران بدهد، چرا که هر کس دختری را شاد و خوشحال کند گویا بنده ای از فرزندان اسماعیل پیامبر را آزاد کرده است. و شخصی که دیده پسری را روشن سازد او را شاد کند، همچون کسی است که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از خوف خدا گریان شود خدا او را وارد بهشت می کند». (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۷؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۸، ح ۳۸۷.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۰، ح ۱۴۹۸.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۱۵۰۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۲۲۱.



## نقشه فرزندان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقشه پنج کس بر انسان واجب است: فرزند، پدر، مادر، زوجه، برده». (۱)
- و فرزند شامل فرزند فرزندان (نوه ها) هر قدر که پایین روند می شود و پدر و مادر نیز شامل جدّ و جدّه پدری و مادری هر چند بالا روند می شود (ولی بعضی از مراجع بزرگ واجب النفقه را فقط پدر و مادر و فرزندان بی واسطه می دانند).
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «درجه ای در بهشت وجود دارد که کسی به آن دست نمی یابد مگر سه گروه: امام عادل، کسی که به خویشان خود احسان کند، کسی که بر هزینه خانواده و آزار آنها صبر کند». (۲)
۳. از حضرت امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عیال انسان همچون اسیران اویند؛ پس هر گاه خداوند نعمتی به او داد بر اسیران خود توسعه دهد که اگر چنین نکند، به زودی آن نعمت از وی زایل می شود». (۳)
۴. در حدیثی معتبر آمده است: «کسی که عیال خود را ضایع کند و خرج آنها را (علی رغم توانایی مالی) ندهد، رانده در گاه خداست». (۴)
۵. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو خاله یا دو عمّه را بدهد، این کار سپری در برابر آتش جهنّم خواهد بود». (۵)

۱- تحف العقول، ص ۳۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۶۷.

۲- خصال، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۹۰، ح ۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۸۶۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۷.

۴- کافی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۰۳، ح ۴۸۷.

۵- خصال، ج ۱، ص ۸۱، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۷۰، ح ۳.

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به کودکان خویش قاووت (۱)»

بخورانید که باعث رشد گوشت و استحکام استخوان های آنها می شود». (۲)

۷. در روایت دیگری فرمود: «به کودکان انار بخورانید که زودتر به جوانی وقوت و قدرت می رسند». (۳)

### چگونه آرامش پیدا کنیم

در کتاب طب الائمه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که هرگاه کودکی بسیار بگریزد، یا زنی در خواب بترسد، یا کسی از درد به خواب نرود، این آیات شریفه را تلاوت کند :

(فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا \* ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَلْمَهُمْ أَيُّ الْحَزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا). (۴)

### سن نامحرم شدن دختران و پسران

۱. در حدیثی آمده است که: چنانچه دختر شش ساله شود، نباید مرد نامحرم او را ببوسد و بر دامن خود بنشاند. (۵)

۲. در حدیثی دیگر آمده است: دختری که شش ساله شد پسران او را نبوسند

۱- «قاووت» واژه ای ترکی است. آرد نخود که با قهوه و شکر یا قند کوبیده مخلوط کنند و بیشتر در عزاداری هامی خورند (فرهنگ عمید).

۲- محاسن، ص ۴۸۹، ح ۵۶۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۲.

۳- محاسن، ص ۵۴۶، ح ۷۶۰.

۴- ترجمه: «ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم و سال ها در خواب فرو رفتند. - سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (واین امر آشکار شود که) کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده اند». (سوره کهف، آیات ۱۱ و ۱۲) طب الائمه، ص ۳۶.

۵- کافی، ج ۵، ص ۵۳۳، ح ۱ و ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

و پسر که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند. (۱)

۳. در روایتی دیگر می خوانیم که: امام رضا علیه السلام در مجلسی بودند که دختر بچه ای را به آن مجلس آوردند. حاضران در مجلس یکی پس از دیگری او را به دامن نشانده و می بوسیدند. چون نوبت به حضرت رسید از سنّ وی پرسید. گفتند: پنج سال دارد. حضرت او را نبوسید و در دامن نشانده. (۲)

۴. در روایت دیگری آمده است که هرگاه شش سال دختر تمام شد، مادر او را در رختخواب خود برهنه ن خواباند. (۳)

### شیطنت در کودکی، نشانه بردباری در بزرگسالی

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شوخی و شیطنت و کج خلقی کودک در خردسالی نشانه آن است که در بزرگی، دانا و بردبار می شود». (۴)

### رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان

#### اشاره

(مقدمه): رعایت کردن حرمت پدر و مادر از مهم ترین دستورهای دینی و جلب رضایت آنها از اشرف طاعات و عبادات و عاق والدین شدن و آزرده خاطر ساختن آنها از جمله گناهان کبیره است. خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است که: «اگر پدر و مادرت کافر باشند و به تو دستور دهند که کافر شو، در این مسأله از آنها اطاعت نکن، ولی در دنیا با آنها رفتار و مصاحبت نیکو داشته باش». (۵) (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید).

- ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۶، ح ۱۳۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.
- ۲- کافی، ج ۵، ص ۵۳۳، ح ۳.
- ۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۵، ح ۱۳۰۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.
- ۴- کافی، ج ۶، ص ۵۱، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۹، ح ۱۵۵۳.
- ۵- سوره لقمان، آیه ۱۵.

## بخشی از حقوق والدین

## احترام به والدین

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ساده ترین مرحله عاق والدین، اُف گفتن به آنهاست (کمترین اهانتی به آنها روا ندارید)». (۱)

۲. در روایتی معتبر آمده است که کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا نصیحت فرمایید. حضرت فرمود: «تو را سفارش می کنم که به خدا شرک نوری هر چند تو را به آتش بسوزانند، مگر اینکه به زبان سخنی بگویی ولی قلبت بر ایمان ثابت و استوار باشد. و تو را به اطاعت از پدر و مادر و نیکی به آنها سفارش می کنم؛ زنده باشند یا مرده... که این نشانه ایمان است». (۲)

## احسان و نیکی به والدین

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در مورد سه چیز به هیچ وجه اجازه مخالفت نداده است: پس دادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار یا بدکار، وفای به عهد و پیمان خواه از نیکوکاران باشد یا بدکاران، نیکی به پدر و مادر خواه نیکوکار باشند یا بدکار». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، علاقه فراوانی به جهاد در راه خدا دارم. حضرت فرمود: در راه خدا جهاد کن که اگر شهید شوی نزد خدا زنده خواهی بود و در بهشت روزی خواهی داشت و اگر بمیری پاداش تو با خداست. و اگر زنده برگردی همانند روزی که از مادر متولد شدی از گناه پاک می شوی.

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۳۸ به نقل از امام صادق علیه السلام.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۲؛ مشکاه الأنوار، ص ۱۵۹.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۵؛ خصال، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۹۸.

عرض کرد: ای رسول خدا، پدر و مادر پیری دارم که به من انس گرفته اند و نمی خواهند از آنها جدا شوم (آنها سخت به زحمت می افتند، چه کنم؟) فرمود: در خدمت پدر و مادر خود باش؛ قسم به حقّ خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، انسی که آنها (در آن وضعیّت) یک شبانه روز با تو داشته باشند از یک سال جهاد در راه خدا بهتر است». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چه مانعی دارد که به پدر و مادر خود چه در حالت حیات و چه پس از مرگ، احسان کنید؛ به این گونه که پس از مرگ برایشان نماز بخوانید و به نیابت از آنان حجّ به جا آورید و برایشان روزه بگیرید که هم ثوابش به آنها می رسد و هم خداوند ثواب این اعمال را به خودتان می دهد». (۲)

### نیکی به مادر و حقّ پدر

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. راوی سه مرتبه این سؤال را تکرار کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همان جواب را تکرار فرمود و در مرتبه چهارم فرمود: به پدرت». (۳)

۲. در حدیث است که کسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید: حقّ پدر بر فرزند چیست؟ فرمود: او را به اسم صدا نزنند (بلکه او را پدر خطاب کنند)، جلوتر از او راه نرود، قبل از پدر ننشینند، کاری نکنند که مردم به پدرش دشنام دهند». (۴)

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۱۰.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۷؛ عدّه الدّاعی، ص ۷۶.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۹؛ مشکاه الأنوار، ص ۱۵۹.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۵؛ مشکاه الأنوار، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

## پرداخت هزینه های والدین

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی واجد چهار خصلت باشد خداوند او را در بلندترین غرفه های عزت و شرف بهشت جای می دهد: کسی که یتیمی را پناه دهد و مراقب احوال او باشد و برایش پدری کند، کسی که بر شخص ضعیف و دل شکسته ای رحم کند و او را یاری دهد و عهده دار کارهای وی شود، کسی که هزینه زندگی پدر و مادر (از کارافتاده اش) را بدهد و با آنها مدارا کند و به ایشان نیکی نماید و هرگز آنها را آزرده خاطر نسازد، کسی که خادم خود را یاری کند و با او تندی نکند و در مورد وظایفش به او کمک کند و کاری که بر او دشوار است به عهده اش نگذارد». (۱)

## عاق والدین

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نگاه تند به پدر و مادر موجب عقوق (۲) والدین می شود». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه کسی در حیات والدین خود به آنها خدمت و وظیفه اش را ادا کرده، ولی پس از مرگشان قرض آنها را ادا نمی کند و برایشان آمرزش نمی طلبد، لذا خداوند او را عاق والدین محسوب می کند. و گاه کسی در زمان حیات پدر و مادر عاق والدین است، ولی پس از مرگ (از خواب غفلت

۱- ثواب الأعمال، ص ۱۶۱. حدیث را به طور اختصار نقل کرده است.

۲- منظور از «عقوق» والدین آن است که فرزند، ادب را در محضر آنها رعایت نکند و سخنی بگوید یا کاری کند که موجب ناراحتی آنها شود و در مسائلی که از نظر عقل یا شرع مشروع و مجاز است با آنها مخالفت کند. عقوق والدین از گناهان کبیره است و قرآن و روایات دلالت بر حرمت آن دارد و تمام علمای اسلام از شیعه و اهل سنت، بر حرمت آن اتفاق نظر دارند (مرآت العقول، ج ۱۰، ص ۳۷۱).

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۷، مشکاه الأنوار، ص ۱۶۴.

بیدار می شود و) قرض های آنان را ادا می کند و برایشان استغفار می نماید و خداوند او را نسبت به والدین نیکوکار محسوب می کند». (۱)

### آثار و پاداش احسان به والدین

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان نیز به شما نیکی کنند و از زنان دیگران چشم بپوشید تا دیگران نیز از زنان شما چشم بپوشند». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد خداوند سکران مرگ (سختی های لحظات جان دادن) را بر وی آسان سازد، باید بر خویشان خود و به پدر و مادرش نیکی کند؛ در این صورت، خداوند سختی های مرگ را بر وی آسان سازد و هرگز در زندگی دچار پریشانی نشود». (۳)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «سه دعا قطعاً مستجاب می شود: دعای پدر و مادر

برای فرزند نیکوکار و نفرین آنها به فرزندی که عاق شده است، نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقامش را از ظالم بگیرد، دعای مؤمن در حق مؤمنی که به خاطر ما اهل بیت برادر مؤمنش را در مالش شریک کرده است و نفرین مؤمن بر کسی که برادر مؤمنش به او احتیاج پیدا کرده و می توانسته کمک کند و نکرده است». (۴)

۴. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی به پدر و مادر نگاه کند، برای هر نگاهش

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۲۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۵۴، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳، ح ۱۸.

۳- مشکاه الأنوار، ص ۱۶۲.

۴- امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۸۶.

ثواب یک حج مقبول نوشته می شود. گفتند: ای رسول خدا، هر چند روزی صد مرتبه نگاه کند؟ فرمود: خداوند بزرگ تر و کریم تر است». (۱)

۵. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «نگاه به چهره سه گروه عبادت است: عالم، پدر و مادر از روی مهربانی و مؤمنی که برای خدا دوستش داری». (۲)

### مجازات بی حرمتی به والدین

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روز قیامت برپا شود پرده ای از پرده های بهشت را بکشایند (عطر خوش بهشت همه جا را فرا گیرد به گونه ای که) هر جاننداری بوی آن را از پانصد سال راه استشمام می کند، مگر کسی که عاق پدر و مادر باشد». (۳)

۲. در حدیث دیگری فرمود: «کسی که از روی خشم به پدر و مادرش نظر کند به هنگامی که بر او ظلم می کنند، خداوند هیچ نمازی از او قبول نمی کند». (۴)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «پدرم امام سجّاد علیه السلام شخصی را مشاهده کرد که با پسرش راه می رود و پسر بر دست پدر تکیه زده بود. پدرم تا زنده بود با آن پسر سخن نگفت». (۵)

۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه گناه است که عقوبتش در دنیا به سرعت دامنگیر صاحبش می شود: عقوق والدین، ظلم بر مردم، کفران نعمت خدا و خلق خدا». (۶)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۴، ح ۲۳.

۲- امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۳؛ مشکاه الأنوار، ص ۱۶۴.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۵؛ مشکاه الأنوار، ص ۱۶۴.

۵- کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۸؛ مشکاه الأنوار، ص ۱۶۵.

۶- امالی مفید، ص ۲۳۷، ح ۱



۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی به نام جریح از عابدان بنی اسرائیل پیوسته در صومعه اش در حال عبادت بود. روزی مادرش به دیدن او آمد و جریح مشغول نماز بود. او را صدا زد ولی عابد پاسخ مادرش را نداد. سه روز این داستان تکرار شد. پس از آن، مادر دست به نفرین بلند کرد و گفت: از خدای بنی اسرائیل می خواهم که تو را به این گناه بگیرد. روز بعد زنی زناکار کنار صومعه آن عابد زایمان کرد و فرزندش را به عابد نسبت داد و مدعی شد که با وی زنا کرده است. این شایعه در میان بنی اسرائیل پخش شد که: آن کس که مردم را بر زنا سرزنش می کرد خود مرتکب آن شده است. پادشاه دستور داد او را به دار بیاورند. مادر عابد از این حادثه ناراحت شد و بر سر و صورت خود می زد. جریح گفت: مادر خود را کنترل کن این بلایی است که بر اثر نفرین تو دامنگیر من شده است. هنگامی که مردم این سخن را شنیدند از چگونگی آن پرسیدند و جریح تمام داستان را بیان کرد. گفتند: از کجا بدانیم راست می گویی؟ گفت: آن کودک را بیاورید. جریح از کودک پرسید: تو فرزند کیستی؟ طفل به فرمان پروردگار به سخن آمد و گفت: من فرزند فلان کس هستم که چوپانی گوسفندان می کند. و بدین ترتیب جریح از مرگ نجات یافت و سوگند یاد کرد که تا زنده است به مادرش خدمت کند و از او جدا نشود». (۱)



## فصل پنجم: مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب و تراشیدن سر

### اشاره

۱. مسواک زدن
۲. تراشیدن موی سر
۳. آداب نگهداری موی سر
۴. فضیلت تراشیدن سیل
۵. آداب ریش گذاشتن
۶. فضیلت موی سفید
۷. بازی کردن با ریش و کندن موی بینی
۸. فضیلت ناخن گرفتن
۹. آداب واوقات ناخن گرفتن
۱۰. دفن مو و ناخن
۱۱. فضیلت شانه کردن موی سر و صورت
۱۲. آداب واوقات شانه کردن



## مسواک زدن

## فضیلت مسواک زدن

## سنت پیامبران

۱. در احادیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مسواک زدن از سنت پیامبران است». (۱)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از سنت پیامبران است: بوی خوش، آمیزش با همسر، مسواک زدن و خضاب کردن

با حنا». (۲)

۳. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم و امام رضا علیهما السلام فرمودند: «سنت های حنفیه حضرت ابراهیم علیه السلام ده چیز است که پنج قسمت آن مربوط به سر و پنج قسمت دیگر آن در بدن است. آنچه مربوط به سر است عبارتند از: مسواک زدن، کوتاه کردن شارب، موی سر را دو قسمت کردن تا جای مسح گشوده شود، مضمضه کردن (آب در دهان گرداندن و بیرون ریختن)، استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن). و آنچه مربوط به بدن است عبارتند از: ختنه کردن، تراشیدن موهای بالای عورت، ازاله کردن موهای زیر بغل، استنجا (۳) کردن،

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۲.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۲، ح ۱۰.

۳- «استنجا» یعنی پاک کردن محل ادرار یا غائط (فرهنگ عمید).

گرفتن ناخن». (۱)

۴. در حدیثی دیگر می خوانیم که سنت های مربوط به سر عبارتند از: کوتاه کردن شارب، نتراشیدن ریش، تراشیدن موی سر، مسواک زدن، خلال کردن، و سنت های مربوط به بدن عبارتند از: از بین بردن موهای زاید بدن، ختنه کردن، ناخن گرفتن، غسل جنابت، استنجا با آب. (۲)

### سفارش جبرئیل

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جبرئیل پیوسته به مسواک زدن سفارش کرد، تا آنجا که ترسیدم دندان هایم ساییده شود یا بریزد». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «جبرئیل آن قدر به مسواک زدن سفارش کرد که گمان کردم آن را بر امت من واجب خواهد کرد». (۴)

### مسواک و نماز

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز که با مسواک باشد، بهتر از هفتاد رکعت نماز بی مسواک است». (۵)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر بر امت سخت و دشوار نبود، واجب می کردم که قبل از هر نماز مسواک بزنند». (۶)

۱- فقه الرضا علیه السلام، ص ۶۶.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۷، ح ۱، با اندکی تفاوت.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۸.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۰، باب ۱، ح ۵.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳، ح ۱۱۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰، از امام باقر و امام صادق ۸.

۶- علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۹۳، باب ۲۲۱، ح ۱.

## سوزنش ترک کننده مسواک

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چرا دندان های شما را زرد می بینم؟ چرا مسواک نمی زنید؟» (۱).

## فلسفه مسواک زدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون برای نماز شب برمی خیزید مسواک بزنید، زیرا فرشته ای فرود می آید و دهان بر دهانتان می گذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر خدا بخوانید به آسمان می برد، پس باید دهانتان خوشبو باشد» (۲).

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه کعبه از نفس بدبوی کافران به خداوند شکایت کرد. خداوند به او وحی کرد که: ای کعبه، نگران نباش به جای این کافران که دهانشان بدبو است، جماعتی را به سوی تو خواهم فرستاد که دهانشان را با چوب درختان پاک کنند. هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل برای آن حضرت مسواک و خلال آورد» (۳).

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی همراه با وضو مسواک بزند و به نماز بایستد، فرشته ای می آید و دهان بر دهانش می گذارد و آنچه را می گوید به خاطر می سپارد. و اگر مسواک نزند در کناری می ایستد و قرائت نمازش را می شنود» (۴).

۱- محاسن، ص ۵۶۱، ح ۹۳۴؛ کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۹.

۲- کافی، ج ۳، ص ۲۲، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۹۳، باب ۲۲۲، ح ۱.

۳- محاسن، ص ۵۵۸، ح ۹۲۴؛ کافی، ج ۴، ص ۵۴۶، ح ۳۲.

۴- محاسن، ص ۵۶۱، ح ۹۴۸.

### آثار و فواید مسواک زدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوازده ویژگی در مسواک زدن وجود دارد: سنت پیامبران است، پاک کننده دهان، جلادهنده چشم، مایه خشنودی پروردگار، دفع کننده بلغم، تقویت کننده حافظه، سفید کننده دندان ها، مضاعف کننده حسنات، مانع پوست انداختن و پوسیدن دندان می شود، ریشه دندان ها را محکم می سازد، بر اشتها می افزاید، ملائکه به آن خشنود می شوند».<sup>(۱)</sup>

۱. در روایت دیگری فرمود: «مسواک از آبریزش چشم جلوگیری می کند و بر نور آن می افزاید».<sup>(۲)</sup>

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز حافظه را زیاد و دردهای بدن را زایل می کند: جویدن کندر، مسواک زدن، قرآن خواندن».<sup>(۳)</sup>

### زمان و مکان مسواک زدن

۱. در حدیثی می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «برای هر نمازی مسواک بز».<sup>(۴)</sup>

۲. در حدیثی معتبر آمده است که کسی از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد مسواک زدن بعد از وضو پرسید. حضرت فرمود: «باید پیش از وضو مسواک زد و اگر کسی فراموش کند، پس از وضو مسواک بزند و بعد سه مرتبه دهان را بشوید».<sup>(۵)</sup>

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن در حمام باعث

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ص ۷.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۴۰.

۴- محاسن، ص ۵۶۱، ح ۹۴۵؛ کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۱۰.

۵- محاسن، ص ۵۶۱، ح ۹۴۷؛ کافی، ج ۳، ص ۲۳، ح ۶.



ریزش دندان ها می شود». (۱)

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن در حاجتگاه موجب بدبو شدن دهان است». (۲)

### چگونگی مسواک زدن

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک را به عرض دندان ها می کشید. (۳)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک را در هر سه روز ترک نکن، اگرچه به یک بار کشیدن باشد». (۴)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مسواک بزند، پس از آن باید دهانش را با آب بشوید». (۵)

۴. در حدیثی آمده است که علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: کسی که برای نماز شب برمی خیزد آیا می تواند با انگشت مسواک بزند، در حالی که وسایل کافی مسواک در اختیار دارد؟ حضرت فرمود: «اگر می ترسد وقت نماز شب بگذرد اشکال ندارد». (۶)

### ترک کردن مسواک

در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام دو سال پیش از شهادتش مسواک را

۱- مکارم الأخلاق، ص ۴۹.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۴۸.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۳۵.

۴- کافی، ج ۳، ص ۲۳، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰.

۵- محاسن، ص ۵۶۳، ح ۹۶۱.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱۲۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰.

ترک کرد، زیرا دندان های مبارک آن حضرت بسیار ضعیف شده بود (وتاب مسواک نداشت). (۱)

### تراشیدن موی سر

#### اهمیت تراشیدن موی سر و فواید آن

۱. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز است که هر کس لذت آن را بچشد ترک نخواهد کرد، یکی از آنها تراشیدن (موی سر) است». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سر را بتراشید تا چرک نگیرد، جانوران در آن جا خوش نکنند، گردن انسان چاق شود، چشم جلا یابد، بدن استراحت کند». (۳)

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون موی سر بلند شود چشم راضعیف و نورش را کم می کند و تراشیدن موی سر دیده را جلا می دهد». (۴)

#### زمان تراشیدن موی سر و آداب آن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «من سرم را هر جمعه می تراشم». (۵)

۲. در کتاب فقه الرضا آمده است: «هنگام تراشیدن سر رو به قبله شو و از جلوی سر (از پیشانی) شروع کن و به نزدیکی گوش ها که رسیدی این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، سُنَّةَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنْ

۱- علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۹۵، باب ۲۲۸، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۱؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۵، ح ۳۲۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۸.

۴- السرائر، ج ۳، ص ۵۷۵.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۷؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۸۶.

المُشْرِكِينَ. اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا سَاطِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱) وپس از تراشیدن

تمام موی سر بگو: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتُّقَى وَجَنِّبِي الرَّذَى وَجَنِّبْ شَعْرِي وَبَشْرِي الْمَعَاصِي وَجَمِيعَ مَا تَكْرَهُ مِنِّي، فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا». (۲)

۳. در روایت دیگری آمده است که: «هنگام تراشیدن سر این دعا خوانده شود: بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۳) وپس از اتمام بگوید: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتُّقَى وَجَنِّبِي الرَّذَى». (۴)

## آداب نگهداری موی سر

### اشاره

(مقدمه): بر زنان حرام است بدون عذر و ضرورت، موی سرشان را بتراشند ولی در مورد مردان مستحب است به یکی از دو روش عمل کنند: موی سرشان را بتراشند و این کار بهتر است، موی سرشان را نتراشند ولی از آن نگهداری کنند؛ آن را به وقت بشویند و شانه بزنند و دو قسمت کنند به گونه ای که بیخ موهای میانه جلوی سر ظاهر شود. و چون در صدر اسلام تراشیدن سر در میان عرب عیب بزرگی محسوب می شد و پیامبر و امام نباید کاری کنند که در نظر مردم زشت جلوه کند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی خویش را به مقدار چهار انگشت بلند می کرد و در حج و عمره می تراشید. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید).

۱- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). و بر آیین رسول خدا و بر سنت و روش او و در دین خود خالص و مسلمانم و از مشرکان نیستم. بار خدایا، در مقابل هر تار مویی در قیامت نوری آشکار به من عطا کن.»

۲- ترجمه: «بار خدایا، مرا به تقوا زینت ده و از هلاکت حفظ کن و مو و پوست مرا از گناهان و از تمام آنچه که برای من نمی پسندی دور نگاه دار، زیرا من از برای خود مالک هیچ سود و زینتی نیستم». فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۵، ح ۹.

۳- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). و بر آیین رسول خدا، که درود خدا بر او و آتش باد (سرم را می تراشم). بار خدایا، در مقابل هر تار مویی در روز قیامت نوری به من عنایت فرما.»

۴- ترجمه: «بار خدایا، مرا با تقوا زینت بخش و از پستی ها دورم بدار». بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۳.

### آداب نگهداری موی سر مردان

۱. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس موی سرش را بلند می کند باید نیکو نگاه بدارد، یا آن را از ته بترشد و بلند نکند». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله موی سر خویش را دو قسمت کرده و وسط سر را باز می کرد؟ حضرت فرمود: «آن حضرت موی سر خویش را به حدی بلند نمی کرد که احتیاج به این کار شود، بلکه به اندازه ای بلند می کرد که به نرمه گوش می رسید و هیچ یک از پیامبران موی سر را زیاد بلند نمی کردند». (۲)

### آداب نگهداری موی سر زنان

۱. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام از کاکل گذاشتن و مو را در جلو سر گره زدن و کف دست را با حنا رنگین ساختن نهی کرد. (۳)

۲. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زنی که موی صورت و بالای پیشانی خود را می زداید چه حکمی دارد؟ امام فرمود: «اشکال ندارد». (۴)

۳. از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که موی دیگری را به موی می بافت پرسیدند؟ فرمود: «اشکال ندارد». (۵)

۴. در حدیث دیگری فرمود: «اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی همان زن باشد اشکال ندارد، اما با موی زن دیگر نبافد و موی زن دیگر را به موی خود پیوند نکند». (۶) (باتوجه به این دو خبر معلوم می شود این کار جایز است ولی کراهت دارد).

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۵، ح ۳۲۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۳، ص ۴۸۶، ح ۴.

۳- کافی، ج ۵، ص ۵۱۹، ح ۱؛ السرائر، ج ۳، ص ۶۱۰، از امیرالمؤمنین علیه السلام.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۸۵.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۸۵.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۸۵.

## فضیلت تراشیدن سبیل

### فلسفه تراشیدن سبیل و فواید آن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «شارب (۱) را کوتاه کنید و ریش را بلند کنید تا شبیه یهودیان و زردشتیان نشوید». (۲)
۲. در حدیث دیگری فرمود: «هر که شارب خود را نگیرد از ما نیست». (۳)
۳. در روایت دیگری فرمود: «شارب خود را بلند نکنید که شیطان در آن جا خوش می کند و پنهان می شود». (۴)
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب، رفع غم و وسواس را به ارمغان می آورد». (۵)
۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در روز شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن خود را بگیرد، از درد دندان و چشم عافیت یابد». (۶)

### وقت و مقدار گرفتن شارب

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مستحب است موی شارب را به قدری کوتاه کند که به جلوی لب بالا برسد». (۷)
۲. در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام شارب خود را از ته می تراشید. (۸)
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب و ناخن از

- ۱- «شارب» قسمت بلند سبیل است که روی لب را می پوشاند و هنگام نوشیدن آب وارد ظرف آب می شود.
- ۲- معانی الأخبار، ص ۲۹۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.
- ۳- مکارم الأخلاق، ص ۶۷.
- ۴- کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.
- ۵- الخصائص الفاطمیة، ج ۲، ص ۲۵۵.
- ۶- ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۵.
- ۷- کافی، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.
- ۸- کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.

جمعه تا جمعه بعد، انسان را از بیماری خوره حفظ می کند». (۱)

۴. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از آن حضرت دعایی خواست که باعث فزونی رزق و روزی اش شود. حضرت فرمود: «شارب و ناخن خود را در روز جمعه بگیر». (۲)

### دعای هنگام گرفتن شارب

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هر جمعه ناخن و شاربش را بگیرد و در هنگام گرفتن بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خداوند به تعداد هر تار مو و قطعه ناخن، ثواب آزاد کردن یک برده از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام را به او می دهد و جز در آخر عمر بیمار نشود». (۳)

### آداب ریش گذاشتن

#### اشاره

(مقدمه:) میان علما مشهور است که تراشیدن ریش حرام است، اما تراشیدن روی گونه ها و دو سمت لب پایین اشکال ندارد. و نیز احتیاط آن است که محاسن را بسیار کوتاه که شبیه تراشیدن است نکند. ضمناً مستحب است ریش را نه بسیار بلند و نه کوتاه کنند، بلکه در حد میانه بگذارند. و بلند کردن آن بیش از یک قبضه، کراهت دارد بلکه احتمال حرمت می رود. (به روایاتی در این زمینه

توجه فرمایید:)

### درازای ریش

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آن مقدار از ریش که

۱- کافی، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۴.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۵.

۳- کافی، ج ۳، ص ۴۱۷، ح ۲؛ خصال، ج ۲، ص ۱۵۳.

بیش از یک قبضه باشد در آتش است». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «دست بر ریش خود بگذار و آنچه اضافه بر یک قبضه است را کوتاه کن». (۲)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر شخصی گذشت که ریش درازی داشت. فرمود: چه می شد اگر این مرد ریش خود را اصلاح می کرد؟» چون این خبر به آن شخص رسید ریش خود را اصلاح و آن را به شکل متعادلی کوتاه کرد، سپس خدمت حضرت رسید. حضرت فرمود: «ریش خود را چنین اصلاح کنید». (۳)

### چگونگی اصلاح ریش

۱. در حدیث است که محمد بن مسلم می گوید دیدم آرایشگر ریش حضرت باقر علیه السلام را اصلاح می کرد. حضرت به او فرمود: «ریشم را مدور کن». (۴)

۲. در حدیث دیگری آمده است که آن حضرت ریش را باریک می کرد وانبوه نمی گذاشت. (۵)

۳. در حدیث است که علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا از روی ریش می توان گرفت؟ حضرت فرمود: «از پهلوهای صورت مانعی ندارد، اما از جلوی صورت نه». (۶) (از این روایات استفاده می شود که مردم در میان این اشکال مختلف مخیر هستند).

- ۱- کافی، ج ۶، ص ۴۸۶، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.
- ۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.
- ۳- کافی، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.
- ۴- کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.
- ۵- کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.
- ۶- مکارم الأخلاق، ص ۴۸.

### محاسن سبب زیبایی است

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند توبه حضرت آدم علیه السلام را پذیرفت سر به سجده نهاد و چون سر برداشت رو به آسمان کرد و گفت: پروردگارا، بر حُسن و جمال من بیفزا. پس از آن ریش بسیار سیاهی بر صورتش ظاهر شد و چون تا آن وقت ریش نداشت از خداوند پرسید: این چیست؟ وحی آمد: این زینت تو و زینت مردان فرزندان تو تا قیامت است». (۱)

### مجازات تراشیدن ریش

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در زمان های گذشته گروهی بودند که ریش خود را تراشیده و سیلشان را می تابیدند. خداوند آنها را مسخ کرد». (۲)

### فضیلت موی سفید

### نخستین موی سفید و فلسفه آن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اول کسی که موی سفید در محاسنش ظاهر شد حضرت ابراهیم علیه السلام بود. به ریش سفید خود نگاهی کرد و گفت: پروردگارا، این چیست؟ وحی آمد که این باعث وقار انسان است. عرض کرد: پروردگارا، بر وقار من بیفزا». (۳)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در محاسن خود دید گفت: حمد و سپاس شایسته خداوندی است که مرا به این سن رساند، در حالی که به اندازه یک چشم

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۸۰.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۳۶، باب ۴۹، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۴ و ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.



برهم زدن معصیت او را نکردم».<sup>(۱)</sup>

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سر و صورت سفید نمی شد؛ از این رو، هرگاه پدر و فرزندی در مجلسی حضور داشتند کسی متوجه نمی شد کدام فرزند و کدام یک پدر است، پس ناچار بود بپرسد. حضرت ابراهیم علیه السلام چنین دعا کرد: «خداوندا، برای من موی سپیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم» خداوند دعایش را اجابت کرد و موی سر و صورتش (تدریجاً) سفید شد».<sup>(۲)</sup>

### فایده موی سفید و حکم کندن آن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سفید را نکنید که نور مسلمانی است. هر مسلمانی موی سفیدی در ریش او پیدا شود، همچون نوری برای او در قیامت باشد».<sup>(۳)</sup>

۲. در حدیثی امام رضا علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «موی سفید در پیش سر میمون و مبارک است و در عارض ها علامت سخاوت و جوانمردی و در جای زلف علامت شجاعت و در پشت سر شوم است».<sup>(۴)</sup>

(ظاهراً منظور شروع و ابتدای سفید شدن است).

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در روز قیامت با سه کس سخن نمی گوید و به آنها نگاه رحمت نمی افکند و اعمالشان را نمی پذیرد و عذابی دردناک برایشان آماده کرده است: کسی که موی سفید (سر و صورتش)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۶۸.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۰۴، باب ۹۵، ح ۳.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۹۳، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.

را بکند، هر که استمنا کند، هر کس که دیگران با او لواط کنند». (۱)

توضیح: شاید منظور از گروه اول کسانی است که برای هدف نامشروعی، مثلاً تدلیس و فریب در ازدواج و جوان نشان دادن خود (برای مقاصد نامشروع) چنین کاری می کنند، زیرا در حدیثی معتبر از امام رضا علیه السلام می خوانیم که فرمود: «چیدن و کندن موی سفید جایز است، اما چیدن آن را بیشتر از کندنش دوست می دارم». و در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است که: «کندن و چیدن موی سفید هر دو جایز است». (۲) و در روایت سوم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل

شده که آن حضرت چیدن موی سفید را جایز و کندنش را مکروه دانسته است. (۳)

(از مجموع این روایات استفاده می شود که باقی ماندن موی سفید از همه بهتر و چیدن آن مکروه و از آن مکروه تر کندن آن است).

### بازی کردن با ریش و کندن موی بینی

۱. در روایتی معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «مسلمان باید موی شارب و موی بینی را بگیرد و به احوال بدن خود پردازد که این امور باعث زیبایی او می شود». (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن موی بینی، صورت را زیبا می کند». (۵)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «زیاد دست بر ریش خود نگذارید که صورت را معیوب و بدنما می کند». (۶)

۱- خصال، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۶۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۷، ح ۳۴۳، از امام صادق علیه السلام.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۷، ح ۳۴۲.

۴- قرب الإسناد، ص ۷۱، ح ۲۰۵.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۸۸، باب أخذ الشعر من الأنف، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۸۹.

۶- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۹، باب ۳۵۱، ح ۱.

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از وسوسه های شیطان است: خوردن گِل، خُرد کردن گِل خشک شده، گرفتن ناخن با دندان، به دندان گرفتن ریش و جویدن آن». (۱)

### فضیلت ناخن گرفتن

۱. در روایتی آمده است که مدّتی وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل نشد، علّت آن را پرسیدند. حضرت فرمود: «چگونه وحی قطع نشود در حالی که شما ناخن های خود را نمی گیرید و چرک انگشتانتان را برطرف نمی کنید». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن مستحبّ

مؤکّد است». (۳)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مردان ناخن خود را از ته بگیرند و زنان اندکی بلندتر بگذارند که زینت آنهاست». (۴)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «ناخن گرفتن دردهای بزرگ را دور می کند و بر روزی انسان می افزاید». (۵)

۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «علّت و فلسفه گرفتن ناخن آن است که چون بلند شود شیطان در آن لانه می کند و موجب فراموشی است». (۶)

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۴۶، ح ۱۰.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۱۷.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۵.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۱؛ ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۴.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۶.

## آداب و اوقات ناخن گرفتن

### زمان ناخن گرفتن

#### روز جمعه

۱. در حدیث است که کسی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: اصحاب و دوستان ما معتقدند ناخن را باید در روز جمعه گرفت. حضرت فرمود: «اگر بخواهید در روز جمعه بگیرید و اگر نمی توانید تا جمعه صبر کنید، هر گاه بلند شد بگیرید». (۱)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن در روز جمعه انسان را در برابر بیماری های خوره، کوری و پیسی بیمه می کند. و اگر در روز جمعه نیاز به گرفتن ناخن ها نباشد آن را سوهان بکش تا ریزه هایی از آن جدا شود». (۲)
۳. در چند حدیث دیگر فرمود: «هر جمعه شارب و ناخن خود را بگیرد و اگر ناخن هایتان کوتاه است در روز جمعه آن را سوهان بکشید، تا مبتلا به دیوانگی و خوره و پیسی نشوید». (۳)
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در هر جمعه ناخن و شارب خود را بگیرد، تا جمعه دیگر پیوسته با طهارت باشد». (۴)
۵. در روایتی دیگر فرمود: «گرفتن ناخن و شارب در هر جمعه و شستن سر با گیاه خطمی (۵) در جمعه، فقر را برطرف و روزی را زیاد می کند». (۶)

- ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۴؛ تهذیب، ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۶۲۶.
- ۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۲؛ ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۵.
- ۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۳؛ تهذیب، ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۶۲۸.
- ۴- کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۸؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۳، ح ۳۰۷.
- ۵- «خطمی» (به کسر خاء و میم و تشدید یاء) گیاهی است دارای ساقه ضخیم و بلند و برگ های پهن و ستبر و گل های شیپوری به رنگ سفید یا سرخ که گل و ریشه آن در علم پزشکی به کار می رود (فرهنگ عمید).
- ۶- کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۰.

۶. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شنیده ام اشتغال به تعقیبات نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب، سودمندتر از سفر به شهرها برای گشایش و افزایش رزق و روزی است. فرمود: «دوست داری چیزی به تو بیاموزم که از همه اینها نافع تر باشد؟» گفت: آری. فرمود: «ناخن و شارب خود را در هر جمعه بگیر، هر چند به ساییدن باشد». (۱)

۷. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ناخن های خود را در روز جمعه بگیرد، خداوند دردهایش را از سر انگشتانش بیرون کرده، دوی درد را جایگزین آن می کند». (۲)

۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس روز جمعه ناخن بگیرد، ناراحتی ریشه ناخن ها از وی برطرف می شود». (۳)

۹. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن ناخن در روز جمعه هر دردی را برطرف می کند». (۴)

### روز پنجشنبه

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ناخن های خود را روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد، خداوند پریشانی را از وی زایل می کند». (۵)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن در روز پنجشنبه بر روزی می افزاید». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۱ و ۱۲.

۲- ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۳، ح ۳۰۹.

۴- طبّ الأئمّه، ص ۱۳۸.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۰؛ ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۳.

۶- طبّ الأئمّه، ص ۱۳۸.

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس پنجشنبه ناخن بگیرد، فرزندانش بسیار شوند و درد چشم نبیند». (۱)

و اگر بخواهد ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو را ببرد، در روز پنجشنبه ناخن‌ها را بگیرد و یکی را برای جمعه نگاه دارد، یا همه را در روز پنجشنبه بگیرد و در روز جمعه سوهانی بر آن بکشد که ریزه‌هایی از آن جدا شود.

۴. در حدیث است که امام رضا علیه السلام کسی را دید که مبتلا به چشم درد بود. فرمود: «می‌خواهی چیزی به تو بیاموزم که با انجام دادن آن هرگز چشم درد نگیری؟» گفت: آری. فرمود: «هر پنجشنبه ناخن‌هایت را بگیر». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و هرگز به درد چشم مبتلا نشد. (۲)

۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس همواره در روز پنجشنبه ناخن‌های خود را بگیرد هرگز چشم درد نگیرد». (۳)

### سایر روزهای هفته

۱. در روایتی آمده است که هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و از انگشت کوچک دست راست شروع کرده و به انگشت کوچک دست چپ ختم کند، این کار او را از چشم درد حفظ می‌کند. (۴)

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز سه‌شنبه ناخن بگیرد». (۵)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب خود را بگیرد از درد دندان و چشم عافیت پیدا می‌کند». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۴؛ بسیاری فرزندان در مصدر نیست.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۴.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۱۱۰۴.

۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۲۰.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۳؛ ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۲.

(از مجموع این روایات استفاده می شود که هر هفته باید ناخن ها را گرفت. روز جمعه افضل است، سپس روز پنجشنبه و بعد سایر روزهای هفته. در ضمن باید توجه داشت هر گاه ناخن ها بلند شود انواع میکروب ها زیر آن لانه می کند؛ میکروب هایی که سرچشمه بسیاری از بیماری هاست).

### چگونه ناخن بگیریم؟

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که هنگام ناخن گرفتن از انگشت کوچک دست چپ شروع کرده و به انگشت کوچک دست راست ختم کنید. (۱)

۲. در روایت دیگر چنین آمده است: اگر روز پنجشنبه از ناخن انگشت کوچک دست راست شروع و به انگشت بزرگ آن دست ختم کرده و سپس از انگشت کوچک دست چپ شروع و به انگشت بزرگ همان دست ختم کند، از درد چشم امان خواهد یافت. (۲)

وبعید نیست اگر روز چهارشنبه ناخن بگیرد بهتر است از انگشت دست چپ شروع کند و اگر در روز پنجشنبه ناخن بگیرد در هر دستی با انگشت کوچک آن دست شروع کند. (۳) و اگر روز جمعه یا دیگر روزها باشد از انگشت کوچک

دست چپ شروع و به انگشت کوچک دست راست ختم کند. (۴) و به طور کلی هر

زمان از انگشت کوچک دست چپ شروع کند خوب است همان گونه که صدوق، علی بن بابویه گفته است. (۵)

۳. در اخبار اهل سنت چگونگی ناخن گرفتن به این شرح است: در دست

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۱۶.

۲- طب الأئمه، ص ۸۴.

۳- طب الأئمه، ص ۸۴.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۳، ح ۸۱.

۵- المقنع، ص ۱۴۵.

راست اول انگشت شهادت، سپس انگشت کوچک و بعد انگشت بزرگ و پس از آن انگشت وسط و در آخر انگشت دیگر را می گیرد و در دست چپ با انگشت پس از انگشت کوچک شروع می کند، سپس انگشت وسط را می گیرد و سوم به سراغ انگشت بزرگ می رود، سپس انگشت کوچک را می گیرد و در آخر ناخن انگشت شهادت را خواهد گرفت. (۱)

ولی توجه داشته باشید که عمل به آنچه در روایات قبل ذکر کردیم که از منابع اهل بیت علیهم السلام نقل شد، سزاوارتر است.

۴. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از گرفتن ناخن با دندان نهی کرد. (۲)

### دعای هنگام ناخن گرفتن

در روایتی آمده است که به هنگام گرفتن ناخن و شارب این دعا را بخوانید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». (۳)

### دفن مو و ناخن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده که در تفسیر آیه (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا \* أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا) (۴) فرمود: «منظور از دفن کردن در حال زندگی، دفن مو و ناخن است». (۵)

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت

۱- المغنی، ج ۱، ص ۱۰۲، فصل ۱۰۴. البته آنچه در این روایت آمده با آنچه علامه مجلسی رحمه الله از اهل سنت نقل کرده متفاوت است.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۴.

۳- کافی، ج ۳، ص ۴۱۷، ح ۲؛ خصال، ج ۲، ص ۵۳.

۴- ترجمه: «آیا زمین را مرکز اجتماع انسان ها قرار ندادیم، هم در حال حیاتشان وهم مرگشان؟!» سورهمرسلات، آیات ۲۵ و ۲۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۹۳، باب دفن الشعر والظفر، ح ۱.



رسول صلی الله علیه و آله امر کردند که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم: مو، ناخن، دندان، خون». (۱)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هفت چیز است که هر گاه از انسان جدا شود باید دفن کنند: مو، ناخن، خون، عادت ماهیانه، بچه دان، دندان، نطفه که تبدیل به خون شده باشد». (۲)

### فضیلت شانه کردن موی سر و صورت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سر را بسیار شانه کنید که تب را دور و روزی را زیاد می کند و بر قدرت آمیزش می افزاید». (۳)

۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پوشیدن لباس پاکیزه دشمن را منکوب و مالیدن روغن بر بدن پریشانی و بدحالی را زایل و شانه کردن سر تب را برطرف و شانه کردن محاسن دندان ها را محکم می کند». (۴)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «شانه کردن فقر را برطرف و دردها را درمان می کند». (۵)

۴. در روایت دیگری فرمود: «شانه زدن روزی را زیاد، مو را نیکو و شاداب، حاجت را روا، پشت را محکم و بلغم را قطع می کند». (۶)

۵. در سخنی دیگر از آن حضرت آمده است که این کار موجب فزونی فرزند می شود. (۷)

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۵، ح ۱.

۲- خصال، ج ۲، ص ۹۳، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۵، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۶؛ ثواب الأعمال، ص ۴۰، باب ثواب تسريح الرأس، ح ۳، از رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۸۸، باب التمشط، ح ۱.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۷۱.

۶- خصال، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۴ و ۶.

۷- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۴ و ۶.

۶. ودر گفته ای فرمود: «شانه کردن دو طرف موی صورت، دندان ها را محکم وشانه کردن پایین محاسن، طاعون را دور وشانه کردن پیش، وسواس سینه را دور وشانه کردن پشت سر، بلغم را قطع می کند». (۱)

## آداب واوقات شانه کردن

### وقت شانه کردن

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه (خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) (۲) فرمود: «شانه کردن قبل از هر نماز، جزء همین زینت محسوب

می شود». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام هر نماز واجب ومستحبی، جزء زینت مذکور در آیه است». (۴)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که: در سجاده امام صادق علیه السلام شانه ای بود که هرگاه نمازشان تمام می شد از آن استفاده می کردند. (۵)

### چگونگی شانه کردن

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده شانه نکن که باعث ضعف دل می شود، نشسته شانه کن که دل را قوی و پوست را محکم می کند». (۶)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ایستاده شانه

۱- طب الأئمه، ص ۱۹.

۲- ترجمه: «زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید». سوره اعراف، آیه ۳۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۷.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳، ح ۲۵.

۵- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳، ح ۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۲.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۷۲.

کند بدهکار می شود». (۱)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده شانه کردن موجب فقر و پریشانی می شود». (۲)

۴. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره موهای خود را شانه می کرد و بیشتر اوقات به هنگام شانه کردن، موهایش را تر می کرد». (۳)

### دعای هنگام شانه کردن

۱. مستحب است به هنگام شانه کردن این دعا خوانده شود :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآكْسِنِي جَمَالًا - فِي خَلْقِكَ وَزِينَةً فِي عِبَادِكَ وَحَسِّنْ شَعْرِي وَبَصِيرِي وَلَا تَبْتَلْنِي بِالْإِنْفَاقِ  
وَأَرْزُقْنِي الْمَهَابَةَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَالرَّحْمَةَ مِنْ عِبَادِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد شانه کند، شانه را به دست راست گرفته، در حالی که نشسته، آن را بر بالای سر بگذارد و جلوی سر را شانه کند و بگوید: اللَّهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِي وَبَشِّرِي وَطَيِّبْهُمَا وَاصْرِفْ عَنِّي الْوَبَاءَ (۵)، سپس پشت سر را شانه کند و بگوید: اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلَى عَقْبِي

۱- مکارم الأخلاق، ص ۷۰، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

۲- خصال، ج ۲، ص ۲۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۵.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۹۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۱۷، ح ۱۵۶.

۴- ترجمه: «بار خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و در میان خلق خود بر من زیبایی و در میان بندگان تنزیتی بپوشان و مو و دیده مرا نیکو گردان و مرا به نفاق و دورویی دچار مکن و هیبت در میان مخلوق تو رحمت از ناحیه بندگان را روزی من کن، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۲۴.

۵- ترجمه: «بار خدایا، مو و پوست مرا نیکو گردان و آنها را پاکیزه کن و بیماری های واگیردار را از مندور گردان».

وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمْكِنُهُ مِنْ قِيَادِي فَيُرِدَّنِي عَلَىٰ عَقِبِي (۱) ، بعد ابروها

را شانه کند و بگوید: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِزِينَةِ الْهُدَى (۲) آن گاه ریش را از بالا به پایین شانه

کند، سپس شانه را بر سینه بمالد و بگوید: اللَّهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْغُمُومَ وَالْهُمُومَ وَوَحْشَةَ الصُّدُورِ وَوَسْوَاسَةَ الشَّيْطَانِ (۳) ، سپس ریش را از پایین به بالا شانه کند

و سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) را تلاوت کند. (۴)

۱- ترجمه: «بار خدایا، مرا به عقب برمگردان و مکر و حيله شیطان را از من دور کن و به او فرصت نده که مرا به بند پیروی خود درآورد و به عقب بازگرداند».

۲- ترجمه: «بار خدایا، مرا به زینت هدایت، زینت بخش».

۳- ترجمه: «بار خدایا، غم ها و وحشت ها و وسوسه شیطان را از من برطرف کن».

۴- مکارم الأخلاق، ص ۷۱.

## فصل ششم: آداب استفاده از بوی خوش و گل ها و کرم ها و روغن ها

### اشاره

۱. سبب پیدایش بوهای خوش در زمین
۲. فضیلت بوی خوش و آداب آن
۳. کراهت ردّ عطریات
۴. فضیلت مشک و عنبر و زعفران
۵. فضیلت غالیه
۶. فضیلت و آداب روغن زدن
۷. روغن بنفشه
۸. روغن بان و زنبق
۹. فواید سایر روغن ها
۱۰. بخور و انواع و آداب آن
۱۱. فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گل ها
۱۲. آداب بوییدن گل



## سبب پیدایش بوهای خوش در زمین

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که آدم و حوّا از بهشت به زمین آمدند، حضرت آدم بر کوه صفا و حضرت حوّا بر کوه مروه قرار گرفت. حوّا هنگامی که در بهشت بود از بوی خوش آنجا به موهای خود زده بود و گیسویش را شانه کرده و بسته بود. هنگامی که به زمین آمد با خود گفت: حال که خدا از من در خشم است، آرایش وزینتی که در بهشت کرده ام چه سودی دارد؟ سپس گیسوان خود را باز کرد. آن گاه بوی خوشی را که از موهای او منتشر شد نسیم باد به مشرق و مغرب برد؛ البتّه بیشتر آن به سرزمین هند ریخت، لذا بیشتر بوهای خوش در آن دیار است». (۱)

۲. در روایت دیگری فرمود: «هنگامی که حضرت آدم از درخت ممنوع استفاده کرد و تمام لباس‌ها و زیورهای بهشتی‌اش فرو ریخت، برگی از برگ‌های بهشتی را گرفت و با آن خویش را پوشاند. هنگامی که به زمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ بهشتی را به سرزمین هند رساند. بدین جهت گیاهان خوشبو در هندوستان فراوان است. واول حیوانی که از آن برگ بهشتی یا از آن گیاهان خوشبو خورد، آهوی مشک بود که با این کار بوی خوش در گوشت و خونش جاری و سپس در پیش نافش گرد آمد و از آن مشک تولید شد». (۲)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۳، باب اصل الطیب، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۴، ح ۳.

## فضیلت بوی خوش و آداب آن

### فضیلت بوی خوش

۱. در احادیث معتبر آمده است که استعمال عطر و بوی خوش از جمله اخلاق پسندیده پیامبران است. (۱)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبرانش سه چیز داده است: بوی خوش و همسر و مسواک». (۲)
۳. در حدیثی می خوانیم که هرگاه امام صادق علیه السلام بر موضعی سجده می کرد، مردم جای سجده امام را از بوی خوش آن حضرت که در آنجا مانده بود می شناختند. (۳)
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه خصلت در حضرت رسول صلی الله علیه و آله وجود داشت که در دیگران نبود: سایه نداشت، از هر مسیری عبور می کرد تا مدتی بوی خوش آن حضرت در آن مسیر بود به گونه ای که هر کس از آنجا عبور می کرد درمی یافت که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن راه عبور کرده است، از کنار هر سنگ و درختی که می گذشت برای آن حضرت تعظیم می کردند». (۴)
۵. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوشبو کردن خود و زدن شارب از اخلاق پیامبران و گرامی داشتن ملائکه ای است که اعمال انسان را می نویسند، زیرا آنها از بوی خوش، خوششان می آید». (۵)
۶. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای بوی خوش بیش از غذا هزینه می کرد. (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۹؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۴.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.



## وقت استفاده از بوی خوش

۱. در حدیث صحیح و معتبری آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «سزاوار مردان نیست هر روز بوی خوش را ترک کنند. و اگر قادر نباشند یک روز در

میان عطر بزنند. و اگر این هم ممکن نباشد هر جمعه این کار را انجام داده و آن را ترک نکنند». (۱)

۲. از حضرت رسول روایت شده که فرمود: «جبرئیل گفت: یک روز در میان خود را خوشبو ساز و این کار را در روز جمعه حتماً انجام بده و ترک نکن». (۲)

۳. و در روایتی دیگر فرمود: «روز جمعه حتماً خود را خوشبو کنید، اگرچه از بوی خوش متعلق به زنان باشد». (۳)

۴. در حدیث است که روزی عثمان بن مظعون خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: می خواهم بوی خوش و چند چیز دیگر از لذت ها را ترک کنم. حضرت فرمود: «بوی خوش را ترک نکن که ملائکه بوی خوش مؤمن را می بویند و (لااقل) هر جمعه این کار را انجام بده (۴) که هر چه صرف بوی خوش کنی اسراف نیست». (۵)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر هر انسان بالغی لازم است هر جمعه شارب و ناخن خود را بگیرد و چیزی از بوی خوش استفاده کند و هر زمان جمعه فرا می رسد و بوی خوش نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله نبود، دستمال برخی همسرانش را که معطر بود می طلبید و آن را مرطوب کرده و بر سر و صورت خویش می مالید». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۱۲ و ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۱۲ و ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۱۴.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۱.

۶- کافی، ج ۶، ص ۱۱، ح ۱۰.

۶. از امام کاظم روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه ناخن بگیرد، روز چهارشنبه حمام بروید، روز پنجشنبه حجامت کنید و روز جمعه به بهترین بوها خود را معطر سازید». (۱)

### بوی خوش برای زنان

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «باید رنگ بوی خوش زنان، آشکار و بوی پنهان باشد. و در مورد مردان باید بوی آشکار و رنگش پنهان باشد». (۲)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زن مسلمان باید پیوسته خود را برای شوهرش خوشبو کند». (۳)  
(ولی در بیرون خانه در برابر نامحرمان از بوی خوش بپرهیزد).

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر زنی که خود را معطر سازد و از خانه بیرون رود، پیوسته مشمول نفرین الهی باشد تا به خانه بازگردد». (۴)

### فواید بوی خوش

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی خوش قلب را قوی می کند و بر قدرت آمیزش می افزاید». (۵)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس هر روز از بوی خوش استفاده کند تا شب

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۲۰؛ خصال، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۷؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۵، ح ۲۳.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۳.

عقلش با او باشد». (۱)

۳. ودر روایتی دیگر فرمود: «یک نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز بدون بوی خوش». (۲)

۴. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز دل را می گشاید وغم را زایل می کند: بوی خوش، خوردن عسل، سواری کردن، نگاه به سبزه». (۳)

### کرامت ردّ عطریات

۱. در حدیث است که حضرت رسول بوی خوش و شیرینی که برایش هدیه می آوردند، رد نمی کرد. (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن خوشبویی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام هدیه آوردند، حضرت آن را گرفت و با اینکه آن روز بر بدنش روغن مالیده بود، از آن روغن هم بر بدن خود مالید. سپس فرمود: هرگز بوی خوش را رد نمی کنم». (۵)

۳. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا کسی که بوی خوشی برای او آورده اند می تواند آن را رد کند؟ فرمود: «سزاوار نیست که انسان کرامت را نپذیرد و آن را رد کند». (۶)

۴. در حدیث است که حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. حضرت ظرفی را که در آن مشک بود برایم آورد و فرمود: «بردار و به خود بمال»

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۷.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲، با اندکی تفاوت.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۱۳، ح ۴.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۲.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱.

قدری برداشتم و خود را معطر ساختم. حضرت فرمود: «مقداری دیگر بردار و در گودی پایین گردنت بمال» این کار را کردم. مقداری دیگر ماند. حضرت فرمود: «این را هم به همان جا بمال» مالیدم. سپس فرمود: «حضرت علی علیه السلام فرمود: کرامت را جز دراز گوش رد نمی کند». پرسیدم کرامت چیست؟ فرمود: «بوی خوش و بالشی که برای تکیه زدن و نشستن می دهند و مانند آن». (۱)

## فضیلت مشک و عنبر و زعفران

### مشک

۱. در حدیثی آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن قدر مشک بر خود می مالید که رنگ آن بر فرق مبارک حضرت آشکار بود. (۲)

۲. در حدیثی صحیح می خوانیم: حضرت مشک دانی داشت که هر گاه وضو می ساخت با دست تر آن را می گرفت و هنگامی که بیرون می آمد از بوی خوش آن می فهمیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است. (۳)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که امام زین العابدین علیه السلام مشک دانی از جنس قلع داشت، هر گاه می خواست لباس بپوشد آن را می طلبید و خود را معطر می ساخت. (۴)

۴. در حدیثی دیگر آمده است که آن حضرت شیشه ای از مشک داشت که در سجاده اش می گذاشت و هر گاه به نماز می ایستاد به خود می مالید. (۵)

۵. در حدیث است که علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۴، باب المسک، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۱۴، باب المسک، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۶.

می توان مشک را با روغنی که به بدن می مالند مخلوط کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد و من این کار را انجام می دهم». (۱)

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «اشکال ندارد که مشک را با غذا مخلوط کنند». (۲)

۷. در روایتی می خوانیم: امام رضا علیه السلام قوطی کوچکی که از چوب درخت آبنوس (۳) ساخته شده و دارای خانه های متعددی بود از جیب خود بیرون آورد که

در هر خانه آن بوی خوشی بود و یکی از آنها مشک بود. (۴)

### فضیلت عنبر و زعفران و عود

۱. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را به مشک و عنبر معطر و خوشبو می کردند. (۵)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی خوش عبارت است از : مشک و عنبر و زعفران و عود». (۶)

### خلوق

احادیث متعددی در وصف و فضیلت «خلوق» (۷) وارد شده است. (۸) و آن بوی

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، دنباله حدیث ۸.

۳- «آبنوس» از کلمه یونانی ابانس گرفته شده و نام درختی است که در هند و حبشه می روید و مانند درختگردو، بزرگ و تناور می شود. چوب آن سنگین و سخت و دارای لکه های سیاه است و آن را پس از بریدنمندی در آب می اندازند تا سیاه شود. در عربی نیز به آن آبنوس می گویند و در فارسی «شیز» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۴.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۳۳ و ۳۴.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۱۳، باب انواع الطیب، ح ۱.

۷- «خُلُوق» بوی خوش، ترکیبی خوشبو که قسمت عمده آن زعفران است. خِلاق هم می گویند (فرهنگ عمید).

۸- کافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۴.

خوشی است که از چند چیز به عمل می آید که یک جزء آن زعفران است. البته در بعضی روایات سفارش شده که مداومت بر استفاده از خلوق نکنید، بلکه گاه از آن استفاده نمایید.

و در روایتی آمده است که شب تا به صبح آن را بر بدن نگذارید (۱) و شاید علت آن این باشد که رنگش بر بدن زیاد نماند.

## فضیلت غالیه

### فضیلت غالیه (۲)

۱. در روایتی موثق و معتبر آمده است که اسحاق بن عمّار خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من با تاجران داد و ستد دارم و برای اینکه مرا فقیر نپندارند غالیه بر خود می مالم. حضرت فرمود: «غالیه کم و زیادش مساوی است. کسی که گاهی اندکی غالیه بر خود بمالد کافی است».

اسحاق می گوید: به فرموده حضرت عمل کردم و سالی ده درهم غالیه می خرم و تمام سال خود را با آن خوشبو می کنم. (۳)

۲. در حدیث دیگری می خوانیم: حضرت سجّاد علیه السلام شبی از خانه بیرون آمد، در حالی که لباس خز پوشیده و ریش خود را به غالیه خوشبو کرده بود. پرسیدند: در این وقت شب با این وضعیّت به چه منظور بیرون آمده اید؟ فرمود: «می خواهم عبادت کرده و حوریان بهشتی را از خدا خواستگاری کنم». (۴) یعنی زینت و بوی خوش برای عبادت، مستحبّ است.

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۶.

۲- «غالیه» دارویی است بسیار خوشبو که از ترکیب مشک و عنبر و حصی لبان (حسن لبه) می ساخته اند. «حصی لبان» نوعی صمغ سقزی شبیه به کندر که بسیار خوشبو و به رنگ سرخ یا مایل به سیاهی است. از درختی که در نواحی گرم می روید به دست می آورند و در طبّ قدیم برای تقویت مغز و معده و معالجه امراض سینّه به کار می رفته و در فارس حسن لبه می گویند (فرهنگ عمید).

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۱۶، ح ۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۱۶، ح ۳.

۳. در حدیثی صحیح می خوانیم: امام رضا علیه السلام دستور داد روغنی برای آن حضرت تهیه کنند که در آن مشک و عنبر مخلوط شده بود و دستور داد در کاغذی آیه الکرسی و سوره ناس و فلق و چند آیه دیگر از آیات حفظ و محافظت را نوشتند و در میان غلاف آن شیشه روغن گذاشت و پیوسته از آن بر محاسن خود می مالید. (۱)

## فضیلت و آداب روغن زدن

### زمان روغن زدن

۱. در روایتی آمده است که (مردان) ماهی یک بار روغن بزنند (۲) و در حدیث دیگر، هفته ای یک یا دو مرتبه سفارش شده است. (۳) اما این کار برای زنان هر روز خوب است. (۴)

۲. در چند روایت از مداومت بر روغن زدن در هر روز (برای مردان) نهی شده است. (۵)

### فواید روغن زدن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن پوست را نرم، عقل را زیاد و مجاری آب بدن را آسان، خشونت و سختی پوست و بدحالی و تنگی روزی را برطرف و صورت را نورانی می کند». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۶، ح ۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۱.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۷.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن توانگری و بی نیازی را آشکار می کند». (۱)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «فقر را زایل می کند». (۲)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن در شب، عروق بدن را باز و پوست را سیراب و صورت را سفید می کند». (۳)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که روغن بزند، حق تعالی به عدد هر مویی برای او نوری بنویسد که در قیامت به او عطا کند». (۴)

### آداب روغن زدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روغن را بر کف دست می ریزی بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَانِ وَالْمَمَقَاتِ (۵)، سپس از بالای سر شروع به مالیدن آن کن». (۶)

۲. در روایتی دیگر آمده است که حضرت فرمود: «چون روغن را بر کف دست ریختی بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَةَ فِي الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۵.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۸، و به جای مؤمن، مسلم وارد شده است.

۵- ترجمه: «بار خدایا، من از تو آراستن و زینت و دوستی می طلبم و از زشتی و خواری و گناه به تو پناه می برم».

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۶.

۷- ترجمه: «پروردگارا، زینت در دنیا را از تو می خواهم و از زشتی و خواری در دنیا و آخرت به تو پناه می برم». مکارم الأخلاق، ص ۴۷.



## روغن بنفشه

## فضیلت روغن بنفشه

در چندین روایت می خوانیم که امام صادق علیه السلام در مورد روغن بنفشه فرمود :

۱. «روغن بنفشه بهترین روغن های شماست». (۱)

۲. «فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغن ها مثل فضیلت ما (اهل بیت) بر سایر مردم است». (۲)

۳. «فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغن ها مانند فضیلت شیعیان بر دیگر مردم است». (۳)

۴. «دوست داشتنی ترین هدیه ای که از شما به ما می رسد روغن بنفشه است». (۴)

## فواید روغن بنفشه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه روغن خوبی است، از آن بر بدن بمالید که درد را از

سر و چشم زایل می کند». (۵)

۲. در حدیث است که کسی به نام عقبه از قاطر افتاد و بینی اش صدمه دید. امام صادق علیه السلام فرمود: «روغن بنفشه در

بینی اش بچکانید». این کار را کردند و شفا یافت. سپس به عقبه فرمود: «روغن بنفشه در زمستان گرم و در تابستان خنک....

اگر مردم فضیلت آن را بدانند یک اوقیه (۶) از آن یک دینار (یک مثقال شرعی طلا)

قیمت پیدا می کرد». (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۱؛ طب الأئمه، ص ۹۳.

۲- طب الأئمه، ص ۹۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۱۰، با تفاوت در عبارت.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۳.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ادامه حدیث ۵.

۶- «اوقیه» معادل هفت مثقال است (فرهنگ عمید).

۷- کافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۲.

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه را در بینی بچکانید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردم فواید آن را بدانند همواره از آن استفاده کنند». (۱)

۴. ودر حدیث دیگر فرمود: «حرارت تب را با روغن بنفشه بشکنید». (۲)

۵. ودر حدیث سوم فرمود: «روغن بنفشه سردرد را زایل می کند و باعث آرامش مغز سر است». (۳)

## روغن بان و زنبق

### فضیلت روغن بان

فضیلت روغن بان (۴)

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بان روغن خوبی است». (۵)

۲. در حدیث است که کسی از ترک هایی که در دست و پایش به وجود آمده بود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «مقداری پنبه را با روغن بان آغشته کن و بر ناف بگذار، یا مقداری روغن در ناف بریز». آن شخص یک مرتبه چنین کرد، آن آزار از او زایل شد. (۶)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بان انسان از هر دردی حفظ می کند، از آن به خود بمالید که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن استفاده می کرد». (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۱۱؛ خصال، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱۳۶.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۸ و ۹.

۴- «بان» درختی است دارای برگ های سبز و لطیف و خوشبو که از دانه هایش که شبیه پسته است، روغن معطر می گیرند و دانه اش را حبّ البان می گویند (فرهنگ عمید).

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۳.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۲.

۷- طبّ الأئمّه، ص ۹۴.

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس روغن بان بر خود بمالد، حتی اگر پیش روی شیطان بخوابد، به قدرت پروردگار شیطان نمی تواند ضرری به او برساند». (۱)

### فضیلت روغن زنبق

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست». (۲)

۲. در حدیث است که امام کاظم و امام رضا علیهما السلام روغن زنبق را در بینی می چکاندند. (۳)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روغن زنبق منافع فراوانی دارد و شفای هفتاد درد است».

(۴)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زنبق شفای هفتاد درد است». (۵)

نکته: ظاهراً مراد، زنبق سفید باشد که آن را رازقی می گویند و در بسیاری از روایات به لفظ رازقی وارد شده است. (۶) از کلام برخی استفاده می شود که زنبق، یاسمن سفید است.

۱- طَبِّ الْأُمَّةِ، ص ۹۴.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۲۳، باب دهن الزنبق، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۲۴، باب دهن الزنبق، ح ۲.

۴- طَبِّ الْأُمَّةِ، ص ۹۴.

۵- طَبِّ الْأُمَّةِ، ص ۹۴.

۶- طَبِّ الْأُمَّةِ، ص ۸۶.

## فواید سایر روغن ها

### روغن زیتون و گل خیری

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، روغن زیتون بخور و بر بدنت بمال، زیرا شیطان تا چهل روز به کسی که این کار را کند نزدیک نمی شود». (۱)

۲. در برخی روایات آمده است که روغن گل خیری، روغن لطیفی است. (۲)

۳. در حدیثی می خوانیم که حضرت امام کاظم علیه السلام روغن گل خیری بر بدن خود می مالید. (۳)

### روغن کنجد

۱. در حدیثی معتبر آمده است که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مبتلا به سردرد می شد، روغن کنجد در بینی خود می چکاند. (۴)

۲. نیز در حدیث معتبر دیگری نقل شده است که آن حضرت دوست داشت روغن کنجد در بینی خود بچکاند. (۵)

## بخور و انواع و آداب آن

### فضیلت بخور

۱. در روایتی آمده است که مردم از حضرت رضا علیه السلام بسیار بوی بخور استشمام می کردند. (۶)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۴۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۲.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۲۴، باب دهن الحل، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۲۴، باب دهن الحل، ح ۲.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۳.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است که مرد هرگاه توانست لباس خود را با بخور کردن خوشبو سازد». (۱)

۳. در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم: «تحفه مرد روزه دار آن است که ریشش را روغن بمالند ولباسش را بخور دهند و تحفه زن روزه دار آن است که موهایش را شانه کرده ولباسش را بخور دهند». (۲)

### بخور با عود

۱. در حدیث است که مرازم می گوید با امام کاظم علیه السلام به حمام رفتم. هنگامی که حضرت از حمام بیرون آمد در رختکن عودسوز طلبید و خود را خوشبو کرد، سپس فرمود: «مرازم را نیز خوشبو کنید». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی عود خالص تا چهل روزوبوی عودی که بابوهای دیگرترکیب شده باشد تاییست روزدر بدن می ماند». (۴)

۳. در روایتی آمده است که امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور کرده، سپس گلاب و مشک بر خود می مالید. (۵)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از عود هندی استفاده کنید که هفت نوع شفا در آن است». (۶)

۵. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با عود قماری (۷) بخور می کرد. (۸)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۱.

۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۷- «عود قماری» نوعی عود است منسوب به شهری در هندوستان به نام قمار یا کمار (فرهنگ عمید).

۸- مکارم الأخلاق، ص ۳۴.

## آداب ودعای بخور دادن

۱. در روایتی می خوانیم: هر گاه همسران امام کاظم علیه السلام می خواستند بخور کنند اول هسته خرما می صیحانی را که نوعی از خرماهای مدینه است می گرفتند، سپس در آتش می انداختند و چون اندکی دود می کرد بوی خوش را درون آتش می ریختند و لباسشان را بخور می دادند و معتقد بودند این کار باعث خوشبویی بیشتر می شود. (۱)

۲. سید بن طاووس نقل کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام بخور کردن این دعا را می خواند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ. اللَّهُمَّ طَيِّبْ عَرْقَنَا وَزَكِّ رَوَائِحَنَا وَأَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَاجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا وَالْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ إِنَّا نَا وَكَرَامَتِكَ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۲)

۳. سید بن طاووس گفته است در روایت دیگری این دعا به هنگام بخور دادن و بوی خوش استعمال کردن آمده است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَمْتِنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، فَلَا تَسْلُبْنِي مَا خَوَّلْتَنِي، وَاجْعَلْ ذَلِكَ رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَيَّ. اللَّهُمَّ طَيِّبْ ذِكْرِي بَيْنَ خَلْقِكَ، كَمَا طَيَّبْتَ بَشْرِي وَنَشَوَائِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ عِنْدِي». (۳)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، باب البخور، ح ۵.

۲- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که با نعمت او نیکی ها کامل می شود. بار خدایا، عرق ما را پاکیزه و بوی ما را پاک و بازگشت ما را (به سوی خود) نیکو کن و تقوا را توشه ما و بهشت را منزلگاه آخرت ماقرار ده و میان ما و عافیتی که از سوی تو است جدایی مینداز و کرامت را از ما دریغ مدار که تو بر هر چیز توانایی». الامان من أخطار الأسفار والأزمان، ص ۲۳.

۳- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، به آنچه مرا روزیداده ای بهره مند گردان و آنچه را عطا کرده ای از من مگیر و آن را مایه رحمت قرار ده و بر من سخت و دشوار مگردان. بار خدایا، مرا در میان بندگانت خوشنام کن، همان گونه که جسم و زندگی ام را به فزونی نعمت بر من پاکیزه گردانیدی». الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۲۳.

## فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گل ها

### خواص گلاب

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ریختن گلاب به صورت، آبرو را زیاد و پریشانی را برطرف می کند». (۱)

۲. در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر کس به صورت خود گلاب بپاشد، در آن روز پریشانی و بدحالی به او نمی رسد. و هنگام مالیدن گلاب بر صورت و دست ها، حمد و ثنای خدا را گوید و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در روز اول ماه مبارک رمضان به اندازه یک کف دست گلاب بر صورت خود بریزد، (امید است) در آن روز از خواری و پریشانی در امان باشد. و هر کس در آن روز مقداری گلاب بر سرش ریزد در آن سال از بیماری سرسام (۳) و ذات الجنب در امان باشد». (۴)

### گل نرگس و گل مورد

#### گل نرگس و گل مورد (۵)

۱. در حدیث است که بوییدن گل نرگس و مالیدن روغنش آثار فراوانی دارد. و هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند و خداوند آتش را بر او سرد کرد، در میان آتش گل نرگس را برای آن حضرت رویانید. از آن پس گل

۱- مکارم الأخلاق، ص ۴۴.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۴۴ و ۴۵.

۳- «سرسام»، به فتح سین، ورم سر یا دماغ، همچنین حالت آشفتنگی شبیه دیوانگی است. در عربی نیز سرسام (به کسر سین) می گویند (فرهنگ عمید).

۴- الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص ۲۲.

۵- «مُؤزِد» (به ضمّ میم و سکون واو و راء) درختی است شبیه به درخت انار، برگ هایش سبز و ضخیم و خوشبو و همیشه سبز است (فرهنگ عمید).

نرگس در میان مردم فراوان شد. (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیست و یک نوع گل داریم که بهتر از همه گل مورد است». (۲)

### گل سرخ

در روایتی معتبر آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله دو کف دست خود را پر از گل سرخ کرد و به من داد. و چون نزدیک مشام خود برد فرمود: پس از گل مورد، این بهترین گل های بهشت است». (۳)

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مرا به آسمان بردند چند قطره از عرق من بر روی زمین ریخت و گل سرخ از آن رویید. سپس آن گل به دریا افتاد. ماهی و دموص (۴) برای خوردن آن با هم درگیر شدند،

خداوند فرشته ای را فرستاد تا در میان آنها قضاوت کند. آن فرشته نصف گل سرخ را به ماهی و نصف دیگر را به دموص داد. بدین جهت پنج برگ سبزی که در زیر گل وجود دارد، دو برگ آن به شکل دم ماهی است که از هر طرف پری دارد و دو تای دیگر به شکل دم دموص باریک است و از هیچ طرف پری ندارد و یک عدد دیگر یک طرفش پری دارد و طرف دیگر ندارد که نصف آن به شکل دم ماهی و نصف دیگر به شکل دم دموص است». (۵)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۴۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۲۵، ح ۳.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۸.

۴- «دموص» جانور یا کرمی است سیاه (رنگ) که در غدیرها هنگام خشک شدن آب آن به وجود می آید. برخی می گویند کرمی است دو سر که هنگام اندک شدن آب دیده می شود. به فارسی «کفلچیز» گفته می شود (فرهنگ عمید).

۵- علل الشرایع، ج ۲، ص ۶۰۱، ح ۵۸.



۳. در حدیثی می‌خوانیم هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به معراج بردند زمین از رفتن آن حضرت محزون شد و بدین جهت «کَبْر» (۱) در زمین روید.

و چون برگشت، زمین شاد شد و گل سرخ در آن روید. بدین جهت هر کس بخواهد بوی پیامبر را استشمام کند گل سرخ را ببوید. (۲)

### گل مَرزنگوش

#### گل مَرزنگوش (۳)

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «گل مرزنگوش نیکو گلی است، در زیر عرش می‌روید و آب آن باعث شفای چشم است». (۴)

۲. در حدیث است که گل مرزنگوش را فراوان ببوید که حس بویایی را تقویت می‌کند. (۵)

### آداب بویدن گل

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه گلی به شما دادند آن را ببوید و بر دیدگان خود نهدید که از بهشت آمده است». (۶)

۱- «کَبْر» گیاهی است خاردار و پرشاخ و برگ که بیشتر شاخه‌های آن روی زمین گسترده می‌شود. برگ‌هایش پهن، گل‌هایش سفید و در وسط آن تارهایی قرار دارد. میوه آن به اندازه خیار کوچکی است که بعد از رسیدن می شکفتد و مغز آن سرخ رنگ است؛ بیشتر در ویرانه‌ها و سنگلاخ‌ها می‌روید (فرهنگ عمید).

۲- مکارم الأخلاق، ص ۴۴.

۳- «مرزنگوش» گیاهی است خوشبو و دارای شاخه‌های بلند. برگ‌های آن باریک و شبیه گوش موش و تخم آنشیه تخم ریحان و در طب از آن استفاده می‌شود. در عربی آن را «آذان الفار» می‌گویند و در فارسی «مرزنجوش»، «مرزه گوش» و «انجرک» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۴- مکارم الأخلاق، ص ۴۵.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۴۵.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۲۴، باب الريحان، ح ۱ و ۲.

حدیث مزبور طبق سند معتبری از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است.

۲. در روایتی معتبر آمده است که مالک جهنی گوید: به حضرت صادق علیه السلام گلی دادم. حضرت گل را گرفته، بویید و بر دیدگان خود نهاد. سپس فرمود: «هر کس گلی را بگیرد و بویید و بر دیده اش نهد و بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، قبل از آنکه گل را بر زمین بگذارد گناهایش آمرزیده می شود». (۱)

۳. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس گلی را بویید و بر دیدگان خود بگذارد، سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند متعال برایش حسنه فراوان می نویسد و گناهایش را محو می کند». (۲)

۱- امالی صدوق، ص ۲۶۶، ح ۷.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۲۵، ح ۵.

## فصل هفتم: نظافت شخصی

### اشاره

۱. فضیلت حَمّام کردن
۲. آداب ورود و خروج و دعاهای حَمّام
۳. بایدها و نبایدهای حَمّام
۴. فضیلت شستن سر و بدن و زدودن بوهای بد
۵. فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی
۶. فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)
۷. ازاله کردن موی زیر بغل
۸. وقت دارو کشیدن
۹. دعاهای هنگام دارو کشیدن
۱۰. وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن
۱۱. فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره
۱۲. آداب غسل جمعه و دیگر غسل ها



## فضیلت حَمَام کردن

### اهمیت حَمَام رفتن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حَمَام، خانه نیکی است زیرا جهنم را به یاد می آورد و چرک را از بدن می زداید».

و عمر گفت: حَمَام جای بدی است، زیرا عورت را ظاهر و حیا را می درد. (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین درمان برای شما حقنه (اماله کردن)، حجامت، ریختن دارو در بینی و حَمَام کردن است». (۲)

### فواید حَمَام کردن

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک روز در میان حَمَام کردن، گوشت بدن را زیاد می کند. و هر روز حَمَام رفتن، چربی های بدن را گداخته و انسان را لاغر می کند». (۳)

۲. در حدیث است که سلیمان جعفری گوید: بیمار شدم به حدی که همه گوشت بدنم تحلیل رفت. خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «دوست داری

---

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۱.

۲- طَبُّ الْأَثَمَةِ، ص ۵۵.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۵، ح ۲۴۷.

گوشت بدن بر گردد؟» عرض کردم: آری. فرمود: «یک روز در میان حَمَام برو و مبادا هر روز حَمَام بروی که زمینه ساز بیماری سل است». (۱)

۳. در روایت دیگری می خوانیم که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد چاق شود یک روز در میان حَمَام رود و هر کس گوشت بدنش زیاد است و علاقه دارد لاغر شود هر روز به حَمَام رود». (۲)

## آداب ورود و خروج و دعاهاى حَمَام

### وقت حَمَام رفتن

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز چهارشنبه به حَمَام بروید». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان اندک غذایی در معده تو باشد به حَمَام برو که حرارت معده را فرو می نشاند و موجب قوت بیشتر بدن است. و هرگاه معده پر از غذاست حَمَام نرو». (۴)

۳. در حدیث دیگری می خوانیم که هرگاه امام صادق علیه السلام قصد حَمَام رفتن داشت اندک چیزی می خورد. راوی عرض کرد: می گویند حَمَام رفتن با شکم خالی بهتر است. فرمود: «باید اندک چیزی بخوری که صفرا را فرو نشاند و حرارت درون بدن را ساکن سازد». (۵)

۴. در روایت دیگری فرمود: «ناشتا حَمَام رفتن بلغم را پاک می کند و حَمَام رفتن پس از خوردن مقداری غذا، صفرا و سودا را پاک می سازد». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۴؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۱۶۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۱.

۳- خصال، ج ۲، ص ۱۵۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۵.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۳.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۶.

۶- طب الأئمه، ص ۶۶.

۵. نیز فرمود: اگر بخواهی به گوشت بدنت اضافه شود، پس از خوردن مقصداری غذا حَمَام برو و اگر بخواهی از وزن خود کم کنی ناشتا حَمَام برو. (۱)

### پوشش عورتین

۱. در احادیث معتبر آمده است که هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید بدون لنگ وارد حَمَام شود. (۲)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس با لنگ حَمَام رود، خداوند گناهانش را می پوشاند». (۳)
۳. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از چند کار نهی کرد: «غسل کردن در زیر آسمان بدون لنگ، بدون لنگ وارد شدن در نهر آب زیرا نهرها ساکنانی از ملائکه دارند، وارد شدن در حَمَام بدون لنگ». (۴)
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس وارد حَمَام شود و نگاه خود را از عورت دیگران بازدارد، خداوند او را از حمیم جهنم حفظ می کند». (۵)

### شستن پا به هنگام خروج از حَمَام

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه از حَمَام بیرون آمدی (قبل از پوشیدن لباس)، آب سرد بر پایت بریز که درد را از بدنت می کشد». (۶)

- ۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۱.
- ۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۰، ح ۳۲۵.
- ۳- ثواب الأعمال، ص ۳۵، ثواب دخول الحَمَام بمئزر، ح ۱.
- ۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۸.
- ۵- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۴، ح ۱۵.
- ۶- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۲، ح ۲۳۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۲.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «پس از خارج شدن از حَمَّام پاها را بشوید که درد شقیقه را زایل می کند». (۱)

### پوشش سر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خروج از حَمَّام عِمَامه بر سر ببندید». (۲)

۲. در حدیث دیگری آمده است که هرگاه امام باقر و امام صادق علیهما السلام از حَمَّام بیرون می آمدند، در زمستان و تابستان، عِمَامه بر سر می بستند و می فرمودند: «این کار از سردرد جلوگیری می کند». (۳)

### دعاها واذکار حَمَّام رفتن

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که در رختکن حَمَّام لباس را درمی آوری بگو: **اللَّهُمَّ إِنزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِي عَلَى الْإِيمَانِ** (۴) و هنگامی که از حَمَّام خارج شدی به هنگام پوشیدن لباس بگو: **اللَّهُمَّ اَلْبَسْنِي التَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى**». (۵)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که از حَمَّام خارج شدی کسی که تو را می بیند بگوید: **طَابَ حَمَّامُكَ وَحَمِيمُكَ** (۶) و تو در

۱- مکارم الأخلاق، ص ۵۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۱۷.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۵۵.

۴- ترجمه: «بار خدایا، ریسمان نفاق و دورویی را از من برکن و مرا بر ایمان ثابت قدم بدار».

۵- ترجمه: «بار خدایا، جامه تقوا را بر من بپوشان و مرا از هلاکت دور گردان». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۲، ح

۲۳۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۲.

۶- ترجمه: «خوش باد حَمَّام و گرمابه ات».



جوابش بگو: اَنْعَمَ اللهُ بِاَلَيْكَ». (۱)

۳. در حدیث دیگری می خوانیم: «به کسی که از حَمَام بیرون می آید بگوئید: اَنْقَى اللهُ غُشِيْلَكَ (۲) و او در جواب بگوید: طَهَّرَكُمُ اللهُ». (۳)

۴. در حدیث است که روزی امام حسن علیه السلام از حَمَام خارج شد. شخصی به آن حضرت عرض کرد: طَابَ اسْتِحْمَاؤُكَ. حضرت او را از گفتن این جمله منع کرد. وی گفت: طَابَ حَمَائِمُكَ. حضرت این جمله را نیز نپسندید. آن شخص برای بار سوم گفت: طَابَ حَمِيمُكَ. حضرت فرمود: «چنین نگو». گفت: پس چه بگویم؟ فرمود: «بگو: طَابَ مَا طَهَّرَ مِنْكَ وَطَهَّرَ مَا طَابَ مِنْكَ». (۴) یعنی خداوند پاکیزه

و نیکو گرداند به نیکی معنوی به سبب مغفرت گناهان و توفیق طاعات، آنچه در حَمَام از اعضای بدن تو پاک شده است و از لوث گناهان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکو است از تو پاک گرداند که آن دل و نفس و عقل و سایر قوا و اعضای شریفه است.

(ظاهر آنهی حضرت از سه مورد گذشته برای آن است که در دو مورد اول، دعا به شخص نیست بلکه دعا به حَمَام است و در مورد سوم واژه «حمیم» به کار رفته که آب سوزان جهنم را تداعی می کند. ضمناً نهی مزبور نهی کراهتی است و با روایتی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گذشت منافاتی ندارد).

## بایدها و نبایدهای حَمَام

### نبایدها

۱. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

۱- ترجمه: «آسوده خاطر باش». خصال، ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۳۴۹.

۲- ترجمه: «خداوند شست و شویت را پاکیزه گرداند».

۳- ترجمه: «خداوند شما را پاک گرداند». کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۲۰.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۲۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۲، ح ۲۹۷.

«در حَمَّام بر پشت نخواهید که پیه گرده ها را آب می کند». (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ادرار کردن در حَمَّام پیام آور فقر و پریشانی است». (۲)

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای پدر و مادر جایز نیست که به عورت فرزند خود نگاه کنند، همان گونه که برای فرزند جایز نیست به عورت پدر و مادر نگاه کند». (۳)

۴. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت کرد کسی را که در حَمَّام به عورت دیگری نگاه کند، یا بدون لنگ به حَمَّام رود تا دیگران به عورتش

نگاه کنند. (۴)

۵. در روایتی معتبر آمده است که روزی امام صادق علیه السلام به حَمَّام رفت. حَمَّامی گفت: اگر بخواهید حَمَّام را برای شما خلوت کنم. امام علیه السلام فرمود: «نیازی به این کار نیست، مؤمن کارش سبک تر از این است که حَمَّام را برای او قرق کند». (۵)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در حَمَّام بر پهلو نخواب که پیه گرده ها را آب و انسان را لاغر می کند. و موهایت را شانه نکن که کم پشت می شود». (۶)

۷. در حدیثی دیگر فرمود: «مبادا در حَمَّام موهایت را شانه کنی که می ریزد و مسواک نزن که دندان ها را می ریزد». (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۱۹.

۲- خصال، ج ۲، ص ۲۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۴، ح ۱۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۶.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۰۳، دنباله حدیث ۳۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۵، ح ۲۴۹.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۰۱، ح ۲۴.

۷- علل الشرایع، ج ۱، ح ۲۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۴، ح ۲۴۳.

## کارهای مجاز

۱. در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت علی علیه السلام از قرآن خواندن در حمام نهی کرد؟ حضرت فرمود: «نه، زمانی نهی می کرد که کسی عریان باشد. اگر لنگ بسته باشد اشکالی ندارد». (۱)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی برای رضای خدا، نه تمرین صدا، در حمام قرآن بخواند اشکال ندارد». (۲)
۳. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: قرآن خواندن و آمیزش کردن در حمام چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکالی ندارد». (۳)
۴. در روایتی آمده است که هرگاه کسی وارد حمام شد و حرارت بر او غلبه کرد، آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش فرو نشیند. (۴)

## فضیلت شستن سر و بدن و زدودن بوهای بد

## شستن و خوشبو کردن بدن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «برای خوشبو کردن بدن، آب کافی است». (۵)
۲. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با آب خود را از بوی بد که مردم را می آزارد، پاکیزه کنید و در پی اصلاح بدن خود باشید، زیرا خداوند کسانی از بندگانش را که کثیف و بدبو هستند و اگر کسی نزد آنها بنشیند اذیت می شود دشمن می دارد». (۶)

- ۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۲، ح ۳۲.
- ۲- کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۳۳.
- ۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰۲، ح ۳۱.
- ۴- مکارم الأخلاق، ص ۵۵.
- ۵- قرب الإسناد، ص ۷۱، ح ۲۰۶.
- ۶- خصال، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

۳. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب را سبب خوشبویی خود قرار دهید (وبوهای بد را با آن از خود دور کنید)». (۱)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «شستن سر، چرک آن را زایل و بیماری چشم را برطرف می کند». (۲)

### شستن لباس

۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس لباسی می پوشد، باید تمیز و پاکیزه باشد». (۳)

۲. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن لباس، اندوه را از میان می برد و سبب پاکیزگی است». (۴)

### درمان کچلی

۱. در حدیث آمده است که جابر جعفی از ریش موهایش که باعث کثیفی لباس هایش هم می شد به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «(برگ) درخت مورد (۵) را بکوب و آبش را بگیر و با سر که ای که از شراب ساخته شده

و بسیار تند باشد مخلوط کن و آن قدر به هم بزن که کف کند، پس سر و ریش را با قدرت تمام بمال و بشوی، سپس با روغن شیر تازه، سر و ریش را چرب کن که آن مرض زایل شود». (۶)

۱- خصال، ج ۲، ص ۴۲۷، ح ۳۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۴۱، ح ۱۴۲.

۴- خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰.

۵- «مورد» درختی است شبیه درخت انار که برگ هایش سبز و ضخیم و خوشبو و همیشه سبز است (فرهنگ عمید).

۶- مکارم الأخلاق، ص ۶۱.

## فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی

### فواید شست و شو با گل خطمی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن ناخن و شارب (سیل) و شستن سر با گل خطمی، فقر و ناداری را زایل می کند و بر روزی می افزاید». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «شستن سر با خطمی، دل را می گشاید و سودا و اندوه را برطرف می سازد». (۲)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن سر با خطمی، باعث برطرف شدن چرک و حشرات موجود در سر می شود». (۳)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن سر با خطمی (سه فایده دارد): سر را از سردرد حفظ می کند، پریشانی را از انسان دور می سازد، کچلی را از بین می برد». (۴)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سر خود را در روز جمعه با گل خطمی بشوید، از پیسی و دیوانگی در امان خواهد بود». (۵)

۶. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس در روز جمعه ناخن و شارب خود را بگیرد و سرش را با گل خطمی بشوید، ثواب آزاد کردن یک برده را می برد». (۶)

### شست و شوی سر با سدر

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شست و شوی سر با سدر،

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۴.

۲- مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۰۵.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۱.

۴- ثواب الأعمال، ص ۳۶، ثواب غسل رأس بالخطمی، ح ۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۹۰.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۱.

رزق و روزی را فراوان می کند». (۱)

۲. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی

که خداوند متعال به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دستور داد دعوت خود را آشکار کند، حضرت تعداد اندک مسلمانان و جمعیت انبوه کافران را دید و بسیار غمگین شد. خداوند متعال جبرئیل را با یک برگ سدر از درخت سدره المنتهی به سوی وی فرستاد، تا سر مبارک حضرت را با آن بشوید. با این کار اندوه آن حضرت برطرف شد». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر خود را با برگ سدر می شست و می فرمود: سر خود را با برگ سدر بشوید که هر ملک مقرب و پیامبر مرسل از آن به نیکی یاد کرده است. هر کس سرش را با آن بشوید، خداوند متعال هفتاد روز و سوسه شیطان را از وی دور می کند. و هر کس هفتاد روز و سوسه شیطان از او دور باشد، معصیت نمی کند و هر کس گناه نکند، به بهشت می رود». (۳)

### فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)

#### اهمیت و فواید دارو کشیدن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دارو کشیدن پاک کننده بدن است». (۴)

۲. در روایتی صحیح آمده است که عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: همراه امام صادق علیه السلام به حمام رفتیم. حضرت فرمود: «دارو بکش!» عرض کردم: چند

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۲، ح ۲۹۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۷.

۳- ثواب الأعمال، ص ۳۶، ثواب غسل الرأس بورق السدر، ح ۱.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۵۴.

روز پیش کشیدم. فرمود: «بار دیگر این کار را تکرار کن که دارو کشیدن، پاک کننده بدن است». (۱)

روایات دیگری نیز به این مضمون آمده است.

۳. در حدیثی دیگر آمده است که حضرت به کسی دستور استفاده از داروی نظافت حمّام داد. عرض کرد: سه روز پیش کشیده ام. فرمود: «تکرار کن که تو را پاک می کند». (۲)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دارو کشیدن، دلگیری و پریشانی خاطر را برطرف کرده و بدن را پاک می کند». (۳)

۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: «بوی خوش، تراشیدن سر، دارو کشیدن، آمیزش با همسر». (۴)

### فلسفه دارو کشیدن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «موی شارب (سبیل) و زهار (زیر شکم) وزیر بغل را بلند نگذارید که جایگاه شیطان است». (۵)

۲. در روایتی صحیح می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرگاه موی بدن بلند شود آب پشت را قطع می کند (یعنی فرزندی به وجود نمی آید) و بندها را سست می کند و ضعف و تبلی به دنبال می آورد. و دارو کشیدن، آب پشت را فراوان و بدن را قوی و پیه گرده ها را بسیار و بدن را فربه می کند». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۴.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۷؛ ثواب الأعمال، ص ۳۹، ثواب التنور، ح ۱.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۶۳.

۵- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۹، باب ۲۹۲، ح ۱.

۶- السرائر، ج ۳، ص ۵۷۵.

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موهای زاید بدن را برطرف کنید که سبب آلودگی است». (۱)

### ازاله کردن موی زیر بغل

۱. در روایتی آمده است: بسیار اتفاق می افتاد که امام صادق علیه السلام برای ازاله کردن موی زیر بغل به حمام می رفت و آن موضع را دارو می کشید و سپس از حمام بیرون می آمد. (۲)

۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بر زیر بغل دارو می گذاشت و می فرمود: «کندن موی زیر بغل، شانه ها را سست می کند». (۳)

۳. در حدیثی دیگر می خوانیم: «دارو کشیدن زیر بغل بهتر از تراشیدن و تراشیدن بهتر از کندن آن است». (۴)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ازاله کردن موی زیر بغل، بوی بد آن موضع را برطرف می کند و پاک کننده و سنت رسول خداست». (۵)

۵. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «موهای زیر بغل را بلند نکنید که محلّ پرورش میکروب هاست». (۶)

### وقت دارو کشیدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر هفته

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۱۵۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۰۸، ح ۶ و ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۶۲.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۸، ح ۲۶۳.

۵- خصال، ج ۲، ص ۴۰۰، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۸، ح ۲۶۵.



روز جمعه، موهای زیر شکم و میان پاها را با دارو زایل می کرد». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موهای زیر شکم را بیش از یک هفته رها نکنید و هر کس دارو کشیدن را بیش از یک ماه ترک کند، نمازش مقبول نیست». (۲)

(معنای این حدیث باطل بودن نماز نیست، بلکه به معنای کم شدن ثواب آن است).

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوست دارم مؤمن هر پانزده روز یک بار موهای زاید بدن را زایل کند». (۳)

۴. در حدیثی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «سنت در دارو کشیدن آن است که هر پانزده روز یک مرتبه انجام شود. و اگر کسی بیست و یک روز (و طبق روایتی بیست روز) بر او بگذرد و دارو نکشد، پول قرض کند و این کار را انجام دهد». (۴)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، بیش از چهل روز موهای زاید بدن را رها نکند و اگر چهل روز گذشت و پولی نداشت قرض کند و این کار را تأخیر نیندازد». (۵)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که چهل روز بر او بگذرد و موهای زاید را زایل نکند، مؤمن و مسلمان (واقعی) نیست و در نزد خدا کرامتی ندارد». (۶)

۷. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مردی که ایمان به

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱۴.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۵۹.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۸؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۵۸.

۴- خصال، ج ۲، ص ۲۷۵، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۳.

۵- خصال، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۴.

۶- خصال، ج ۲، ص ۲۷۵، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۳.

خدا و روز قیامت دارد نباید موهای زاید بدن را بیش از چهل روز رها کند. و برای زن مؤمن به خدا و روز قیامت حلال نیست که ازاله کردن موهای زاید بدن را بیش از بیست روز ترک کند» (۱). (روشن است که تعیین زمان های مختلف برای این کار، در واقع ناظر به درجات مختلف استحباب است).

### دعاهای هنگام دارو کشیدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس پیش از آنکه موهای زاید را زایل کند، اندکی دارو بردارد و بپوید... و بگوید: صَلَّى اللهُ عَلَى سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ كَمَا أَمَرْنَا بِالنُّورَةِ (۲) در این صورت، دارو وی را نسوزاند». (۳)

۲. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام استفاده از داروی نظافت دعا بخواند، خداوند وی را از چرک ها و کثافت های دنیوی و گناهان پاک می کند و در مقابل موهایی که زایل می شود، موهایی به او کرامت می کند که با آن گناه نکند و به تعداد موهای بدنش فرشتگانی خلق می کند که تا روز قیامت برای او حمد و تسبیح الهی گویند و یک تسبیح ملائکه معادل هزار تسبیح زمینیان است و آن دعا این است :

اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهَّرَ مِنِّي وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي وَأَبْدِلْنِي شَعْرًا طَاهِرًا لَا يَغْصِيكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ إِتِيغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَإِتِيغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، فَحَرِّمْ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ وَطَهِّرْ خُلُقِي وَطَيِّبْ خُلُقِي وَزَكِّ عَمَلِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْحَنَفِيَّةِ السَّمْحَةِ، مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِكَ وَرَسُولِكَ، عَامِلًا بِشَرَائِعِكَ، تَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، آخِذًا بِهِ، مُتَأَبِّدًا

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۱؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۶۰.

۲- ترجمه: «درود خداوند بر حضرت سلیمان بن داوود علیهما السلام، همان گونه که او ما را امر به استفاده از داروینظافت کرد».

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۳.

يَتَأْدِيْبِكُمْ وَتَأْدِيْبِ رَسُوْلِكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَأْدِيْبِ اَوْلِيَائِكُمْ، الَّذِيْنَ غَدَّوْهُمْ بِاَدْبِكُمْ وَزَرَعَتْ الْحِكْمَةَ فِيْ صُدُوْرِهِمْ وَجَعَلَتْهُمْ مَعَادِنَ عِلْمِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ». (۱)

## وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن

### اوقات مناسب و نامناسب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک مرتبه دارو کشیدن در تابستان، ده برابر انجام دادن این کار در زمستان فضیلت دارد». (۲)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز چهارشنبه از داروی نظافت استفاده نکنید که روز نحس مستمر است (۳)؛ جهنم در روز چهارشنبه آفریده شده است». (۴)

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که به امام صادق علیه السلام عرض شد: مردم می گویند استفاده از داروی نظافت در روز جمعه مکروه است. حضرت فرمود: «این سخن صحیح نیست؛ چه چیز پاک کننده تر از داروی نظافت در روز جمعه است؟!». (۵)

۱- ترجمه: «بار خدایا، پاکیزه گردان آنچه را که از من پاک شد و پاک گردان آنچه را که از من پاکیزه شد و به جای آن، مویی عنایت کن که معصیت تو را نکند. بار خدایا، به خاطر پیروی از سنت پیامبران و درخواست بهشت و آمرزش تو، خود را پاکیزه کردم، پس مو و پوست مرا بر آتش حرام و خلقتم را پاک و اخلاقم را پاکیزه و عملم را ستوده گردان و مرا از کسانی قرار ده که بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمد صلی الله علیه و آله حیب و رسولت، تو را ملاقات کند، در حالی که به دستورهایی تو عمل کرده باشد و پیرو سنت پیامبرت (ص) و گیرنده آن باشد. و مؤدب به آداب تو و رسول و اولیایت شده باشد. همان کسانی را که با آداب خود مؤدب نمودی و بذرحکمت را در سینه هایشان کاشتی و آنها را گنجینه های دانش خود قرار دادی، درود تو بر ایشان باد». کافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۲.

۳- اشاره به آیه ۱۹ سوره قمر دارد.

۴- خصال، ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۸، ح ۲.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۰.

### دارو کشیدن در حال جنابت و نشسته

۱. در حدیث است که علی بن یقظین در ضمن نامه ای که خدمت امام کاظم علیه السلام نوشت می خواست پرسد آیا می توان در حال جنابت از داروی نظافت استفاده کرد، ولی فراموش کرد. حضرت در جواب نامه اش پاسخ این پرسش نانوشته را چنین نگاشتند: «اشکالی ندارد. نوره باعث پاکیزگی بیشتر انسان

جنب است». (۱)

۲. نیز در حدیث است که امام صادق علیه السلام در پاسخ این پرسش فرمود: «اشکالی ندارد». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که در وقت دارو کشیدن بنشیند، بیم آن می رود که به بیماری فتق (۳) مبتلا شود». (۴)

### روش برطرف کردن بوی ناپسند دارو

۱. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بعد از دارو کشیدن مقداری آرد با روغن زیتون مخلوط کرد و بر آن محل مالید تا بوی دارو برطرف شود؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». (۵)

۲. در روایتی آمده است که امام کاظم علیه السلام چنین می کرد. (۶)

۳. نیز در حدیثی می خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بعد از دارو کشیدن مقداری آرد بر آن محل مالید؟ فرمود: «اشکالی ندارد». راوی گفت :

۱- تهذیب، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۱۶۴.

۲- کافی، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱۲؛ الإستبصار، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۳۹۱.

۳- «فتق» نوعی بیماری است که بر اثر پاره شدن پرده صفاق و ریختن پیه شکم یا بعضی از امعا به پایین تولید می شود (فرهنگ عمید).

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۵۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۲.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۲.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۱۳.

مردم می گویند این کار اسراف است. حضرت فرمود: «چیزی که بدن را اصلاح کند و فایده ای برای جسم داشته باشد اسراف نیست، لذا بسیار اتفاق می افتد که سفارش می کنم مقداری آرد پخته شده را با روغن زیتون مخلوط کنند و بر بدنم می مالم؛ اسراف در جایی است که مالی تلف شود و به بدن ضرر برساند». (۱)

### فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حنا بوی بد را برطرف، آبرو را زیاد، دهان را خوشبو و فرزندان را نیکو می کند. (۲) و هر کس بعد از دارو کشیدن

تمام بدن خود را حنا بمالد، فقر و پریشانی از وی برطرف می شود». (۳)

۲. در حدیث است که حسین بن موسی، فرزند امام موسی کاظم علیه السلام، می گوید: هرگاه پدرم می خواست به حمام برود دستور می داد آن را بسیار گرم کنند و نمند بر زمین حمام بیندازند، سپس وارد حمام می شد. روزی از حمام بیرون آمد، شخصی از آل زبیر به آن حضرت رسید و آثار حنا را در دست ایشان دید. پرسید: این چه رنگی است که در دستان شماست؟ حضرت فرمود: «رنگ حنا است، پدرانم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر کس به حمام رود و داروی نظافت بزند و سپس از سر تا قدم حنا بمالد، تا نوبت بعد که حمام برود از دیوانگی، خوره، پیسی و آکله (۴) در امان باشد». (۵)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که حکم بن عیثه گوید: حضرت صادق علیه السلام را دیدم که بر ناخن های خود حنا گذاشته بود. پرسید: حکم، نظر تو چیست؟

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۴.

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۹، ح ۲۷۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۰۹، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۸، ح ۲۷۰.

۴- «آکله» واژه ای است عربی و نام بیماری است که در فارسی به آن جذام می گویند (فرهنگ عمید).

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۰۹، ح ۱.

عرض کردم: من در مورد کاری که شما می کنید چه می توانم بگویم؟ آیا این کار را در عرف ما فقط جوانان انجام می دهند. حضرت فرمود: «ای حکم، پس از کشیدن داروی نظافت، ناخن ها شبیه ناخن مردگان می شود و ما با حنا رنگ آن را برمی گردانیم».<sup>(۱)</sup>

## آداب غسل جمعه و دیگر غسل ها

### غسل های واجب

غسل های واجب، بنا بر مشهور فقها، شش غسل است :

غسل جنابت، غسل استحاضه، غسل حیض، غسل نفاس، غسل مسّ میت، غسل میت.<sup>(۲)</sup>

۱. مستحبّ است به هنگام غسل جنابت این دعا خوانده شود :

اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي وَتَقَبَّلْ سَعْيِي وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.<sup>(۳)</sup>

و اگر این دعا را بخواند بهتر است :

اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ صَدْرِي وَاجْرِ عَلَى لِسَانِي مَدْحَكَ وَالشَّاءَ عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ طَهُورًا وَشِفَاءً وَنُورًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>(۴)</sup>

ولی برخی علما این دعا را برای پس از تمام شدن غسل ذکر کرده اند.

۲. در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: هر کس پس از وضو یا غسل

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۰۹، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۲؛ در هر دو مصدر از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

۲- غسل مستحبّی که با نذر و قسم و مانند آن واجب شده نیز از غسل های واجب است.

۳- ترجمه: «بار خدایا، قلب مرا پاک و عملم را ستوده گردان و کوششم را بپذیر و آنچه را در نزد تو است برایم خیر قرار ده. بار خدایا، مرا از توبه کنندگان و پاکیزه گان قرار ده».

۴- ترجمه: «خداوند، قلب مرا پاک و سینه ام را گشاده گردان و مدح و ثنایت را بر زبانم جاری کن. بار خدایا، آن (غسل من) را پاکیزگی و شفا و نور قرار ده، زیرا تو بر هر چیزی توانایی».

جنابت این دعا را بخواند، گناهان او همچون برگ درختان می ریزد و در مقابل هر قطره از قطرات وضو و غسل او، فرشته ای خلق شود که تسبیح و تهلیل و تقدیس پروردگار کند و بر محمد و آل محمد صلوات فرستد و ثوابش از آن صاحب غسل یا وضو باشد و گناهانش آمرزیده شود. و دعا این است :

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيِّكَ وَخَلِيفَتَكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَنَّ أَوْلِيَاءَهُ خُلَفَائِكَ وَأَوْصِيَاءَهُ أَوْصِيَاءُكَ. (۱)

### غسل های مستحب

#### اشاره

غسل های مستحب شصت و دو غسل است (۲) که می توان آنها را در سه بخش بیان کرد :

غسل های زمانی، غسل های مکانی، غسل های فعلی.

#### اول: غسل های زمانی

#### اشاره

و منظور غسل هایی است که به خاطر زمان خاصی مستحب شمرده شده که به ترتیب اهمیت بیان می شود :

۱- ترجمه: «پروردگارا، تو از هر عیب و نقصی منزهی و من به ثنای تو مشغولم. معبودی جز تو نیست، از تو طلب بخشش کرده و به سوی تو توبه می کنم. و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده تو است. و گواهی می دهم که علی علیه السلام ولی و خلیفه بعد از پیامبر تو بر خلق تو است و اولیای او، خلفای تو و جانشینان او، جانشینان تو هستند». تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۲۱.

۲- سید یزدی در عروه الوثقی، در ابتدای بحث «الأغسال المندوبه» می گوید: غسل های مستحب بسیار است. برخی آن را ۴۷ وعده ای پنجاه و گروهی بیش از شصت و جمعی آن را ۸۷ و بعضی تا صد غسل شمرده اند. ولی مشهور همان گونه که در جواهر الکلام (ج ۵، ص ۲) آمده، ۲۸ غسل است.

**غسل جمعه**

غسل جمعه از غسل های مستحب مؤکد است، بلکه برخی علما آن را واجب می دانند. (۱) احتیاط آن است که در صورت امکان ترک نشود.

وقت غسل جمعه از اذان صبح روز جمعه تا هنگام نماز ظهر است. (۲) و مشهور

آن است که هر چه به ظهر نزدیک تر باشد بهتر است. (۳) و اگر خوف داشته باشد که

در روز جمعه آب یافت نشود، می تواند روز پنجشنبه غسل کند. (۴) و چنانچه قبل

از ظهر روز جمعه موفق بر غسل نشود، می تواند بعد از ظهر تا شام روز جمعه بدون نیت قضا (به نیت ما فی الذمه) غسل کند. (۵) و اگر در آن زمان هم توفیق بر

غسل نیافت می تواند از صبح روز شنبه تا شام آن روز، قضای آن را به جا آورد. (۶)

۱. در احادیث معتبر وارد شده که غسل جمعه بر مردان و زنان در سفر و حضر واجب است. البته به زنان اجازه داده شده که به خاطر کمبود آب در سفر این غسل را ترک کنند. (۷) (منظور از وجوب، استحباب مؤکد است).

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غسل جمعه پاکیزه کننده و کفاره گناهان تا جمعه دیگر است». (۸)

۳. در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر کس روز جمعه غسل کند و به هنگام غسل بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنَ

۱- جواهر الکلام، ج ۵، ص ۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الأغسال المندوبه، باب ۱۱، ص ۹۵۰.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۳.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۲.

۵- وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الأغسال المندوبه، باب ۱۰، ص ۶۴۹.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۳.

۷- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۴۳، باب ۶، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰.

۸- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۲۲۹.



التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ (۱) این غسل ودعا او را تا جمعه دیگر پاک

می گرداند». (۲)

وبهتر است این دعا را بخواند :

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَأَنْقِ غُسْلِي وَأَجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّةً مِنْكَ». (۳)

و نیز بگوید :

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِي وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمَحَّقُ بِهَا دِينِي وَتَبْطُلُ بِهَا عَمَلِي». (۴)

۴. در فقه الرضا آمده است: بعد از فراغت از غسل جمعه بگو: اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَأَنْقِ غُسْلِي وَأَجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي ذِكْرَكَ وَذِكْرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَالْمُتَطَهِّرِينَ». (۵)

### غسل شب های فرد ماه رمضان

غسل در شب های فرد ماه مبارک رمضان به خصوص شب های: اول، (۶)

پانزدهم، (۷) هفدهم (۸) شبی که مؤمنین و کافران در منطقه بدر جمع شدند و روز

۱- ترجمه: «شهادت می دهم که معبودی جز ذات پاک خدای یکتا نیست، او یگانه است و شریکی ندارد. وشهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مراد زمره توبه کنندگان و پاکیزگان قرار ده».

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۲۲۸.

۳- ترجمه: «بار خدایا، مرا پاک و قلب مرا پاکیزه گردان و غسل مرا پاک و طاهر قرار ده و چشمه ای از محبتت را بر زبانم جاری فرما».

۴- ترجمه: «بار خدایا، مرا تطهیر کن و قلبم را از هر آفتی که دین مرا نابود سازد و عملم را باطل کند پاکیزه گردان».

۵- ترجمه: «خدایا، قلب مرا پاک و غسل مرا پاکیزه گردان و یاد خودت و یاد پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را بر زبانم جاری ساز و مرا از توبه کنندگان و پاکان قرار ده». فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۷۵.

۶- وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الأغسال المندوبه، باب ۱، ح ۳ و ۶.

۷- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۵۳، ح ۹.

۸- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.

بعد بزرگ ترین فتوحات اسلامی رخ داد (۱)، نوزدهم (۲) (شبی که طبق برخی

روایات، تقدیر یک سال در آن نوشته می شود (۳)، بیست و یکم (۴) (شبی که اوصیای

پیامبران در آن شب به شهادت رسیدند و حضرت عیسی در آن شب به آسمان رفت و حضرت موسی رحلت کرد (۵) و به احتمال قوی شب قدر است)،

بیست و سوم (۶) (که به احتمال قوی شب قدر است (۷) و این شب دو غسل دارد :

یکی هنگام غروب آفتاب و دیگری در انتهای شب (۸) مستحب است. (۹)

### غسل شب های دهه آخر ماه رمضان

در برخی روایات آمده است که در شب های دهه آخر ماه مبارک رمضان، هر شب غسل کنید. (۱۰)

### غسل روز عید فطر و قربان و شب عید فطر

۱. غسل شب و روز عید فطر و روز عید قربان مستحب است. (۱۱) و بیشتر به نظر می رسد که غسل روز را تا شب می توان انجام داد، ولی بهتر قبل از نماز عید است.

۱- بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۵، ح ۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۵۹، ح ۲ و ۷.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.

۵- بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۵، ح ۶.

۶- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.

۷- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۶ ذیل ح ۱۶.

۸- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۴۲، باب ۵، ح ۱.

۹- جواهر الکلام، ج ۵، ص ۲۵.

۱۰- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۵۳، ح ۱۰.

۱۱- الاستبصار، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۱۷۴۶.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غسل عید فطر را در زیر سقف به جای آور و به هنگام شروع این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعًا سُنَّةِ نَبِيِّكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۱) وپس از تمام شدن غسل بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِّدُنُوْبِيْ وَطُهْرًا لِّدَنْسِيْ، اَللّٰهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الرَّجْسَ». (۲)

### غسل هشتم ونهم ماه ذوالحجّه واول ووسط و آخر ماه رجب

غسل هشتم ونهم ماه ذوالحجّه (۳) واول ووسط و آخر ماه رجب

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ماه رجب را درک کند و در اول ووسط و آخر ماه غسل کند، از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولد شده است». (۴)

### غسل روز مبعث

بیشتر علما غسل روز مبعث (۲۷ رجب) را مستحب می دانند، هر چند حدیث خاصی در این باره نیافتیم. (۵)

### غسل شب نیمه شعبان

غسل شب نیمه شعبان (۶)

### غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه)

غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه) (۷)

۱- ترجمه: «بار خدایا، (این غسل را برای اینکه) به تو ایمان دارم و کتاب تو را تصدیق می کنم و از سنت پیامبر تو محمد صلی الله علیه و آله پیروی می کنم (به جا می آورم)».

۲- ترجمه: «بار خدایا، آن (غسل) را کفاره گناهانم و پاکیزه کننده آلودگیم قرار ده. بار خدایا، پلیدی را از منبر طرف کن». الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱، ح ۲۶.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الأغسال المندوبه، باب ۱، ح ۴.

۴- الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۶۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۷، ح ۲۴.

۵- نویسنده کتاب الفقه از علامه وصیمری نقل کرده است که آن دو بزرگوار غسل روز مبعث را استناد به روایت داده اند (ج

١٥، ص ٣٩٤).

٦- وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٩٥٩، باب ٢٣، ح ١.

٧- بلد الأمين، ص ٢٥٩.

**غسل روز مباحله (۲۴ ذوالحجّه)**

غسل روز مباحله (۲۴ ذوالحجّه) (۱) و برخی معتقدند روز ۲۵ ذوالحجّه است. (۲)

**غسل روز دحو الأرض (۲۵ ذوالقعدة)**

غسل روز دحو الأرض (۲۵ ذوالقعدة) (۳)

در مورد این روز نیز حدیثی یافت نشد.

**غسل روز نوروز**

برخی با استناد به روایت معلی بن خنیس (۴) معتقد به استحباب غسل در این روز هستند و آن روز اوّل فروردین است.

**دوم: غسل های مستحب مکانی**

و منظور از آن غسل هایی است که برای ورود به مکان خاصی سفارش شده است :

۱. غسل ورود به مکه معظمه. (۵)

۲. غسل ورود به داخل خانه کعبه. (۶)

۳. غسل ورود به حرم مدینه منوره. (۷)

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۷، ح ۳؛ ج ۵، ص ۲۸۷، ح ۲.

۲- در اینکه مباحله در چه روزی از ماه ذوالحجّه اتفاق افتاده، اختلاف نظر وجود دارد و در جواهر الکلام، (ج ۵، ص ۴۰) علاوه بر دو قول مزبور، روز بیست و هفتم و بیست و یکم ذی الحجّه نیز ذکر شده است. ولی همان گونه که صاحب جواهر گفته، اقوی همان قول اوّل (۲۴ ذی الحجّه) است.

۳- در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که بیست و پنجم ماه ذوالقعدة روز «دحو الأرض» است و آن روزی است که نخستین خشکی ها از زیر آب - که تمام روی زمین را فرا گرفته بود - سر بر آورد و مطابق بعضی از روایات، نخستین جایی که از زیر آب بیرون آمد و خشک شد و سپس گسترش یافت، سرزمین مکه و به خصوص خانه کعبه بود؛ از این رو، مکه «أمّ القری» [= مادر همه آبادی ها] نام گرفت (مفاتیح نوین، ص ۸۰۴).

- ٤- وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٩٦٠، باب ٢٤، ح ١.
- ٥- وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٩٣٧، ح ٣.
- ٦- وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٩٣٧، ح ٣.
- ٧- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٤، باب ١٨، ح ١.

۴. غسل ورود به شهر مدینه مشرفه. (۱)

۵. غسل ورود به مسجد الرسول صلی الله علیه و آله. (۲)

### سوم: غسل های مستحبّ مربوط به برخی اعمال

و منظور از آن غسل هایی است که برای کاری که انجام شده یا انجام خواهد شد، سفارش شده است :

۱. غسل احرام حج یا عمره (۳) و برخی آن را واجب دانسته اند (۴) و احوط عدم

ترک آن است.

۲. غسل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نزدیک و دور. (۵)

۳. غسل زیارت ائمه معصومین علیهم السلام از نزدیک و دور. (۶)

۴. غسل استخاره به طور مطلق (۷) ، به ویژه نمازهای مخصوص استخاره. (۸)

۵. غسل نمازهای حاجت. (۹)

۶. غسل توبه از گناهان. (۱۰)

۷. غسل قضای نماز کسوف، چنانچه عمدآ ترک کرده و تمام قرص ماه گرفته باشد. (۱۱) و برخی معتقد به وجوب این غسل

هستند (۱۲) و احتیاط آن است که ترک

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۸، ح ۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۴۰، ح ۱۲.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۱، باب ۳۵.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۷، ح ۳.

۵- مصباح المتهجد، ص ۱۲.

۶- فقه الرضا، ص ۴، و شرح آن را در کتاب الفقه، ج ۱۵، ص ۴۲۹ به بعد مطالعه فرمایید.

۷- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۷، ح ۳.

۸- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۵۸، باب ۲۱، ح ۱.

۹- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۵۸، باب ۲۰، ح ۱ و ۲.

- ١٠- وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٩٥٧، باب ١٨، ح ١.
- ١١- وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٩٦٠، باب ٢٥، ح ١.
- ١٢- جواهر الكلام، ج ٥، ص ٤٩ و ٥٠.



نشود. بعضی نیز معتقدند: در صورت قضا شدن نماز کسوف، غسل مستحب است، هر چند تمام ماه نگرفته باشد (۱) و این نظریه قوی است.

۸. غسل برای طواف. (۲)

۹. غسل ذبح قربانی حج. (۳)

۱۰. غسل فرزندی که متولد می شود. (۴)

۱۱. غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله طبق عقیده برخی علما که در روز هفدهم ربیع الأول است. (۵) ولی به نظر می رسد که غسل برای زیارت آن حضرت

در آن روز مستحب است، نه خصوص این روز.

۱۲. غسل نماز باران. (۶)

۱۳. غسل کشتن سوسمار کوچک. (۷)

۱۴. غسل تماشای کسی که به دار آویخته شده است. (۸) و برخی علما معتقد به

وجوب آن هستند. (۹) و بیشتر علما گفته اند: هرگاه انجام دادن این کار پس از سه

روز به دار آویختن باشد غسل کردن مستحب است (۱۰)، خواه به حق کشته شده

باشد یا ناحق و خواه به طریق شرعی کشته شده باشد یا غیر شرعی.

۱۵. اعاده غسل های ناقص؛ برخی علما معتقدند که هرگاه بنا بر ضرورت،

۱- جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۱۹، ح ۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۶۲، باب ۳۱، ح ۱.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۶۱، باب ۲۷، ح ۱.

۵- الفقه، ج ۱۵، ص ۳۹۸.

۶- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۹۸، باب ۱، ح ۲.

۷- وسائل الشیعه، ح ۲، ص ۹۵۷، باب ۱۹، ح ۱ و ۲.

٨- وسائل الشيعه، ج ٢، ص ٩٥٨، باب ١٩، ح ٣.

٩- جواهر الكلام، ج ٥، ص ٦٨.

١٠- الفقه، ج ١٥، ص ٤٦٧.

غسل ناقص انجام شده باشد، مثل غسل جبیره و تقیّه، اعاده آن مستحبّ است. (۱)

۱۶. هرگاه لباسی را دو تن به طور مشترک بپوشند و آثار منی در آن یافت شود و مشخص نباشد از کدامین آن دو تن است، غسل برای هر دو مستحبّ است. (۲)

۱۷. هر که میت را کفن کند مستحبّ است غسل کند. (۳) ظاهراً این غسل همان

غسل مسّ میت است که مستحبّ است پیش از کفن کردن به جا آورد (هر چند اصل غسل مسّ میت از واجبات است).

۱۸. مسّ میت پس از غسل های سه گانه. (۴)

۱۹. هرگاه کسی در حال جنابت بمیرد مستحبّ است قبل از غسل میت یا پس از آن، او را غسل جنابت دهند. (۵)

البته تفصیل این غسل ها واحکام آن در این کتاب نمی گنجد وان شاء الله در کتاب عبادات نوشته خواهد شد. (۶)

۱- مفتاح الکرامه، ج ۱، ص ۲۰.

۲- مفتاح الکرامه، ج ۱، ص ۲۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.

۵- مفتاح الکرامه، ج ۱، ص ۲۰.

۶- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۸۱.



## فصل هشتم: آداب خوابیدن، بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه

### اشاره

۱. اوقات خوابیدن
۲. وضو گرفتن قبل از خواب
۳. مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب
۴. دیگر آداب خوابیدن
۵. آداب ودعاهای قبل از خواب
۶. برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتمل شدن
۷. دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب
۸. نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن
۹. سرّ خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب
۱۰. آداب بیداری و مذمت پر خوابی
۱۱. آداب حاجتگاه رفتن
۱۲. حاجتگاه و آداب آن



## اوقات خوابیدن

### اشاره

(مقدمه:) خوابیدن پس از اذان صبح تا طلوع آفتاب (که به آن بین الطلوعین می گویند) و بین نماز مغرب و عشا (در صورتی که آنها را با فاصله بخوانند) و بعد از نماز عصر کراهت دارد و پیش از ظهر به هنگام گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر مستحب است و آن را خواب «قیلوله» می گویند.

### خواب بین الطلوعین

۱. در حدیث آمده است که امام سجّاد علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمود: «پیش از طلوع آفتاب نخواب که این کار را برای تو دوست نمی دارم، زیرا خداوند متعال روزی بندگانش را در این وقت قسمت می کند و هر که در این وقت خواب باشد از روزی محروم می شود». (۱)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زمین از سه چیز نزد خدا ناله سر می دهد: از خون حرامی که روی آن ریخته می شود، غسلی که بر اثر زنا بر روی زمین صورت می پذیرد، خواب پیش از طلوع آفتاب». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بامداد (نزدیک

۱- بصائر الدّرجات، ص ۳۴۳، ح ۹.

۲- خصال، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۱۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۴، ح ۱.

طلوع آفتاب) شوم است و روزی را منع و رنگ را زرد و چهره را زشت می کند و این خواب شومی است. به درستی که خداوند متعال روزی بندگان را بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می کند، پس مبادا که در این زمان بخوابید». (۱)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «مرغ بریان و ترنجبین (۲) بین الطلوعین

بر بنی اسرائیل نازل می گشت و هر کس در این وقت خواب بود سهم او

نازل نمی شد». (۳)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در جای نماز خود بنشیند (وبه تعقیبات نماز و دعا و تلاوت قرآن پردازد) خداوند متعال او را از آتش جهنم حفظ می کند». (۴)

۶. و در حدیثی دیگر فرمود: «ثواب چنین کسی همانند ثواب کسی است که حجّ خانه خدا به جا آورده باشد و گناهانش آمرزیده می شود». (۵)

نکته: در چندین روایت آمده است که اگر نماز صبح را بخواند و قدری تعقیبات نماز را به جای آورد و قبل از طلوع آفتاب بخوابد اشکال ندارد، از جمله:

۷. در حدیثی صحیح آمده است که امام رضا علیه السلام به کسی فرمود: «فردا پس از طلوع آفتاب بیا که من پس از نماز صبح (و تعقیبات) می خوابم». (۶)

۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه نماز صبح خواندی

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵۳.

۲- «تُرَنْجَبِین» دارویی است شبیه ریزه نبات که طعمش شیرین است. از شیرابه یا شبنمی که بر رویشاخه های گیاهی به نام خارشتر جمع و منعقد می گردد تولید می شود و در طبّ به عنوان ملین به کار می رود؛ از شیر خشت بهتر و لطیف تر است (فرهنگ عمید).

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵۳.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵۶.

۵- الإستبصار، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۳۲۱.

۶- الإستبصار، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۳۲۳.



و ذکر خدا گفتی، باکی نیست که پیش از طلوع آفتاب بخوابی». (۱)

۹. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بعد از نماز مغرب و قبل از نماز عشا و خواب قبل از طلوع آفتاب، پریشانی و فقر می آورد». (۲)

### خواب قیلوله

#### خواب قیلوله (۳)

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب اول روز (بین الطلوعین) سفاهت، خواب قیلوله نعمت، خواب بعد از عصر حماقت و خواب بین نماز مغرب و عشا باعث محرومیت از روزی است». (۴)

۲. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: حافظه ای قوی داشتم ولی اکنون فراموشی بر من غالب شده است (چه کنم؟) حضرت فرمود: «آیا قبلاً خواب قیلوله داشتی و اکنون ترک کرده ای؟» عرض کرد: آری. فرمود: «دوباره آن کار را انجام بده». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد، حافظه اش برگشت. (۵)

۳. در روایتی آمده است: «قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمی کند». (۶)

۴. و نیز روایت شده است: «قیلوله برای بیداری و عبادت در شب، کمک خوبی است». (۷)

۱- الإستبصار، ج ۱، ص ۳۵۱، دنباله حدیث ۱۳۲۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۴، ح ۲.

۳- «قیلوله» خواب نیم روز، خواب و استراحت در نیمه روز یا پیش از ظهر است (فرهنگ عمید).

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۱۴۴۶.

۵- قرب الإسناد، ص ۷۴، ح ۲۱۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۱۴۴۹.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵۲.

۷- امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۱۱.

## وضو گرفتن قبل از خواب

### فضیلت و فلسفه وضو گرفتن قبل از خواب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس با وضو به رختخواب برود، رختخواب برای او حکم مسجد را دارد. و اگر در میان رختخواب به یاد آورد که وضو ندارد، بر روانداز تیمم کند که اگر با وضو یا تیمم بخوابد، تا زمانی که به یاد خداست گویی نماز می خواند». (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مسلمانی (بدون ضرورت) در حال جنابت و همچنین بدون وضو نخوابد. و اگر آب برای غسل و وضو نیابد تیمم کند زیرا روح مؤمن را به هنگام خواب به آسمان می برند و خداوند آن را قبول کرده، بر آن برکت می فرستد؛ پس اگر اجلش رسیده باشد او را در گنجینه ای از رحمت خود می سپارد و اگر وقت آن نرسیده باشد با امینان خود از ملائکه به بدن او بازمی گرداند». (۲)

### شب زنده داری سالانه

در حدیثی معتبر آمده است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اصحاب و یارانش فرمود: «کدام یک از شما تمام سال را روزه می گیرد؟» سلمان گفت: من.

فرمود: «کدام یک از شما (تمام) شب را احیا می دارد؟» سلمان پاسخ داد: من.

فرمود: «کدام یک از شما هر روز ختم قرآن می کند؟» سلمان گفت: من.

پس عمر از پاسخ های پی در پی سلمان به خشم آمد و رو به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: این مردی است از فارس، می خواهد بر ما که از قریش هستیم فخر بفروشد و دروغ می گوید. در اکثر روزها روزه نیست، بیشتر شب را در خواب و قسمت

۱- محاسن، ص ۴۷، ح ۶۴.

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۱.

زیادی از روز را خاموش است.

حضرت فرمود: «سلمان مانند لقمان حکیم است، (سخنان او بی حکمت نیست) از او سؤال کن تا جوابت دهد.

عمر پرسید، سلمان فرمود: اما در مورد روزه تمام سال، من هر ماه سه روز روزه می گیرم و چون خداوند هر حسنه ای را به ده برابر پاداش می دهد، این کار برابر با روزه تمام سال می شود. علاوه بر اینکه ماه شعبان را روزه گرفته، آن را با ماه مبارک رمضان پیوند می کنم. و اما در مورد بیداری شب، هر شب با وضو می خوابم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «هر کس با وضو بخوابد، گویی تمام شب را به عبادت احیا کرده باشد. و اما در مورد ختم قرآن، هر روز سه مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را می خوانم، و از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای علی، مثل تو در میان امت من، مثل سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ) است. هر کس سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ) را یک بار بخواند، چنان است که یک سوم قرآن را خوانده است و هر که دو بار بخواند، چنان است که دو سوم قرآن را خوانده و هر که سه بار بخواند، گویی قرآن را ختم کرده است؛ پس هر کس تو را به زبان دوست دارد یک سوم ایمان در او کامل شده است و هر کس تو را به زبان و دل دوست دارد، دو سوم ایمان در او کامل شده است و هر که تو را به زبان و دل دوست دارد و با دست خود تو را یاری کند تمام ایمان در او کامل شده است. ای علی، به حق خداوندی که مرا به راستی به سوی مردم فرستاده است سوگند، که اگر تو را اهل زمین دوست می داشتند چنانکه اهل آسمان تو را دوست می دارند، خداوند هیچ کس را به آتش جهنم عذاب نمی کرد».

پس (از سخنان سلمان) عمر ساکت شد که گویا سنگی بر دهانش گذاشتند. (۱)

## مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب

### اشاره

(مقدمه:) مشهور میان علما آن است که خوابیدن در مساجد کراهت دارد. اما ظاهر احادیث آن است که مکروه نیست، مگر در مسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله، ولی در این دو مسجد نیز تجویز شده است.

### مکان هایی که خوابیدن در آنها کراهت دارد

۱. در حدیث آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مردم را از خوابیدن بر سر راه نهی فرمود. [\(۱\)](#)
۲. و در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوابیدن بر پشت بامی که دیوار نداشته باشد نهی کرد. [\(۲\)](#) و فرمود: «هر کس بر بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد، از امان خدا بیرون رود». [\(۳\)](#)
۳. در روایات معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مکروه است انسان تنها بر بامی بخوابد، یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد». و فرمود: «مرد وزن در این حکم یکسانند». [\(۴\)](#) کسی پرسید: اگر سه طرف آن دیوار داشته باشد چه حکمی دارد؟ فرمود: «باید هر چهار طرف آن دیوار داشته باشد». [\(۵\)](#)
- در برخی روایات حدّ بلندی دیوار پشت بام، دو ذراع [\(۶\)](#) و در برخی دیگر یک ذراع و یک وجب بیان شده است. [\(۷\)](#)

۱- محاسن، ص ۳۶۴، ح ۱۰۳، از رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۲- محاسن، ص ۶۲۲، ح ۶۳؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۸.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۴ و ۵.

۵- محاسن، ص ۶۲۱، ح ۶۲؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۶.

۶- محاسن، ص ۶۲۲، ح ۶۶؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۵.

۷- محاسن، ص ۶۲۱، ح ۶۲؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۶.

## اوقاتی که خوابیدن کراهت دارد

۱. در احادیث معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سه گروه را نفرین کرد :  
«کسی که تنها چیزی بخورد، کسی که تنها به سفر رود و کسی که در خانه اش تنها بخوابد». و فرمود: «اگر کسی تنها بخوابد بیم آن می رود که دیوانه شود». (۱)
۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی در خانه یا بیابان تنها بخوابد این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنْسَ وَحَشْتی وَاعْتِنی عَلی وَحَدْتی». (۲)
۳. در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از اینکه کسی با دست چرب و آلوده به مواد خوراکی بخوابد نهی کرد. و فرمود: «هر کسی چنین کند و شیطان بر او دست یابد یا دیوانه شود، کسی را جز خود سرزنش نکند». (۳)
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «دست و دهان کودکان را به هنگام خوابیدن بشوید، در غیر این صورت شیطان آنها را می بوید و در خواب می ترسند». (۴)

## رفتن به حاجتگاه پیش از خواب

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از خواب به حاجتگاه بروید، سپس بخوابید». (۵)

## دیگر آداب خوابیدن

(مقدمه:) مستحب است انسان بر دست راست و رو به قبله بخوابد و دست راست را زیر صورت بگذارد. و بر دست چپ و به رو خوابیدن کراهت دارد.

- ۱- خصال، ج ۱، ص ۱۰۵، ح ۱۳۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۹.
- ۲- ترجمه: «بار خدایا، به هنگام وحشت مونس باش و در تنهاییم یاریم کن». محاسن، ص ۳۷۰، ح ۱۲۲.
- ۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۵.
- ۴- خصال، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۹۴.
- ۵- خصال، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۶۰؛ میزان الحکمه، باب ۳۹۷۸، ح ۲۰۹۴۳ (ج ۱۰، ص ۴۵۶).

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بر چهار قسم است: پیامبران بر پشت می خوابند و چشمانشان به خواب نمی رود و در انتظار وحی پروردگار هستند، مؤمن بر دست راست و رو به قبله می خوابد، پادشاهان و فرزندانشان بر دست چپ می خوابند تا آنچه خورده اند گوارا باشد، شیاطین و برادران او و هر دیوانه و مبتلائی به رو می خوابد». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به رو نخوابید و هر کس را ببینید که به رو خوابیده، او را بیدار کنید و بر آن حال نگذارید». (۲)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه خواستید بخوابید دست را زیر جانب راست صورت بگذارید، زیرا انسان نمی داند از این خواب بیدار خواهد شد

یا نه». (۳)

گفتنی است که احادیث متعددی در مورد فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ وارد شده است. (۴)

## آداب و دعاهای قبل از خواب

### از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگاه به رختخواب می رفت آیه الکرسی می خواند (و بهتر است که تا (هُم فِيهَا خَالِدُونَ) خوانده شود) و بعد از آن می فرمود: بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقْظَتِي». (۵)

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۱۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۶، ح ۴.

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۰۲، ح ۳۸؛ سفینه البحار، ج ۸، ص ۳۷۰.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۴.

۴- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۸۱؛ وج ۷۶، ص ۱۹۰، ح ۲۱؛ سفینه البحار، ج ۸، ص ۳۷۱، و ص ۳۷۵.

۵- ترجمه: «به نام خدا، به خدا ایمان آوردم و به طاغوت کافر شدم. پروردگارا، مرا در خواب و بیداری حفظ کن». کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۴.

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سوره (الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ) را به هنگام خواب بخواند، از عذاب قبر نجات پیدا می کند.» (۱)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سوره (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ) را به هنگام خواب بخواند و پس از آن چهار مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْجَلِّ وَالْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (۲)، خداوند به دو فرشته مأموریت می دهد که نزد حضرت رسول روند و سلامش را به حضرت برسانند و حضرت جواب سلامش را خواهد داد.» (۳)

### از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد بخوابد، قبل از آنکه پهلو را بر زمین بگذارد بگوید: أُعِيدُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوْلَانِي، بِعِزَّةِ اللَّهِ وَعَظْمَةِ اللَّهِ وَجَبْرُوتِ اللَّهِ وَسُلْطَانِ اللَّهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَعُفْرَانِ اللَّهِ وَقُوَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَةِ اللَّهِ وَجَلَالِ اللَّهِ وَبِضَيْعِ اللَّهِ وَأَرْكَانِ اللَّهِ وَبِجَمْعِ اللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّمَاءِ وَالْهَامَةِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدُبُّ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (۴) واین تعویذی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای امام حسن

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۲۳، ح ۱۴. در حدیث دیگری از حضرت رسول صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «هر کس «قل هو الله» را هنگام خواب سه مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می بخشد (کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، ح ۴).

۲- ترجمه: «ای خدایی که پروردگار سرزمین مکه و بیرون آن هستی، از جانب من به روح محمد صلی الله علیه و آله تحیت و درود فرست.»

۳- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۱۴.

۴- ترجمه: «پناه می دهم نفسم و دینم و اهلم و مالم و پایان کارهایم و آنچه را که پروردگارم روزی ام کرده و بهمن بخشیده است، به عزت و عظمت و جبروت و سلطنت و رحمت و غفران و قوت و قدرت و جلال و ضیاعوارکان الله و همه صفات خداوند و به رسول خدا و قدرت خدا بر هر چه که اراده کند، از شر جانوران سمیوخزنده گزنده و از شر جن و انس و از شر آنچه بر روی زمین حرکت می کند و آنچه از آن خارج می شود و از شر آنچه از آسمان نازل می شود یا به سمت آسمان بالا می رود و از شر هر جنبنده ای که زمام امور آن به دست پروردگارم است. بی شک (کار) پروردگارم در مسیر صحیح و مستقیم است و او بر هر چیزی تواناست. و هیچ توان و نیرویی جز برای خداوند بزرگ و والا مرتبه نیست.»

وامام حسین علیهما السلام می خواند». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه بخواید بخوابید، دست راست را زیر گونه راست صورت نهاده، بگویند: بِسْمِ اللَّهِ وَصَلِّتُ جَنَّبِيَّ لِلَّهِ عَلَى مَلِّهِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَاءَ لَمْ يَكُنْ (۲) هر

کس این دعا را به هنگام خواب بخواند، از دزد و غارت اموالش و فرود آمدن خانه محفوظ خواهد ماند و ملائکه برایش استغفار کنند». (۳)

۳. نیز در حدیثی فرمود: «هر کس به هنگام خوابیدن سوره توحید را بخواند، خداوند به پنجاه هزار ملک مأموریت می دهد که در آن شب از او حفاظت کنند». (۴)

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر کس این آیات را به هنگام خواب بخواند، از شر دزد در امان باشد: (قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَوْتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا \* وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا)». (۵)

۱- خصال، ج ۲، ص ۴۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۹.

۲- ترجمه: «به نام خدا، پهلویم را به خاطر خدا و بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایت کسی که خداوند اطاعت او را واجب فرموده، بر زمین نهادم. آنچه خدا بخواید می شود و آنچه نخواهد نمی شود».

۳- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۹۱.

۴- خصال، ج ۲، ص ۴۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۹.

۵- ترجمه: «بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان»، هر کدام را بخوانید (ذات پاکش یکی است؛ و) برای او بهترین نام هاست. و نمازت را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان؛ و در میان آن دو، راهی (معتدل) برگزین. - و بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. و او را بسیار بزرگ بشمار». (سوره اسراء، آیات ۱۱۰ و ۱۱۱) فلاح السائل، ص ۲۸۳.



## از امام سجّاد علیه السلام

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: «هر کس در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پیریشانی از وی برطرف می شود و هیچ گزنده ای به او زیان نمی رساند: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ. اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَرَبَّ التُّورَاهِ وَالْأَنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ. أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱)

## از امام باقر علیه السلام

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام باقر فرمود: «هر کس در وقت خواب، دست راست را زیر سر بگذارد بگوید: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَالْحَيَاتُ ظَهَرِي إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتُمْ وَبِسِيحِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامِ بَكْوَيْدِ» (۲)

۱- ترجمه: «بار خدایا، تو اولی هستی که پیش از تو چیزی نیست و تو ظاهری هستی که چیزی برتر از تو نیست، و تو باطنی هستی که چیزی غیر از تو نیست، و تو آخری هستی که بعد از تو چیزی نیست. بار خدایا، ای پروردگار آسمان ها و زمین های هفتگانه، و پروردگار تورات و انجیل و زبور و قرآن حکیم، به تو پناه می برماز شَرِّ هر جنبنده ای که زمام آن به دست تو است. بی شک (کار) تو در مسیر صحیح و مستقیم است». فلاح السائل، ص ۲۸۵.

۲- ترجمه: «به نام خدا، خدایا جان خود را تسلیم تو می کنم و به تو روی می آورم و کارم را به تو وامی گذارم و تورا تکیه گاه خویش ساخته و بر تو توکل می کنم به خاطر رغبتی (که در ثواب تو) و ترسی که در (عقاب) تو دارم، پناه و نجاتی جز تو نیست. به کتابی که نازل کردی و به پیامبری که فرستادی ایمان دارم». کتاب منلایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۶، ح ۱۳۵۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۸.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «در وقت خواب این دعا را ترک نکنید: اُعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي، بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامِيمٍ وَمِنْ كُلِّ لَعْنٍ لَاعِنَةٍ» که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با این دعا، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را تعویذ می کرد». (۱)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس هر شب پیش از خواب سوره (إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ) را تلاوت کند، در قیامت صورتش مانند ماه شب چهارده بدرخشد». (۲)

۴. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب سوره هایی را که اول آن با «سَبَّحَ لِلَّهِ» یا «يُسَبِّحُ لِلَّهِ» (۳) شروع می شود بخواند، قبل از مرگ به خدمت حضرت

ولی عصر (عج) می رسد و هر زمان از دنیا رود او را در همسایگی حضرت رسول صلی الله علیه و آله جای دهند». (۴)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس این دعا را هر شب بخواند، تا صبح عقرب و هیچ گزنده دیگری به او آسیبی نرساند: اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِئَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (۵)

۱- ترجمه: «خودم و ذریه و خانواده و مالم را از شرّ هر شیطان موذی و حشتناک و از زخم چشم هر ملامتگریه فرمان های کامل الهی می سپارم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۷، ح ۱۳۵۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۹.

۲- ثواب الأعمال، ص ۱۴۴، ح ۳.

۳- سوره های حدید، حشر، صف با «سَبَّحَ لِلَّهِ» و سوره های جمعه و تغابن با «يُسَبِّحُ لِلَّهِ» شروع شده است.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، ح ۳.

۵- ترجمه: «پناه می برم به کلمات تامّه خداوند که هیچ انسان نیک و گناهکاری از آن عبور نمی کند، از شرّ آنچه که خلق کرده و از شرّ هر جنبنده ای که زمام امورش به دست اوست. بی شک (کار) پروردگارم بر صراط مستقیم است». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۱۳۶۰.

## از امام صادق علیه السلام

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُکَ اَنَّکَ افْتَرَضْتَ عَلَیَّ طَاعَةَ عَلِیِّ بْنِ اَبِیْطَالِبٍ وَالحَسَنِ وَالحُسَیْنِ وَعلِیِّ بْنِ الحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسٰی بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِیِّ بْنِ مُوسٰی وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ وَ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ وَ الحُجَّهَ الْقَائِمَ، صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ وَ در آن شب بمیرد، وارد بهشت شود». (۱)

۲. در روایتی معتبر آمده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب یازده مرتبه سوره (اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ) را بخواند، خداوند متعال یازده فرشته بر او بگمارد تا او را از شرّ شیطان تا به صبح حفظ کند». (۲)

۳. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سوره (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) و سوره (قُلْ یَا اَیُّهَا الْکٰفِرُوْنَ) را پیش از خواب بخوان که اولی معرفت نامه پروردگار و دومی بیزاری از شرک است». (۳)

۴. نیز در حدیثی صحیح آمده است که فرمود: «هر کس پس از قرار گرفتن در رختخواب سه مرتبه بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَلَا فَقَهْرُ الْحَمْدِ لِلّٰهِ الَّذِیْ بَطَنَ فَخْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ مَلَکَ فَتَمَدَّرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُحِیِّی الْمَوْتِی وَ یَمِیْتُ الْاَحْیَاءَ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولد

شده است». (۴)

۱- ترجمه: «پروردگارا، تو را به شهادت می طلبم که تو بر من اطاعت حضرت علی و یازده فرزندش: را واجب کردی درود و صلوات خداوند بر او و فرزندانش باد». فلاح السائل، ص ۲۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۰۶.

۲- فلاح السائل، ص ۲۸۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۷، ح ۱۳۵۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۸.

۴- ترجمه: «سپاس ویژه خداوندی است که بلندپایه و پیروز و غالب است. و سپاس مخصوص خداوندی است که از چشم ها پنهان و بر پنهانی ها آگاه است. و سپاس از آن خداوندی است که مالک و تواناست. و سپاس ویژه خداوندی است که مردگان را زنده می سازد و زندگان را می میراند، و او بر همه چیز تواناست». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۷، ح ۱۳۵۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۹.

۵. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب سوره یاسین را بخواند، خداوند به هزار فرشته مأموریت می دهد که او را از شرّ شیاطین و هر بلائی حفظ کنند». (۱)

۶. در سخنی دیگر فرمود: «هر گاه به رختخواب رفتید چنین دعا کنید: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اِحْتَبَسْتُ نَفْسِیْ، فَاحْتَبِسْهَا فِیْ مَحَلِّ رِضْوَانِکَ وَمَغْفِرَتِکَ وَاِنْ رَدَدْتَهَا فَاَرُدُّهَا مُؤْمِنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ اَوْلِیَائِکَ حَتّٰی تَتَوَفَّاهَا عَلٰی ذَلِکَ». (۲)

۷. در گفته ای دیگر فرمود: «هر گاه به رختخواب رفتی، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگو، سپس آیه الکرسی، (قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)، (قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، ده آیه اول و ده آیه آخر سوره صافات را بخوان». (۳)

۸. در حدیثی صحیح آمده است که سفارش کرد به هنگام خواب چنین دعا کنید: «اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ عِبَادَهٗ وَرَسُوْلُهُ، اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ وَاَعُوذُ بِعِزِّهِ اللهُ وَاَعُوذُ بِقُدْرَتِهِ اللهُ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ اللهِ وَاَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللهِ، اِنَّ اللهَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. وَاَعُوذُ بِعَفْوِ اللهِ وَاَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللهِ وَاَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللهِ، مِنْ شَرِّ السَّمَامِ وَالْهَامِهِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَیْغِرَةٍ اَوْ كَبِيْرَةٍ، بَلِيْلٍ اَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ فَسَقِیَةِ الْجَنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقِیَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْجُرَدِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عِبْدِکَ وَرَسُوْلِکَ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ». (۴)

۱- ثواب الأعمال، ص ۱۳۸، ح ۱.

۲- ترجمه: «بار خدایا، من نفس خود را بازداشته ام (و به خواب می روم)، پس تو آن را در محلّ خشنودی و آمرزش خویش بازدار. و اگر بازگردانی، آن را بر ایمان و شناخت حقّ اولیای خود بازگردان، تا اینکه آن را بر همین اعتقاد بمیرانی». کافی، ۲، ص ۵۳۶، ح ۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۶.

۴- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی جز معبودی یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. پناهی برم به عظمت و عزّت و شکوه و قدرت و جلال و سلطنت خدا، زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست. و پناهی برم بر بخشش و رحمت خدا از شرّ جانوران سمّی و خزنده گزنده و از شرّ هر جنبنده کوچک یا بزرگ، در شب یا روز و از شرّ فاسقان جنّ و آدمی و از شرّ فاسقان عرب و عجم و از شرّ صاعقه ها و تگرگ. بار خدایا، بر محمد بنده و رسولت و اهل بیت طاهرینش درود فرست». کافی، ج ۲، ص ۵۳۷، ح ۸.

۹. در حدیثی صحیح آمده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب صد بار سوره توحید بخواند، گناهان پنجاه ساله اش آمرزیده می شود.» (۱)

۱۰. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام خواب سه مرتبه آیه الکرسی (۲)،

یک مرتبه آیه «شَهِدَ اللَّهُ» (۳) و آیه «سخره» (۴) و آیه آخر سوره حم سجده (سوره

فَصِيلَت) را بخواند، خداوند به دو فرشته مأموریت می دهد تا شیاطین را از وی دور گردانند و به سی ملک دستور می دهد که تا هنگام بیدار شدنش مشغول تحمید و تسبیح و تهلیل و تکبیر خدا باشند و استغفار کنند و ثواب همه این اعمال از آن او باشد.» (۵)

۱۱. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب صد مرتبه «لا إله إلا الله» بگوید، خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا کند. و هر کس صد مرتبه استغفار کند، گناهانش همچون برگ درختان می ریزد.» (۶)

۱۲. نیز در گفتاری فرمود: «هر کس یازده مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را پیش از خواب بخواند، گناهانش آمرزیده شود و او و همسایگانش از بلاها

محفوظ می مانند و اگر صد بار بخواند، گناه پنجاه ساله از آینده عمرش آمرزیده شود.» (۷)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۸۸.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۸.

۴- علامه مجلسی در مرآت العقول، در ذیل حدیث مزبور می گوید: ... مشهور آن است که منظور از آیه سخرهدو آیه آخر سوره حم سجده (سوره فصّلت) است. و شیخ بهایی گفته است: این آیه را سخره نامیده اند زیرا دلالت بر تسخیر و تسلط خداوند بر همه چیز دارد.

۵- کافی، ج ۲، ص ۵۳۹، ح ۱۶.

۶- خصال، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۳۷؛ ثواب الأعمال، ج ۱۸، ح ۲.

۷- فلاح السائل، ص ۲۷۵؛ ثواب الأعمال، ص ۴۵۶، ح ۵ و ۷.

## از امام رضا علیه السلام

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خوابیدن آیه الکرسی را بخواند، از فلج در امان خواهد بود». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در وقت خواب این آیه را بخواند، خانه بر سرش خراب نمی شود: إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا». (۲)

(تذکر: البته منظور این نیست که تمام آنچه در بالا- آمد در یک شب خوانده شود که این کار بسیار طولانی و دشوار است، بلکه از میان آنها بر حسب نیاز خود انتخاب کند و یا در هر شبی بعضی از آنها را بخواند).

## برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتمل شدن

## راه های برطرف کردن ترس به هنگام خواب

## دعاها و ذکرهای خاص

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در خواب می ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَسِپس تسبیح حضرت زهرا بگوید». (۳)

در کتاب طب الائمه آمده است که «آیه الکرسی» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» نیز بخواند. (۴)

۱- ثواب الأعمال، ص ۱۳۱، ح ۱.

۲- ترجمه: «خداوند آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و آمرزنده است». (سوره فاطر، آیه ۴۱) کتاب من لا یحضرها لفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۱۳۶۲.

۳- ترجمه: «معبودی جز الله وجود ندارد، او یگانه است و شریکی ندارد، زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او زنده است و هرگز نمی میرد». فلاح السائل، ص ۲۸۲.

۴- طب الائمه، ص ۶۴.

۲. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در خواب می ترسد، به هنگام خوابیدن، سوره های (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و آیه الکرسی بخواند». (۱)

۳. در روایت دیگر چنین آمده است: «برای (برطرف کردن) ترس (هنگام خواب)، شب ها این دعا را ده مرتبه بخواند: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ (۲)، سپس آیه الکرسی بخواند و در پایان بگوید: إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَّهُ مِنْهُ (۳) وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا. (۴)

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که شهاب بن عبد ربّه خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: زنی به خواب من می آید و می ترساندم. حضرت فرمود: «تسیح بردار و در رختخواب ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله بگو، سپس این دعا را ده مرتبه بخوان: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۵)

وظاهراً در تسیح حضرت فاطمه علیها السلام در وقت خواب، مخیر است میان آنکه بعد از الله اکبر، الحمد لله بگوید یا سبحان الله.

۱- مصباح المتهجد، ص ۱۲۱؛ و مکارم الأخلاق، ص ۲۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۷۶.

۲- ترجمه: «پناه می برم به کلمات خدا از خشم و عقوبت او و از شرّ بندگان (شرور)ش و از وسوسه های شیاطینو اینکه بر بالین من حاضر شوند».

۳- ترجمه: «و (به یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فرا گرفت». سوره انفال، آیه ۱۱.

۴- ترجمه: «و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم». (سوره نبأ، آیه ۹) مکارم الأخلاق، ص ۲۸۹.

۵- ترجمه: «معبودی جز خدای یکتا نیست، او تنهاست و شریکی ندارد. مُلک و سلطنت از آن اوست و تنها او استحقاق ستایش دارد، (زیرا) زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند. تمام خیرات به دستاوست و رفت و آمد شب و روز از ناحیه اوست و او بر همه چیز تواناست». کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۷.

## فصد (رگ زدن) و پرداخت زکات

فصد (رگ زدن) (۱) و پرداخت زکات

۱. در حدیثی می خوانیم که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دخترم در شب و روز بسیار می ترسد، چه کنم؟ حضرت فرمود: «او را فصد کن». (۲)

۲. در حدیثی دیگر آمده که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دخترم در خواب بسیار می ترسد و گاه حالش بسیار بد و اعضای بدنش سست و بی حس می شود، گویند که بر اثر تصرّف جنّ است و قابل علاج نیست، چه کنم؟ حضرت فرمود: «او را فصد کن، سپس آب شوید (یا رازیانه) را با عسل بپز و سه روز به او بده تا بخورد». راوی می گوید: به دستور امام عمل کردم و دخترم شفا یافت. (۳)

۳. کسی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: زنی به خواب من می آید و مرا می ترساند. حضرت فرمود: «مگر زکات نمی دهی؟» عرض کرد: می دهم. حضرت فرمود: «به مستحق نمی دهی». پس از آن، زکات را خدمت امام فرستاد و آن حالت از او برطرف شد. (۴)

## دعا برای محتلم نشدن و برطرف کردن بی خوابی

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس می ترسد محتلم شود، این دعا را هنگام خواب بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوِّ الْاِحْلَامِ وَمِنْ اَنْ يَّتَلَاعَبَ بَیَّ الشَّیْطَانُ فِی الْیَقْظَةِ وَالْمَنَامِ». (۵)

۱- یکی از راه های معالجه در طبّ قدیم، گرفتن خون از رگ ها بود که برای معالجه هر نوع بیماری، رگ خاصّی را می زدند و آن را «فصد» می گویند.

۲- طبّ الأئمه، ص ۱۰۸.

۳- طبّ الأئمه، ص ۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۹۰، ح ۲۰.

۴- محاسن، ص ۸۷، ح ۲۷.

۵- ترجمه: «بار خدایا، از احتلام و خواب های بد و اینکه شیطان در بیداری و خواب با من بازی کند، به تو پناهی برم». کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۹۰.



۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در خواب بترسد، یا بر اثر درد، بی خوابی بر او چیره شود، این دو آیه را بخواند: (فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِتْرَيْنَ عَدَدًا \* ثُمَّ بَعَثْنَا لَهُم لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا). (۱) این آیه برای کودکی که بسیار گریه می کند نیز مؤثر است». (۲)

### دعای برطرف کردن خواب های پریشان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه شخصی خواب پریشانی ببیند، از آن پهلوی که خوابیده به پهلوی دیگر شود و بگوید: إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُخْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ (۳)، سپس بگوید:

عُدْتُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ وَمِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (۴)

۲. در روایتی معتبر نیز می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هر کس خواب پریشان ببیند و (بر اثر آن) بیدار شود، بگوید: اَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيََاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ وَالْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ أَنْ تَضُرَّنِي وَمِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۵)، سپس سه بار آب

۱- ترجمه: «ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم و سال ها در خواب فرو رفتند - سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار شود که) کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده اند». سوره کهف، آیات ۱۱ و ۱۲.

۲- طَبَّ الْأَيْمَةِ، ص ۳۶.

۳- ترجمه: «نجوا فقط از سوی شیطان است؛ می خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند؛ ولی نمی تواند هیچ گونه ضرری به آنها برساند جز به فرمان خدا». سوره مجادله، آیه ۱۰.

۴- ترجمه: «پناه می برم (به خدا) از آنچه که فرشتگان مقرب و انبیای مرسل و بندگان شایسته اش از آن پناهندند. و از شر آنچه دیدم و از شر شیطان رانده شده (به خدا پناه می برم)». فلاح السائل، ص ۲۸۹.

۵- ترجمه: «پناه می برم به خداوند از آنچه که فرشتگان مقرب خداوند و پیامبران مرسل الهی و بندگان صالح پروردگار و امامان هدایت یافته به آن پناه برده اند، از شر آنچه در خواب دیدم که ضرری به من نزنند و از شر شیطان رانده شده (از درگاه خداوند، به خدا پناه می برم)».

دهانش را به سمت جانب چپ خود (در دستمالی) بیندازد». (۱)

## دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب

### چگونه به وقت بیدار شویم؟

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند، هر وقت از شب که بخواهد بیدار می شود: (قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)». (۲)

۲. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس دوست دارد آخر شب از خواب برخیزد، هنگامی که به رختخواب رفت بگوید: اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِيْ مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِيْ ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ، اَقُوْمُ سَاعَةً كَذَا وَكَذَا» (۳) (وبه جای کذا و کذا ساعت مورد نظر را بگوید) چنانچه این دعا را بخواند، خداوند به فرشته ای مأموریت می دهد که در ساعت مورد نظر او را بیدار کند». (۴)

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس می خواهد

۱- فلاح السائل، ص ۲۹۰.

۲- ترجمه: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می شود که تنها معبودتان معبود یگانه است، پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد؛ باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند» (سوره کهف، آیه ۱۱۰). کافی، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۱۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۱۳۵۹.

۳- ترجمه: «پروردگارا، مرا از مجازات خود ایمن و مطمئن مگردان و یاد خود را فراموشم مکن و مرا جزء غافلان مگردان، (تا) در فلان ساعت از خواب برخیزم».

۴- کافی، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۱۸؛ فلاح السائل، ص ۲۸۷.

(در ساعت خاصی از) شب بیدار شود، به هنگام خوابیدن چنین دعا کند: اللَّهُمَّ

لَا تُنَسِّئِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤَمِّنِي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱) چنانچه این دعا را بخواند خداوند

متعال دو فرشته می فرستد تا او را بیدار کنند و اگر بیدار نشد به آن دو ملک فرمان می دهد که برای او استغفار کنند و اگر آن شب بمیرد، ثواب شهید را دارد و اگر بیدار شود و هر حاجتی بطلبد خداوند حاجتش را برآورده می کند. (۲)

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس اراده کند که

در ساعتی از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خداوند بداند که اراده او

صادق است، بی شک دو ملک می فرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود». (۳)

### برطرف کردن بی خوابی

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه بی خوابی دامنگیر کسی شود و خوابش نبرد، چنین دعا کند: سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّانِ، دَائِمِ السُّلْطَانِ، كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ». (۴)

۲. در روایتی معتبر آمده است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از بی خوابی به

۱- ترجمه: «بار خدایا، یادت را فراموشم مکن و از مجازات خود مرا مطمئن مگردان و مرا از غفلت کنندگان قرارمده و مرا در بهترین ساعات در نزد خودت بیدار گردان تا تو را بخوانم و تو خواست هایم را اجابت کنی و از تو بخواهم تا به من عطا کنی و از تو طلب مغفرت کنم تا مرا ببخشایی، زیرا کسی جز تو گناهان را نمی آمرزد، ای مهربان ترین مهربانان».

۲- فلاح السائل، ص ۲۸۷.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۳۸۷؛ فلاح السائل، ص ۲۸۷.

۴- ترجمه: «منزه است خداوند دارای مرتبت، که سلطنت او همیشگی است و هر روز در کار تازه ای است». فلاح السائل، ص

رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد، حضرت فرمود: «این دعا را بخوان: يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَةَ الْجُبُوبِ الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ، سَكِّنْ عُرُوقِي الضَّارِبَةَ وَأَنْدِنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا». (۱)

## نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن

### چگونه اموات را در خواب ببینیم؟

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در عالم خواب ببیند، پس از نماز عشا چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت پس از حمد، صد مرتبه آیه الکرسی بخواند و بعد از نماز، هزار مرتبه صلوات بفرستد، سپس بر پارچه پاکیزه ای که بر روی آن با حلال و حرام آمیزش نکرده باشد بخوابد و دست راست را زیر جانب راست صورت بگذارد و یکصد مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۲) و در پایان، صد مرتبه ما شاء الله بگوید. اگر به این روش عمل

کند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب می بیند». (۳)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس بخواهد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در خواب ببیند، به هنگام خواب چنین دعا کند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَإِيَادِيهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقُضِي، أَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا كَفَيْتَهُ أَنْ تُرِيَنِي مَوْلَايَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي مَنَامِي». (۴)

۱- ترجمه: «ای سیرکننده شکم های گرسنه، وای پوشاننده سینه های برهنه، وای تسکین دهنده رگ هایزننده، وای خواب کننده چشمان بیدار، رگ های زننده مرا آرام بخش و بر چشمان من خوابی فوری مسلطگردان». فلاح السائل، ص ۲۸۴.

۲- ترجمه: «منزه است خدا و حمد و ستایش ویژه اوست و هیچ معبودی جز الله نیست و خداوند بزرگ تر از آن است که توصیف شود و هیچ توان و نیرویی جز برای خداوند نیست».

۳- فلاح السائل، ص ۲۸۵.

۴- ترجمه: «بار خدایا، ای کسی که لطفش پنهان و نعمت هایش گسترده است، از تو می خواهم، به لطف خاص پنهانت که هر بنده ای را کفایت می کند، مولایم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را در خواب به منبمایی». فلاح السائل، ص

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر کسی بخواهد خواب یکی از مردگان را ببیند، با وضو بر جانب راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید، سپس چنین دعا کند :

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَأَتِ الْأَشْيَاءُ وَإِلَيْكَ تَعُودُ، فَمَا أَقْبَلَ مِنْكَ كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، فَاسْأَلُكَ بِإِلَهٍ إِلَهًا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرِنِّي مَيِّتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا». (۱)

### ذکر از یک پهلوی به پهلوی دیگر شدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب از یک پهلوی به پهلوی دیگر بگردد «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید». (۲)

۲. از حضرت هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که در وسط

۱- ترجمه: «بار خدایا، تو آن زنده ای هستی که به وصف درنیاید و ایمان از آن شناخته می شود، هر چیزی از توبه وجود آمده و به سوی تو بازمی گردد، هر آنچه به سوی تو روی آورد تو پناهگاه و نجات دهنده او هستی و هر چه رویگردان شود، پناهگاه و نجات دهنده ای جز تو ندارد، پس از تو می خواهم به حق «لا- إله إلا الله» و به حق «بسم الله الرحمن الرحيم» و به حق محمد صلی الله علیه و آله حبيب تو سید پیامبران و به حق علی علیه السلام بهترین جانشینان و به حق فاطمه سرور زنان در دو جهان و به حق امام حسن و امام حسین علیهما السلام سرور جوانان بهشت، بر محمد و آل محمد صلوات و درود بفرستی و فلان فرد فوت شده مرا در همان حالی که به سر می برد به من نشان بدهی». فلاح السائل، ص ۲۸۶.

۲- فلاح السائل، ص ۲۸۸.

شب بیدار می شوی، تا از یک پهلو به پهلو دیگر گردی، این دعا را بخوان :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَاللهِ الْمُرْسَلِينَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (۱)

### آداب پس از بیدار شدن

۱. در حدیث است که هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به رختخواب می رفت می فرمود: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَبِاسْمِكَ أَمُوتُ» (۲) و زمانی که بیدار می شد

می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه انسان پس از برخاستن از خواب بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَاللهِ الْمُرْسَلِينَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۴)، خداوند

می فرماید: بنده ام راست گفت و شکر مرا به جا آورد». (۵)

۳. در حدیثی دیگر آمده است که هرگاه امام صادق علیه السلام در آخر شب از خواب

۱- ترجمه: «معبودی نیست جز الله که زنده و نگهدارنده است و او توانا بر هر چیزی است. منزّه است خداوندیکه پروردگار جهانیان و خدای پیامبران است و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه در آنهاست و پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است و درود بر پیامبران، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است». مصباح المتهجد، ص ۱۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۷۸.

۲- ترجمه: «خدایا، به نام تو و به نام تو می میرم».

۳- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا زنده کرد پس از آنکه میراند و به سوی او بازمی گردم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۳۹۱.

۴- ترجمه: «منزّه است خداوندی که پروردگار پیامبران مرسل و خاندان آنان و پروردگار مستضعفین است. و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرده را زنده می کند و توانا بر هر کاری است».

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۳۹۱.

برمی خاست با صدای بلند می فرمود: «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمَطْلَعِ وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمَضْجَعَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ». (۱)

۴. ودر روایتی دیگر می خوانیم: «هرگاه از خواب بیدار شود بگوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَّحْتَ رَحْمَتِكَ غَضَبِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفُزْ لِي وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ الْعُفُورُ». (۲)

۵. نیز در روایتی آمده است که چون از خواب برخیزد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِإِحْمَدِهِ وَأَعْبَدَهُ». (۳)

توجه: دعای نگاه کردن به عقیق در آداب انگشتر به دست کردن گذشت. وسایر دعاهاى این باب، چون از مقدمات نماز شب است، إن شاء الله به همراه سایر دعاهاى وقت خواب در کتاب عبادات بیان خواهد شد، زیرا این کتاب بیش از این گنجایش ندارد.

## سر خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب

### اقسام خواب دیدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رؤیا و خواب دیدن بر سه قسم است: بشارت خدا برای مؤمن، ترسانیدن شیطان، خواب های پریشان». (۴)

۲. در روایت دیگری فرمود: «خواب دروغ که اثرش ظاهر نمی شود خوابی

۱- ترجمه: «بار خدایا، بر ترس از قیامت یاری ام کن و قبر مرا گشاده گردان و خیر و نیکی قبل از مردن و بعد از آن را روزی ام فرما». کافی، ج ۲، ص ۵۳۸، ح ۱۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۳۹۲.

۲- ترجمه: «بسیار منزّه و پاک است پروردگار فرشتگان و روح، رحمت تو بر خشم ات پیشی گرفته است، معبودی جز تو نیست، بر خود ستم کردم؛ پس مرا بیامرز و بر من رحم کن، زیرا تو توبه پذیر مهربانبخشاینده ای». تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۱، ح ۲۶.

۳- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که روح مرا بازگرداند، تا او را سپاس گویم و پرستش کنم». کافی، ج ۳، ص ۴۵۵، ح ۱۲.

۴- کافی، ج ۸، ص ۷۶، ح ۶۱.

است که در اوّل شب دیده می شود، همان زمانی که وقت سلطه و استیلاى شیطان است و آن خواب، خیالاتی است که شیاطین نزد انسان جلوه می دهند و ریشه ای ندارد. اما خواب راست خوابی است که در یک سوم آخر شب، هنگام نزول ملائکه دیده می شود. خوابی که به هنگام سحر می بیند خواب راست است و ان شاء الله تخلف نمی کند، مگر آنکه در حال جنابت بوده یا بی وضو خوابیده باشد، یا آنچه از ذکر و یاد خدا که سزاوار است پیش از خواب بگویند، به جا نیاورده باشد که در این صورت، خوابش یا تحقق نمی یابد و یا با تأخیر محقق می شود». (۱)

### خواب راست (رؤیای صادق)

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب های مؤمن صحیح است، زیرا نفسش پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش از بدن مفارقت کند با ملائکه ملاقات می کند، پس خواب او به منزله وحی است». (۲) (این حدیث مربوط به مؤمنانی است که در درجه والای ایمان هستند).

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «وحی پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله قطع شد، امّا خواب های بشارت دهنده وجود دارد». (۳)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «خواب های راست، یک هفتادم پیغمبری است». (۴)

۴. نیز در روایتی فرمود: «رأی مؤمن و خواب او در آخر الزّمان، دلالت یک جزء از هفتاد جزء پیغمبری است». (۵)

۵. در روایتی صحیح از امام رضا علیه السلام می خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله صبح

۱- کافی، ج ۸، ص ۷۶، ح ۶۲.

۲- جامع الأخبار، ص ۱۷۲.

۳- جامع الأخبار، ص ۱۷۲.

۴- جامع الأخبار، ص ۱۷۲.

۵- کافی، ج ۸، ص ۹۰، ح ۵۸.



هنگام به اصحابش می فرمود: آیا کسی خواب بشارت دهنده ای دیده است؟» (۱)

۶. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «در آخر الزمان خواب مؤمن دروغ نمی شود و هر که راستگوتر باشد خوابش درست تر است». (۲)

۷. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مرا در خواب ببیند چنان است که مرا در بیداری دیده، زیرا شیطان نمی تواند به شکل و صورت من، بلکه به صورت شیعیان خالص در آید. و بی شک خواب های راست یک جزء از هفتاد جزء پیامبری است». (۳)

۸. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد تفسیر این آیه شریفه سؤال کرد: (لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ) (۴)، حضرت فرمود: بشارت زندگانی دنیا، خواب های نیکو است که

مؤمن در دنیا می بیند و به آن بشارت می یابد و شاد می شود». (۵)

(باید توجه داشت که خواب غیر معصومین علیهم السلام به هر صورت که باشد حجت نیست؛ هر چند ممکن است در آن اشاره و دلالتی به طور اجمال بوده باشد).

### سز خواب های خوب و خواب های پریشان

۱. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: چرا گاهی اوقات مؤمن خوابی می بیند ولی اثری از آن در بیداری آشکار نمی شود؟ فرمود: «هرگاه مؤمن به خواب رود، روحش به سوی آسمان حرکت می کند. آنچه را روح او در ملکوت آسمان می بیند حق است و اثرش در محلّ تقدیر و تدبیر آن

۱- کافی، ج ۸، ص ۹۰، ح ۵۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۷۲، ح ۳۱.

۳- جامع الأخبار، ص ۱۷۲.

۴- ترجمه: «در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور)ند». سوره یونس، آیه ۶۴.

۵- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۸، ح ۴۹۲۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۹۵.

ظاهر می شود. و آنچه را در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است». راوی پرسید: آیا روح مؤمن به طور کامل به آسمان می رود و چیزی از آن در بدن نمی ماند؟ حضرت فرمود: «اگر چنین باشد که می میرد، بلکه مثل آن مثل خورشید است که خودش در آسمان و روشنی و شعاع آن در زمین است؛ بنابراین، اصل روح در بدن است و پرتوی از آن به آسمان می رود». (۱)

۲. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مؤمن به خواب رود روح او را نزد عرش پروردگار می برند. آنچه را در آنجا ببیند حقّ است و آنچه را به هنگام بازگشت در هوا ببیند خواب پریشان است». (۲)

روایات به این مضمون بسیار است.

۳. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «شیطانی است که هزاع نام دارد که هر شب از شرق تا غرب عالم را با بدن خود پر می کند و به خواب مردم می آید و بدین جهت مردم خواب پریشان می بینند». (۳)

۴. دو مرد مسیحی نزد ابوبکر آمدند و از او سؤالاتی کردند که نتوانست جواب بدهد. (۴) حضرت علی علیه السلام که در آنجا حضور داشت، به پرسش های او پاسخ داد. از جمله پرسش ها این بود که علت خواب های راست و دروغ چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند روح را خلق کرد و برای آن سلطه ای قرار داد که نفس است، هنگامی که انسان به خواب می رود روح خارج می شود و سلطه اش در بدن می ماند. روح به گروهی از ملائکه و جنیان برخورد می کند، خواب های راست از ملائکه و خواب های دروغ از جنیان است». (۵)

۱- امالی صدوق، ص ۱۴۵، ح ۱۵.

۲- امالی صدوق، ص ۱۴۶، ح ۱۷.

۳- امالی صدوق، ص ۱۴۶، دنباله حدیث ۱۷ از امام باقر علیه السلام.

۴- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۵۷.

۵- علامه مجلسی رحمه الله پس از نقل روایات بالا، در مورد روح و نحوه تعلق آن به بدن و خواب هایی که انسانی بیند سخن گفته، که در ادامه خواهد آمد.

### خواب خود را به کسی نگویید

۱. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خواب مؤمن بر بالای سرش در میان زمین و آسمان پرواز می کند تا خودش آن را

برای خود تعبیر کند، یا دیگری این کار را انجام دهد، سپس به همان شکلی

که تعبیر شده واقع می شود؛ بنابراین، خواب خود را جز برای شخص عاقل

بازگو نکنید». (۱)

۲. از امام باقر علیه السلام رواست شده است که فرمود: «خواب را جز برای مؤمنی که دارای حسادت و عداوت و طغیان نباشد، نباید بازگو کرد». (۲)

### برای خوابتان تعبیر خوب کنید

در حدیث آمده است: زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنی که شوهرش در سفر بود خواب دید ستون خانه اش شکسته است. خوابش را برای حضرت بیان کرد. حضرت فرمود: «شوهرت به سلامت از سفر بازمی گردد». همان طور شد. بار دیگر شوهرش به سفر رفت و آن زن همان خواب را دید و برای پیامبر بازگو کرد و حضرت همان گونه تعبیر کرد و شوهرش به سلامت بازگشت. برای بار سوم شوهرش به سفر رفت و همان خواب را دید و آن را برای مردی شوم نقل کرد، او گفت: شوهرت می میرد و شوهرش مُرد. وقتی خبر به حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: «چرا برای خواب آن زن، تعبیر خوبی نکرد؟» (۳)

### تعبیر خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در خواب دیدم ظرف

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۷۷، ح ۵۲۹.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۷۷، ح ۵۳۰.

۳- کافی، ج ۸، ص ۲۷۶، ح ۵۲۸.

شیری به دستم دادند، آن قدر خوردم که شیرها از میان ناخن هایم بیرون آمد». پرسیدند: چگونه تعبیر کردید؟ فرمود: «به علم و دانش». (۱)

### تعبیر خواب امام صادق علیه السلام

۱. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: خواب دیدم آفتاب فقط بر سرم می تابد نه بدنم. حضرت فرمود: «نور ساطع و دین کاملی نصیب تو می شود. اگر آفتاب همه وجودت را فرا می گرفت در دین حق غوطه ور می شدی». آن شخص گفت: دیگران خواب مرا به پادشاهی تعبیر می کنند. حضرت فرمود: «کدام یک از پدران پادشاه بودند که چنین خیالی برای تو پدید آمده است؟ و کدام پادشاهی بهتر از دین حق که با آن امید رفتن به بهشت را داشته باشی!». (۲)

۲. در حدیثی می خوانیم که محمد بن مسلم به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم وارد خانه شدم و همسرم گردوهای فراوانی شکسته و بر سرم ریخت. حضرت فرمود: «ازدواج موقت خواهی کرد و همسرت خبردار می شود و لباس های نو را بر بدنت پاره می کند، چرا که پوست گردو به منزله لباس است». محمد بن مسلم می گوید: چون صبح جمعه شد لباس های نو خود را که در اعیاد می پوشیدم بر تن کردم و بر در خانه نشستم. زنی از آنجا می گذشت، او را به خانه آوردم و (پس از توافق) متعه کردم. همسرم متوجه شد و به سراغ ما آمد. آن زن گریخت و من در خانه ماندم، لباس های نو را بر بدنم پاره پاره کرد». (۳)

۳. در حدیث آمده است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خوابی دیدم که

۱- بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۷۵، ح ۳۵.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۴۳، ح ۴۴۵.

۳- کافی، ج ۸، ص ۲۴۳، ح ۴۴۷.

از آن بسیار می ترسم. دامادی داشتم که از دنیا رفته، خواب دیدم دست در گردن من انداخته، می ترسم بمیرم. حضرت فرمود: «هر صبح وشام در انتظار مرگ باش و از آن گریزان مباش، ولی معانقه (وروبوسی) با مردگان نشانه طول عمر است. دامادت چه نام داشت؟» گفت: حسین. حضرت فرمود: «زیارت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد، زیرا هر کس با همنام آن حضرت در خواب معانقه کند، توفیق زیارت آن حضرت نصیبش می شود». (۱)

۴. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در خواب ببیند که در حرم است، اگر ترسان باشد آرام و در امان گردد». (۲)

۵. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم چوب نیزه در دست دارم. حضرت فرمود: «آیا آهنی بر سر آن بود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «اگر آهن می داشت، خداوند به تو پسری می داد ولی چون آهن نداشت، خداوند به تو دختری خواهد داد». سپس اندکی صبر کرد و فرمود: «آن نیزه چند بند داشت؟» عرض کرد: دوازده بند. فرمود: «خداوند دوازده دختر به تو خواهد داد». محمد بن یحیی می گوید من این حدیث را برای شخصی نقل کردم، او گفت: من فرزند یکی از آن دختران هستم و یازده خاله دارم. (۳)

۶. در روایتی آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم از شهر کوفه بیرون رفته، در مکانی معروف کسی را سوار بر اسب چوبی دیدم که شمشیری در دست داشت و آن را حرکت می داد؛ او را که می دیدم می ترسیدم. حضرت فرمود: «تعبیر آن این است که می خواهی با فریب و نیرنگ روزی شخصی را قطع کنی. از خدا بترس و مرگ را به خاطر داشته باش و این کار

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۴۴.

۲- قرب الإسناد، ص ۸۴، ح ۲۵۸.

۳- الخرائج، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۴۳.

را نکن». سؤال کننده گفت: گواهی می دهم که خداوند دانش عظیم و فراوانی به تو داده و تو علم را از معدن و جایگاه آن گرفته ای. آری، همسایه ای دارم که می خواست مزرعه اش را به من بفروشد. چون دیدم مشتری دیگری ندارد به فکر افتادم که به قیمت بسیار ارزانی از او بخرم. (۱)

### تعبیر خواب امام رضا علیه السلام

۱. در روایتی معتبر و صحیح می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «بسیاری از اوقات خوابی می بینم و آن را برای خود تعبیر می کنم و خواب به همان صورتی که تعبیر کرده ام واقع می شود». (۲)

۲. نیز در روایتی صحیح می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «دیشب خادم علی بن یقظین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش سفیدی بود، چنین تعبیر کردم که به دین حق درخواهد آمد». (۳)

۳. در حدیث است که یاسر خادم به امام رضا علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم هفده شیشه در میان قفسه ای بود، ناگاه آن قفسه افتاد و شیشه ها شکست (تعبیر آن چیست؟) حضرت فرمود: «اگر خواب تو راست باشد باید یکی از اهل بیت و خویشان من هفده روز پادشاه شود، سپس بمیرد». راوی گوید: محمّد بن ابراهیم در کوفه به همراه ابوالسرایا قیام کرد و پس از هفده روز مرد. (۴)

### تحقیقی در مورد حقیقت خواب ورؤیا

هنگامی که خداوند متعال روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرد و او را با

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۴۴، ح ۴۴۸.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۷۶، ح ۵۲۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۶۰، ح ۸.

۴- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۵۲.

ارواح انبیا و اوصیا ارتباط داد و در عالم ارواح با آنها محشور بود (چنانچه در روایات فراوانی آمده است که ارواح در عالم ارواح، لشکر به هم پیوسته ای در گروه ها و فوج های مختلف بودند). (۱) پس ارواحی که در آن عالم با یکدیگر آشنا

بودند در این جهان هم آشنا می شوند و آنها که در آن عالم از یکدیگر بیگانه و جدا بودند در این عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند و از هم دوری می کنند و از آنجا که با توجه به مصالح غیر قابل شمارش، آن ارواح مقدسه را در زندان های بدن های مادی ظلمانی قرار دادند و به انواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساختند، به این سبب روح انسان (که از عالم قدس آمده) بعد و غفلتی نسبت به عالم قدس پیدا کرده است؛ البته همه انسان ها در این جهت مساوی نیستند بلکه اختلاف بسیار است:

۱. گروهی که مقرّبان در گاه الهی اند ارواحشان به ملاء اعلی در آویخته و با آن آمیخته شده و لذا این تعلقات جسمانی آنها را از آن عالم دور نکرده و بیگانه نساخته، بلکه با بدن خاکی با مردم محشورند و ارواحشان پیوسته با قدسیان ملاء اعلی مشغول مکالمه و گفت و گو هستند و روح القدس با آنان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربّانی همواره بر ارواحشان فیض می رساند.

۲. گروه دیگر که از اشقیاء هستند و به طور کلی عالم قدس را فراموش کرده اند و به غیر از این دنیای فانی و لذّات پست آن چیزی به خاطر نمی آورند و حتی برخی از آنها بر اثر کثرت شقاوت و گمراهی، جهان آخرت را باور ندارند و پیامبران را در مسأله معاد تکذیب می کنند، مَهر بر دیده و گوش و دل آنها زده و راه های خیر و سعادت را بر آنان بسته اند.

۳. گروه سوم کسانی اند که علی رغم گرفتار شدن در وابستگی های دنیوی و لذّات پست آن، دست از تحصیل کمالات برنداشته و نفس لَوّامه خود را زنده

۱- بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۵، ح ۹ و ص ۱۳۹، ح ۱۷ و ۱۹ و ص ۱۴۹، ح ۲۷.

نگاه داشته اند. گاه گوش و دل به شیطان می سپارند و گاه پای نصیحت فرشتگان می نشینند. زمانی با واعظان و راهنمایان بشر محشورند و در برخی اوقات با شیاطین انسی مشغول فسق و فجورند. گاه به رنگ گناه خود را آلوده می سازند و گاه با آب تضرع و توبه خویش را تطهیر می نمایند و چون روح این گروه از انسان ها به خاطر اشتغالات و تعلقات و خطاها و سیئات و گناهان فاصله بسیاری با قاضی الحاجات و انبیا و ائمه و فرشتگان آسمان پیدا کرده، لذا به هنگام خواب که روح اجمالا از اشغال بدنی خلاص می شود و راه خیال های فاسد که از روزنه های مشاعر بدنی بر نفس داخل می شود مسدود می گردد، فی الجمله آشنایان قدیم به یادش می آید و با دوستان روحانی طرح رفت و آمد می اندازد و به آسمان صورت و معنی عروج می کند و با روحانیان و قدسیان همزبان می گردد.

امّا چون در اوّل شب پاره ای از تصاویر خیالات بیداری در ذهنش حاضر است، هنوز در هوای تعلقات خود پرواز می کند و ارتباطش با آن عالم ناقص است، لذا شیاطین بر او مسلط می شوند و خیالات و علایق باطل او را به صورت های گوناگون در نظرش می آورند و هر چه از اوّل شب فاصله می گیرد و نقش خیالات بیداری بیشتر می شود، پرواز به عالم بالا رساتر می شود تا آنکه چون وقت سحر شود از بین آسمان و زمین وهوی ها و خواهش ها و زینت های رنگارنگ خارج شده و به زیر عرش الهی به همنشینی مقربان توفیق می یابد.

استیلا و تسلط شیاطین ضعیف گشته و لطف ربانی، ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن در خواب غفلت رفتگان و دور کردن لشکریان شیاطین و جنیان فرو می فرستد. و لذا در آن وقت، خواب های رحمانی و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان واصل می شود و آنها را برای نماز و تضرع و زاری و توبه و پشیمانی آنچه در روز از روی غفلت انجام داده اند، بیدار می کنند.



وبدین جهت نماز شب را در آن زمان مقرّر ساخته اند و آیه شریفه (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً) (۱) در شأنش فرستاده اند که حاصل مضمونش به این شرح است:

عبادتی که در شب انجام می شود موافقت دل با زبان در آن بیشتر و گفتار در آن درست تر است.

پس خوشا به حال سعادت‌مندی که قدر آن وقت را بداند و اندازه آن نعمت‌های بی اندازه را بشناسد و ملائکه روحانی را بر دور کردن وساوس شیطانی یار و یاور خود گرداند و روح مقدّس خود را از آلودگی تعلّقات پست پاک کند و به ساحت قرب پروردگار خود برساند و در آن وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است، با خداوند بی نیاز خود را هماواز ایشان گرداند و قدری قدر خود را بداند و اندکی اصل خود را به یاد آورد و آن جوهر قدسی را به بهای کم نفروشد و آن طایر عرشی را در قفس علایق محبوس نگرداند (وَفَقْنَا اللَّهُ تَعَالَى وَسَائِرَ الْمُؤْمِنِينَ لِسُلُوكِ مَسَالِكِ الْمُقَرَّبِينَ وَلِتَنْبِيهِ نَوْمَ الْغَافِلِينَ). (۲)

و بدان که چون این پرده‌های رنگارنگ تعلّقات جسمانی و شیشه‌های الوان و زینت‌های دنیوی به هنگام خواب در پیش دیده دل آویخته است و با وجود عروج به مراتب بالای روحانی باز بصیرتش با این خیالات آمیخته است، لذا در خواب، اشیاء به صورت‌های دیگر دیده می شود و هر چیزی را به اعتبار مناسبات، شکل‌ها و صورت‌هایی است که در کلام الهی و سخنان انبیا و اوصیا برای عقل‌های ضعیف و بصیرت‌های آفت زده محبوسان سرای غرور، به آنها مثل زده اند. یعنی با توجّه به اینکه آنها خود را از معقولات معزول ساخته و مدار

۱- ترجمه: «به یقین نماز و عبادت شبانه، گامی استوارتر و گفتاری پایدارتر است». سوره مزمل، آیه ۶.

۲- ترجمه: «خداوند ما و دیگر مؤمنان را در پیمودن راه مقربان در گاهش و بیدار کردن غافلان از خواب غفلتموفق بگرداند».

وملاکشان بر محسوسات است، لذا معقولات را در لباس محسوسات به آنها نشان می دهند.

چنانچه فرموده اند: «دنیا مانند ماری است که خطّ وخال نیکو دارد و کودک نادان، فریب آن را می خورد در حالی که در درونش زهر کشنده ای است»<sup>(۱)</sup>.

وهمان گونه که علم را که باعث حیات دل هاست <sup>(۲)</sup> به آب که باعث حیات

بدن هاست <sup>(۳)</sup> تشبیه کرده و فرموده اند: «چنانچه سبزی زمین به آب است سرسبزی

دل ها به علم است» و همان گونه که علم را بار دیگر به نور آفتاب <sup>(۴)</sup> و چراغ <sup>(۵)</sup> تشبیه

کرده اند زیرا نور، تاریکی های ظاهر را برطرف می کند و علم، ظلمت های شبهات و شک و تردیدها و حیرت های جهل و ضلالت را زایل می سازد.

آری، کلام حق تعالی و انبیا و اوصیا مملو از این مثال هاست و سرّش همان است که گذشت. از این رو، در عالم خواب نیز به دلیل ضعف بصیرتشان هر چیزی به صورت و شکلی جلوه می کند و به همین علّت، خواب نیاز به تعبیر دارد و کار تعبیرکننده آن است که از آن شکل و صورت به حقیقت برسد. مثلاً کسی که در خواب مشاهده می کند در میان فضله افتاده، یا دستش به فضله آلوده شده، معبر می داند که این صورت و شکل دنیا است که در نزد مردم آگاه از فضله و مردار گندیده تر است و می داند که مالی به دست او می آید. یا اگر در خواب ببیند ماری متوجّه او شده، مالی به او رو می کند.

یا اگر دید که در میان آب است، علم و دانش نصیبتش می شود. و این (علم تعبیر خواب) دانش عظیمی است و مخصوص پیامبران و جانشینان آنهاست

۱- میزان الحکمه، ج ۳، باب ۱۲۵۳، ح ۶۰۰۵.

۲- امالی صدوق، ص ۶۱۶.

۳- نهج الفصاحه، ص ۸۴۷.

۴- مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۲۶۰.

۵- اعلام الدّین فی صفات المؤمنین، ص ۸۲.

و معجزه حضرت یوسف علیه السلام محسوب می شد.

البته تحقیق این موضوع نیاز به بحث مبسوط و گسترده ای دارد که اینجا جای آن نیست و ان شاء الله در کتاب های دیگر که در نظر دارم - اگر خداوند بخواهد - به طور کامل بیان خواهد شد. (۱)

## آداب بیداری و مذمت پر خوابی

### عواقب پر خوابی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند سه چیز را دشمن می دارد: خوابیدن بی آنکه نیاز به خواب داشته باشد، خندیدن بدون تعجب، خوردن در حال سیری». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «نخستین معصیتی که انجام شد به شش چیز بود: محبت دنیا، محبت ریاست، محبت طعام، محبت زنان، محبت خواب، محبت راحتی (راحت طلبی)». (۳)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مادر حضرت سلیمان به او می گفت: مبادا زیاد بخوابی که زیاد خوابیدن در شب، آدمی را در قیامت

فقیر می کند». (۴)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مستی چهار نوع است: مستی شراب، مستی مال، مستی خواب، مستی سلطنت». (۵)

۱- علمامه در بحار الأنوار (ج ۶۱ ص ۱۵۱ - ۲۳۴) بحثی را ذیل عنوان «حقیقه الرؤیا و تعبیرها و فضل الرؤیا الصادقه و علته و علّه الکاذبه» مطرح کرده که ۷۵ روایت در آن باب ذکر شده و از صفحه ۱۹۵ - ۳۳۴ به شرح و تفصیل مباحث مربوط به رؤیا پرداخته است.

۲- خصال، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۹.

۳- خصال، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۱۳، ح ۱.

۴- خصال، ج ۱، ص ۷۷، ح ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۹، ح ۳.

۵- خصال، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۳۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۰، ح ۷.

۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دیدگانت را به خواب عادت نده که هیچ عضوی در بدن کمتر از چشم، شکر خدا نمی کند». (۱)

۶. در روایتی آمده است که چهار چیز اندکش بسیار است: آتش، خواب، دشمنی، بیماری. (۲)

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تعجب می کنم از کسی که ادعای عشق الهی می کند و شب ها تا صبح می خوابد». (۳)

۸. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از شیخون عذاب خدا بترسد، باید کم بخوابد». (۴)

۹. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش با پروردگار از او پرسید: کدام یک از بندگانت را دشمن می داری؟ خطاب آمد: آن کس که شب تا صبح همچون مردار بیفتد و روز را به بطالت به شب برساند». (۵)

۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «شیطان سرمه ای دارد که در چشمان مردم می کشد و لعوقی (۶) دارد که در حلق آنان می ریزد و سعوطی (۷) دارد که در بینی

انسان ها می چکاند؛ سرمه شیطان خواب و کسالت، لعوقش دروغ و سعوطش تکبر و غرور است». (۸)

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۵، ح ۱۴۹.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۹، ح ۲.

۳- امالی صدوق، ص ۳۵۶، ح ۱.

۴- امالی صدوق، ص ۳۹۴.

۵- قصص الأنبياء راوندی، ص ۱۶۳، ح ۱۸۵.

۶- «لعوق» لیسیدن. داروی لیسیدن. هر چیز آبدار با قوام، مثل حلواهای رقیق که با انگشت یا قاشق کم (آن را) بلیسند (فرهنگ متوسط دهخدا).

۷- «سعوط» دارویی که در بینی می چکانند (فرهنگ متوسط دهخدا).

۸- معانی الأخبار، ص ۱۳۹.

۱۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند مخالف پر خوابی و بیکاری زیاد است و فرمود: خواب بسیار، دنیا و آخرت انسان را تباه می کند.» (۱)

### بیداری های مذموم

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سخن گفتن و مصاحبت داشتن پس از نماز عشا، مکروه است.» (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «شب زنده داری خوب نیست، مگر برای سه چیز: قرائت قرآن، طلب علم، بردن عروس به خانه شوهر.» (۳)

۳. بیداری بسیار (وافراطی) نیز مذموم و ناپسند است و در غیر شب هایی که روایاتی در خصوص احیای آن وارد شده، تمام شب را بیدار بودن کراهت دارد. از این رو، در روایتی آمده است: دیدگان بر انسان حقی دارند که بسیار بیدار بودن، حق آنها را ضایع می کند. (۴)

### کسانی که خواب ندارند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج نفر به خواب نمی روند: کسی که قصد کشتن شخصی را داشته باشد، کسی که دارای مال بسیار است و امینی ندارد که بر او اعتماد کند، کسی که برای به دست آوردن حیثیت اجتماعی در میان مردم دروغ و بهتان فراوان گفته باشد، کسی که مال بسیاری از او طلب

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۸۷.

۲- خصال، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۸، ح ۲.

۳- خصال، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۸، ح ۳.

۴- فتوحات مکینه، ج ۲، ص ۲۲. شبیه این حدیث در کافی، ج ۵، ص ۱۲۷، ح ۶ و ۷ و تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۲۲، ح ۱۸۰ نیز آمده است.

کنند و پولی نداشته باشد، کسی که محبوبش را دوست دارد و می ترسد از او جدا شود». (۱)

پدرم (محمد تقی مجلسی رحمه الله) می گفت: ممکن است منظور از روایت این باشد که همان گونه که گروه های پنجگانه بالا به خاطر اهداف باطل بی ارزش، خواب را بر چشمان خود حرام کرده اند، گروهی که اهداف صحیح و مشروع بزرگی دارند سزاوار نیست به خواب (غفلت) فرو روند. مثلاً کسی که دشمن خطرناکی چون نفس امّاره دارد که در حال نبرد با اوست و کمر به نابودی او بسته و کسی که انواع سرمایه های معنوی طاعت و عبادت را دارد و سارق زبردستی چون شیطان در کمین سرقت دارایی معنوی وی و درصدد ممانعت از تحصیل سرمایه بیشتر طاعت و عبادت است و کسی که کلمات و جملات حقی - همچون (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) - را مکرر به زبان می آورد و می خواهد آنها را در عمل به کار بندد و به کمالات غیر متناهی دست یابد و کسی که از او عبادات و طاعات فراوان می خواهند و توشه ای برنگرفته و کسی که مأموریت دارد به خداوند و خلق خداوند عشق بورزد، چگونه از این امور غافل می شود و در خواب (غفلت) فرو می رود؟! (۲)

### رو به آفتاب خوابیدن و نشستن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام نشستن در آفتاب، پشت به آفتاب کنید که رو به آفتاب نشستن دردهای پنهانی را آشکار می کند». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «رو به آفتاب نکنید که موجب هیجان بخار (در

۱- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۹، ح ۴ و ج ۷۰، ص ۱۵، ح ۵؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵.

۲- روضه المتّقین، ج ۲، ص ۷۳۷.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۶.

درون جسم انسان) است، صورت را متغیر، لباس را کهنه، دردهای اندرونی را آشکار می کند». (۱)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «آفتاب چهار پی امد دارد: رنگ را تغییر می دهد، انسان را بدبو می کند، لباس را کهنه می کند، باعث درد می شود». (۲)

## آداب حاجتگاه رفتن

### آداب تخلیه

۱. هنگام ورود به حاجتگاه، سرش را بپوشاند (۳) و بسم الله بگوید (۴)، سپس این

دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخَبَّثِ، الرَّجْسِ النَّجَسِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (۵) همچنین بگوید:  
بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، رَبِّ

أَخْرِجْ عَنِّي الْأَذَى سَرَحًا بِغَيْرِ حِسَابٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، فِيمَا تَصَرَّفُهُ عَنِّي مِنَ الْأَذَى، أَوْ الْغَمِّ الَّذِي لَوْ حَبَسْتَهُ عَنِّي هَلَكْتُ لَكَ الْحَمْدُ إِعْصَمْنِي مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَخْرِجْنِي مِنْهَا سَالِمًا وَحُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (۶)

وینابر نظر مشهور، پای چپ را مقدم بدارد و چون عورتش کشف شد

۱- خصال، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۱.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۱.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۲.

۵- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا، بار خدایا به تو پناه می برم از بدسرشتِ بدپرورشِ پلیدِ ناپاک، شیطانِ مطرود». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۱.

۶- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او. و معبودی جز الله نیست. پروردگارا، (عوامل) اذیت و آزار را از من خارج کن؛ خارج کردنی بدون حساب. و مرا از سپاسگزاران قرار ده در آنچه که از آزار از من دور کردی، یا از اندوهی که اگر آن را باز نمی داشتی هلاک می شدم، حمد و سپاس از آن تو است، از شرّ این مکان مرا پناه ده مرا از آن با سلامت بیرون بر و میان من و پیروی از شیطانِ مطرود فاصله انداز». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۷.

بسم الله بگویند تا شیطان چشم بر هم نهد و نظرش بر عورت او نیفتد. (۱)

و هنگامی که در حاجتگاه نشست بگوید: اَللّٰهُمَّ اَذِهْبْ عَنِّي الْقَذَى وَالْاَذَى وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ. (۲)

و جمعی معتقدند که تکیه دادن بر پای چپ و پای راست را گشاده گذاردن سنت است (ولی مستند آن یافت نشد). و اگر ادرار یا مدفوع به دشواری بیرون آید (و برخی معتقدند در هر حال)، این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ كَمَا اطْعَمْتَنِيهِ طَيِّبًا فِي عَافِيهِ، فَاخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي عَافِيهِ. (۳)

۲. در حدیث آمده است که شایسته است انسان به هنگام تخلی این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِي الْحَرَامَ. (۴)

و هنگامی که نگاهش به آب استنجا (که می خواهد خود را با آن تطهیر کند) افتاد بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا. (۵)

و هنگامی که خواست خود را تطهیر کند بگوید: اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ وَوَفِّقْنِي لِمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ. (۶)

و هنگامی که برخاست، دست بر شکمش بمالد و بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَتَّأَنِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبُلُوْى. (۷)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۴.

۲- ترجمه: «بار خدایا، آلودگی و کثافت را از من دور کن و مرا از پاکیزگان قرار ده». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۵.

۳- ترجمه: «بار خدایا، همچنان که پاک و با تندرستی به من خوراندی، پس آنچه را که ناپاک است با تندرستی از من خارج کن». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۵.

۴- ترجمه: «بار خدایا، رزق حلال روزی ام کن و از حرام مرا دور نگهدار».

۵- ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که آب را پاک و پاک کننده قرار داد و آن را نجس و ناپاک ساخت».

۶- ترجمه: «بار خدایا، شهواتم را کنترل کن و عورتم را بپوشان و آتش را بر من حرام کن و مرا بر آنچه که به توندیک می کند موفق گردان، ای صاحب جلالت و بخشش».

۷- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که خوراک و نوشیدنی مرا گوارا ساخت و مرا از مصیبتورنج عافیت بخشید».



وزمانی که می خواهد بیرون آید پای راست را مقدّم بدارد (بنابر مشهور) و دست بر شکمش بمالد و بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ وَابْتَقَى فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ وَأَخْرَجَ عَنِّي آذَاهُ، يَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا. (۱)

و در برخی کتاب های حدیث، جمله «یا لَهَا نِعْمَةٌ» سه مرتبه تکرار شده است. (۲)

و مستحبّ است که با آب سرد استنجا کند، که بواسیر را برطرف می کند. (۳)

### مکروهات استنجا (تطهیر)

۱. زیاد نشستن در حاجتگاه کراهت دارد. از جناب لقمان نقل شده است که دستور داد در حاجتگاه بنویسند: بسیار نشستن در حاجتگاه باعث بواسیر می شود. (۴)

۲. تطهیر کردن با دست راست مطلقاً کراهت دارد. (۵)

۳. استنجا کردن با دست چپ در صورتی مکروه است که انگشتی در دست باشد که در آن اسم خدا باشد. (۶) و علما، اسامی انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام را نیز به

آن ملحق کرده اند.

۴. به هنگام حاجتگاه رفتن، همراه داشتن انگشتی که در آن نام خدا (۷)

۱- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که لذّت غذایش را به من چشاند و نیروی آن را در بدنم باقی گذاشت و آلودگی آن را از من بیرون کرد، چه بسیار نعمت هایی (وجود دارد) که (حتّی) انسان های قدرتمند قدر آن را نمی شناسند».

۲- مصباح المتّهجد، ص ۷.

۳- تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۰۵۶.

۴- تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۴۱؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۸۲.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۶، باب ۱۲.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۳.

۷- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۱.

وپیامبران وائمه علیهم السلام باشد کراهت دارد.

۵. نیز همراه داشتن قرآن (۱) و تعویذ و دعا کراهت دارد.

۶. و مکروه است مسواک زدن در حاجتگاه، که باعث بوی بد دهان می شود. (۲)

۷. و مکروه است سخن گفتن در حال استنجا (۳)، مگر گفتن ذکر خدا (۴)

و دعاهای خاص و آیه الکرسی و حمد و سپاس الهی (۵) و تکرار آنچه را که

مؤذن می گوید. (۶)

در حدیث است که حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش با خداوند گفت: «حالاتی بر من می گذرد که تو را بزرگ تر از آن می دانم که در آن حال تو را یاد کنم. خداوند فرمود: ای موسی، در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکو است». (۷)

و جواب سلام دادن حتی در آن حال واجب است. (۸) و اگر اسم حضرت

رسول صلی الله علیه و آله را بشنود مستحب است صلوات بفرستد. (۹) (و جمعی آن را - در همه

جا - واجب می دانند). (۱۰) و اگر عطسه کند، حمد خدا گوید. (۱۱) و صلوات بفرستد. (۱۲)

و چنانچه با کسی کاری داشته باشد و بترسد که تا بیرون آمدن، وقت آن فوت

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۱۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۱ و ۲.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۷.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۱ و ۲ و ۳.

۷- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۸؛ عدّه الدّاعی، ص ۲۳۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۵.

۸- مفتاح الکرامه، ج ۱، ص ۵۵.

۹- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۷، باب ۱۴۲.

۱۰- عروه الوثقی، ج ۱، کتاب الصلاه، فصل ۳۷، ص ۵۹۹.

١١- وسائل الشيعة، ج ١، ص ٢٢١، ح ٩.

١٢- وسائل الشيعة، ج ٤، ص ١٢٢١، ح ١٢.

شود می تواند با اشاره ودست زدن شخص را متوجه کند و اگر ممکن نباشد می تواند سخن بگوید. (۱)

و نقل شده است که هر کس در حاجتگاه سخن بگوید حاجتش برآورده نمی شود. (۲)

۸ و ۹. و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال ادرار و مدفوع کردن. (۳)

۱۰. و مکروه است همراه داشتن نقره سکه دار، مگر اینکه در کیسه ای باشد. (۴)

(زیرا ممکن است بر آن اسامی مقدّس حک شده باشد و در دستشویی بیفتد).

## حاجتگاه و آداب آن

### اشاره

(مقدمه:) پوشاندن عورت (محلّ خروج ادرار و مدفوع و کمی اطراف آن) از ناظر محترم واجب است. (۵) ولی از همسر و اطفالی که به حدّ تمیز نرسیده اند و همچنین غیر انسان ها واجب نیست. و مستحبّ است که در حال تخلّی، تمام بدن خود را بپوشاند یا به صورتی از محلّ دید ناظر محترم خارج شود. و اگر در صحرا و بیابان است به قدری دور شود که کسی بدنش را نبیند. (۶) و بیشتر علما معتقدند که در حال ادرار و مدفوع کردن، رو به قبله و پشت به قبله بودن حرام است؛ چه در صحرا و بیابان باشد و چه در ساختمان. (۷)

۱- جواهر الکلام، ج ۲، ص ۷۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۲.

۳- جواهر الکلام، ج ۲، ص ۷۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۱ و ۲.

۴- تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۵۳، باب ۱۵، ح ۱۰۴۶.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۲.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۱ و ۲.

۷- جواهر الکلام، ج ۲، ص ۸.

## مستحبات تَخْلِي

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سهواً و بر اثر فراموشی رو به قبله ادرار کند، سپس به یاد آورد و برای تعظیم و تکریم قبله به سمت دیگری بنشیند، قبل از برخاستن از آن حالت، خداوند او را می آمرزد». (۱)

۲. مستحب است هنگام تَخْلِي رو به مشرق یا مغرب کند (۲) و احتیاط آن است

که از ما بین مشرق و مغرب اجتناب کند. و احتیاط آن است که اگر قبله را نداند، برای شناخت جهت قبله بکوشد تا مطمئن شود رو به قبله یا پشت به آن نیست. (۳)

و اگر مجبور شد اشکالی ندارد و در این صورت بهتر است پشت به قبله بنشیند. (۴)

۳. (در مواردی که در بیابان به حاجتگاه دسترسی ندارد) مستحب است هنگام تَخْلِي بر جای بلند یا مکانی که خاک بسیار داشته باشد برود، تا مطمئن شود چیزی به وی ترشح نمی کند. از این رو، در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از همه کس بیشتر از ادرار اجتناب می کرد، به گونه ای که هنگام

بول کردن (در صحرا و بیابان) به جای بلند یا زمین نرم می رفت تا مبادا بول ترشح کند. (۵)

و در احادیث فراوانی آمده است که بیشتر عذاب قبر از بی مبالاتی هنگام ادرار کردن و اخلاق بد است. (۶)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸، ح ۴۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۵.

۳- جواهر الکلام، ح ۲، ص ۱۲.

۴- جواهر الکلام، ح ۲، ص ۱۲.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۲.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶، ح ۳۶.

## مکروهات تخلی

۱. ادرار کردن در آب کراهت دارد و چنانچه آب روان نباشد کراهت آن بیشتر است. و در روایات آمده که بول کردن در آب راکد باعث تسلط شیاطین و جتیان می شود و دیوانگی و فراموشی می آورد. (۱)
۲. ایستاده ادرار کردن و نیز در حال ایستاده مدفوع کردن کراهت دارد.
- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ایستاده ادرار کند بیم آن می رود که دیوانه شود». (۲)
۳. از جای بسیار بلند ادرار کردن. (۳)
۴. ادرار کردن در سوراخ جانوران. (۴)
۵. ادرار کردن و مدفوع کردن در مجرای آب، هر چند آب نداشته باشد. (۵)
۶. در راه ها و محل عبور و مرور مردم. (۶)
۷. کنار آب ها. (۷)
۸. در کنار مساجد. (۸)
۹. در خانه ها (خارج از دستشویی). (۹)
۱۰. در جایی که مردم به خاطر این کار دشنام دهند و نفرین کنند. (۱۰)

- ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶، ذیل حدیث ۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۴ و ۵.
- ۲- تهذیب، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۴۴.
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۴۸، باب ۳۳، ح ۱.
- ۴- السنن الکبری، ج ۱، ص ۹۹.
- ۵- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۲.
- ۶- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۱.
- ۷- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۳.
- ۸- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۲.
- ۹- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۱.
- ۱۰- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۱.

۱۱. زیر درختان میوه هنگامی که میوه دارد؛ زیرا ملائکه در آن هنگام با آن درختان هستند (۱) و میوه ها را از ضرر جانوران حفظ می کنند. وعده ای معتقدند که

در غیر زمان میوه داشتن هم مکروه است. (۲)

۱۲. در محلّ استقرار مسافران. (۳)

۱۳. جایی که باعث اذیت مردم شود، هر چند به سبب بوی آن باشد.

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال چند گروه را نفرین کرده است: کسی که در محلّ استراحت مسافران تخلّی کند، کسی که مردم را از آب مباحی که در چاه ها و چشمه هاست و مردم به نوبت از آن استفاده می کنند ممنوع سازد، یا در روز و شبی که نوبت اوست مانع استفاده صاحب آب شود، کسی که راه عبور و مرور مردم را به شکلی مسدود سازد». (۴)

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۸.

۲- جواهر الکلام، ج ۲، ص ۶۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۲.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۶، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸، ح ۴۵.

## فصل نهم: آداب حجامت و تنقیه، داروها و بیماری ها

### اشاره

۱. ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن
۲. آداب حجامت
۳. سفارشات طبّی ائمه علیهم السلام و حکم رجوع به اطبّا
۴. معالجه انواع تب و تعویذها
۵. دعاهای جامع همه دردها و داروهای ترکیبی
۶. معالجه انواع بیماری های سر
۷. درمان بیماری های چشم و گوش و دندان
۸. معالجه برخی از بیماری های پوستی
۹. معالجه بیماری های داخلی
۱۰. معالجه درد مفاصل، بواسیر، بیماری های مثانه و دیگر امراض
۱۱. دعا برای چاره جویی سحر و زهر گزندگان و دیگر بلاها
۱۲. فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواصّ برخی داروها





## ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن

### پاداش بیماری

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر به سوی آسمان کرد و تبسم نمود. اصحاب از علت آن پرسیدند. حضرت فرمود: تعجب کردم از دو فرشته ای که به زمین فرود آمدند، بنده مؤمن صالحی را در مکان نمازش نیافتند، به آسمان رفتند و گفتند: پروردگارا، فلان بنده تو را در محل خواندن نمازش نیافتیم، او در بند بیماری است. خداوند فرمود: برای این بنده تا زمانی که بیمار است مثل آنچه را که در حال سلامت از کارهای خیر در شب و روز انجام می داد بنویسد». (۱)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که ضعف پیری بر مؤمن غلبه کند، خداوند متعال دستور می دهد که آنچه را در حال جوانی و نشاط انجام می داده است اکنون نیز برایش بنویسند. همچنین فرشته ای را مأمور می کند که کارهای خیری را که مؤمن بیمار در حال سلامتی انجام می داده است به هنگام بیماری نیز برایش بنویسند. و کارهای بدی را که کافر در حال سلامتی به جا آورده است، در حال مرض نیز برایش منظور دارند». (۲)

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۱۳، ح ۱.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۱۳، ح ۲.

۳. در حدیث است که: «خداوند متعال به فرشته سمت چپ دستور می دهد در ایام بیماری، گناهی برای مؤمن بیمار ننویسد».

(۱)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب بیداری به خاطر بیماری و درد، بهتر از یک سال عبادت

است». (۲)

۵. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس یک شب بیماری را تحمّل کند و از

تحمّل درد ورنج هایش به کسی خبر ندهد و چون صبح شود خدا را شکر کند، خداوند به فضل و کرمش ثواب عبادت شصت

سال را به او می دهد». (۳)

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بدنی که مبتلا به بیماری نشود طغیان می کند و در چنین بدنی خیری

نیست». (۴)

۷. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیماری، گناهان مؤمن را

پاک می کند و رحمت الهی را شامل او می سازد و برای کافران عذاب و نفرین است». (۵)

۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب سردرد هر گناهی را برطرف می کند، مگر گناهان

کبیره». (۶)

۹. در روایتی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال می فرماید: هر کس سه شب بیماری

را تحمّل کند و به هیچ کس از عیادت کنندگانش شکایت نکند، گوشت و خون (بدن بیمارش) را به گوشت

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۷.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۸.

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۹، از امام صادق علیه السلام.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۸.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۴۱۵.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۴۱۴.

و خونی بهتر تبدیل می‌کنم. و اگر او را شفا دهم از گناهان پاکش می‌کنم و اگر بمیرانم وی را به سوی رحمت خود می‌برم». [\(۱\)](#)

۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «منظور از شکایت این نیست که بگویند دیشب نتوانستم بخوابم، بلکه منظور این است که بگویند به بلایی مبتلا شدم که هیچ کس به آن مبتلا نشده. آنچه به من رسیده به هیچ کس نرسیده. و مثل این سخنان». [\(۲\)](#)

## تب

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «تب فرستاده مرگ و زندان خدا در زمین و بهره مؤمن از جهنم است. و گرمی تب از جهنم است». [\(۳\)](#)

۲. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب درد نیکویی است که به هر عضوی بهره ای از بلا می‌رساند. و خیری نیست در کسی که به (هیچ) بلا (و مشکلی) مبتلا نشود». [\(۴\)](#)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند هر بنده ای را دوست داشته باشد یکی از سه تحفه را برایش می‌فرستد: تب، درد چشم، سردرد». [\(۵\)](#)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب تب کردن برابر با

یک سال عبادت و دو شب برابر با دو سال و سه شب برابر با هفتاد سال عبادت است». [\(۶\)](#)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۴۱۵.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۱۵.

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۷.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۷.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۸.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۸.

۵. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «یک شب تب کردن کفار گناهان گذشته و آینده است». (۱)

۶. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مؤمن تب کند گناهانش مانند برگ درختان می ریزد. و اگر بستری شود ناله اش ثواب «سبحان الله» و فریادش ثواب «لا إله إلا الله» دارد. و هنگامی که از پهلویی به پهلوی دیگر می شود، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر می زند». (۲)

(توجه به این روایات انسان را از ناشکیبایی به هنگام مبتلا شدن به این گونه بیماری ها که جنبه عمومی دارد، بازمی دارد. در ضمن مفهوم این روایات این نیست که انسان به سراغ بیماری ها برود یا از بهداشت و پیشگیری خودداری کند که برخلاف نصّ روایات است، بلکه مفهوم آن دلداری و تسلی خاطر، و دادن روحیه به بیماران است که تسریع در بهبودی آنها خواهد بود).

### فلسفه بلاها

۱. در روایات معتبر می خوانیم که بلای پیامبران: از همه شدیدتر است، پس از آنها اوصیا و جانشینان پیامبران و در مرتبه سوم هر کس نیکوتر و فاضل تر است بلایش بزرگ تر است. به مؤمن مطابق ایمان و اعمال نیک او بلا می رسد؛ بنابراین، هر کس ایمانش صحیح تر و عملش نیکوتر باشد بلایش بیشتر و هر کس ایمانش ضعیف تر و عمل نیک وی کمتر باشد، بلایش کمتر است. (۳)

۲. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ثواب عظیم به همراه بلای عظیم است. خداوند هیچ گروهی را دوست نمی دارد، مگر آنکه آنها

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۱۵، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۸.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۷.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۲.

را مبتلا به مشکلاتی می گرداند». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بندگان خالصی دارد که هر تحفه آسمانی را از آنها بازمی دارد و هیچ بلایی نمی فرستد، مگر آنکه از دیگران به سوی آنها هدایت می کند». (۲)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون خداوند بنده ای را دوست بدارد او را غرق در بلا می کند، پس اگر خدا را برای دور کردن بلا بخواند در پاسخش می گوید: لَبَّيْكَ ای بنده من، اگر خواست تو را زود به جا آورم قادر بر آن هستم و اگر ثوابش را برای روز قیامت ذخیره کنم، موهبت بیشتری به تو داده ام». (۳)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهل شب بر مؤمن نمی گذرد مگر اینکه حادثه ای برایش رخ می دهد که اندوهگین شده و به سبب آن هوشیار و آگاه می شود». (۴)

۶. در روایتی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «درجه و منزلتی در بهشت وجود دارد که هیچ کس به آن نمی رسد، مگر آن کس که بلایی به بدنش رسیده باشد». (۵)

۷. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال مؤمنان را با تحفه بلا یاد می کند، همانند کسی که از سفر برای خانواده اش هدیه می آورد. و او را از (لذات) دنیا پرهیز می دهد همان گونه که طیب، بیمارش را از چیزهای مضر پرهیز می دهد». (۶)

۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی حضرت

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۳؛ وص ۲۵۳، ح ۸ و ۱۰.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۵.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۷.

۴- کافی، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۱.

۵- کافی، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۴.

۶- کافی، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۷.

رسول صلی الله علیه و آله را به خانه اش دعوت کرد. چون حضرت وارد منزل او شد دید مرغی بر روی دیوار تخم کرده و تخمش از بالای دیوار افتاد و بر روی میخی که در میانه دیوار نصب شده بود قرار گرفت و نشکست. حضرت تعجب کرد. صاحب خانه گفت: از این تعجب می فرمایید؟ قسم به خدایی که تو را به راستی به سوی مردم فرستاد، هرگز بلا و حادثه ای به من نرسیده است. هنگامی که حضرت این جمله را شنید برخاست و فرمود: هر کس بلایی به او نرسد امید خیری در او نیست. سپس بی آنکه غذا بخورد آنجا را ترک کرد». (۱)

۹. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند مؤمن را به هر بلایی گرفتار و به هر مرگی می میراند، اما عقلش را نمی گیرد. مگر نمی بینی که شیطان بر مال و فرزندان و خانواده حضرت ایوب علیه السلام مسلط شد، ولی بر عقل آن حضرت تسلط نیافت؛ عقلی که خدا را به یگانگی می شناسد». (۲)

## آداب حجامت

### اهمیت حجامت

۱. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «دارو و درمان چهار چیز است: حجامت، چکاندن دارو در بینی، حقنه کردن، قی کردن». (۳)
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر بیماری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بروز می کرد به حجامت پناه می برد». (۴)
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و حجامت را به ارمغان آورد». (۵)

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۲۰.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۲۲؛ ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۱۰.

۳- خصال، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۸، ح ۱.

۴- طبّ الأئمّه، ص ۵۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۲. در مصدر «خلال» نیز آمده است.

## زمان مناسب برای حجامت

۱. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بعد از نماز عصر حجامت می کردند. (۱)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت را در آخر روز به جا آورید». (۲)
۳. در روایتی آمده است: بسیار اتفاق می افتاد که حضرت رضا علیه السلام در اثنای شب احساس می کرد که خون اضافه دارد، همان زمان حجامت می کرد. (۳)
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهتر است در ماه رمضان در شب حجامت کنند». (۴)
۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد حجامت کند، روز شنبه حجامت کند». (۵)
۶. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام بر گروهی که حجامت می کردند عبور کرد فرمود: «چه می شد اگر این کار را تا عصر روز یکشنبه به تأخیر می انداختید که درد را بیشتر از بدن می کشد». (۶)
۷. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت کردن در روز یکشنبه، دوی هر دردی است». (۷)
۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت ما در روز یکشنبه و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است». (۸)

- ۱- خصال، ج ۲، ص ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۶.
- ۲- مکارم الأخلاق، ص ۷۵.
- ۳- مکارم الأخلاق، ص ۷۳.
- ۴- مکارم الأخلاق، ص ۷۳.
- ۵- مکارم الأخلاق، ص ۷۴.
- ۶- خصال، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۸، ح ۲.
- ۷- مکارم الأخلاق، ص ۷۴.
- ۸- مکارم الأخلاق، ص ۷۳.



۹. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله عصر روز دوشنبه حجامت می کرد و به حجامت کننده به عنوان اجرت، گندم می داد». (۱)
۱۰. نیز در روایتی فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله روز دوشنبه بعد از عصر حجامت می کرد و می فرمود: حجامت در آخر روز دوشنبه، درد را از بدن می کشد». (۲)
۱۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه روز خون گرفتن است». (۳)
۱۲. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند، از همه دردها در آن سال شفا پیدا می کند». (۴)
۱۳. در حدیثی است که کسی مشاهده کرد امام هادی علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت می کند. عرض کرد: اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر کس در روز چهارشنبه حجامت کند و مبتلا به پستی شود، کسی را جز خود ملامت نکند. حضرت فرمود: این روایت جعلی است و نقل کنندگان آن «دروغ می گویند». (۵)
۱۴. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در چهارشنبه آخر ماه برای ردّ بر کسانی که فال بد می زنند حجامت کند، از هر بلایی محفوظ مانده و محلّ حجامتش سبز نشود». (۶)
۱۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در ابتدای روز پنجشنبه آخر ماه حجامت کند، دردها را از بدنش می کشد». (۷)

۱- خصال، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۹، ح ۳.

۲- خصال، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۹، ح ۴ و ۵.

۳- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۸، باب ۳۸۵، ح ۴۴.

۴- خصال، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۰، ح ۷.

۵- خصال، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۰، ح ۷.

۶- خصال، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۵.

۷- خصال، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۱، ح ۱۰.

۱۶. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز پنجشنبه حجامت کنید». (۱)

۱۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در روز پنجشنبه خون در محلّ حجامت جمع می شود و به هنگام ظهر در بدن متفرق می شود؛ بنابراین، پیش از ظهر حجامت کنید». (۲)

۱۸. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت کرد تب برطرف نشد، لذا در روز جمعه حجامت کرد و تب برطرف شد. (۳)

۱۹. در حدیثی می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس در نخستین سه شنبه آذرماه رومی (که مصادف با اوّل بهار است) حجامت کند، باعث صحت بدن او می شود». (۴)

۲۰. و در روایتی دیگر فرمود: «در روز هفتم ماه حزیران رومی که در اوایل تابستان است حجامت کنید، اگر نشد در چهاردهم آن ماه». (۵)

(توضیح اینکه: مفهوم روایات بالا این است که حجامت کردن در هر یک از روزهای هفته، تأثیر خاصی دارد).

### اوقات نامناسب

۱. در روایتی آمده است که هرگاه روز چهارشنبه قمر در عقرب باشد نباید حجامت کرد. (۶)

۱- خصال، ج ۲، ص ۱۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۶، ح ۲۳.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۵، ح ۷۳.

۳- خصال، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۳، ح ۱۴.

۴- طبّ الأئمه، ص ۵۶.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۷۵.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۷۵.

۲. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حجامت کردن در روز چهارشنبه

نهی کرد. (۱)

۳. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام از حجامت کردن در هنگام ظهر روز جمعه نهی کرد. (۲)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در ظهر روز جمعه حجامت کند و بلایی به او برسد، کسی را جز خود ملامت نکند». (۳)

۵. نیز در روایتی فرمود: «حجامت در روز شنبه باعث ضعف می شود». (۴)

توجه: روایاتی که زمان های مناسب و نامناسب حجامت را بیان کرده، هیچ کدام جنبه لزوم و وجوب ندارد بلکه روایاتی که سفارش به حجامت کرده، جنبه استحباب و روایات نهی کننده، جنبه کراهت دارد؛ بنابراین، حجامت در هر زمان و ساعتی از شبانه روز جایز است؛ هر چند ممکن است در برخی روزها یا ساعات بهتر باشد. از این رو، در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «آیه الکرسی را بخوان و در هر روزی که بخواهی حجامت کن». (۵)

و در حدیث دیگری آمده است: کسی امام کاظم علیه السلام را دید که در روز جمعه حجامت می کند. عرض کرد: فدایت شوم روز جمعه حجامت می کنی؟ فرمود: «هر زمان خون اضافه داشتی، خواه شب باشد یا روز، آیه الکرسی را بخوان و حجامت کن». (۶)

و در روایت است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردم حجامت در

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۷۵.

۳- کافی، ج ۸، ص ۱۶۶، ح ۲۲۵.

۴- طب الأئمه، ص ۱۳۶.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۷۶ و ص ۱۳۱، ح ۹۹.

۶- خصال، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۹، ح ۶.

روز شنبه و چهارشنبه را بد می دانند (نظر شما چیست؟) فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: انسان هر زمان با اضافه خون روبه رو شد، باید همان وقت حجامت کند تا منتهی به مرگش نشود». (۱)

نتیجه اینکه تعارضی بین روایات مورد بحث وجود ندارد.

### محلّ حجامت

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قسمت سر و میان هر دو کتف و در پشت گردن، حجامت می کرد. یکی را نافع (سودمند) و دیگری را مغیثه (به فریادرسنده) و سومی را منقذه (خلاص کننده از بلاها) می نامید».

در روایتی دیگر فرمود: «منقذه آن است که از سر بینی به سمت بالا یک وجب کرده، به هر جا که رسید همان جا را حجامت کنید». (۲)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حجامت در گودی پشت سر، موجب غلبه فراموشی است». (۳)

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر به فریاد رسنده و برای هر دردی جز مرگ، مفید است؛ بنابراین، از دو طرف ابرو به سمت پشت سر یک وجب کرده و آنجا را که هر دو انگشت به هم می رسد حجامت کنید». (۴)

۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخست پشت گردن را حجامت می کرد، سپس جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و به وی امر کرد که میان دو کتف را حجامت کند. (۵)

۱- طبّ الأئمّه، ص ۵۶.

۲- معانی الأخبار، ص ۲۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۲، ح ۱۲.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۷۶.

۴- کافی، ج ۸، ص ۱۴۱، ح ۱۶۰.

۵- طبّ الأئمّه، ص ۵۸.

۵. در روایتی آمده است که امام جواد علیه السلام طبیعی طلبید و از وی خواست که رگ کف دستش را بگشاید. (۱)

## آداب حجامت

### آداب قبل از حجامت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا ناشتا حجامت کنید، بلکه اندک چیزی بخورید که خون بیشتری از بدن بیرون آید و قوت بدن بیشتر شود، زیرا هرگاه پس از غذا خوردن حجامت کنید، خون بدن جمع شده و خون فاسد را بیرون می کند و اگر قبل از خوردن غذا حجامت کند، خون سالم بیرون رفته و خون فاسد در بدن می ماند». (۲)

۲. در کتاب فقه الرضا آمده است که هرگاه قصد حجامت کردی چهار زانو نزد حجامت کننده بنشین و این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ وَأَعْلَالٍ وَأَمْرَاضٍ وَأَسْقَامٍ وَأَوْجَاعٍ وَأَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. (۳)

### آداب هنگام حجامت

همان گونه که در حدیثی از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام گذشت، خواندن آیه الکرسی به هنگام حجامت کردن سفارش شده است. (۴)

۲. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «هرگاه حجامت کردی و خون از محلّ

۱- مکارم الأخلاق، ص ۷۶.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۷۳.

۳- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. پناه می برم به خداوند در این حجامتم از چشم زخم و از هر بدیواز بیماری ها و ناراحتی ها و دردها و از تو عافیت و شفای از هر دردی را خواهانم». فقه الرضا، ص ۳۹۴.

۴- فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۹۴؛ خصال، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۵۲.

حجامت خارج شد، قبل از آنکه بر زمین بریزد این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي، مِنْ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ

شَوْءٍ (۱)، زیرا هنگامی که این دعا را بخوانی همه خیرات را جمع کرده ای، چون خداوند متعال در قرآن مجید فرماید: (وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ الشُّوْءُ)». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که حجامت کردی و خون از محل حجامت بیرون آمد، پیش از آنکه حجه (۳) را بریزند بگو: بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ شَوْءٍ»». (۴)

### آداب پس از حجامت

۱. در حدیث است پس از آنکه امام صادق علیه السلام حجامت کرد، سه دانه قند با نبات طلیید و تناول کرد و فرمود: «خونی صاف تولید و حرارت را قطع می کند». (۵)

۲. در حدیث است که زید شحام می گوید خدمت امام صادق علیه السلام بودم که حجام را طلبید و فرمود: «محجمه خود را بشوی و آویزان کن!» سپس اناری تناول فرمود و حجامت کرد. پس از حجامت، انار دیگری تناول کرد و فرمود: «خوردن انار در این وقت، صفرا را فرو می نشاند». (۶)

۱- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. در این حجامت از چشم زخم و هرگونه آثار بد به خداوند کریم پناه می برم». مکارم الأخلاق، ص ۸۲.

۲- ترجمه: «اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم و هیچ بدی (وزیانی) به من نمی رسید». سوره اعراف، آیه ۱۸۸.

۳- «حجمه» ظرفی است که خون را در آن جمع می کنند.

۴- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. در این حجامت از چشم زخم و هرگونه آثار بد به خداوند کریم پناهمی برم». مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۵- طب الأئمه، ص ۵۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۳. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از حجامت با آب سرد غسل می کرد تا حرارت خون فرو نشیند». (۱)

۴. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انار شیرین بعد از حجامت، خون را ساکن و صاف می کند». (۲)

۵. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام از ابوبصیر پرسید: مردم پس از حجامت چه می خورند؟ گفت: برگ کاسنی و سرکه. حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». (۳)

### فواید حجامت

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت، بدن را صحیح و سالم و عقل را تقویت می کند». (۴)

۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اگر در چیزی شفا باشد، در شیشه حجام و خوردن عسل است». (۵)

۳. نیز در حدیثی فرمود: «حجامت، عادت پسندیده ای است که دیده را جلا می دهد و دردها را از میان می برد». (۶)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به نخستین حجه ای که از خون او بریزند نگاه کند، تا حجامت بعدی از درد چشم امان می یابد». (۷)

۱- طبّ الأئمّه، ص ۵۸.

۲- طبّ الأئمّه، ص ۵۹.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۴- خصال، ج ۲، ص ۴۰۰، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۸.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵.

۶- معانی الأخبار، ص ۲۴۷.

۷- طبّ الأئمّه، ص ۵۸.

۵. و در گفتاری فرمود: «حجامت انسان را از سردرد، دندان درد، خوره، دیوانگی و پیسی شفا می بخشد». (۱)
۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر شفای همه دردها جز مرگ است». (۲)
۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر برای بیماری های دیوانگی، خوره، پیسی و دندان درد سودمند است». (۳)
۸. در حدیثی دیگر فرمود: «حجامت سر برای تاریکی چشم و درد سر و جلوگیری از پرخوابی مؤثر است». (۴)
۹. کسی از درد جگر به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت به وی سفارش کرد پایش را فصد کند (رگ بزند). کسی دیگر از خارش بدن شکایت کرد. حضرت فرمود: «سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن، قسمت پشت پا، یا میان کعب و بند پا». (۵)
۱۰. کسی از کچلی به حضرت موسی علیه السلام شکایت کرد، فرمود: «پای راست را فصد کن (رگ بزنی) و به مقدار دو درهم روغن بادام شیرین به روی آب کشک بریز و بخور و ماهی و سرکه نخور». (۶)
۱۱. در حدیث است که کسی از کچلی به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، حضرت سفارش کرد که رگ اکحل (۷) را بگشاید. (۸)

---

۱- خصال، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۷، ح ۸۵.

۲- طبّ الأئمّه، ص ۵۷.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۷۶.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۷۶.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۷۷.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۷۷.

۷- «اکحل» نام رگی است در ذراع که آن را فصد می کنند. در فارسی رگ چهار اندام را گویند (فرهنگ عمید).

۸- مکارم الأخلاق، ص ۷۷.



## سفارش های طبّی ائمه علیهم السلام و حکم رجوع به اطبا

### ضرورت اقدام برای درمان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبری از پیامبران الهی بیمار شد، با خود گفت: مداوا نمی کنم تا همان کس که درد را داده شفا می دهد. خداوند به او وحی کرد: تا معالجه نکنی تو را شفا نمی دهم». (۱)
۲. در حدیث است که به امام صادق علیه السلام عرض شد: شخصی دارو می خورد، گاه او را شفا می دهد و گاه برایش ضرر دارد، اما بیشتر اوقات شفا می دهد. حضرت فرمود: «خداوند دارو را فرستاده و شفا را هم همراه آن می فرستد. و هیچ دردی را خلق نکرده، مگر اینکه دوايي برای آن آفریده است؛ دوا را بخور و به هنگام خوردن، نام پروردگار را ببر». (۲)

### چه کسی شفا می دهد؟

در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت موسی بن عمران علیه السلام از خداوند پرسید: چه کسی درد و بیماری را می دهد؟ خداوند فرمود: من. دوباره پرسید: دوا و شفا از کیست؟ خطاب آمد از من است. پرسید: پس حکیمان و طبیبان با مردم چه می کنند؟ فرمود: باعث آرامش دل مردم (و وسیله درمان) می شوند». (۳)

### مراجعه به طبیب غیر مسلمان

۱. در حدیث است که کسی از امام کاظم علیه السلام پرسید: نیاز به طبیب مسیحی پیدا

۱- مکارم الأخلاق، ص ۳۶۲.

۲- طبّ الأئمه، ص ۶۳.

۳- کافی، ج ۸، ص ۷۴، ح ۵۲.

می‌کنم. برای معالجه نزد او رفته، بر او سلام کرده و برایش دعا می‌کنم چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکالی ندارد (اگر آدم خوبی نباشد) چیزی از سلام و دعای تو عاید او نمی‌شود». (۱)

۲. نیز از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توان به دستوره‌های طبّی طیب یهودی و مسیحی عمل کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد، شفا به دست خداست». (۲)

### زمان مراجعه به طیب

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسلمان زمانی اقدام به معالجه می‌کند که بیماری بر سلامتی اش غلبه پیدا کند». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سلامتی اش بر بیماری غالب باشد و معالجه کند و بر اثر معالجه بمیرد، من از او بیزارم». (۴)

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تا ممکن است برای معالجه نزد اطبا نروید، زیرا رجوع به آنان همانند ساختن یک خانه است که مقدار کم آن منتهی به زیاد می‌شود». (۵)

### مصرف دارو به مقدار ضرورت

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هیچ دوائی نیست مگر اینکه دردی را تحریک می‌کند. و هیچ چیز برای بدن سودمندتر از آن نیست که تا ضرورتی نباشد در بدن تصرف نکنی». (۶)

۱- السرائر، ج ۳، ص ۵۶۹.

۲- طبّ الأئمّه، ص ۶۳.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۰، ح ۲۴.

۴- خصال، ج ۱، ص ۷۶، ح ۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۴، ح ۵.

۵- علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۶۵، ح ۱۷.

۶- کافی، ج ۸، ص ۲۲۸، ح ۴۰۹.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سلامتی اش

بر بیماری غالب باشد وبا این حال دارو مصرف کند، به کشتن خود کمک کرده است.» (۱)

### پرهیز و امساک

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: در منطقه ما اطباء بیماران را به امساک و پرهیز سفارش می کنند. حضرت فرمود: «ما اهل بیت فقط از خرما امساک می کنیم و خود را با سیب و آب سرد معالجه می نمایم». آن شخص پرسید: چرا فقط از خرما؟ حضرت فرمود: «زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی را به هنگام بیماری اش از خرما پرهیز داد.» (۲)

۲. در حدیث است که در مورد مدت پرهیز از حضرت پرسیدند؟ فرمود: «تا ده روز.» (۳)

۳. و در حدیثی صحیح می خوانیم که فرمود: «تا هفت روز و پس از آن سودی ندارد.» (۴)

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «امساک این نیست که هیچ نخوری، بلکه آن است که کمتر بخوری.» (۵)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «راه رفتن باعث بازگشت بیماری و شدت آن می شود (وبه هنگام بیماری باید استراحت کرد).» (۶)

۱- طبّ الأئمة، ص ۶۱.

۲- طبّ الأئمة، ص ۵۹.

۳- معانی الأخبار، ص ۲۳۸، از امام صادق علیه السلام.

۴- طبّ الأئمة، ص ۵۹.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۳۶۲.

۶- کافی، ج ۸، ص ۲۴۲، ح ۴۴۴.

## معالجه با آب، عسل، شیر، باران و مانند آن

۱. در حدیث است که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: دردی دارم که اطبایا برای معالجه آن شراب تجویز کرده اند، آیا می توانم بنوشم؟ حضرت فرمود: «چرا آب درمانی نمی کنی؛ آبی که همه چیز به آن زنده است؟»  
(۱)

عرض کرد: آب با مزاج من سازگار نیست. حضرت فرمود: «چرا از عسل استفاده نمی کنی که شفای دردهای مردم است؟»  
(۲) عرض کرد: به عسل دسترسی ندارم.

حضرت فرمود: «چرا شیر نمی خوری که گوشت و استخوان بدنت از آن رویده است؟» عرض کرد: شیر با طبع من نمی سازد.  
حضرت فرمود: «می خواهی اجازه شراب خواری به تو بدهم! والله هرگز چنین اجازه ای نمی دهم». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی بیمار شد حضرت علی علیه السلام به او فرمود: یک درهم از مهر همسرت را که به او داده ای مطالبه کن و با آن عسل بخر و با آب باران بخور. آن شخص چنین کرد و شفا یافت. از حکمت این دستور پرسیدند. حضرت فرمود: خداوند در مورد مهر زنان فرماید: اگر زنان از مهر خود چیزی با رضایت خاطر به شما بخشیدند گوارای وجودتان، آن را بخورید با عافیت نیک (۴) و در مورد عسل فرموده است: در عسل برای مردم

شفاست (۵) و در مورد آب باران فرماید: آب مبارکی از آسمان فرودستادیم (۶)؛ بنابراین،

در این نسخه، گوارایی و حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شده است». (۷)

۱- منظور آیه ۳۰ سوره انبیاء است.

۲- سوره نحل، آیه ۶۹.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۴۵.

۴- سوره نساء، آیه ۴.

۵- سوره نحل، آیه ۶۹.

۶- سوره ق، آیه ۹.

۷- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۱۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۰۷.

**معالجه با صدقه**

۱. در حدیث است که کسی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: من وده تن از خانواده ام همه بیماریم (چه کنیم؟) حضرت فرمود: «آنها را با صدقه درمان کن که هیچ چیز بیشتر و زودتر از صدقه مؤثر نیست». (۱)
۲. در احادیث به سندهای معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بیماران خود را با پرداخت صدقه معالجه کنید». (۲)
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «صدقه بلاهای قطعی را دور می کند». (۳)
۴. نیز در روایتی فرمود: «صدقه مرگ های بد را از صاحبش برطرف می کند». (۴)

**معالجه با پیشگیری و آمیزش**

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیشتر دردها و بیماری ها بر اثر غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم بسیار است، پس انسان باید قبل از آنکه این عوامل بر او غلبه و هلاکش کند مراقب حال خود باشد». (۵)
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردهایی در بدن خود داشته باشد و حرارت را بر مزاجش غالب یابد، با همسرش آمیزش کند که حرارت را فرو می نشاند». (۶)

- ۱- طَبُّ الْأُمَّةِ، ص ۱۲۳.
- ۲- طَبُّ الْأُمَّةِ، ص ۱۲۳.
- ۳- طَبُّ الْأُمَّةِ، ص ۱۲۳.
- ۴- طَبُّ الْأُمَّةِ، ص ۱۲۳.
- ۵- طَبُّ الْأُمَّةِ، ص ۱۱۰.
- ۶- طَبُّ الْأُمَّةِ، ص ۹۴.

**معالجه با حقنه (اماله)**

معالجه با حقنه (۱) (اماله)

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین نوع معالجه، مداوا کردن با حقنه است که شکم را شستشو داده، و دردهای داخلی را برطرف و بدن را تقویت می کند». (۲)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقنه از جمله داروهای عظیم است و شکم را شستشو می دهد». (۳)
۳. نیز در حدیثی فرمود: «معالجه چهار چیز است: حجامت کردن، دارو مالیدن، قی کردن، حقنه کردن». (۴)

**معالجه با حجامت و حَمَام رفتن**

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طَبَّ عرب در حجامت و حقنه است و آخرین دوی آنان داغ کردن». (۵)
- توجه: روایاتی در مورد اهمّیت و فواید حجامت گذشت و روایاتی خواهد آمد.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین دوی شما حقنه کردن و دارو در بینی چکاندن و حجامت کردن و حَمَام رفتن است». (۶)

**معالجه با چکاندن دارو در بینی و دارو کشیدن**

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه در بینی بچکانید». (۷)

۱- «حُقنه» داروی مایعی است که از راه مقعد وارد روده ها می کنند (فرهنگ عمید).

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۹.

۳- طَبَّ الأئمّه، ص ۵۴.

۴- کافی، ج ۸، ص ۱۶۷، ح ۲۲۶.

۵- طَبَّ الأئمّه، ص ۵۵.

۶- طَبَّ الأئمّه، ص ۵۷.

۷- خصال، ج ۲، ص ۴۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۵، ح ۱۹.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت، نوره کشیدن و دارو در بینی چکاندن از دواى پیامبران است». (۱)

### معالجات مختلف

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «درد سه چیز است و دوا نیز سه چیز: درد ناشی از صفرا، بلغم و خون است. دواى خون، حجامت و دواى صفرا و سودا، مسهل و دواى بلغم، حَمَام است». (۲)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طَبَّ عرب در هفت چیز است: حجامت، حقنه، ریختن دارو در بینی، حَمَام رفتن، قی کردن، خوردن عسل، و آخرین دواى آنها داغ کردن است». (۳)

### چگونگی نماز انسان مبتلا به چشم درد

در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: از چشم زن یا مردی آب می آید. پزشکان گویند که باید چشمش را میل بزینم و سوسنی تا چهل روز بر پشت بخوابد و حرکت نکنند و در آن حال نماز را با اشاره بخواند. نظر شما چیست؟ فرمود: «اشکالی ندارد». (۴)

### دستورهای طبّی نه گانه

در کتاب فقه الرضا علیه السلام دستورهای نه گانه طبّی به این شرح سفارش شده است:

۱- طَبَّ الأئمة، ص ۵۷.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۷۶.

۳- طَبَّ الأئمة، ص ۵۵.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۷۴، ح ۱۵۳.

۱. امساک برترین داروهاست و معده خانه دردها و استفاده از غذاهای خوبی را که عادت داری ترک نکن. (۱)

۲. تا زمانی که بدنت تحمل دارد از مصرف دارو خودداری کن. (۲)

۳. هر زمان گرسنه شدی غذا بخور و هر وقت تشنه شدی آب بنوش و هر گاه نیاز به دستشویی داشتی دستشویی برو و تا ضرورتی نباشد (با همسرت) آمیزش مکن و هر زمان نیاز به خواب داشتی بخواب؛ اگر به این دستورها عمل کنی همواره بدنت سالم خواهد بود. (۳)

۴. خداوند متعال تا زمانی که مقدر کرده بیماری ادامه داشته باشد به دارو اجازه تأثیر نمی دهد. پس از آن، اجازه تأثیر داده و با آن دارو شفا عنایت می کند. مگر اینکه قبل از انقضای آن مدت، دعایی کنی یا صدقه ای بدهی، یا کار خیری انجام دهی که خداوند نیز به دارو اجازه تأثیر می دهد. (۴)

۵. شفای هر دردی در عسل است. هر کس ناشتا یک انگشت عسل بخورد بلغم و سودا را برطرف می کند و چنانچه با کُندر خورده شود، ذهن را صاف می کند. آب سرد حرارت صفرا را فرو می نشاند و غذا را هضم می کند و اخلاط موجود در دهانه معده را ذوب کرده و تب را برطرف می کند. (۵)

۶. اگر چیزی بدن را فربه کند ماساژ دادن و لباس های نرم پوشیدن و حَمَام رفتن و استعمال بوی خوش است. و اگر مرده را ماساژ دادند وزنده شد

بعید نیست. و صدقه دادن بلاهای آسمانی را دور می کند و قضای حتمی را برطرف می سازد. (۶)

۱- فقه الرضا، ص ۳۴۰.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۳۶۲.

۳- فقه الرضا، ص ۳۴۰.

۴- فقه الرضا، ص ۳۴۱.

۵- فقه الرضا، ص ۳۴۶.

۶- فقه الرضا، ص ۳۴۶.



۷. چیزی مانند دعا و صدقه دادن و آب سرد، بیماری را برطرف نمی کند. (۱)

۸. حدّا کثر پرهیز و امساک چهارده روز است. و پرهیز این نیست که چیزی نخوری، بلکه به معنای کمتر خوردن است، زیرا سلامتی و بیماری در بدن انسان در حال درگیری و مبارزه اند. پس هر زمان سلامتی بر بیماری غلبه کند بیمار به غذا اشتها پیدا می کند؛ بنابراین، هر زمان به غذا اشتها داشت غذایش دهید که شاید شفایش در آن طعام باشد. (۲)

۹. شفای هر دردی در قرآن است؛ پس بیماران خود را با صدقه مداوا کنید و از قرآن شفا بطلبید که هر کس را قرآن شفا ندهد هیچ چیزی سبب شفای

او نمی شود. (۳)

## معالجه انواع تب و تعویذها

### روش های مادی درمان تب

#### آب سرد و سیب

۱. در احادیث فراوانی از حضرات معصومین علیهم السلام می خوانیم که فرمایند: ما تب را جز با ریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب، معالجه نمی کنیم. (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب از بوی جهنم است، آن را با آب سرد فرو نشانید». (۵)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هیچ چیز برای از بین بردن تب، سودمندتر از دعا و آب سرد نیست». (۶)

۱- فقه الرضا، ص ۳۴۶.

۲- فقه الرضا، ص ۳۴۶.

۳- فقه الرضا، ص ۳۴۲.

۴- محاسن، ص ۵۵۱، ح ۸۹۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۳.

۵- طب الأئمه، ص ۴۹.

۶- طب الأئمه، ص ۵۰.

۴. در حدیث آمده است که مُفَضَّل گوید: در ایام تابستان خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. آن حضرت تب داشت. دیدم ظرفی پر از سیب سبز نزد حضرت است. عرض کردم: مردم سیب را برای تب مفید نمی دانند. حضرت فرمود: «سیب تب را برطرف می کند و حرارت را فرو می نشاند». (۱)

### قندآب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مقدار ده درهم قند با آب سرد قبل از صبحانه برای از بین بردن تب، نافع و سودمند است». (۲)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام از کسی پرسید: «شما بیمارانتان را با چه دارویی معالجه می کنید؟» عرض کرد: با داروهای تلخ. حضرت فرمود: «هرگاه کسی از شما بیمار شد مقداری قند سفید بکوبید و با آب سرد مخلوط کنید و به بیمار بخورانید، زیرا خداوندی که با داروی تلخ شفا می دهد، قادر است با داروی شیرین هم شفا دهد». (۳)

۳. در حدیث است که ابراهیم جعفی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و از تب ربع (۴) شکایت کردم. حضرت فرمود: «نبات یا قند را بساب و در آب بریز

و ناشتا بخور و هر زمان تشنه شدی از آن استفاده کن». به این دستور عمل کردم و زود شفا یافتم. (۵)

۱- محاسن، ص ۵۵۱، ح ۸۹۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۳.

۲- طَبُّ الْأَثْمَةِ، ص ۵۰.

۳- محاسن، ص ۵۰۱، ح ۶۲۶.

۴- «تب ربع» تبی است که یک روز عارض می شود و دو روز رها می کند، سپس در روز چهارم بازمی گردد.

۵- طَبُّ الْأَثْمَةِ، ص ۵۱.

**آب باران و بنفشه**

۱. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب باران بخورید که بدن را پاک و دردها را برطرف می کند» (۱).

۲. در روایتی دیگر فرمود: «گرمی تب را با بنفشه و آب سرد بشکنید» (۲) و در

تابستان بر بدن بیمار تب دار، آب سرد بریزید» (۳).

**سنجد و کباب**

۱. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به ملاقات حضرت علی علیه السلام که تب داشت رفت و به او فرمود: سنجد بخور» (۴).

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کباب، تب را برطرف می کند» (۵).

**برنج**

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «دو سال یا بیشتر از بیماری شدیدی رنج می بردم، خداوند به من الهام کرد که از برنج استفاده کنم. مقداری برنج شسته، خشک کرده، سپس آن را بر روی آتش تافته، آسیاب کردم، بعد مقداری را به همان صورت و مقداری دیگر را با آب مخلوط و تناول کردم» (۶) (ونتیجه گرفتم).

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۶.

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۷، ح ۱۳ و ص ۴۱۵، ح ۱۹۷.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۷، ح ۱۳.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۴.

۶- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۸، ح ۱۷.

**معالجه تب**

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب در میان اولاد پیامبران، دو برابر دیگران است». (۱)
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «معالجه تب با سه چیز ممکن است: قی (استفراغ غذاهای نامناسب) کردن، عرق کردن، مسهل». (۲)

**معجون و پالوده مخصوص**

۱. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می خوانیم که در مورد چگونگی معالجه تب غبّ کهنه (۳) فرمود: «عسل و سیاهدانه را با هم مخلوط کن و سه انگشت از آن را بخور که این هر دو مبارک است و خداوند در قرآن فرماید: در عسل شفاست (۴) و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: سیاهدانه شفای هر دردی است جز مرگ». (۵)
۲. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین داروها برای تب «ربع» آن است که پالوده ای (۶) با عسل بسازی و زعفران فراوانی در آن بریزی و یک روز در میان از آن بخوری و در آن روز که از آن پالوده می خوری چیز دیگری نخوری». (۷)

**روش های معنوی درمان تب****اشاره**

یادآوری: دعاها و ذکرها و روش های معنوی معالجه دردها و بیماری ها نباید

- ۱- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۹، ح ۱۹.
- ۲- طَبُّ الْأَثْمَةِ، ص ۵۰.
- ۳- «غَبِّ» دیر به دیر ملاقات کردن، یک روز در میان کاری را انجام دادن و «حُمَى الْغَبِّ» تب نوبه، تب هر سه روز یک بار، تب یک روز در میان است (فرهنگ معاصر).
- ۴- سوره نحل، آیه ۶۹.
- ۵- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۰، ح ۲۳.
- ۶- پالوده حلوائی است که از عسل و بادام و نشاسته درست می کردند و با شربت قند می خوردند. (فرهنگ متوسط دهخدا).
- ۷- طَبُّ الْأَثْمَةِ، ص ۵۱.

جایگزین عمل و مراجعه به پزشکان حاذق و متعهد شود؛ بلکه هر دو در عرض هم مورد توجه قرار گیرد.

### آب آیه الکرسی و یاد اهل بیت علیهم السلام

۱. در حدیث است که کسی از تب به امام صادق علیه السلام شکایت کرد که بسیار طولانی شده است. حضرت فرمود: «آیه الکرسی را در ظرفی بنویس و با آب حل کن و بخور». (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یاد ما اهل بیت، شفای تب و همه دردها و وسوسه های شیطان است». (۲)

### هفتاد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه یاالله

۱. در چندین حدیث معتبر آمده است که: «بر هیچ بیمار و صاحب دردی هفتاد مرتبه سوره حمد خوانده نمی شود، مگر آنکه دردش آرام می گیرد». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مبتلا به بیماری شد، هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشد هفتاد مرتبه بخواند، من ضمانت می کنم که برطرف شود». (۴)

۳. در روایتی دیگر آمده است: «یکی از فرزندان حضرت بیمار شد، فرمود: ده مرتبه «یاالله» بگو؛ هیچ مؤمنی آن را نمی گوید مگر آنکه خداوند فرماید: «لئیک، حاجتت را بگو». (۵)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۳۷۰.

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۱۸، ح ۲۲۰.

۳- طبّ الأئمّه، ص ۵۳.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۶۳.

۵- طبّ الأئمّه، ص ۱۲۱.

### اذان واقامه و سوره حمد

۱. در حدیثی می خوانیم که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: یک ماه است که تب می کنم، آنچه اطبا گفته اند به کار بستم اما نتیجه نداشت. حضرت فرمود: «دکمه های پیراهنت را باز و سر را در گریبان پیراهنت کن و اذان واقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان». راوی می گوید: به دستور حضرت عمل کردم، گویا از بندی رها شدم. (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بیمار سر در گریبان خود کند، اذان واقامه بگوید، سپس هر یک از سوره های حمد، (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را سه مرتبه بخواند و پس از آن بگوید: أَعِيذُ نَفْسِي بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَةِ اللَّهِ وَعَظَمَةِ اللَّهِ وَسُلْطَانِ اللَّهِ وَبِجَمَالِ اللَّهِ وَبِجَمْعِ اللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ وَبِعِزَّتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَبِوَلَاةِ أَمْرِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأُخْذَرُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشَيْءٍ فَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ». (۲)

### صدقه و دعاهای مخصوص

۱. در حدیث است که داوود بن زربی می گوید در مدینه مبتلا به بیماری شدیدی شدم. هنگامی که خبر به امام صادق علیه السلام رسید، برای من چنین نسخه نوشت: «سه کیلو گندم بخر و بر پشت بخواب و گندم ها را بر روی سینه ات بگذار

۱- طب الأئمة، ص ۵۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۷۰.

۲- ترجمه: «خود را پناه می دهم به عزت و قدرت و عظمت و سلطنت و جمال و جلال خدا و به رسول خدا صلی الله علیه و آله و عترت او و اولیای خدا (ائمه علیهم السلام) از شر آنچه در بیم و هراسم. و گواهی می دهم که خدا، توانا بر همه چیز است و هیچ قدرتی نیست مگر از خدای علی عظیم و درود خداوند بر محمد و خاندان او. خدایا، بهشفای خود شفا می ده و به داروی خود درمانم کن و از بلای خود عافیتم بخش». مکارم الأخلاق، ص ۴۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۲۴.

وَبِگُو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ اِذَا سَاَلَكَ بِهٖ الْمُنْطَرُّ كَشَفَتْ مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنَتْ لَهٗ فِي الْاَرْضِ وَجَعَلَتْهُ خَلِيْفَتَكَ عَلٰى خَلْقِكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهٖ وَاَنْ تُعَافِيَنِيْ مِنْ عِلَّتِيْ (۱)، سپس بنشین و گندم ها را جمع

کن، دوباره آن دعا را بخوان. بعد گندم ها را چهار قسمت کن و هر قسمت آن را به یک فقیر بده و برای بار سوم آن دعا را بخوان».

داوود می گوید: به دستور حضرت عمل کردم، گویا از بندی رها شدم. و بسیاری از افراد دیگر نیز به آن عمل کردند، شفا گرفتند. (۲)

۲. در روایتی معتبر آمده است که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام بیمار شد. حضرت فرمود: «این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اشْفِنِيْ بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِيْ بِدَوَائِكَ وَعَافِنِيْ مِنْ بَلَائِكَ، فَإِنِّيْ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ». (۳)

۳. در حدیث است که سلمان فارسی رحمه الله می گوید ده روز پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمدم. در راه حضرت علی علیه السلام را ملاقات کردم. فرمود: «به نزد فاطمه علیها السلام برو که تحفه ای از بهشت برایش آمده، می خواهد به تو عطا کند». با عجله خدمت آن حضرت رسیدم، فرمود: «روز گذشته همین جا نشسته بودم، در خانه بسته بود و من غمگین بودم؛ در مورد قطع وحی الهی و نیامدن فرشتگان به سوی ما، فکر می کردم که ناگهان در گشوده شد و سه دختر وارد شدند؛ دخترانی که به آن زیبایی و جمال و طراوت و نزاکت و خوشبویی، هرگز کسی ندیده است. هنگامی که آنان را دیدم برخاستم و پرسیدم: شما از اهالی مدینه هستید؟ گفتند: ای دختر رسول خدا، ما از ساکنان زمین نیستیم،

۱- ترجمه: «بار خدایا، به آن نامی تو را می خوانم که اگر شخص مضطر به آن نام تو را بخواند مشکل او را برطرف خواهی کرد و او را پیروز و مسلط و خلیفه بر خلق خویش خواهی نمود، بر محمد و خاندان او درود فرست و از بیماریم عافیت بخش».

۲- طب الأئمه، ص ۵۳.

۳- ترجمه: «خدایا، به شفای شفا می ده و به دوایت مداوایم کن و از بلایت عافیت بخش، زیرا من بنده تو و فرزند بنده توام». کافی، ج ۲، ص ۵۶۵، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۹۲.

پروردگارت ما را از بهشت جاوید به سوی تو فرستاده است و ما بسیار مشتاق دیدار تو بوده ایم. از یکی از آنها که از همه بزرگ تر بود پرسیدم: نام تو چیست؟ گفت: مقدوده. گفتم: چرا این نام را برای تو انتخاب کرده اند؟ گفت: زیرا برای مقدار بن اسود آفریده شده ام. از دیگری نامش را پرسیدم. گفت: من ذره هستم. گفتم: علت نام تو چیست؟ گفت: زیرا برای ابوذر غفاری خلق شده ام. نام سومین آنها را پرسیدم: گفت: سلمی هستم. گفتم: راز نام تو چیست؟ گفت: زیرا برای سلمان فارسی، آزاد کرده پدرت آفریده شده ام. سپس پرسیدم: برای من چه آورده اید؟ مقداری رطب بیرون آوردند که مانند گرده های نان بزرگ و از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر بود». سلمان گوید: حضرت زهرا علیها السلام یکی از آن رطب ها را به من داد و فرمود: امشب با این رطب افطار کن و فردا هسته آن را برای من بیاور. رطب را گرفته، از خانه آن حضرت خارج شدم و به سوی منزل حرکت کردم. در بین راه به هر یک از اصحاب پیامبر رسیدم می پرسیدند: سلمان، مگر مشک همراه داری (که چنین بوی خوشی از تو به مشام می رسد)؟ می گفتم: آری. به هنگام افطار آن خرما را خوردم، اما هیچ هسته ای نداشت. روز بعد خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم و عرض کردم: آن خرما هسته نداشت. حضرت فرمود: «چگونه چنین خرمایی هسته داشته باشد در حالی که خداوند متعال به سبب دعایی که پدرم به من آموخته و هر صبح و شام آن را می خوانم، آن درخت را در بهشت کاشته است». سلمان گفت: ای سیده من، آن دعا را به من بیاموز. فرمود: «اگر می خواهی در دنیا مشکلات تب را نبینی، بر این دعا مواظبت کن :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ، وَأَنْزَلَ النَّوْرَ عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَاءِ



وَالضَّرَاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ». (۱) سلمان می گوید

این دعا را به بیش از هزار تن از اهالی مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم، همه از تب نجات یافتند. (۲)

### تعویذ تب

۱. در بعضی از کتاب های معتبر آمده است که برای (معالجه) تب این تعویذ را بر بازوی راست بیمار بنویسد: سوره حمد کاملاً نوشته شود، سپس بنویسد:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ الْهَامَّةِ وَالسَّامَةِ وَالْعَامَّةِ وَاللَّامَةِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ). (۳) (یا

نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ \* وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ) (۴) بَرَدًا

وَسَلَامًا عَلَى فَلَانِ ابْنِ فَلَانِهِ (به جای فلان نام بیمار و به جای فلان نام مادر بیمار نوشته شود) (رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِكْرَامًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ

۱- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدای نور، به نام خداوندی که نور ما فوق نور است، به نام خداوندی که تدبیرکننده امور است. به نام خداوندی که نور را از نور آفریده است. حمد و سپاس مخصوص خدایی است که نور را از نور آفرید و نور خود را بر (کوه) طور تابید. در کتابی که نوشته شده، در صفحه ایگسترده، به اندازه ای معین، بر پیامبری عالم و آگاه. حمد و سپاس ویژه خداوندی است که به عزت یاد می شود و به فخر مشهور است و در خوشی ها و تنگدستی ها سپاسگزاری می شود و درود خدا بر آقای ماحمد و خاندان پاک او».

۲- مهج الدعوات، ص ۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۶، ح ۵۹.

۳- سوره ممتحنه، آیه ۴.

۴- سوره انبیاء، آیات ۶۹ و ۷۰.

مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (۱) حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وِلِيًّا وَتَوَكَّلْ

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بُدْنُوبِ عِبَادِهِ حَبِيرًا بَصِيرًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عِبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ) (۲) (إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ

هُمُ الْغَالِبُونَ) (۳) (وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (۴) وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ». (۵)

۱- سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۲- سوره مجادله، آیه ۲۱.

۳- سوره مائده، آیه ۵۶.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

۵- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می کنم). پناه می برم به تمام کلمات کامل خدا که نیکوکاروبدکار از آنها نمی تواند بگذرد. از شر آنچه آفریده و خلق کرده و پدید آورده است و از شر هر گزنده و هر جانور زهردار و هر سوء نیت دار و از شر حوادث روزگار که هنگام شب یا روز فرود آید و از شر فاسقان عربوعجم و از شر فاسقان جن و انس و از شر شیطان و دامش و از شر هر شروری و از شر هر جنبنده ای که زماماختیارش به دست اوست، (امر) پروردگار من بر راه راست است. پروردگار! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و بازگشت همه به سوی تو است. «ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش. آنها می خواستند ابراهیم را با این توطئه نابود کنند، ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم». ای تب، بر فلان کس فرزند فلان کس سرد و سالم باش! «پروردگار، اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن». «پروردگار، تکلیف سنگینبر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی». «پروردگار، آنچه طاقت تحمل آن را نداریم بر ما مقرر مدار؛ و آثار گناه را از ما بشوی؛ و ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان». خداوند مرا بس است، معبودی جز او نیست، او را وکیل خویش برگیر و بر زنده ای که نمی میرد توکل کن و به حمد او تسبیح گوی و کافی است که او به گناهان بنده اش آگاه و بینا باشد و هیچ معبودی جز الله نیست. یکتاست و شریکی برای او نیست. وعده اشراست است و بنده خود را یاری کرد و به تنهایی گروه های مشرک را شکست داد. آنچه را خدا می خواهد انجام خواهد شد. هیچ نیرویی نیست جز برای خدا. «خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم، چرا که خداوند قوی و شکست ناپذیر است»، «به راستی حزب خدا پیروز است»، «و هر کس به (ذیل عنایت) خدا چنگ زند به راهی راست هدایت شده است»، و درود خدا بر محمد و خاندان طاهرنش». مکارمالأخلاق، ص ۴۰۳.

۲. در حدیث است که برای معالجه تب این آیه شریفه را نوشته، بر بدن بیمار تب دار ببندید: (یا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَیْلًا مَّا عَلَی اِبْرَهِیمَ). (۱)

۳. در روایتی دیگر آمده است که این دعا را نوشته، بر بازوی راستش ببندید:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، (وَلَوْ اَنَّ قُرْءَانًا سُوِّرَتْ بِهٖ الْجِبَالُ اَوْ قُطِعَتْ بِهٖ الْاَرْضُ اَوْ کُلِّمَ بِهٖ الْمَوْتٰی بَلِ اللّٰهِ الْاَمْرُ جَمِیْعًا). (۲)

یا شافی یا کافی یا معافی، (وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ) (۳) بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

(نام بیمار و پدرش نوشته شود) بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَنِ اللّٰهِ وَاِلٰی اللّٰهِ وَلَا غَالِبَ اِلَّا اللّٰهُ». (۴)

و برای معالجه تب و سوز این آیات را بنویسند و بر بازوی بیمار ببندند: بِسْمِ اللّٰهِ (مَرَجَ الْبُحْرَيْنِ یَلْتَقِیَانِ \* بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا یَبْغِیَانِ) (۵) (وَجَعَلَ بَیْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا

مَخْجُورًا) (۶) (یا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَیْلًا مَّا عَلَی اِبْرَهِیمَ) (۷)، (اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (۸)،

(وَلَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنَا لِجَبَدِنَا الْمُرْسَلِیْنَ \* اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمُتَصَوِّرُونَ \* وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ). (۹)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۳۷۲.

۲- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. اگر با قرآن، کوه ها به حرکت درآیند، یا زمین ها قطعه قطعه شوند، یا با آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد). ولی همه کارها در اختیار خداست». سوره هرعده، آیه ۳۱.

۳- سوره اسراء، آیه ۱۰۵.

۴- ترجمه: «ای شفا دهنده، ای کفایت کننده، ای تندرستی بخش. و قرآن را به حق نازل کرده ایم و به حق نازل شد. به نام فلانی فرزند فلانی (این دعا را می نویسم) به نام خدا و به ذات پاک (خدا) شروع می کنم. و از خدا و به سوی خدا (باز می گردم) و هیچ غلبه کننده ای جز خداوند نیست». مکارم الأخلاق، ص ۳۷۱.

۵- ترجمه: «به نام خدا، خداوند دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد در حالیکه با هم تماس دارند، در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند و به هم نمی آمیزند». سوره رحمن، آیات ۱۹ و ۲۰.

۶- ترجمه: «و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می گوید): دور باشونزدیک نیا». سوره فرقان، آیه ۵۳.

۷- ترجمه: «ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش». سوره انبیاء، آیه ۶۹.

۸- ترجمه: «حزب و جمعیت خدا پیروز است». سوره مائده، آیه ۵۶.

۹- ترجمه: «و وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده، که آنان یاری شدگانند و لشکر ما پیروزند». سوره صافات، آیات ۱۷۱ - ۱۷۳.

## نشانه های فشار خون

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «علامت های فشار خون چهار چیز است: اول خارش بدن، دوم جوش های پوستی، سوم خواب آلودگی، چهارم سرگیجه». (۱)

## دعای عیادت از بیمار

در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که به عیادت بیمار می روید، این جمله را هفت مرتبه بخوانید: اُعِيذُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَقَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ». (۲)

## دعاهای جامع همه دردها و داروهای ترکیبی

### دعاهای جامع، یا دعادرمانی

۱. از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردی در بدنش احساس کند این دعا را بخواند تا دردی به سراغش نیاید: اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ، اُعِيذُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ، اُعِيذُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يُضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، اُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَهٌ وَشِفَاءٌ». (۳)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردی در خود احساس کند بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ». (۴)

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱۰۲؛ بحارالأنوار، ج ۶۲، ص ۹۷، ح ۱۲.

۲- ترجمه: «به خداوند بزرگ، پروردگار عرش بزرگ تو را پناه می دهم، از شرّ رگ بیماری زا و از شرّ آتشسوزان». کافی، ج ۲، ص ۵۶۶، ح ۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۹۲.

۳- ترجمه: «پناه می برم به عزّت و قدرت خداوند بر همه اشیاء، پناه می دهم خود را به حاکم بر آسمان، پناهی دهم خود را به کسی که با نامش درد ضرر نمی رساند. پناه می دهم خود را به کسی که نامش برکتوشفاست». طبّ الأئمه، ص ۱۷.

۴- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می کنم). درود خدا بر پیامبر خدا و اهل بیتش باد، پناه می برم به عزّت و قدرت خدا بر آنچه اراده می کند از شرّ آنچه می یابم». کافی، ج ۲، ص ۵۶۷؛ طبّ الأئمه، ص ۴۰.

۳. در حدیث است که کسی خدمت امام باقر علیه السلام آمد و از بیماری بسیار و پریشانی خاطر شکایت کرد. حضرت خواندن این دعای را به وی سفارش فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا». (۱)

۴. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر دردی که داشته باشی دست را بر محلّ درد بگذار و سه مرتبه بگو: اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ، فَفَرِّجْهَا عَنِّي». (۲)

۵. نیز در حدیثی معتبر فرمود: «پس از گفتن بِسْمِ اللَّهِ، دست بر محلّ درد بمال و هفت مرتبه بگو: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرِسْوَلِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخِذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي». (۳)

۶. در روایتی دیگر فرمود: «دست را بر محلّ درد بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ (۴) و سه مرتبه دست بر موضع درد بکش». (۵)

۱- ترجمه: «هیچ توان و نیرویی جز بر خداوند و الامر تبه و بزرگ نیست. بر خداوند زنده ای که هرگز نمی میرد توکل می کنم. و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که فرزندی ندارد و در سلطنت و حکومتش هیچمتمایی برای خود برنگزید و هرگز به سبب ضعف و ناتوانی یار و مددکاری نداشته است و (چنین خدایی را) بزرگ بدار». کافی، ج ۸، ص ۷۹، ح ۶۵.

۲- ترجمه: «خداوند، خداوند، خداوند، پروردگار من است و او بر حق است، هیچ چیز را همتای او قرار نمی دهم. تو می توانی هر درد و بلائی را از بین ببری، آن را از من دفع کن». کافی، ج ۲، ص ۵۶۵، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۸۹.

۳- ترجمه: «به عزّت و قدرت و جلال و عظمت و بزرگی خدا و تمام صفات پروردگار و رسول خدا صلی الله علیه و آله و بهنام های خدا، پناه می برم از شرّ آنچه حذر دارم و از شرّ آنچه بر خود می ترسم». کافی، ج ۲، ص ۵۶۶، ح ۸.

۴- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). محمّد فرستاده خداست و هیچ توان و قدرتی جز برای خدا نیست. خدایا، دردم را درمان کن».

۵- کافی، ج ۲، ص ۵۶۶، ح ۱۰.

۷. نیز در حدیثی معتبر آمده است که فرمود: «برای درمان هر دردی این دعا را بخوان: یا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ، أَنْزَلَ عَلَيَّ مَا بِي مِنْ دَاءٍ شِفَاءً». (۱)

۸. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس مبتلا به دردی شد، اگر دستش را بر موضع درد بگذارد و با اخلاص بگوید: وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (۲) حتماً عافیت پیدا می کند؛ هر دردی که باشد». (۳)

۹. در گفته ای دیگر فرمود: «هر کس سوره حمد و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) او را شفا ندهد، هیچ چیز دیگر او را شفا نمی دهد». (۴)

۱۰. نیز در گفتاری فرمود: «شخص دیگری دست بر محلّ درد بگذارد و هفت مرتبه و حدّ اقل سه مرتبه بگوید: أَيُّهَا الْوَجْعُ أَشْكُنُ بِسَيِّئَتِهِ اللَّهُ وَقَدْ بَوَّعَارِ اللَّهِ وَاحْتَجَزُ بِحَاجِزِ اللَّهِ وَاهْتَدَأُ بِهَيْدَاءِ اللَّهِ، أُعِيدُكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا أَعَادَ اللَّهُ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلَائِكَتَهُ، يَوْمَ الرَّجْفَةِ وَالزَّلَازِلِ». (۵)

## درمان بیماری های مختلف با داروهای گیاهی

### درمان سردی، عقرب زدگی و مارزدگی

در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت موسی علیه السلام از

۱- ترجمه: «ای نازل کننده شفا و ازبین برنده درد، برای درد من شفا نازل کن». کافی، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۱۴.

۲- ترجمه: «واز قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می کنیم؛ و ستمکاران را جز خسران (وزیان) نمی افزاید». سوره اسراء، آیه ۸۲.

۳- طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۲۸.

۴- طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۳۹.

۵- ترجمه: «ای درد، به فرمان سکونت الهی آرام شو و به قرار خداوند قرار گیر و به ممانعت خدا متوقف شو و به آرامش الهی آرام گیر. ای انسان، تو را پناه می دهم به آنچه که خداوند عرش و فرشتگان خود را در روز لرزه زمین و زلزله ها پناه داد». کافی، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۱۷.

غلبه رطوبت و سردی در بدنش به خداوند متعال شکایت کرد. خداوند به وی دستور داد که هلیله (۱) و بلبله (۲) و آمله (۳) را بساید و با عسل خمیر کند و بخورد».

سپس فرمود: «این دارو همان است که شما به آن اطریفیل می گویند». (۴)

### درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه

درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه (۵)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اگر مردم منافع و خواص سنا (۶) را بدانند بی شک قیمت هر مثقال آن معادل دو مثقال طلا می شود؛ سنا انسان

را از بیماری های بهق و پیسی و خوره و دیوانگی و فلج و لقوه حفظ می کند. اگر با مویز سرخ بی دانه و هلیله سیاه که از هر کدام به مقدار مساوی برداشته شده ساخته شود و هر روز ناشتا به مقدار سه درهم (حدود نیم مثقال) و در هنگام خواب نیز همین مقدار بخورند، خواص مزبور را خواهد داشت و بهترین داروهاست». (۷)

۱- «هلیله» میوه درختی است که در هندوستان می روید. رنگش زرد یا سیاه و در طب به کار می رود. در عربیه آن اهلیج گفته می شود (فرهنگ عمید).

۲- «بلبله» میوه درختی است (هندی) که شبیه هلیله است، دارای پوستی زرد یا خاکستری رنگ است و به آنبلبلج هم می گویند (فرهنگ عمید).

۳- «آمله» درختی هندی به بزرگی درخت گردو است. برگ هایش ریز و انبوه و میوه آن به اندازه آلو و ترش مزه و پر دو قسم است: سیاه و زرد و در طب به کار می رود و به آن آملج هم گفته می شود (فرهنگ عمید).

۴- کافی، ج ۸، ص ۱۶۷، ح ۲۲۸.

۵- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می گردد (فرهنگ عمید).

۶- «سینا» گیاهی است دارای برگ های باریک شبیه برگ حنا، گل هایش کبودرنگ و دانه های آن ریز و در غلافی شبیه غلاف باقلا جا دارد. این گیاه بیشتر در حجاز می روید و بهترین نوع آن سنای مکی است. برگ آن در طب مانند مسهل استفاده می شود. در معالجه بیماری های تنگی نفس و قولنج و عرق النساء نیز به کار می رود (فرهنگ عمید).

۷- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸.

**درمان سردرد و سردی سر**

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چنانچه روغن گشنیز را در بینی بچکانید سردرد خوب می شود». (۱)

۲. در حدیث است که کسی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: در سرم احساس سرمای شدید می کنم، به گونه ای که اگر باد به سرم بوزد می ترسم غش

کنم. حضرت فرمود: «پس از غذا خوردن، روغن عنبر و زعفران در بینی ات بچکان». (۲)

**درمان زکام**

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چنانچه یک دانک (۳) شونیز

(سیاهدانه) و نیم دانک دانه کُنْدُس (۴) را نرم بکوبند و در بینی مبتلا به زکام بریزند،

زکام را برطرف می کند». (۵)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «زکام از لشکرهاى الهی است که دردهای بدن را برطرف می سازد». (۶)

۳. در چندین حدیث آمده است که زکام را نباید (با سرعت) معالجه کرد (بلکه با استراحت و دفاع بدن معالجه شود). (۷)

۱- قرب الإسناد، ص ۱۰۵، ح ۳۷۰.

۲- طبّ الأئمّه، ص ۸۷.

۳- یک ششم مثقال است که چهار نخود می شود.

۴- «کُنْدُس» گیاهی است دارای برگ های بیضی شکل دندانه دار و بیخ آن دارای مادّه سمّی است (فرهنگ عمید).

۵- طبّ الأئمّه، ص ۶۵.

۶- طبّ الأئمّه، ص ۶۴.

۷- طبّ الأئمّه، ص ۶۵.



## معالجه انواع بیماری های سر

### درمان سردرد

۱. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردرد، این آیه را بر ظرفی از آب بخواند و بخورد: (أَوْ لَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ)». (۱)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردرد، دست را بر سر بمالد و هفت مرتبه بگوید: أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (۲)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «برای برطرف شدن سردرد، دست را بالای سر بگذارد و بگوید: (لَوْ كَانَ مَعَهُ آلهُ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَا يَتَّبِعُوا إِلَيَّ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا (۳)، وَإِذَا

قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَيَّ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَيَّ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا)». (۴)

۴. در حدیث است که کسی از سردرد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «به حمام برو و پیش از آنکه وارد آب شوی، هفت ظرف آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله بگو». (۵)

۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای برطرف شدن درد تمام سر و نصف آن، این دعا را بنویسد و بر قسمتی که درد می کند بیاویزد: اَللّهُمَّ اَنْتَ

۱- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛ و هرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی آورند؟!» (سوره انبیاء، آیه ۳۰) طَبِّ الْأُمَّةِ، ص ۱۹.

۲- ترجمه: «پناه می برم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریاست و آنچه در آسمان ها و زمین است برای او آرام می گیرد و او شنوا و داناست». طَبِّ الْأُمَّةِ، ص ۱۸.

۳- ترجمه: «اگر آن چنان که آنها می گویند با او خدایانی بود، در این صورت (خدایان) سعی می کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند». سوره اسراء، آیه ۴۲.

۴- ترجمه: «و هنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید! منافقانرا می بینی که از (قبول دعوت) تو، اعراض می کنند». سوره نساء، آیه ۶۱.

۵- طَبِّ الْأُمَّةِ، ص ۷۱.

لَسْتَ بِإِلَهِ إِسْرَائِيلَ تَحْدُثْنَاهُ وَلَا بِرَبِّ يَبِيدُ ذِكْرُهُ وَلَا مَعِيَكَ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعِيَكَ وَمَا كَانَ قَبْلَكَ إِلَهٌ نَدْعُوهُ وَنَتَعَوَّذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ وَنَدْعُكَ وَلَا أَعَانِكَ عَلَى خَلْقِنَا مِنْ أَحَدٍ فَنَشْكُكَ فِيكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، عَافِ فُلَانَ بَنَ فُلَانِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ». (۱)

۶. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سردرد داشته، یا بیماری حبس البول (پروستات) داشته باشد، دست خود را بر جای

درد بگذارد و بگوید: اُسْكُنْ، سَكَّتْكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (۲)

۷. در روایتی دیگر فرمود: «هر گاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله سردرد یا غیر آن عارض می شد، دست ها را بلند می کرد (همانند حالت قنوت) و سوره حمد و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) می خواند، سپس دست ها را به صورت می کشید». (۳)

### درمان درد شقیقه و گوش

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که حبیب سیستانی از درد شقیقه به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست خود را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه

۱- ترجمه: «بار خدایا، تو خدایی نیستی که تازه او را پیدا کرده باشیم و پروردگاری نیستی که یادش کهنه شده باشد و با تو همتیانی نیستند که همراه تو حکم کنند و پیش از تو خدایی نبوده که او را بخوانیم و به او پناه ببریم و به سویی زاری کنیم و تو را واگذاریم و بر خلقت ما کسی تو را کمک نکرده تا درباره تو به تردید افتیم. معبودی جز تو نیست. تو یکتایی و همتایی برای تو نیست. فلانی فرزند فلانی را عافیت بخش و بر محمد و خاندانش درود فرست». مکارم الأخلاق، ص ۴۰۴.

۲- ترجمه: «آرام گیر، آرام ساختم تو را به یاری آن که آنچه در شب و روز است برای او آرام گیرد و او شنوا و داناست». مکارم الأخلاق، ص ۳۷۳.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۸، ح ۹ به نقل از امام رضا علیه السلام.

چنین دعا کن، إن شاء الله برطرف می شود: یا ظاهر آ موجود آ ویا باطناً غیر مفقود، اُرْدُدْ عَلٰی عَیْدِكَ الضَّعِيفِ اَیَادِيكَ الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَاذْهَبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ اَذٰیٍّ، اِنَّكَ رَحِيْمٌ وُدُوْدٌ». (۱)

۲. نیز در روایتی فرمود: «برای درمان درد گوش، دست را بر گوش بمالد و هفت مرتبه بگوید: اَعُوْذُ بِاللّٰهِ الَّذِي سَيَكُنْ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيْمُ». (۲)

### درمان اختلالات مغزی و بیماری صرع

۱. در روایتی می خوانیم امام صادق علیه السلام به کسی که دچار اختلال مغزی شده بود سفارش کرد که هر شب این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، اَمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْنِيْ فِيْ مَنْامِيْ وَفِيْ يَقْظَتِيْ، اَعُوْذُ بِعِزِّ اللّٰهِ وَجَلَالِهِ، مِمَّا اَجِدُ وَاَخْذَرُ». (۳)

۲. روایت شده است امام رضا علیه السلام شخصی را دید که مبتلا به صرع بود. ظرفی آب طلبید و سوره حمد و ناس و فلق را بر آن خواند و بر سر و روی او پاشید، آن شخص به هوش آمد. (۴)

۱- ترجمه: «ای پدیدارِ موجودِ وای پنهانِ غیرِ مفقود، نعمت های نیک که در نزد تو است را به این بنده ناتوان خود که آن نعمت ها را داشت برگردان و آنچه از ناراحتی هایی را که دامنگیر او شده از او ببر، زیرا تو بسیار مهربانی». «طَبُّ الْأَئِمَّةِ»، ص ۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۵۲، ح ۹.

۲- ترجمه: «پناه می برم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریاست و آنچه در آسمان ها و زمین است برای او آرام گیرد و او شنوا و داناست». «طَبُّ الْأَئِمَّةِ»، ص ۱۸.

۳- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می کنم). ایمان به خدا آوردم و به طاغوت کافر شدم. خدایا، در خواب و بیداریم مرا حفظ فرما. پناه می برم به عزت و جلال خداوند از آنچه می یابم و از آن در هراسم». «طَبُّ الْأَئِمَّةِ»، ص ۱۰۷.

۴- طَبُّ الْأَئِمَّةِ، ص ۱۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۴۹.

## درمان بیماری های چشم و گوش و دندان

### معالجه چشم درد

### معالجه با آیات قرآن

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرگاه چشم کسی آزرده باشد و با اعتقاد صحیح آیه الکرسی بخواند، شفا می یابد». (۱)

۲. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «شفای چشم در خواندن سوره حمد و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و آیه الکرسی و کشیدن سرمه قُسط (۲) و مرو (۳) و کندر است». (۴)

### معالجه با دعا

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: «دوست داری دعایی به تو بیاموزم که برای دنیا و آخرت تو سودمند باشد و درد چشم از تو زایل کند؟» عرض کرد: آری. فرمود: «این دعا را همواره پس از نماز صبح و شام بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصِیْرِیْ وَالبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالبَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَالاٰخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ». (۵)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۳۷۴.

۲- «قُسط» بیخ گیاهی است بی ساقه که روی زمین می خوابد و دارای برگ های پهن است و به فارسی آن را کوشنه می گویند (فرهنگ عمید).

۳- «مرو» نوعی ماهی بزرگ است که در دریاهاى شمالی، مخصوصاً بین ارض جدید و ایسلند زندگی می کند. آن را در تابستان شکار می کنند و گوشتش را تازه یا نمک سود به مصرف می رسانند. از کبد آن روغنی می گیرند که معروف به روغن ماهی است و در طب به کار می رود (فرهنگ عمید).

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۸.

۵- ترجمه: «بار خدایا، به حقی که تو به محمد و خاندان محمد داده ای، بر محمد و خاندانش درود فرست و در دیده ام نور و در دینم بینایی و بصیرت و در قلبم یقین و در علمم اخلاص و در وجودم سلامتی و در روزی اموسعت و گشایش قرار ده و تا زمانی که زنده ام توفیق شکر گزاریم ده». مکارم الأخلاق، ص ۳۹۳.

۲. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را برای درد چشم تجویز فرمود: «اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي». (۱)

۳. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و چشم آن حضرت بیماری مهمی داشت. روز دیگر به محضرش شرفیاب شد، هیچ اثری از آن بیماری ندید. علت را پرسید؟ حضرت فرمود: «این دعا را خواندم: اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِبِهَاءِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِحُكْمِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِذِكْرِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِآلِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، مَا أَجِدُ فِي عَيْنِي وَمَا أَخَافُ وَأَخْذَرُ. اللَّهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِينَ، اذْهَبْ ذَلِكَ عَنِّي، بِحَوْلِكَ وَقُدْرَتِكَ». (۲)

### درمان ضعف چشم و شب کوری

۱. ابن شهر آشوب می گوید: مردی نابینا شنید که امیرالمؤمنین علیه السلام چنین دعا می کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَرَبِّ الْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، أَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَى أَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُلتَمِّمَةِ إِلَى أَعْضَائِهَا وَبِإِنْتِثَاقِ الْقُبُورِ عَنْ أَهْلِهَا وَبِإِدْعَائِكَ الصَّادِقَةَ فِيهِمْ وَأَخْذِكَ بِإِلْحَاقِ بَيْنَهُمْ، إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ يُنظَرُونَ قَضَاءَكَ وَيَرَوْنَ سُلْطَانَكَ وَيَخَافُونَ بَطْشَكَ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ يَوْمَ

۱- ترجمه: «بار خدایا، از گوش و چشمم مرا بهره مند ساز و آنها را وارث من قرار ده و بر کسی که به من ستمکرده یاری ام کن و انتقامم را از وی بگیر و به من نشان ده». طب الأئمه، ص ۸۳.

۲- ترجمه: «در مورد بیماری چشمم و آنچه از آن بیم و خوف و وحشت دارم، به عزت و قدرت و عظمت و جلال و جمال و کرم و بهاء و غفران و حکم و ذکر خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان رسول خدا پناهی برم. پروردگارا، ای خدای پاکان، به حول و قوتت این ناراحتی را از من زایل کن». مکارم الأخلاق، ص ۴۰۵.

لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ وَيَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْلَىٰ عَن مَّوْلَىٰ شَيْئًا. وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ، أَسْأَلُكَ يَا رَحْمَنُ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالثَّقِينَ فِي قَلْبِي وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي، أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۱) به خانه رفت، وضو ساخت و نماز گزارد، سپس این دعا را خواند.

هنگامی که به جمله «أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي» رسید، دیده اش بینا شد. (۲)

۲. روایت شده است کسی از ضعف نور چشم که به شب کوری انجامیده بود، به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آیه (اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (۳) را تا آخر در ظرفی بنویس، سپس آن ظرف را با آب بشوی و آن آب را در شیشه ای نگهداری کن و با میل به چشم خود بکش». آن شخص می گوید: کمتر از سه میل کشیدم، بینایی ام برگشت. (۴)

### درمان چشم درد با دارو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دمبلان (شلغم) از گیاه بهشت و آویشن برای درد چشم سودمند است». (۵)

۱- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم ای پروردگار جهان فانی و پروردگار جسدهای فرسوده، از تو می خواهم اطاعت روح ها در بازگشت به جسدهایشان و به طاعت جسدهای به هم پیوند خورده و شکافته شدن قبرها از اهل آن و به دعوت راستین تو در مورد آنان و گرفتن تو آنان را به حق آن هنگام که خلاق از قبور خارج می شوند و منتظر حکم تو هستند و حاکمیت تو را می بینند و از مجازات تو می ترسند و به رحمت تو امیدوارند. روزی که مال و فرزندان سودی نمی رسانند و روزی که هیچ کس دیگری را بی نیاز نمی کند و آنانیاری نمی شوند، مگر آن کس که خداوند به او رحم کند. او عزیز و رحیم است. ای رحمان، از تو می خواهم که هدیه ام نور و در قلبم یقین قرار دهی و تا زنده ام ذکر و یادت را شب و روز بر زبانم جاری سازی، زیرا تو بر هر چیزی توانایی».

۲- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۸۷.

۳- سوره نور، آیه ۳۵.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۷۵.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۵.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن، آب ریزش چشم را درمان می کند و چشم را جلا می دهد» (۱).

۳. در روایتی صحیح می خوانیم که شخصی از درد چشمش به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دارویی از جدوار (۲) و کافور بساز و از هر کدام به مقدار مساوی استفاده کن» (۳).

۴. نیز در حدیثی فرمود: این دارو ضعف چشم و خیالات را برطرف می کند (۴).

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «دهنه فرنک (۵) برای زایل کردن سفیدی که روی

چشم ظاهر می شود مفید است» (۶).

۶. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «صبر (۷) سقوطری (۸) و کافور رباحی (۹) (از هر کدام به مقدار مساوی) بسایند، سپس آن را از پارچه ابریشم بیرون کنند و هر ماه یک مرتبه در چشم بکشند؛ این کار دردهای چشم و سر را می کشد» (۱۰).

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۷.

۲- «جدوار» ریشه گیاهی است که در کوه های تبت و هند می روید و در بعضی نواحی خراسان هم یافت می شود. طعمش تلخ و در طب قدیم برای از بین بردن سم به کار می رفته است (فرهنگ عمید).

۳- کافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۸۰.

۴- کافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۸۱.

۵- «فرنک» قطره های سفیدی است که از کوهی در نزدیکی طنجه یا طبنه آفریقا می ریزد و برای سفیدی چشم خوب است و معروف به دهنه فرهنگ است. (ر.ک: کافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۲).

۶- کافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۲.

۷- «صبر» شیره یا صمغ گیاهی است به رنگ زرد، طعمش تلخ و در فارسی به آن صبر زرد می گویند. الوا همگفته اند. گیاه آن از نوع زنبق و دارای برگ هایی پهن و تیغ دار است و در وسط آن ساقه بلندی می روید و گل هایش در سر ساقه قرار دارد (فرهنگ عمید).

۸- «سقوطری» یا «اسقطری» جزیره ای است در دریای هند که در سمت راست شهر جایی از شهرهای زنج قرار دارد (کافی، ج ۸، ص ۳۸۶، پاورقی حدیث ۸۳).

۹- «رباح» سود، فایده و نیز به معنای خمر، می و نام شهری است که از آنجا کافور خوب می آورده اند «کافور رباحی» (فرهنگ

عمید).

۱۰- کافی، ج ۸ ص ۳۸۳، ح ۵۸۳.



۷. در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از سفیدی که در چشمش ظاهر شده بود و درد دندان و مفاصل شکایت کرد. حضرت فرمود: «دو درهم فلفل و دو درهم دار فلفل و یک درهم نشادر پاکیزه صاف تهیه کن و هر سه را خوب بسای و از پارچه ابریشم بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و ساعتی صبر کن. این کار سفیدی روی چشم را قطع، گوشت چشم را پاک و درد را ساکن می کند. سپس چشم را با آب سرد بشوی و بعد از آن سرمه سنگ بکش». (۱)

۸. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به سلمان و ابوذر فرمود: «هنگامی که چشمتان درد می کند، بر پهلوی چپ نخوابید و خرما نخورید». (۲)

۹. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن ماهی برای درد چشم زیان دارد». (۳) و دست بر چشم مالیدن بعد از شستن دست در پایان غذا،

انسان را از درد چشم حفظ می کند. (۴) همان گونه که گرفتن ناخن و شارب در

پنجشنبه و جمعه چنین خاصیتی دارد. (۵)

۱۰. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام از شهری عبور کرد دید صورت مردم آن شهر زرد و چشمانشان کبود است. آنان از بیماری به آن حضرت بسیار شکایت کردند. حضرت فرمود: شما گوشت را بدون آنکه بشوید می پزید و می خورید، در حالی که هر حیوانی که ذبح می شود جنابتی همراه اوست. آنها به فرمایش حضرت عمل کردند و بیماریشان برطرف شد». (۶)

۱- طبّ الأئمّه، ص ۸۷.

۲- طبّ الأئمّه، ص ۸۵.

۳- طبّ الأئمّه، ص ۸۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۸ و ۹.

۴- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۶۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۸، ح ۱۹.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۹۸، ح ۱۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۱ و ۳۱۲.

۶- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۵، باب ۳۷۷، ح ۱.

## درمان گوش درد با قرآن

۱. در حدیثی می خوانیم که کسی از سنگینی گوش به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر گوش خود بکش و این آیات را بخوان: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ \* هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ \* هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ \* هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)». (۱)

۲. در حدیثی دیگر آمده است که این آیات را بخواند: (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (۲) \* يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (۳) \* يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ ... وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴) \* وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ

۱- ترجمه: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود و از خوف خدای شکافد. اینها مثال هایی است که برای مردم می زنیم، شاید در آن بیندیشند. او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، او رحمان و رحیم است. او خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی کند، امتیّت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می کند و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)؛ برای او نام های نیک است؛ آنچه در آسمان ها و زمین است تسبیح او می گویند و او عزیز و حکیم است». (سوره حشر، آیات ۲۱ - ۲۴) طَبُّ الْأُئِمَّةِ، ص ۲۳.

۲- ترجمه: «ما شما را از آن [زمین] آفریدیم؛ و در آن بازمی گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می آوریم». سوره طه، آیه ۵۵.

۳- ترجمه: «در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی کرده و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی خیزند) و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان خاضع می شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی شنوی». سوره طه، آیه ۱۰۸.

۴- ترجمه: «ای زمین، آبت را فرو بر... و گفته شد: «قوم ستمگر از رحمت خدا دور باد». سوره هود، آیه ۴۴.

عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۱) \* وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ

أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. (۲)

### درمان گوش درد با داروی گیاهی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درد گوش هفت مرتبه آیه شریفه (كَأَنَّ لَمْ يَسْمِعَهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقَرًا (۳) \* إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ

كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) (۴) را بر روغن یاسمن یا روغن بنفشه بخواند، سپس آن را در

گوشش بچکاند». (۵)

۲. در روایت دیگری در مورد درد گوش آمده است: «یک کف کنجد پوست نکنده و یک کف خردل، هر کدام را جدا بکوبند سپس با یکدیگر مخلوط کرده، روغن آن را بگیرند و روغن را در شیشه کرده، در شیشه را با سرپوشی آهنی ببندند و هر گاه که بخواهند دو قطره از آن را در گوش چکانده و پنبه ای در گوش بگذارند و این کار را سه روز ادامه دهند تا بهبود یابد». (۶)

۳. در روایتی دیگر می خوانیم: «سداب را با روغن زیتون بپزند و چند قطره در گوش بچکانند». (۷)

۱- سوره طلاق، آیه ۲ و ۳، ترجمه: «وهر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد، و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است».

۲- ترجمه: «و در پیش روی آنها سدای قرار دادیم و در پشت سرشان سدای و چشمانشان را پوشانده ایم و ولدانمی بینند». مکارم الأخلاق، ص ۳۷۷، ح ۹.

۳- ترجمه: «گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوش هایش سنگین است». سوره لقمان، آیه ۷.

۴- ترجمه: «گوش و چشم و دل، همه مسؤولند». سوره اسراء، آیه ۳۶.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۳۷۵.

۶- طَبُّ الْأَثَمَةِ، ص ۲۲.

۷- طَبُّ الْأَثَمَةِ، ص ۷۳.

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سداب برای درد گوش سودمند است». (۱)

## معالجه دندان

### اشاره

۱. در حدیث است که ابوبصیر از درد دندان به حضرت باقر علیه السلام شکایت کرد و گفت: شب‌ها بر اثر این درد خواب ندارم. حضرت فرمود: «هرگاه اثر درد ظاهر شد دست را بر موضع درد بگذار و سوره حمد و توحید بخوان، سپس این آیه را قرائت کن: (وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ)». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنچه را که در روایت بالا ذکر شد به همراه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ) بخوان». (۳)

۳. در روایتی (۴) دیگر این دستور برای درمان درد دندان سفارش شده است:

«سوره حمد و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را بخواند، سپس بگوید: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (۵)، قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَيْلًا مَاءً عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ \* وَأَزَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۶)، نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

۱- محاسن، ص ۵۱۵، ح ۷۰۸.

۲- ترجمه: «کوه‌ها را می‌بینی و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکت اند؛ این صنعوآفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده؛ به یقین او از کارهایی که شما انجام می‌دهید آگاهاست». (سوره نمل، آیه ۸۸) طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۲۴.

۳- طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۲۴.

۴- طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۲۵.

۵- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. برای اوست آنچه در شب و روز قرار داد؛ او شنوا و داناست». سوره انعام، آیه ۱۳.

۶- ترجمه: «گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش. آنها می‌خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم». سوره انبیاء، آیات ۶۸ و ۶۹.

الْعَالَمِينَ (۱) اَللّٰهُمَّ يَا كَافِي مَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ، اِكْفِ عَبْدَكَ وَابْنَ اَمَتِكَ،

مِنْ شَرِّ مَا يَخَافُ وَيَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي يَشْكُوهُ اِلَيْكَ». (۲)

### درمانی دیگر

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد دندان، دست را بر محلّ سجده بکش، سپس آن را بر موضع درد بمال و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ الشّافِي وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». (۳)

۲. در روایت است که کسی از درد دندان به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر دهان بگذار و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اِسْمِهِ دَاءٌ، اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ، قُدُّوسًا قُدُّوسًا قُدُّوسًا، يَا سَيِّدِي يَا رَبَّ الظّٰهِرِ الْمُبَارَكِ، الَّذِي مَنْ سَيِّئْتُكَ بِهِ اَعْطَيْتَهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ اَجَبْتَهُ، اَسْئَلُكَ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا اَجِدُ فِيَّ فِي رَاسِي وَفِي سَمْعِي وَفِي بَصِيْرِي وَفِي بَطْنِي وَفِي ظَهْرِي وَفِي يَدِي وَفِي رِجْلِي وَفِي جَمِيْعِ جَوَارِحِي كُلِّهَا». (۴)

۱- ترجمه: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است.» = فرشتگان و موسی [و منزه است خداوندی که پروردگار جهانیان است]. سوره نمل، آیه ۸.

۲- ترجمه: «بار خدایا، ای که از هر چیزی بی نیازی و هیچ چیز از تو بی نیاز نیست. از بنده ات و فرزند کنیز خود شرّ آنچه را که می هراسد و شرّ دردی را که به تو شکایت می کند بازدار.»

۳- ترجمه: «به نام خدای شفا دهنده، هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست.» طب الأئمه، ص ۲۴.

۴- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدایی که با نام او هیچ بیماری ضرر نمی رساند، پناه می برم به کلمات خداوند که با وجود آنها هیچ چیز ضرر نمی رساند و خدایا! تو پاک هستی، پاک هستی، پاک هستی. ای پروردگار، به نام ظاهر و مقدّس و مبارک که هر کس به آن تو را بخواند به او عطا می کنی و هر کس دعا کنده را اجابت می کنی. از تو می خواهم ای الله، ای الله، ای الله که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و مرا از دردهایی که در دهانم و سرم و گوشم و دیده ام و شکمم و پشتم و دستم و پایم و همه اعضا و جوارح بدنم می یابم، عافیت بخشی.» طب الأئمه، ص ۲۳.

## درمان دندان درد با دارو

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان دندان درد، سعد (نوعی گیاه معطر) را بر روی آن بگذارید». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «سرکه ای که از شراب ساخته شده، بن دندان را محکم می کند». (۲)

۳. در حدیث است که حمزه بن الطیار در حالی که از درد آه می کشید خدمت امام کاظم علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «تو را چه می شود؟» عرض کرد: دندانم درد می کند. فرمود: «حجامت کن، درمان می شوی». حجامت کرد و شفا یافت. سپس حضرت فرمود: «هیچ دارویی به حجامت کردن و خوردن عسل نمی رسد». (۳)

## معالجه برخی از بیماری های پوستی

### درمان پیسی

درمان پیسی (۴)

۱. در حدیث است که یونس بن عمیر از پیسی که در بدنش ظاهر شده بود به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هنگامی که یک سوم آخر شب فرا می رسد وضو بگیر و مشغول نماز شب شو و این دعا را در آخرین سجده نماز بخوان: یا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ، يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ، صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْظَنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَاصْبِرْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعِ (و نام آن بیماری را ببر) فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَأَحْزَنَنِي (۵) و در تضرع و دعا اصرار کن». یونس بن

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۶.

۲- طب الأئمة، ص ۲۴.

۳- کافی، ج ۸، ص ۱۶۸، ح ۲۳۱.

۴- «پیسی» (برص)، مرضی است که بر اثر آن لکه های سفید روی پوست بدن ظاهر می شود (فرهنگ عمید).

۵- ترجمه: «ای خداوند بلند مرتبه، ای بزرگ، ای بخشنده، ای مهربان، ای شنونده خواسته ها، ای دهنده نیکی ها، بر محمد و آل محمد درود فرست و از خیر دنیا و آخرت مطابقت کرمت به من عطا کن و شر دنیا و آخرت را مطابق کرمت از من دور کن و این درد را از من برطرف فرما، زیرا مرا به رنج انداخته و محزون ساخته است».

عمار گوید: به سفارش امام عمل کردم، قبل از آنکه به کوفه برسم پیسی از من برطرف شد. (۱)

۲. در حدیثی دیگر آمده است که اسحاق بن اسماعیل و دیگران نیز از این بیماری به امام صادق علیه السلام شکایت کردند. حضرت فرمود: «وضو بگیرید و دو رکعت نماز بگزارید و حمد و ثنای الهی کنید و بر محمد و اهل بیت او صلوات بفرستید، سپس این دعا را بخوانید: یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، یا رَحْمَنُ یا رَحْمَنُ یا رَحْمَنُ، یا رَحِيمُ یا رَحِيمُ یا رَحِيمُ، یا وَاحِدٌ یا وَاحِدٌ یا وَاحِدٌ، یا أَحَدٌ یا أَحَدٌ یا أَحَدٌ، یا صَمَدٌ یا صَمَدٌ، یا صَمَدٌ، یا رَحِيمِ الرَّاحِمِينَ، یا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، یا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، یا رَبِّ الْعَالَمِينَ، یا رَبِّ الْعَالَمِينَ، یا رَبِّ الْعَالَمِينَ، یا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ، یا مُنَزِّلَ الْبَرَكَاتِ، یا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَذْهِبْ مَا بِي، فَقَدْ غَاظَنِي الْأَمْرُ وَأَخْرَجَنِي». (۲)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «سوره یاسین را با غسل بر ظرفی بنویس، سپس آن را با آب بشوی و آب حاصل از آن را بنوش تا پیسی برطرف شود». (۳)

۱- عدّه الدّاعی، ص ۲۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۲۳، ح ۳۰.

۲- ترجمه: «ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای رحمان، ای رحمان، ای رحمان، ای رحیم، ای رحیم، ای رحیم، ای یکتا، ای یکتا، ای احد، ای احد، ای احد، ای صمد، ای صمد، ای صمد، ای مهربان ترین مهربانان، ای قدرتمندترین قدرتمندان، ای قدرتمندترین قدرتمندان، ای پروردگار دو جهان، ای پروردگار دو جهان، ای پروردگار دو جهان، ای شنونده دعاها، ای نازل کننده برکات، ای عطاکننده نیکی ها، بر محمد و آل محمد درود فرست و خیر دنیا و آخرت را به من عطا کن و شر دنیا و آخرت را از من دور کن و بیماریم را شفا بخش که این بیماری مرا به رنج انداخته و محزونم کرده است». مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۲۳، ح ۳۰.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «سوره انعام را با غسل در ظرفی بنویس، سپس آن را با آب بشوی و آب آن را بنوش». (۱)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن چغندری که با گوشت گاو پخته شده باشد، پیسی را برطرف می کند». (۲)

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «هیچ چیز برای پیسی سودمندتر از تربت امام حسین علیه السلام نیست، (مقدار کمی) از آن را با آب باران بخور و بر محلّ بیماری بمال». (۳)

### درمان خوره (جذام)

۱. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «آیات زیر را برای درمان خوره و پیسی بر ظرفی بنویس، سپس آن ظرف را بشوی و آب آن را بخور و این آیات را همراه خود داشته باش: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۴). الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي

أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَّةٍ وَرُبَاعٍ) (۵) يَا سَمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ. و به جای فلان بن فلان، نام بیمار و پدرش برده شود». (۶)

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت گاو، خوره و پیسی را برطرف می سازد». (۷)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۲- محاسن، ص ۵۱۹، ح ۷۲۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۴- ترجمه: «خداوند هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد ثابت نگاه می دارد؛ و «امّ الکتاب» = لوح محفوظ [ نزد اوست]. سوره رعد، آیه ۳۹.

۵- ترجمه: «ستایش مخصوص خداوند است، آفریننده آسمان ها و زمین که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه». سوره فاطر، آیه ۱.

۶- مکارم الأخلاق، فی الإستشفاء بالقرآن، ص ۴۴۳.

۷- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۲، ح ۵.



۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی بینی از مبتلا شدن به خوره جلوگیری می کند». (۱)

۴. نیز در حدیثی فرمود: «تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، خوره را برطرف می سازد». (۲)

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب در هر روز جمعه، باعث حفظ از بیماری خوره می شود». (۳)

۶. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمینه ابتلای به بیماری خوره در همه وجود دارد و خوردن شلغم، زمینه آن را از بین می برد». (۴)

## درمان بهق

### درمان بهق (۵)

۱. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «برای درمان بیماری بهق، این آیات را بر موضع بیماری بنویسد: (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ. (۶) هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ \* أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ)». (۷)

۲. در حدیث است که کسی از پیسی و بهق به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «به حمام برو، حنا و نوره را با هم مخلوط کن و بر محل آن بمال، اثری از آن نخواهد ماند». (۸)

۱- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۲، ح ۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۲، ح ۹.

۳- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۳، ح ۱۰.

۴- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۳، ح ۱۱.

۵- «بَهْكَ» لکه سفیدی که بر اثر علتی غیر از بیماری برص روی پوست پیدا می شود. در عربی به آن بهقمی گویند (فرهنگ عمید).

۶- ترجمه: «و خزاین همه چیز، تنها نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی کنیم». سوره حجر، آیه ۲۱.

۷- ترجمه: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما را می شنوند؟! - یا سود و زبانی به شما می رسانند؟!» (سوره شعرا، آیات ۷۲ و ۷۳) مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۸- طب الأئمه، ص ۷۱.

## درمان زگیل

## درمان زگیل (۱)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دست بر زگیل بمال و این دعا را سه نوبت بخوان: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي

ما أَجْدُ». (۲)

## درمان دمل و طاعون

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای دانه‌ها و دمل‌های ریزی که در بدن ظاهر می‌شود، در ابتدای ظهورش انگشت شهادت را بر دور آنها بگرداند و هفت مرتبه ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ» بگوید و در مرتبه هفتم انگشت را با (کمی) فشار بر روی آن بگذارد». (۳)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «بیشتر دمل‌ها و دانه‌های ریز از خون فاسدی است که در وقت طغیان آن را از بدن بیرون نمی‌کنند؛ بنابراین، هر که این مشکل در بدنش پدید آید هنگامی که به رختخواب می‌رود این دعا را بخواند: اَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَكَلِمَاتِهِ التَّامَاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ (۴) تا از این دردها و سایر دردها عافیت یابد». (۵)

۱- «آزخ» دانه کوچک سفت و سخت که روی پوست بدن پیدا می‌شود اما درد ندارد. ازخ، آرخ، زگیل، وردانوبالو هم گفته می‌شود (فرهنگ عمید).

۲- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم). محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست و هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست. بار خدایا، مشکلی را که در بدن من هست از من محو کن». طب الأئمه، ص ۶۰.

۳- طب الأئمه، ص ۳۸.

۴- ترجمه: «از شرّ هر صاحب شرّی، به خداوند بزرگ و کلمات تامّه او که هیچ نیکوکار و بدکاری از آن عبور نمی‌کند، پناه می‌برم».

۵- طب الأئمه، ص ۱۰۸.

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «برای کرمی و دمل و قوبا (۱)، این آیات را بنویسد و با

خود نگاه دارد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ) (۲)، (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً

أُخْرَى) (۳) اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَنْتَ لَا تَكْبُرُ وَاللَّهُ يَبْقَى وَأَنْتَ لَا تَبْقَى وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۴)

۴. در حدیث است که کسی به حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ماده طاعون در بدن من ظاهر شده (وعلامت های آن آشکار گشته، چه کنم؟) حضرت فرمود: «سیب بخور». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و شفا یافت. (۵)

### درمان خنازیر

درمان خنازیر (۶) و ورم

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در خانه ما در گردن دختری خنازیر ظاهر شد. کسی در خواب به من گفت: دعای «یا رُؤُوفُ یا رَحِيمُ یا رَبِّ یا سَيِّدِي» را مکرر بخواند». (۷)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «برای درمان هر ورمی که در بدن پدید آید و می ترسی به حالتی بد منتهی شود، در زمانی که برای نماز واجب وضو داری

۱- «قوبا» نوعی بیماری پوستی است.

۲- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. و کلمه خبیثه (وسخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده و قرار و ثبات ندارد». سوره ابراهیم، آیه ۲۶.

۳- ترجمه: «ما شما را از زمین آفریدیم؛ و به آن باز می گردانیم و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می آوریم». سوره طه، آیه ۵۵.

۴- ترجمه: «خداوند بزرگ تر از آن است که وصف شود و تو (ای درد) بزرگ نیستی، خداوند باقی می ماند و تو (ای درد) باقی نمی مانی و خداوند توانا بر هر چیزی است». مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۵- محاسن، ص ۵۵۲، ح ۸۹۵.

۶- «خنازیر» به معنای غده های سختی است که در گردن و زیر گلو پیدا می شود و گاه تبدیل به زخم و جراحی می گردد و از آنها چرک می آید (فرهنگ عمید).

۷- دعوات راوندی، ص ۱۹۷، ح ۵۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۰۰، ح ۳.

قبل از نماز برای شفای آن ورم این سوره را از آیه: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ) (۱)، (تا آخر) بخوان. اگر چنین کنی آن ورم به

زودی آرام گیرد». (۲)

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر هر ورمی، آیات آخر سوره حشر را از: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ)، تا پایان سوره سه مرتبه بخوان». (۳)

### درمان غده

در حدیث است که کسی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: در بدنم غده ای ظاهر شده (چه کنم؟) حضرت فرمود: «سه روز روزه بگیر و روز چهارم به هنگام ظهر غسل کن و به صحرا یا پشت بام ساختمان بلندی برو و چهار رکعت نماز با هر سوره ای که بخواهی بگزار و در حد امکان در گریه و تضرع و حضور قلب تلاش کن و هنگامی که از نماز فارغ شدی لباس از تن در آور و لباس کهنه پاکیزه ای به مانند لنگ بر خود ببند و بر خاک سجده کن و پهلوی راست خود را بر خاک بگذار و با خشوع و گریه این دعا را بخوان: یا اَحَدُ یا اَحَدُ، یا کَرِيمُ یا جَبَّارُ، یا قَرِيبُ یا مُجِيبُ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاکْشِفْ مَا بَی مِنْ مَرَضٍ وَالبَسِیْنِی الْعَافِیَةَ الْکَافِیَةَ الشَّدَافِیَةَ، فِی الدُّنْیَا وَالاٰخِرَةِ وَامْنُنْ عَلَیَّ بِتَمَامِ النُّعْمَةِ وَادْهَبْ مَا بَی، فَقَدْ اَذَانِی وَغَمَمَی». (۴) سپس فرمود: «هنگامی عمل به

۱- ترجمه: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود و از خوف خدای شکافد». سوره حشر، آیه ۲۱.

۲- طَبُّ الْأَثْمَةِ، ص ۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۰۰.

۳- طَبُّ الْأَثْمَةِ، ص ۴۸ (با ترجمه).

۴- ترجمه: «ای خداوند یگانه، ای یکتا، ای کریم، ای جبار، ای نزدیک، ای اجابت کننده، ای مهربان ترین مهربانان، بر محمد و آل محمد درود فرست و بیماری مرا شفا ده و لباس عافیت کامل و شفا در دنیا و آخرت بر من بپوشان و با تمام و کامل کردن نعمت بر من منت بگذار و آنچه را که از بیماری ها در وجود من استزایل فرما که مرا آزار داده و غمگین ساخته است».

این دستور سودمند خواهد بود که یقین به تأثیرش داشته باشی». آن شخص عمل کرد و به زودی شفا گرفت. (۱)

## معالجه بیماری های داخلی

### درمان بیماری های شکم

#### معالجه درد شکم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و گفت: برادرم را درد شکم آزار می دهد، چه کند؟ حضرت

فرمود: «به او بگو: اندکی عسل با آب گرم بخورد». روز دیگر آمد و عرض کرد: خورد ولی برطرف نشد. فرمود: «برو باز هم به او عسل بده تا بخورد و سوره حمد را نیز هفت مرتبه نزد او بخوان». چون آن شخص رفت، حضرت فرمود: «برادرش منافق است، بدین علت خوردن عسل سودی برای او ندارد». (۲)

۲. در حدیث است که کسی از درد شکم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آب بخور و این دعا را بخوان: یا الله یا الله یا الله، یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ، یا رَبَّ الأَرْبابِ، یا إِلَهَ الأَلِهَةِ، یا مَلِكَ المُلُوكِ، یا سَيِّدَ السَّادَاتِ، اِشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ». (۳)

#### معالجه ناراحتی شکم

۱. در حدیث است که کسی از پیچش شکم به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آبی به دست بگیر و این آیه را سه مرتبه بر آن بخوان: (بُرِيدُ اللهُ

۱- طَبُّ الأَثْمَةِ، ص ۱۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۷۷، ح ۳۶.

۲- طَبُّ الأَثْمَةِ، ص ۲۸.

۳- طَبُّ الأَثْمَةِ، ص ۲۸. ترجمه مشابه دعای مذکور قبلاً گذشت.

بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ) (۱)، سپس بگو: (أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ). (۲) سپس آب را بنوش و با دو دست بر شکم بمال. (۳)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «این آیات را بر روغن بخواند، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ \* وَفَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ \* وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُوسِرٍ (۴)، فَ «(فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ) (۵)

بِسْمِ فَلَانِ بْنِ فَلَانِ، (أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ). (۶)

۳. در حدیث است که کسی از درد پیچش شکم به امام رضا علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «گردویی بر روی آتش بگذار، هنگامی که مغزش بریان شد، از پوست جدا کن و بخور». (۷)

### درمان درد سینه

۱. در حدیث است که شخصی از درد سینه به امام صادق علیه السلام شکایت کرد.

۱- ترجمه: «خداوند راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را». سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۲- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛ و هرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟!» سوره نساء، آیه ۳۰.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۳۸۳، با اختلاف و اضافات.

۴- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. پس درهای آسمان را با آبی فراوان گشودیم! وزمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم ؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند. و او را بر مرکبی از الواحومیخ هایی ساخته شده سوار کردیم». سوره قمر، آیات ۱۱ - ۱۳.

۵- ترجمه: «درهای همه چیز (از نعمت ها) را به روی آنها گشودیم». سوره انعام، آیه ۴۴.

۶- سوره انبیاء، آیه ۳۰؛ ترجمه آیه شریفه گذشت. مکارم الأخلاق، ص ۳۸۲.

۷- طب الأئمه، ص ۱۰۱.

حضرت فرمود: «از قرآن طلب شفا کن، زیرا خداوند فرماید: (شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ)». (۱)

۲. نیز کسی از درد ناف شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر آن موضع بگذار و سه مرتبه بگو: (وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ \* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ)». (۲)

### درمان درد طحال

۱. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد طحال این آیات را با زعفران بنویسد، سپس با آب زمزم بشوید و بخورد: (قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصِيَغَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا \* وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا)». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام از درد طحال به آن حضرت شکایت کرد و گفت: تمام روش های معالجه آن را به

۱- ترجمه: «درمانی برای آنچه در سینه هاست ؛ (درمانی برای دل های شماست)». (سوره یونس، آیه ۵۷) مکارم الأخلاق، ص ۳۷۸.

۲- ترجمه: «واین کتابی است قطعاً شکست ناپذیر که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغان نمی آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است». (سوره فصلّت، آیات ۴۱ و ۴۲) طبّ الأئمّه، ص ۲۸.

۳- ترجمه: «بگو: الله را بخوانید یا رحمان را هر کدام را که بخوانید، (ذات پاکش یکی است ؛ و) برای او بهترین نام هاست. و نماز را زیاد بلند، یا خیلی آهسته نخوان و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن. و بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلّت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. و او را بسیار بزرگ بشمار». (سوره اسراء، آیات ۱۱۰ و ۱۱۱) طبّ الأئمّه، ص ۲۹ و ۳۰.

کار بستم امّیا روز به روز درد آن بیشتر شده، تا جایی که مرا در آستانه مرگ قرار داده است. چه کنم؟ حضرت فرمود: مقداری تره خریداری کن و آن را با روغن حیوانی سرخ کن و تا سه روز از آن بخور، **إن شاء الله** این کار باعث بهبودی تو می شود». (۱)

۳. مرحوم کلینی با سند معتبر روایت کرده است که به امام کاظم علیه السلام خبر دادند یکی از خادمان شما درد طحال دارد. حضرت فرمود: «سه روز به او تره بخورانید. غلام به دستور حضرت عمل کرد و درمان شد». (۲)

### درمان زخم جگر و بیماری های معده

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت حزقیل به زخم جگر مبتلا شد. دعا کرد که عافیت یابد. وحی آمد: شیره انجیر را بگیر و بر سینه ات بمال. این کار را کرد و خوب شد». (۳)

۲. در حدیث است که کسی از ضعف معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «خُزء (۴) را با آب سرد بخور». (۵)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خرمای ناشتا خوردن، کرم معده را می کشد». (۶)

۱- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۱، ح ۹.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱.

۳- محاسن، ص ۵۵۳، ح ۹۰۲.

۴- «خُزء» گیاهی است شبیه کرفس که بویی تلخ دارد و آن را به فارسی دینارویه گویند. از رستن های دارویی است و آن دو نوع است: صحرایی و باغی، صحرایی را سداب بری و تخم آن را به شیرازی برگ کازرونی خوانند و باغی آن را به شیرازی آهو دوستک نامند (معارف و معاریف، ج ۲، ص ۹۱۲).

۵- کافی، ج ۸، ص ۱۶۵، ح ۲۲۰.

۶- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۸۵.



۴. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سرکه ای که از شراب ساخته شده استفاده کنید که کرم های معده را می کشد». (۱)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب هفت دانه خرماى عجوه (۲) بخورد کرم های معده اش از بین می رود». (۳)

### درمان اسهال

۱. در روایات معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای درمان اسهال مقداری برنج شسته، در سایه بخشکانند سپس آن را بر روی آتش تافته، نرم بکوبند و هر روز صبح به اندازه یک کف (تقریباً دو قاشق غذاخوری) دست بخورند». (۴)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «برای معالجه اسهال مقداری برنج در دیگ کن وبا آب بجوشان و چهار یا پنج قطعه سنگ در زیر آتش بگذار تا سرخ شود، سپس پیه قلوه تازه را بگیر وبا آن سنگ ها در میان کاسه ای بینداز و کاسه ای دیگر بر سرش بگذار تا بخارش خارج نشود و آن کاسه را تکان بده تا آن پیه آب شود، سپس برنج که پخته شد آن روغن را بر روی آن بریز و بخور». (۵)

### درمان قولنج

۱. در چندین روایت آمده است که برای درمان قولنج و درد شکم، سوره حمد، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را با مشک

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۷.

۲- از بهترین خرماهای مدینه است که در احادیث فواید بسیاری برای آن بیان شده است.

۳- محاسن، ص ۵۳۳، ح ۷۹۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۲۰.

۴- محاسن، ص ۵۰۳، ح ۶۳۲.

۵- محاسن، ص ۵۰۳، ح ۶۳۳.

وزعفران بر ظرفی بنویس، سپس این دعا را نیز به آن اضافه کن: اَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَشَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا أَخَذَرُ مِنْهُ (۱)، سپس آن را بشوی و آب آن را به هنگام خواب یا ناشتا بنوش.» (۲)

۲. در روایتی دیگر می خوانیم که دستورالعمل مزبور برای فلج و درمان تمام بادها سودمند است. (۳)

### درمان درد باسن

۱. در حدیث است که کسی از درد باسن به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «پس از نماز بر موضع سجده دست بکش، سپس دست خود را بر محل درد بکش و این آیات را بخوان: (أَفْحَسِ بَيْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ \* فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ \* وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ \* وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ)». (۴) راوی گفت: به دستور مزبور عمل کردم به زودی درد

برطرف شد. (۵)

۱- ترجمه: «پناه می برم به ذات پاک خداوند بزرگ و به عزتتش که هیچ کس به آن نرسد و به قدرتش که چیزی از آن سر نتابد، از شر این درد و شر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن در هر اسام.»

۲- طب الأئمه، ص ۶۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۸۲.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۳۸۳.

۴- ترجمه: «آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟! پس بلندمرتبه است خداوندی که فرمانروای حق است، معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است. و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند - و به یقین هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت، حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ به راستی کافران رستگار نخواهند شد. و بگو: «پروردگارا، مرا ببخش و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم کننده گانی». سوره مؤمنون، آیات ۱۱۵ - ۱۱۸.

۵- طب الأئمه، ص ۲۸ و ۲۹.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دست بر آن موضع بمال و سه مرتبه این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي (۱) و در هر مرتبه دست بر آن موضع بکش». (۲)

۳. در چندین روایت آمده است: خوردن ریزه هایی که از سفره می ریزد، درد باسن را برطرف می کند. (۳)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجودان رومی (۴) بخورید که

درد باسن را زایل می کند». (۵)

۵. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا بیماری هایی که دامنگیر انسان ها می شد، به حضرت عیسی علیه السلام می رسید؟ فرمود: «آری، ایشان در دوران کودکی به بیماری های بزرگسالان مبتلا می شد؛ درد باسن از دردهای بزرگان است که در کودکی گاه دامنگیر آن حضرت می شد. در این هنگام به مادرش می گفت: غسل و سیاهدانه و روغن زیتون را با یکدیگر مخلوط کن و برایم بیاور. هنگامی که مادر آن را آماده می کرد و برای حضرت می آورد، از خوردن آن کراهت داشت. حضرت مریم علیها السلام می گفت: تو خود این دارو را طلبیدی، چرا از خوردن آن کراهت داری؟ می فرمود: به علم پیامبری آن را طلبیدم، اما به طبع کودکی و به سبب بدمزگی دارو از آن کراهت دارم. سپس آن را گرفته و تناول می کرد». (۶)

۱- ترجمه: «به نام و به ذات (پاک) خداوند (شروع می کنم.)، هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست. خداوند، درد باسن مرا محو و نابود کن».

۲- مکارم الأخلاق، ص ۴۰۷.

۳- محاسن، ص ۴۴۴، ح ۳۲۴.

۴- «انجودان» معرب انگدان، گیاهی است دارای ساقه های سستبر و میان تهی، برگ هایش سوراخدار و گل هایش چتری، مانند گل شبت و میوه آن سیاه و بدبو است (فرهنگ عمید).

۵- طب الأئمه، ص ۶۰.

۶- قصص الأنبياء راوندی، ص ۲۷۰، ح ۳۱۵.

## درمان درد پشت

۱. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام در سفر بود، فرزندش اسماعیل از درد شکم و پشت شکایت کرد. حضرت وی را طلبید و فرمود: «بر پشت بخواب و این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِصُنْعِ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ، إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ، أُسْكِنُ يَا رِيحُ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (۱)

۲. نیز کسی از درد پشت به امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر محلی که درد می کند بگذار و سه مرتبه این آیه را بخوان: (وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ) (۲) سپس هفت مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) را تلاوت کن». (۳)

## درمان سرفه وسل ودردهای درونی

۱. در حدیث است که کسی از سرفه به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «مقداری از انجودان رومی با همان مقدار از نبات سفوف کن (۴) ویک یا دو روز بخور». شخص بیمار می گوید: یک روز خوردم برطرف شد. (۵)

۱- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا و به آفرینش خداوند که هر چیزی را استوار کرده، همانا او آگاهاست به آنچه که انجام می دهد. ای درد، آرام شو به قدرتی که آسمان ها و زمین در برابر آن آرام شده و او شنوا و داناست». طب الأئمه، ص ۷۹.

۲- ترجمه: «هیچ کس جز به فرمان خدا نمی میرد، سرنوشتی است تعیین شده، (بنابراین، مرگ پیامبر یا دیگران یک سنت الهی است) هر کس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود در این راه گام بردارد) چیزی از آن به او خواهیم داد و هر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می دهیم؛ و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد». سوره آل عمران، آیه ۱۴۵.

۳- طب الأئمه، ص ۳۰.

۴- «سُفُوف» داروی خشک کوبیده، داروی نرمی که روی زبان بریزند و فرو ببرند (فرهنگ عمید).

۵- کافی، ج ۸، ص ۱۶۷، ح ۲۲۷.

۲. نیز کسی از بیماری سل به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «سنبله، قافله، زعفران، عاقرقرا (۱)، بذر البنج، خربق و فلفل سفید از هر کدام به

مقدار مساوی بگیر و دو برابر هر یک از اجزاء فرفیون به آن اضافه کن و همه را ساییده از حریر بیرون کن و به مقدار یک نخود در سه شب با آب گرم بخور». بیمار به دستور حضرت عمل کرد و شفا یافت. (۲)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «گلابی بخورید که دل را جلا می دهد و دردهای درونی را التیام می بخشد». (۳)

### معالجه درد مفاصل و بعضی بیماری های دیگر

#### اشاره

۱. در روایتی می خوانیم که برنج و خرما نارس (خارک)، بواسیر را زایل می کند. (۴)

۲. در حدیث است که امام رضا علیه السلام این معجون را برای درمان بواسیر سفارش فرمود: «مقداری از هلیله سیاه و بلبله و آمله را به طور مساوی گرفته، آن را کوبیده و از پارچه حریر بیرون کند، سپس مقداری مُقل ازرق (۵) تهیه کرده، آن را سه شب در آبِ تره خیس کند، بعد این دو را با هم مخلوط و خمیر کنند. آن گاه دست را با روغن بنفشه چرب کرده، خمیر را به اندازه یک عدس از هم جدا و در

۱- «عاقرقرا» عربی واکراکره هندی، گیاهی است شبیه بابونه، دارای برگ های ریز و شاخه های نازک، بیخ آن دراز و به کلفتی انگشت، طعمش تند و تیز، به فارسی کاکره هم گفته می شود (فرهنگ عمید).

۲- طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۸۵.

۳- محاسن، ص ۵۵۳، ح ۹۰۱.

۴- محاسن، ص ۵۰۳ و ۵۰۴، ح ۶۳۴.

۵- «مُقل» صمغ درختی است که در سواحل دریای عمان و هندوستان می روید. طعمش تلخ است و یک نوع آن که رنگش مایل به سرخی است مقل ازرق نامیده می شود. و به نوع دیگر آن که زرد رنگ است مقل الیهودی می گویند (فرهنگ عمید).

سایه خشک کند. سپس در تابستان روزی یک و در زمستان روزی دو مثقال بخورد. و در ایامی که این دارو را مصرف می کند از خوردن ماهی، سرکه و سبزیجات پرهیزد». (۱)

## درمان بلغم

### درمان بلغم (۲)

۱. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام زیاد شدن بلغم، قندران رومی (۳)، کندر، آویشن (۴)، زنیان و سیاهدانه، از هر کدام به مقدار مساوی

بگیر و همه را نرم بکوب و پیز و با عسل مخلوط کن و هر شب هنگام خواب به مقدار یک فندق بخور». (۵)

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک مثقال هلیله زرد، دو مثقال خردل و یک مثقال عاقرقرا تهیه کن و آنها را نرم بکوب و صبح ناشتا بر دندان ها بمال که بلغم را درمان و دهان را خوشبو و دندان ها را محکم می کند». (۶)

۱- طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۱۰۱.

۲- «بَلْغَم» ماده ای سفید و لزج است که از داخل بدن ترشح کرده و خارج می شود و در اصطلاح طَبِّ قَدِيم یکی از اخلاط چهارگانه بدن به شمار می رود (فرهنگ عمید).

۳- «قندران»، «قندرون» شیره شنگ، شیره ای که در ریشه شنگ وجود دارد. مارنه و مکرنه هم گفته شده است. «شَنگ» گیاهی است بیابانی دارای برگ های دراز شبیه برگ گندم. آن را با سرکه می خورند، ریشه آن شیره چسبنده ای دارد که در مجاورت هوا سیاه می شود (فرهنگ عمید).

۴- «آویشن» گیاهی است صحرایی و معطر، دارای برگ های کوچک و ساقه های کوتاه که آن را برای بویخوشی که دارد در ماست یا دوغ می زنند. «آوشین» و «آویشین» و «اوشین» و «اوشن» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۵- طَبِّ الْأَثْمَةِ ص ۱۹.

۶- طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۶۶.

## درمان لقوه

## درمان لقوه (۱)

در حدیث است کسی که مبتلا به لقوه بود خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «به حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله برو، دو رکعت نماز بخوان، سپس دست بر صورت بگذار و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِهَذَا أُخْرِجُ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ مِنْ عَيْنِ إِنْسٍ أَوْ عَيْنِ جِنِّ أَوْ وَجِيعٍ أُخْرِجُ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ بِأَلَدِي إِتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا. وَكَلَّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا وَخَلَقَ عِيسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ، لَمَّا هَدَاتْ وَطَفَّتْ كَمَا طَفَّتْ نَارُ إِبْرَاهِيمَ، إِطْفِئِي بِإِذْنِ اللّٰهِ، إِطْفِئِي بِإِذْنِ اللّٰهِ». (۲) آن شخص دو مرتبه این کار را کرد،

شفا یافت. (۳)

## درمان بادهای بدن و درد مفاصل

۱. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: از سر تا پای مرا باد (دردهای موضعی و عصبی) فرا گرفته، چه کنم؟ فرمود: «صبح ناشتا عنبر و روغن در بینی بچکان». (۴)

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان قولنج، بادهای، درد مفاصل، سستی بدن و برودت داخلی، این دارو مفید است: یک کف انجیر خشک و یک کف شنبلیله در ظرفی بریز و قدری آب به آن اضافه کن که روی

۱- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می گردد (فرهنگ عمید).  
 ۲- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا، خارج شو. ای درد حاصل شده از چشم زخم انسان یا دیگر موجودات. تو را سوگند می دهم به آن کسی که ابراهیم را خلیل خود قرار داد و با موسی سخن گفت و عیسیرا به وسیله روح القدس آفرید که خاموش شوی، همچنان که آتش بر ابراهیم خاموش شد، خاموش شو به اذن الله، خاموش شو به اذن الله».

۳- رجال کشی، ص ۱۹۹، ح ۳۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۷۴.

۴- رجال کشی، ص ۱۹۹، ح ۳۴۹.

آنها را بگیرد، سپس پخته و بعد صاف کن و یک روز در میان بخور، تا در مجموع روزها به مقدار یک ظرف خورده شود.»

(۱)

۳. در حدیث است که کسی از درد مفاصل به امام باقر علیه السلام شکایت کرد، حضرت فرمود این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّهِ وَبِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، إِلَّا أَذْهَبَتْ

عَنِّي شَرٌّ مَا أَحَدٌ، بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ، بِحَقِّكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ» (۲) هنگامی که این دعا را خواند فوراً درد ساکن شد. (۳)

### درمان درد پا

۱. در حدیث است که شخصی از درد پا به امام حسین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر موضع درد بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۴) (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)». (۵)

۱- کافی، ج ۸، ص ۱۶۶، ح ۲۲۱.

۲- ترجمه: «بار خدایا، تو را می خوانم به نام ها و برکات و دعوت پیامبرت که پاکیزه و مبارک و در نزد تو دارا مرتبه و الایی است. و به حق او و به حق دخترش فاطمه که خجسته است و به حق جانشین او امیرالمؤمنین علیه السلام و به حق دو آقا جوانان اهل بهشت (حسن و حسین ۸)، به حق ایشان، به حق ایشان، به حق خودت ای خدای جهانیان آنچه را که در خود می یابم برطرف کن.»

۳- طب الأئمه، ص ۶۹ و ۷۰.

۴- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم) و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود می فرستم.»

۵- ترجمه: «و آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه (قدرت) اوست و آسمان ها پیچیده در دست او، خداوند منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند.» (سوره زمر، آیه ۶۷) طب الأئمه، ص



۲. نیز شخصی از درد پا به امام حسین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «از اول سوره (إِنَّا فَتَحْنَا) تا (وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا) را تلاوت کن.» (۱)

### درمان درد ران وزانو

۱. نیز شخصی از درد ران به حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آب گرم در طشت کن و در میان آب بنشین و دست بر موضع درد بگذار و این

آیه را بخوان: (أَوَلَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ).» (۲)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که ابوحمزه از درد زانو به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «پس از نماز این دعا را بخوان: يَا جَوَادَ مَنْ أُعْطِيَ وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ، إِزْحَمَ ضَعْفَى وَقَلَّهَ حَيْلَتِي وَاعْفُنِي مِنْ وَجَعِي.» (۳)

ابوحمزه به این دستور عمل کرد و فوراً شفا گرفت. (۴)

### درمان درد ساق و مثنه

۱. در حدیث است که سالم بن محمد از درد ساق به امام صادق علیه السلام شکایت کرد و گفت: این درد مرا از انجام دادن هر کاری بازداشته است. امام فرمود: «این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان (وَأْتَلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدَّلَ

۱- طَبُّ الْأُئْمَةِ، ص ۳۳.

۲- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛ و هرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی آورند؟!» (سوره انبیاء، آیه ۳۰) طَبُّ الْأُئْمَةِ، ص ۳۱.

۳- ترجمه: «ای بخشنده ترین کسی که عطا می کند، ای بهترین کسی که درخواست می شود، ای رحیم ترین کسی که از او تقاضای رحم شده، بر ناتوانی و بیچارگی ام رحم کن و مرا از دردم نجات بخش.»

۴- کافی، ج ۲، ص ۵۶۸، ح ۱۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۹۴.

لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا» (۱).

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای از بین بردن سنگ مثانه، هلیله و بلیله و آمله و فلفل و دار فلفل و دار چین و زنجبیل و شقائق (۲) و انیسون (۳)

و خولنجان (۴) از هر کدام به مقدار مساوی گرفته، کوبیده و پخته، با روغن تازه گاو

مخلوط کرده و معادل تمام این اشیاء، عسل صاف کرده با شکر پنیر به آن اضافه کند و هر مرتبه به مقدار یک فندق بخورد».

(۵)

۳. در حدیث است که کسی از درد مثانه به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «این آیات را به هنگام خواب سه مرتبه و یک بار پس از بیدار شدن تلاوت کن: (أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ)» (۶).

### درمان حبس ادرار و بی اختیاری ادرار

شخصی از حبس ادرار به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «اسپند را

۱- ترجمه: «آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن؛ هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی سازد؛ و هرگز پناهگاهی جز او نمی یابی» (سوره کهف، آیه ۲۷) طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۳۲.

۲- «شقائق» زردک صحرائی، بیخ گیاهی است از نوع هویج (فرهنگ عمید).

۳- «انیسون» مأخوذ از یونانی، بادیان رومی، رازیانه رومی، گیاهی است به بلندی یک متر، برگ هایش سفید و تخم هایش ریز و سبز رنگ و معطر و در طب به کار می رود (فرهنگ عمید).

۴- «خولنجان» ریشه درخت تانبول است که در هندوستان می روید؛ ریشه ای است ضخیم و خوشبو به رنگ سرخ تیره و تند مزه و در طب به کار می رود. برای خوشبو ساختن لیکورها نیز استعمال می شود. و خالولنجان و خاولنجان و خسرودارو هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۵- طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۷۲.

۶- ترجمه: «آیا نمی دانستی که خداوند توانا بر هر چیزی است؟! آیا نمی دانستی که حکومت آسمان ها و زمین از آن خداست (و حق دارد هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد)؟! و جز خدا، ولی و یاور برای شمانیست. (واوست که مصلحت شما را می داند و تعیین می کند)» (سوره بقره، آیات ۱۰۶ و ۱۰۷) طَبِّ الْأَثْمَةِ، ص ۳۲.

شش مرتبه با آب سرد و یک مرتبه با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن، سپس با روغن گل چرب و سفوف کن و بخور». (۱)

### درمان طبّی یبوست مزاج و عرق النسا

درمان طبّی یبوست مزاج و عرق النسا (۲)

۱. در حدیث است که شخصی از یبوست مزاج به امام هادی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «قبل از صبحانه و پس از آن خرمای برنی بخور». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و بهبود یافت و رطوبت بر مزاجش غلبه یافت. دوباره از رطوبت مزاج شکایت کرد. فرمود: «خرمای برنی را صبح ناشتا بخور و پس از آن آب نخور». با به کار بستن این دستور مزاجش متعادل شد. (۳)

۲. نیز شخصی از عرق النسا به حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هر زمان اثرش ظاهر شد دست بر آن محل بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَعُوذُ بِسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ وَأَعُوذُ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرَقٍ نَعَارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ. (۴) با این کار به اذن خدا شفا خواهی یافت». آن

شخص می گوید: بیش از سه بار جمله مزبور را نگفتم که خداوند شفایم داد. (۵)

### دعا برای چاره جویی سحر و زهر گزندگان و دیگر بلاها

#### دعا برای از بین بردن چشم زخم

۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چشم بد (انرژی های خاص

۱- طبّ الأئمّه، ص ۶۸.

۲- «عرق النسا» یکی از بیماری های اعصاب است که غالباً در کمر بروز می کند و تا زانو می رسد (فرهنگ عمید).

۳- محاسن، ص ۵۳۳، ح ۷۹۳.

۴- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا او (شروع می کنم). پناه می برم به نام خدای بزرگ و پناه می برم به نام خدای عظیم از شر هر رگی که خون از آن جوشد و از شر گرمی آتش».

۵- طبّ الأئمّه، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۷۳، ح ۱.

بعضی از چشم‌ها) دارای تأثیر است». (۱)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «چه بسا چشم بد انسان را به قبر... وارد کند. بنابراین، هرگاه انسان از چیزی خوشش آمد الله اکبر بگوید». (۲)

و در روایت دیگر آمده است که نام خدا را ببرد. (۳)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی بترسد که چشم او در کسی، یا چشم کسی در او تأثیر کند سه مرتبه «ما شاء الله [لا حولَ و لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ] بگوید». (۴)

۴. نیز در روایتی فرمود: «هرگاه کسی بخواهد با سر و وضع نیکو و مناسب از منزل خارج شود سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) بخواند، سپس بیرون رود تا چشم بد در وی اثر نکند». (۵)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مبتلا به چشم بد شده، دست‌ها را برابر صورت بلند کند و سوره‌های حمد، (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را بخواند، سپس دستانش را بر پیش سر بکشد». (۶)

### تعویذ برای از بین بردن سحر

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «برای از بین بردن سحر و جادو این تعویذ را بر پوست آهو بنویسید و همراه داشته باشید: بِسْمِ اللهِ

۱- مکارم الأخلاق، ص ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵، ح ۲۰.

۲- طب الأئمة، ص ۱۲۱.

۳- طب الأئمة، ص ۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵، ح ۲۰.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۶، ح ۲۳.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۳۸۶.

۶- مکارم الأخلاق، ص ۴۱۳.

وَبِاللّٰهِ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ، بِسْمِ اللّٰهِ لَا- حَوْلَ وَلَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ (۱) (قَالَ مُوسَىٰ مَآ جِئْتُم بِهٖ السَّحْرُ إِنَّ اللّٰهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللّٰهَ لَا- يُضِلِّحْ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ) (۲)، (فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ \* فَعَلَبُوا هٰتِلِكَ وَأَنْقَلَبُوا صَاغِرِينَ)». (۳)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «چنانچه از ساحر یا ظالم ترسیدی، بعد از نماز شب و قبل از شروع نماز صبح، رو به خانه آن ساحر یا ظالم کن و هفت مرتبه بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ (سَيَنْشُدُ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَمَا شَيْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتَمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ)». (۴)

۳. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از شیاطین و جادوگران بترسد، آیه سخره را تلاوت کند: (إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَلَا تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ)». (۵)

۱- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا و به آنچه خدا می خواهد (شروع می کنم). به نام خدا. هیچ پناهوقدرتی جز برای ذات پاک خداوند نیست.»

۲- ترجمه: «موسی گفت: آنچه شما آوردید سحر است؛ که خداوند به زودی آن را باطل می کند؛ چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی کند». سوره یونس، آیه ۸۱.

۳- ترجمه: «(در این هنگام) حق آشکار شد، و آنچه آنها ساخته بودند باطل گشت، و در آنجا (همگی) مغلوب شدند و خوار و کوچک گشتند». (سوره اعراف، آیات ۱۱۸ و ۱۱۹) طَبَّ الْأَثْمَةُ، ص ۳۵.

۴- ترجمه: «به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم (ونیرومند) می کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرار می دهیم؛ و به برکت آیات ما، بر شما دست نمی یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید». (سوره قصص، آیه ۳۵) طَبَّ الْأَثْمَةُ، ص ۳۵.

۵- ترجمه: «پروردگار شما خداوندی است که آسمان ها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید، سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت، با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان) از آن او (و به فرمان او) است. پربرکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است. پروردگار خود را از روی تضرع و در پنهانی بخوانید (واز تجاوز دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید (بیم از مسؤولیت ها و امید به رحمتش و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (سوره اعراف، آیات ۵۴ - ۵۶) الْأَمَانُ مِنْ أخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۱۸.

۴. در روایت دیگری آمده است: «جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله خبر داد که لبید بن اعصم یهودی آن حضرت را سحر کرده است. پیامبر علی علیه السلام را صدا زد و فرمود: به سراغ فلان چاه برو و جادو را بیرون آور. حضرت علی علیه السلام به آن مکان رفت و وارد چاه شد و از درون آب چاه ظرف در بسته ای بیرون آورد و خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آورد. هنگامی که در ظرف را گشودند، زه کمانی را یافتند که یازده گره خورده بود. جبرئیل سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) را از آسمان آورد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی، این دو سوره را بر این گره ها بخوان. هر آیه ای که خوانده می شد یک گره باز می شد و هنگامی که هر دو سوره تمام شد همه گره ها گشوده شد.» (۱)

بنابراین، طبق روایت بالا و روایات معتبر دیگر، این دو سوره در رفع سحر و جادو تأثیر بسیاری دارند.

### دور کردن خیالات فاسد و وسوسه های شیطان و آرزوهای طولانی

۱. در حدیث است که شخصی از خیالات فاسد و وسوسه های شیطان به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر روی قلب بگذار و سه مرتبه بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ مَنَّتْ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ وَأَوْدَعْتَنِي الْقُرْآنَ وَرَزَقْتَنِي صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَأَمَّنُّنِي عَلَيَّ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالرَّأْفَةِ وَالْغُفْرَانِ وَتَمَامَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ، يَا مَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا دَائِمُ يَا رَحْمَنُ، سُبْحَانَكَ وَكَرِيمُكَ يَا أَحَدُ سِوَاكَ، سُبْحَانَكَ أَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هَذِهِ الْكِرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُجَلِّيَ عَنِّي»

قَلْبِي الْأَخْزَانِ (۱) سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرست». (۲)

۲. در روایت دیگری آمده است: شخصی به آن حضرت از آرزوی بسیار و وسوسه های سینه شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر سینه ات بکش و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ (۳)، سپس دست بر شکم بمال و سه مرتبه این دعا را تکرار کن». آن شخص به دستور امام علیه السلام عمل کرد و بهبود یافت. (۴)

### از بین بردن ترس از تنهایی

در حدیث است که شخصی از وحشت و اندوهی که به هنگام تنهایی به سراغش می آید به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر شکم بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ، سپس دست بر شکم بمال و بگو: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي (۵) سپس هفت مرتبه آن را تکرار کن». (۶)

۱- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). بار خدایا، به توفیق ایمان بر من منت گذاردی و قرآن را به امانت به من دادی و روزه ماه رمضان را روزی ام کردی، پس به رحمت و خشنودی و مهربانی و آمرزش و کامل کردن نعمت و احسان بر من منت گذار. ای انعام کننده، ای انعام کننده، ای همیشه گی، ایبخشننده، منزهی و جز تو کسی ندارم، منزهی، پس از این بزرگواری ها از خواری به تو پناه می برم و از تومی خواهم که غم ها را از دلم بردایی».

۲- طَبُّ الْأُتْمَةِ، ص ۲۷.

۳- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). محمد رسول و فرستاده خداست و هیچ پناهگاه و قدرتی جز برای خداوند نیست. پروردگارا، دردی را که حس می کنم از بین ببر».

۴- طَبُّ الْأُتْمَةِ، ص ۱۱۷.

۵- ترجمه: «پناه می برم به عزت و قدرت و جلال و عظمت و ذات خدا و رسول خدا و اسماء خدا از شر آنچه از آن حذر می کنم و از شر آنچه بر نفس و جان خود می ترسم».

۶- طَبُّ الْأُتْمَةِ، ص ۱۷.

## گشودن کسی که او را بسته اند

شیخ احمد بن فهد در کتاب عدّه الدّاعی، برای گشودن کسی که او را نسبت به همسرش بسته باشند سفارش کرده است که این آیات را بنویسد و همراه داشته باشد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا \* لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا). (۱) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ \* إِذَا جَاءَ نَصِيرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ \* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا. (۲) وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (۳) أَدْخُلُوا

عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ. (۴) فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ \* وَفَجَّرْنَا

الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدَرٍ. (۵) رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

\* وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي \* يَفْقَهُوا قَوْلِي. (۶) وَتَرَكَنَا بَعْضُهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ

۱- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم، تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند بیخشد (و حَقَائِیتِ تو را ثابت کرده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید». سوره فتح، آیات ۱ و ۲.

۲- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد و بینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند، پروردگارت را تسییح و حمد کن و از او آموزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است». سوره نصر، آیات ۱ - ۳.

۳- ترجمه: «واز نشانه های خداوند این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانشان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند». سوره روم، آیه ۲۱.

۴- ترجمه: «شما وارد دروازه شهر آنها شوید هنگامی که وارد شوید پیروز خواهید شد». سوره مائده، آیه ۲۳.

۵- ترجمه: «در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی در پی گشودیم؛ و زمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند». سوره قمر، آیات ۱۱ و ۱۲.

۶- ترجمه: «پروردگارا، سینه ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان، و گره از زبانم بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند». سوره طه، آیات ۲۵ - ۲۸.



فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا). (۱) كَذَلِكَ حَلَلْتُ فُلَانًا بِنِ فُلَانِهِ عَلَى فُلَانِهِ بِنْتِ فُلَانِهِ (۲)

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ \*فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَسَى اللَّهُ  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلُوا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ). (۳)

### فرو بردن خشم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی خشمگین شود، اگر ایستاده است بنشیند تا غضبش فروکش کند و چنانچه بر یکی از بستگانش غضب کرده، بدن او را لمس کند تا خشمش برطرف شود». (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام غضب این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي وَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاجْزِنِي مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ، أَسْأَلُكَ رِضَاكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَسْأَلُكَ جَنَّتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَأَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الْهُدَى وَالثَّوَابِ وَاجْعَلْنِي رَاضِيًا مَرْضِيًّا غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مُضِلٍّ». (۵)

۱- ترجمه: «و در آن روز (که جهان پایان می گیرد)، ما آنان را چنان رها می کنیم که در هم موج می زنند؛ و در صورت [= شیور] دمیده می شود؛ و ما همه را جمع می کنیم». سوره کهف، آیه ۹۹.

۲- ترجمه: «گره فلاینی پسر فلاینی را نسبت زوجه اش فلاینی دختر فلاینی، بدین شکل باز کردم.» به جای «فلائین فلاینه» نام شوهر و مادرش و به جای «فلاینه بنت فلاینه» نام عروس و مادرش گفته شود. ضمناً توجه داشته باشید که بسیاری از مواردی که مردم خیال می کنند در آنجا سحری واقع شده واقعیت چنین نیست؛ عوامل دیگری در کار بوده است.

۳- ترجمه: «به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است. اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکل کردم؛ و او صاحب عرش بزرگ است». (سوره توبه، آیات ۱۲۸ و ۱۲۹) عدّه الدّاعی، طبع جدید، ص ۳۳۹.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۰.

۵- ترجمه: «بار خدایا، خشم دلم را فرو نشان و گناه را بیامرز و از فتنه ها (امتحانات) گمراه کننده پناه ده، خشنودی تو را می خواهم و از خشم تو به تو پناه می برم و بهشت تو را می خواهم و از آتش دوزخ تو به تو پناهی برم و همه خوبی ها را از تو می خواهم و از همه بدی ها به تو پناه می برم. بار خدایا، مرا بر هدایت و ثوابت قدم بدار، و راضی و خشنودم قرار ده و گمراه و گمراه کننده قرارم مده». بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۳۸.

۳. در روایتی دیگر فرمود: «روزی نزد منصور دوانقی رفتم، او در نهایت خشم بود. به هنگام ورود این دعا را خواندم، خشم منصور از بین رفت: یا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ كَرْبَتِي، أُحْرَسُنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَابْتَدَأْتُ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ». (۱)

### دعا برای از بین بردن فراموشی و اندوه

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه شیطان چیزی را از خاطرات محو کرد و بخواهی آن را به یاد آوری، دست بر پیشانی بگذار و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ يَا مُدَكِّرَ الْخَيْرِ وَفَاعِلَهُ وَالْاَمْرِ بِهٖ اَنْ تُصَيِّرَ لِيْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدَكِّرَنِيْ مَا اَنْسَانِيهِ الشَّيْطَانُ». (۲)

۲. در روایتی بسیار معتبر چنین آمده است: هر کس روزی یکصد مرتبه

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ» بگوید، هفتاد نوع بلا از او دور می شود که ساده ترین آن غم و اندوه است». (۳)

۳. در احادیث فراوان آمده است که گفتن: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ» اندوه را برطرف می کند. (۴)

۱- ترجمه: «ای پناه من به هنگام سختی، وای فریادرس من به هنگام رنج و مصیبت، مرا با دیده لطف که به خواب نمی رود حفظ کن و در پناه خود پناهم ده». مکارم الأخلاق، ص ۳۵۰.

۲- ترجمه: «بار خدایا، ای به یادآورنده نیکی و انجام دهنده و امرکننده به آن، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و آنچه را شیطان از خاطر من برده به یادم آوری». مکارم الأخلاق، ص ۳۵۶.

۳- ثواب الأعمال، ص ۱۹۵.

۴- محاسن، ص ۴۳، ذیل حدیث ۵۶.

## دعا برای چاره جویی فقر و پریشانی و بدهی و ضرر

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس فقر بر او روی آورد، ذکر «لا- حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را بسیار بگوید، زیرا بی شک این جمله گنجی از گنج های بهشت است و در آن شفای هفتاد و دو درد است که کمترین آنها اندوه است». (۱)

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای چاره جویی فقر و پریشانی، بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ». (۲)

۳. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای از بین بردن پریشانی، روزی صد مرتبه (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) بخوان». (۳)

۴. در احادیثی معتبر، برای ادای قرض و بدهی، این دعا سفارش شده است: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ». (۴)

۵. در حدیث است که شخصی به امام جواد علیه السلام نوشت: قرض بسیار دارم چه کنم؟ حضرت در پاسخ نوشت: «استغفار فراوان کن و زبانت را به قرائت سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) مداومت ببخش». (۵)

۶. در احادیث معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «هرگاه این دعا را بخوانم اگر جنّ و انس جمع شوند که ضرری به من برسانند باکی ندارم. بِسْمِ اللَّهِ

۱- امالی صدوق، ص ۵۵۶، ح ۱۳.

۲- ترجمه: «منزه است خداوند بزرگ و من به حمد و ستایش او مشغولم. از خداوند طلب غفران و مغفرت می کنم و فضل و کرمش را خواستارم». کافی، ج ۵، ص ۳۱۵، ح ۴۶.

۳- کافی، ج ۵، ص ۳۱۶، ح ۵۰.

۴- ترجمه: «بارخداایا، مرا باحلال خود از حرام و بابخشش خود از غیر خود بی نیاز گردان». فقه الرضا، ص ۳۹۹.

۵- کافی، ج ۵، ص ۳۱۷، ح ۵۱؛ به نقل از امام محمد باقر علیه السلام.

وَبِاللّٰهِ وَمِنْ اللّٰهِ وَإِلَى اللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّكَ اَسْلَمْتُ نَفْسِيْ وَجَبْهَتِيْ وَجَهِيْ وَإِلَيْكَ فَوَضْتُ اَمْرِيْ وَاحْفَظْنِيْ بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِيْ وَعَنْ يَمِيْنِيْ وَعَنْ شِمَالِيْ وَمِنْ فَوْقِيْ وَمِنْ تَحْتِيْ وَاذْفَعْ عَنِّيْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ». (۱)

### دعا برای رسیدن به حج

در حدیثی معتبر آمده است که: هر کس در یک نوبت هزار مرتبه «ما شاء الله» بگوید، در آن سال حج نصیب او می شود و اگر در آن سال به حج نرود آن قدر زنده بماند که توفیق حج نصیبش شود. (۲)

### دعا برای دور کردن سگ و حیوانات درنده و جانوران

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که سگی برای تو پارس کرد و به سوی تو حمله کرد این آیه شریفه را بخوان: (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَادُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ)». (۳)
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که از شر حیوانات درنده بر خود و گوسفندانش می ترسد، بر دور خود و آنها خطی بکشد و بگوید:

۱- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم) و از سوی خدا آمده ام و به سوی او باز می گردم و در راه خدا (گام برمی دارم). بار خدایا، خود را به تو سپردم و رو به سوی تو کردم و کارم را به تو واگذار نهادم. مرا باحفظ ایمان از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالا- و پایین حفظ کن و با توانایی و نیروی خود ضرر را از من بازدار و هیچ پناه و نیرویی مگر به قدرت خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست». امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲- محاسن، ص ۴۲، ح ۵۵.

۳- ترجمه: «ای گروه جنّ و انس، اگر می توانید از مرزهای آسمان ها بگذرید پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده)». (سوره الرحمن، آیه ۳۳) فقه الرضا علیه السلام، ص ۴۰۰.

اللَّهُمَّ رَبِّ دَانِيَالٍ وَالْجُبِّ وَرَبِّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ، إِحْفَظْنِي وَاحْفَظْ غَمِّي». (۱)

۳. در حدیث است که امام باقر علیه السلام برای دور کردن ضرر جانوران این دعا را سفارش فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِإِلَهِهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ هَامَّةٍ تَدْبُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (۲)

### دعا برای دور کردن ضرر زندگان

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که از عقرب می ترسد این آیات را بخواند: (سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ \* إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ)». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان از عقرب بترسی، شب هنگام به ستاره «سه‌ها» که نزدیک ستاره دوم «بنات النعش» است نگاه کن و سه مرتبه بگو: اللَّهُمَّ يَا رَبِّ أَسْلِمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَيِّئْنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ». (۴) راوی گوید: هر زمان که این دعا را خواندم عقرب

مرا نیش نزد. (۵)

۱- ترجمه: «بار خدایا، ای پروردگار دانیال وچاه، وای پادشاه هر شیر درنده، مرا وگوسفندانم را حفظ کن». خصال، ج ۲، ص ۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۷.

۲- ترجمه: «به نام خدای بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم)، محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست. پناه می برم به عزت خدا، پناه می برم به قدرت خدا بر هر چیزی که بخواهد از شر هر گزنده ای که در شب وروز می جنبد. همانا (امر) پروردگار من بر صراط مستقیم است». طب الأئمه، ص ۱۱۹.

۳- ترجمه: «سلام بر نوح در میان جهانیان باد! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم، چرا که او از بندگان ایمان ما بود». (سوره صافات، آیات ۷۹ - ۸۱) خصال، ج ۲، ص ۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۷.

۴- ترجمه: «پروردگارا، ای پروردگار ستاره اسلم (سه‌ها) بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما و ما را از شر هر صاحب شری حفظ کن».

۵- مکارم الأخلاق، ص ۲۹۱ الباب العاشر، الفصل الثانی.

۳. در روایتی دیگر فرمود: «کسی که از مار و عقرب می ترسد در ابتدای شب این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَخَذْتُ الْعَقَابَ وَالْحَيَاتِ كُلَّهَا، بِإِذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، بِأَفْوَاهِهَا وَأَذْنَابِهَا وَأَسْمَاعِهَا وَأَبْصَارِهَا وَفَوَاهِ عَيْنِي وَعَمَّنْ أَحْبَبْتُ إِلَى ضَحْوَةِ النَّهَارِ». (۱)

۴. در روایتی دیگر فرمود این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ وَفِي جَوَارِكَ وَاجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَاجْعَلْنِي فِي أَمْنِكَ». (۲)

### دعا برای دور کردن حشرات موذی

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله در برخی جنگ ها از آزار فراوان کک (۳) به آن حضرت شکایت کردند. حضرت

فرمود: هنگام خواب این دعا را بخوانید: أَيُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَتَّابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلِقًا وَلَا بَابًا، عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِأَمِّ الْكِتَابِ أَنْ لَا تُؤْذِنِي وَأَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَجِيءَ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ». (۴)

۱- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم) و درود خدا بر محمد و آل او. به اجازه خدای متعالدهان و دم و گوش و دیده و نیروی عقرب ها و مارها را از خود واز کسانی که دوست دارم تا روشنی روزبازداشتم».

۲- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). بر خدا توکل کردم و هر کس بر خدا توکل کند او برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را به سرانجام می رساند. خدایا، مرا در پناه و جوار خویش و حفظوامان خود قرار ده». مکارم الأخلاق، ص ۴۱۲.

۳- «کک» حشره ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاهای او بلند است به آسانی می جهد. خرطومیدارد که با آن خون انسان را می مکد (فرهنگ عمید).

۴- ترجمه: «ای حشره سیاه حمله کننده که از هیچ در و در بسته ای باک نداری، بر تو سوره حمد خواندم و میدم که تا صبح به من و همراهانم آزار نرسانی». مکارم الأخلاق، ص ۴۱۳.

## دعای یافتن گمشده

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مال یا حیوانش گمشده این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اِلٰهُ مَيِّنَ فِي السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ وَمَيِّنَ فِي الْاَرْضِ وَعَيْدُلٌ فِيهِمَا وَاَنْتَ الْهَادِي مَنَ الضَّلَالَةِ وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ، رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَاِنَّهَا مِنْ رِزْقِكَ وَعَطَيْتِكَ، اَللّٰهُمَّ لَا تَفْتِنْ بِهَا مُؤْمِنًا وَلَا تُغْنِ بِهَا كَافِرًا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ». (۱)

۲. امام رضا علیه السلام برای یافتن گمشده خواندن این دعا را سفارش فرمود: (وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقِهِ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبِّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) (۲) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَهْدِي مَنَ الضَّلَالَةَ وَتُنْجِي مَنَ الْعَمَى وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَغَفِرْ لِي وَرُدَّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ». (۳)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای یافتن رد گمشده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس بخواند و پس از نماز دست به سوی آسمان بلند کند و بگوید: اَللّٰهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ وَالْهَادِي مَنَ الضَّلَالَةِ،

۱- ترجمه: «بار خدایا، تو خدای موجودات آسمان ها وزمین و عدالت گستر در میان آنانی و تو هدایت کننده از گمراهی هستی و گمشده را باز می گردانی، گمشده مرا به من باز گردان که این کار از روزی و هدیه تو است. بار خدایا، با آن مؤمنی را آزمایش مکن و کافری را بی نیاز مگردان. بار خدایا، بر محمد بنده و رسول تو و بر خاندانش درود فرست». محاسن، ص ۳۶۳، ح ۱۰۰.

۲- ترجمه: «کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. و جز او کسی آنها را نمی داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود ندارد، جز اینکه در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است». سوره انعام، آیه ۵۹.

۳- ترجمه: «بار خدایا، تو (گمراهان را) از گمراهی هدایت می کنی و از نابینایی نجات می دهی و گمشده را باز می گردانی، بر محمد و آلش درود فرست و مرا بیمارم و گمشده ام را باز گردان و بر محمد و خاندانش درود فرست». مکارم الأخلاق، ص ۳۸۶.

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ ضَالَّتِي وَارْزُدْهَا إِلَيَّ سَالِمَةً، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ، يَا عِبَادَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَيَا سَيَّارَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، رُدُّوا عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَطَائِهِ». (۱)

### حکم تعویذ همراه جنب و حائض

در حدیث است که عبدالرحمان بن ابی عبدالله از امام صادق علیه السلام پرسید: شخصی تعویذی همراه خود دارد سپس جنب می شود چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد، اما اگر زن حائض شود باید تعویذ را در میان پوستی نگهداری کند». (۲) (چون در حائض آلودگی ظاهری استمرار دارد، برای جلوگیری از سرایت آن به تعویذ، چنین دستوری داده شده است).

### تعویذهای نامناسب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان هر چه از دعا و قرآن و تعویذ می خواهد برای چشم زخم و بیماری ها... بخواند، هنگامی که بداند چه می گوید (ودعاها محتوای صحیحی داشته باشد) و داخل نشود در تعویذها و دعای او چیزی که مفهوم آن را نمی فهمد». (۳)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «بسیاری از تعویذها و افسون ها کفر است». (۴)

(مضمون های کفرآلود دارد).

۱- ترجمه: «بار خدایا، ای بازگرداننده گمشده وای هدایت کننده از گمراهی، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و گمشده ام را حفظ کن و به من سالم باز گردان ای مهربان ترین مهربانان، زیرا این کار از فضل و بخشش تو است. ای بندگان خدا در زمین وای سیرکنندگان خدا در زمین، گمشده ام را به من بازگردانید، زیرا آن از فضل خدا و بخشش اوست». مکارم الأخلاق، ص ۳۹۸.

۲- طبّ الأئمة، ص ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۵، ح ۹.

۳- طبّ الأئمة، ص ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۴، ح ۱.

۴- طبّ الأئمة، ص ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۵، ح ۳ و ۴.



## فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواصّ برخی داروها

### تربت امام حسین علیه السلام

(بهترین راه برای استفاده از تربت آن حضرت این است که تربت کاملاً تمیزی انتخاب کنند، سپس به اندازه یک عدس یا یک نخود از آن را در یک استکان آب حل کنند و افراد مختلف با دعاها و آدابی که خواهد آمد، به قصد استشفای از آن بنوشند).

### محدوده تربت ودعای هنگام برداشتن آن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تربت شفا را تا یک فرسخ و یک سوم فرسخ از اطراف قبر می توان برداشت». (۱)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «تربت شفا را تا فاصله هفتاد ذرع (حدود سی و پنج متر) از قبر می توان برداشت» (۲) (اختلاف روایات ممکن است اشاره به

تفاوت تربت ها از نظر اهمیت باشد).

۳. در حدیثی ابوحزمه ثمالی آورده است که امام صادق علیه السلام فرمود: هنگام برداشتن تربت از قبر، سوره های حمد و (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) و آیه الکرسی را بخوان و بگو: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينِكَ وَبِحَقِّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَآخِي رَسُولِكَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَرَوْجِهِ وَلِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْاِئِمَّةِ

الرّاشدين وَبِحَقِّ هذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِهَا وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِي تَضَمَّنَتْ وَبِحَقِّ السَّبْطِ الَّذِي ضَمَّنَتْ وَبِحَقِّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ

۱- کامل الزیارات، ص ۲۸۰ و ۲۸۱، ح ۵.

۲- مصباح المتهدج، ص ۷۳۲.

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ هَذَا الطِّينَ شِفَاءً لِي وَلِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ، مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ. اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَسَعَةً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ وَجَمِيعِ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سِيسِ بِنَا: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّوبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَالْمَيْمُونَةِ وَالْمَلِكِ الَّذِي هَبَطَ بِهَا وَالْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمْ وَانْفَعْنِي بِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۱)

### فوائد وخواص تربت

۱. در بسیاری از روایات معتبر آمده است که خاک قبر حسین علیه السلام شفای هر درد و آن دواى بزرگ است. (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تربت آن حضرت شفای هر درد و امان از هر ترسی است». (۳)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به دردی دچار شود وبا تربت آن

۱- ترجمه: «بار خدایا، به حق محمد صلی الله علیه و آله بنده و دوست و پیامبر و رسول و امین ات و به حق امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بنده تو و برادر رسول تو و به حق فاطمه علیها السلام دختر پیامبر و همسر و لئیات و به حقیق حسن و حسین و به حق امامان هدایتگر و به حق این تربت و به حق فرشته ای که نگهبان آن است و به حق وصی ای که در آن مدفون است و به حق بدنی که در خود جای داده است و به حق سبطی که پذیرفته است و به حق تمام فرشتگان و پیامبران و رسولان، بر محمد و خاندانش درود فرست و این خاک را برای من و برای هر کسی که از آن شفا می طلبد شفای از هر درد و بیماری و امن از هر ترس روزی گردان و شفای از هر درد و بیماری و آفت و تمام دردها قرار ده که تو توانا بر همه چیز هستی». سپس بگو: «بار خدایا، ای پروردگار، این خاک مبارک و فرشته ای که بر آن فرود آمده و وصی ای که در آن مدفون شده است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به آن ثمر بخش، زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی». کامل الزیارات، ص ۲۸۳ و ۲۸۴، ح ۱۲.

۲- مصباح المتعبد، ص ۷۳۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۳، ح ۱۸.

۳- کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۴؛ طب الأئمه، ص ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۰، ح ۴۵.

حضرت خود را درمان کند بی شک شفا می یابد، مگر آنکه آن بیماری مرگ باشد». (۱)

۴. در روایتی دیگر فرمود: «خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای دردهاست، هر چند یک سوم فرسخ دورتر از قبر بردارند».

(۲)

۵. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زنی مقداری نخ به من داده که به خدمتکاران کعبه معظّمه بدهم تا پیراهن کعبه را با آن بدوزند. حضرت فرمود: «با آن مقداری عسل وزعفران بخر، سپس خاک قبر امام حسین علیه السلام را بگیر و با آب باران نرم کن و در میان عسل وزعفران بریز و به شیعیان ما بده تا بیماران خود را با آن مداوا کنند». (۳)

۶. در روایتی دیگر فرمود: «هیچ چیز در شفا بخشیدن مانند تربت نیست،

مگر دعا». (۴)

### تربت و ایمنی از بلا و تلف و ترس

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام فرزندان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که از بلاها امان می دهد». (۵)

۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام هیچ کالایی به جایی نمی فرستاد مگر اینکه مقداری از تربت امام حسین علیه السلام در میان آن می نهاد تا به برکت آن محفوظ بماند. (۶)

۱- کامل الزیارات، ص ۲۷۵، ح ۶.

۲- کامل الزیارات، ص ۲۷۵، ح ۴.

۳- کامل الزیارات، ص ۲۷۴، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵.

۴- کامل الزیارات، ص ۲۸۱، ح ۵.

۵- کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۲؛ مصباح المتّهجد، ص ۷۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۴، ح ۲۴.

۶- کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۱.

۳. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: بیماری های فراوان

دارم و هر دارویی مصرف کردم فایده نداشت. حضرت فرمود: «چرا تربت امام حسین علیه السلام را نمی خوری که در آن شفای هر درد و امان از هر بیماری است؟ هنگامی که تربت را برمی داری بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطَّيْنَةِ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي أَخَذَهَا وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَاجْعَلْ لِي فِيهَا شِفَاءً آ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ**» (۱)

آن شخص پرسید: شفای هر درد را فهمیدم، اما چگونه امان از هر خوفی است؟ حضرت فرمود: «هرگاه از ظالم یا بلایی پروا داشته باشی، هنگام خروج از خانه تربت آن حضرت را همراه داشته باش و هنگام برداشتن تربت بگو: **اللَّهُمَّ هَذِهِ طَيْنَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ إِتَّخَذْتُهَا حِرْزًا لِمَا أَخَافُ وَمَا لَا أَخَافُ**» (۲)

### مقدار خوردن تربت

مشهور میان علما آن است که می توان به مقدار یک نخود از تربت امام حسین علیه السلام (به قصد شفا) خورد، ولی از بعضی احادیث استفاده می شود که به مقدار یک عدس باشد؛ بنابراین، بهتر است بیش از یک عدس نباشد (وبهتر آن است که مقدار یک عدس را در کمی آب حل کنند و سپس آن را بنوشند).

### تسبیح تربت

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مؤمن باید همیشه پنج چیز

۱- ترجمه: «بار خدایا، به حق این خاک و به حق فرشته ای که آن را بر گرفته و به حق پیامبری که آن را قبض کرده و به حق وصیی که در آن آرمیده است از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در آن برای من شفای از هر درد و امان از هر ترسی قرار دهی». کامل الزیارات، ص ۲۸۲ و ۲۸۳، ح ۱۱.

۲- ترجمه: «بار خدایا، این خاک قبر حسین علیه السلام ولی تو و فرزند ولی تو است، آن را گرفته ام تا حرزی باشد برای آنچه می ترسم و آنچه نمی ترسم».

همراه داشته باشد: مسواک، شانه، جانماز، انگشتر عقیق، تسبیحی از تربت که (لااقل) سی و چهاردانه داشته باشد». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس تسبیح تربت آن حضرت را بگرداند، برای هر استغفاری هفتاد استغفار و اگر تسبیح را در دست نگاه دارد و چیزی نگوید در مقابل هر دانه تسبیح هفت استغفار برای او نوشته می شود».

(۲)

### شرط اثربخشی تربت

۱. در حدیث است که ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام پرسید: برخی مردم از تربت امام حسین علیه السلام استفاده می کنند و نتیجه می گیرند و برخی دیگر نتیجه نمی گیرند، علت آن چیست؟ حضرت فرمود: «والله هر کس معتقد باشد که تربت سودمند است نتیجه می گیرد». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «قرار دادن تربت در جای نامناسب و کم اعتقاد بودن به آن از برکتش می کاهد. اما کسی که یقین دارد تربت شفاست، هر وقت با آن معالجه کند بی شک نیاز به داروی دیگر نخواهد داشت». (۴)

### آداب استفاده از تربت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خوردن تربت،

نخست آن را ببوس و بر هر دو دیده بگذار و بیش از یک نخود (یا عدس) نخور که هر کس بیش از آن بخورد گویا گوشت و خون ما را خورده است و هنگامی که

۱- مصباح المتهجد، ص ۷۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۶، ح ۷۶.

۲- مصباح المتهجد، ص ۷۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۶، ح ۷۷.

۳- کامل الزیارات، ص ۲۷۴، ح ۱.

۴- کامل الزیارات، ص ۲۸۰ و ۲۸۱، ح ۵.

آن را از قبر برمی داری بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَهَا وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ، سپس تربت را در پارچه ای ببند و سوره (اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ) را بر آن بخوان». (۱)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «به هنگام خوردن تربت، این دعا را بخواند: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاِسْعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. اَللّٰهُمَّ رَبِّ التُّزْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَرَبِّ الْوَصِيَّةِ الَّذِي وَاَرَّثَهُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ وَاَجْعَلْ هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ». (۲)

### خرید و فروش تربت

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خاک قبر امام حسین علیه السلام را خرید و فروش کند، گویا گوشت امام حسین علیه السلام را خرید و فروش کرده است». (۳) (سزاوار است فروشندگان نیت هدیه کنند و خریداران نیز پول را به

نیت هدیه بدهند).

### تربت گذاشتن در کفن

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که میت را دفن کردند، در برابر صورتش مهوری از خاک قبر امام حسین علیه السلام بگذارند». (۴)

۱- مصباح المتهجد، ص ۷۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۵، ح ۷۳؛ دعوات راوندی، ص ۱۸۶، ح ۵۱۵. ترجمه آن گذشت.  
 ۲- مصباح المتهجد، ص ۷۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۴، ح ۷۰؛ دعوات راوندی، ص ۱۸۷، ح ۵۱۶. ترجمه شبیه آن گذشت.

۳- کامل الزیارات، ص ۲۸۶، ح ۵.

۴- مصباح المتهجد، ص ۷۳۵.

## خواص برخی خوراکی ها و گیاهان

## عَنَاب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فضیلت عَنَاب بر سایر خوراکی ها، همچون فضیلت ما بر سایر مردم است»، (۱).

۲. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عَنَاب تب را از بین می برد»، (۲).

۳. در حدیث است که ابن ابی الخضیب می گوید دید گانم سفید شده بود و هیچ نمی دیدم. شبی حضرت علی علیه السلام را در خواب دیدم (و مشکلم را به حضرت عرض کردم) فرمود: «عَنَاب را بکوب و در چشم ات بکش». هنگامی که از خواب بیدار شدم عَنَاب را به آرامی کوبیدم و در دید گانم کشیدم و بینا شدم. (۳).

## سیاهدانه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شفای همه دردها، جز مرگ، در سیاهدانه است»، (۴).

۲. در حدیث است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونگی استفاده از سیاهدانه را پرسیدند. حضرت فرمود: «بیست و یک دانه آن را در پارچه ای قرار داده، یک شب آن را در آب خیس می کنی و صبح هنگام دو قطره در بینی راست و دو قطره در بینی چپ می چکانی، روز دوم نیز به همین ترتیب عمل می کنی، در روز سوم در بینی راست یک قطره و در بینی چپ دو قطره می چکانی و هر شب دانه ها را تازه می کنی»، (۵).

۱- مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۷۵.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶.

۴- طبّ الأئمّه، ص ۶۸.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.

۳. در حدیث است که شخصی از تکرر ادرار که موجب آزار واذیت وی شده بود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «در آخر شب، سیاهدانه بخور. من آن را برای مداوای تب، سردرد، چشم درد، درد شکم و همه دردها می خورم و خداوند مرا شفا می دهد». (۱)

### اسفند

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بر هر یک از برگ و دانه و بوته اسفند تا زمانی که بپوسد، فرشته ای نگهبان است. ریشه و شاخه اسفند اندوه و سحر را برطرف می کند و در دانه اش شفای هفتاد و دو درد است؛ بنابراین، خود را با اسفند و گندر معالجه کنید». (۲)

۲. در حدیث است که پیامبری از پیامبران الهی از ترسو بودن امت خود به خدا شکایت کرد. وحی آمد که به امت دستور بده اسفند بخورند که باعث شجاعت (آنها) می شود. (۳)

### انجیر

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر بخورید که برای از بین بردن قولنج مفید است». (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «انجیر بوی بد دهان را برطرف و استخوان را محکم و دردها را زایل می کند و باعث رویش مو در بدن می شود». (۵)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۶.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۶.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۶.

۴- طب الأئمه، ص ۱۳۷.

۵- کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، باب التین، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۳.



۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خوردن انجیر تازه و خشک، بواسیر را قطع و نقرس (۱) را درمان می کند». (۲)

### کندر و هلیله زرد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کندر برگزیده پیامبران است و هیچ دردی زودتر از درد آن به آسمان بالا نمی رود (و برطرف نمی شود) و دورکننده شیاطین و برطرف کننده بلاهاست». (۳)

۲. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم بدانند هلیله زرد چه منافع و خواصی دارد، بی گمان هم وزن آن طلا خواهند داد». (۴)

### خرفه و کرفس

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برگ خرفه بر عقل می افزاید و هیچ گیاهی شریف تر و سودمندتر از آن نیست». (۵)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کرفس بخورید که غذای حضرت الیاس و یسع و یوشع بن نون بوده است». (۶)

### بادروج و کاهو و سداب

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بادروج (۷) از ما وتره تیزک

۱- «نقرس» ورم همراه با درد است که در مفاصل پا و بند انگشتان، به خصوص شصت پا بروز می کند.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۷.

۴- طبّ الأئمه، ص ۸۶.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۰.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۶۶، باب الکرفس، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۰.

۷- «بادروج»، ریحان کوهی، گیاهی است دارای برگ های ریز و گل های سرخ رنگ. به معنای گل بستان افروز هم گفته اند. بادرویه و بورنگ و بوینگک نیز گفته شده (فرهنگ عمید).

از بنی امیه است». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از کاهو استفاده کنید، که کاهو خون را تصفیه می کند». (۲)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سداب (۳)

بخورد و شب هنگام بخوابد، در آن شب از دردهای داخلی و بیرونی و ذات الجنب در امان است». (۴)

### اسفرزه و سنا و کاسنی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس تب کند و در شب اول معادل دو یا سه درهم (حدود نیم مثقال) اسفرزه بخورد، از سرسام

و ذات الجنب در آن بیماری حفظ می شود». (۵)

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود «بیماری های خود را با سنا درمان کنید (۶) که اگر چیزی مرگ را درمان کند آن چیز سنا است». (۷)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: چهار چیز است که طبیعت ها را به اعتدال می آورد: انار سورانی (۸) ، خارک پخته شده بنفشه و کاسنی». (۹)

۱- کافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۳، از امام صادق علیه السلام.

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۶۷، باب الخس، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۳.

۳- معنای «سداب» در پاورقی صفحه ۴۴۰ گذشت.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۱.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸.

۶- «سینا» گیاهی است دارای برگ های باریک شبیه برگ حنا، گل هایش کبودرنگ و دانه های آن ریز و در غلافی شبیه غلاف باقلا- جا دارد و بیشتر در حجاز می روید و بهترین آن، سنای مکی است. برگ آن در طب مانند مسهل استعمال می شود (فرهنگ عمید).

۷- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸.

۸- «سورانی» منسوب به سوری (بر وزن طویی) محلی در عراق است. شاهد بر این مطلب روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «اگر من در عراق بودم هر روز یک دانه انار سورانی می خوردم و یک بار در آب فرات آب تنی می کردم». (خصال مترجم، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، چاپ انتشارات علمیها سلامیه، ص ۲۷۵).

٩- خصال، ج ١، ص ٢٢٩، ح ١٠٠؛ بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٢١، ح ١.

## نمک و سرکه و اشنان

نمک و سرکه و اشنان (۱)

۱. در چندین روایت آمده است که مالیدن نمک، زهر عقرب و دیگر گزندگان را از بین می برد. (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه شراب، بُن دندان را محکم می کند و کرم های شکم را می کشد و عقل را تقویت می کند». (۳)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خوردن اشنان، زانوها را سست و آب پشت را فاسد و دهان را بدبو می کند». (۴)

## زنیان و گردو و آبشم

زنیان (۵) و گردو و آبشم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنیان و گردو را با هم بخورید که بواسیر را می سوزاند و بادها را بیرون می کند و معده را محکم می سازد و کلیه ها را گرم می کند». (۶)

۱- «اشنان» گیاهی است دارای شاخه های باریک و ساقه سبتر که در شوره زارها می روید. طعم آن شور است و چهارپایان آن را می خورند. ریشه آن را پس از خشک کردن، نرم می کوبند و در شستن لباس به کار می برند (فرهنگ عمید).

۲- کافی، ج ۶، ص ۳۲۷، ح ۹ و ۱۰.

۳- کافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹.

۴- کافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۱ و ۲.

۵- زنیان (نانخواه) تخمی است زردرنگ و خوشبو، طعم آن اندکی تند و تلخ، گاه آن را روی نان می زنند. جوانی وزنیان وزنیان وزنیان و ساسم هم گفته شده (فرهنگ عمید، شرح واژه نانخواه).

۶- مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «آبشم و نمک با هم، بادها را بیرون، دهان را خوشبو، معده را نرم، لقوه (۱) را درمان، قوت جماع را بسیار می کند، سُدّه (۲) را

می گشاید، بلغم را می سوزاند و موجب ادرار می شود». (۳)

### زنیان و آبشم و سیاهدانه

در روایتی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنیان، سیاهدانه و آبشم را سفوف کرده و بعد از لبتیات و غذاهایی که بیم ضرر داشت می خورد و گاه با نمک ساییده مخلوط می کرد و پیش از غذا می خورد و می فرمود: «هنگامی که صبحگاهان این دارو را می خورم از خوردن هیچ چیز باکی ندارم. این دارو معده را تقویت می کند و بلغم را از بین می برد و از لقوه امان می دهد». (۴)

### عسل

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند با عسل برکت را فرستاد و شفای همه دردها در عسل است و در آن هفتاد برکت است». (۵)

۱- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می گردد (فرهنگ عمید).

۲- «سُدّه» در اصطلاح طب، چیزی که در روده گیر کند و مانع خروج مدفوع شود (فرهنگ عمید).

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۱۸۷.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۱۶۶.

## فصل دهم: آداب معاشرت با مردم و حقوق آنان

### اشاره

۱. حقوق خویشاوندان و خادمان
۲. حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله
۳. اُخوت و صداقت
۴. حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حُسن معاشرت با مردم
۵. برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران
۶. دیدار مؤمن و عیادت از بیماران
۷. اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک ها به مؤمنان
۸. حقوق فقرا، ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان
۹. رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان
۱۰. آداب رفتار با ظالمان
۱۱. آداب معاشرت با کافران و مخالفان
۱۲. حقوق مردگان بر زندگان



## حقوق خویشاوندان و خادمان

### اهمیت صلہ رحم و فواید آن در دنیا

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ عملی ثوابش زودتر از صلہ رحم به صاحب آن نمی رسد». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «صلہ رحم و معاشرت نیکو با همسایگان، خانه ها را آباد و عمر انسان ها را زیاد می کند». (۲)

۳. در احادیث فراوانی آمده است که: نیکی به خویشاوندان باعث قبولی اعمال و زیاد شدن اموال و دور شدن بلاها و طولانی شدن عمر و آسان شدن حساب روز قیامت می شود. (۳)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چیزی مانند صلہ رحم بر عمر نمی افزاید، به گونه ای که گاه از عمر کسی سه سال بیشتر نمانده که به سبب صلہ رحم، سی و سه ساله می شود و گاه از عمر کسی سی و سه سال مانده که به سبب قطع صلہ رحم، سه ساله می شود». (۴)

---

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۴.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۷.



۵. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من برای کسی که صله رحم کند چند چیز را ضمانت می کنم: خداوند او را دوست می دارد، روزی اش بسیار می شود، عمرش طولانی می شود، وارد بهشت می گردد».

(۱)

۶. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه خویشاوندان به یکدیگر بدی کنند، مالشان به دست بدکاران می افتد».

(۲)

۷. در روایتی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «سه چیز است که هر کس مرتکب آن شود پیش از مردن سزای آن را می بیند: ظلم و قطع رحم و دروغ. و بسیار اتفاق می افتد که مال و فرزندان جماعتی بدکردار به سبب صله رحم بسیار می شود. و قسم دروغ و قطع صله رحم، خانه ها را از اهلش خالی و نسل را نابود می کند».

(۳)

### فواید صله رحم برای آخرت

۱. در چندین حدیث معتبر آمده است که: «پیوند خویشاوندی در روز قیامت به عرش الهی چنگ می زند و می گوید: پروردگارا، هر که مرا در دنیا صله کرده، تو امروز او را به رحمت متصل فرما و هر که مرا در دنیا قطع کرده، تو امروز او را از رحمت خود قطع کن».

(۴)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دو سمت پل صراط، امانت و صله رحم است. کسی که در امانت مردم خیانت نکرده و با خویشاوندانش نیکی کرده، به آسانی از صراط عبور می کند و زود وارد بهشت

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷، ح ۹۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۸.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۴۷، ح ۴؛ خصال، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۹۹.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۷، ۸ و ۱۰.

می شود. و کسی که در امانت خیانت و قطع رحم کرده، اعمال دیگر سودی به حالش ندارد و صراط او را در آتش می افکند».

(۱)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس با پای خود به خانه خویشان برای دیدار با آنها برود، یا به آنها کمک مالی کند، خداوند متعال ثواب صد شهید به او کرامت می کند. و معادل هر قدمی که برمی دارد چهل هزار حسنه در نامه اعمالش می نویسد و چهل هزار گناه از گناهانش محو می کند و چهل هزار درجه در بهشت بر درجاتش می افزاید. و چونان کسی است که صد سال خدا را با اخلاص عبادت کرده است».

(۲)

۴. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس حق خویشاوندانش را مراعات کند، خداوند متعال در بهشت هزار درجه به وی کرامت کند که از هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد. یک پله از نقره و دیگری از طلا و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزهایی که خداوند در بهشت خلق کرده است».

(۳)

۵. نیز در حدیثی فرمود: «بوی بهشت از هزار سال راه به مشام می رسد، ولی عاق پدر و مادر و قطع کننده پیوند خویشاوندی و پیرمرد زناکار آن را استشمام نمی کنند».

(۴)

۶. در سخنی دیگر فرمود: «سه کس وارد بهشت نمی شود: شرابخوار، جادوگر، کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کند».

(۵)

۱- عدّه الدّاعی، ص ۸۱.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹.

۳- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۳۳، ح ۲۰۲.

۴- کافی، ج ۷، ص ۲۶۱، ح ۵.

۵- خصال، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۲۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۱، ح ۶.

**حَقِّ صِلَه رَحْم**

۱. در روایتی معتبر آمده است که شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید: بستگانی دارم که شیعه نیستند، آیا حَقِّی بر من دارند؟ فرمود: «آری. حَقِّ رَحْم را هیچ چیز قطع نمی کند؛ اگر شیعه باشند دو حق دارند: یکی رَحْم و دیگری حَقِّ اسلام». و فرمود: «صله رَحْم و نیکی با برادران مؤمن، حساب قیامت را آسان می کند و انسان را از گناه حفظ می کند؛ پس صله رَحْم و نیکی با برادران خود را ترک نکنید، اگرچه به سلام کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد». (۱)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «در شب معراج دیدم که شخصی از یکی از خویشاوندان خود شکایت می کند. به اذن پروردگار از او پرسیدم: در چند پشت نسبت تو واو به هم می رسد؟ گفت: در چهل پشت». (۲)

**رعایت حقوق خادمان**

۱. در روایتی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس دارای چهار صفت باشد خداوند او را در اعلیٰ علیین، در برترین غرفه های شرف، سکنی می دهد: یتیمی را پناه دهد و از او مراقبت کند و برایش همچون پدری مهربان باشد، بر ضعیفان ترحم و به آنها کمک کند، مال خود را صرف نیازهای پدر و مادرش کند و با آنها مدارا کند و به والدین خود نیکی کند و آنها را آزرده خاطر نسازد، با خدمتکار خود خشن رفتار نکند و در خدماتش او را یاری دهد و وادار بر کارهایی نکند که برایش سخت و دشوار است». (۳)

۲. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم که به اصحابش فرمود: «دوست

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۳۱.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۵.

۳- امالی مفید، ص ۱۶۷.

دارید بدترین مردم را به شما معرفی کنم؟» گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: «کسی که تنها سفر رود و عطای خود را از مردم منع کند و خادم خود را کتک بزند». (۱)

## حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله

### رعایت حقوق همسایگان

#### اهمیت حق همسایه

۱. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جبرئیل پیوسته مرا به رعایت حق همسایه سفارش می کرد به حدی که گمان کردم برای همسایه ارث قرار خواهد داد». (۲)

۲. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا حقی به غیر از زکات در اموال هست؟ فرمود: «آری، نیکی و احسان به خویشاوندانی که به تو بدی کرده اند و احسان به همسایه مسلمان؛ بی شک کسی که شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است». (۳)

#### حقوق همسایه و حدود همسایگی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق مالی، حق ماعون است (۴) که خداوند در مورد آن تهدید به جهنم کرده و آن وامی است که به

۱- محاسن، ص ۳۵۶، ح ۶۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۸۰۸.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۹.

۳- امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۴- «ماعون» از ماده «مَعَن» (بر وزن شَأْن) به معنای چیز کم است و بسیاری از مفسران معتقدند که منظور از آن در اینجا، اشیاء جزئی است که مردم به ویژه همسایگان به عنوان عاریه یا تَمَلُّک می گیرند؛ مانند مقدار ینمک، آب، آتش (کبریت) و جز اینها. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۱، ذیل تفسیر آیه ۷ سوره ماعون.

همسایه دهد، یا به آنها نیکی کند، یا ضروریات خانه را به آنها عاریت دهد». راوی عرض کرد: ما همسایگانی داریم که اگر چیزی به آنها امانت دهیم آن

را شکسته و ضایع می کنند، اگر ندهیم مرتکب گناه شده ایم؟ فرمود: «گناهی بر شما نیست». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «منع کردن همسایگان از نمک و آتش (واشیاء کوچک ضروری زندگی) جایز نیست». (۲)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایگان را از ماعون منع کند، خداوند متعال خیر و احسانش را از وی منع کرده و او را به حال خود وامی گذارد و کسی را که خداوند به حال خود واگذارد، وای به حال او». (۳)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از قرض دادن نان و همچنین دادن وسیله آتش افروزی به همسایه خودداری نکنید که این امور باعث فراوان شدن روزی بر اهل خانه می شود و از جمله مکارم اخلاق است». (۴)

۵. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «تا چهل خانه از هر طرف همسایه اند». (۵)

### بدترین بلاها

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز از بدترین بلاهاست: پادشاه یا حکمرانی که اگر به وی احسان و نیکی کنی قدردانی نکند و اگر به او بدی کنی درنگذرد، همسایه ای که چشمش تو را ببیند و دلش مرگ تو

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۷۰، ح ۱۱؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۵۷، ذیل آیه ۷ سوره ماعون.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۰۸، ح ۱۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۰.

۴- کافی، ج ۵، ص ۳۱۵، ح ۴۷.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۶۹، باب حدّ الجوار، ح ۱.

را بخواهد، اگر کار خوبی از تو ببیند آن را بپوشاند و برای دیگران بیان نکند و هرگاه کار بدی ببیند آن را منتشر سازد، زوجه ای که اگر حاضر باشی تو را شاد نکند و اگر غایب باشی خاطر تو از او مطمئن نباشد». (۱)

### زیان های همسایه آزاری و فواید رعایت حقوق همسایه

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایه اش را بیازارد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می کند و جایگاهش جهنم باشد». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به همسایه اش به اندازه یک وجب زمین خیانت کند، خداوند متعال آن زمین را تا طبقه هفتم به شکل طوقی در آورده و بر گردنش بیندازد و آن طوق تا هنگامی که او را برای حساب آورند در گردنش باشد، مگر آنکه توبه کند و آن زمین را به صاحبش بازگرداند». (۳)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایه اش را به خاطر طمع در خانه او آزار دهد، خداوند خانه اش را به همسایه اش برساند». (۴)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس آزارش را از همسایه اش بازدارد، خداوند در روز قیامت از گناهانش درگذرد». (۵)

### حقوق یتیمان

#### سرپرستی یتیمان

وَلِيُّ يَتِيمٍ كَمَا حَقَّ تَصَرُّفٌ فِي أَمْوَالِ يَتِيمٍ رَا - الْبَتَّةُ فِي دَرَجَاتِ مَصَالِحِ وَي -

۱- قرب الإسناد، ص ۸۳، ح ۲۵۳.

۲- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۹.

۳- امالی صدوق، ص ۴۲۷.

۴- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۵- امالی صدوق، ص ۵۵۲، ح ۴.

دارد، پدر وجد پدری و وصی است که آنها تعیین کنند.

واگر هیچ یک از این سه تن نباشند، حاکم شرع یعنی امام معصوم یا منتخب امام معصوم است. و در عصر غیبت، بیشتر علما معتقدند مجتهد جامع شرایط یا کسی که از طرف او مأذون باشد این مسؤولیت را بر عهده می گیرد.

از روایات اسلامی استفاده می شود که مؤمنان نیکوکار می توانند برای رضای خدا عهده دار امور ایتم و حفظ اموالشان شوند تا آنچه را که به نفع و مصلحت و غبطه آنان باشد رعایت کنند. و چنانچه وضع مالی مناسبی نداشته باشند و تلاش برای نگهداری اموال یتیم، مانع کسب و کارشان شود می توانند به مقدار مخارج ضروری از مال یتیم استفاده کنند و احتیاط آن است که چیزی بیش از اجره المثل متعارف چنین کاری بر ندارند.

نیز پدر وجد پدری و وصی باید نهایت دقت را در رعایت غبطه و مصلحت یتیم مبذول دارند. و اگر توانایی بر پرداخت بدهی های خود نداشته باشند نمی توانند برای این منظور از اموال یتیم استفاده کنند. و چنانچه پدر وجد پدری وضع مالی خوبی نداشته باشند می توانند به مقدار مخارج ضروری خود از مال یتیم استفاده کنند. و اگر مادر هم نیازمند باشد، ولی می تواند نفقه اش را از مال یتیم بردارد. و چنانچه مقدار هزینه های یتیم را محاسبه کرده، با مخارج خویش مخلوط سازد و با هم از آن استفاده کنند اشکالی ندارد.

### یتیم نوازی و پاداش آن در دنیا و آخرت

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس از سنگدلی و قساوت قلب خویش آزرده باشد و بخواهد قلبش نرم شود، یتیمی را نزد خود آورد و با او مهربانی کند و بر سر سفره اش بنشاند و از روی مهربانی دست بر سرش بکشد، چرا که یتیم بر مردم حقی بزرگ دارد». (۱)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۵۷۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۷، ح ۳.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از یتیمی نگهداری کند و نفقه اش را بپردازد، من او در بهشت مانند این دو انگشت (اشاره به انگشت اشاره و وسط) در کنار هم خواهیم بود». (۱)

۳. نیز در روایتی فرمود: «هر کس یتیمی را به خانه اش آورد و هزینه اش را تا زمانی که بی نیاز شود بپردازد، خداوند بهشت را بر او واجب می کند، همان گونه که جهنم را بر خورنده مال یتیم واجب کرده است». (۲)

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر مرد وزن مؤمنی از روی ترحم و مهربانی دست بر سر یتیمی بکشد، خداوند متعال به عدد هر تار مویی که از زیر دستانش عبور کند، برایش حسنه ای می نویسد». (۳)

۵. و در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند در مقابل هر تار مویی، در قیامت نوری به وی می دهد». (۴)

۶. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر گاه یتیمی بگرید، عرش پروردگار بر اثر گریه او به لرزه درمی آید و خداوند فرماید: چه کسی

این بنده ام را که پدر و مادرش را از او گرفته ام به گریه آورده است؟ به عزت و جلالم سوگند که هیچ بنده ای او را ساکت و آرام نکند، مگر آنکه بهشت را برایش واجب می کنم». (۵)

### مجازات به ناحق خوردن مال یتیمان

۱. در چندین حدیث معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند

۱- قرب الإسناد، ص ۹۲، ح ۳۰۲.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۴۴؛ کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۲.

۳- ثواب الأعمال، ص ۲۳۷، ح ۱.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۵۶۹.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۵۷۳؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۷، ح ۱.



متعال برای کسی که مال یتیم را به ناحق بخورد دو مجازات در نظر گرفته است: یکی عذاب جهنم در آخرت و دو دیگر آنکه مردم با یتیمانش (در دنیا) همان کاری کنند که او با یتیمان دیگران کرده است». (۱)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت گروهی را از قبر مبعوث می کند که آتش از دهانشان شعله ور است و آنها کسانی هستند که مال یتیم خورده اند، همان گونه که خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت) فقط آتش می خورند و به زودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند. (۲)» (۳)

۳. در احادیث معتبر آمده است: خوردن مال یتیم به ناحق، از جمله گناهان کبیره است. (۴)

### حقوق قبیله و عشیره

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پرهیزید از اینکه حقوق دیگران را تباه کنید و بر مشکلات شکیبایی کنید و اگر کسی از قبیله شما از شما چیزی بخواهد که ضررش برای شما بیش از نفع آن است قبول نکنید». (۵)

۲. در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی علیه السلام در بیماری صعصعه بن صوحان که از بزرگان اصحاب آن حضرت بود، به عیادت وی رفت و به صعصعه فرمود: «اینکه من به عیادت تو آمدم بر قوم خود فخر نکن و اگر مشکلی برای

آنها به وجود آمد خود را کنار نکش که انسان از قوم و قبیله اش بی نیاز نیست،

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۳۸.

۲- سوره نساء، آیه ۱۰.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۷.

۴- فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۳۲.

۵- امالی طوسی، ج ۱، ص ۷۱.

بلکه به آنها محتاج است. اگر آنها را کمک نکنی کمکی را از آنها دریغ داشته ای و در مقابل، کمک های فراوانی را از خود دریغ کرده ای؛ بنابراین، اگر آنها را در حال خوشی بینی در آن خوشی به آنها کمک کن و اگر در بلا و مشکلی دیدی آنها را به خودشان وانگذار. البته کمک های متقابل شما باید در مسیر اطاعت خدا باشد. اگر در مسیر اطاعت خدا و دوری از معصیت به هم کمک کنید همیشه در رفاه و نعمت خواهید بود». (۱)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که: چند اسیر از کفار را (که مرتکب جرایم سنگینی شده بودند) نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آوردند. یکی از آنها را خواستند گردن بزنند که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، این اسیری را که می خواهی گردن بزنی به مردم غذا می داد و میهمان داری می کرد و هزینه هایی را که بر قبیله اش تحمیل می شد پرداخت می کرد و بارهای سنگین خانواده را خود به دوش می کشید. سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن اسیر فرمود: «خداوند چنین وحی فرستاده است و من به سبب این خصلت ها از کشتن تو صرف نظر کردم». اسیر گفت: پروردگار تو این صفات را دوست دارد؟ حضرت فرمود: «آری». اسیر شهادتین بر زبان جاری کرد و مسلمان شد و سپس گفت: به حقّ خدایی که تو را به راستی فرستاده، هرگز کسی را از مال خود برنگردانده ام. (۲)

## أخوت و صداقت

## أخوت و برادری

## اهمیت أخوت

۱. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت، به امام حسن مجتبی علیه السلام چنین وصیت کرد: «برای رضای خدا با برادران (دینی) برادری کن

۱- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲- محاسن، ص ۳۸۸، ح ۱۴.

وانسان های نیکوکار را به خاطر صلاح (وایمانشان) دوست بدار». (۱)

۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «پس از اسلام، سودمندتر از برادری که انسان برای رضای خدا برای خود انتخاب می کند وجود ندارد». (۲)

۳. در احادیث معتبر می خوانیم که: اخوت و برادری و آشنایی مؤمنین، در عالم ارواح ایجاد شده و هنگامی که یکدیگر را در این دنیا می بینند به سوی یکدیگر جذب می شوند. (۳)

### انواع و آثار اخوت

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برادران بر دو نوع اند: برادری که در دوستی و یاری مورد اعتماد باشد، برادری که برای سرگرمی و گفت و گو مورد اعتماد باشد. اما گروه اول به منزله دست وبال و اهل و مال هستند و هنگامی که بر چنین برادری اعتماد کردی برای او از جان و مال خود هزینه کن و با دوستانش دوستی و با دشمنانش دشمنی کن. رازش را پوشان و عیوبش را پنهان و نیکی هایش را آشکار کن. این گونه برادران همچون کبریت احمر (۴) کمیاب هستند. اما گروه دوم از همنشینی با آنها لذت می بری، این را از

آنان دریغ نکن و بیش از این از آنها توقع نداشته باش». (۵)

۲. در حدیث است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: بسیار اتفاق می افتد که بی سبب به حدی اندوهگین و ناراحت می شوم که اهل و عیال و دوستانم آثار

۱- امالی طوسی، ج ۱، ص ۷.

۲- امالی طوسی، ج ۱، ص ۴۶.

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۴، باب ۷۹، ح ۱ و ۲؛ وج ۲، ص ۴۲۶، باب ۱۶۱، ح ۷ با اندکی اختلاف.

۴- گوگرد معمولاً زردرنگ است و گوگرد سرخ بسیار کمیاب است. در عربی از اشیاء کمیاب به «کبریت احمر» یاد می کنند.

۵- خصال، ج ۱، ص ۸۹، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۹۳، ح ۳.

آن را در چهره ام می بینند، علمت آن چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند متعال مؤمنان را از طینت بهشت آفریده و از نسیم رحمت خود در آنان جاری کرده است؛ بدین سبب، مؤمنین برادر پدری و مادری یکدیگرند و هنگامی که اندوهی به روح یکی از مؤمنان برسد دیگر مؤمنان به سبب اندوه او محزون می شوند». (۱)

### حقوق وپاداش اخوت

۱. در احادیث معتبر می خوانیم که: مؤمن برادر مؤمن و دیده وی و راهنمای اوست، به او خیانت و ظلم نمی کند، فریض نمی دهد، اگر به او وعده دهد تخلف نمی کند، به او دروغ نمی گوید و غیبتش را نمی کند. (۲)

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای خود، برادر مؤمنی انتخاب کند خانه ای در بهشت یافته است». (۳)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نگاه کردن به چهره امام عادل و شخص عالم و پدر و مادر از روی مهربانی، عبادت است و نظر کردن بر چهره برادر مؤمنی که او را برای خدا دوست داری عبادت است». (۴)

### دوستی

#### اهمیت دوستی

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «محبت و دوستی بیست ساله، به منزله خویشاوندی است. و علم، اهلش را با یکدیگر بیشتر ربط می دهد تا رابطه پدری». (۵)

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۳ و ۵.

۳- ثواب الأعمال، ص ۱۸۲؛ امالی مفید، ص ۳۱۶، ح ۸.

۴- امالی طوسی، ج ۲، ص ۶۹.

۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۱، ح ۱۲.

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین عیش و خوشی دنیا، منزل وسیع و دوستان بسیار است». (۱)
۳. در حدیث است که حضرت لقمان به پسرش گفت: با صد تن همنشین و دوستی داشته باش، ولی با یک تن هم دشمنی نکن. وراضی باش که غلام نیکان باشی، اما فرزند بدان نه». (۲)
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج چیز در هر کس نباشد زندگی بر او گوارا نخواهد بود: سلامتی، امتیث، توانگری، قناعت، دوست موافق و خوب». (۳)
۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس را پنددهنده ای از درونش و زجرکننده ای از نفسش و همنشین و دوستی که او را به راه خیر بدارد نباشد، شیطان بر وی مسلط می شود». (۴)

### معیارهای دوستی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر یک از برادران مؤمن سه مرتبه بر تو خشم گیرد و در هیچ مرتبه سخن زشتی در حق تو نگوید، سزاوار دوستی است». (۵)
۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر می خواهی نعمت (پروردگار) بر تو تمام شود و مردی و مرؤت در حق تو کامل گردد و امور زندگی به کام تو باشد، مردم پست را شریک کارهایت نکن که اگر آنها را امین خود کنی

۱- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۷۷، ح ۱۶.

۲- معانی الأخبار، ص ۲۵۳.

۳- امالی صدوق، ص ۲۹۱، ح ۱۵.

۴- امالی صدوق، ص ۴۴۱، ح ۲.

۵- امالی صدوق، ص ۶۶۹، ح ۷.

به تو خیانت می کنند و اگر سخنی با تو گویند دروغ می گویند و اگر بلایی دامنگیر تو شود به یاری تو نمی شتابند. (بلکه) با عاقل همنشینی و دوستی کن، هر چند کریم نباشد (بدین صورت که) از عقلش استفاده کنی و از اخلاق زشت وی دوری گزینی. و با کریم همنشینی و دوستی کن هر چند عاقل نباشد، تا به

عقل خود از کرمش سودمند شوی و به طور جدی از احمقی که بخیل باشد

دوری کن». (۱)

### مراتب و حقوق دوستی

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «صداقت و یاری و دوستی مراتب مختلفی دارد. هر کس تمام مراتب آن را دارا نباشد او را به کمال صداقت و دوستی نسبت نده و کسی که هیچ مرتبه ای از مراتب آن را ندارد، هیچ یک از مراتب صداقت را برای او قائل نشو (مراحل صداقت این است که): آشکار و پنهانش با تو یکی باشد، خوبی های تو را خوبی های خود و عیوب تو را عیوب خود بداند، به هنگام دسترسی به مال یا مقام تغییر روش ندهد، آنچه

از امکانات به او برسد از تو منع نکند، به هنگام بلاها و سختی ها تو را

تنها نگذارد». (۲)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خود را در موقعیت تهمت و اتهام قرار دهد، کسی را که گمان بد به او می برد سرزنش نکند. و هر که رازش را پنهان دارد زمام امورش به دست خودش باشد. و هر سخنی که از دو تن گذشت فاش می شود. و هنگامی که با کسی برادری کردی آنچه را از او می بینی حمل بر صحت کن، تا جایی که دیگر احتمال صحیحی ندهی و مبادا

۱- فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۵۶.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۳، ح ۱.

گمان بد ببری بر سخنی که از برادر دینی ات شنیده ای تا آنجا که امکان حمل بر صحت باشد. و به هنگام خوشی، دوستان نیک فراوانی تهیه کن که به هنگام بدی و بلا، سپری در مقابل دشمنان هستند. و با کسانی مشورت کن که خداترس باشند. و برادران مؤمن را به قدر پرهیزگاریشان دوست مدار. و از زنان بد پرهیز و از نیکانشان برحذر باش». (۱)

### حدّ دوستی و مقدار توقع از دوست

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به برادر و دوست آن قدر اعتماد نکن که رازهای خود را به وی بسپاری، زیرا هنگامی که از تو برگردد چاره ای نتوانی کرد». (۲)
۲. در روایتی دیگر فرمود: «دوستانت را از رازها و اسرار خود آگاه نکن، مگر رازی که اگر دشمنت هم بداند به تو ضرری نمی رسد، زیرا گاهی دوست دشمن انسان می شود». (۳)
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان زیاده روی نکن، زیرا چه بسا دوست دشمن و دشمن، دوست شود». (۴)
۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دوستی داشتی که حاکم جایی شد (و به پست و مقام مهمی رسید)، اگر یک دهم گذشته با تو دوستی کرد، دوست بدی نیست». (۵)

۱- الإختصاص، ص ۲۲۶.

۲- امالی صدوق، ص ۶۶۹، ح ۷.

۳- امالی صدوق، ص ۶۷۰، ادامه حدیث ۷.

۴- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۷۴.

۵- امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۸۵.

### حرمت دوستان پدر و محبت بیجا

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با دوستان پدر قطع رابطه نکن که روشنایی زندگی ات مبدل به تاریکی می شود». (۱)
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس محبتش را در غیر موردش صرف کند، خود عامل قطع محبت شده است». (۲)

### حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حسن معاشرت با مردم

#### اهمیت حق مؤمن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ عبادتی نزد پروردگار، بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست». (۳)
۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به زندگی روزمره خود ادامه دهد ولی به امور مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست. کسی که صدای کمک خواهی مسلمانی را بشنود و به او یاری نرساند مسلمان نیست». (۴)
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که نفعش به مردم بیشتر می رسد». (۵)
۴. نیز در روایتی فرمود: «هر کس خطر آب یا آتش را از گروهی از مسلمانان دور کند، بهشت بر او واجب می شود». (۶)
۵. در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت از وی

- ۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۱، ح ۱۹.
- ۲- محاسن، ص ۲۶۶، ح ۳۴۶.
- ۳- کافی، ج ۲، ص ۱۷۰، ح ۴.
- ۴- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵.
- ۵- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۷.
- ۶- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۷.



پرسید: «برادران دینی ات در چه حالی هستید؟» عرض کرد: بر حال خوبی هستند. حضرت پرسید: «ثروتمندانشان به فقیران رسیدگی می کنند؟» عرض کرد: اندکی. فرمود: «ثروتمندان چقدر به دیدار نیازمندان می روند؟» عرض کرد: کم. فرمود: «توانگران چه مقدار به فقیران احسان می کنند؟» عرض کرد: اندکی. حضرت فرمود: «اینها چگونه ادعای تشیع می کنند!». (۱)

### حَقِّ مَوْمن بر مَوْمن

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر مؤمن واجب است که هفتاد گناه کبیره برادر مؤمن خود را ببوشاند».

(۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب برادر مؤمنش خیرخواه او باشد». (۳)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خیرخواهی مردم بر شما لازم است، زیرا هیچ عملی نزد خدا بهتر از این کار نیست». (۴)

۴. نیز در سخنی فرمود: «با یکدیگر برادر و نسبت به هم نیکوکار باشید. و برای رضای خدا با یکدیگر دوستی کنید. به دیدن هم بروید و با یکدیگر بنشینید و از معارف و احادیث ما یاد کنید». (۵)

۵. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «حَقِّ مَوْمن بر مَوْمن آن است که او را دوست بدارد، مال خود را از او دریغ نکند، اگر به سفر رود به احوال اهل و عیالش پردازد، اگر کسی بر او ظلم کند یاریش نماید، اگر حَقِّی به

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۰.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۸.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۲.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۳، و ص ۲۰۸، ح ۶.

۵- کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، باب التراحم والتعاطف، ح ۱.

مسلمانان دهند و او غایب باشد بهره و سهم او را برایش کنار بگذارد، هنگامی که از دنیا رفت به زیارت قبرش برود، بر او ظلم نکند، او را فریب ندهد، به او خیانت نکند، در برابر او اظهار تنفر نکند که اگر چنین کند دوستی از میان آنها رخت برمی بندد، اگر به برادر مؤمنش بگوید تو دشمن منی، یکی از آن دو کافر است زیرا اگر دروغ گفته باشد خود کافر است و اگر راست گفته باشد طرف مقابل کافر (یعنی صاحب گناه کبیره) است و چون او را متهم به تهمت می کند ایمان در دلش ذوب شود همان گونه که نمک در آب حل می شود». (۱)

۶. در روایتی دیگر فرمود: «وعدده ای که مؤمن به برادر مؤمن خود می دهد همچون نذر است، هر چند کفاره ندارد. هر کس خُلف وعده کند در حقیقت به خدا خلف وعده کرده و خود را در معرض خشم او قرار داده است». (۲)

۷. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به وعده خود وفا کند». (۳)

۸. به سندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مؤمن هفت حق واجب بر مؤمن دارد: در حضورش او را تعظیم و تکریم کند، محبتش در دل او باشد، مال خود را از او دریغ نرزد، غیبت او را بر خود حرام بداند، هنگامی که بیمار شود به عیادتش رود، چون از دنیا برود در تشییع او حاضر شود، پس از مرگش جز به نیکی از او یاد نکند». (۴)

### حقّ مسلمان بر مسلمان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنچه را برای عزیزترین

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۶۳، باب خلف الوعد، ح ۲.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۴، ح ۸۴۶.

کسان خود می خواهید برای برادر مسلمان خود بخواهید. و آنچه را برای عزیزترین کسان خود نمی خواهید برای برادر مسلمانان نخواهید. دوستی او را از ناخالصی ها خالص گردانید به این صورت که در شادی او شاد و در اندوه وی اندوهگین باشید. در صورت امکان غم و ناراحتی اش را برطرف سازید و اگر نمی توانید، دعا کنید که خدا اندوهش را زایل کند». (۱)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برادر مسلمان خود را دوست بدار و آنچه را برای خود می خواهی برای او بخواه و آنچه را برای خود نمی پسندی برای او نپسند. هر گاه نیازمند شادی از او کمک بگیر و چون از تو کمک خواست به وی عطا کن. نیکی را از او دریغ ندار تا او هم از تو دریغ نکند. یار و یاورش باش تا او نیز یاور تو باشد. هر زمان غایب شود حرمت او را در غیبتش نگاه دار و چون از سفر بازگردد به دیدنش برو و او را گرامی بدار، چرا که او از تو است و تو از او هستی. اگر با تو در مقام عتاب و سرزنش برآید از او جدا شو، تا کینه را از سینه اش به در کنی. اگر نعمتی به او برسد خدا را شکر کن و اگر بلایی بر او نازل شود یاورش باش و با او بیشتر مهربانی کن». (۲)

۳. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مسلمانی بر برادر مسلمان خود شش حق دارد: هر گاه به او رسد سلام کند، هر وقت بیمار شود به عیادتش رود، هر گاه عطسه کند او را دعا کند، چون از دنیا برود بر او نماز بگزارد، هر گاه او را دعوت کند بپذیرد، آنچه را برای خود دوست می دارد برای او دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای او نپسندد». (۳)

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام پرسید :

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۹.

۲- امالی صدوق، ص ۳۲۳، ح ۱۲.

۳- امالی طوسی، ج ۲، ص ۹۲.

حقّ مسلمان بر مسلمان چیست؟ حضرت فرمود: «هفت حقّ است که همگی واجب است و اگر یکی از آنها را ترک کند از دوستی و طاعت خدا خارج می شود». عرض کرد: آنها چیست؟ فرمود: «می ترسم که فراموشی و مراعات نکنی (اُمّیا می گویم). آسان ترین آنها این است که آنچه را برای خود دوست می داری برای او دوست بداری و آنچه را برای خود نمی پسندی برای او نپسندی. از غضبش بپرهیزی و در پی خشنودیش باشی و آنچه گوید اطاعت کنی. با جان و مال و زبان و دست و پا (و با تمام وجود) یاریش کنی. دیده بان، راهنما و آئینه او باشی. تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه، تو پوشیده نباشی و او عریان. اگر خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد واجب است خادم خود را بفرستی تا لباسش را بشوید، غذایش را بپزد و بستر را بگستراند. اگر تو را بر انجام دادن کاری قسم داد انجام دهی و اگر به خانه اش دعوت کرد اجابت کنی و اگر بیمار شد به عیادتش بروی و چون از دنیا رفت بر جنازه اش حاضر شوی و اگر دانستی که حاجت و نیازی دارد پیش از آنکه بپرسد حاجتش را برآورده سازی. اگر این کارها را انجام دهی محبت خود را به محبت او و محبت او را به محبت خود پیوند زده ای». (۱)

### بر آوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران

#### بر آوردن حاجت مؤمن

#### اهمیت بر آوردن حاجت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند فرموده است که مردم عیال من هستند و محبوب ترین مردم نزد من کسی است که با مردم مهربان تر باشد و برای بر آوردن حاجات آنها تلاش بیشتری کند». (۲)

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۲؛ خصال، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۲۰.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۰.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «راه رفتن در مسیر برآورده کردن حاجت برادر مسلمان را از آزاد کردن هزار برده و فرستادن هزار رزمنده با اسباب و آلات نظامی به میدان جنگ بیشتر دوست می دارم». (۱)

### پاداش دنیوی بر آوردن حاجت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر آوردن حاجت مؤمن از آزاد کردن هزار بنده و فرستادن هزار اسب برای جهاد در راه خدا بهتر است». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بر آوردن حاجت مؤمن از بیست حج که در هر حج صاحبش هزار درهم هزینه کند، بهتر است». (۳)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «یک حج به جا آوردن از آزاد کردن هفتاد بنده بهتر است. و پرداختن هزینه یک خانواده مسلمان به گونه ای که بدن آنها را بپوشاند و آنها را سیر کند و آبروی آنها را حفظ کند، از هفتاد حج بهتر است». (۴)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس هفت شوط (دور) بر گرد خانه کعبه طواف کند، خداوند متعال برای او شش هزار حسنه می نویسد و از او شش هزار گناه محو می کند و شش هزار درجه بر درجاتش می افزاید و شش هزار حاجتش را برآورده می کند. (ولی) برآورده کردن حاجت مؤمن از ده طواف بهتر است». (۵)

در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که کسی برای انجام دادن خواست شخص

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۴.

۴- ثواب الأعمال، ص ۱۷۰، ح ۱۳.

۵- کافی، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۶.

با ایمانی حرکت کند، خداوند به دو فرشته مأموریت می دهد که از راست و چپ برایش استغفار کرده و دعا کنند که حاجتش برآورده شود». (۱)

۵. در سخنی دیگر فرمود: «هر مؤمنی در مسیر برآوردن حاجت برادر مؤمن خود قدم بردارد، ده حسنه برای او نویسند و ده گناه از گناهانش محو کنند و ده درجه در بهشت بر درجانش بیفزایند و این کار برابر با آزاد کردن ده برده و بهتر از یک ماه اعتکاف در مسجد الحرام است». (۲)

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای برآوردن حاجت برادر مسلمانش قدم بردارد، خداوند هفتاد و پنج هزار فرشته را مأمور می کند که بر او سایه بيفکنند و به هر قدمی برایش حسنه بنویسند و گناه او را محو سازند و درجانش را بالا ببرند و چون از کار او فارغ شود و مشککش را حل کند، ثواب حج و عمره را در نامه عملش بنویسند». (۳)

### پاداش اخروی برآوردن حاجت

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس یک حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، خداوند در قیامت صد هزار حاجت وی را برآورده کند که یکی از آنها بهشت است و دو دیگر آنکه خویشان و آشنایان خود را وارد بهشت کند به شرط آنکه ناصبی (۴) نباشد». (۵)

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند بندگانی دارد که برای

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۰.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۳.

۴- «ناصبی» به کسی گفته می شود که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی ائمه معصومین علیهم السلام، دشمنی دارد و به آنها ناسزا می گوید و این مطلب جزء اعتقادات دینی اوست.

۵- کافی، ج ۲، ص ۱۹۲ و ۳، ح ۱.

بر آوردن حاجت مردم تلاش می کنند، آنها در روز قیامت در امان هستند و هر کس دل مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می کند». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای جلب رضای خدا، در راه بر آوردن حاجت برادر مسلمان خود گام بردارد، خداوند برایش یک میلیون حسنه می نویسد که به سبب آن خویشاوندان و آشنایان و همسایگان و هر کس را که به او نیکی کرده، می آمرزد. و در قیامت به او خطاب می شود: وارد جهنم شو و هر که را که در دنیا به تو نیکی کرده، از جهنم بیرون آور و وارد بهشت کن، مگر کسانی که دشمن اهل بیت پیامبر باشند». (۲)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام سختی و مشکلات به فریاد برادر مؤمن غمگین مضطر خود برسد و اندوهش را برطرف و حاجتش را روا کند، خداوند متعال هفتاد و دو رحمت به وی اختصاص می دهد، یکی از آنها را در دنیا به او می دهد که کارهای دنیای او با آن انجام می شود و بقیه را برای ترس و مشکلات روز قیامت وی ذخیره می کند». (۳)

۵. نیز در روایتی فرمود: «هر کس غمی از دل مؤمنی بردارد، خداوند غم های آخرت او را بردارد و هنگامی که از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد. و هر کس به مؤمنی غذا دهد، خداوند او را از میوه های بهشت سیر کند. و هر کس به مؤمنی آب دهد، خداوند او را از شراب (طهور) دست نخورده بهشت سیراب سازد». (۴)

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس غمی از مؤمنی بردارد، خداوند حاجت دنیا و آخرت او را بر آورده سازد. و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند، خداوند هفتاد عیب از عیب های دنیا و آخرت او را بپوشاند. و تا مؤمن در حال یاری برادر

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۶.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱؛ الاختصاص، ص ۲۵۰.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۳.

مؤمن است خداوند یاور اوست». (۱)

۷. از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، خداوند صد حاجت وی را برآورده کند که یکی از آنها بهشت باشد. و هر کس غمی از مؤمنی بردارد، پروردگار عالم غم های آخرت او را بردارد. و هر کس به مؤمنی در مقابل ظالمی کمک کند، خداوند او را در عبور از پل صراط - به هنگامی که قدم ها بلغزد - یاری خواهد کرد. و هر کس حاجت مؤمنی را برآورد که او شاد شود، چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد. و هر کس مؤمنی را به هنگام تشنگی اش آب دهد، خداوند متعال او را از شراب (طهور) بهشت سیراب می کند. و هر کس مؤمنی را سیر کند، خداوند او را از میوه های بهشتی سیر می کند. و هر کس مؤمن برهنه ای را لباس بپوشاند، خداوند بر اندامش لباس ابریشم بهشتی می پوشاند. و هر کس بر مؤمنی که عریان نیست لباس بپوشاند، تا نخی از آن لباس باقی باشد پیوسته از بلاها در کفالت خدا باشد. و هر کس خادمی به مؤمنی بدهد، خداوند از پسران بهشتی به

وی خادم می دهد. و هر کس مؤمن پیاده ای را سوار کند، خداوند او را بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار می کند تا در قیامت بر ملائکه مباحات و افتخار کند. و هر کس بر بدن مؤمنی پس از مرگش کفن بپوشاند، گویا لباس وی را از هنگام ولادت تا وقت مردن تأمین کرده است. و هر کس برای مؤمنی همسری انتخاب کند که با او انس گیرد، خداوند فرشته ای را به صورت محبوب ترین نزدیکانش در قبر مونس او می کند. و هر کس به هنگام بیماری مؤمنی از وی عیادت کند، ملائکه او را از همه جهت احاطه کرده و به وی می گویند: خوشا به حال تو، بهشت گوارای وجودت! به خدا سوگند، برآوردن یک حاجت مؤمن در نزد پروردگار از دو ماه روزه داری و اعتکاف کردن در ماه های حرام (رجب،



ذی القعدة، ذی الحجّه و محرّم الحرام) بهتر است». (۱)

۸. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت، سایبانی قرار داده که هیچ کس در زیر آن قرار نمی گیرد، مگر پیامبر یا وصی پیامبر یا مؤمنی که برده مؤمنی را آزاد، یا مؤمنی را داماد، یا صاحب خانه کرده باشد».

(۲)

۹. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی را در روز قیامت به جهنّم می برند، مؤمنی از کنار او عبور می کند، شخص جهنمی به آن مؤمن می گوید: به فریادم برس که در دنیا به تو نیکی کردم و حاجتت را برآورده ساختم. مؤمن به فرشته مأمور او می گوید: دست از او بردار. خداوند می فرماید: چون بنده مؤمنم شفاعت او را کرد رهایش کن». (۳)

۱۰. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در قیامت سه گروه در سایه عرش الهی هستند؛ روزی که سایه ای جز سایه عرش پروردگار نباشد: کسی که برادر مسلمان خود را زن دهد، کسی که خادمی به او بدهد، کسی که راز او را پنهان کند». (۴)

۱۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را برآورده کند، خداوند متعال به وی می گوید: ثواب تو بر من است و برای تو به غیر از بهشت راضی نمی شوم». (۵)

### پاداش غمگین شدن برای مشکل دیگران

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی

۱- ثواب الأعمال، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲- قرب الإسناد، ص ۲۳۱، ح ۱۱۷۱.

۳- ثواب الأعمال، ص ۲۰۶.

۴- خصال، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۱۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۵۶، ح ۲.

۵- کافی، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۷؛ ثواب الأعمال، ص ۲۲۳.

نزد وی آورد و قادر بر آوردن حاجت او نباشد و برای مشکل وی غمگین شود، خداوند به خاطر این غم (وهمدلی) بهشت را بر او واجب می کند» (۱).

### مجازات اجابت نکردن درخواست مؤمنان

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش برای حاجتی نزد وی آید، رحمتی است که خدا به سوی بنده اش فرستاده است. اگر قبول کرد و در پی انجام دادن خواست او رفت، دوستی او به دوستی ما پیوند خورده و دوستی ما به دوستی خداوند متصل است. و چنانچه قادر بر انجام دادن خواست وی باشد او را رد کند، خداوند در عالم قبر ماری آتشین بر او مسلط می کند که تا روز قیامت او را بگزد، خواه در روز قیامت خداوند او را بیامرزد یا عذاب کند» (۲).

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مسلمانی که مسلمان دیگری برای حاجتی نزد وی آید و او قادر بر انجام دادن خواست وی باشد و آن را انجام ندهد، خداوند در روز قیامت او را سرزنش کرده و به وی می گوید: برادر تو برای حاجتی نزد تو آمد و من به تو توانایی دادم که خواست وی را انجام دهی، ولی تو آن را برآورده نکردی، چون ثواب آن را نخواستی. به عزتم سوگند که در هیچ حاجتی نظر رحمت به سوی تو نمی کنم، خواه تو را بیامرزم یا عذاب کنم» (۳).

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که از مؤمن دیگری چیزی را که به آن محتاج است منع کند و او قادر است که آن را از خود یا دیگران به او برساند،

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۴.

۳- امالی طوسی، ج ۱، ص ۹۶.

خداوند متعال او را با روی سیاه و دیدگانی کبود و دستانی با زنجیر در گردن بازداشت کرده و فرماید: «این خائنی است که به خدا و رسول خدا خیانت کرده است». سپس دستور دهد که او را به جهنم ببرند. (۱)

### چگونگی رفتار با مردم

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «آن گاه که می خواهی به هر کدام از مسلمانان ستم یا نفرین کنی، یا عیبتان را آشکار سازی، آنان را به منزله اهل و نزدیکانت قرار ده، پیرانشان را همچون پدر، کودکشان را مانند فرزند و آنها که هم سنّ تو هستند به منزله برادر خود بدان. و هرگاه شیطان خواست تو را بفریسد که خود را بهتر از دیگران بدانی، اگر کسی را بینی که بزرگ تر از تو است بگو: «او در ایمان و کارهای شایسته بر من پیشی گرفته، پس از من بهتر است» و اگر کوچک تر از تو است بگو: «من بیشتر از او گناه کرده ام، پس او از من بهتر است» و اگر همسان تو است بگو: «به گناهان و خطاهای خود یقین دارم و در مورد گناهان او تردید دارم؛ چرا یقین خود را رها کرده و شک را بگیرم» و هرگاه مشاهده کردی که مردم تو را تعظیم و تکریم می کنند، بگو: «از خوبی مردم است که به محاسن آداب عمل می کنند» و اگر از تو دوری می کنند و حرمت تو را نگاه نمی دارند، بگو: «این گناهی است که من کرده ام» اگر چنین رفتار کنی زندگی بر تو آسان و دوستان تو فراوان و دشمنان تو اندک می شوند. و از نیکی و خوبی آنها شادمان و از بدی و ناراحتی آنها دلتنگ و غمگین می شوی. بدان که گرامی ترین مردم کسی است که خیرش به آنها برسد و از مردم بی نیاز باشد و از آنها تقاضا نکند. و بعد از آن، گرامی ترین مردم کسی است که نیازمند باشد و درخواست نکند، چرا که اهل دنیا غالباً در پی مال هستند. هر کس با آنها

در

مورد مال مزاحمتی نداشته باشد نزد آنها عزیز است. و هر کس مزاحمت ندارد و از مال خود هم به آنها کمک کند، عزیزتر و گرامی تر است». (۱)

۲. در حدیث است که حضرت عیسی علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «آنچه دوست نداری با تو رفتار کنند با هیچ کس انجام نده». (۲)

### شاد کردن دیگران

#### اهمیت شاد کردن مؤمن

۱. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده و هر که مرا شاد گرداند، خداوند را خشنود کرده است». (۳)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «تبسم کردن به روی برادر مؤمن و غبار از صورتش گرفتن، حسنه است. و خداوند هیچ عبادتی را بیشتر از شاد کردن مؤمن دوست نمی دارد». (۴)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مؤمنی را شاد گرداند او را شاد نکرده، بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد گردانیده است». (۵)

#### پاداش شاد کردن مؤمنان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند، خداوند متعال هزار هزار حسنه برای او می نویسد». (۶)

---

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۲- امالی صدوق، ص ۳۶۶، ح ۱۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۲.

۵- کافی، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۶.

۶- کافی، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۱۳.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد که هر گاه بنده ای از بندگانم حسنه ای نزد من آورد، بهشت را بر او مباح می کنم. حضرت داوود علیه السلام پرسید: کدام حسنه؟ خداوند فرمود: قلب بنده مؤمن مرا شاد کند، هر چند دانه خرمایی به او هدیه کند. حضرت داوود علیه السلام به خداوند عرض کرد: کسی که تو را بشناسد سزاوار نیست که از تو قطع امید کند». (۱)

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: «خداوند متعال خطاب به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «بندگانم دارم که بهشت را برای آنها ارزانی داشته و آنان را حاکم بر بهشت می گردانم». عرض کرد: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسی که قلب مؤمنی را شاد گرداند». سپس حضرت موسی علیه السلام فرمود: مؤمنی در کشور پادشاهی جبار زندگی می کرد پادشاه در پی آزار واذیت آن مؤمن بود که از دست پادشاه گریخت و به سرزمین کفار رفت و به کافری پناه برد. مرد کافر به او جای داد و با او مهربانی کرد و از وی پذیرایی کرد. هنگامی که مرگ آن کافر فرا رسید خداوند متعال به او وحی کرد: «به عزت و جلالم سوگند که اگر برای تو در بهشت جایی بود حتماً تو را به بهشت می بردم، ولی بهشت بر کسی که کافر بمیرد حرام است». سپس به آتش جهنم خطاب کرد: «او را بترسان، ولی نسوزان» و دستور داد که در اوّل و آخر هر روز برای او روزی ببرند». (۲)

۴. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مؤمن از قبر خارج می شود شخصی همراه اوست و به او می گوید: «از جانب خداوند به تو به کرامت و خوشحالی بشارت باد!» مؤمن به او می گوید: «خداوند به تو بشارت به نیکی دهد» آن شخص همواره همراه مؤمن هست و به هر خطری که می رسند به او می گوید: «این از آن تو نیست» و به هر نیکی گذر کنند می گوید:

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۵؛ ثواب الأعمال، ص ۱۶۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۳.

«این از آن تو است» و پیوسته چنین بشارت هایی به وی می دهد تا آنکه به جایگاه حساب و کتاب می رسد و هنگامی که راهی بهشت می شود به او می گوید: «بشارت باد تو را که خداوند دستور داد تو را به بهشت ببرند» مؤمن می پرسد: «تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مونس من بودی و از جانب خداوند به من خبر می دادی؟ آن شخص می گوید: «من آن شادی هستم که در دل فلان برادر مؤمن خود ایجاد کردی، خداوند در دنیا مرا از آن شادی آفرید که بشارت دهنده تو و مونس تنهایی تو باشم».<sup>(۱)</sup>

## دیدار مؤمن و عیادت از بیماران

### دیدار مؤمن

### اهمیت دیدار مؤمن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای دیدن برادر مؤمن خود به خانه او برود، خداوند متعال خطاب به او می گوید: تو مهمان من هستی و به زیارت من آمده ای و حق میهمانی تو بر من آن است که چون برادر مؤمن خود را دوست داشتی بهشت را بر تو واجب کنم».<sup>(۲)</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال برای مؤمنی که به قصد دیدار برادر مؤمن خود بیرون رود، به فرشته ای مأموریت می دهد که یک بالش را بر زمین بگذارد و با بال دیگرش سایه ای بر سرش بیفکند. و هنگامی که وارد خانه آن مؤمن شود، خداوند جبار ندا می کند: ای بنده ای که حق مرا بزرگ شمردی و از آثار پیامبر من پیروی کردی، بر من لازم است که تو را تعظیم و تکریم کنم. از من درخواست کن تا به تو عطا کنم و مرا بخوان تا دعایت را

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۱، ح ۱۰.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۷۷، ح ۶.

اجابت نمایم. اگر بخواهی ساکت باش تا من (بدون درخواست تو) ابتدا به رحمت کنم. هنگامی که از خانه مؤمن باز گردد همان فرشته او را بدرقه می کند و بال خود را بر سر او می گیرد تا به خانه اش باز گردد. سپس خداوند متعال خطاب به وی می گوید: ای بنده من، حق مرا بزرگ شمردی، لازم است تو را گرامی بدارم. بهشت را بر تو واجب کرده و مقام شفاعت بندگانم را به تو عطا کردم». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس قادر نباشد بر ما احسان کند بر صالحان و شیعیان ما احسان کند، تا ثواب احسان بر ما در نامه اعمالش نوشته شود. و هر کس قدرت بر زیارت ما نداشته باشد به دیدار صالحان از شیعیان ما برود، تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود». (۲)

### پاداش دیدار مؤمن

۱. در روایاتی معتبر می خوانیم که امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «هر کس به خاطر رضای خدا به دیدن برادر مؤمن خود برود، خداوند متعال به هفتاد هزار فرشته مأموریت دهد تا هنگام بازگشت به خانه اش به وی گویند: خوشا به حال تو، بهشت گوارایت باد». (۳)

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل به من گفت: خداوند فرشته ای را به زمین فرستاد، آن ملک به مردی رسید که بر در خانه ای ایستاده بود و از صاحب خانه اجازه می گرفت تا وارد خانه شود. ملک پرسید: با صاحب این خانه چه کار داری؟ گفت: برادر مسلمان من است، برای رضای خدا به دیدنش آمده ام. فرشته پرسید: هیچ انگیزه دیگری جز دیدار او نداری؟ گفت:

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱۲.

۲- ثواب الأعمال، ص ۱۲۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، باب زیاره الإخوان، ح ۱.

نه. ملک گفت: من رسول پروردگار به سوی تو هستم. خداوند تو را سلام می رساند و می گوید: بهشت را بر تو واجب کردم. خداوند فرماید: هر مسلمانی که به دیدن مسلمان رود، گویا به زیارت من آمده و ثوابش بهشت است». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دیدار برادر مؤمن به قصد قربت، بهتر از آزاد کردن ده برده است. و هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند، خداوند متعال در مقابل هر عضوی از اعضای آن برده، عضوی از اعضای او را از آتش جهنم آزاد می کند». (۲)

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان فرمود: «به شیعیانم از سوی من سلام برسان و بگو: خداوند رحمت کند بنده ای را که با دیگری بنشیند و از احادیث ما یاد کند که نفر سوم آنها فرشته ای است که از برای آنها استغفار می کند». (۳)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خوشا به حال آنان که به خاطر رضای خدا با یکدیگر دوستی کنند، زیرا خداوند متعال در بهشت ستونی از یاقوت سرخ خلق کرده که بر آن ستون هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه که خداوند آنها را برای کسانی که با یکدیگر دوستی کرده و برای رضای خدا به دیدار یکدیگر می روند آفریده است». (۴)

### آثار دیدار مؤمن

۱. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان فرمود: «با همنشینی و گفت و گو، مذهب و دین ما برایتان زنده می شود. بهترین مردم بعد از

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱۳.

۳- بشاره المصطفی، ص ۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۸.

۴- خصال، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۸۳، ح ۱.



ما کسی است که ما را یاد کند و در مورد احادیث ما گفت و گو کند». (۱)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در خانه های یکدیگر به دیدن هم بروید که دین ما به این کار زنده می ماند. خداوند رحمت کند کسی که مذهب ما را زنده نگه می دارد». (۲)

## عیادت بیماران

### اعلان بیماری و اجازه ملاقات

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که بیمار شود سزاوار است به برادران مؤمن خویش اعلان کند تا به عیادت او آیند، چرا که عیادت کنندگان ثواب می برند و بیمار نیز به سبب خبردار کردن آنها ثواب می برد؛ با این کار ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از نامه اعمالش محو و ده درجه بر درجاتش افزوده می شود». (۳)

۲. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «شخص بیمار به مردم اجازه دهد که به عیادت او بیایند (و برای او دعا کنند)، زیرا هیچ کس نیست مگر اینکه دعایی مستجاب دارد». (۴)

### آداب عیادت از بیمار

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در درد (بیماری های) چشم عیادت نیست. و در روزهای نخست باید سه روز پی در پی به عیادت بیمار رفت، پس از آن یک روز در میان و اگر بیماری طولانی شد عیادت

۱- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۵۴، ح ۳۱.

۲- خصال، ج ۱، ص ۷۴، ح ۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۶.

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۱۷، ح ۱.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۱۷، ح ۲.

(پی در پی) لازم نیست». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که به عیادت بیمار می روید (هدیه ای مانند) سیب، یا به، یا ترنج، یا بوی خوش، یا عود همراه خود ببرید که بیمار با آن آرامش می یابد». (۲)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «عیادت کامل آن است که به هنگام دعا کردن برای بیمار، دست بر دستش بگذاری وزود از نزد او برخیزی که عیادت احمقان (که بسیار مزاحم بیمار می شوند) برای بیمار از تحمل درد دشوارتر است». (۳)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عیادت کننده ای که زودتر برخیزد ثوابش بیشتر است، مگر آنکه بیمار تقاضای نشستن او را کند». (۴)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که به عیادت برادر مؤمن خود می رود از بیمار بخواهد که برای او دعا کند که دعای او مانند دعای فرشتگان است». (۵)

### پاداش عیادت از بیمار

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به عیادت بیمار مسلمانی برود، در آن روز هفتاد هزار فرشته بر او صلوات می فرستند، اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح». (۶)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از بیماری عیادت کند، هفتاد هزار ملک او

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۱۷، ح ۱.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۶۱.

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۶۰.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۶۰.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۳۶۱.

۶- کافی، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۸.

را مشایعت کرده و تا به خانه برگردد برایش استغفار می کنند». (۱)

۳. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به عیادت مؤمنی برود در رحمت الهی فرو رود، هنگامی که نزد او بنشیند رحمت خداوند او را احاطه کند و هنگامی که بازگردد خداوند متعال به هفتاد هزار فرشته مأموریت می دهد که برای او طلب آمرزش کرده و بر وی رحمت فرستند و به او بگویند: خوشا به حال تو! بهشت گوارایت باد تا روز دیگر در چنین وقتی. و خداوند مکانی از بهشت را به او عطا می کند که سوار کار چهل سال در آن بتازد (تا به انتهای آن برسد)». (۲)

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به عیادت بیمار مؤمنی رود، خداوند متعال به فرشته ای مأموریت می دهد که در قبر به دیدار وی رود و تا قیامت برایش استغفار کند». (۳)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از بیمار عیادت کند، خداوند هفتاد هزار ملک را مأمور می سازد که همواره به خانه او رفت و آمد کرده و در آن خانه تا قیامت، تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی به جا آورند و نصف ثواب فرشتگان برای او باشد». (۴)

## اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک ها به مؤمنان

### اطعام کردن مؤمنان

#### اهمیت اطعام کردن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که سیر بخوابد

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۲.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۳.

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۴.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵.

در حالی که برادر مسلمانش گرسنه است، به من ایمان نیاورده است». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین اعمال نزد خداوند متعال سه چیز است: سیر کردن شکم مسلمان گرسنه، پرداخت بدهی مسلمان، برداشتن غمی از

دل او». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ یک از مخلوقات پروردگار ثواب سیر کردن شکم مؤمن را نمی داند، نه ملک مقرب و نه پیامبر مرسل، بلکه فقط پروردگار جهانیان ثواب آن را می داند». (۳)

### پاداش های دنیوی اطعام کردن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خیر وبرکت در خانه ای که در آن اطعام می شود از فرو رفتن کارد به کوهان شتر، سریع تر

وارد می شود». (۴)

۲. در روایتی آمده است: هر کس برادر مؤمن خود را برای رضای خدا اطعام کند، گویا صد هزار تن از دیگر انسان ها را غذا داده است. (۵)

۳. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام خطاب به سدیر صرّاف فرمود: «چرا هر روز یک برده آزاد نمی کنی؟» عرض کرد: توانایی مالی ندارم. حضرت فرمود: «برای تحصیل این ثواب کافی است روزی یک مسلمان را سیر کنی». عرض کرد: مسلمان فقیر یا مالدار؟ فرمود: (تفاوتی نمی کند) «مالدار هم گاه نیازمند غذاست». (۶)

۱- محاسن، ص ۹۸، ذیل حدیث ۶۲.

۲- محاسن، ص ۲۹۴، ح ۴۵۷.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۶.

۴- محاسن، ص ۳۹۰، ح ۲۵.

۵- کافی، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۱۱.

۶- کافی، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۱۲.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «غذایی که برادر مسلمان نزد من بخورد، از آزاد کردن یک بنده برای من بهتر است». (۱)

۵. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس مؤمن ثروتمندی را غذا دهد، گویی یک برده از فرزندان حضرت اسماعیل را از مرگ نجات داده است. و هر کس مؤمن نیازمندی را طعام دهد، گویی صد برده از فرزندان حضرت اسماعیل را از مرگ نجات داده است». (۲)

### پاداش های آخروی اطعام کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را سیر کند، بهشت بر او واجب می شود و هر کس کافر (ی را که با مسلمانان دشمنی دارد) سیر کند، بر خداوند لازم است شکم او را از زقوم جهنم پر کند». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سه تن مسلمان را سیر کند، خداوند متعال به او از سه قسمت بهشت غذا می دهد: جَنَّة الفردوس، جَنَّة العدن، و جَنَّة طوبی». (۴)

۳. نیز در روایتی فرمود: «از جمله چیزهایی که آمرزش الهی را واجب می گرداند، غذا دادن به مسلمان گرسنه است». (۵)

### مجازات ترک اطعام کردن

از زین العابدین امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سیر

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۹.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۳.

۵- کافی، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۶.

بخوابد و مؤمن گرسنه ای نزدیک او باشد، خداوند متعال به فرشتگان گوید: شما را بر این بنده گواه می گیرم که من به او امری کردم و نافرمانی کرد و اطاعت دیگران نمود. بدانید که او را به سبب عمل خودش رها کردم و هرگز او را نمی بخشم». (۱)

### سیراب کردن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس مسلمان تشنه ای را در جایی که آب باشد سیراب کند، خداوند متعال در مقابل هر جرعه ای هفتاد هزار حسنه به وی خواهد داد. و اگر در جایی که آب کمیاب باشد سیرایش کند، گویی ده برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار عمل است که هر کس یکی از آنها را به جا آورد بهشت می شود: سیراب کردن تشنه، سیر کردن شکم گرسنه، پوشانیدن بدن عریان، آزاد کردن برده ای که در سختی و مشقت است». (۳)

### پوشانیدن برهنه و سکنی دادن بی خانمان ها

۱. از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس لباس اضافه ای داشته باشد و بداند که برادر مؤمنش به آن نیاز دارد و به وی ندهد، خداوند متعال او را در آتش جهنم سرنگون خواهد کرد». (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خانه ای داشته باشد و مؤمنی به آن نیاز داشته باشد و صاحب خانه راضی نشود که از خانه اش استفاده

۱- محاسن، ص ۹۷، ح ۶۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۷.

۳- محاسن، ص ۲۹۴، ح ۴۵۶.

۴- محاسن، ص ۹۸، ح ۶۳.

کند، خداوند متعال فرماید: بنده من به سکونت بنده دیگر من در خانه اش بخل ورزید. به عزتم سوگند که هرگز او را در بهشت سکونت نخواهم داد». (۱)

### برطرف کردن مانع سر راه مردم

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از سر راه مسلمانان چیزی که مزاحم عبور و مرور آنهاست بردارد، خداوند متعال ثواب خواندن چهارصد آیه قرآن برای او بنویسد». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه) بنده ای از بندگان خدا با برداشتن یک خار از سر راه مسلمانان به بهشت می رود». (۳)

### هدیه دادن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هدیه فرستادن قبل از آنکه نیازمند حاجت خود را بگویید، کار بسیار خوب و نیکویی است». (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «برای یکدیگر هدیه بفرستید که کینه ها را از سینه ها زایل می کند». (۵)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «ظرف های هدیه را بازگردانید تا هدیه دادن ادامه داشته باشد». (۶)

۴. نیز در حدیثی فرمود: «هدیه بر سه قسم است: هدیه ای که در برابرش توقع

۱- محاسن، ص ۱۰۱، ح ۷۵؛ کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۸۴، باب ۱۹، ح ۲.

۳- امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۸۶.

۴- خصال، ج ۱، ص ۷۷، ح ۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴.

۵- خصال، ج ۱، ص ۷۷، ذیل حدیث ۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴.

۶- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۰.

داشته باشی و هدیه ای که به عنوان رشوه بدهی و هدیه ای که برای رضای خدا وبدون چشمداشت بدهی». (۱)

## حقوق فقرا، ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان

### فقرا و نیازمندان

#### حقیقت فقر

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «فقر ونداری امانتی است از سوی خدا، هر کس آن را پنهان کند خداوند متعال به او ثواب کسی را می دهد که روزها روزه باشد و شب ها به نماز ایستد و هر کس آن را نزد کسی که قادر بر برآوردن حاجت و نیازش باشد اظهار کند و شخص توانگر حاجتش را برآورده نکند، در حقیقت آن فقیر را به قتل رسانده است؛ البتّه نه با شمشیر و نیزه، بلکه بر اثر جراحی که بر قلب او وارد کرده است». (۲)

#### طرز رفتار با نیازمندان

شخص ثروتمندی که لباس های پاکیزه (و گران قیمتی) پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و نشست. سپس مرد نیازمندی که لباس هایی مندرس و کهنه بر تن داشت خدمت آن حضرت رسید و کنار مرد ثروتمند نشست. آن شخص لباس خود را از زیر پای فقیر بیرون کشید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله (که متوجه رفتار زشت مرد ثروتمند شد) فرمود: «ترسیدی چیزی از فقر او دامنگیر تو شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟» عرض کرد: نه. فرمود: «ترسیدی لباس هایت چرکین شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «چرا چنین کردی؟» عرض کرد: ای رسول خدا، هم نشین بدی از نفس

۱- خصال، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵، ح ۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۳.



و شیطان دارم که کارهای بد را نزد من ترسین کرده و کارهای نیک را بد جلوه می دهد. اکنون برای جبران این خطا نصف اموالم را به این مرد می بخشم. حضرت خطاب به فقیر فرمود: «قبول می کنی؟» عرض کرد: نه. مرد ثروتمند گفت: چرا؟ فقیر گفت: می ترسم مثل تو شوم. (۱)

### وضعیت فقرا در جهان آخرت

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمنان فقیر (۲) چهل

سال زودتر از ثروتمندان مؤمن از نعمت های بهشتی استفاده می کنند» سپس فرمود: «مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی است که به عشاری (مأمور اخذ عوارض) بگذرند. کشتی خالی را زود روانه می کنند و کشتی پر بار را برای حسابرسی

نگاه می دارند». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در روز قیامت همانند کسی که پوزش می طلبد، به فقیران می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که شما را در دنیا برای خواری و ذلت فقیر نکردم و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد. هر کس در دنیا به شما نیکی کرده، دستش را بگیرد و وارد بهشت کنید. فقیری گوید: خدایا، اهل دنیا در دنیا زنان خوشرو و زیبا داشتند و لباس های نرم و فاخر می پوشیدند و غذاهای لذیذ می خوردند و در خانه های خوب ساکن می شدند و بر مرکب های نفیس و راهوار سوار می شدند، پس امروز به ما نیز مانند آنان عطا فرما. خداوند می فرماید: به هر یک از شما همانند هفتاد برابر آنچه به جمیع اهل دنیا از اول دنیا تا آخر دنیا داده ام، می دهم». (۴)

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۱۱.

۲- منظور از فقیر در این روایات کسی است که زندگی ساده و دور از زرق و برق دارد.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۲۶۱، ح ۹.

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روز قیامت گروهی از مردم به سوی بهشت حرکت می کنند. ملائکه به آنها می گویند: کیستید؟ گویند: فقرا هستیم. گویند: دوست دارید پیش از حساب و کتاب به بهشت بروید؟ جواب می دهند: چیزی به ما نداده اید که ما را بر آن حساب کنید. خداوند متعال فرماید: راست می گویند به بهشت بروید».

(۱)

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اغنيا را به سبب گرامی بودنشان نزد من، توانگر نگردانیدم و فقیران را به سبب خواریشان نزد من، بی چیز نکردم بلکه توانگران را با فقیران امتحان کرده ام و اگر فقیران نبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمی شدند».

(۲)

### پاداش صبر بر فقر و مجازات بی حرمتی به نیازمندان

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مردی فقیر فرمود: «آیا اتّفاق می افتد که به بازار بروی و میوه و چیزهای ارزشمند بینی و قادر بر خریدن آن نباشی؟» عرض کرد: آری. حضرت فرمود: «هر چیزی که بینی و قدرت بر خرید آن نداشته باشی حسنه ای برای تو نوشته می شود».

(۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را به سبب فقر و نیازش حقیر و ذلیل بشمرد، خداوند او را در حضور همه مخلوقات در روز قیامت رسوا می کند».

(۴)

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۱۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۲۰.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۱۷.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۵۳، ح ۹.

۱. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند می فرماید: هر که بنده مؤمن مرا آزار دهد، با من اعلان جنگ کرده است. و هر که بنده مؤمن مرا گرامی بدارد، از خشم من در امان است. و اگر در میان شرق و غرب عالم جز یک مؤمن همراه با امام عادل نباشد، عبادتشان برای (هدف من از آفرینش) کافی است. و بی شک هفت آسمان و زمین به خاطر آنها برپاست و به سبب ایمانشان اُنسی برای آنها قرار دهم که محتاج به مونس دیگر نباشند». (۱)

۲. در احادیث معتبر آمده است که: «خداوند متعال فرمود: هر کس دوستی از دوستان مرا خوار گرداند، گویی در برابر من به جنگ ایستاده است. و من دوستان خود را بسیار زود یاری می کنم». (۲)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را ذلیل کند، خداوند او را خوار کند». (۳)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند». (۴)

۵. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند متعال مؤمن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده، پس هر کس بر او طعنه زند، یا سخنش را رد کند، گویی سخن خدا را رد کرده است». (۵)

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۵۰، ح ۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۵۱، ح ۵.

۳- امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۴- معانی الأخبار، ص ۱۹۵؛ امالی صدوق، ص ۲۱.

۵- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۶. نیز در حدیثی فرمود: «چه بسا ژولیده موی غبارآلوده ای که دو لباس کهنه پوشیده، اگر بر خدا قسم دهد قسمش را رد نکند». (۱)

### چرا مؤمن را مؤمن گویند

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مؤمن را از آن رو مؤمن گویند که مردم از نظر جان و مال خود از او درامانند. و مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در امان باشند. و مهاجر کسی است که از گناهان، هجرت و دوری کند». (۲)

### ترسانیدن مسلمان و دشنام دادن مؤمن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جایز نیست مسلمانی مسلمان دیگری را بترساند». (۳)
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دشنام دادن مؤمن، گناهی بزرگ و جنگ با او کفر و غیبت کردن او، نافرمانی خداست». (۴)

### مجازات تحقیر کردن مؤمن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ضعیفان را برادران مؤمن خود بدانید و آنها را حقیر نشمارید که هر کس مؤمنی را حقیر بشمرد، خداوند او را با آن مؤمن در بهشت جمع نکند، مگر آنکه توبه کند». (۵)

---

۱- امالی طوسی، ج ۲، ص ۴۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۸، ح ۲.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۰، ح ۳۲۷.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲.

۵- خصال، ج ۲، ص ۴۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۳.

۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مردم را مسخره کند، امیدی به محبت آنها نداشته باشد». (۱)

۳. نیز در حدیثی فرمود: «مؤمن فقیر را حقیر نشمارید، چرا که هر کس مؤمن فقیری را حقیر بشمرد یا او را استخفاف کند، خداوند وی را حقیر می شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند». (۲)

### مجازات آزار دادن مؤمن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به آزار مؤمنی کمک کند، در روز قیامت جمله «ناامید از رحمت الهی» بر پیشانی اش نوشته شود». (۳)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به مؤمنی دست بزند که او را به سبب آن ذلیل کند، یا سیلی بر صورت او بزند، یا چیزی که ناپسند است نسبت به او انجام دهد، ملائکه پیوسته او را نفرین کنند، تا او را راضی و از کارش توبه کند؛ بنابراین، در آزار و ایذاء مردم عجله نکنید که شاید او مؤمن باشد و شما ندانسته مؤمنی را آزار کرده باشید. و صبر و مدارا را پیشه خود کنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و مدارا نیست». (۴)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سیلی بر صورت مسلمانی بزند، خداوند در روز قیامت استخوان هایش را از هم بپاشد و دست بر گردن در حالی که در زنجیر باشد محشور شود تا وارد جهنم شود، مگر آنکه توبه کند». (۵)

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را از

۱- خصال، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱۴؛ بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۶۷، ح ۴.

۲- ثواب الأعمال، ص ۲۹۹.

۳- محاسن، ص ۱۰۳، ح ۸۰؛ کافی، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۳.

۴- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۳، باب ۳۰۰، ح ۲.

۵- امالی صدوق، ص ۴۳۰.

مردی که صاحب نفوذ است بترساند که وی به او آزار می‌رساند ولی آن مرد آزاری نرساند، در آتش است و اگر او را بترساند و آزاری به او برساند، با فرعون و خاندان فرعون در آتش دوزخ باشد». (۱)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به حقّ خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست، اگر اهل آسمان ها و زمین همگی بر قتل مؤمنی عزم خود را جزم کنند، یا راضی به کشته شدن او شوند، خداوند همه آنان را وارد جهنّم می‌کند. و به حقّ خداوندی که جانم به دست اوست، هیچ کس دیگری را به ناحق تازیانه نمی‌زند مگر آنکه در جهنّم مثل آن تازیانه را می‌خورد». (۲) و هر کس

نگاه کند به مؤمنی و با آن نگاه او را بترساند، خداوند در روزی که به جز او پناهی نباشد، او را به صورت مورچه ای محشور گرداند». (۳)

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام نگاه کردن به مؤمن به او طعنه زند، سزاوار بدترین مردن هاست و عاقبتش به خیر نباشد». (۴)

۷. در حدیثی دیگر فرمود: «لعنتی که از دهان شخصی خارج می‌شود معلق و سرگردان است. اگر مستحقّش را پیدا کند آنجا قرار می‌گیرد، و گرنه به گوینده اش بازمی‌گردد». (۵)

### مجازات ترک کردن یاری مؤمن

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه ظالمی کسی را بزند، یا بکشد، یا بر او ستم کند، اگر نمی‌توانید به او کمک کنید، کسی از شما در آن مکان

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲.

۲- امالی مفید، ص ۲۱۶، ح ۳.

۳- جامع الأخبار، ص ۱۴۷.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۹.

۵- کافی، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۷.

حاضر نشود زیرا یاری مؤمن بر مؤمنی که حضور دارد واجب است». (۱)

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که برادر مؤمن خود را یاری نکند، در حالی که بر یاری وی توانایی دارد، خداوند در دنیا و آخرت او را یاری نکند». (۲)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «شخصی از نیکان و خوبان را در قبرش نشانند و به او گفتند: صد تازیانه از عذاب بر تو می زنیم. گفت: طاقت ندارم. پس یکی کم کردند. گفت طاقت ندارم. یکی یکی کم کردند تا به یک تازیانه رسید. گفت طاقت ندارم. گفتند: چاره ای نیست. پرسید به چه علت این تازیانه را بر من می زنید؟ گفتند: به این سبب که روزی بی وضو نماز خواندی و بر ضعیفی که بر او ظلم می شد گذشتی و یاریش نکردی. سپس تازیانه ای از عذاب خدا بر او نواختند که قبرش پر از آتش شد». (۳)

### پاداش گرامی داشتن مؤمن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را از روی لطف به یک کلمه گرامی بدارد، یا حاجت او را برآورد، یا غمی از غم های او را برطرف کند، تا زمانی که در حال کمک و مهربانی به برادر مؤمن خود باشد رحمت الهی بر سر او سایه اندازد». (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت به چهار گروه نظر رحمت می افکند: فروشنده ای که به هنگام پشیمانی مشتری حاضر به فسخ معامله و دریافت جنس و بازگرداندن پول او شود. کسی

۱- قرب الإسناد، ص ۶۱، ح ۱۷۱.

۲- محاسن، ص ۹۹، ح ۶۶؛ امالی صدوق، ص ۴۸۵، ح ۱۶.

۳- ثواب الأعمال، ص ۲۶۷.

۴- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۹۹، ح ۳۴.

که به فریاد مضطربى برسد. کسی که برده ای را آزاد کند. کسی که شخص مجردی را روانه خانه بخت سازد». (۱)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال برای کسی که به فریاد برادر مؤمن خود برسد او را از ورطه غم یا اندوهی بیرون آورد، ده حسنه می نویسد و ده درجه بر درجاتش می افزاید و ثواب آزادی ده برده را به وی کرامت می فرماید و ده عذاب را از او برمی دارد و شفاعت ده تن را برای او در قیامت آماده می سازد». (۲)

۴. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بیچاره ای را در راهی ببیند که بارش افتاده و کسی به او کمک نمی کند، به فریاد او برسد او را بر مرکب خود سوار کند و بارش را از زمین بردارد، خداوند متعال خطاب به وی فرماید: خود را به مشقت انداختی و نهایت کوشش را در فریادرسی برادر مؤمن خود به کار بستی، پس عده ای از فرشتگان را که عددشان بیش از تمام انسان ها از اول دنیا تا آخر دنیا باشد و هر کدام از آنها چندان قوی است که برداشتن آسمان ها و زمین ها برایش آسان باشد، مأمور می کنم که در بهشت برای تو قصرها و خانه هایی بسازند و درجاتی بر درجاتت بیفزایند و هنگامی که وارد بهشت شوی از پادشاهان بهشت باشی. و هر که ضرر ظالمی را از مظلومی برطرف کند که می خواست به بدن یا مال او ضرر برساند، خداوند متعال به تعداد هر سخنی از گفته های او و به عدد هر حرکتی از حرکات او و به شمار هر درنگی از درنگ های وی، صد هزار فرشته خلق کند، تا شیطنت شیاطینی که قصد گمراهی او را داشته اند دور کنند...». (۳)

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۹۶، ح ۲۴.

۲- ثواب الأعمال، ص ۱۷۸.

۳- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۸۱، ح ۴۳.



## مجازات نپذیرفتن دیدارکننده

۱. در حدیث است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: چه می فرمایید در مورد مسلمانی که مسلمان دیگر به دیدن او می آید و او در خانه است و اجازه نمی دهد که وارد شود؟ حضرت فرمود: «هر مسلمانی که به دیدن مسلمانی رود، یا در پی کاری به سراغ او رود و او در خانه باشد و (بدون عذر) رخصت ندهد و از خانه بیرون نیاید، پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر را ملاقات کنند». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که میان او و مؤمن دیگر مانعی باشد که نتواند به او برسد، خداوند متعال در قیامت میان او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که ضخامت هر دیواری هزار سال راه باشد». (۲)

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار مؤمن در زمان بنی اسرائیل زندگی می کردند. سه تن از آنان برای گفت و گو در مورد موضوعی در خانه ای جمع شده بودند. نفر چهارم به در آن خانه آمد و در زد. غلام صاحب خانه بیرون آمد. پرسید: مولایت کجاست؟ گفت: در خانه نیست. آن شخص برگشت. و غلام جریان را به مولای خود گفت: مولایش اعتراض نکرد و غلام را در برابر این کار خلاف، سرزنش نکرد و هیچ یک از آن سه تن از بازگشت آن مؤمن آزرده خاطر نشدند. صبح روز بعد آن شخص نزد آنها آمد و دید آن سه تن از خانه بیرون آمده، به سمت مزرعه خود می روند. به آنها سلام کرد و گفت: با شما بیایم؟ گفتند: آری. اما نسبت به روز گذشته عذرخواهی نکردند چرا که آن مرد نیازمند بود. در اثنای راه ناگاه ابری در آسمان ظاهر شد، گمان کردند که باران خواهد آمد. حرکت خود را تند کردند. هنگامی که ابر به محاذی سر آنها رسید، منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش، آنها را بگیر! من

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۴.

۲- محاسن، ص ۱۰۱، ح ۷۴.

جبرئیل هستم و از جانب خدا آمده‌ام. ناگهان آتشی آمد و آن سه تن را ربود و نفر چهارم ترسان و حیران و متعجب ماند. پس به شهر بازگشت و به خدمت حضرت یوشع علیه السلام رسید و داستان را برای آن حضرت بیان کرد. حضرت یوشع علیه السلام فرمود: خداوند متعال به سبب کاری که با تو کردند بر آنها خشم گرفت پس از آنکه از آنها راضی بود. سپس قصه را برای آن مرد شرح داد. آن مرد پس از شنیدن داستان گفت: من آنها را حلال کردم و از خطای آنها درگذشتم. یوشع علیه السلام گفت: اگر پیش از آمدن عذاب گذشت می کردی به حال آنها سودی داشت، ولی اکنون که عذاب نازل شده سودی ندارد؛ شاید در قیامت برای آنها نفعی داشته باشد». (۱)

### احترام به بزرگسالان

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس حرمت پیرمردی را بشناسد او را به خاطر سنش تعظیم کند، خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن گرداند». (۲)
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «تعظیم و تکریم مؤمن ریش سفید، تعظیم خداست». (۳)
۳. در روایتی دیگر فرمود: «کسی که به پیران ما تعظیم و به کودکان ما رحم نکند، از ما نیست». (۴)

### کمک به نایبانیان و ناشنویان

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای برآوردن

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲.

۲- نوادر راوندی، ص ۱۴۱، ح ۱.

۳- ثواب الأعمال، ص ۲۲۵.

۴- جامع الأخبار، ص ۹۲.

حاجتی از حاجات شخص نابینا قدم بردارد و تلاش کند که خداوند آن مشکل را حل کند، خداوند متعال او را از نفاق و آتش جهنم دور کرده و هفتاد حاجت از حاجت های دنیوی او را برآورده کند و پیوسته در رحمت الهی باشد تا باز گردد». (۱)

۲. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام می خوانیم که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به مقدار مسافت چهل گام بر روی زمین هموار، راهنمای نابینایی شود خداوند در مقابل هر قدم، قصری در بهشت به او می دهد که بسیار وسیع است. و اگر بر سر راهش خطری باشد او را از آن نجات دهد آن را در ترازوی حسناتش بگذارند و آن را صد هزار بار وسیع تر از دنیا بیابد و همه گناهانش را محو کند و او را به اعلا غرفه های بهشت برساند». (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به ناشنوایی کمک کند تا چیزی را به او بفهماند و از این کار خسته و دلتنگ نگردد، این کار صدقه ای آسان برای وی محسوب می شود». (۳)

### مبتلایان به بیماری های سخت

#### به اهل بلا زیاد نگاه نکنید

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به اصحاب بلا- و مبتلایان به بیماری خوره زیاد نگاه نکنید که اندوهناک می شوند». (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به اهل بلا (و بیماران و آگیردار) کم نگاه کنید و به

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۱.

۲- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۸۱، ح ۴۳.

۳- ثواب الأعمال، ص ۱۶۸، ح ۵.

۴- طبّ الأئمه، ص ۱۰۶.

نزد آنان نروید و هنگامی که از کنارشان عبور می کنید با سرعت حرکت کنید، تا آنچه به آنها رسیده به شما نرسد». (۱)

### اذکار مخصوص در برخورد با بلادیدگان

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی از مبتلایان به بلا را دیدی سه مرتبه آهسته، به گونه ای که او نشنود، بگو: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَاَلَوْ شَاءَ فَعَلَ (۲)** و هر کس به این دستور عمل کند هرگز بلایی

به او نرسد». (۳)

۲. در روایتی دیگر، خواندن این دعا سفارش شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَشْخُرُ وَلَا أَفْخَرُ وَلَكِنْ أَحْمَدُكَ عَلَى أَعْظَمِ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ». (۴)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که اصحاب بلا را می بینید، خدا را حمد و سپاس گوید اما به گونه ای که آنها نشنوند، تا باعث اندوهشان نشود». (۵)

### آداب رفتار با مبتلایان به خوره

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از مبتلایان به بیماری خوره دوری کنید، همان گونه که از شیر درنده می گریزید. و با آنها سخن نگوئید،

۱- طَبُّ الْأُمَّةِ، ص ۱۰۶.

۲- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا عافیت بخشید از آنچه که تو را به آن مبتلا ساخت و اگر می خواست مرا نیز مبتلا می کرد».

۳- امالی صدوق، ص ۲۶۷، ح ۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۱.

۴- ترجمه: «بار خدایا، کسی را استهزاء نمی کنم و بر کسی فخر نمی فروشم، ولی تو را به بزرگ ترین نعمت هاییکه بر من ارزانی داشته ای حمد و ستایش می کنم». کافی، ج ۲، ص ۹۸، ح ۲۲.

۵- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۱.

مگر اینکه بین شما و آنها (لااقل) یک ذراع (نیم متر) فاصله باشد». (۱)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «پنج گروهند که در همه حال باید از آنها دوری کرد: مبتلایان به خوره، مبتلایان به پیسی، دیوانگان، اولاد زنا، اعراب بادیه نشین (ودور از شرع و آداب)». (۲)

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مبتلایان به خوره را ببینید از خداوند عافیت بطلبید و از بیماری آنها غافل نشوید که مبدا به شما سرایت کند». (۳)

## رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان

### غیبت

#### ماهیت غیبت

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به حضرت زین العابدین امام سجاد علیه السلام عرض کرد: فلان کس شما را گمراه و مبتدع می داند. حضرت فرمود: «حقّ همنشینی را رعایت نکردی که سخن او را برای من گفتی. و حقّ مرا رعایت نکردی که آنچه را از او نمی دانستم به من رساندی. مرگ در کمین همگان است و پس از مرگ محشور خواهیم شد. و وعده گاه همه قیامت است و خداوند در میان ما حکم خواهد کرد. غیبت نکن که غذای سگان جهنّم است». (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در حقّ برادر مؤمن خود چیزی بگوید که با چشمانش دیده و با گوش هایش شنیده، از کسانی خواهد بود که خداوند فرماید: به یقین کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۶۳، ح ۱۷۲۷.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۵، ح ۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۵، ح ۵.

۴- احتجاج، ج ۲، ص ۴۵.

باایمان شایع شود، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است. (۱) « (۲)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غیبت آن است که در مورد برادر مؤمن خود عیب و گناهی را بگویی که خداوند بر او پوشانده است. و بهتان آن است که در مورد او چیزی بگویی که در او نباشد». (۳)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غیبت از زنا بدتر است، زیرا زناکار توبه می کند و خدا توبه اش را می پذیرد، اما توبه غیبت کننده قبول نمی شود، مگر زمانی که آن شخص او را حلال کند». (۴)

### غیبت را ترک کنید

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به خدا و رسولش ایمان دارد، در مجلسی که به امامی دشنام دهند، یا غیبت مسلمانی کنند، توقّف نمی کند». (۵)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که با چشمان خود گناهی از او ندیده باشی و دو شاهد عادل نیز بر دیدن گناه از وی گواهی ندهند، او عادل و گواهی اش قبول است؛ هر چند در واقع گناهکار باشد. و هر کس مسلمانی را غیبت کند به گناهی که در آن مسلمان باشد (و شنونده از آن خیر نداشته باشد)، از تحت سرپرستی خداوند خارج می شود و تحت سرپرستی شیطان درمی آید. پدرم از پدرانم از رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که فرمود: هر کس غیبت مؤمنی کند به چیزی که در او باشد، خداوند در بهشت در میان آنها جمع

۱- سوره نور، آیه ۱۸.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۷.

۴- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۷، باب ۳۴۵، ح ۱؛ الاختصاص، ص ۲۲۶.

۵- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ السرائر، ج ۳، ص ۶۳۹.

نکند. و هر کس غیبت مؤمنی کند به چیزی که در او نباشد رابطه برادری آنها بریده شود و جای غیبت کننده در جهنم است».

(۱)

### مجازات غیبت کننده

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی کند، ثواب روزه و وضویش از بین می رود و بویی از وی در روز قیامت برخیزد که از بوی مردار بدتر باشد، به گونه ای که موجب آزار همه اهل محشر شود. و اگر پیش از توبه بمیرد، چیزی را که خدا حرام کرده، حلال کرده است».

(۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سخنی در مذمت مؤمنی بگوید تا عیب او را آشکار کند و شخصیت او را درهم شکند و او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از تحت سرپرستی خود بیرون کرده و در سرپرستی شیطان وارد می کند».

(۳)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس شخصی را در گناهی که کرده رسوا کند، گویا خودش آن گناه را مرتکب شده است. و هر کس مؤمنی را به چیزی سرزنش کند، تا خود به آن آلوده نشود از دنیا نرود».

(۴)

۴. در احادیث معتبر آمده است که: «هر کس دو چهره و دو زبان داشته باشد، (یعنی در حضور مردم مدح و تعریف و تمجیدشان کند و در غیبت آنها غیبتشان کند)، هنگامی که در روز قیامت محشور شود دو زبان از آتش خواهد داشت که یکی در پیش صورت و دیگری در پشت سر وی باشد و در محشر ندا کنند که

۱- امالی صدوق، ص ۱۰۲، ح ۳.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۰.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۵۸، باب الزوایه علی المؤمن، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲.

این شخص در دنیا دو چهره و دو زبان داشت». (۱)

۵. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «ای مردمی که به زبان مسلمان شده اید و هنوز ایمان در دلتان رسوخ نکرده است، مسلمانان را مذمت نکنید و در مورد عیوب آنها جست و جو نکنید که هر که در جست و جوی عیوب دیگران باشد، خدا او را رسوا می کند، هر چند در خانه اش گناه کرده باشد». (۲)

### آثار ردّ غیبت و پاداش ترک آن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند، یعنی در مجلسی که او را غیبت می کنند مانع این کار شود و از او دفاع کند، خداوند متعال هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت از او دور می کند. و اگر قدرت بر ردّ غیبت داشته باشد و این کار را نکند، هفتاد برابر گناه غیبت کننده در نامه اعمالش می نویسند». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس حرف بدی را که در مورد آبروی برادر مسلمانش گفته اند رد کند، البتّه بهشت را برایش می نویسند». (۴)

۳. در روایتی صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس از برادر مؤمنش نزد او غیبت کنند و او را یاری کند، خداوند وی را در دنیا و آخرت یاری دهد. و اگر قادر بر ردّ غیبت باشد و او را یاری نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت پست و خوار گرداند». (۵)

۴. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در

۱- خصال، ج ۱، ص ۸۱، ح ۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۳، ح ۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۲؛ امالی مفید، ص ۲۳.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۴- ثواب الأعمال، ص ۱۷۵.

۵- محاسن، ص ۱۰۳، ح ۸۱؛ ثواب الأعمال، ص ۱۷۸.



مجلسی حاضر باشد و شخصی همچون سگ در آن مجلس متعرض آبروی برادران مؤمن او شود و صاحب نفوذ باشد و بر آن ظالم رد کند و آبروی برادران مؤمن را نگاه دارد، خداوند متعال فرشتگانی را مأمور سازد که برای انجام حج، پیرامون بیت المعمور اجتماع کنند در حالی که آنها نیمی از ملائکه آسمان هاینده به اضافه فرشتگان کرسی و عرش و آنها نصف ملائکه حجب هستند. و این فرشتگان همگی آن شخص را نزد خداوند مدح و ستایش کرده و برای او از خداوند تقاضای رفعت منزلت و بلندی مرتبت می کنند. و خداوند در پاسخ آنها فرماید: به تعداد هر یک از شما که به کمک او شتافته اید، مانند عدد تمام شما از درجات بهشت و قصرها و باغ ها و بوستان ها و درختان از آنچه خواهم که عقل هیچ مخلوقی به آن نرسد برای آن شخص واجب کردم». (۱)

۵. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خود را از بدگویی در مورد آبروی مسلمانان نگاه دارد، خداوند گناهانش را در قیامت بیامرزد». (۲)

### استثنائات غیبت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه فاسقی به طور آشکار گناه کند و پروایی از معصیت نداشته باشد، حرمت ندارد و غیبتش (در باره همان گناه) حرام نیست». (۳)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه گروه حرمت ندارند: بدعتگذاران، پیشوایان ظالم، فاسقانی که به طور آشکار گناه می کنند». (۴)

۱- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۸۲.

۲- صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۸۵ ح ۱۹۵.

۳- امالی صدوق، ص ۳۹، ح ۷.

۴- قرب الإسناد، ص ۱۵۲، ح ۶۳۲.

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در مورد کسی چیزی بگوید که مردم آن را بدانند، غیبت محسوب نمی شود». (۱)

### حفظ الغیب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه برادران مؤمن شما غایب باشند از آنها یاد کنید به بهتر از آنچه دوست می دارید در غیبت شما یاد کنند». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس این سه خصلت را دارا باشد که هر گاه سخن گوید دروغ نگوید، در معاشرت با مردم به آنها ظلم نکند، چون وعده دهد به وعده اش وفا کند، چهار چیز درباره او لازم می شود: واجب است عدالتش در میان مردم آشکار گردد، مروّتش در میان مردم هویدا شود، غیبت او بر آن مردم حرام است، اُخوّت او بر آنها واجب است». (۳)

### برادر مؤمن را تصدیق کن

در حدیث است که محمّد بن فضیل به حضرت امام کاظم علیه السلام عرض کرد: چیزی از یکی از برادران مؤمن در مورد من نقل می شود که مورد رضایت من نیست. حقیقت ماجرا را از وی جویا می شوم او انکار می کند. در حالی که گروهی از مردم مورد اعتماد آن مطلب را نقل کرده اند (چه کنم؟) حضرت فرمود: «در مورد حقّ برادر مؤمن ات چشم و گوش خود را تکذیب کن. اگر پنجاه نفر شهادت دهند و سوگند یاد کنند و او انکار کند، سخن او را تصدیق کن و گفتار

آنها را نپذیر و در مورد او چیزی که موجب نقص و عییش باشد فاش نکن (البته

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۶.

۲- امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۲۸؛ خصال، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۲۴.

این در مورد مسائل اخلاقی است، ولی در مسائل حقوقی اگر دو شاهد عادل بر چیزی گواهی دهند پذیرفته می شود». (۱)

### سرزنش کردن و شماتت مؤمن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در برابر بلایی که بر برادر مؤمن تو نازل شده، اظهار شادی و شماتت نکن که خداوند به او رحم کرده، بلا را از وی برطرف می کند و آن بلا را بر تو فرو می فرستد». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را به مصیبتی که به آن مبتلا و گرفتار شده شماتت کند، از دنیا نرود تا به آن بلا مبتلا شود». (۳)

۳. در چندین حدیث معتبر آمده است که: نزدیک ترین حالت بنده به کفر آن است که کسی با مؤمنی برادری کند و لغزش ها و گناهانش را در خاطر بسپارد تا روزی او را به سبب آنها سرزنش کند. (۴)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را سرزنش کند، خداوند او را در دنیا و آخرت سرزنش می کند». (۵)

### تهمت زدن و گمان بد بردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را متهم سازد، ایمان در دلش گداخته شود، همان گونه که نمک در میان آب حل می گردد». (۶)

۱- ثواب الأعمال، ص ۲۹۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۵۹، باب الشماتة، ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۵۹، باب الشماتة، ذیل حدیث ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۶.

۵- کافی، ج ۲، ص ۳۵۶، باب التَّغییر، ح ۱.

۶- کافی، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۱.

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «گمان بد در حق مردم، بدترین دروغ هاست». (۱)

### سخن چینی

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «می خواهید به شما بگویم بدترین شما چه کسی است؟» عرض کردند: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: «کسانی که در میان مردم سخن چینی می کنند و در میان دوستان جدایی می اندازند و بر افراد پاک عیب می نهند». (۲)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهشت بر سخن چینان

حرام است». (۳)

### قهر و آشتی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو تن با آزرده گی و ناراحتی و قهر از هم جدا شوند، یکی از آنها مستحق بیزارى و لعن الهی است. و چه بسا هر دو چنین استحقاقی داشته باشند». شخصی پرسید: اگر یکی از آنها مظلوم باشد چرا مستحق نفرین است؟ فرمود: «زیرا برای آشتی قدم بر نمی دارد. چرا به نزد دیگری نمی رود و به او هدیه ای نمی دهد و از خطای او نمی گذرد؟» (۴)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «قهر بیش از سه روز (در اسلام) نیست». (۵)

- ۱- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۷، ح ۱۳.
- ۲- کافی، ج ۲، ص ۳۶۹، باب النمیمه، ح ۱.
- ۳- کافی، ج ۲، ص ۳۶۹، باب النمیمه، ح ۲.
- ۴- کافی، ج ۲، ص ۳۴۴، باب الهجره، ح ۱.
- ۵- کافی، ج ۲، ص ۳۴۴، باب الهجره، ح ۲.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تا زمانی که دو مسلمان از یکدیگر آزرده خاطر و با هم قهر باشند، پیوسته شیطان شادی می کند و هنگامی که کدورت ها برطرف شود و با همدیگر آشتی کنند، زانوهای شیطان می لرزد و بندهایش از هم جدا شده و فریاد می زند: واویلا، چه بلایی بر سر من آمد». (۱)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو مسلمان از هم دوری کنند و سه روز بگذرد و با هم آشتی نکنند از اسلام خارج می شوند و رابطه ایمانی آنها قطع می شود. و هر کدام زودتر برای آشتی اقدام کند، در جهان آخرت زودتر به بهشت می رود». (۲)

## آداب رفتار با ظالمان

### وضعیت حاکمان ظالم

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ بنده ای به فرمانروایی نزدیک نمی شود، مگر آنکه از خدا دور می شود. و هیچ بنده ای مالش افزوده نمی شود، مگر آنکه حسابش دشوارتر می شود. و پیروان هیچ بنده ای بیشتر نمی شوند، مگر اینکه شیاطین او بیشتر می شوند». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «صلاح دو صنف از امت من موجب صلاح تمام امت و فساد آنان موجب فساد همه امت است: فقها و فرمانروایان». (۴)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «فرمانروایان از همه مردم بی وفاتر و کم محبت ترند». (۵)

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۴۶، ح ۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۵.

۳- ثواب الأعمال، ص ۳۱۰.

۴- خصال، ج ۱، ص ۸۱، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۶، ح ۱.

۵- امالی صدوق، ص ۲۱.

## جایگاه حاکمان عادل

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر مردم حکومت کند و عدالت را پیشه خود سازد و در خانه خود را به روی مردم بگشاید و موانع ملاقاتش را برای مردم مرتفع کند تا همه به او دسترسی داشته باشند و به احوال مردم برسد، بر خداست که ترس او را در قیامت به ایمنی مبدل گردانیده و او را وارد بهشت کند». (۱)

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در میان فرمانروایان گروهی هستند که خداوند متعال دین حق را به ایشان عطا کرده و آنان را بر شهرها مسلط گردانده، تا به سبب آنها ستم ها و ضررها را از دوستانش دور کند و به برکت آنان امور مسلمانان را اصلاح نماید و مؤمنان در سختی ها و گرفتاری ها به ایشان پناه برند و نیازمندان و شیعیان ما به آنان متوسل شوند و به سبب آنان، خداوند ترس مؤمنان را به ایمنی مبدل کرده است. این دسته از حاکمان در مملکت ظالمان، مؤمنان حقیقی و امینان خدا در زمین اند و نور آنها به اهل آسمان روشنی می دهد، همان گونه که ستاره به اهل زمین روشنی می دهد. و در قیامت نور آنها عرصه محشر را روشن می کند. آنها برای بهشت خلق شده اند». (۲)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه خداوند متعال خیر مردمی را بخواهد، حاکم مهربانی بر آنان مسلط کرده و برای او وزیر عادل فراهم می سازد». (۳)

## کیفیت رفتار با حاکمان

### اطاعت از حاکم و حکم یاری کردن او

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام به شیعیان خود فرمود: «با ترک

۱- امالی صدوق، ص ۲۴۵، ح ۲.

۲- منیه المرید، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۳- امالی صدوق، ص ۲۴۵، ح ۳.

اطاعت از حاکم، خود را خوار نکنید؛ پس اگر عادل باشد از خداوند بجا و دوامش را تقاضا کنید و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا بخواهید که اصلاحش کند که صلاح شما در صلاح حاکم شماست. و حاکم عادل به منزله پدری مهربان است. آنچه را برای خود می خواهید برای او نیز طلب کنید و آنچه را برای خود نمی خواهید برایش آرزو نکنید». (۱)

۲. در حدیثی به سند معتبر آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرمانروای خود را بر نیکی کردن به او یاری کند». (۲)

### تحریک کردن حاکم ظالم، یا مدارا کردن با وی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس (بی جهت) متعرض فرمانروای ظالم شود و از او آزاری ببیند، خداوند او را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر را روزیش نکند». (۳)

۲. در حدیث است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به هنگام شهادت به امام حسن مجتبی علیه السلام چنین سفارش کرد: «صالحان را برای صلاحشان دوست بدار و با فاسقان به ظاهر مدارا کن و در دل، دشمن آنها باش». (۴)

### بقای ظالم را دوست نداشته باش و به ظلمش کمک نکن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بقای ظالمان را دوست داشته باشد، گویی دوست دارد که خدا را معصیت کنند. و هر کس دوست داشته باشد که خدا را معصیت کنند، آشکارا با خدا دشمنی کرده است». (۵)

۱- امالی صدوق، ص ۳۳۸، ح ۲۱.

۲- ثواب الأعمال، ص ۲۲۱.

۳- ثواب الأعمال، ص ۲۹۶.

۴- امالی مفید، ص ۱۲۹؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۶.

۵- معانی الأخبار، ص ۲۵۳.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام به بنی اسرائیل می گفت: ظالم را بر ظلمش یاری نکنید که ارزش شما باطل می شود». (۱)

۳. در حدیث صحیح و معتبر دیگری فرمود: «هر کس ظالمی را بر ضدّ مظلوم یاری دهد، خداوند متعال پیوسته بر او خشمگین باشد تا دست از یاری او بردارد». (۲)

### به در خانه ظالم نرو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز است که دل را فاسد می کند و نفاق را در دل می رویاند همان گونه که آب درخت را می رویاند: شنیدن ساز و آواز، یاهو سرایی کردن و دشنام دادن، به در خانه حاکمان ظالم رفتن، به شکار (برای تفریح) رفتن». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به در خانه حاکمان (ظالم) و آنها که با حاکمان هستند نروید که نزدیک ترین شما به آنها دورترین شما از خداوند است. و هر کس حاکمی ظالم را بر خدا ترجیح دهد، خداوند پرهیزگاری را از او برداشته و او را سرگردان می کند». (۴)

۳. در حدیثی است که عبد الغفار بن القاسم از حضرت باقر و صادق علیهما السلام پرسید: در مورد رفتن نزد حاکم ظالم چه می فرمایید؟ فرمود: «این کار را برای تو خوب نمی دانم». عرض کرد: بسیار اتفاق می افتد که در سفر به شام مرا نزد ابراهیم پسر ولید می برند. حضرت فرمود: «رفتن نزد شاهان و حکام سه پی امد منفی به دنبال دارد: محبت دنیا، فراموشی مرگ، راضی نبودن به آنچه خداوند

۱- معانی الأخبار، ص ۱۹۶.

۲- ثواب الأعمال، ص ۳۲۳.

۳- خصال، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۷۳، ح ۴۳.

۴- ثواب الأعمال، ص ۳۱۰.



روزی تو کرده است». عرض کرد: ای پسر رسول خدا، من اولاد بسیار دارم و برای تجارت به شام می روم. حضرت اجازه داد.

(۱)

### همکاری با ظالمین

۱. در حدیث است که سلیمان جعفری گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «چه می کنی؟» عرض کردم: متکفل کارهایی هستم که مردم از جانب فرمانروایان (ظالم) انجام می دهند. حضرت فرمود: «مداخله کردن در کارهای آنها ویاری کردنشان و تلاش در برآورده شدن حوائجشان معادل کفر و نگاه کردن به آنها از روی عمد، گناه کبیره است». (۲)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که صفوان جمّال (شتردار) خدمت امام کاظم علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «همه چیز تو خوب است، جز آن که شتران خود را به این مرد (هارون الرشید) کرایه می دهی». صفوان عرض کرد: والله که شتران خود را برای کار بد یا شکار لہوی و مانند آن به او کرایه نداده ام، بلکه برای سفر حج بوده است. علاوه بر اینکه خودم همراه شتران با او به مکه نمی روم، بلکه غلامان و کارکنانم را می فرستم. حضرت فرمود: «آیا دوست داری آن قدر زنده باشد که کرایه شتران تو را بدهد؟» عرض کرد: آری. حضرت فرمود: «هر کس بقای آنان را بخواهد از ایشان است و هر که از ایشان باشد اهل جهنّم است». (۳)

۳. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به حکم حاکم ظالم راضی باشد و به او کمک کند، از دوستان او خواهد بود». (۴)

۱- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷، ح ۳۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۱۰.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۱۰؛ رجال کشی، ص ۳۷۳.

۴- تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۷.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «ظلم کننده ویاری کننده او بر ظلم و کسی که راضی به آن ظلم باشد، هر سه شریک در گناهند».

(۱)

### جبران کردن همکاری با ظالم

۱. در حدیث است که مفضل بن مزید که کاتب و نویسنده خلفا و در عین حال از شیعیان بود، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: از خدماتی که به خلفا می کنم اطلاع دارید؟ حضرت فرمود: «در آمدی که از این راه کسب می کنی به شیعیان (فقیر) بده، زیرا خداوند متعال فرماید: حسنات و کارهای نیک، گناهان و سیئات را از بین می برد». (۲)

۲. در حدیث است که علی بن حمزه می گوید: دوستی داشتم که از نویسندگان بنی امیه بود. همراه من خدمت امام صادق علیه السلام رسید. عرض کرد: من در دیوان بنی امیه کار می کردم و از این راه ثروت فراوانی گرد آورده ام. حضرت فرمود: «اگر مردم برای بنی امیه کتابت نمی کردند و برای آنها غنیمت جمع نمی کردند و برایشان به جنگ نمی رفتند و نزد آنها حاضر نمی شدند، آنها حق ما را غصب نمی کردند». آن شخص گفت: آیا چاره ای برای جبران اشتباهات گذشته وجود دارد؟ حضرت فرمود: «اگر بگویم به آن عمل می کنی؟» عرض کرد: آری، عمل می کنم. حضرت فرمود: «آنچه را در دیوان بنی امیه به دست آورده ای، اگر صاحبانش را می شناسی به آنها بازگردان و اگر آنها را نمی شناسی (به نیت صاحبان اصلی) به نیازمندان صدقه بده؛ اگر به این دستور عمل کنی بهشت را برای تو ضمانت می کنم». آن شخص ساعتی سر به زیر افکند و به فکر فرو رفت. سپس سر بلند کرد و عرض کرد: این کار را انجام می دهم. علی بن ابی حمزه

۱- خصال، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۲، ح ۶۷.

۲- رجال کشی، ص ۳۷۴، ح ۷۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۶، ح ۳۳.

می گوید: آن جوان همراه ما به کوفه آمد و تمام دارایی اش، حتی لباس هایی را که به تن داشت، به گفته امام، هزینه کرد. ما در میان دوستان خود مالی جمع کرده و لباس هایی برایش خریده و پولی برایش فرستادیم. پس از آن، چند ماه بیمار شد. به دیدنش رفتیم. در حال جان دادن بود. چشم گشود و گفت: حضرت صادق علیه السلام به ضمانتی که وعده کرده بود وفا کرد. این سخن را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد. او را دفن کردیم، سال بعد که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود: «به خدا سوگند نسبت به رفیقت به ضمانتی که کردم

وفا نمودم». (۱)

### منازعه با حاکم و استفاده از اموال وی

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای هر کس که اعتقاد به امامت ما داشته باشد امید نجات دارم، مگر سه گروه: حاکمی که بر رعیت خود ظلم کند، کسی که در دین بدعت بگذارد، کسی که آشکارا گناه کند». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: سه گروهند که هر کس با آنها منازعه کند خوار و بی ارزش شود: پدر، پادشاه (ظالم که توان مقابله با او را ندارد)، طلبکار». (۳)

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که حمیری خدمت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نامه ای به این مضمون نوشت: شخصی متصدی اوقاف است و تصرف در موقوفات را حلال دانسته و بی پروا در آن تصرف کرده و گاه هدیه ای برای من می فرستد (آیا می توانم از هدایای او استفاده کنم؟) حضرت در پاسخ نوشتند: «اگر این مرد مال و ثروتی غیر از درآمد موقوفات در اختیار دارد از

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۰۶، ح ۴؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۸۰، ح ۴۱.

۲- خصال، ج ۱، ص ۱۳۵، ح ۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۷، ح ۶.

۳- خصال، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۲۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۸، ح ۱۰.

غذایش بخور و احسانش را بپذیر و اگر به غیر از آن مال حرام چیزی ندارد از غذایش نخور و مالش را قبول نکن». (۱)

### نصیحت حاکم و رساندن حاجات مردم به او

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس نزد حاکم ظالمی برود و او را امر به پرهیزگاری کند و پندش دهد، ثوابش همانند ثواب جنّ و انس خواهد بود». (۲)

۲. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که حضرت کاظم علیه السلام و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس حاجت کسی را به حاکم برساند و مشکل او را حل کند، خداوند متعال قدم هایش را در قیامت بر پل صراط ثابت گرداند». (۳)

### مجازات ها و پوی امدها

#### مجازات مدح یا راهنمایی ظالم

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس حاکم ظالمی را مدح و ستایش و به خاطر طمع در دنیا در نزد او اظهار شکستگی و خضوع کند، در جهنّم با او باشد زیرا خداوند متعال فرماید: (وَلَا تَوَكَّنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ)». (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس ظالمی را بر ظلمش راهنمایی کند، در جهنّم با همامان وزیر فرعون باشد. (۵) و هر کس از سوی ظالمی خصومت و دشمنی

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۵۷۲.

۲- السرائر، ج ۳، ص ۶۳۴.

۳- امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۴- ترجمه: «بر ظالمان تکیه نکنید که موجب می شود آتش شما را فرو گیرد». (سوره هود، آیه ۱۱۳) امالی صدوق، ص ۴۲۶.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۸.

کند، یا در آن خصومت به آن ظالم کمک کند، هنگامی که ملک الموت نزدش آید او را به نفرین خدا و آتش جهنم بشارت دهد. (۱) و هر کس تازیانه ای در دست

گرفته و نزد پادشاه یا حاکم جبری بایستد، خداوند متعال آن تازیانه را در قیامت همچون اژدهایی از آتش جهنم کند که بلندای آن هفتاد ذراع باشد و آن را در جهنم بر او مسلط گرداند». (۲)

### مجازات درخواست از حاکم ظالم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دین خود را با پرهیز از محرمات و تقیّه از مخالفان و مستغنی شدن به خدا از طلب حاجت کردن از پادشاهان تقویت کنید. و بدانید هر مؤمنی که نزد سلطانی یا کسی که با او در دینش مخالف باشد، به منظور طلب مال دنیا خضوع کند خداوند او را گمنام کند و او را دشمن دارد و به خود واگذارد و اگر چیزی از دنیای او به دستش برسد برکت آن را بگیرد و اگر آن را در راه حج یا عمره یا آزاد کردن بردگان هم هزینه کند، ثوابی به او ندهد».

(۳)

### گناه و مجازات همکاری با حاکمان ظالم

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت منادی از سوی خداوند ندا کند: کجایند ظالمان و کسانی که به آنها کمک کرده اند؟ کجایند آنان که دوات ظالمان را ليقه گذاشته (۴) ، یا سر کیسه (محصولات) آنها را

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۸.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۲.

۳- ثواب الأعمال، ص ۲۹۴.

۴- «لیقه» تکه نخ یا ابریشم (یا قطعه پنبه) به هم پیچیده ای است که در دوات می گذارند و مرکب روی آنمی ریزند (تا اگر دوات واژگون شود جوهر نریزد و به هنگامی که قلم وارد آن می شود جوهر زیادی بر نوک قلمنشیند) ليق هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

بسته، یا قلمی به آنها داده اند؟ آنها را با ظالمان محشور کنید». (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به حکم حاکم ظالمی راضی باشد و به او کمک کند، از دوستان او خواهد بود (وسرنوشت او را خواهد داشت)». (۲)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند بهشت را آفرید... فرمود: به عظمت و بزرگواریم سوگند که این افراد را وارد بهشت نکنم: کسانی که مداومت بر شرب خمر داشته باشند، خودفروشان، سخن چینیان، بی غیرت ها (در مورد همسر)، مأموران نظامی حکومت طاغوت، همجنس بازان، کسانی که نبش قبر می کنند و کفن می دزدند، مأمور وصول عوارض مالیات حکومت ظالم، کسانی که صله رحم را ترک کنند، کسانی که قائل به جبر باشند». (۳)

### مجازات توجیه ظلم و خضوع در برابر ثروتمند مغرور

۱. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس ظالمی را در ظلمش معذور بدارد (وظلم او را توجیه کند)، خداوند ظالم دیگری را بر او مسلط گرداند تا بر وی ظلم کند. سپس اگر دعا کند دعایش مستجاب نخواهد شد و خداوند او را بر تحمل آن ستم ثواب نخواهد داد». (۴)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس نزد توانگر (مغروری) برود و برای او خضوع و اظهار شکستگی کند، دوسوم دینش از بین می رود». (۵)

۱- ثواب الأعمال، ص ۳۰۹.

۲- تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷، ح ۳۳.

۳- خصال، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۳، ح ۳۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۱۸.

۵- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۳۷۹.

### مجازات به ناحق حکومت کردن و به کار مردم رسیدگی نکردن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به ناحق حاکم بر گروهی شود و بر آنان مسلط گردد، خداوند در مقابل هر روز حکومتش هزار سال او را در کنار جهنم نگاه می دارد و هنگامی که محشور شود دست هایش در گردنش بسته باشد، سپس اگر به امر خداوند در میان آنها عمل کرده باشد او را رها می کند و اگر بر آنها ظلم کرده باشد او را به جهنم می اندازد». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس حاکم بر مسلمانان شود و حق آنها را تباه کند و به احوال آنان نپردازد، خداوند وی را ضایع کرده، (او را به حال خود رها می سازد) و رحمتش را از او بازمی گیرد». (۲)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر حاکمی که مردم را از عرضه مشکلاتشان به خود ممنوع سازد، خداوند در قیامت حاجت او را برآورده نکند. و اگر چیزی به رسم هدیه (به صورت هدیه و در واقع رشوه) بگیرد، گویی از غنایم جنگی دزدی کرده که بدترین دزدی هاست. و اگر رشوه بگیرد گویی به خدا شرک ورزیده است». (۳)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبری از پیامبرانش که در کشوری می زیست که حاکمش ظالم و جبار بود، مأموریت داد که به آن حاکم بگوید: تو را حاکم نکرده ام که خون مردم را بریزی و اموالشان را بگیری، بلکه تو را حکومت بخشیدم که صدای مظلومان را از من بازگیری. بی شک ستم هایی که بر آنها شود را بازخواست می کنم، هر چند ستمدیدگان کافر باشند». (۴)

۱- امالی صدوق، ص ۴۳۳.

۲- ثواب الأعمال، ص ۳۰۹.

۳- ثواب الأعمال، ص ۳۱۰.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۴.

## مجازات جباران

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در جهنم کوهی است که آن را «سعدا» می گویند. ودر آن کوه وادی ای هست که نام آن «سقر» است. ودر آن وادی، چاهی است که آن را «هبهب» می گویند. هرگاه در آن چاه را بردارند جهنمیان از گرما وحرارت آن فریاد می کشند. آن چاه جای جباران است». (۱)

## مجازات ظالمان

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دعای سه کس از درگاه خدا رد نمی شود: دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرینش بر فرزند بدکردار، نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقام او را از ظالم بگیرد، دعای مؤمن برای مؤمنی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او کمک مالی کند و نفرین مؤمن بر کسی که علی رغم توانایی مالی اش به آن مؤمن نیازمند کمک نکند». (۲)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند فرماید: خشم من بر ظالمی که به مظلومی ظلم کند که یاوری جز من ندارد، سخت و شدید است». (۳)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند فرماید: دعای شخصی را که مظلومه ای از کسی نزد او باشد مستجاب نمی کنم». (۴)

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بر دیگری ظلم کند، خداوند متعال کسی را مأمور کند که همانند آن ظلم را نسبت به او یا فرزندان وی، یا فرزندان فرزندانش (هرگاه راضی به فعل پدر باشند) انجام دهد». (۵)

۱- ثواب الأعمال، ص ۳۲۴.

۲- امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۳- امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۹.

۴- ثواب الأعمال، ص ۳۲۱؛ فلاح السائل، ص ۳۸.

۵- کافی، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۳.



۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس حقّ مؤمنی را حبس کند، خداوند متعال او را (در عرصه محشر) پانصد سال سر پا نگاه دارد... و منادی ندا کند که این ظالمی است که حقّ خدا را حبس کرده است، در نتیجه چهل روز او را سرزنش کنند، سپس دستور می دهد او را به جهنّم ببرند». (۱)

۶. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین جهادها آن است که صبح هنگام، فکر ظلم بر کسی را در ذهن نداشته باشد». (۲)

## آداب معاشرت با کافران و مخالفان

### معاشرت با کافران

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس غیر مسلمانی را ببیند و (آهسته) بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِاِسْلَامِ دِيْنَا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابَا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِيْنَ اِخْوَانًا وَبِالْكَعْبَةِ قَبْلَةً (۳)، خداوند میان او و آن کافر در جهنّم جمع نمی کند». (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر با غیر مسلمانان مصافحه می کنی از زیر لباس مصافحه کن و اگر دستت با دست آنها تماس پیدا کرد آن را بشوی». (۵)

۳. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: برای غیر مسلمانان چگونه دعا کنیم؟ حضرت فرمود: «بگوید: بَارَكَ اللهُ فِي دُنْيَاكَ». (۶)

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲.

۲- محاسن، ص ۲۹۲، ح ۴۴۹.

۳- ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که مرا به سبب اینکه اسلام دین من و قرآن کتاب من و محمد پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام امام من و مؤمنان برادران و کعبه قبله من است بر تو برتری داد».

۴- ثواب الأعمال، ص ۴۴.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۱۰.

۶- ترجمه: «خداوند به دنیای تو برکت دهد». کافی، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۹.

۴. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «مسلمان نباید با یهودی در یک ظرف غذا بخورد، یا با او بر یک فرش بنشیند، یا همنشین او شود». (۱)

۵. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مؤمنان سزاوار نیست که با کافران اهل ذمه شراکت داشته، یا امانتی به آنها بسپارند که چیزی برای آنها بخرند، یا چیزی به آنها بسپارند، یا با آنها دوستی کنند». (۲)

۶. نیز در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: به کشورهای غیر مسلمان سفر می کنم. مردم می گویند اگر آنجا بمیری با آنان محشور خواهی شد. حضرت فرمود: «چنین نیست، بلکه تنها محشور خواهی شد و نور تو در قیامت در پیش روی تو خواهد بود». (۳)

### معاشرت کردن با مخالفان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تقیه سپر ایمان است و کسی که تقیه نمی کند ایمان ندارد». (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «نه دهم دین در تقیه است». (۵)

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که بیشتر تقیه کند». (۶)

۱- قرب الإسناد، ص ۲۱۶، ح ۱۰۷۷.

۲- قرب الإسناد، ص ۱۴۶، ح ۵۹۹.

۳- رجال کشی، ص ۳۴۳، ح ۶۳۵؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۰۱، ح ۱.

۴- قرب الإسناد، ص ۴۶، ح ۱۰۷.

۵- کافی، ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۲.

۶- محاسن، ص ۲۵۸، ح ۳۰۲.

۴. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که تقیّه را ترک کند، گویا نماز را ترک کرده است». (۱)

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تقیّه در بلاد مخالفان واجب است. و کسی که از روی تقیّه قسم بخورد تا ضرری را از خود دور کند، مرتکب گناهی نشده و کفّاره ندارد». (۲)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دین خود را با تقیّه از گزند مخالفان حفظ کنید. بی شک شما در میان مخالفان همچون زنبور عسل در میان پرندگان هستید. اگر پرندگان می دانستند که درون شکم زنبور عسل، عسل هست حتی یکی از آنها را زنده نمی گذاشتند. اگر مخالفان بدانند که محبّت ما در سینه شماست، شما را راحت نمی گذارند». (۳)

توجه: «تقیّه» در بلاد مخالفان متعصّب و کینه توز که با اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها دشمنی دارند واجب است، مشروط بر اینکه بیم ضرر باشد که در این صورت نباید دین و عقیده اش را ابراز کند بلکه باید وانمود کند که معتقد به عقاید آنهاست. و هنگامی که آنها مطلع باشند و نتوان وضو و نماز و سایر عبادات را دور از چشم آنها انجام داد، باید به روش آنها به جا آورد. و تشخیص خوف و ضرر و موارد لزوم تقیّه بر خود انسان است. تقیّه در بلاد شیعه و سنّی در هر امری که انسان ظنّ ضرری داشته باشد لازم است، مگر در مورد جان دیگر انسان ها که در آن نمی توان تقیّه کرد؛ مثل اینکه بگویند فلان کس را بکش و گرنه تو را می کشیم که در این مورد نمی تواند از باب تقیّه آن شخص را بکشد؛ هر چند خودش کشته شود.

۱- السرائر، ج ۳، ص ۵۸۳.

۲- خصال، ج ۲، ص ۳۹۴ از امام صادق علیه السلام؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۹۴، ح ۱۰.

۳- محاسن، ص ۲۵۷، ح ۳۰۰.

## حقوق مردگان بر زندگان

### وظیفه محضر

هنگامی که محضر آثار و علائم مرگ را مشاهده کرد، خود او اول کسی است که باید به احوال شخصی اش رسیدگی کند که سفری ابدی به سوی جهان آخرت در پیش دارد و توشه مناسبی متناسب با آن سفر برگیرد؛ بنابراین، نخستین کاری که ضروری و لازم است اقرار کردن به گناه و اعتراف به تقصیر و کوتاهی در انجام دادن تکالیف و پشیمانی از گذشته و توبه کامل است. به درگاه عظمت پروردگار تضرع و گریه وزاری کند تا خداوند از گناهان گذشته اش درگذرد و در احوال و سختی هایی که در پیش دارد او را به خود و دیگران واگذار نکند.

در گام دوم به وصیت کردن بپردازد و آنچه از حقوق خدا و خلق خدا بر ذمه دارد ادا کرده و این کار را به دیگران واگذار نکند که پس از مرگ اختیار از کفش می رود و با حسرت در اموالش می نگردد و شیاطین جنّ و انس، ورثه و وصی او را وسوسه کرده، تا به وصایای او عمل نکنند و میت چاره ای (جز حسرت و اندوه) نخواهد داشت و فریاد می زند که مرا برگردانید تا کاری شایسته و نیک در اموالم به جا آورم، ولی کسی به سخن او گوش نمی دهد و حسرت و ندامت و پشیمانی در آن روز فایده ای نخواهد داشت. پس به مقدار یک سوم از اموال خود را برای بستگان و نیازمندان و کارهای خیر و آنچه برای خود مناسب می دانی وصیت کن و بیش از یک سوم اختیاری نداری و وصیت نافذ نیست.

در گام سوم از برادران مؤمن خود حلالیت بطلب. اگر غیبت کسی را کرده ای، یا اهانتی به او روا داشته ای، یا آزاری به او رسانده ای، چنانچه دسترسی به وی داری خواهش کن که تو را حلال کند و اگر دسترسی نداری از برادران دینی ات خواهش کن که از طرف تو رضایت وی را جلب کنند.

در گام چهارم، امور فرزندان و همسرت را پس از توکل بر خداوند متعال به

شخص امینی بسیار و برای فرزندان صغیر خود قیم تعیین کن.

در گام پنجم، کفن خود را مهیا کن و از کسی بخواه که شهادتین و عقاید حقه و اذکار و ادعیه و آیات مناسب را (در صورت امکان) با تربت امام حسین علیه السلام بر روی آن بنویسد. البته این در صورتی است که قبلاً کفن خود را آماده نکرده باشی، و گرنه سزاوار است مؤمن همواره کفنش آماده و در دسترس وی باشد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس کفنش آماده و نزد

او حاضر باشد، نام او را جزء غافلان ننویسند» (۱) و گاه به کفنش نگاه کند که

ثواب دارد.

در مرحله بعد، دیگر در فکر زن و فرزند و مال و ثروت نباشد و توجه به پروردگار پیدا کرده و به یاد او باشد و اندیشه کند که این امور فانی زودگذر فایده ای برایش ندارد و به غیر از لطف حق و رحمت پروردگار، چیزی در دنیا و آخرت به فریاد او نمی رسد. و بی شک اگر توکل بر خدا کند امور بازماندگانش به صورتی نیکو به انجام خواهد رسید.

و به این نکته توجه داشته باشد که اگر خودش زنده می ماند بدون مشیت و اراده الهی نمی توانست سودی به آنها رسانده، یا زیانی را از آنها دور کند؛ خدایی که آنها را آفریده، از او به آنها مهربان تر است.

و سرانجام در آن حال در مقام رجا و امید باشد. به رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و به شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام امید بسیار داشته باشد و منتظر قدوم شریف آن بزرگواران باشد. و بداند که همگی آن بزرگواران در آن زمان حاضر شده و به شیعیان خود بشارت ها داده و سفارش هایی به ملک الموت در مورد آنها خواهند کرد.

## وصیت کردن نیکو

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آورده است: «هر کس در وقت مرگ وصیت نیکو نکند، نشانه کمبود عقل و مرورت اوست. گفتند: ای رسول خدا، چگونه وصیت کند؟ فرمود: هنگامی که وفات او نزدیک شود و مردم نزد او جمع شوند، بگوید: اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اِنِّيْ اَعْتَمِدُ اِلَيْكَ اَنْىَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَيَّمَلَى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاَلِهٖ عِبْدُكَ وَرَسُوْلُكَ وَاَنَّ السِّيَاعَةَ اَتِيَتْهُ لَا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّكَ تَبْعَتْ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ فِيْهَا مِنَ النَّعِيْمِ الْمَيَّاكِلِ وَالْمَشْرَبِ وَالتَّكْوَانِ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيْمَانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّيْنَ كَمَا وَصَّفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ وَاِنِّيْ اَعْتَمِدُ اِلَيْكَ فِي الدَّارِ الدُّنْيَا اِنِّي رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا وَاِلَّا سِوَايَا دِيْنَا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاَلِهٖ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَاِلَّا الْقُرْآنَ كِتَابًا وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ: اُمَّتِي. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقْتِي عِنْدَ سِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُمْدَتِي عِنْدَ الْاُمُوْرِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَاَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَالْهَى وَالْهٖ اَبَائِي، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَاَلِهٖ وَلَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَيَّدَا وَاَنْسَ فِي قَبْرِى وَخَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْقَاكِ مَنْشُوْرًا. (۱) سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: این

۱- ترجمه: «بار خدایا، ای آفریننده آسمان ها وزمین، ای دانای پنهان و آشکار، ای بخشنده مهربان، من با تو عهد می بندم و گواهی می دهم که جز تو معبودی نیست. یگانه ای و شریک نداری و محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است و قیامت می آید و شکی در آن نیست و تو زنده می کنی کسانی را که در گورها خفته اند و حساب و بهشت حق است و آنچه را که خداوند از نعمت خوردنی ها و آشامیدنی ها و همسران بهشتی در آن وعده داده حق است و دوزخ حق است و ایمان (به آنها) حق است و دین همچنان است که تو بیان کرده ای و اسلام همچنان که تو دستور داده ای و سخن همان است که تو گفته ای و قرآن چنان است که تو فرستاده ای و تو خداوند حق آشکاری و من در دنیا با تو پیمان می بندم که راضی ام تو پروردگار من باشی و اسلام دین من و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر و علی علیه السلام امام من و قرآن کتاب من و خاندان پیامبر تو امامان من باشند. بار خدایا، تو در هر سختی پشت و پناه من و در هر گرفتاری امید من و در هر پیشامدی ذخیره منی و تو ولی نعمت و معبود من و پدران منی. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا هرگز به خودم وانگذار، حتی به مقدار یک چشم بر هم زدن و در تنهایی قبرم انیس من باش و در نزد خود برای روزی که تو را در قیامت ملاقات کنم عهد و پیمانی برابم قرار ده.»

عهد و پیمان میّت است از روزی که می خواهد وصیّت کند و وصیّت بر هر مسلمانی لازم و واجب است.»

حضرت صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود: «تصدیق این سخن در سوره مریم آمده است، آنجا که فرماید: (لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا) (۱) آنان هرگز مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که نزد خداوند

رحمان، عهد و پیمانی دارد». (۲)

۲. در حدیث است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این وصیّت را فراگیر و به اهل بیت و شیعیان نیز تعلیم بده، همان گونه که جبرئیل به من تعلیم داد. اگر قبلاً صحیفه خود را تنظیم نکرده است، جمعی از مؤمنین را حاضر کند و بر اعتقادات خود گواه گیرد و سپس بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ

لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، سپس بر پارچه یا کاغذ چنین بنویسد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسْمُونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ، أَنَّ أَخَاهُمْ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ (و به جای فُلَانٍ بَنُ فُلَانٍ (و به جای فُلَانٍ بن فُلَانٍ نام خود و پدرش را بنویسد) أَشْهَدَهُمْ وَأَشِدُّوْذَعَهُمْ وَأَقْرَبَهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ مُقَرَّرٌ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَإِمَامُهُ وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ (هُمُ) الْأَئِمَّةُ وَأَنَّ

۱- سوره مریم، آیه ۸۷.

۲- مصباح المتهجد، ص ۳۰؛ مصباح کفعمی، ص ۷.

أَوْلَهُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْقَائِمُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسِيٌّ تَخْلَفُهُ فِي أُمَّتِهِ مُؤَدِيًّا لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَأَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَابْنَتُهَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسِبْطَاهُ وَإِمَامَا الْهُدَى وَقَائِدَ الرَّحْمَةِ وَأَنَّ عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَحَسَنًا وَالْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أُمَّةً وَقَادَةً دُعَاةَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ (۱)، سپس به گواهان و شهودی که نامشان در آن صحیفه نوشته خواهد شد بگوید: اثْبُتُوا إِلَيَّ هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكُمْ حَتَّى تَلْقَوْنِي بِهَا عِنْدَ الْحَوْضِ (۲)، سپس

۱- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. شهادت می دهم که معبودی جز الله نیست. او یکتاست و شریکیندارد و شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست و اینکه بهشت و جهنم حق است و قیامت بدون شک خواهد آمد (و محقق خواهد شد) و خداوند کسانی را که در قبرها آرمیده اند زنده خواهد کرد. سپس برپا رچه یا کاغذی چنین بنویسد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. کسانی که نامشان در این نامه آمده است شهادت دادند که برادر دینی آنها آقای فلان فرزند فلان از آنها طلب شهادت کرده و در نزد آنها اقرار کرده است که او گواهی می دهد معبودی جز الله نیست. او یگانه است و شریک ندارد و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست و به همه پیامبران و رسولان: اقرار می کند. و علی علیه السلام ولی خدا، امام او و امامان از فرزندان امامان اویند. اول ایشان حسن و سپس حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حضرت حجت: می باشند و اینکه بهشت و دوزخ حق است و قیامت خواهد آمد و در آن شکی نیست و خداوند کسانی را که در گورها هستند برمی انگیزاند و اینکه محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست و حق را آورده است و علی ولی خدا و خلیفه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است، او را در امت جانشین قرار داده تا امر و فرمان پروردگار را برساند و فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و دو فرزندش حسن و حسین فرزندان رسول خدایند و دو سبط او و دو امام هدایت و پیشوای رحمت اند و اینکه (حضرات معصومین) علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت:، امامان و رهبران و دعوت کنندگان به سوی خداوند و حجت بر بندگان اویند».

۲- ترجمه: «این شهادت و اقراری را که نزد شما کردم به امانت نزدتان نگاه دارید، تا زمانی که شما را کنار حوض کوثر ملاقات کنم».



گواهان به او بگویند: ای فلانی فرزند فلانی، نَسَيْتُودِعُكَ اللهُ وَالشَّهَادَةَ وَالْإِقْرَارَ وَالْإِخَاءَ وَمَوْعُودَهُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَقَرْتُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَرَحْمَةَ اللهِ وَبَرَكَاتِهِ (۱) ،

سپس صحیفه را به مُهر آن شخص و مهر گواهان مهر کنند و آن را ببندند و پس از مرگ در جانب راست میت همراه جریده بگذارند. (۲)

### دعای مختصر در حال احتضار

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر بالین شخصی از انصار که در حال جان دادن بود حاضر شد و از او پرسید: «در چه حالی هستی؟» عرض کرد: امید به رحمت خدا دارم و از گناهان خود می ترسم. حضرت فرمود: «این دو حالت در حال احتضار در دل کسی به وجود نمی آید، مگر آنکه خداوند امیدش را عملی می کند و او را از آنچه می ترسد در امان می دارد». (۳)

۲. در حدیثی می خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به دیدار کسی که در حال احتضار بود رفت و به او فرمود بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ». (۴)

### وظیفه اطرافیان مختصر

(مقدمه: بستگان و مؤمنان نباید مختصر را در حال احتضار تنها بگذارند و باید نزد او قرآن و دعا بخوانند. و اعتقاد به یکتایی خدا و رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامت امامان معصوم علیهم السلام و سایر اعتقادات حق، از قبیل بهشت

۱- ترجمه: «ما، تو و شهادت و اقراری را که کردی و رابطه اخوت و برادری ما را به خدا سپردیم و وعده ما (در کنار حوض کوثر) خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله. بر تو سلام و درود می فرستیم و رحمت و برکات خدا بر تو باد».

۲- مصباح المتهجد، ص ۱۶ و ۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۵۹، ح ۱.

۳- امالی مفید، ص ۱۳۸، ح ۱.

۴- ترجمه: «پروردگارا، گناهان بسیار من را بیامرزش و طاعت اندک مرا بپذیر». طَبَّ الْأُتَمَّة، ص ۸۰.

وجهت و صفات پروردگار را مکرر برای او بگویند تا تکرار کند. و اگر قادر بر تکرار کردن نباشد، برایش بخوانند. دعای عدیله (۱) را نیز بر او بخوانند و اگر عربی

نمی فهمد ترجمه اش را برایش بخوانند. و پایش را به سمت قبله دراز کنند. و در آن هنگام شخص حائض و جنب در نزد او حاضر نشود که فرشتگان از آنها فرار می کنند. و چنانچه کس دیگری نباشد می توانند از روی ناچاری نزد محتضر باشند، ولی به هنگام جان دادن از آنجا خارج شوند. به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:

### محتضری که جان کندش دشوار است

۱. در روایات آمده است که اگر جان کندن بر محتضر دشوار شد او را به جایی که همیشه نماز می خوانده ببرند، یا او را روی سجاده ای که بر آن نماز می گزارده بخوابانند که اگر امید شفا باشد شفا پیدا می کند، و گرنه به آسانی جان می دهد. (۲)
۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر شخصی از فرزندان عبدالمطلب که در حال احتضار بود وارد شد. فرمود: «پاهای او را رو به قبله کنید تا ملائکه به او روی آورده و رحمت الهی متوجه وی شود». (۳)

### دست بر محتضر نگذارید، برایش قرآن بخوانید

۱. در حدیث است که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام در حال احتضار بود. جدش امام باقر علیه السلام در کنار خانه او نشسته بود و به هر کس که نزد او می رفت می فرمود: «دست بر او نگذارید که او در این حالت در نهایت ناتوانی است. و هر کس دست بر او بگذارد گویی او را کشته است». (۴)

۱- این دعا را می توانید در مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی، ص ۱۶۱، قبل از دعای جوشن کبیر، مطالعه فرمایید.

۲- طب الأئمه، ص ۷۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۹، ح ۲۵۲؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴- تهذیب، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۸۴۱.

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا دست بر بدن محتضر بگذارید و اگر دست و پا می زند مانعش نشوید، آن گونه که جاهلان این کار

را می کنند. و در نزد او قرآن بخوانید و خدا را یاد کنید و بر پیامبر و خاندانش درود بفرستید». (۱)

## تلقین

### تلقین لا إله إلا الله

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به مردگان خود

«لا إله إلا الله» را تلقین کنید که هر کس آخرین سخنش «لا إله إلا الله» باشد، وارد بهشت می شود». (۲)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «به آنها «لا إله إلا الله» تلقین کنید که گناهان را در هم می شکنند». (۳)

### تلقین کلمات فرج

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه کسی را در وقت جان کندن دیدید این کلمات را به وی تلقین کنید تا او بگوید: لا إله إلا الله الحکیم الکریم، لا إله إلا الله العلی العظیم، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (۴)

۱- فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۶۵.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۸، ح ۳۴۸؛ امالی صدوق، ص ۵۴۰، ح ۵.

۳- ثواب الأعمال، ص ۱۶، ح ۳.

۴- ترجمه: «هیچ معبودی جز خداوند دارای حلم و کرم نیست. هیچ معبودی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگنیت. منزّه است خدایی که پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه در آنها و آنچه در میان آنهاست و منزّه است پروردگار عرش بزرگ و حمد و ستایش ویژه خدایی است که پروردگار جهانیان است». کافی، ج ۳، ص ۱۲۲، ح ۳؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۸۳۹.

۲. در حدیثی دیگر می‌خوانیم: «هر یک از اعضای خانواده حضرت علی علیه السلام در حال احتضار قرار می‌گرفت، حضرت کلمات فرج را به او تلقین می‌کرد تا بخواند. و هنگامی که آن را می‌خواند می‌فرمود: (به ملاقات خدا) برو که دیگر باکی بر تو نیست». (۱)

۳. در حدیثی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر بالین شخصی از بنی هاشم که در حال جان‌کندن بود حاضر شد و به او سفارش کرد کلمات فرج را بخواند. هنگامی که وی آن را خواند فرمود: «الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد». (۲)

### تلقین شهادتین و اقرار به ائمه علیهم السلام

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کسی در آستانه مرگ قرار می‌گیرد ابلیس به جمعی از شیاطین مأموریت می‌دهد که او را گرفتار شک و تردید کنند، تا به هنگام جان‌دادن بی‌ایمان از دنیا برود. اگر کسی مؤمن کامل باشد نمی‌توان او را به شک انداخت، بدین سبب به آنها که در حال احتضارند کلمات فرج و شهادتین و اقرار به یک یک ائمه علیهم السلام را تلقین کنید، تا از سخن گفتن باز نایستند». (۳)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «اگر بت پرست به هنگام مردن، به امامت حضرات ائمه علیهم السلام (از صمیم قلب) اقرار کند و معتقد به مذهب تشیع شود، آتش جهنم به هیچ عضوی از اعضای او آسیب نمی‌رساند». (۴)

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۷؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۸۰۴.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۷، ح ۳۴۶.

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۲۳، ح ۶.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۸.

## تلقین دعای خاص

۱. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «مرگ شخصی نزدیک شد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله با گروهی از اصحاب بر بالینش حاضر شدند. آن شخص بی هوش بود. حضرت به ملک الموت فرمود: دست از او بردار، تا از وی سؤالی کنم. آن شخص به هوش آمد. حضرت پرسید: چه می بینی؟ گفت: سفیدی بسیار و سیاهی فراوانی می بینم. فرمود: کدام به تو نزدیک تر است؟ گفت: سیاهی. فرمود بگو: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيُسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ** (۱) آن

شخص دوباره بی هوش شد. حضرت به فرشته مرگ فرمود: او را رها کن. دوباره به هوش آمد. فرمود: چه می بینی؟ عرض کرد: سفیدی و سیاهی فراوانی مشاهده می کنم. فرمود: کدام به تو نزدیک تر است؟ گفت: سفیدی. حضرت فرمود: او را آمرزیدند». امام صادق علیه السلام فرمود: «بر بالین هر کس که چنین حالتی داشت حاضر شدید سفارش کنید که این دعا را بخواند». (۲)

۲. در حدیث است که جوانی در حال احتضار بود «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را به او تلقین کردند، زبانش بند آمده بود و نمی توانست آن را بگوید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد او حاضر شد و از زنی که بر بالینش نشسته بود پرسید: «این جوان مادر دارد؟» پاسخ داد: من مادر او هستم. فرمود: «از او راضی هستی؟» گفت: شش سال است که با وی سخن نگفته ام. حضرت فرمود: «از او راضی باش». گفت: راضی شدم. سپس حضرت به آن جوان فرمود: «بگو لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» زبان جوان گشوده شد و آن را تکرار کرد. حضرت پرسید: «چه می بینی؟» عرض کرد: مرد سیاه بدبوی زشت رویی را که جامه ای چرکین به تن دارد در نزدیکی خود می بینم که گلوی مرا گرفته است. حضرت فرمود: «بگو: يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيُسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ»

۱- ترجمه: «بار خدایا، گناهان فراوانم را بیخشای و طاعات اندکم را بپذیر».

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۱۰.

مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» (۱) پس از آنکه جوان این

دعا را خواند، حضرت پرسید: «اکنون چه می بینی؟» گفت: مرد سفیدروی خوشبویی که لباس خوشی به تن کرده نزدیک من است و آن مرد سیاه بدبو می رود. فرمود: «بار دیگر این دعا را بخوان». هنگامی که دعا را خواند حضرت پرسید: «چه می بینی؟» گفت آن مرد سیاه بدبو را نمی بینم و مرد سفید خوشبو نزدیک من است. این را گفت و از دنیا رفت. (۲)

### پس از مرگ

هنگامی که شخصی می میرد مستحب است دهانش را ببندند و چشمانش را بر هم گذارند و دستانش را در کنار پهلوهایش بگذارند و پارچه ای بر رویش بیندازند و نزدش قرآن بخوانند و جنازه اش را زود بردارند.

### آداب تشییع جنازه

#### خبردار کردن مؤمنان

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است به مؤمنان خبر دهند تا در تشییع جنازه میّت حاضر شوند و بر او نماز بخوانند و برایش استغفار کنند، تا هم میّت ثواب ببرد و هم مؤمنان حاضر در آنجا». (۳)

#### ثواب حضور در تشییع جنازه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مؤمنی را داخل

۱- ترجمه: «ای خدایی که (طاعت) اندک را می پذیری و از (گناه) بسیار درمی گذری! طاعات اندک مرا بپذیر و از گناهان فراوان من در گذر که تو آمرزنده و مهربانی».

۲- امالی مفید، ص ۲۸۷، ح ۶.

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۱.

قبر می گذارند ندا می کنند: نخستین هدیه ای که به تو دادیم بهشت و نخستین هدیه ای که به تشییع کنندگان جنازه تو دادیم، آمرزش گناهان است». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «نخستین تحفه ای که در قبر به مؤمن می دهند، آمرزش تمام کسانی است که همراه جنازه اش بوده اند». (۲)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در تشییع جنازه ای حاضر شود، در برابر هر قدمی که برمی دارد صد هزار حسنه برایش می نویسند و صد هزار سیئه از او محو می کنند و صد هزار درجه به وی عطا می شود. و اگر بر جنازه اش نماز بخواند، خداوند پس از مرگش به صد هزار فرشته مأموریت می دهد که بر جنازه اش نماز بخوانند و تا هنگام دفن برایش استغفار کنند. و اگر تا هنگام دفن میت بماند به همان صد هزار فرشته مأموریت داده می شود که تا هنگامی که در روز قیامت از قبرش بیرون آید برای او استغفار کنند». (۳)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس جنازه ای را تا دفن آن همراهی کند، خداوند در قیامت هفتاد ملک را مأمور می کند که او را همراهی کنند و از قبر تا زمان حساب برایش استغفار کنند». (۴)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس یک طرف جنازه را بگیرد، بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده می شود. و اگر چهار طرف جنازه را بگیرد، همه گناهانش بخشوده می شود». (۵)

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۹ ذیل ح ۴۶۰.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۷۳، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۹ ذیل ح ۴۶۰.

۳- بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۸۴، ح ۴۴.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۷۳، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۹، ح ۴۵۸.

۵- کافی، ج ۳، ص ۱۷۴، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۹، ح ۴۶۲.

## آداب شرکت جستن در تشییع جنازه

بهتر است که اول دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد، سپس پای راست میّت را به دوش راست بردارد، بعد پای چپ میّت را به دوش چپ بردارد و دست چپ میّت را به دوش چپ بردارد. و اگر خواست این کار را تکرار کند از جلوی جنازه به سوی نقطه آغاز نرود، بلکه از پشت جنازه به آن سمت برود. (۱)

وبهتر است در قسمت پشت جنازه یا در دو سمت آن حرکت کند و پیشاپیش آن حرکت نکند. ظاهر روایات این است که اگر جنازه مؤمن باشد پیشاپیش

آن حرکت کردن خوب است، ولی در تشییع جنازه مخالفان این کار کراهت دارد، زیرا ملائکه عذاب از او استقبال می کنند. (۲) و نیز سواره تشییع کردن مکروه

است. (۳)

## دعای هنگام دیدن جنازه

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس جنازه ای ببیند و این دعا را بخواند اللهُ أَكْبَرُ، هذا ما وَعَيْدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصِدْقُ اللهِ وَرَسُولُهُ. اَللّهُمَّ زِدْنَا اِيْمَانًا وَتَسْلِيْمًا. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ (۴) ، تمام فرشتگان آسمان از روی ترحّم با صدای بلند برایش گریه می کنند». (۵)

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۶۸، باب السنه فی حمل الجنازه.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۳.

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۷۰، ح ۱ و ۲.

۴- ترجمه: «خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود. این است آنچه را که خدا ورسولش به ما وعده داده اند و خدا ورسولش راست می گویند. خدایا، بر ایمان و تسلیم ما بیفزا. سپاس مخصوص خداوندی است که قادر و شکست ناپذیر است و بندگانش را با مرگ مقهور ساخت.»

۵- کافی، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۳؛ تهذیب، ج ۱، ص ۴۷۹، ح ۱۴۷۱.



## آداب غسل دادن میت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را غسل دهد و هنگام غسل دادن جمله «رَبِّ عَفْوَكُ» را تکرار کند، خداوند او را می آمرزد». (۱)

۲. در فقه الرضا علیه السلام آمده است: هنگامی که دست بر شکم میت می کشد بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ سَیَلْتُکُمْ حُبَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ صَلَوَاتُکُمْ عَلَیْهِمْ فِی بَطْنِهِ، فَاسْئَلُکُمْ بِهٖ سَبِیْلِ رَحْمَتِکُمْ. (۲)

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را غسل دهد و هنگامی که او را از این پهلو به آن پهلو می کند این دعا را بخواند، خداوند گناهان یک سال او را می آمرزد؛ البتّه به جز گناهان کبیره. و آن دعا این است: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِکَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوْحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَیْنَهُمَا، فَعَفُوْکَ عَفُوْکَ». (۳)

۴. در حدیث است که: «حضرت موسی علیه السلام از پروردگار پرسید: ثواب کسی که میتی را غسل دهد چیست؟ وحی آمد که همانند روزی که از مادر متولد شده، او را از گناهان می شویم». (۴)

۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس میتی را غسل دهد و آنچه از عیب های میت بر وی آشکار شود برای کسی نقل نکند، گناهانش آمرزیده می شود». (۵)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۵، ح ۳۹۳؛ الاختصاص، ص ۲۶.

۲- ترجمه: «بار خدایا، تقاضا می کنم محبت محمد و خاندان محمد را که درود تو بر آنان باد، در وجود او وارد کنی، و او را در راه رحمت خویش داخل کن». فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۶۶.

۳- ترجمه: «بار خدایا، این بدن بنده مؤمن تو است که روحش را خارج کرده و بین جسم و روحش جداییافته ای. خدایا، عفو و بخشایش تو را برایش طلب می کنم». کافی، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۵، ح ۳۹۲.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۵، ح ۳۹۰.

۵- کافی، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۲.

## کفن کردن میت

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را کفن کند، گویی ضامن پوشش او تا روز قیامت شده است. و هر کس قبری برای مؤمنی حفر کند، گویی او را در خانه مناسبی تا روز قیامت جای داده است». (۱)

## نماز خواندن بر میت

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر جنازه میتی نماز بخواند، هفتاد هزار ملک بر او نماز بگذارند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود. و اگر جنازه را تا هنگام دفن همراهی کند، در برابر هر قدمی که برمی دارد مقداری از ثواب به وی می دهند که هر مقدار مانند کوه احد است». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که بر جنازه ای نماز بخواند، بهشت بر او واجب می شود، مگر اینکه عاق پدر و مادر یا منافق باشد». (۳)

## آثار شهادت دادن برای میت

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مؤمنی بمیرد و چهل تن از مؤمنان بر جنازه اش حاضر شوند و بگویند: اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا (۴) خداوند می فرماید: من شهادت شما را قبول کردم و گناهانی را که می دانم و شما نمی دانید آمرزیدم». (۵)

۲. نیز در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «اَوَّلُ چیزی که در

۱- کافی، ج ۳، ص ۶۵، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۲، ح ۴۱۹.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۲.

۳- امالی صدوق، ص ۱۹۵.

۴- ترجمه: «بار خدایا، ما جز خوبی چیزی از او سراغ نداریم و تو از حالات او آگاه تری».

۵- کافی، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۱۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۴۷۲.

سرلوحه نامه عمل مؤمن پس از مرگش می نویسند، چیزی است که مردم در حق او می گویند؛ اگر نیک بگویند نیک می نویسند و اگر بد بگویند بد می نویسند». (۱)

### آداب دفن کردن میت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه میت را به قبر رساندی او را از جانب پایین پای قبر وارد کن و چون در قبر گذاری آیه الکرسی بخوان، سپس بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ اَمْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَالْحَقُّهُ بِنَبِيِّهِ. اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَرِّدْ فِي اِحْسَانِهِ وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاغْفِرْ لَهُ وَاَرْحَمْهُ وَتَجَاوَزْ عَنْهُ (۲) وبرایش بسیار استغفار کنید». (۳)

۲. در حدیث است که امام سجّاد علیه السلام هنگامی که میت را وارد قبر می کرد، این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنَّتِيهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا». (۴)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که میت را در قبر می گذارند باید نزدیک ترین مردم به میت بالای سرش باشد و نام خدا را ببرد و بر محمّد و آل محمّد صلوات بفرستد و از شرّ شیطان به خدا پناه ببرد و سوره های حمد، ناس، فلق و توحید و آیه الکرسی را بخواند. و اگر بتواند، صورتش را برهنه کند و بر خاک بگذارد و در آن حال، شهادتین و اقرار به امامت ائمه علیهم السلام و سایر

۱- امالی صدوق، ج ۱، ص ۴۵.

۲- ترجمه: «به نام خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا (آغاز می کنم). بار خدایا، قبر او را وسیع گردان و او را به پیامبرش ملحق کن. بار خدایا، اگر نیکوکار است بر نیکوکاریش بیفز و اگر گناهکار است او را بیامرز و بهاورحم کن و از وی در گذر».

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۹۴، ح ۱؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۹۱۵.

۴- ترجمه: «بار خدایا، قبر را بر او گشاده گردان و عملش را بالا بر واز او خشنود باش». بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۴۱.

اعتقادات حق را به او تلقین کند». (۱)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که خاک بر قبر می ریزید بگویید: ایماناً بِكَ وَتَصَدِيقاً بِبِعْثِكَ، هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ (۲) تا به عدد هر ذره آن خاک،

حسنه ای در نامه اعمال نوشته شود. و هنگامی که قبر پر شد و مردم بازگشتند، نزدیک ترین مردم به میت بالای سرش بنشینند و با صدای بلند او را تلقین کنند که این تلقین باعث می شود منکر و نکیر (دو فرشته مأمور سؤال و جواب) از او سؤال نکنند. و مستحب مؤکد است که پس از دفن در کنار قبر او را تسلیت گویند و پیش از دفن هم مستحب است». (۳)

### تسلی دادن صاحبان عزا

در روایتی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس اندوهگینی را تسلیت گوید، در روز قیامت لباسی نو بر او بپوشانند و همانند ثواب صاحب عزا به وی داده می شود، بی آنکه چیزی از ثواب وی کسر شود». (۴)

### زیارت اهل قبور

#### مردگان خبردار و شاد می شوند

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به زیارت اموات بروید که خبردار می شوند و از رفتن شما شاد و خوشحال شده و به شما اُنس می گیرند. هنگامی که به نزدیک قبرشان رفتید بگویید: اَللّهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ

۱- کافی، ج ۳، ص ۱۹۵، ح ۴؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۹۲۲.

۲- ترجمه: «این کار را در حالی انجام می دهیم که ایمان به تو داریم و معتقدیم که روزی همه مردگان را زنده می کنی و این همان است که خدا ورسولش به ما وعده داده اند».

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۹۸، ح ۲؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۹۲۶.

۴- کافی، ج ۳، ص ۲۲۷، ح ۲ و ۴.

جُنُوبِهِمْ وَصَاعِدَ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ وَلَقِيَهُمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَأَسْكِنِ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَخَدَّتَهُمْ وَتَوْنِسُ بِهِ وَخَشَتَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۱)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستاد و این دعا را خواند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَخَدَّتَهُ وَأَنْسِ وَخَشَتَهُ وَأَمِنْ رَوْعَتَهُ وَأَسْكِنِ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَالْحَقُّهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ». (۲)

۳. در روایات آمده است که مستحب است به هنگام زیارت قبور هر یک از سوره های حمد، ناس، فلق، توحید و آیه الکرسی سه مرتبه و سوره قدر هفت مرتبه خوانده شود. (۳)

### ثواب زیارت اهل قبور

۱. در احادیث معتبر آمده است که هر کس به زیارت قبر مؤمنی رود و رو به قبله دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) را بخواند، از ترس و وحشت عظیم روز قیامت در امان خواهد بود. (۴)

۲. و در روایتی دیگر آمده است که خداوند او و صاحب قبر هر دو را بیامرزد. (۵)

۱- ترجمه: «بار خدایا، قبر آنان را گشاده گردان و روحشان را به درگاه خود بالا ببر و رضوان و خشنودی خود را شامل حالشان کن و رحمت خود را مونس آنان ساز، تا تنهاییشان را جبران کنی و ترس آنها را به آرامش مبدل سازی؛ زیرا تو بر هر چیزی توانایی». کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۵۴۰.

۲- ترجمه: «بار خدایا، بر غربتت رحم کن و تنهایی اش را از بین ببر و مونس و وحشت او و امان از هراسش با شور و رحمت خود را همنشین او گردان تا از رحمت غیر تو بی نیاز شود او را به موالیانش ملحق گردان». کامل الزیارات، ص ۳۲۱، باب ۱۰۵، ح ۱۲.

۳- کامل الزیارات، ص ۳۲۲ ذیل حدیث ۱۲.

۴- رجال کشی، ص ۵۶۴، ح ۱۰۶۶.

۵- ثواب الأعمال، ص ۲۳۶؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۵۴۱.

۳. نیز در حدیثی می‌خوانیم که هر کس بر سر قبر مؤمنی هفت مرتبه سوره قدر را بخواند، خداوند متعال به فرشته‌ای مأموریت می‌دهد که در کنار قبر آن میت عبادت کند و ثواب عبادت او را برای آن میت بنویسند و هنگامی که از قبر محشور شود، به هر صحنه وحشتناکی از صحنه‌های قیامت برسد خداوند متعال با آن ملک، صحنه وحشتناک را از او دور می‌کند تا وارد بهشت شود. (۱)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر قبرستانی بگذرد و یازده مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ) بخواند و ثوابش را به مردگان آن قبرستان هدیه کند، به تعداد مرده‌های آن گورستان اجر و ثواب می‌برد». (۲)

(توجه: ) از آنجا که این کتاب مناسب ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن میت نبود، بخش کمی از آداب آن را ذکر کردیم، تا از این جهت خالی از فایده نباشد و تفصیل آن در بحار الأنوار آمده است. (۳)

۱- شبیه این روایت در کافی (ج ۳، ص ۲۲۹، ح ۹) آمده است.

۲- صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۴۶، ح ۲۷.

۳- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۸۲.



## فصل یازدهم: آداب مجالس

### اشاره

۱. فضیلت سلام کردن و آداب آن
۲. فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن
۳. آداب نشستن در مجالس
۴. آداب ملاقات میزبان با میهمان
۵. مجالس مناسب و همنشینان شایسته
۶. آداب عطسه زدن
۷. مزاح کردن، خندیدن، سخن در گوشه، رازداری، آداب سخن گفتن
۸. آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر
۹. فضیلت یاد خدا در مجالس
۱۰. رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در مجالس
۱۱. مشورت و آداب آن
۱۲. نامه نگاری





## فضیلت سلام کردن و آداب آن

### اهمیت سلام کردن

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اصحابش را به هفت چیز امر کرد: تشییع جنازه، عیادت بیماران، دعا کردن برای کسی که عطسه کند، یاری کردن مظلوم، آشکارا سلام کردن، پذیرفتن دعوت دیگران، راستگویی

در قسم. (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نشانه فروتنی آن است که با هر کس ملاقات کردی سلام کنی».

(۲)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس قبل از سلام سخن بگوید، پاسخش را ندهید و کسی را بر سر سفره نخوانید پیش از آنکه سلام کند». (۳)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد و بخیل‌ترین مردم کسی است که در سلام

کردن بخل ورزد». (۴)

---

۱- خصال، ج ۲، ص ۹۳، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۲۱۲، ح ۱ و ۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۱۲.

۳- خصال، ج ۱، ص ۷۲، ح ۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳، ح ۶.

۴- امالی مفید، ص ۳۱۷؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۸۷.

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به گروهی

از مؤمنان سلام کند، ملائکه در پاسخش می گویند: **سَلَامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَبَدًا**». (۱)

### حکم سلام کردن و پاسخ آن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سلام کردن مستحب و جواب آن واجب است». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی بر گروه دیگری می گذرد اگر یکی از آنها سلام کند کافی است، چنانکه اگر یک تن از گروه مقابل پاسخ دهد کافی است و بر دیگران لازم نیست پاسخ دهند». (۳)

### به چنین کسانی سلام نکنید

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به سه کس نباید سلام کرد: کسی که همراه جنازه می رود، کسی که به نماز جمعه می رود، کسی که در

حمام باشد». (۴)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه داخل مسجد شدی که مردم مشغول نمازند بر آنها سلام نکن، بلکه بر حضرت رسول سلام کن و به نماز پرداز و اگر داخل مجلسی شدی که مردم با هم سخن می گویند بر آنها

سلام کن». (۵)

۱- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۷۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶، ح ۱۸.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۱۱.

۵- قرب الإسناد، ص ۹۳، ح ۳۰۴.

در روایات متعددی آمده است که بر عده ای از مرتکبان گناه کبیره که نام گناهانشان در آن احادیث برده شده، سلام نکنید. [\(۱\)](#)

بعید نیست بیشتر این روایات بدان معنی باشد که سلام کردن به این افراد فضیلت ندارد و به خاطر راضی بودن به گناه آنها به آنها سلام نکنید، زیرا احادیث فراوانی داریم که سلام کردن به همه کس خوب است.

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به زنان سلام می کرد و آنها پاسخ می گفتند. و حضرت علی علیه السلام به پیرزنان سلام می کرد و از سلام کردن به زنان جوان کراهت داشت و می فرمود: می ترسم از (صدای) آنان لذت ببرم و بیش از ثوابی که از سلام کردن می برم گناه کنم». [\(۲\)](#)

نکته: این مطلب و شبیه آن به منظور تعلیم به پیروانشان است و گرنه آن بزرگواران از گناه پاک و مبرّا هستند.

### آداب سلام کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که جواب سلام می دهد، بلند پاسخ بدهد تا سلام کننده نگوید سلام کردم و جوابم را ندادند». [\(۳\)](#)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «با سه کس باید به صیغه جمع سخن گفت: در پاسخ کسی که عطسه می کند بگو: «يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ» هر چند شخص دیگری با او نباشد، به کسی که سلام می کنی بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ»، برای کسی که دعا می کنی بگو: «عَافَاكُمْ اللَّهُ» هر چند یک نفر باشد، زیرا ملائکه همراه این افراد هستند (علاوه بر اینکه) در نیت، مؤمنان غایب را می توان قصد کرد». [\(۴\)](#)

۱- خصال، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۴۸، باب التسليم على النساء، ح ۱؛ وج ۵، ص ۵۳۵، ح ۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۷.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۱۰.

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مکروه است کسی «حَيَّاكَ اللهُ» بگوید، مگر آنکه (سلام را هم به آن بیفزاید؛ مثل اینکه) «حَيَّاكَ اللهُ بِالسَّلَامِ» بگوید». (۱)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه کسی به تو «حَيَّاكَ اللهُ بِالسَّلَامِ» گفت، در جواب بگو: «فَحَيَّاكَ اللهُ بِالسَّلَامِ وَأَحَلَّكَ دَارَ الْمَقَامِ»». (۲)

۵. نیز در روایتی فرمود: «هر کس وارد خانه اش می شود بر اهل خانه سلام کند و اگر کسی در خانه نباشد بگوید: أَلْسَلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا». (۳)

۶. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که وارد خانه خود می شود سلام کند که باعث برکت می شود و ملائکه به آن خانه اُنس می گیرند». (۴)

۷. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگام ملاقات با یکدیگر سلام و مصافحه کنید و چون جدا می شوید برای یکدیگر طلب آمرزش کنید». (۵)

۸. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که کسی از مجلسی برمی خیزد اهل مجلس را با سلام دادن وداع کند که در این صورت اگر بعد از او سخن نیکویی بگویند در ثواب آنها شریک خواهد بود و اگر حرف بدی بزنند بر او گناهی نوشته نخواهد شد». (۶)

۹. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که زنی بر جماعتی

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۱۵.

۲- ترجمه: «خداوند تو را با سلامتی زنده بدارد». جواب: «خداوند تو را نیز با سلامتی زنده بدارد و در بهشتجای دهد». خصال، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۳۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۳.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۴، ح ۱۰.

۴- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۳، ح ۲۳.

۵- کافی، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۱۱.

۶- قرب الإسناد، ص ۵۴، ح ۱۴۲.

وارد شود «عَلَيْكُمْ السَّلَام» و اگر مردی بر جماعتی وارد شود «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» بگوید». (۱)

۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «کوچک تر به بزرگ تر، رهگذر به نشسته و جمعیت کمتر بر جماعت بیشتر سلام کنند». (۲)

۱۱. نیز در روایتی فرمود: «سواره بر پیاده، استرسوار بر الاغ سوار، اسب سوار بر استرسوار و ایستاده بر نشسته سلام کند». (۳)

### سلام رخصت

(مقدمه:) از جمله اقسام سلام، سلام رخصت است و آن در جایی است که بخواهد وارد خانه کسی شود که در بیرون خانه سه مرتبه سلام می کند. اگر از داخل خانه جواب دادند وارد می شود، و گرنه سلام کننده بازمی گردد و پاسخ این سلام واجب نیست. (۴)

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رخصت طلبیدن سه مرتبه است: در مرتبه اول می شنوند و در مرتبه دوم حذر می کنند و در مرتبه سوم اگر خواستند رخصت می دهند و گرنه ساکت می مانند تا او باز گردد و خداوند متعال فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید، در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید (استیناس کنید) و بر اهل آن خانه سلام کنید». (۵)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «استیناس، کفش بر زمین زدن و سلام کردن است، تا صاحب خانه خبردار شود». (۶)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۱، ح ۱۴۳۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۲.

۴- مشکاه الأنوار، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۵- سوره نور، آیه ۲۷.

۶- معانی الأخبار، ص ۱۶۳.

## پاداش سلام کردن

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت چند غرفه هست که درونش از بیرون و بیرونش از درون نمایان است. کسانی از امت من در آن سکونت خواهند داشت که به زبان نیک با مردم سخن گویند و به مردم غذا بخورانند و آشکارا سلام کنند و هنگامی که مردم در خوابند آنها نماز شب بخوانند». و فرمود: «منظور از آشکارا سلام کردن آن است که در سلام کردن به کسی از مسلمانان بخل نوزند». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برده تن از مسلمانان بگذرد و به آنان سلام کند، ثواب آزاد کردن یک برده در نامه عملش نوشته می شود». (۲)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «ثواب کسی که «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» بگوید، ده حسنه است و اگر «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ» بگوید، سی حسنه ثواب می برد». (۳)

## فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن

### اشاره

فضیلت مصافحه (۴) و معانقه و روبوسی کردن

### اهمیت مصافحه کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مصافحه کردن با مؤمن بهتر از مصافحه کردن با ملائکه و فرشتگان است». (۵)

۲. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کمال

۱- معانی الأخبار، ص ۲۵۱.

۲- امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۹.

۴- «مصافحه»، به معنای دست یکدیگر را گرفتن، در هنگام دیدار دوستان سنت است و باید با هر دو دست باشد (لغت نامه دهخدا).

۵- کافی، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۲۱.

تحیت و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردن (ودست دادن) و کمال تحیت و سلام کسی که از سفر آمده باشد، دست در گردن یکدیگر انداختن است». (۱)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «حدّ مصافحه آن است که چنانچه دور درخت خرما بگردند (وبار دیگر یکدیگر را ملاقات کنند)، پس از آن مصافحه کنند». (۲)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه دو مؤمن از یکدیگر پنهان شوند، هر چند به سبب درختی باشد که در میان آنها فاصله انداخته باشد، هنگامی که همدیگر را می بینند مصافحه کنند». (۳)

### آداب مصافحه کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز با کسی مصافحه نکرد، مگر اینکه طرف مقابل دستش را می کشید و آن حضرت شروع به این کار نمی کرد». (۴)

۲. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «هر کس دستش را دیرتر بردارد، ثوابش بیشتر است». (۵)

### آثار دنیوی مصافحه کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با یکدیگر مصافحه کنید که کینه ها را از سینه ها می برد». (۶)

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۱۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۸.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۹.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۱۵.

۵- کافی، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۱۳.

۶- کافی، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۱۸.



۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با دشمن خود نیز مصافحه کنید هر چند او نخواهد، زیرا خداوند چنین دستور داده است و این کار باعث جلوگیری از دشمنی او می شود». (۱)

### پاداش آخری مصافحه کردن

۱. در روایتی معتبر آمده است که ابو عبیده گوید: همسفر امام باقر علیه السلام بودم. نخست من سوار شدم بعد آن حضرت سوار شد. هنگامی که هر دو در کجاوه نشستیم حضرت با من سلام و احوالپرسی کرد، همانند دو تن که مدتی همدیگر را ندیده اند، سپس با من مصافحه کرد. هنگام پیاده شدن، نخست حضرت پیاده شد بعد من. ایشان سلام کرد و احوال مرا پرسید، مانند دو تن که مدتی همدیگر را ندیده اند. عرض کردم: ای پسر رسول خدا، این چه کاری است که انجام می دهید؟ در محل ما چنین نمی کنند. حضرت فرمود: «مگر نمی دانی مصافحه کردن چقدر ثواب دارد؟ هنگامی که دو مؤمن با یکدیگر ملاقات و مصافحه کنند، گناهان آنها می ریزد همان گونه که برگ درخت ریزش می کند و خداوند متعال تا زمانی که از یکدیگر جدا نشده اند با نظر رحمت به آنها می نگرد». (۲)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که ابو حمزه گوید: در سفر با امام باقر علیه السلام هم کجاوه بودم. هنگامی که از کجاوه پایین آمد و بارها را به زیر آوردیم، حضرت اندکی راه رفت، سپس دست مرا گرفت و به سختی فشرد. عرض کردم: من اکنون در کجاوه با شما بودم. فرمود: «مگر نمی دانی که هرگاه مؤمن اندکی حرکت کند، سپس دست برادر مؤمنش را بگیرد (و با وی مصافحه کند) خداوند به آنها نظر لطف کرده و رحمتش را به سوی آنها روانه می گرداند و به گناهانشان دستور

۱- خصال، ج ۲، ص ۴۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۱.

می دهد که از آنان فرو ریزد، به گونه ای که وقتی از هم جدا می شوند هیچ گناهی برایشان باقی نمی ماند». (۱)

۳. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که با برادران مؤمن ملاقات می کنید با آنها مصافحه کرده و خوشحالی و سرور خود را برای آنها ابراز کنید. در این صورت، وقتی که از همدیگر جدا شوید هیچ گناهی برای شما نمی ماند». (۲)

۴. در روایتی دیگر فرمود: «ثواب شما در مصافحه کردن، همانند ثواب جهاد در راه خداست». (۳)

### معانقه (به هنگام ملاقات دست در گردن یکدیگر کردن)

۱. در حدیث است که اسحاق بن عمار صیرفی می گوید در کوفه ساکن بودم و شیعیان بسیاری نزد من می آمدند. از شهرت و عواقب آن ترسیدم. به خادم دستور دادم که هر کس به سراغ من آمد بگو اینجا نیست. همان سال به حج مشرف شدم. هنگامی که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم آن حضرت را ناخشنود یافتم. عرض کردم: فدایت شوم چه چیز باعث ناراحتی شما شده است؟ فرمود: «آنچه که باعث تغییر رفتار تو (با مؤمنین) شده است». عرض کردم: فدایت شوم از شهرت و عواقب آن ترسیدم؛ خدا می داند که چقدر مؤمنین را دوست می دارم. حضرت فرمود: «ای اسحاق، از رفت و آمد مؤمنان ناراحت نباش، زیرا هنگامی که مؤمنی با مؤمن دیگر برخورد کند و به او مرحبا بگوید، خداوند تا روز قیامت برایش مرحبا می نویسد و چون با او مصافحه کند، خداوند متعال میان دو انگشت

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۷.

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۲۷؛ بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۳- ثواب الأعمال، ص ۲۱۸.

ابهام آنها صد رحمت می فرستد که نودونه تای آن از آن کسی است که دیگری را بیشتر دوست می دارد. سپس رحمت الهی به سوی آنها روی می آورد و هر کس دیگری را بیشتر دوست داشته باشد سهم بیشتری از رحمت الهی نصیبش می شود. و هنگامی که دست در گردن یکدیگر اندازند، غرق رحمت الهی می شوند. و چنانچه برای جلب رضایت خدا با یکدیگر باشند و غرض دنیوی نداشته باشند، به آنها خطاب می رسد که شما را آمرزیدم، اعمالتان را از نو شروع کنید. و چون احوال یکدیگر را بپرسند و با هم سخن گویند، ملائکه به هم می گویند: دور شوید، می خواهند از حال یکدیگر جو یا شوند که خداوند بر ملائکه پوشانیده است. اسحاق می گوید: از حضرت پرسیدم بنابراین، سخنانی که با هم می گویند ملائکه نمی نویسند؟ حضرت آه بلندی کشید و گریست. چندان گریه کرد که آب دیدگان مبارکش بر روی محاسنش روان شد و فرمود: «ای اسحاق، خداوند به ملائکه دستور داده است هر گاه دو مؤمن یکدیگر را

ملاقات کنند به احترامشان از آنها دور شوند. و اگرچه ملائکه نمی نویسند اما خداوندی که از احوال آنها خبر دارد و از پنهان و آشکار و حتی آنچه در سینه ها و ذهن آنها خطور می کند باخبر است و می داند که آنان چه می گویند. ای اسحاق، از خداوند بترس چنان که گویی او را می بینی، اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند. و اگر گمان کنی که او تو را نمی بیند کافر شده ای و اگر می دانی که او تو را می بیند و گناهان را از مردم پنهان و نزد او آشکار می کنی، او را از همه کس بی ارزش تر شمرده ای» (۱).

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به قصد دیدار برادر مؤمنش از خانه خارج شود و حق او را بشناسد، خداوند متعال در مقابل هر گامی، حسنه ای در نامه اعمالش نوشته و گناهی از گناهانش را محو کرده

و درجه ای بر درجاتش می افزاید. و هنگامی که به در خانه او برسد و در خانه اش را بکوبد، درهای آسمان برای او گشوده می شود. و زمانی که با یکدیگر ملاقات و مصافحه کرده و دست در گردن یکدیگر کنند، خداوند متعال رحمتش را به سوی آنها روانه می کند و به سبب آنها بر ملائکه مباحات می کند و به آنها می فرماید: «به این دو بنده من که به دیدار یکدیگر شتافته و برای رضای من با یکدیگر دوستی برقرار کرده اند، نگاه کنید. بر من لازم است پس از این، آنها را عذاب نکنم». و هنگامی که از ملاقات دوست مؤمنش بازگردد، به تعداد نفس ها و گام ها و سخنانش، فرشتگانی مأمور محافظت از وی می شوند تا او را از بلاهای دنیا و آخرت تا روز بعد در همین ساعت حفظ کنند. و اگر در این میان بمیرد از حساب قیامت نجات پیدا می کند. و چنانچه مؤمنی که به ملاقات او رفته نیز حقّ او را بشناسد و حرمت او را نگاه دارد، همین ثواب را خواهد داشت» (۱).

### روبوسی کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شما شیعیان نوری در پیشانی دارید که به سبب آن، شما را در دنیا می شناسند. هنگامی که با یکدیگر ملاقات کنید محلّ آن نور از پیشانی یکدیگر را ببوسید» (۲).

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خویشان خود را به سبب خویشاوندی ببوسد اشکالی ندارد. و نسبت به برادر مؤمن، دو طرف صورت آنها را ببوسد. و در مورد امام، میان دو چشمش را ببوسد» (۳).

۳. در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود: «بوسیدن دهان شایسته نیست، مگر

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۸۵، ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۸۵، ح ۵.

نسبت به همسر و فرزندان». (۱)

۴. در روایتی دیگر فرمود: «بوسیدن دست کسی شایسته نیست، مگر پیامبر یا وصی پیامبر». (۲)

۵. نیز در حدیثی فرمود: «سر و دست کسی را نباید بوسید، مگر سر و دست رسول خدا صلی الله علیه و آله یا کسی که منظور از بوسیدن سر و دستش، حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد». (۳)

نکته: احتمال دارد که ذیل روایت مخصوص ائمه معصومین علیهم السلام باشد، ولی احتمال قوی تر آن است که شامل سادات و علما هم بشود، زیرا این دو گروه را از آن رو تعظیم می کنند که فرزندان آن حضرت یا حافظ علوم و مروج دین او هستند.

### آداب نشستن در مجالس

#### رفتن به مجلسی بدون دعوت

در حدیثی می خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: هشت گروه اگر خوار شوند، جز خود نباید کسی را سرزنش کنند:

کسی که بر سر سفره ای حاضر شود که دعوت نشده است.

میهمانی که به صاحب خانه زور بگوید.

کسی که از دشمنانش طلب خیر کند.

هر که از لئیم و بخیل طلب خیر کند.

کسی که خود را وارد رازی کند که میان دو تن پنهان است؛ بدون رضایت آنها.

هر که به حاکمی توهین کند.

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۶، ح ۶.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۸۵، ح ۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۸۵، ح ۲.

کسی که در مکانی از مجلس بنشیند که سزاوار او نباشد.

هر که با کسی سخن گوید که به سخن او گوش نمی کند». (۱)

### آداب ورود به مجلس و نشستن

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیشتر اوقات رو به قبله می نشست». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد مجلس می شد، هر جا که به درگاه نزدیک تر بود می نشست». (۳)

۳. در حدیث است که امام صادق علیه السلام در منزل خود نزدیک درگاه رو به قبله می نشست. (۴)

۴. در حدیثی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی به خانه دیگری برود، هر جا که صاحب خانه تعیین می کند بنشیند، زیرا صاحب خانه نیک و بد خانه اش را بهتر می شناسد». (۵)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از نشانه های فروتنی آن است که انسان راضی شود به نشستن در جایی که پایین تر از جایگاه شایسته اوست و به هر کس برسد سلام کند و مجادله را ترک گوید - هر چند حق با او باشد - و دوست نداشته باشد او را به پرهیزگاری ستایش کنند». (۶)

۶. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس راضی

۱- خصال، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۱، ح ۱۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۶۱، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۲۶.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۹.

۵- قرب الإسناد، ص ۷۳، ح ۲۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۵، ح ۵.

۶- الجعفریات، ص ۱۴۹.

شود به نشستن در جایی که مناسب شرف او بالاتر از آن باشد، خدا و ملائکه پیوسته بر او درود می فرستند تا برخیزد». (۱)

۷. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه انسان وارد مجلسی شود که مردم در جای خود نشسته اند، اگر کسی از جای خود برخاست و به او تعارف کرد که در جایش بنشیند اجابت کند که آن کرامتی است که به او شده است. و اگر کسی برای او جا باز نکرد، هر جا که وسیع تر است بنشیند». (۲)

۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار نیست مؤمن بنشیند مگر پایین تر از گروهی که نشسته اند، زیرا ایجاد مزاحمت برای مردم نشانه سبکی عقل است». (۳)

۹. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا بر سر راه بنشینید». (۴)

### جایگاه صدر مجلس

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که این سه خصلت یا یکی از آنها در او نباشد و در صدر مجلس بنشیند، نادان است: هر چه پرسند بتواند پاسخ دهد، هنگامی که دیگران در اظهار نظر ناتوان شوند او قادر بر بیان حق باشد، بتواند هر کس را به آنچه صلاح اوست راهنمایی کند». (۵)

### آداب و روش های نشستن

۱. در روایت است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سه روش می نشست: گاه

۱- تحف العقول، ص ۴۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۶، ح ۱۲.

۲- امالی طوسی، ج ۲، ص ۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۴، ح ۳.

۳- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۴، ح ۲.

۴- امالی طوسی، ج ۱، ص ۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۵، ح ۶.

۵- تحف العقول، ص ۳۸۹؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹.

زانوها را از زمین برداشته، دست‌ها را بر پایین زانوان گذاشته و میچ یک دست را با دست دیگر می‌گرفت، گاه دو زانو می‌نشست، گاه یک پا را بر پای دیگر می‌نهاد و هرگز چهار زانو نمی‌نشست». (۱)

۲. در حدیث است که ابو حمزه می‌گوید: امام زین العابدین علیه السلام در حالی که یک پا را بر بالای ران دیگر گذاشته بود فرمود: «مردم این گونه نشستن را خوب نمی‌دانند و می‌گویند: این نشستن پروردگار است». حضرت فرمود: «من برای ناچاری چنین نشسته‌ام و خداوند ناچار نیست، همان گونه که کسالت و خواب بر او عارض نمی‌شود، زیرا جسم نیست و نشستن در مورد خدا تصوّر نمی‌شود». (۲)

۳. در روایتی دیگر می‌خوانیم که حضرت صادق علیه السلام پای راست را بر روی ران چپ گذاشته بود. (۳)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی را که در جای تنگ چهارزانو بنشیند انسان نشمار». (۴)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که در میان جماعتی می‌نشیند، نباید لباسش را از ران خود دور کند». (۵)

۶. در چندین حدیث آمده است که: «احتبا دیوار عرب هاست». (۶) « (۷)

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۶۱، ح ۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۶۱، ح ۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۶۱، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۴۷، ح ۷۲.

۴- محاسن، ص ۱۱، ح ۳۵.

۵- خصال، ج ۲، ص ۴۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸.

۶- منظور این است که عرب در مواردی که کنار دیوار نمی‌نشیند و نمی‌تواند برای تکیه زدن از دیوار استفاده کند، به روش خاصی می‌نشیند که او را از تکیه زدن بر دیوار بی‌نیاز می‌کند و آن روش را احتبا می‌گویند. بدینصورت که ساق دو پا را به شکم نزدیک می‌کند و پیراهن را روی بدن و ساق پاها می‌کشد و می‌نشیند. و بدینترتیب از تکیه زدن به دیوار بی‌نیاز می‌شود (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۲، پاورقی).

۷- کافی، ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۲ و ۳.



۷. در حدیثی موثق می خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: احتیاج چه حکمی دارد؟ فرمود: «اگر عورت نمایان نشود اشکالی ندارد». (۱)

۸. در روایتی دیگر فرمود: «جایز نیست مرد در برابر کعبه احتیاج کند». (۲)

۹. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «سزاوار است بین کسانی که در تابستان در مکانی نشسته اند به مقدار یک وجب فاصله باشد، تا از گرما اذیت نشوند». (۳)

## آداب ملاقات میزبان با میهمان

### اهمیت میهمان داری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش میهمانش شود او را گرامی بدارد، گویی خداوند را گرامی داشته است». (۴)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر گونه ملاحظت و مهربانی که انسان با برادر مؤمنش کند، خداوند آن را از خدمه بهشت کرامت فرماید». (۵)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به سبب سخنی که از روی لطف به برادر مؤمنش می گوید به او اکرام کند و غمی از وی برطرف کند، تا زمانی که مشغول این اکرام است پیوسته در سایه رحمت الهی باشد». (۶)

---

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۵.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۸.

۴- کافی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۳.

۵- کافی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۴.

۶- کافی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۵.

## وظایف میزبان

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حقّ میهمان آن است که میزبان به هنگام ورود و خروج، مقداری او را همراهی (وبدرقه واستقبال) کند». (۱)
۲. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که میهمان داخل خانه شود حاکم بر صاحب خانه است تا زمانی که بیرون رود. (بنابراین) آنچه می گوید صاحب خانه باید بپذیرد». (۲)
۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «برخاستن برای تعظیم مکروه است، مگر برای کسی که برای دین - مانند علم وصلاح و نیکی (وایمان و تقوا) - او را تعظیم کنند». (۳)
۴. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اکرام نکن کسی را به چیزی که بر او دشوار باشد». (۴)

## گرامیداشت بزرگسالان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه گروهند که - جز منافق - کسی جاهل به حقّ آنها نیست: کسی که در اسلام ریشش سفید شده باشد (بزرگسالان)، کسی که حامل لفظ یا معنای قرآن بوده باشد، امام عادل». (۵)
۲. در حدیثی فرمود: «تعظیم پیران، تعظیم خداوند است». (۶)

- ۱- کافی، ج ۲، ص ۶۵۹، باب حقّ الدخل، ح ۱.
- ۲- کافی، ج ۲، ص ۶۵۹، باب حقّ الدخل، ح ۲.
- ۳- محاسن، ص ۲۳۳، ح ۱۸۶.
- ۴- تحف العقول، ص ۴۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۱، ح ۶.
- ۵- کافی، ج ۲، ص ۶۵۸، ح ۴.
- ۶- کافی، ج ۲، ص ۶۵۸، ح ۶.

## رَدِّ احْسَانِ مَمْنُوع

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که دو تن به خانه حضرت علی علیه السلام رفتند. حضرت برای هر کدام از آنها بالشی نهاد. یکی بر روی آن نشست و دیگری خودداری کرد. حضرت فرمود: «بر روی آن بنشین که کرامت را جز دراز گوشان رد نمی کند». سپس به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی که نزد قوم خود گرامی است مهمان شما شود او را گرامی بدارید». (۱)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که را اکرام کنند و مقدمش را گرامی دارند، نباید اکرام را رد کند که کرامت را رد نمی کند مگر دراز گوش». (۲)

۳. در چندین حدیث آمده است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: اینکه کرامت را نباید رد کرد منظور چه اموری است؟ فرمود: در مجلسی جایی برایش بگشایند، یا عطر خوشی برایش بیاورند، یا بالشی برایش بگذارند و مانند این موارد از کرامت ها». (۳)

## پاداش پذیرایی از مؤمن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به گروهی از مسلمانان خدمت کند، خداوند متعال به تعداد آنان به او خدمتکار بهشتی کرامت می فرماید». (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که تحفه ای برای مؤمنی بیاورد، مثل بالش یا مَتَّکَا، یا غذا، یا لباس، یا سلامی به او کند، بهشت آماده

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۵۹، ح ۱.

۲- قرب الإسناد، ص ۹۱، ح ۲۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۰، ح ۱.

۳- معانی الأخبار، ص ۱۶۳.

۴- کافی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۴.

می شود که پاداشش دهد. خداوند متعال وحی کند که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام، مگر نسبت به پیامبر یا وصی پیامبر. امّا هنگامی که روز قیامت فرا رسد خداوند به بهشت خطاب می کند: «امروز پاداش تحفه های آنها را بده!» سپس غلامان و کنیزانی با طبق هایی که دستمال هایی از مروارید بر روی آن کشیده شده از بهشت بیرون آمده، نزد آنان می روند. امّا هنگامی که آنها به جهنم وعذاب های آن و بهشت و آنچه در آن است نگاه می کنند (از شدت وحشت) هوش از سرشان می رود و چیزی از آن غذاها نمی خورند. پس منادی آنها را از زیر عرش ندا کند که خداوند جهنم را بر کسی که از طعام های بهشتی بخورد حرام کرده است. در این هنگام دست دراز می کنند و از غذاهای بهشتی می خورند». (۱)

### مجالس مناسب و همنشینان شایسته

#### همنشینی

#### اهمّیت همنشین

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «انسان بر دین دوست و همنشین خود است». (۲)
۲. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «اخلاق همنشین بد به انسان سرایت کرده و او را هلاک می کند. پس مراقب باش که با چه کسی همنشین می شوی». (۳)
۳. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نگاه کنید با چه کسی سخن می گوید و مصاحبت می کنید که همنشینان هر کس را به هنگام مرگ به او نشان می دهند، اگر انسان های صالح و خوبی باشند از همنشینی آنها شاد می شود

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۳؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۴.

واگر بد باشند غمگین می گردد». (۱)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوستی نیکان با نیکان، ثوابی است برای نیکان. و علاقه انسان های بد به نیکان، فضیلتی برای نیکان است. و دشمنی بدان با نیکان، زینتی برای نیکان محسوب می شود. و دشمنی نیکان با بدان، موجب خفت و خواری بدان است». (۲)

### همنشینان خوب

#### هر که عیب تو را گوید

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از کسی که تو را (با نصایح لازم) می گریاند پیروی کن که خیرخواه تو است و از کسی که تو را (با تملق و چاپلوسی) می خنداند و در صدد فریب دادن تو است دوری کن». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین برادران دینی نزد من کسی است که عیوب مرا به من هدیه کند». (۴)

#### همنشینی با کسانی که تو را به یاد خدا آورند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با افراد کهنه کار و پرتجربه مصاحبت و مجالست کن و از همنشینی با افراد تازه کار پرهیز که برای آنها عهد و امانت و وفایی نیست. و از همه کس حذر کن، هر چند به آنها اعتماد بسیار داشته باشی». (۵)

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۶.

۳- محاسن، ص ۶۰۳، ح ۳۲؛ کافی، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۲.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۳۹، ح ۵.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۴.

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حواریون به حضرت عیسی علیه السلام گفتند: با چه کسی همنشینی کنیم؟ فرمود: با کسی که دیدنش خدا را به یاد شما آورد و سخن گفتنش بر علم شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت سوق دهد». (۱)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در مجالسی شرکت کن که در آن مجالس یاد خدا شود». (۲)

۴. در حدیثی آمده است که حضرت لقمان به پسرش گفت: «فرزندم، با دیده بصیرت به مجالس نگاه کن. اگر جماعتی در آن مجلس بودند که یاد خدا می کنند با آنها مصاحبت کن، زیرا اگر تو عالم باشی از همنشینی آنها بهره علمی خواهی برد و بر علم تو افزوده خواهد شد. و اگر جاهل باشی به تو علم می آموزند. و شاید خداوند رحمتی بر آنان فرستد و تو را هم فرا گیرد». (۳)

### همنشینی با اهل دین و معرفت

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک جلسه همنشینی با کسی که به او اعتماد داشته باشم، از یک سال عبادت برای من بهتر است». (۴)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «همنشینی با مردم دیندار، شرف دنیا و آخرت است». (۵)

۳. در حدیثی است که امام زین العابدین علیه السلام به فرزندانش می فرمود: «با اهل دین و معرفت همنشینی کنید و اگر چنین همنشینانی نیابید، تنهایی مونس

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۳؛ اعلام الدین، ص ۲۷۲.

۲- امالی طوسی، ج ۲، ص ۷.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۴، ح ۹.

۴- کافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۵.

۵- کافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۴.

مناسب تر و سالم تری است و اگر ناچار باشید از همنشینی با مردم، با انسان های با مرّوت نشست و برخاست کنید که آنان در مجالس خود بدگویی نمی کنند». (۱)

### همنشینان بد

#### اصحاب بدعت، احمقان و جاهلان

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با اهل بدعت همنشینی نکنید که در نزد مردم همانند آنها خواهید بود». (۲)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مبادا با احمق همنشین شوی، زیرا هنگامی که از او راضی تری، خطر رنجاندن و ضررش بیشتر است». (۳)

۳. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مصاحبت با عالم در زمین آلوده، از همنشینی با جاهل بر روی فرش های نیکو بهتر است». (۴)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حکیم ترین مردم کسی است که از همنشینی با جاهلان بپرهیزد». (۵)

#### زینت دهنده گناه و انسان های بد

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بدترین همنشینان تو کسی است که معصیت خدا را در نظر تو زینت دهد». (۶)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «همنشینی با بدان، موجب گمان بد بردن در حق نیکان است». (۷)

---

۱- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۶، ح ۲۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۱۰.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۱۱.

۴- کافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۲.

۵- معانی الأخبار، ص ۱۹۶؛ امالی صدوق، ص ۲۱.

۶- معانی الأخبار، ص ۱۹۸؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۵۰.

٧- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٥٣، ضمن حديث ٢٠٤.



## توانگران خدانشناس

۱. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مراقب باش با کسی که منفعت دینی برای تو ندارد همنشینی نکن و در سخن گفتن با وی رغبت نکن». (۱)
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با توانگران همنشینی نکن، زیرا انسان پیش از مجالست با آنان تصوّر می کند که خداوند نعمت فراوانی به او داده، اما قبل از برخاستن گمان می کند که خدا هیچ نعمتی به او نداده است». (۲)
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز دل را می میراند: گناه بعد از گناه، بسیار سخن گفتن با زنان، مجادله کردن با احمق به گونه ای که تو گویی و او گوید و به حق بازنگردد، همنشینی با مردگان. پرسیدند: ای رسول خدا، مردگان کیانند؟ فرمود: هر توانگری که خدا را فراموش کند». (۳)

## فاجر و پست

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای مسلمان سزاوار نیست که با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند». (۴)
۲. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «همنشینی با سه کس دل را می میراند: نشستن با مردم پست، سخن گفتن (زیاد) با زنان، نشستن با توانگران». (۵)

- ۱- قرب الإسناد، ص ۵۸، ح ۱۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۹۱، ح ۵.
- ۲- امالی صدوق، ص ۲۵۳، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۹۴، ح ۲۱.
- ۳- خصال، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۲۸، ح ۱۰.
- ۴- کافی، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۵.
- ۵- کافی، ج ۲، ص ۶۴۱، ح ۸.

## دروغگو، فاسق، بخیل، قاطع رحم، متهم

۱. از زین العابدین امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با پنج گروه مصاحبت نکن وهم کلام نشو:

دروغگو که با دروغ هایش همچون سراب دور را برای تو نزدیک و نزدیک را در نظر تو دور می کند.

فاسق که تو را به طعامی وحتی کمتر از آن می فروشد.

بخیل که به هنگام نیاز و اوج احتیاج، کمک مالی به تو نمی کند.

احمق که اگر بخواهد سودی به تو برساند ضرر می زند.

قاطع رحم که خداوند متعال در سه جای قرآن او را نفرین کرده است: (فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ \* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ. (۱) وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ

اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيُفْسَدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ. (۲) الَّذِينَ

يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيُفْسَدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. (۳)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سزاوارترین مردم به متهم شدن، کسی است که با اهل

تهمت همنشین باشد». (۴)

۱- ترجمه: «اگر (از این دستورها) رویگردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! آنها کسانی اند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش هایشان را کروحشمانشان را کور کرده است». سوره محمد، آیات ۲۲ و ۲۳.

۲- ترجمه: «آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست؛ ویدی (ومجازات) سرای آخرت». سوره رعد، آیه ۲۵.

۳- ترجمه: (فاسقان) کسانی (هستند) که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می شکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می کنند؛ اینها زیانکارانند». (سوره بقره، آیه ۲۷) کافی، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۴- معانی الأخبار، ص ۱۹۶؛ امالی صدوق، ص ۲۱.

**بی وفا، ناسپاس، رازدار، قدرشناس علم**

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز ضایع می شود: محبت به انسان بی وفا، نیکی به انسان ناسپاس، آموزش دادن علم به کسی که گوش فرا ندهد، سپردن راز به کسی که رازدار نیست». (۱)

**همنشینان پدر**

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است انسان دوستان پدر را نگاه دارد که نیکی به آنها همانند نیکی به پدر است». (۲)

**حدّ همنشینی و حقّ آن**

۱. در حدیث است که حضرت لقمان به پسرش گفت: با آشنایان زود نزدیک (و خودمانی) نشو که منتهی به جدایی می گردد و از آنها نیز دوری نکن که خوار می شوی. به کسانی نیکی کن که خواهان نیکی باشند. و همان گونه که میان گرگ و میش دوستی تصوّر نمی شود میان نیک کردار و بدکردار دوستی نیست. هر کس نزدیک غیر رود حتماً با او مرتبط می شود، همان گونه که هر کس با شخص بدکردار مصاحبت کند بدی های او را فرا می گیرد. و هر کس با مردم مجادله و پرخاش کند، دشنام می شنود. و هر کس داخل مجالس بد شود به او تهمت می زنند. و هر کس با همنشین بد بنشیند از بدی سالم نمی ماند. و هر کس زبانش را کنترل نکند همواره پشیمان می شود». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که برادر مؤمنش را بر

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۴۰، ذیل ح ۱۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶۷، ح ۱۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۵، ح ۲۶.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۹.

امری که مورد کراهت و تنفر اوست ببیند و توانایی داشته باشد که مشکل او را حل کند و نکند، در ادای حق برادری خیانت کرده است. و هر که از همنشینی با احمق دست بکشد، به زودی اخلاق نیک او بازمی گردد».<sup>(۱)</sup>

### مجالس خوب و بد

#### مجالس شایسته

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دانیان در زمان گذشته می گفتند سزاوار است رفت و آمد به یکی از ده منظور باشد: ۱. رفتن به خانه خدا برای ادای حج و عمره. ۲. رفتن به خانه حاکمان متدین که پیروی از آنها متصل به اطاعت خداست و حقیقتاً واجب و نفعشان عظیم و ضرر مخالفت کردن با آنها سخت است. ۳. رفتن به خانه دانشمندانی که از آنها در علوم دین یا دنیا بتوان استفاده کرد. ۴. رفتن به خانه اهل بخشش که اموال خود را به امید ثواب آخرت می دهند. ۵. رفتن به خانه بی خردان که مردم در حوادث روزگار به آنها محتاج شده و به ایشان پناه می برند. ۶. رفتن به خانه اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج به آنان. ۷. رفتن به خانه کسانی که برای مشورت و تقویت عزم و اراده به افکار آنها نیاز است. ۸. رفتن به خانه برادران مؤمن دینی برای ارتباط با آنها واجب و رعایت کردن حق ایشان لازم است. ۹. رفتن به خانه دشمنانی که با مدارا کردن با آنها می توان از ضررها و دشمنی شان در امان بود. ۱۰. رفتن به خانه جمعی که از دیدار آنها می توان آداب حسنه آموخت و با آنها انس گرفت».<sup>(۲)</sup>

#### مجالس ناشایست

۱. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت فرمود: «از رفتن به

۱- امالی صدوق، ص ۲۷۰.

۲- خصال، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۲، ح ۱.

مکان هایی که محلّ تهمت اند اجتناب کن و از شرکت کردن در مجلسی که گمان بد به انسان ببرند پرهیز که همنشین بد، همنشین خود را فریب می دهد». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس خود را در محلّ تهمت قرار دهد، کسی را که به او گمان بد می برد سرزنش نکند». (۲)

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از مواضع شک و تهمت پرهیزید و (بدین روحتی) با مادر خود در میان راه نایستید، زیرا همه کس نمی داند که او مادر شماست». (۳)

## آداب عطسه زدن

### اهمّیت عطسه زدن و فلسفه آن

۱. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «خمیازه کشیدن از شیطان و عطسه زدن از سوی خداوند جهانیان است». (۴) (خمیازه

کشیدن سبب کسالت می شود و عطسه زدن مایه نشاط است).

۲. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند نعمت های فراوانی بر بنده اش ارزانی داشته، ولی بنده به هنگام صحّت بدن و سلامتی اعضا و جوارح، این نعمت ها را فراموش کرده و خدا را شکر نمی کند. از این رو، خداوند به بادی که در بدنش وجود دارد دستور می دهد که جولان پیدا کرده و از بینی اش خارج شود (و عطسه کند)، به همین علت دستور داده شده که در این حال حمد خدا گوید که این حمد، جبران شکر آن نعمت های فراموش شده است». (۵)

۱- امالی طوسی، ج ۱، ص ۶.

۲- کافی، ج ۸، ص ۱۳۳، ح ۱۳۷.

۳- السرائر، ج ۳، ص ۵۷۹.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۵.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۶.

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عطسه زدن چیز خوبی است، زیرا انسان را به یاد خدا می اندازد و برای بدن سودمند است». (۱)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «عطسه زدن بیمار، نشانه عافیت وی و راحتی بدن اوست». (۲)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که عطسه زند، تا هفت روز از مردن در امان است». (۳)

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «عطسه متعدّد انسان را در برابر پنج بیماری ایمن می کند: خوره، لقوه (۴)، آبریزش چشم، خشونت پره‌های بینی، رویدن مو

در چشم». (۵)

## آداب عطسه زدن

### ذکر عطسه کننده

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که انسان عطسه زد این ذکر را بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ». (۶)

۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام عطسه کرد، سپس فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (۷)

۳. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که در حاجتگاه عطسه

---

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ذیل حدیث ۱۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۶.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۵۷، ذیل حدیث ۲۳.

۴- «لَقَوَاهُ» یک نوع بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و (بر اثر آن) لب و دهان یا فک به طرفی کج می شود (فرهنگ عمید).

۵- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۵.

۶- کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۹.

۷- کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۱۴.

کند، حمد الهی را از قلب خود بگذرانند (یعنی آهسته بگویند)». (۱)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی در نماز عطسه کند، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید». (۲)

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که بعد از عطسه کردن بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلِي كُلِّ حَالٍ» به گوش درد و دندان درد

مبتلا نشود». (۳)

۶. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که عطسه کرد، برای امان از دندان درد و گوش درد، حمد خدا گوید». (۴)

۷. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام عطسه زدن و کشتن حیوانات، صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله لازم است». (۵)

### ذکر شونده عطسه

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی عطسه زد او را دعا کنید، هر چند فاصله بسیاری در میان شما باشد». (۶)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر در حال خواندن نماز متوجه عطسه زدن کسی شدی بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، هر چند در میان تو و شخصی که عطسه زده فاصله بسیاری باشد». (۷)

۱- قرب الإسناد، ص ۷۷، ح ۲۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۳، ح ۲ و ۶.

۲- کافی، ج ۳، ص ۳۶۶، ح ۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۱۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۴.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۶.

۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴.

۶- کافی، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۲.

۷- کافی، ج ۳، ص ۳۶۶، ح ۳.

۳. در حدیث است که مردی مسیحی عطسه زد، حضرت صادق علیه السلام به او «يَرْحَمَكَ اللَّهُ» گفت. (۱)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طفل نابالغی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله عطسه زد و گفت: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ، حضرت به او فرمود: بَارَكَ اللهُ فِيكَ». (۲)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر که صدای عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و بر محمد و اهل بیتش صلوات بفرستد، به چشم درد و دندان درد مبتلا نمی شود». (۳)

### پاسخ عطسه کننده

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقّ مسلمان بر برادر مسلمانش آن است که هنگام ملاقات به او سلام کند و هنگام بیماری از او عیادت کند و در غیاب وی خیرخواه او باشد و هرگاه عطسه زند او را دعا کند. کسی که عطسه زد بگوید: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لا شَرِيكَ لَهُ» و دیگران به او بگویند: «رَحِمَكَ اللَّهُ» و او در پاسخ بگوید: «يَهْدِيكُمْ اللَّهُ وَيُصْلِحْ بِالْكُم». (۴)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که عطسه زد بگوید: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ لا شَرِيكَ لَهُ» و دیگران در جوابش بگویند: «يَرْحَمَكَ اللَّهُ» و او در پاسخ بگوید: «يَغْفِرُ اللهُ لَكَ وَ لَنَا». (۵)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مسلمانی عطسه زند و به علتی ساکت بماند (و ذکر نگوید)، ملائکه از جانب او

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۸.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۱۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۳.

۴- ترجمه: «خداوند شما را هدایت و قلبتان را اصلاح کند». کافی، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۱۴.



می گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و اگر این ذکر را بگویند ملائکه می گویند: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ» (۱).

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه کسی عطسه زد به او بگوید: «يَزْحَمُكُمُ اللَّهُ» و او در جواب بگوید: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَيَزْحَمُكُمْ» (۲).

### تکرار عطسه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه بار عطسه زدن برای بدن مفید است و اگر بیش از سه بار باشد، نشانه بیماری است» (۳).

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه عطسه تا سه بار تکرار شود برای عطسه کننده دعا کن و اگر بیشتر شود او را رها کن» (۴).

### حدیث جامع آداب عطسه

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است کسی که عطسه زد انگشت شهادت بر روی بینی بگذارد و بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، رَغَمَ أَنْفِي لِلَّهِ رَغْمًا دَاخِرًا صَاغِرًا، غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ

وَلَا مُسْتَحْسِرٍ (۵) و چنانچه دیگری عطسه زند تا سه بار بگوید اللَّهُ بگویند و اگر

بیش از سه بار شود شَفَاكَ اللَّهُ بگویند. و اگر عطسه زننده مرد مؤمن باشد بگوید اللَّهُ

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۹.

۲- خصال، ج ۲، ص ۴۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۲۰.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۵۷، ح ۲۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۴.

۵- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است. و درود خداوند بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاکش باد. بینی ام برای رضای خدا به عنوان تسلیم بر خاک است، در حالی که از این مطلب استنکاف ندارم و پشیمان نیستم».

و اگر زن باشد عافاک الله و اگر بچه باشد زَرَعَكَ اللهُ (۱) و اگر بیمار باشد شَفَاكَ اللهُ

و اگر کافر ذمی باشد هِدَاكَ اللهُ و اگر پیامبر یا امام باشد صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ بگویند: يَغْفِرُ اللهُ لَنَا وَ لَكُمْ». (۲)

### مزاح کردن، خندیدن، سخن درگوشی، رازداری، آداب سخن گفتن

#### آداب سخن گفتن

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید، گویی خراشی بر صورت او وارد

کرده است». (۳)

۲. در حدیثی صحیح از امام صادق علیه السلام و در حدیث دیگری از امام کاظم علیه السلام آمده است: «هرگاه سه تن در مجلسی باشند و دو تن از آنان با یکدیگر درگوشی سخن گویند، موجب اندوه و اذیت نفر سوم است». (۴)

#### رازداری مجالس

۱. در چندین حدیث آمده است: مجالس (خصوصی) امانت است. (۵) یعنی

آنچه در آن اتفاق افتاده نباید در جای دیگر بیان شود، مگر اینکه علم به رضایت صاحبان آن داشته باشد.

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ کس حق ندارد سخنی را که دوستش پنهان داشته نقل کند، مگر اطلاعات و علمی که اظهار آن

۱- ترجمه: «خداوند تو را رشد دهد».

۲- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۵.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۶۰، باب فی المناجات، ح ۳.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۶۰، باب فی المناجات، ح ۱ و ۲.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۶۰، باب المجالس بالأمانه، ح ۱ و ۲.

لازم باشد، یا ذکر نیکی های آن شخص باشد». (۱)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «مجالس امانت است، مگر مجالسی که در آن خون حرامی ریخته شود، یا به ناموس کسی تجاوز کنند، یا مالی را به ناحق ببرند». (۲)

### مزاح و شوخی کردن

#### اهمیت شوخی کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مؤمنی نیست، مگر اینکه در وجود او مزاح و شوخ طبعی هست». (۳)

۲. در حدیث است که آن حضرت از کسی پرسید: «مزاح و شوخی شما با یکدیگر در چه حدی است؟» عرض کرد: اندک است. حضرت فرمود: «با یکدیگر مزاح کنید که نشانه خوش اخلاقی است و موجب خوشحالی برادر مؤمن می شود و بسیار اتفاق می افتاد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با شخصی مزاح می کرد تا او را شاد گرداند». (۴)

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که در میان مردم مزاح کند، خداوند او را دوست می دارد؛ البته تا زمانی که سخن خلاف نگوید». (۵)

#### شوخی های ناروا

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد شوخی نکنید که آبروی انسان را می برد». (۶)

۱- کافی، ج ۲، باب المجالس بالأمانه، ح ۳ از امام صادق علیه السلام.

۲- امالی طوسی، ج ۱، ص ۵۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۲.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۴.

۶- کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۸.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «با کسی که دوستش داری مزاح و مجادله نکن». (۱)

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزاح نکنید که دشنام کوچک و موجب بروز کینه هاست». (۲)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزاح کردن آبروی انسان را می برد و از مهابت مردان می کاهد». (۳)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «مجادله نکن که خوبی هایت را می برد و خوش طبعی و شوخی نکن که باعث جرأت (وجسارت) مردم بر تو می شود». (۴)

۶. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شوخی نکن که نور ایمان را می برد و شخصیت تو را سبک می کند». (۵)

(نکته: با توجه به روایاتی که امر به مزاح می کند روشن می شود که منظور از روایات بالا افراط در شوخی و شوخی های همراه با بی بندوباری است).

### خنده های ناروا

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خنده مؤمن باید به صورت تبسم باشد، نه قهقهه». (۶)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «خنده زیاد دل را می میراند و دین را از بین می برد همان گونه که آب، نمک را ذوب می کند».

(۷)

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۱۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۶۵، ح ۱۶.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۶۵، ح ۱۷.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۶۵، ح ۱۹.

۶- کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۵.

۷- کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۶.

۳. در روایتی دیگر فرمود: «خنده بسیار آبرو را می برد». (۱)

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت داوود به حضرت سلیمان گفت: فرزندم، مبادا زیاد خنده کنی که بسیار خندیدن، انسان را در روز قیامت حقیر می کند». (۲)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خندیدن بی علت (بدون آنکه جنبه معقولی داشته باشد) از نادانی است». (۳)

۶. در حدیثی می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «حضرت یحیی می گریست و نمی خندید و حضرت عیسی بن مریم می خندید و گریه می کرد و کار حضرت عیسی بهتر از کار حضرت یحیی بود». (۴)

۷. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «تعجب می کنم از کسی که ایمان به جهنم دارد چگونه می خندد». (۵)

۸. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «چه بسیار کسانی که خنده آنها در دنیا از روی لهو و لعب است، در روز قیامت گریه بسیار در پی دارند. و چه بسیار کسانی که گریه فراوان آنها در دنیا بر گناهانشان، باعث خوشحالی و خنده آنان در بهشت می شود». (۶)

### فقهه زدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فقهه زدن به هنگام

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۱۰ و ۱۱.

۲- قرب الإسناد، ج ۷۲، ح ۲۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۵، ح ۸.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۷.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۶۵، ح ۲۰.

۵- الجعفریات، ص ۲۳۷.

۶- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳، ح ۶.

خندیدن از کارهای شیطان است». (۱)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان قهقهه زدی، پس از فراغت از آن بگو: اللَّهُمَّ لَا تَمَقُّتْنِي». (۲)  
توضیح: از روایات بالا- و دیگر احادیث استفاده می شود که مؤمن نباید عبوس باشد، بلکه باید خندان و گشاده رو باشد. و اندکی مزاح کردن اشکالی ندارد، اما شوخی فراوان و خنده بسیار کردن مطلوب نیست و کار سفیهان و بی خردان است.

### آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر

#### اهمیت همنشینی نیکو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با همسایگان خود نیکو مجاورت کن تا مؤمن باشی و با همنشینان خود نیکو مصاحبت کن تا مسلمان باشی». (۳)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که با دوستانش همنشینی نیکو نداشته باشد و با رفقای خود رفاقت نیکو نکند و با کسانی که به او مهربانی کرده اند مهربانی نکند از ما نیست». (۴)
۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با منافق به زبان خوش، مدارا کن. و محبت قلبی ات را برای مؤمنان خالص گردان. حتی اگر یک فرد غیر مسلمان با تو مجالست کرد، با او نیکو مجالست کن». (۵)

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۱۱ و ۱۲.

۲- ترجمه: «بار خدایا، بر من خشم نگیر». کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۱۳.

۳- امالی صدوق، ص ۲۰۱، ح ۱۳.

۴- السرائر، ج ۳، ص ۵۷۸.

۵- امالی مفید، ص ۱۸۵، ح ۱۰.

**حَقِّ مِصَابِحَت**

در حدیث است که مفضل می گوید خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. فرمود: «چه کسی در مسیر سفر مصاحب و همسفر تو بود؟» عرض کردم: شخصی از برادران مؤمن. فرمود: «چه شد؟» عرض کردم: داخل مدینه شد، ولی جایش را نمی دانم. فرمود: «مگر نمی دانی کسی که چهل قدم با کسی مصاحبت کند، خداوند در روز قیامت از حق او سؤال می کند؟». (۱)

**پرسش از نام وقبيله**

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که برادر مسلمان خود را دوست می دارد باید نام او و نام پدر و قبيله و خویشاوندانش را بپرسد که این از جمله حقوق لازم برادری و دوستی است. و گرنه آن دوستی، آشنایی جاهلان خواهد بود». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «ناتوانی در سه چیز است: شخصی برای دیگری طعامی آماده سازد و میهمان تخلّف کند و به میهمانی نرود و غذا را نخورد، شخصی با کسی همنشینی کند و معلوم نکند که کیست و از کجاست تا از یکدیگر جدا شوند، کسی که با همسرش پیش از آنکه او آمادگی لازم را پیدا کند آمیزش کند، بلکه باید صبر کند و پس از آمادگی طرفین این کار انجام شود». (۳)

**ترک مجادله و فراموش کردن کینه**

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با مردم منازعه نکنید که کرامت را از بین می برد و مروّت را زایل می کند. پیوسته جبرئیل نهی می کرد از

۱- امالی طوسی، ج ۲، ص ۲۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۴.

مجادله کردن با مردم، همان گونه که از شراب خوردن و بت پرستی نهی می کرد». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کینه مؤمن در همان مکانی است که نشسته و هنگامی که از برادر دینی اش جدا شود، کینه او در سینه اش نمی ماند. و کینه کافر در تمام عمر همراهش خواهد بود». (۲)

### رفتار نیکو با همنشین

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حدّ نیکی اخلاق آن است که با مردم مهربانی کنی و سخن نیک بگویی و با روی خوش با آنها رفتار کنی». (۳)

۲. در حدیث است که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا نصیحت کن. حضرت فرمود: «با برادر دینی ات با روی گشاده ملاقات کن». (۴)

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پرده را از میان خود و برادر مؤمن ات زیاد برنندار که باعث برطرف شدن حیاست». (۵)

### روش های همنشینی نیکو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز است که محبت انسان را برای برادر مسلمانش خالص می گرداند: هنگام ملاقات با وی با خوشرویی و خوشحالی رفتار کند، هنگامی که نزد او می نشیند برایش جای نشستن بگشاید، به هر نامی که بیشتر دوست دارد او را بخواند». (۶)

۱- امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲- السرائر، ج ۳، ص ۶۳۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۴.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۳.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۵.

۶- کافی، ج ۲، ص ۶۴۳، ح ۳.



۲. در حدیثی صحیح از حضرت کاظم علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هنگامی که شخصی حاضر است با کتیه صدایش بزنی و اگر غایب باشد نامش را بگو». (۱) (باید توجه داشت که صدا زدن با کتیه در عرف عرب نوعی احترام است، مانند صدا زدن با نام فامیل در عرف ما).

### فواید و آثار همنشینی نیکو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با مردم مهربانی کن تا تو را دوست بدارند». (۲)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «برخورد خوب و خوش با مردم، کینه را از

بین می برد». (۳)

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خشمش را فرو برد، خداوند در دنیا و آخرت بر عزت

او می افزاید». (۴)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از صورت برادر مؤمن خود گرد و غبار و خاشاکی برطرف کند، خداوند ده حسنه در نامه

عملش می نویسد. و هر کس در چهره برادر مؤمن خدا تبسم کند، خداوند برایش حسنه ای می نویسد». (۵)

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خاشاک و مانند آن را از برادر مؤمن خود دور کند، او

در برابر آن عمل بگوید: *أَمَاطَ اللَّهُ عَنْكَ*

مَا تَكْرَهُهُ». (۶)

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۶.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۵.

۵- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۰، ح ۴.

۶- ترجمه: «خداوند آنچه را دوست نداری از تو دور کند». خصال، ج ۲، ص ۴۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۳.

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خشمش را فرود برد در حالی که قادر بر انتقام باشد، خداوند متعال در روز قیامت دلش را مملو از آرامش و ایمان می کند». (۱)

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز از فضایل اخلاقی دنیا و آخرت محسوب می شود: بخشیدن کسی که بر تو ظلم کرده است، پیوند برقرار کردن با کسی که از تو بریده است، بردباری در برابر کسی که با تو بی خردی کرده است». (۲)

### اظهار محبت کردن و رعایت عدالت

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اظهار دوستی و مهربانی با مردم، نصف عقل است». (۳)

۲. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که کسی را دوست داری دوستی ات رابه او اظهار کن که باعث دوام محبت میان شما می شود». (۴)

۳. نیز در روایتی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله حتی نگاه خود را در میان اصحابش تقسیم می کرد و به یک نفر بیش از دیگری نگاه نمی کرد و هرگز پای خود را در حضور اصحاب دراز نمی کرد». (۵)

### همنشینان بد

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بدترین امت من

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۶ و ۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۰۷، ح ۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۴۳، ح ۴ و ۵.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۲.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۱.

کسانی اند که مردم از ترس بدی و شرارتشان آنها را گرامی بدارند؛ چنین کسانی از من نیستند». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرزند نامشروع چند نشانه دارد: دشمنی با اهل بیت علیهم السلام، علاقه به زنا، سبک شمردن دین، مردم را در حضورشان آزار دادن». (۲)

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردم یا مؤمن اند و یا جاهل، مؤمن را نباید اذیت کرد و با جاهل نباید ستیزه جویی کرد، و گرنه مثل او خواهی بود». (۳)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «همین عیب برای انسان بس که از مردم عیوبی ببیند که از آنها نسبت به خودش چشم پوشی کند و مردم را بر چیزی سرزنش کند که خودش توان ترک آن را نداشته باشد و همنشین خود را به چیزی آزار دهد که سودی برای او نداشته باشد». (۴)

### این گونه سخن نگو

در حدیث است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه کسی بگوید:

«لَا وَحَيَاتِكَ وَحَيَاهِ فُلَانٍ». (۵)

### فضیلت یاد خدا در مجالس

#### اهمیت یاد خدا

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «به سوی باغ های بهشت

۱- خصال، ج ۱، ص ۶۹، ح ۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۷۹، ح ۱.

۲- معانی الأخبار، ص ۴۰۰.

۳- خصال، ج ۱، ص ۸۹، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸، ح ۷.

۴- خصال، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸، ذیل حدیث ۹.

۵- ترجمه: «قسم به جان تو و جان فلانی». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۷.

بشتابید!» پرسیدند: باغ های بهشت کدام است؟ فرمود: «مجالس و حلقاتی که در آن یاد خدا شود». (۱)

۲. در چندین حدیث معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که در میان غافلان، یاد خدا را زنده کند مانند مجاهدی است که به هنگام گریختن دیگران، در راه خدا جهاد کند و ثواب چنین کسی بهشت است». (۲)

### یاد خدا در همه جا

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خدا را در همه جا یاد کنید که او با شماست». (۳)

۲. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «در تورات اصیل آمده است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید: خداوندا، مجالسی بر من می گذرد که تو را گرامی تر از آن می دانم که در چنان مجالسی ذکر تو را گویم. خداوند فرمود: ای موسی، بردن نام من و ذکر یاد من در هر حالی شایسته است». (۴)

### ذکر پایان مجالس

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از هیچ مجلسی، هر چند کوتاه، بر نمی خاست مگر اینکه بیست و پنج مرتبه استغفار می کرد. (۵)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دوست دارد در قیامت

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۹۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۵۰۲، ح ۲.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۰۳، ح ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۵۴، ح ۱۶.

۴- کافی، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۸.

۵- کافی، ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۴.

به ثواب کامل دست یابد، هنگام برخاستن از مجلس بگوید: (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ \* وَسَيَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ \* وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ). (۱)

۳. در روایتی دیگر آمده است که این ذکر، کفاره گناهان آن مجلس است. (۲)

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که خداوند متعال فرمود: «ای فرزند آدم، در مجالس مردم مرایاد کن، تادر مجلسی که بهتر از محفل تو باشد تو را یاد کنم». (۳)

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مرا در محفلی از مجالس مؤمنین یاد کند، من او را در جمع ملائکه یاد می کنم». (۴)

### حسرت ترک کردن ذکر خدا

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مجلسی که نیکوکاران و بدکاران در آن جمع شوند و مجلس تمام شود و برخیزند در حالی که در آن مجلس یاد خدا را نکرده باشند، آن مجلس در روز قیامت باعث حسرت و پشیمانی آنها خواهد بود». (۵)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی در مجلسی گرد هم آیند و در آن مجلس خدا را یاد نکنند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات نفرستند، آن مجلس در روز قیامت موجب حسرت آنها و وبال گردنشان خواهد بود». (۶)

۱- ترجمه: «منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت (وقدرت)، از آنچه آنان توصیف می کنند و سلام بر رسولان و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است». (سوره صافات، آیات ۱۸۰ - ۱۸۲) کافی، ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۳، ح ۲۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱۲.

۴- کافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱۳.

۵- کافی، ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۱.

۶- کافی، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۵.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و خدا را ذکر نکنند، آن مجلس در روز قیامت مایه حسرت آنها خواهد شد». (۱)

### رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آئمه علیهم السلام در مجالس

#### اهمیت ذکر محمد و آل محمد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ملائکه آسمان نسبت به یک یا چند تن از شیعیان که فضیلت آل محمد را ذکر می کنند نظر دارند، سپس به یکدیگر می گویند: آیا این گروه کوچک را نمی بینید که با تعداد اندکشان و تعداد بسیار دشمنانشان، فضایل آل محمد را ذکر می کنند؟ بعد طایفه دیگری از ملائکه در جوابشان می گویند: این فضل الهی است که به هر کس بخوهد می دهد و خداوند، صاحب فضل بزرگ است». (۲)

۲. در حدیث است که امام باقر علیه السلام از میسر پرسید: «شما شیعیان که با یکدیگر خلوت می کنید، آیا آنچه را از علوم اهل بیت علیهم السلام و فضایل آنان بخوهد می گوید؟» عرض کرد: آری به خدا قسم. امام فرمود: «والله دوست دارم در

چنین مجالسی با شما باشم. به خدا سوگند، بوی شما و نسیم شما را دوست می دارم. بی شک شما بر دین خدا و ملائکه هستید؛ بنابراین، با پرهیز از محرمات و تلاش برای انجام دادن طاعات و عبادات، برای شفاعت خودتان به ما کمک کنید». (۳)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مجالس خود را به ذکر

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۵.

فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام زینت دهید (۱) که هفتاد خصلت از خصلت های پیامبران در او هست». (۲)

### فواید ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یاد ما یاد خدا و یاد دشمن ما یاد شیطان است». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال فرشتگانی دارد که در زمین گردش می کنند. هرگاه بر جماعت و گروهی بگذرند که یاد محمد و آل محمد می کنند به یکدیگر می گویند: توقف کنید که به هدف خود رسیدیم. سپس می نشینند و با آنان در اذکار آن مجلس همراه می شوند و پس از پایان جلسه و خروج حاضران، اگر شخصی از آنها بیمار شود ملائکه به عیادت او می روند و چون بمیرد در تشییع جنازه اش حضور پیدا می کنند و اگر گم شود در جست و جوی او خواهند بود». (۴)

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ چیز مانند ملاقات و دیدار مؤمنین از یکدیگر به خاطر رضای خدا، شیطان و لشکریان وی را آزرده نمی کند. هنگامی که دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کرده و خدا را یاد کنند و در پی آن از فضایل ما یاد می کنند، هیچ گواشتی بر صورت شیطان باقی نمی ماند مگر آنکه فرو می ریزد، تا آنجا که روحش از شدت ناراحتی به استغاثه و طلب کمک برمی آید. و بر اثر آن، ملائکه آسمان ها و خازنان بهشت اطلاع پیدا کرده و او را

۱- بشاره المصطفی، ص ۷۳؛ بحار الأنوار، ح ۳۸، ص ۱۹۹.

۲- الأنوار اللامعه فی شرح الزیارة الجامعه، ص ۶۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۹۶ ذیل حدیث ۲.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۸۶، ح ۳.

لعنت می کنند. و هیچ ملک مقربى باقى نماند، مگر اینکه شیطان را نفرین می کند، در نتیجه ناامید و محروم و مطرود بر زمین می افتد». (۱)

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند برای برادر علی بن ابی طالب علیه السلام فضیلت هایی قرار داده است که از کثرت و فزونی نمی توان آنها را شماره کرد؛ بنابراین، هر کس یک فضیلت از فضایل او را از روی اعتقاد و باور قلبی بیان کند، گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود... و هر کس یک فضیلت از فضایل او را بنویسد، تا زمانی که نشانی از آن کتاب باشد ملائکه برای وی استغفار می کنند. و هر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت گوش فرا دهد، خداوند گناهان او را که با گوش مرتکب شده، بیامرزد. و هر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت - که نوشته شده - نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم مرتکب شده، بیامرزد». (۲)

### همکاران فرشتگان و همکاران شیطان

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه سه تن از مؤمنین یا بیشتر در مکانی جمع شوند، به تعداد آنها فرشتگان نیز اجتماع می کنند. اگر آن مؤمنان چیزی از خداوند طلب کنند ملائکه آمین می گویند. و چنانچه به خداوند از شرّ چیزی پناه ببرند، ملائکه از خداوند می خواهند که آن را از آنها دور کند. و اگر تقاضای حاجتی داشته باشند ملائکه از خداوند می خواهند که حاجتشان را برآورده کند. و چنانچه سه تن یا بیشتر از انکارکنندگان حقّ اهل بیت علیهم السلام در جایی جمع شوند، ده برابر آنها از شیاطین نیز حاضر می شوند، سخنانی که می گویند شیاطین همانند آن را تکرار می کنند. و اگر بخندند شیاطین با آنها می خندند. و اگر

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۷.

۲- کشف الغمّه، ج ۱، ص ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹، ح ۱۰.



دوستان خدا را مذمت کنند با مذمت کنندگان رفیق و دوست می شوند. و اگر مؤمنی همنشین چنین افرادی شود، هنگامی که شروع به مذمت دوستان خدا کنند، (باید) از آن مجلس برخیزد و شریک و همنشین شیطان نشود که هیچ کس تاب مقاومت خشم خدا را ندارد و نفرین خدا را هیچ چیز دفع نمی کند. و چنانچه نتواند مجلس را ترک کند، به دل انکار کند و اندکی برخیزد و باز گردد». (۱)

### تحصیل و مباحثه علوم اهل بیت علیهم السلام

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در راه تحصیل علم گام بردارد، خداوند راهی به سوی بهشت برایش می گشاید و بی شک، فرشتگان با کمال خشنودی بال های خود را در مسیر عبور طالب علم می گشایند و تمام ساکنان آسمان و زمین و حتی ماهیان دریا برای وی استغفار می کنند. و فضیلت عالم بر عابد، همچون برتری ماه شب چهاردهم بر سایر ستارگان است». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «أف بر مردمی که هر جمعه کارهای دنیایی را برای یادگیری مسائل دینی خود تعطیل نمی کنند». (۳)

۳. نیز در روایتی فرمود: «خداوند می فرماید که مذاکره علم در میان بندگان من، دل های مرده را زنده می کند». (۴)

۴. در سخنی دیگر فرمود: «با یکدیگر مذاکره علمی کرده و حدیث نقل کنید که حدیث، دل ها را جلا می دهد. و بی شک دل ها زنگار می گیرند، همان گونه که

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۶.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۰، ح ۵.

۴- کافی، ج ۱، ص ۴۰، ح ۶.

شمشیر زنگ می زند و جلای دل ها به حدیث است». (۱)

۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مذاکره علم، ثواب نماز مقبول را دارد». (۲)

## مشورت و آداب آن

### اهمیت مشورت

(مقدمه:) در فضیلت و اهمیت مشورت همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید پیامبر خود را که عاقل ترین مخلوقات جهان بود، امر به مشورت کرد، آنجا که فرمود: (وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ). (۳)

۱. در حدیث است که بسیار اتفاق می افتاد که امام رضا علیه السلام با آن عقل کامل با غلامان سیاه مشورت می کرد و می فرمود: «چه بسا خداوند خیر ما را بر زبان آنها جاری کند». (۴)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که خود را از رأی و نظر دیگران بی نیاز بداند و مشورت نکند، جان خود را به خطر می اندازد». (۵)

### با چه کسانی مشورت کنیم

۱. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «با کسانی که خدا ترس هستند و برادران مؤمن خود را به مقدار پرهیزگاریشان دوست دارند، مشورت

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۱، ح ۸.

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۱، ح ۹.

۳- ترجمه: «ودر کارها با آنها مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و) بر خدا توکل کن». سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۴- محاسن، ص ۶۰۲، ح ۲۳.

۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۴؛ امالی صدوق، ص ۴۴۷.

کن و از زنان بد پرهیز...» (۱).

۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند و در میان آنها کسی باشد که نامش محمد یا احمد یا حامد یا محمود باشد، بی شک آنچه خیرشان در آن باشد بر آنها آشکار می شود».

(۲)

۳. در احادیث معتبر می خوانیم که: «با عاقل دیندار پرهیزگار مشورت کن و هنگامی که نظری داد (بی دلیل) خلاف آن عمل نکن که نتیجه آن فساد دنیا و آخرت تو می شود» (۳).

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مشورت شرایط و حدودی دارد که هر کس واجد آن نباشد، ضررهای مشورت برای او بیش از منافع آن خواهد بود: کسی که با او مشورت می کند عاقل و خردمند باشد، آزاد و متدین باشد، برادر و دوست و یار او باشد، او را بر تمام اسرار خود (در موضوع مورد مشورت) باخبر سازد به گونه ای که همان طور که خودش اطلاع دارد مشاور هم خبر داشته باشد، ولی بر مشاور لازم است اسرار او را پنهان کند زیرا اگر (شرط اول را داشته باشد و) عاقل باشد از مشورت با وی سود خواهی برد. و اگر واجد شرط دوم (آزاد و دین دار) باشد تمام تلاش خود را برای خیرخواهی تو به کار خواهد بست. و اگر یار و دوستدار تو باشد (شرط سوم)، هنگامی که راز خود را به او گفتی آن را افشا نمی کند» (۴).

### وظیفه مشاور

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش با او

۱- امالی صدوق، ص ۳۰۴، ح ۸.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۳۰. در مصدر محمد و حامد وجود ندارد.

۳- محاسن، ص ۶۰۲، ح ۲۴.

۴- محاسن، ص ۶۰۲، ح ۲۸.

مشورت کند و آنچه به مصلحت و خیر اوست نگوید، خداوند عقل و هوشش را زایل می کند». (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت کند و آنچه را که خیر او در آن است به او نگوید». (۲)

### فایده مشورت

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، کسی که از خداوند طلب خیر کند سرگردان نمی ماند. و کسی که در کارها با مردم مشورت کند پشیمان نمی شود». (۳)

۲. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مشورت کند هلاک نمی شود». (۴)

### کسانی که نباید با آنها مشورت کرد

۱. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام به عمار سباطی فرمود: «اگر می خواهی نعمت الهی بر تو استمرار داشته و شخصیت تو کامل و زندگانی ات نیکو باشد، در امور خود با مردم پست مشورت نکن». (۵)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با افراد ترسو مشورت نکن که راه رهایی را بر تو تنگ می کنند. و از مشورت با افراد بخیل پرهیز که مانع

۱- محاسن، ص ۶۰۲، ح ۲۷.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶، ح ۲۹۶.

۳- امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴- خصال، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۱۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۵؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۳۴۹، ح ۱.

رسیدن به هدف می شوند و با کسانی که حرص دنیا دارند مشورت نکن که بدی ها را برای تو زینت می دهند».<sup>(۱)</sup>

## نامه نگاری

### اهمیت نوشتن نامه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مهربانی و دوستی بین برادران دینی، در وطن به دیدار یکدیگر رفتن و در سفر به نامه نوشتن برای یکدیگر است».<sup>(۲)</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «از چگونگی نامه نگاری هر کس می توان بر میزان عقل و دانایی اش استدلال کرد. و از نماینده و پیک هر شخص می توان به مقدار فهم وزیر کی او پی برد».<sup>(۳)</sup>

### آداب نامه نگاری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نوشتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را ترک نکن و آن را از سایر چیزهایی که می نویسی بهتر بنویس».<sup>(۴)</sup>

۲. در حدیث است که امام هادی علیه السلام در ابتدای نامه می نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَذْكَرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».<sup>(۵)</sup>

۳. در روایتی موثق می خوانیم که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آغاز کردن

---

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۹، باب ۳۵۰، ح ۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱.

۳- محاسن، ص ۱۹۵، ح ۲۰.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۱.

۵- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. إِنْ شَاءَ اللَّهُ خدا را به خاطر دارم». تحف العقول، ص ۴۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص

۵۰، ح ۶.

نامه به نام مخاطب، پیش از نام نویسنده چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد. این کار نوعی احترام به طرف مقابل است».

(۱)

۴. در حدیث است که امام صادق علیه السلام دستور داد نامه ای به جایی بنویسند. هنگامی که نامه آماده شد و به دست آن حضرت دادند فرمود: «چگونه امید به تحقق مضمون نامه دارید، در حالی که در پایان جملات مناسب، *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* نوشته نشده است؟» سپس دستور داد در جاهای مناسب، جمله *إِنْ شَاءَ اللَّهُ*

را بنویسند. (۲)

۵. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که نامه ای برای طلب حاجتی می نویسی و دوست داری آن حاجت برآورده شود، با قلم بدون جوهر در بالای ورقه بنویس: *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنَّ اللَّهَ وَعِدَ الصَّابِرِينَ الْمَخْرَجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ، جَعَلْنَا اللَّهُ وَايَاكُمْ مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ*». (۳) راوی گوید: هر زمان به این دستور عمل کردم حاجتم برآورده شد. (۴)

### جواب نامه و روش های از بین بردن نامه

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «جواب نامه همچون پاسخ سلام، واجب است». (۵)

۲. در روایتی صحیح آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: چنانچه در نامه هایی که نزد ما جمع می شود نام خدا باشد، آیا می توان آنها را آتش زد؟

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۶.

۳- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بی شک خداوند به صابران، راه خروج از آنچه را که دوست ندارند و روزی را از آنجا که گمان ندارند وعده داده است. خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که ترسی (از آینده) ندارند و نسبت به گذشته محزون نمی شوند».

۴- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۶۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۰، ح ۸.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۲.

فرمود: «نه، بلکه اول با آب بشویید (تا نام خدا محو شود، سپس آن را آتش بزیند)». (۱)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «باید کتاب خدا و نام خدا را با پاک ترین چیزها محو کرد». ونهی کرد از اینکه قرآن را بسوزانند و با قلم محو کنند (در برخی نسخه ها به جای قلم، قدم آمده است). (۲)

۴. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کاغذها را نسوزانید، بلکه محو و پاره کنید». (۳)

۵. در روایتی دیگر آمده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان نامی را که از نام های خداست با آب دهان محو کرد؟ فرمود: «باید با پاک ترین چیز ممکن آن را محو کرد». (۴)

---

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۷۴، ح ۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۷۴، ح ۲.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۷۴، ح ۳.





## فصل دوازدهم: آداب وارد شدن و خارج شدن از خانه

### اشاره

۱. خانه گشاده
۲. مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه
۳. مجسمه سازی و کشیدن نقاشی
۴. آداب فرش کردن خانه
۵. آداب عبادت کردن در خانه
۶. نگهداری حیوانات در خانه
۷. اهمیت دامداری
۸. نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر
۹. نگهداری سگ در خانه
۱۰. آداب خانه خریدن
۱۱. سایر آداب خانه
۱۲. آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه



## خانه گشاده

### خانه وسیع

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه وسیع از سعادت انسان است». (۱)
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از نشانه های سعادت انسان آن است که فرزندش شبیه او باشد و زن خوشروی دیندار و مرکبی راهوار و خانه ای وسیع داشته باشد». (۲)
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «چهار چیز نشانه سعادت است: زن نیکوکار، خانه وسیع، همسایه شایسته، مرکب سواری نیکو. و چهار چیز نشانه شقاوت است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ، مرکب نامناسب». (۳)
۴. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز موجب راحتی و آسایش مؤمن است: خانه وسیع که عیب ها و امور پنهانی او را از مردم مخفی نگاه دارد، زن شایسته که او را بر امور دنیا و آخرت یاری کند، دختر یا خواهری که با ازدواج کردن، یا با پایان یافتن عمرش از خانه او برود». (۴) (اشاره به اینکه

---

۱- محاسن، ص ۶۱۰، ح ۱۹ و ۲۰ و ۲۱.

۲- قرب الإسناد، ص ۷۹، ح ۲۳۷.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶.

۴- محاسن، ص ۶۱۰، ح ۱۸؛ کافی، ج ۵، ص ۳۲۷، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۸، ح ۲، و ج ۱۰۳، ص ۲۱۷، ح ۵.

دختر نباید خودسرانه از خانه به هر کجا که می خواهد برود).

۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نیکی زندگانی در وسعت خانه و خدمتکار خوب است». (۱)

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «لذت دنیا در وسعت خانه و دوستان فراوان است». (۲)

### خانه کوچک و تنگ

۱. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه تنگ، موجب مشقت و سختی زندگانی است». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «شومی خانه در تنگی آن، بدی همسایگان و عیب های زیاد آن است». (۴)

۳. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام خانه ای خرید و به یکی از دوستدارانش فرمود: «خانه تو تنگ است، برو در این خانه ساکن شو!» آن شخص گفت: این خانه را پدرم ساخته است نمی توانم از آن دل بکنم. حضرت فرمود: «اگر پدرت نادان باشد تو هم باید نادان باشی». (۵)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی از انصار از تنگی خانه اش به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد. حضرت فرمود: با صدای بلند از خدا بخواه که به خانه ات وسعت بدهد». (۶)

### مذمت خانه به خانه شدن

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه به خانه شدن (و مرتباً تغییر دادن منزل مسکونی) و خریدن نان از بازار از تلخی زندگانی است». (۷) (در آن زمان مردم نان را برای اطمینان خاطر در خانه خود تهیه می کردند).

۱- محاسن، ص ۶۱۱، ح ۲۵؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۴.

۲- محاسن، ص ۶۱۱، ح ۲۴؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۵.

۳- محاسن، ص ۶۱۱، ح ۲۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۶.

۴- امالی صدوق، ص ۲۳۹، ح ۷.

۵- محاسن، ص ۶۱۱، ح ۲۷.

۶- محاسن، ص ۶۱۰، ح ۱۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۸.

۷- کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۱.

## مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه

### ساختن بنای اضافه بر نیاز

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ساختن هر بنایی که اضافه بر مقدار نیاز باشد، در قیامت وبال صاحب آن خواهد بود». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس اضافه بر نیاز، ساختمانی بسازد در روز قیامت مکلف می شود که اضافه را بر دوش بگیرد». (۲)

### مجازات کسب پول حرام

۱. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از غیر راه حلال مالی به دست آورد، خداوند بناسازی و خاک و آب را بر او مسلط می گرداند، تا آن مال حرام را در آنجا تباه کند». (۳)

۲. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بر روی زمین مکان هایی قرار داده که آن را «مرحومات» می نامند. خدا دوست می دارد نامش را در آن مکان ها ببرند و او را بخوانند تا دعایشان را اجابت کند. و مکان هایی قرار داده که آن را «منتقمات» می نامند و کسی که مالی از غیر راه حلال کسب کند،

۱- محاسن، ص ۶۰۸، ح ۳؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۷.

۲- محاسن، ص ۶۰۸، ح ۴.

۳- محاسن، ص ۶۰۸، ح ۱؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۲.

خداوند قطعه ای از آن مکان ها را بر او مسلط می گرداند تا آن مال حرام را در آنجا هزینه کند». (۱)

### بناهای گران قیمت و خانه های ریایی

۱. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام از در خانه شخصی عبور کرد که خانه اش از مصالح گران قیمت ساخته شده بود. پرسید: «این خانه کیست؟» گفتند: از فلان مرد مغرور است. سپس به در خانه دیگری رسید که (آن نیز) با مصالح گران قیمت ساخته شده بود. فرمود: «این خانه از مغرور غافل دیگری است». (۲)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای ریا و خودنمایی خانه ای بسازد که مردم آن را ببینند و در مورد آن گفت و گو کنند، در روز قیامت آن خانه را تا هفت طبقه از زمین تبدیل به آتش افروخته ای می کنند و بر گردن او می افکنند، سپس او را به جهنم می برند. و هیچ چیز او را از خشم و قهر جهنم حفظ نمی کند، مگر اینکه در دنیا توبه کرده باشد. پرسیدند: ساختن خانه برای ریا یعنی چه؟ فرمود: اضافه بر نیاز خانه بسازد تا با آن بر همسایگانش غالب شود و بر برادران دینی اش فخر و مباهات کند». (۳)

### ساختن سقف های بلند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند فرشته ای را مأمور کرده است که هر کس سقف خانه اش را بیشتر از هشت ذراع (چهارمتر) بسازد، به او بگوید: ای فاسق، تا کجا می خواهی بروی». (۴) و در روایت دیگری آمده

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۵.

۲- محاسن، ص ۶۰۸، ح ۲.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۲۸.

۴- محاسن، ص ۶۰۸، ح ۶؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۸، ح ۱.

است: «ای فاسق ترین فاسقان تا کجا می خواهی بروی». (۱)

۲. در چندین روایت معتبر آمده است: «هر که سقف خانه اش را اضافه بر هشت ذراع کند، جنیان و شیاطین در آن خانه جا خوش می کنند». (۲)

۳. در روایات می خوانیم که: «هر کس ارتفاع خانه اش بیش از هشت ذراع باشد، بر سر هشت ذراع، آیه الکرسی بنویسد». (۳)

(انتخاب چهار متر برای سقف هر اتاق برای این است که در آن زمان ارتفاع بیش از آن، نشانه زندگی اشرافی بوده است).

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که ابو خدیجه می گوید: در منزل امام صادق علیه السلام دیدم که بر دور حجره و در سمت قبله نمازخانه آن حضرت، آیه الکرسی نوشته شده بود. (۴)

## مجسمه سازی و کشیدن نقاشی

### اشاره

(مقدمه: ساختن مجسمه حیواناتی که روح دارد، طبق نظر مشهور علما، حرام است و نقاشی کردن چنین حیواناتی بر دیوارها و لباس ها کراهت دارد و بعضی معتقد به حرمت آن شده اند. و احتیاط آن است که طلاکاری نکنند و مطلقاً نقاشی نکنند، حتی نقاشی درخت و امثال آن، مخصوصاً نقاشی صورت کامل انسان. و اگر مجسمه ای ساخته اند بهتر است آن را ناقص کنند؛ مثل اینکه چشمش را کور کنند، یا عضوی از اعضایش را محو نمایند.

۱- محاسن، ص ۶۰۸، ح ۷.

۲- محاسن، ص ۶۰۹، ح ۹ و ۱۰.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۲۹، ح ۴ و ۷.

۴- محاسن، ص ۶۰۹، ح ۱۳.

## مجسمه سازی

۱. در احادیث معتبر آمده است: «هر کس مجسمه ای بسازد، در قیامت او را عذاب می کنند که به آن مجسمه روح بدمد و قادر بر این کار نخواهد بود». (۱)
۲. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «در خانه ای که مجسمه ای در برابر تو باشد نماز نخوان، مگر اینکه چاره ای نباشد که در این صورت سر آن مجسمه را قطع کن و نماز بگزار». (۲)

## نقاشی های ممنوع

۱. در حدیث است که جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: «ای محمد، پروردگارت سلام می رساند و تو را از کشیدن تصویر در خانه نهی می کند». (۳)
۲. در احادیث معتبر می خوانیم که: «جبرئیل گفت: ما فرشتگان به خانه ای که در آن سگ یا تصویر ذی روح، یا ظرفی که در آن بول کرده اند باشد، داخل نمی شویم». (۴)

## نقاشی های مجاز

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که از امام صادق علیه السلام در مورد بالش و فرشی که در آن تصویر باشد پرسیدند؟ حضرت فرمود: «تصویری که پامال شود و روی آن بنشینند یا راه روند، اشکالی ندارد که در خانه باشد». (۵)
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر سر نقاشی و تصویر را

- ۱- محاسن، ص ۶۱۵، ح ۴۲ و ص ۶۱۶، ح ۴۳ و ۴۴؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۸، ح ۱۰.
- ۲- محاسن، ص ۶۲۰، ح ۵۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، ح ۹.
- ۳- محاسن، ص ۶۱۴، ح ۳۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۱.
- ۴- محاسن، ص ۶۱۵، ح ۳۹؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۸، ح ۱۲.
- ۵- کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، ح ۶.



تغییر دهند و سایر بدنش به حال خود باشد، مانعی ندارد که در خانه باشد». (۱)

۳. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام در مورد نقاشی درخت و آفتاب و ماه پرسیدند؟ حضرت فرمود: «تصویر موجودات بی روح اشکالی ندارد». (۲)

## آداب فرش کردن خانه

### فرشی که بدان نیاز است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان فرشی برای خود و فرشی برای زوجه و فرشی برای میهمانش نیاز دارد و اضافه بر آن از شیطان است». (۳)

### فرش جهیزیه همسران

۱. در حدیث است که جمعی به خانه امام سجّاد علیه السلام رفته و بالش ها و فرش های نفیسی دیدند. عرض کردند: در خانه شما چیزهایی می بینیم که خوش نداریم در خانه شما باشد. حضرت فرمود: «ما همسرانی می گیریم و مهرشان را می پردازیم، آنچه از برای خود می خرند از ما نیست (بلکه تعلق به خودشان دارد و آنچه می بینید از این قبیل است)». (۴)

۲. در حدیثی دیگر آمده است که شخصی خدمت امام باقر علیه السلام رسید مشاهده کرد آن حضرت در خانه مزینتی نشسته که فرش های زیبایی در آن گسترده اند. روز دیگر خدمت حضرت رسید دید در خانه ای نشسته که جز حصیر چیزی در آن نیست و پیراهنی ساده و گشاد پوشیده است (گفت: از آنچه روز گذشته

۱- محاسن، ص ۶۱۹، ح ۵۶؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، ح ۸.

۲- محاسن، ص ۶۱۹، ح ۵۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۳۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۷۹، ح ۶.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۷۶، ح ۱.

وامروز دیدم متعجب شدم) حضرت فرمود: «آنچه دیروز دیدی خانه من نبود، بلکه متعلق به همسر من بود و دیروز نوبت او بود».

(۱)

## چگونگی فرش

### فرش حضرات معصومین علیهم السلام

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام در فصل تابستان بر روی حصیر و در زمستان بر روی پلاس (۲) می نشست و در خانه لباس گشاد می پوشید،

اما در بیرون خانه و در برابر مردم، آراسته ظاهر می شد. (۳)

۲. در حدیثی معتبر آمده است: هنگامی که حضرت علی علیه السلام با حضرت فاطمه علیها السلام ازدواج کرد روپوش آنها عبا و فرششان پوست گوسفند و بالششان پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند. (۴)

۳. در حدیثی است که در خانه امام زین العابدین علیه السلام بالش ها و نمدهایی

بود که در آن صورت ها و شکل هایی نقش بسته بود و آن حضرت بر روی

آن می نشست. (۵)

### فرش ابریشم و فرش های دارای نقش

۱. در روایتی صحیح می خوانیم که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: آیامی توان بر فرش ابریشمین خوابید و بر آن تکیه زد و نماز خواند؟ حضرت فرمود: «می توانی به زیر پا بیندازی و بر روی آن بایستی، ولی بر روی آن (بدون مهر) سجده نکن». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۷۷، ح ۵.

۲- گلیم، فرش از پشم (که) به رنگ های مختلف می بافند و پرز ندارد (فرهنگ عمید).

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۷.

۴- مکارم الأخلاق، ص ۱۳۱.

۵- کافی، ج ۶، ص ۴۷۷، ح ۴.

۶- کافی، ج ۶، ص ۴۷۷، ح ۸.

۲. در روایتی صحیح آمده است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: استفاده کردن از فرش که تصویر دارد چگونه است؟ فرمود: «عجم‌ها به چنین فرش‌هایی اهمّیت می‌دهند، ولی ما آن را دوست نداریم». (۱)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بسیار اتفاق می‌افتد که به هنگام نماز در جلوی من بالشی وجود دارد که در آن عکس پرندگان به تصویر کشیده شده است، بر روی آن چیزی می‌اندازم و مشغول نماز می‌شوم و چندین فرش از شام برای من هدیه آورده‌اند که عکس پرندگان در آن نقش شده است، دستور دادم سرهای آنها را تغییر داده و به صورت درخت درآوردند». (۲)

۴. در روایتی دیگر می‌خوانیم که از آن حضرت پرسیدند: گاه بالش‌هایی برای ما می‌گذارند که در آن تصویری وجود دارد و ما بر روی آن می‌نشینیم چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: «آنچه را که فرش کرده و بر روی زمین بگسترند و بر روی آن راه می‌روند اشکالی ندارد، اما تصویری که بر دیوار و تخت نصب می‌شود کراهت دارد». (۳)

## آداب عبادت کردن در خانه

### محلّ ویژه عبادت

۱. در روایتی صحیح می‌خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حضرت علی علیه السلام در خانه خود اتاقی داشت که جز فرش و شمشیر و قرآن چیز دیگری در آن نبود و در آن نماز می‌خواند». (۴)

۲. نیز در حدیثی موثق آمده است که فرمود: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۷۷، ح ۷.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۱۳۲.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۸۸ و ۳۲۴.

۴- محاسن، ص ۶۱۲، ح ۲۹.

خانه خود حجره ای قرار داده بود که نه کوچک بود و نه بزرگ و از آن به عنوان نمازخانه استفاده می کرد. شب هنگام (برای اینکه تنها نباشد) طفلی را با خود به آن حجره می برد و در آنجا نماز می خواند». (۱)

۳. در روایتی موثق می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام به مسمع نوشت: «دوست دارم که در خانه ات نمازخانه ای برای خود قرار دهی و دو لباس بلند بپوشی و به نمازخانه ات بروی و از خداوند درخواست کنی که تو را از آتش دوزخ آزاد و وارد بهشت کند. و دعای نامشروع و نفرین بر کسی نکن». (۲)

### فلسفه عبادت در خانه

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خانه های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن را همچون گور نسازید، همان گونه که یهود و نصاری کردند که نماز را در معابدشان خوانده و خانه های خود را معطل می گذاشتند، زیرا در خانه ای که قرآن بسیار تلاوت شود خیر آن بسیار می شود و اهلهش به رفاه و نعمت می رسند و آن خانه به اهل زمین روشنی می دهد». (۳)

۲. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اهل آسمان خانه ای را که مسلمانی در آن قرآن می خواند به یکدیگر نشان می دهند، همان گونه که زمینیان ستارگان آسمان را به یکدیگر نشان می دهند». (۴)

۱- علامه مجلسی در ذیل حدیث مزبور می گوید: «از آنجا که مستحب است انسان در خانه تنها نباشد (اگرچه در حال نماز باشد)، حضرت کسی را همراه خود به آن اتاق می برد. و علت آنکه کودک به همراه می برد این بوده که حمل بر ریا نشود؛ چون ممکن است با بودن افراد بزرگ تر چنین حالتی به وجود آید؛ البته در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام چنین چیزی متصور نیست، ولی برای دیگران تذکر محسوب می شود». محاسن، ص ۶۱۲، ح ۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۶.

۲- محاسن، ص ۶۱۲، ح ۳۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۲.

۳. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برکت خانه ای که در آن قرآن خوانده و خداوند یاد شود، بسیار زیاد می گردد. و فرشتگان در چنین خانه ای حاضر و شیاطین از آن دور می شوند. و چنین خانه ای به آسمانیان روشنایی می دهد، همان گونه که ستارگان آسمان به زمینیان روشنی می دهند. و برکت خانه ای که در آن قرآن نخوانند و خداوند یاد نشود، کم شده و فرشتگان از آن دوری کرده و شیاطین در آن خانه حاضر می شوند». (۱)

## نگهداری حیوانات در خانه

### فضیلت نگهداری کبوتر

۱. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کبوتر از مرغان پیامبران است». (۲)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «کبوتران حرم، نسل چند کبوترند که حضرت اسماعیل علیه السلام نگهداری می کرد و با آنها انس می گرفت». (۳) بنابراین، مستحب است

چند کبوتری که بالشان چیده باشد در خانه نگاه دارید و به آنها انس بگیرید.

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک جفت کبوتر سرخ در خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود». (۴)

۴. در حدیث است که شخصی به نام عبدالکریم می گوید: به خانه امام کاظم علیه السلام رفتم، در آنجا سه کبوتر سبز دیدم. عرض کردم اینها خانه را کثیف می کنند. فرمود: «نگاه داشتن اینها در خانه مستحب است». (۵)

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۳.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۴۶، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۴۶، ح ۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۴۸، ح ۱۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۴۸، ح ۱۵.

۵. در حدیثی دیگر می‌خوانیم که راوی گفت آن حضرت را دیدم که برای چند کبوتری که در خانه اش بود نان خرد می‌کرد. (۱)

۶. در حدیث است که محمّد بن کرامه می‌گوید: یک جفت کبوتر در خانه امام کاظم علیه السلام دیدم. کبوتر نر سبزرنگ بود و نقطه‌های سفید داشت و کبوتر ماده سیاه‌رنگ بود و حضرت برای آنها نان خرد می‌کرد. حضرت فرمود: «اینها در شب حرکت کرده و مونس من اند». (۲)

### فواید نگهداری کبوتر

۱. در چندین روایت آمده است که: کبوتران خانگی یا کبوتران یاهو (۳)، بسیار

یاد خدا می‌کنند و اهل بیت را دوست می‌دارند و دعا می‌کنند که خداوند صاحب خانه را برکت دهد. (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در خانه کبوتر نگاه دارید که دوست داشتنی و دعا کرده حضرت نوح علیه السلام است و هیچ چیز در خانه مانند کبوتر باعث اُنس نمی‌شود». (۵)

۴. در حدیث است که شخصی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله از تنهایی شکایت کرد. حضرت فرمود: «یک جفت کبوتر در خانه نگهداری کن». (۶)

۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر بالی که کبوتر می‌زند باعث نفرت و گریختن شیاطین می‌شود». (۷)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۴۸، ح ۱۴.

۲- طبّ الأئمه، ص ۱۱۱.

۳- «کبوتر یاهو» نوعی از کبوتر است که صدای یاهو می‌دهد (فرهنگ متوسط دهخدا).

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۵۰، باب الورشان.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۴۶، ح ۷.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۴۶، ح ۶.

۷- کافی، ج ۶، ص ۵۴۷، ح ۹.

۶. در چندین حدیث می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کبوتر را که به جای دور می فرستند تا سبی فرسخ پرواز می کند و از روی دانایی برمی گردد. و مسافتی را که بیش از این می رود از روی دانایی و معرفت نیست، بلکه برای یافتن غذا می آید». (۱)

(البته باید توجه داشت که نگهداری کبوتر در خانه به معنای کبوتربازی نیست و مرحوم صاحب جواهر در کتاب مشهور فقهی خود نگهداری کبوتر را سه گونه می شمارد: اول نگهداری برای اُنس که می فرماید جایز است. دوم نگهداری برای فال نیک و بد زدن که این کار را مکروه می داند. سوم نگهداری به منظور برد و باخت و می گوید این کار حرام است). (۲)

### نگهداری خروس

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به خروس ناسزا نگویند که مردم را برای نماز بیدار می کند». (۳)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فریاد خروس نماز اوست و بال زدنش، رکوع و سجود». (۴)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خروس سفید یار من و یاور هر مؤمنی است». (۵)

(چون از وقت نماز خبر می دهد).

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۴۹، باب ارسال الطیر، ح ۱ و ۲.

۲- جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۵.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۵.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۵۰، ح ۶.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۵۰، ح ۴.

## اهمیت دامداری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوسفند نگه دارید و شتر نگه ندارید». (۱)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «گوسفند خوب

مالی است». (۲)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر خانواده ای که یک گوسفند نگهداری کند خداوند روزی آن گوسفند را به آنها می دهد و روزی اهل خانه را زیاد کند و فقر، یک منزل از ایشان دور شود. و اگر دو گوسفند نگهداری کند خداوند روزی آنها را برساند و روزی اهل خانواده را زیاد کند و پریشانی، دو منزل از ایشان دور شود. و اگر سه گوسفند نگهداری کند خداوند روزی گوسفندان را برساند و روزی اهل خانه را زیاد کند و فقر و پریشانی آنها از ریشه برطرف گردد». (۳)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر خانواده ای که گوسفند شیردهی داشته باشد، هر روز فرشتگان دو بار به آنها گویند: خدا شما را برکت دهد». (۴)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند سه برکت فرستاده است: آب و آتش و گوسفند». (۵)

۶. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر خانواده ای که در

۱- محاسن، ص ۶۴۰، ح ۱۵۰؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۱.

۲- محاسن، ص ۶۴۰، ح ۱۴۹؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۲.

۳- محاسن، ص ۶۴۱، ح ۱۵۴؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۴.

۴- محاسن، ص ۶۴۳، ح ۱۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۵.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۴۵، ح ۸.



هر شب سی گوسفند نزد آنها باشد، ملائکه تا صبح از آنها نگهداری می کنند». (۱)

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که گوسفندی را نگاه می دارید خوابگاهشان را پاکیزه و خاک از نشان پاک کنید». (۲)

۸. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که در خانه اش یک بز شیرده داشته باشد، هر روز فرشته ای صبح هنگام او را این گونه دعا کند: «پاک و مطهر باشید، خداوند به شما برکت دهد. احوال شما و نانوخورش شما نیکو باد» و اگر دو بز شیرده داشته باشد، هر روز آن فرشته آن دعا را تکرار می کند». (۳)

۹. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عمّه خود فرمود: «چرا در خانه ات برکتی نگهداری نمی کنی؟» عرض کرد: ای رسول خدا، برکت کدام است؟ فرمود: «گوسفندی که شیر دهد». سپس فرمود: «هر کس در خانه اش گوسفند شیرده، یا بز شیرده، یا گاو شیرده داشته باشد، باعث برکت خانه او می شود». (۴)

## نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر

### پرندگان

#### فاخته

#### فاخته (۵)

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که: فاخته ای در خانه امام باقر علیه السلام بود. روزی

۱- محاسن، ص ۶۴۳، ح ۱۶۱؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۵، ح ۹.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۳.

۳- محاسن، ص ۶۴۰، ح ۱۵۲؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۶.

۴- محاسن، ص ۶۴۱، ح ۱۵۵؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۵، ح ۷.

۵- «فاخته» پرنده ای است خاکی رنگ شبیه کبوتر، کمی کوچک تر از آن. دور گردنش طوقی سیاه دارد، در عربی نیز فاخته (به کسر خا) گفته می شود (فرهنگ عمید).

آن حضرت شنید که آن پرنده چیزی می خواند. فرمود: «می دانید چه می گوید؟» گفتند: نه. فرمود: «می گوید: فَقَدْ تُكْمُ فَقَدْ تُكْمُ؛ نیست شوید، نابود شوید». سپس فرمود: «ما آن را دور می کنیم پیش از آنکه او ما را دور کند». (۱)

۲. در حدیث است که روزی امام صادق علیه السلام به خانه پسرش اسماعیل رفت، مشاهده کرد که فاخته ای در قفس کرده و آن حیوان می خواند. حضرت به فرزندش فرمود: «فرزندم، چه چیز باعث شده است که این فاخته را نگهداری کنی؟ مگر نمی دانی که این حیوان صاحب خانه را نفرین می کند؟» (۲) (شاید این

حیوان منشأ بیماری هایی است که آمدن آن در داخل زندگی انسان خطرآفرین باشد).

### پرستو، زنبور عسل، کرکس، قورباغه

۱. در حدیثی معتبر آمده است که: روزی حضرت صادق علیه السلام در جایی نشسته بود. شخصی از آنجا عبور کرد در حالی که پرستوی کشته ای در دست داشت. حضرت برخاست و آن حیوان را از دست او گرفت و بر زمین زد و فرمود: «آیا عالم شما دستور ذبح این حیوان را داده، یا فقیه شما چنین سفارشی کرده است؟ پدرم از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که از کشتن شش حیوان نهی کرد: زنبور

عسل، مورچه، قورباغه، هدهد، صرد، پرستو. اما زنبور عسل، از آن رو که پاکیزه می خورد و پاکیزه دفع می کند و این چیزی است که خداوند به او وحی کرده که نه از جن است و نه از انس، آنجا که فرماید: (وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ) (۳) واما

مورچه، زیرا در زمان حضرت سلیمان علیه السلام قحطی شد، آن حضرت همراه یارانش

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۵۱، ح ۱.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۵۱، ح ۲.

۳- ترجمه: «و پروردگار تو به زنبور عسل وحی (والهام غریزی) کرد». سوره نحل، آیه ۶۸.

برای طلب باران به خارج شهر رفتند. ناگاه آن حضرت مورچه ای را دید که بر روی پاهای خود ایستاده و دستانش را به سمت آسمان بلند کرده و می گوید: «پروردگارا، ما از جمله مخلوقات تو هستیم و از روزی تو بی نیاز نیستیم، پس به ما روزی بده و ما را به گناهان بی خردان از فرزندان آدم مجازات نکن!» حضرت سلیمان علیه السلام با مشاهده این صحنه به اصحابش گفت: باز گردید که خداوند به سبب دعای دیگران (مورچه) باران می فرستد. و اما قورباغه، هنگامی که نمرود برای سوزاندن حضرت ابراهیم علیه السلام آتش افروخت، حیوانات زمین از خداوند اجازه خواستند که آب بر آتش بریزند. خداوند متعال به هیچ یک از آنان جز یک سوم شان چنین رخصتی نداد که در نتیجه دوسوم از آنها بر اثر آتش سوخته و یک سوم شان باقی ماند. و اما هدده، از آن رو که دلیل و راهنمای حضرت سلیمان علیه السلام به سوی بلقیس بود. و اما صرد (مرغی که سری بزرگ دارد و گنجشک شکار می کند) از آن رو که راهنمای حضرت آدم علیه السلام از بلاد «سراندیب» تا «جدّه» بود. و اما پرستو، زیرا... و ذکر تسبیحش سوره حمد است...» (۱).

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حرمت پرستو را نگاه دارید که بیش از دیگر پرندگان با انسان انس می گیرد و ذکرش سوره حمد است.» (۲).

### هدهد و چکاوک

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در هر بال هدهد به زبان سریانی نوشته شده است: آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ خاندان محمد، بهترین مخلوقات خدا هستند.» (۳).

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۶۵، ح ۲۰.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۲۴، ح ۱.

۲. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن هدهد پرسیده شد؟ فرمود: «آزارش نرسان و آن را ذبح نکن که مرغ نیکویی است». (۱)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «گوشت چکاوک را نخورید و به آن دشنام ندهید و آن را به کودکان ندهید تا با آن بازی کنند، زیرا بسیار تسیح خدا می گوید و تسیحش چنین است: لَعْنُ اللَّهِ مُبْغِضِي آلِ مُحَمَّدٍ». (۲)

### طاووس

۱. در حدیث است که در محضر امام رضا علیه السلام سخن از حُسن طاووس به میان آمد. حضرت فرمود: «حُسن هیچ حیوانی بهتر از خروس سفید نیست، چرا که خروس سفید آوازش خوش تر و برکتش بیشتر و تو را بر وقت نمازها آگاه می کند...». (۳)

۲. در حدیث است که طاووس یمانی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت از او پرسید: «طاووس یمانی تو هستی؟» عرض کرد: آری. فرمود: «طاووس

مرغ شومی است، وارد بر هیچ جمعیتی نمی شود، مگر اینکه آنها را

آواره می کند». (۴)

### گنجشک

۱. در حدیث است که سالم خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید. هنگامی که نشست جمعی از گنجشک ها صدا کردند. حضرت فرمود: «می دانی چه می گویند؟» عرض کرد: نه. فرمود: «می گویند: خداوندا، ما مخلوقاتی از

۱- قرب الإسناد، ص ۲۲۵، ح ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷.

۲- ترجمه: «خداوند دشمنان آل محمد را از رحمت خود دور کند». کافی، ج ۶، ص ۲۲۵، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۵۰، ح ۳.

۴- تنبیه الخواطر، ص ۱۵.

آفریده های تو و محتاج روزی تو هستیم، غذا و آب ما را برسان». (۱)

۲. در حدیثی دیگر می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام سخنانشان را چنین تفسیر کرد: «آنها تسبیح پروردگار می گویند و روزیشان را از خدا طلب می کنند». (۲)

### وقت شکار پرندگان

در چندین حدیث آمده است که جوجه پرندگان را (قبل از فراگیری پرواز) شکار نکنید، بلکه اجازه دهید پرواز کنند سپس شکار نمایید. و شب برای شکار به آشیانه مرغان نروید که آنها شب در امانند. (۳)

### کشتن، آتش زدن و شکنجه حیوانات

۱. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مورچه سؤال کردند. حضرت فرمود: «آن را نکشید، مگر اینکه باعث آزار

شما شود». (۴)

۲. در حدیثی است که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مار پرسیدند. حضرت به نقل از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مار را برای این نکشد که کشتن آن گناه است از من نیست، اما اگر برای این نکشد که حیوانی است که به وی آزاری نرسانیده اشکالی ندارد». (۵)

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مار (خطرناکی) را

۱- بصائر الدرجات، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

۲- الإختصاص، ص ۲۹۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۲ و ۳.

۴- قرب الإسناد، ص ۲۲۵، ح ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷.

۵- معانی الأخبار، ص ۱۷۳.

بکشد گویی کافر (حربی) را کشته است». (۱)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از کشتن پنج حیوان (۲) نهی کرد: صُرْد (کرکس) (۳) و صَوَام، هدهد، زنبور، مورچه، قورباغه و دستور کشتن چند حیوان را صادر کرد: ... مار، عقرب، سگ درنده». (۴)

۵. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه حیوانی را به آتش بسوزانند. (۵)

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال زنی را به جرم اینکه گربه ای را بسته بود تا از تشنگی مرد، عذاب کرد». (۶)

### نگهداری سگ در خانه

#### کراهت و مجازات نگهداری سگ

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مکروه است مسلمان در خانه اش سگ نگه دارد». (۷) (مگر در مواردی که خواهد آمد).

۲. نیز در روایتی موثق فرمود: «هر کس در خانه اش سگ نگه دارد، هر روز مقداری از ثواب اعمالش کاسته می شود». (۸)

۱- الجعفریات، ص ۲۴۵.

۲- قابل ذکر اینکه از کلام دمیری و بیشتر علمای لغت استفاده می شود که «صُرْد» و «صوام» یک حیوان است که به ضمیمه چهار حیوان دیگر، پنج حیوان محسوب می شوند. (بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۶۴، ح ۱۹).

۳- «صُرْد» مرغی است بزرگ سر که گنجشک شکار می کند و به آن شیرگنجشک نیز می گویند (فرهنگ عمید).

۴- خصال، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۶۴، ح ۱۹.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۵.

۶- ثواب الأعمال، ص ۳۲۷، ح ۶.

۷- کافی، ج ۶، ص ۵۵۲، ح ۱.

۸- کافی، ج ۶، ص ۵۵۲، ح ۲.

## موارد مجاز نگهداری سگ

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عدّه ای که خانه هایشان از شهر دور بود اجازه داد (که برای حفاظت) سگ نگاه دارند. (۱)
۲. در روایتی صحیح می خوانیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خیری در (نگهداری) سگ ها نیست، مگر سگ شکاری یا سگ گله (وسگ پاسبان)». (۲)
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سگ شکاری را در خانه نگهداری نکن، مگر اینکه بین تو و آن دری باشد که بر روی سگ بسته شود». (۳)
۴. در حدیثی موثق و معتبر آمده است که: حیوانات را به جنگ همدیگر انداختن کار خوبی نیست، مگر سگی که برای شکار حیوانات بفرستند. (۴)
۵. در چندین روایت معتبر آمده است که: هرگاه حیوانی را سگ شکاری تعلیم دیده شکار کند، اگر هنگامی به آن بررسی که هنوز جان در بدن دارد آن را ذبح کن و اگر جان نداشته باشد حلال است؛ مشروط بر اینکه به هنگام فرستادن سگ به سوی شکار، بسم الله گفته باشی و آنچه را حیوانات دیگر یا سگی که برای شکار تعلیم داده نشده شکار کنند، اگر زمانی به آن بررسی که هنوز جان دارد و آن را ذبح کنی حلال است؛ در غیر این صورت حرام است و هر حیوانی را که با تیر (پیکان دار یا بی پیکان) شکار کنی به گونه ای که تیر در بدنش فرو رود، چنانچه هنگامی به او بررسی که جان داشته باشد آن را ذبح کن و اگر جان داده باشد در صورتی که به هنگام انداختن تیر، نام خدا را برده باشی حلال است. و اگر با شمشیر و نیزه و سلاح های دیگر (از این قبیل) شکار کرده باشی همین حکم را دارد. و چنانچه با سنگ یا تفنگ یا کمان یا گلوله و سایر چیزهایی که از

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۵۲، ح ۲.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۵۳، ح ۱۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۵۲، ح ۴.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۵۲، ح ۵.

جنس آهن نیست و شکار بر اثر سنگینی آن چیز از پا بیفتد، چنانچه زمانی به آن بررسی که جان داشته باشد و آن را ذبح کنی حلال است و گرنه حرام است». (۱)

### چیزهایی که حیوانات می فهمند و ما نمی فهمیم

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از پی شکار نروید که بیم ضرر برای شما می رود و هنگامی که صدای سگ و فریاد الاغ را می شنوید از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببرید، زیرا آنها چیزی می بینند که شما نمی بینید». (۲)

### آداب خانه خریدن

#### ولیمه خریدن و ساختن خانه

۱. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس خانه بخرد، مستحب است ولیمه و میهمانی دهد». (۳)

۲. نیز در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هر کس خانه ای بسازد، گوسفندی چاق قربانی کند و گوشتش را به مردم فقیر نیازمند اطعام کند، سپس این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ أَذِحْ عَنِّي مَرَدَةَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَبَارِكْ لِي فِي بِنَائِي** (۴)، آنچه را بخواهد خداوند به او می دهد». (۵)

### آداب چراغ افروختن

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز است که

۱- کافی، ج ۶، ص ۲۰۳، ح ۴ و ۵ و ص ۲۰۵، ح ۱۴.

۲- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۲ و ۵۸۳، باب ۳۸۵، ح ۲۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۲۸۱، ح ۳.

۴- ترجمه: «بار خدایا، دیوان متمرد و آدمیان نافرمان و شیاطین (رانده شده) را از من دور ساز و این خانه را بر من مبارک گردان».

۵- ثواب الأعمال، ص ۲۲۱.



کسی از آن نفعی نمی برد و تباہ می شود، یکی از آنها روشن کردن چراغ (به هنگام روشنی هوا) در ماهتاب است». (۱)

۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج چیز تباہ می شود: چراغی که هنگام آفتاب روشن کنند نور آن ضایع شده و از روشنایی اش بهره ای برده نمی شود، بارانی که بر زمین شوره زار بیارد تباہ شده و از آن نفعی برده نمی شود، غذایی که تهیه کننده آن خود را به زحمت بیندازد و آن را به کسی دهد که سیر باشد و از آن استفاده نکند، زن زیبا و خوشرویی که عروسش کند و نزد شوهر عین ببرند، نیکی به شخصی که شکر نکند». (۲)

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روشن کردن چراغ (اندکی) پیش از غروب آفتاب، پریشانی را برطرف و روزی را فراوان می کند». (۳)

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «وارد شدن به خانه تاریک کراهت دارد، مگر اینکه چراغی یا آتشی افروخته باشند». (۴)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که چراغی به داخل خانه می آورند این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوْرًا نَمْسِيْ بِهٖ فِى النَّاسِ

وَلَا تَحْرِمْنا نُوْرَكَ يَوْمَ نَلْقَاكَ وَاجْعَلْ لَنَا نُوْرًا، اِنَّكَ نُورٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ (۵) و هنگامی که

چراغ را خاموش کند بگوید: اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ». (۶)

۱- خصال، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۱۰.

۲- امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۳.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۳۴، ح ۶.

۵- ترجمه: «بار خدایا، برای ما نوری قرار ده که با آن در بین مردم رفت و آمد کنیم (و دوست را از دشمنبشناسیم) و در روزی که تو را ملاقات می کنیم از نور خود ما را محروم نکن و از برای ما (در آن روز) نوری قرار ده، زیرا تو نوری و معبودی جز تو نیست».

۶- ترجمه: «خدایا، ما را از تاریکی ها به سوی نور هدایت کن». مکارم الأخلاق، ص ۲۸۸.

## سایر آداب خانه

## مکروهات

## سکونت در خانه بی در و پرده

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خوابیدن در اتاقی که در و پرده ندارد مکروه است». (۱)

## تنها خوابیدن

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس بر روی قبری ادرار یا مدفوع کند، یا ایستاده ادرار کند، یا در خانه تنها بخوابد، یا با دست آلوده به غذا بخوابد، شیطان بر او مسلط شود و عقلش را بگیرد». (۲)

۲. در حدیثی دیگر می خوانیم که آن حضرت از شخصی پرسید: «در کجا ساکن شده ای؟» گفت: در فلان مکان. فرمود: «آیا در آنجا کسی با تو هست؟» گفت: نه. فرمود: «در آن خانه تنها نباش و از آنجا به خانه دیگر برو که شیطان هیچ گاه مانند وقتی که انسان در خانه تنهاست بر وی جرأت ندارد». (۳)

## نگهداری خاکروبه و دستمال آلوده در خانه

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خاکروبه خانه را شب در خانه نگذارید و بیرون بگذارید که شیطان در آن جای می گیرد». (۴)

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «دستمال گوشت را شب در خانه نگذارید که آن خوابگاه شیطان است. و خاکروبه را در پشت در

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۳۳، ح ۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۳۳، ح ۲.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۳۴، ح ۸.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۶.

خانه جمع نکنید که آن لانه شیطان است. وهنگامی که به در اتاق می رسید بسم الله بگویید که شیطان می گریزد و هرگاه وارد اتاق شوید سلام کنید که برکت نازل می شود و ملائکه انس می گیرند». (۱)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خاکروبه را شب در خانه نگذارید و روز بیرون ببرید که لانه شیطان است». (۲)

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «دستمالی که با آن دستانتان را پاک کرده اید و آلوده به غذا و چربی است، شب نشسته در خانه نگذارید که خوابگاه شیطان است». (۳)

### نگاه کردن به خانه همسایه

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه کسی به خانه همسایه خود نگاه کند. (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند شش خصلت را برای من نخواست و من آنها را برای امامان از فرزندانم و شیعیانشان نمی خواهم: بازی کردن با دست و ریش و لباس در حال نماز، دشنام دادن (به ویژه با زبان روزه)، منت گذاشتن بعد از صدقه دادن، رفتن به مسجد در حالت جنابت، خندیدن در قبرستان، نگاه کردن از پشت بام به خانه های مردم». (۵)

۳. نیز در حدیثی صحیح می خوانیم که: روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در اتاق یکی از همسرانش بود که شخصی از سوراخ در به آن اتاق نگاه کرد. حضرت فرمود: «اگر نزدیک بودم به چشمت آسیب می رساندم». (۶)

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۲، ح ۲۳.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۸.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۹.

۵- محاسن، ص ۱۰، ح ۳۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۵۷۵.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷۴، ح ۲۲۶.

## مستحبات خانه داری

### جاروب کردن

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جاروب کردن خانه پریشانی را برطرف می کند». (۱)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن ظرف ها و جارو کردن خانه ها (اعم از اتاق ها و حیاط) روزی را زیاد می کند». (۲)
۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حیاط خانه های خود را جاروب کنید و شبیه برخی بیگانگان از اسلام نشوید که جاروب نمی کنند». (۳)

### پاک کردن تار عنکبوت ها

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه های خود را از تار عنکبوت پاک کنید که باقی ماندن آن در خانه باعث فقر و پریشانی می شود». (۴)
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «تارهای عنکبوت و ماندن خاکروبه در خانه باعث فقر و پریشانی می شود». (۵)
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خانه شیطان در خانه های شما جایی است که عنکبوت می تند». (۶)

### بستن در ظرف آب و غذا و حفاظت از کودکان و چهارپایان

۱. در حدیثی موثق می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «در ظرف های آب

۱- محاسن، ص ۶۲۴، ح ۷۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۸.

۲- خصال، ج ۱، ص ۹۳، ح ۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۴۰۴، ح ۱.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۵.

۴- محاسن، ص ۶۲۴، ح ۷۸.

۵- خصال، ج ۲، ص ۲۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۶، ح ۶.

۶- کافی، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۱.

و غذا و در خانه ها را ببندید که شیطان در بسته و ظرف سر بسته را نمی گشاید». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «ظرف های خود را بدون سرپوش نگذارید، زیرا شیطان در ظرف بی سرپوش آب دهان می اندازد و از آنچه در آن است می خورد». (۲)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از چهار پایان، اطفال و یاران خود پس از غروب آفتاب تا هنگام خوابیدن محافظت کنید که در این اوقات شیاطین بر آنها مسلط می شوند». (۳)

## آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه

### آداب وارد شدن به خانه

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که انسان می خواهد وارد خانه اش شود بر اهل خانه سلام کند. و اگر خانواده ای ندارد بگوید: السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا وَهَنگام وارد شدن به خانه سوره توحید بخواند که فقر و پریشانی را برطرف می کند. (۴) و هرگاه بخواهد به دنبال کار (مهمی) برود

روز پنجشنبه را انتخاب کند و آیات سوره آل عمران از (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (۵) تا (إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ) (۶) و همچنین آیه الكرسي و سوره انا أنزلناه

و سوره حمد را بخواند». (۷)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام وارد شدن به خانه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ،

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۲.

۲- محاسن، ص ۵۸۴، ح ۷۵.

۳- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۲، ح ۲۱.

۴- خصال، ج ۲، ص ۴۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۶۶، ح ۱.

۵- سوره آل عمران، آیه ۱۹۰.

۶- سوره آل عمران، آیه ۱۹۴.

۷- خصال، ج ۲، ص ۴۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۶۶، ح ۱.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ (۱)، سپس

بر اهل خانه سلام کند و اگر کسی در خانه نباشد، پس از این دعا بگویند: السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَي الْأَيْمَةِ الْهَادِيينَ الْمَهْدِيينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَي عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ (۲).

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَي اللَّهِ (۳)، سپس هر یک از سوره های

حمد و توحید و ناس و فلق و آیه الکرسی را از جانب جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین بخواند». (۴)

### دعای هنگام بیرون رفتن از خانه

۱. در حدیث است که هرگاه امام باقر علیه السلام از خانه خارج می شد چنین دعا می کرد: «بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَعَلَي اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (۵)

۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام به هنگام بیرون رفتن از خانه چنین دعا می کرد: «اللَّهُمَّ بِحَبْلِ جَبْرَائِيلَ وَأَمْرٍ مِنْكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَارْزُقْنِي فَوْزَهُ وَفَتْحَهُ وَنَصْرَهُ وَطَهْرَهُ وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ. بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

۱- ترجمه: «به نام خدا به (ذات پاک) خدا (شروع می کنم). شهادت می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد و شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست».

۲- ترجمه: «سلام بر محمد بن عبدالله، خاتم پیامبران، سلام بر امامان هدایت شده هدایت کننده، سلام بر ماویندگان صالح و شایسته خدا». مکارم الأخلاق، ص ۳۴۵.

۳- ترجمه: «به نام خدا به (ذات پاک) خدا (شروع می کنم). هیچ پناهگاه و قدرتی جز از سوی خداوند نیست. بر خدا توکل می کنم».

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۴۵.

۵- ترجمه: «به نام خداوند خارج شدم و بر خدا توکل کردم، (و) هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه خداوند نیست». کافی، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۱۰.

خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِي فِي خُرُوجِي وَانْفَعْنِي بِهِ». (۱)

۳. در حدیثی دیگر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هنگام بیرون رفتن از خانه این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي رَاغِبًا فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». (۲)

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که پدرم (امام کاظم علیه السلام) از خانه بیرون می آمد این دعا را می خواند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِي وَقُوَّتِي بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ، مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ، فَأَتْتَنِي بِهِ فِي عَافِيهِ». (۳)

### فایده دعا خواندن هنگام بیرون رفتن از خانه

۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی هنگام بیرون رفتن از

۱- ترجمه: «بار خدایا، به کمک تو خارج شدم و در برابر تو تسلیم هستم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل کردم. بار خدایا، این روز را بر من مبارک گردان و پیروزی و گشایش و یاری و پاکی و هدایت و برکتش را روزی ام کنوشر آن و شر آنچه در آن است را از من بازگردان. به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می کنم). خداوند بزرگ تر از آن است که به وصف آید. و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، بیرون آمدم، پس خروج مرا مبارک کن و از این رهگذر سودی عایدم کن». کافی، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۶.

۲- ترجمه: «به نام خدا. بر خدا توکل کردم. آنچه خداوند بخواهد انجام می شود. هیچ پناهگاه و قدرتی نیست مگر به ذات خدا. بار خدایا، خیر آنچه را که برای آن خارج شده ام از تو می خواهم و به تو پناه می برم از شر آنچه به سوی آن خارج شده ام. بار خدایا، فضل و کرم را بر من بگستران و نعمت خود را بر من تمام کن و مرا بر طاعت خود وادار و مرا نسبت به آنچه در نزد تو است راغب گردان و در راهت و بر آیین خود و آیینرسولت ۹ بمیران». محاسن، ص ۳۵۱، ح ۳۸؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۵.

۳- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به حول و قوه الهی خارج شدم، نه به حول و قوه خودم، بلکه به حول و قوه تو ای پروردگار من، در حالی که خواهان روزی تو هستم، آن را با عافیت به من عطا کن». محاسن، ص ۳۵۲، ح ۳۹؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۷.

خانه «بسم الله» بگوید، ملائکه به او می گویند: سلامت ماندی. و هنگامی که «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید، فرشتگان گویند: کارهایت انجام شد. و هرگاه «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» بگوید، ملائکه گویند: از بلاها ننگه داشته شدی». (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه نگین انگشترش را به سمت کف دست برگرداند و در آن نظر کند، سپس سوره انا انزلناه را بخواند و در پایان بگوید: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ (۲) در آن روز چیز ناخوشایندی نبیند». (۳)

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا را بخواند، خداوند گناهانش را بیامرزد و توبه اش را قبول کند و کارهایش را آماده سازد و او را از بدی ها و شرور محافظت نماید: اَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَرُسُلُهُ، مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ، الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ، مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَالْهَوَامِ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا، أُجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ». (۴)

۴. در حدیثی موثق می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا را بخواند، خداوند کارهای دنیا و آخرت او را برآورده سازد: بِسْمِ اللَّهِ. حَشْبِي اللَّهُ. تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا

۱- قرب الإسناد، ص ۲۰۱؛ ثواب الأعمال، ص ۱۹۵.

۲- ترجمه: «به خداوند یکتا که شریکی ندارد ایمان آوردم. به امور پنهان و آشکار آل محمد (نیز) ایمان آوردم».

۳- مکارم الأخلاق، ص ۳۲۵.

۴- ترجمه: «پناه می برم به آنچه که ملائکه و فرستادگان خداوند به آن پناه می برند، از شرّ این روز جدید، هنگامی که خورشید آن غروب کند باز نمی گردد و از شرّ نفسم و از شرّ دیگران و از شرّ شیاطین و از شرّ دشمنان اولیاء الله و از شرّ جنّ و انس و از شرّ درندگان و گزندگان و از شرّ ارتکاب گناهان، از تمام بدی ها به خداوند پناه می برم». محاسن، ص ۳۵۰، ح ۳۴۰؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۱، ح ۴.



وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ». (۱)

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سوره توحید بخواند، پیوسته در حفظ و حمایت پروردگار باشد تا به خانه اش بازگردد». (۲)

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «چنانچه انسان وقت بیرون رفتن از خانه الله اکبر بگوید و پس از آن سه مرتبه بِاللهِ أَخْرُجُ وَبِاللهِ أَدْخُلُ وَعَلَى اللهِ أَتَوَكَّلُ (۳) بگوید،

سپس سه مرتبه این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بِخَيْرٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَقِنِي شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، اِنَّ رَبِّي عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴) پیوسته در حفظ الهی باشد، تا زمانی که او را به مکانی که حرکت کرده بود برگرداند». (۵)

۷. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که از خانه بیرون می روی بگو: بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ، مَا شَاءَ اللهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّهِ». (۶)

### طلب حاجت کردن

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان برای حلّ مشکلی از خانه بیرون می روید در روز خارج شوید، چرا که در شب مشکلات حل نمی شود». (۷)

۱- ترجمه: «به نام خدا. خدا مرا کافی است. بر خدا توکل کردم. بار خدایا، خیر تمام کارهایم را از تو می خواهم او را رسوایی دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می برم». محاسن، ص ۳۵۱، ح ۳۷؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۹، ح ۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۸.

۳- ترجمه: «به کمک خداوند از منزل خارج می شوم و به کمک خداوند به منزل بازمی گردم و بر خداوند توکل می کنم».

۴- ترجمه: «بار خدایا، درهای خیر را در این مسیر به روی من بگشا و آن را ختم به نیکی کن و مرا از شرّ هر جنبنده ای که زمامش به دست تو است حفظ کن. همانا (امر) پروردگارم بر صراط مستقیم است».

۵- کافی، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۱.

۶- ترجمه: «به نام خدا. به خدا ایمان آوردم، بر او توکل کردم، آنچه او بخواهد می شود، هیچ پناهگاه و قدرتی جز از سوی خدا نیست». کافی، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۱۲.

۷- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۶۶.



## فصل سیزدهم: آداب پیاده روی، سواری، تجارت، زراعت

### اشاره

۱. سوار شدن چهارپایان
۲. آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان
۳. آداب زین کردن ولجام زدن
۴. دعاها و آداب سواری
۵. آداب پیاده روی
۶. بهترین اموال
۷. آداب خریداری و نگهداری حیوانات
۸. بخشی از احوالات و اقسام حیوانات
۹. فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن
۱۰. آداب تجارت
۱۱. فضیلت زراعت و درختکاری
۱۲. آداب زراعت و درختکاری



## سوار شدن چهارپایان

(مقدمه: با توجه به اینکه بسیاری از مباحث این فصل در عصر ما مورد نیاز مردم نیست و جز در برخی روستاها کاربرد ندارد، از ذکر تمام روایات آن خودداری کرده و به بیان چند روایت کوتاه در هر مورد بسنده می‌کنیم).

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «داشتن چهارپا (مرکب) راهوار از سعادت انسان است».

(۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سعادت مؤمن آن است که چهارپایی داشته باشد تا برای نیازهای خود و برطرف کردن حوائج مؤمنین از آن بهره‌بردارد».

(۲)

۳. در روایات معتبر آمده است که: خیر و نیکی تا روز قیامت بر پیشانی اسب‌ها نقش بسته است.

(۳)

## آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان

(اشاره: روایات این فصل هر چند در زمان ما مورد نیاز بسیاری از مردم نیست، ولی

۱- محاسن، ص ۶۲۵، ح ۸۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۶، ح ۸.

۲- محاسن، ص ۶۲۶، ح ۸۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۶، ح ۷.

۳- ثواب الأعمال، ص ۲۲۶، ح ۲.

از آن رو که نشان از گستردگی و جامع نگری اسلام و توجه به حقوق حیوانات می دهد، قابل ذکر است).

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چهارپایا (سواری) شش حق بر صاحبش دارد: هنگامی که در جایی فرود می آید نخست به علف دادن به او پردازد، هرگاه در مسیر به آب برسد آب را بر آن عرضه کند تا اگر تشنه است بنوشد، بر سر و صورتش تازیانه نزنند که حیوان ذکر خدا می گوید، به هنگام توقف حیوان بر آن سوار نباشد مگر در جهاد، بیش از توان و قدرتش بر آن بار نکنند، به مقدار توانایی اش از آن کار بکشد». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بر یک چهار پا سه تن با هم سوار نشوند که یکی از آنها ملعون است». (۲)

۳. در احادیث معتبر آمده است که: امام سجّاد علیه السلام با یک شتر بیست بار به حج مشرف شد، ولی یک تازیانه بر آن نزد. (۳)

۴. در احادیث معتبر آمده است که: بر صورت هیچ موجود ذی روح شلاق نزنید که تسبیح پروردگار می گوید و هر چیزی حرمتی دارد و حرمت حیوان در صورت آن است. (۴)

۵. در حدیثی است که ابوذر غفاری می گوید چهارپایان می گویند: خداوندا، مالک نیکویی به ما کرامت فرما که با ما مدارا کند و به ما علف و آب دهد و بر ما تعدی نکند. (۵)

۶. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حیوانات از چهار چیز غافل

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۸۴۱؛ خصال، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۲۵.

۲- محاسن، ص ۶۲۷، ح ۹۵؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۱، ح ۱۹.

۳- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۵.

۴- محاسن، ص ۶۳۳، ح ۱۱۶.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۸۵۴.

نیستند: پروردگار خود را می شناسند، مرگ را می دانند، نر و ماده را می شناسند، چراگاه خوب را بلد هستند». (۱)

## آداب زین کردن و لجام زدن

۱. در احادیث معتبر آمده است: از جمله نشانه های بدی که در آخرالزمان آشکار می شود آن است که زنان بر زین (اسب) سوار می شوند. (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زین برای زنان، مرکب ملعونی است». (۳)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «جایز نیست زنان بر زین سوار شوند، مگر در سفر یا به هنگام ضرورت». (۴)

## دعاها و آداب سواری

### ادعیه هنگام سوار شدن

۱. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی سوار بر مرکبی (چهارپایی) شود و بسم الله بگوید، فرشته ای همسفر پشت سر او سوار شده و او را از خطرهای سفر تا رسیدن به مقصد حفظ می کند. و اگر بسم الله نگوید، شیطان پشت سر او سوار شده و او را به خوانندگی تشویق می کند. و اگر خوانندگی بلد نباشد به وی سفارش می کند آرزوهای باطل محال در سر پیرواند و راننده پیوسته در این آرزوها غوطه ور است تا به مقصد برسد». (۵)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۳۹، ح ۹.

۲- مختصر البصائر، ص ۱۴۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۴۱، ح ۱.

۴- خصال، ج ۲، ص ۳۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۰، ح ۲.

۵- محاسن، ص ۶۳۴، ح ۱۲۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۰، ح ۱۷.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام سوار شدن بگوید: بِسْمِ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ (۱))

سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۲)، تا به مقصد برسد خود و مرکبش

محفوظ بماند». (۳)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس سوار بر مرکب خویش شود و آیه الکرسی بخواند، سپس بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. (۴) خداوند به

فرشتگان خطاب کند: بنده من می داند که گناهانش را کسی غیر از من نمی آمرزد، شاهد باشید که گناهانش را آمرزیدم».

(۵)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام سوار شدن بر چهارپایان به یاد خدا باشید و بگویید: (سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ)». (۶)

## آداب سواری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر راننده لازم است به

۱- ترجمه: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت ها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی یافتیم.» سوره اعراف، آیه ۴۳.

۲- ترجمه: «پاک و منزّه است خدایی که این (مرکب) را مسخر ما ساخت، و گرنه ما توانایی تسخیر آن رانداشتیم؛ و ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم.» سوره زخرف، آیات ۱۳ و ۱۴.

۳- محاسن، ص ۶۲۸، ذیل حدیث ۱۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۰، ذیل حدیث ۱۷.

۴- ترجمه: «طلب مغفرت و آمرزش می کنم از خداوندی که جز او معبود نیست و حی و قیوم است و به سوی او بازمی گردم. بار خدایا، گناهانم را ببخش و بیامرز، چرا که جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد».

۵- محاسن، ص ۳۵۲، ح ۴۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۷۹۵. در هر دو مصدر به جای آیه الکرسی آیه سُخْرَه ذکر شده است.

۶- ترجمه آن در پاورقی حدیث دوم همین فصل گذشت. خصال، ج ۲، ص ۴۲۹، ح ۳۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۲.



هنگام سوار شدن بر مرکب به پیاده هایی که در مسیر او قرار دارند هشدار دهد تا آسیبی به آنها نرسد». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «روزی حضرت علی علیه السلام سوار بر مرکب شد و جمعی پیاده همراه حضرت حرکت کردند. حضرت فرمود: کاری با من دارید؟ گفتند: نه، ولی می خواهیم در رکاب شما باشیم. فرمود: بازگردید که راه رفتن پیاده با سواره باعث غرور سواره و موجب خواری و ذلت پیاده است». (۲)

۳. نیز در روایتی فرمود: «آیا شرم نمی کنید که شما بر روی چهارپای خود خوانندگی کنید و آن حیوان در زیر پای شما تسبیح پروردگار خود را می گوید!». (۳)

## آداب پیاده روی

### چگونه باید راه رفت؟

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «(بسیار) تند راه رفتن ابّهت مؤمن را از بین می برد». (۴)

۲. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بر روی زمین از روی تکبر راه برود، زمین و آنچه بر روی زمین و آنچه در زیر آن است او را نفرین می کنند». (۵)

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه شخصی از مسلمانان به هنگامی که نیازمندی از او تقاضای کمک کند خود را به نشنیدن بزند و از روی تکبر و غرور راه برود، خداوند به عزّت خود سوگند خورده که آنها را به وسیله یکدیگر عذاب کند». (۶)

۱- کافی، ج ۶، ص ۵۴۰، ح ۱۵.

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۴۰، ح ۱۶.

۳- محاسن، ص ۶۲۷، ح ۹۷.

۴- خصال، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۲، ح ۵.

۵- ثواب الأعمال، ص ۳۲۴.

۶- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۲، ح ۷.

## آداب راه رفتن

۱. در حدیثی معتبر آمده است که: حضرت زین العابدین علیه السلام چنان آرام راه می رفت که گویی پرنده ای بر سر آن حضرت نشسته و بیم دارد پرواز کند. و دست راست آن حضرت بر دست چپش سبقت نمی گرفت. (۱)
۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زنان باید در کنار راه حرکت کنند و در وسط جاده راه نروند». (۲)
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «سواره سزاوارتر است در وسط جاده حرکت کند از پیاده و پابرهنه سزاوارتر است در میان راه حرکت کند از کسی که کفش به پا دارد». (۳)
۴. نیز در روایتی فرمود: «هر کس از روی تواضع و فروتنی در سفر و حضر با عصا راه رود، به هر گامی هزار حسنه برایش می نویسند و هزار گناه از وی محو می کنند و هزار درجه بر درجاتش می افزایند». (۴)
۵. در سخنی دیگر فرمود: «عصا به دست گیرید که از سنت های پیامبران است و بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، عصا به دست می گرفتند تا در راه رفتن تکبر نکنند». (۵)
۶. و در گفتاری دیگر فرمود: «عصا به دست گرفتن پریشانی را برطرف و شیطان را دور می کند». (۶)

۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۶۲.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۲۵۹.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۲۵۸.

۴- جامع الأخبار، ص ۱۴۷.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۷۸۸.

۶- جامع الأخبار، ص ۱۴۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۲۲.

### سفارش های جامع امام صادق علیه السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر عاقل هستی به هر مقصدی که می روی نخست نیت خود را درست کن و هدف صحیحی برای حرکت در نظر بگیر و نفس خود را از اهداف نامشروع نهی کن و در مسیر راه، پیوسته در فکر و اندیشه باش و در هر گامی از عجایب خلقت و آفرینش های پروردگار عبرت بگیر و در رفتار خویش تکبر و غرور نداشته باش و از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست چشم پبوش و همواره مشغول ذکر خدا باش، زیرا مکان هایی که در آن ذکر خدا گفته می شود در روز قیامت برای ذکر گوینده شهادت می دهند و تا زمانی که وارد بهشت شود برایش استغفار می کنند. و در راه با مردم سخن نگو که خلاف ادب است و اکثر راه ها کمینگاه شیطان است، پس از مکر او غافل نباش. چنان رفتار کن که رفت و بازگشت تو در راه اطاعت خدا باشد. و رفتار تو برای چیزی باشد که موجب خشنودی خداست، چرا که تمام حرکات تو در نامه عمل تو ثبت می شود». (۱)

### بهترین اموال

۱. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند: بهترین مال کدام است؟ فرمود: زراعتی که انسان به هنگام برداشت محصول، حق خداوند را از آن بپردازد. عرض کردند: پس از زراعت کدام مال بهتر است؟ فرمود: کسی که چند گوسفند داشته باشد و هر جا که آب و علفی بیابد آنها را بچراند و نمازش را بخواند و زکات مالش را بپردازد. عرض شد: بعد از گوسفند کدام مال بهتر است؟ فرمود: گاو که در صبح و شام شیر می دهد. پرسیدند: پس از گاو بهترین مال چیست؟ فرمود: درخت خرما که ریشه در گل فرو برده و در

خشکسالی و کم آبی میوه دهد. سپس فرمود: درخت خرما سرمایه خوبی است و هر کس (بدون ضرورت) آن را بفروشد، پولش همچون خاکستری است که بر سر کوه بلندی در مسیر تندباد رها شده باشد، مگر اینکه به جای آن، درخت خرما را دیگری بخرد. سپس پرسیدند: بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است؟ حضرت سکوت کرد و جوابی نداد. شخص عرض کرد: چرا شتر را نفروم؟ فرمود: شترداری موجب مشقت و سختی و دوری از خانه می شود و هزینه آن سنگین است». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «نه دهم روزی در تجارت و یک دهم آن در نگهداری گوسفندان است». (۲)

### آداب خریداری و نگهداری حیوانات

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خریدن حیوانات این دعا را بخوانید: اَللّٰهُمَّ قَدِّرْ لِيْ اَطْوَلَ هُنَّ حَيَاةً وَاكْثَرُهُنَّ مَنَفَعَةً وَاخَيْرُهُنَّ عَاقِبَةً». (۳)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگام دوشیدن شیر حیوانات، مقداری شیر در پستان حیوان (برای فرزندش) بگذارید، تا زودتر شیر جمع شود زیرا اگر تمام شیر را بدوشید شیر دیرتر جمع می شود». (۴)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خوابگاه گوسفندان را پاکیزه کنید و آنچه را که از بینی آنها می آید تمیز نمایید». (۵)

۱- کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۸۶۵.

۲- خصال، ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۱۱۸، ح ۱.

۳- ترجمه: «بار خدایا، حیوانی نصیب من کن که طولانی ترین عمر و بیشترین منفعت و بهترین عاقبت را داشته باشد». محاسن، ص ۶۲۸، ح ۹۹.

۴- معانی الأخبار، ص ۲۸۴.

۵- محاسن، ص ۶۴۲، ح ۱۶۰.

## بخشی از احوالات و اقسام حیوانات

## سَر تَنَوُّع و جدایی حیوانات

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تمام حیوانات وحشی و مرغان و درندگان و سایر مخلوقات پروردگار با یکدیگر زندگی می کردند، تا آنکه قابیل برادرش هابیل را کشت. پس در این زمان از یکدیگر نفرت پیدا کردند و گریختند و هر حیوانی به شکل خود درآمد». (۱)

## حیوانات و تسبیح خدا

۱. در احادیث معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ مرغ و حیوانی در دریا و صحرا شکار نمی شود، مگر اینکه تسبیح خدا را ترک گوید». (۲)

۲. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که کرکس فریاد زند می گوید: ای فرزند آدم، به هر روشی که بخواهی زندگی کن ولی بدان پایانش مرگ است.

سپس برای هر یک از پرندگان تسبیح یا نصیحتی بیان کرده، آنگاه حضرت فرمود: هیچ مخلوقی نیست مگر اینکه او را تسبیحی است همان گونه که خداوند فرمود: (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ) (۳).» (۴)

۱- علل الشرایع، ج ۱، ص ۴، باب ۵، ح ۱.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۸۳.

۳- ترجمه: «وهر موجودی تسبیح و حمد او می گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید». سوره اسراء، آیه ۴۴.

۴- بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۷ - ۲۹، ح ۸.

## فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن

### تجارت و کار و تلاش کردن

#### ارزش و فضیلت تجارت

۱. در چندین روایت می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «تجارت کردن بر عقل (و تدبیر) می افزاید و ترک کردن تجارت از عقل (و تدبیر) می کاهد». (۱)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که دنیا را طلب (و تحصیل مال) کند تا دستش را پیش مردم دراز نکند و روزی عیالیت خود را وسعت دهد و به همسایگانش احسان کند، صورت او در روز قیامت همچون ماه شب چهاردهم می درخشد». (۲)

۳. در حدیث است که امام صادق علیه السلام از حال عمر بن مسلم پرسید، گفتند: تجارت را ترک کرده است. حضرت سه مرتبه فرمود: «عمل شیطان است! مگر نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله تجارت می کرد؟ و خداوند متعال فرماید: (رِجَالٌ

لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ) (۳) آنان جماعتی بودند که تجارت می کردند و به وقتش مشغول نماز می شدند. و این بهتر است از کسی که تجارت نکند و به وقتش نماز بخواند». (۴)

۴. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دعا کنید خداوند به راحتی به من روزی دهد. حضرت فرمود: «من برای تو دعا نمی کنم، بلکه چنانکه خداوند به تو دستور داده است برای به دست آوردن روزی تلاش کن». (۵)

۱- کافی، ج ۵، ص ۸۱، ح ۴ و ص ۱۴۸، ح ۱ و ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۱۹، ح ۵۰۵ و ۵۰۶.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۵؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۱۱.

۳- ترجمه: «مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند». سوره نور، آیه ۳۷.

۴- کافی، ج ۵، ص ۷۵، ح ۸.

۵- کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۳.

## تجارت کردن یا عبادت کردن

۱. در حدیث است که به امام صادق علیه السلام عرض کردند شخصی می گوید: در خانه می نشینم و نماز می خوانم و روزه می گیرم و پروردگار خود را عبادت می کنم خداوند روزی ام را می رساند. امام فرمود: «این شخص یکی از سه کسانی است که دعایشان مستجاب نیست». (۱)

۲. در روایتی دیگر می خوانیم که امام صادق علیه السلام از احوال شخصی پرسید، گفتند: نیازمند شده است. حضرت پرسید: «به چه کاری مشغول است؟» گفتند: در خانه نشسته و عبادت می کند. حضرت پرسید: «زندگی اش چگونه تأمین می شود؟» گفتند: برخی برادران مؤمن هزینه او و خانواده اش را تأمین می کنند. حضرت فرمود: «کار کسی که روزی او را تأمین می کند از عبادت او ارزشمندتر است». (۲)

## سربار مردم نشوید

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از دنیا برای آخرت کمک بگیرید و سربار مردم نشوید». (۳)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که هزینه خانواده خود را بر دوش دیگران بیندازد ملعون است». (۴)

۳. در حدیث است که یکی از علمای اهل سنت در روز بسیار گرمی خدمت امام باقر علیه السلام رسید، دید آن حضرت با تکیه بر دو تن از خادمانش راه می رود. به

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۷، ح ۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۸.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۴.

۳- کافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۶؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۲۳.

۴- کافی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۹، وج ۵، ص ۷۲، ح ۷.

حضرت گفت: شما پیرمردی از بزرگان قریش هستید، مناسب نیست در این شدت گرما برای طلب دنیا از خانه بیرون روید. اگر در این وقت بمیرید چه خواهید کرد؟ حضرت فرمود: «اگر در این حال بمیرم در حال عبادت و اطاعت پروردگار خواهم بود، زیرا کاری می‌کنم تا خود و خانواده ام را از تو و دیگران بی‌نیاز کنم. من از آن می‌ترسم که مرگم فرا رسد و بر معصیت خدا باشم». آن مرد گفت: راست گفتی، می‌خواستم تو را پند دهم، تو به من پند دادی. (۱)

### طلب کردن دنیا یا آخرت

در حدیث است که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: ما طالب دنیا هستیم و دوست داریم مال دنیا به ما رو کند. حضرت فرمود: «مال دنیا را برای چه می‌خواهی؟» عرض کرد: برای هزینه خود و خانواده وصله رحم و کمک کردن به نیازمندان و تأمین هزینه حج و عمره و مانند آن. حضرت فرمود: «کسب مال برای این امور، طلب کردن دنیا نیست بلکه طلب آخرت است». (۲)

### استفاده نکردن از بیت المال

در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام فرمود: اگر از بیت المال استفاده نمی‌کردی و به دست خود کسب روزی می‌کردی، بنده نیکوتری بودی. حضرت داوود علیه السلام چهل روز گریست، سپس خداوند به آهن وحی کرد که برای بنده ام داوود نرم شو! آهن در دست داوود نرم شد و آن حضرت روزی یک زره با دستان خود می‌ساخت و به

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۳، ح ۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۱۵.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۱۰؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۲۴.



هزار درهم می فروخت، تا آنکه سیصد و شصت زره ساخت و از بیت المال بی نیاز شد». (۱)

### توانگری

۱. در چندین حدیث معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «توانگری یار ویاور خوبی برای پرهیز از گناه و معصیت است». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ثروتی که تو را از ظلم حفظ کند، بهتر از فقری است که تو را وادار بر گناه کند». (۳)

### وقت تجارت

۱. در حدیث است که امام کاظم علیه السلام به تاجری فرمود: «بامداد به سمت چیزی که موجب عزّت تو است (بازار) حرکت کن». (۴)

۲. نیز در احادیث آمده است که: «بامدادان برای طلب روزی بروید». (۵)

شرح بیشتر را در کتاب عین الحیاه (۶) مطالعه فرمایید.

### کسب روزی حلال

### اشاره

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیری نیست در کسی که نخواهد مالی از حلال جمع و با آن مال آبروی خود را حفظ و قرض خود را ادا

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۸، ح ۳۸۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۱، ح ۱.

۳- کافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۱۱.

۴- کافی، ج ۵، ص ۱۴۹، ح ۷.

۵- خصال، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۴۹، ح ۳.

۶- عین الحیاه، ص ۲۷۸، لمعه پنجم.

و به خویشان خود احسان کند». (۱)

۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «عبادت هفتاد جزء دارد و بهترین آن طلب حلال است». (۲)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که بر اثر تلاش برای طلب حلال خسته سر بر بالین بگذارد، چون صبح شود آمرزیده است».

(۳)

۴. در روایاتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع به نقل از جبرئیل علیه السلام فرمود: «هیچ جاننداری نمی میرد مگر آنکه رزق و روزی معین شده خود را به طور کامل خورده باشد؛ بنابراین، تقوای الهی پیشه کنید و در طلب روزی زیاده روی نکنید و اگر روزی شما دیر رسید با معصیت خدا آن را طلب نکنید، زیرا خداوند متعال روزی خود را در میان خلق خود به گونه حلال قسمت کرده و روزی حرام به کسی نداده است. پس کسی که از معصیت خدا بپرهیزد و صبر را پیشه خود سازد، روزی او از حلال می رسد. و هر کس پرده دری و عجله کند و از حرام روزی بخورد از روزی حلالش به همان مقدار کم می شود و در روز قیامت به خاطر استفاده کردن از روزی حرام از او حساب می کشند». (۴)

### روزی رسان خداست

۱. در چندین حدیث معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند روزی مؤمنان را (گاه) از جایی که گمان نمی برند می رساند و این بدان است که هر گاه انسان راه روزی را پیدا نکند بسیار دعا می کند». (۵)

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۵.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۶؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱۲.

۳- امالی صدوق، ص ۲۸۹، ح ۹.

۴- کافی، ج ۵، ص ۸۰، ح ۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۱.

۵- کافی، ج ۵، ص ۸۴، ح ۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۰۱، ح ۳۹۵.

۲. در روایتی دیگر فرمود: «اگر بنده خدا (حتّی) در سوراخی باشد، خداوند روزی او را می‌رساند، پس در طلب روزی زیاده روی نکنید». (۱)

۳. در احادیث معتبر آمده است: «هنگامی که در مغازه را گشودی و کالای خود را برای فروش عرضه کردی، وظیفه خود را انجام داده ای و بقیّه را به خدا بسپار». (۲)

## آداب تجارت

### فراگیری احکام تجارت واهمّیت آن

۱. در حدیث است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر می فرمود: «ای تاجران، اوّل مسائل واحکام شرعی تجارت را فرا گیرید بعد مشغول تجارت شوید». حضرت این جمله را سه بار تکرار کرد. سپس فرمود: «به خدا سوگند، ربا در این امت از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت پنهان تر است. وقسم دروغ نخورید، به درستی که تاجر فاجر است و فاجر در جهنّم، مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد». (۳)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «جز کسانی که مسائل خرید و فروش را می دانند در بازار نشینند، (زیرا) هر کس بدون اطلاع از مسائل شرعی تجارت کند در ربا فرو می رود». (۴)

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خطرناک ترین نقطه زمین بازار است. آنجا میدان شیاطین است. شیطان هر روز صبح پرچم خود را در بازار می زند و بر صندلی خود می نشیند و فرزندان خود را در آن پخش

۱- کافی، ج ۵، ص ۸۱، ح ۴.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۹، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۰۰، ح ۳۹۴.

۳- کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۵۱۹.

۴- کافی، ج ۵، ص ۱۵۴، ح ۲۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۳.

می کند، تا یکی را فریب دهند که از ترازو بکاهد و دیگری کیل و پیمانانه را کم کند، و دیگری ذرع (۱) را بدزد و دیگری رأس المال و سرمایه را دروغ بگوید. سپس

خطاب به فرزنداناش می گوید: شما که پدرتان زنده است وظیفه دارید کسانی را که پدرشان (حضرت آدم) مرده است، رها نکنید و فریب دهید؛ بنابراین، شیطان با اول کسی که وارد بازار می شود وارد و با آخرین نفر خارج می شود. و بهترین نقطه روی زمین نزد خدا مساجد است. و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر به مسجد رفته و دیرتر بیرون آید». (۲)

### کارهایی که به هنگام تجارت باید ترک کرد

۱. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که داد و ستد می کند از پنج چیز پرهیزد: رباخواری، قسم خوردن، پنهان کردن عیب کالا، مدح و ستایش کالایی که می فروشد، مذمت چیزی که می خرد». (۳)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مؤمنی را (در معامله) فریب دهد از ما نیست». (۴)

۳. در حدیث است که امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود: «در تاریکی و زیر سقف، کالای خود را نفروش که (ممکن است) متاع خوب جلوه کند (و عیوب آن مخفی بماند) و این غش در معامله است که حلال نیست». (۵)

۴. در حدیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله از آب کردن در شیر نهی کرد. (۶)

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که خرید

۱- «ذرع» مقیاس اندازه گیری طول و عرض اشیاست و کمی بیشتر از یک متر است.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۴، باب السوق، ح ۱.

۳- کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۵.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۲۶.

۵- کافی، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۷۷۰.

۶- کافی، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۷۷۰.

وفروش می کند، روزی خود را به دست می آورد. و کسی که کالای (مورد نیاز مردم) را برای گران شدن نگه می دارد ملعون است». (۱)

۶. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که به هنگام خرید و فروش همواره قسم می خورد، خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی کند». (۲)

۷. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در معاملات قسم نخورید، زیرا هر چند کالا را به فروش می رساند اما برکتش را می برد». (۳)

۸. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به استقبال کاروان های تجارتي در خارج از شهر نروید، بلکه اجازه دهید وارد شهر شوند و کالاهایشان را به عموم مردم عرضه کنند. و در خرید و فروش، شهرنشین و کیل روستایی و بادیه نشین نشود، زیرا خداوند برخی مسلمانان را به سبب برخی دیگر روزی می دهد». (۴)

۹. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس تمام شب برای کسب و کار بیدار باشد و بهره چشمانش را از خواب ندهد، کسبش حرام است». (۵)

## آداب تجارت

۱. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام هر روز صبحگاهان تازیانه (کوتاهی) بر دوش خود گذاشته، در بازار کوفه می گشت و می فرمود: «هنگامی که مشغول خرید و فروش می شوید نخست خیر خود را از خداوند طلب کنید و خرید و فروش را به آسانی انجام دهید و کار را بر یکدیگر سخت نگیرید تا برکت پیدا

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۶۵، ح ۶.

۲- کافی، ج ۵، ص ۱۶۲، ح ۳.

۳- کافی، ج ۵، ص ۱۶۲، ح ۴.

۴- کافی، ج ۵، ص ۱۶۸، باب التلقی، ح ۱.

۵- بیشتر علما این روایت را حمل بر کراهت کرده اند. کافی، ج ۵، ص ۱۲۷، ح ۶؛ تهذیب، ج ۶، ص ۴۲۲، ح ۱۸۰.

کند. با مشتریان مهربانی کنید، صبر و بردباری را زینت خود قرار دهید و از قسم خوردن و دروغ گفتن بپرهیزید و بر مردم ستم نکنید و با مظلومان از در انصاف وارد شوید و به ربا نزدیک نشوید و پیمان‌ها و وزن را کامل کنید و از ترازو دزدی نکنید». (۱)

۲. در روایتی دیگر آمده است: «هنگامی که قصد داری به دنبال کاری بروی و آفتاب طلوع کرده و اندکی بلند شده و سرخی شعاعش برطرف شده است، دو رکعت نماز بگزار و در رکعت اول پس از حمد، سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون و پس از سلام نماز این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي عَدَوْتُ، أَلْتَمَسْتُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَسَنًا وَاسِعًا، حَلَالًا طَيِّبًا وَأَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ، عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، عَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ، فَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ». (۲)

### دعای هنگام وارد شدن به بازار

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صبح و شام به بازار رود و هنگام ورود به بازار بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ أَهْلِهَا. (۳)

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۵۱، ح ۳؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۴.

۲- ترجمه: «بار خدایا، شب را به صبح رساندم در حالی که خواستار فضل تو هستم آن گونه که به من فرماندادی. پس، از فضل خود روزی نیکو و وسیع و حلال و پاکیزه ای روزی ام کن و در آنچه روزی ام می کنی عافیتم ده. (خدایا) به قدرت و توانایی تو صبح کردم نه به قدرت و توانایی خودم بلکه به قدرت و توانایی تو و از این که بر قدرت و توانایی خودم تکیه کنم به سوی تو بیزاری می جویم. بار خدایا، برکت امروز را از تومی خواهم، پس تمام کارهایم را برای من مبارک بگردان، ای مهربان ترین مهربانان و درود خداوند بر محمد و آل پاکش باد». مکارم الأخلاق، ص ۲۵۶.

۳- ترجمه: «بار خدایا، از تو بهترین کالاهای بازار و (معامله با) بهترین ساکنان آن را طلب می کنم.»

خداوند متعال به فرشته ای مأموریت می دهد که تا هنگام بازگشت به خانه اش از او و کالایش محافظت کند. و آن فرشته به او گوید: امروز از شرّ این بازار و اهل آن امان یافتی و امروز به امر خداوند، خیر این بازار و اهل آن روزی تو شد. و هنگامی که در مغازه اش بنشیند بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَيَمِينٍ كَاذِبَةٍ. (۱) و هنگامی که

این دعا را بخواند فرشته مأمور محافظت از او و اموالش به وی می گوید: بشارت می دهم به تو که امروز بهره هیچ کس در بازار بیشتر از تو نیست، چرا که در جمع آوری ثواب ها و محو گناهان از دیگران سبقت گرفتی. به زودی آنچه خداوند روزی تو گردانیده به صورت حلال و طیب و مبارک نصیب می شود». (۲)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس داخل بازار شود و بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَأْثِمِ وَالْمَغْرَمِ (۳) خداوند به تعداد آنچه در آن بازار است از سخنگو و غیر سخنگو، به او ثواب می دهد». (۴)

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس هنگام وارد شدن به بازار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

۱- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی جز الله که یگانه است و شریک ندارد نیست. و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست. بار خدایا، از تو روزی حلال و پاکیزه درخواست می کنم و به تو پناه می برم از اینکه به کسی ستم کنم (یا به من ستم شود) و پناه می برم به تو از خرید و فروش زیان آور و سوگند دروغ».

۲- کافی، ج ۵، ص ۱۵۵، باب من ذکر الله تعالی فی السوق، ح ۱؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۵۴۲.

۳- ترجمه: «شهادت می دهم معبودی جز الله که یگانه است و شریکی ندارد نیست. و گواهی می دهم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. بار خدایا، از ظلم و گناه و غرامت و خسارت به تو پناه می برم».

۴- امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۴۴.

الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)،

خداوند به تعداد تمام مخلوقاتش تا قیامت به او ثواب می دهد». (۲)

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مردم مشغول دنیا هستند شما در بازار بسیار یاد خدا کنید تا کفاره گناهانتان باشد و باعث افزایش حسنات شما شود و شمارا در زمره غافلان نویسد». (۳) و هر زمان بخوانید

اجناس مورد نیاز خود را از بازار تهیه کنید به هنگام وارد شدن به بازار بگویید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صِفْقَةِ خَاسِرَةٍ وَيَمِينِ فَاجِرَةٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَيْمِ». (۴)

### خواندن دعا در بازار

۱. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که وارد بازار می شوی این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ أَهْلِهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَبْغَى أَوْ يُبْغَى عَلَيَّ، أَوْ أُعْتَدَى أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَحَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ». (۵)

۱- ترجمه: «منزه است خداوند. و حمد و ستایش مخصوص اوست. و هیچ معبودی جز الله، که یگانه است و شریکی ندارد، نیست. بزرگی و حکومت و حمد و ستایش از آن اوست. زنده می کند و می میراند، در حالیکه او زنده ای است که نمی میرد. کلید تمام خیرات در دست قدرت اوست و او توانا بر همه چیز است».

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱، ح ۴۲.

۳- خصال، ج ۲، ص ۴۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۲، ح ۱.

۴- خصال، ج ۲، ص ۴۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۲، ح ۱. ترجمه مشابه آن گذشت.

۵- ترجمه: «بار خدایا، از تو بهترین کالاها و بهترین فروشندگان بازار را طلب می کنم. و از شرّ و بدی های بازار به تو پناه می برم. بار خدایا، به تو پناه می برم از اینکه ظلم کنم یا مورد ظلم واقع شوم. ستم کنم یا به من ستم شود. به حقوق دیگران تجاوز کنم یا به حقوقم تجاوز شود. بار خدایا، از شرّ شیطان و لشکریانش و از شرّ بدکاران عرب و عجم به تو پناه می برم. و خداوند برای من کافی است و معبودی جز الله نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است». کافی، ج ۵، ص ۱۵۶، ح ۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۲، ح ۳۲.



۲. نیز در حدیثی صحیح می خوانیم که فرمود: «هر کس وارد بازار یا مسجدی شود و یک مرتبه بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (۱) این کار برابر با یک حج مقبول است». (۲)

۳. در حدیثی معتبر آمده است که هر کس در بازار بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» خداوند هزار حسنه برای او می نویسد». (۳)

### دعای هنگام خرید و پس از آن

۱. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که بخواهی کالا یا چیز دیگری بخری سه مرتبه الله اکبر بگو، سپس سه بار این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ، أَلْتَمَسُ فِيهِ مِنْ خَيْرِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ خَيْرًا. اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ، أَلْتَمَسُ فِيهِ مِنْ فَضْلِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ فَضْلًا. اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ، أَلْتَمَسُ فِيهِ مِنْ رِزْقِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقًا». (۴)

۱- ترجمه: «شهادت می دهم معبودی جز الله نیست. او یگانه است و شریکی ندارد. و خداوند بزرگ تر از آناست که به وصف درآید. و ستایش فراوان مخصوص اوست. و در هر صبح و شام تسبیح خدا می گویم. و هیچپناهگاه و قدرتی جز به واسطه قدرت خداوند بزرگ و الامرتبه نیست. و درود خدا بر محمد و آلش باد».

۲- محاسن، ص ۴۰، ح ۴۸؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۵۴۱.

۳- محاسن، ص ۴۰، ح ۴۷. در مصدر هزار هزار حسنه آمده است.

۴- ترجمه: «بار خدایا، آن را خریدم و خیر از سوی تو در آن درخواست می کنم. پس در آن خیری برای من قرار ده. بار خدایا، آن را خریدم و فضل تو را در آن درخواست می کنم، پس در آن فضلی برای من قرار ده. بار خدایا، آن را خریدم و روزی تو را در آن درخواست می کنم، پس روزی مرا در آن قرار ده». کافی، ج ۵، ص ۱۵۶، ح ۱؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۲۵، ح ۵۴۵.

۲. نیز در روایتی معتبر می خوانیم که فرمود: «هنگامی که بخواهی چیزی بخری این دعا را بخوان: یا حَىُّ یا قَيُّوْمُ، یا دَائِمُ یا رُوْفُ یا رَحِيْمُ، اَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمِيكَ، أَنْ تَقْسِمَ لِي مِنَ التِّجَارَةِ الْيَوْمَ أَعْظَمَهَا رِزْقًا وَأَوْسَعَهَا فَضْلًا وَخَيْرَهَا عَاقِبَةً، فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ». (۱)

۳. در حدیثی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر زمان بخواهی مرکبی (چهارپایی) بخری سه مرتبه این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ عَظِيْمَةُ الْبِرْكَهٖ، فَاضِيْمَةً الْمَنْفَعَةِ، مَيْمُوْنَةً النَّاصِيَةِ بِهٖ، فَيَسِّرْ لِي شِرَائِهَا وَاِنْ كَانَتْ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْنِي عَنْهَا اِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْهَا، فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ، وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ». (۲)

۴. در روایتی آمده است: امام رضا علیه السلام بر روی کالایی که می خرید می نوشت بَرَكَهٗ لَنَا؛ خدایا آن را بر ما مبارک گردان. (۳)

۵. در کتاب فقه الرضا آمده است: «هنگامی که (کالایی خریدی و) بخواهی آن را ببندی و نگاه داری، آیه الکرسی بخوان و بنویس و در میان آن کالا بگذار و این دعا را نیز به همراه آیه الکرسی بنویس: وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سِدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سِدًّا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا لَا يُبْصِرُوْنَ. لَا ضَيْعَةَ عَلَيَّ مِا حَفِظَ اللّٰهُ، فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ. (۴) اگر این کار را انجام دهی

۱- ترجمه: «ای حَىُّ قَيُّوْمُ، ای همیشه پایدار، ای مهربان، ای رحیم، به عزت و قدرتت و به آنچه که علم تو آن را در بر گرفته، از تو می خواهم امروز از تجارت بالا-ترین روزی و وسیع ترین فضل و بخشش و بهترین آن را از نظر عاقبت نصیبم کنی؛ زیرا چیزی که عاقبت ندارد خیری هم ندارد». کافی، ج ۵، ص ۱۵۷، ح ۳.

۲- ترجمه: «بار خدایا، اگر برکتش زیاد و سودش بسیار و خوش قدم است خریدن آن را بر من آسان گردان، و اگر غیر از این است مرا از آن منصرف و به سوی بهتر از آن هدایت فرما، زیرا تو می دانی و من نمی دانم، تو توانایی و من توانایی ندارم و تو عالم به اسرار غیب هستی». کافی، ج ۵، ص ۱۵۷، ح ۴.

۳- احتمالاً حضرت این جمله را با انگشت می نوشت. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۵، ح ۵۴۶.

۴- ترجمه: «و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم و در پشت سرشان سدّی؛ و چشمانشان را پوشانده ایم؛ لذا نمی بینند. آنچه را که خداوند برای من حفظ کند ضایع نمی شود. اگر آنها (آن ظالمان و مفسدان از حق) رویگردانند، نگران نباش) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکل کردم؛ و او پروردگار عرش عظیم است».

آن کالا از هر بلایی حفظ می شود». (۱)

و فرمود: «اگر مال تو تلف شد این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبِيدُكَ وَابْنُ عَبِيدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، نَاصِبَتِي بِيَدِكَ، تَحْكُمُ فِيمَا تَشَاءُ وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ. اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ وَبَلَائِكَ. اللَّهُمَّ هُوَ مَالِكَ وَرِزْقِكَ وَأَنَا عَبْدُكَ، حَوَّلْتَنِي حِينَ رَزَقْتَنِي. اللَّهُمَّ فَأَلْهِمْنِي شُكْرَكَ فِيهِ وَالصَّبْرَ عَلَيْهِ حِينَ أَصِيبُ وَأَخِذْتُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ أُعْطِيتَ وَأَنْتَ أَصِيبُ. اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَهُ وَلَا تَنْسِنِي مِنْ خَلْفِهِ فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي إِنَّكَ عَلَى ذَلِكَ قَادِرٌ. اللَّهُمَّ أَنَا لَكَ وَبِكَ وَإِلَيْكَ وَمِنْكَ

لا أملك لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا». (۲)

### با چنین کسانی معامله نکنید

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسانی که کار برایشان بسته شده، معامله نکنید که معامله با آنها برکت ندارد». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «با مردم پست که از دشنام دادن و شنیدن آن پروا ندارند، داد و ستد نکنید». (۴)

۱- فقه الرضا علیه السلام، ص ۴۰۰.

۲- ترجمه: «بار خدایا، من بنده تو و فرزند بنده و فرزند کنیز توأم. و زمام امر من به دست تو است. آن طور که می خواهی فرمان می دهی و آن طور که اراده کنی انجام می دهی. بار خدایا، بر قضا و آزمایش نیکویت سپاس. بار خدایا، آن، مال و رزق تو بود و من بنده توأم که به هنگام روزی دادن به من عطا کردی. بار خدایا، شکر خود را به من الهام کن و صبر را به هنگام مصیبت و گرفتن آن. بار خدایا، تو عطا کردی و تو گرفتی. بار خدایا، از پاداش آن مرا محروم نکن و پس از آن، چه در دنیا و چه در آخرت مرا فراموش نکن، زیرا تو بر آن توانایی. بار خدایا، من از برای تو و به سوی تو و از آن توأم و از برای خود مالک هیچ نفع و ضرری نیستم».

۳- کافی، ج ۵، ص ۱۵۷، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۶، باب ۳۰۸، ح ۱.

۴- کافی، ج ۵، ص ۱۵۸، ح ۳ و ۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۶، باب ۳۰۸، ح ۲.

۳. نیز در روایتی فرمود: «با نوکیسگان معامله نکنید، بلکه با کسانی معامله کنید که در میان مال و نعمت بزرگ شده باشند».

(۱)

### برخی معاملات مکروه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای فرزندت شغل صرّافی در نظر نگیر که صرّاف (غالباً) از ربا سالم نمی ماند. و او را به کفن فروشی تشویق نکن که کفن فروش آرزوی مرگ مردم می کند و از مرگ و میر فراوان خوشحال می شود. و سفارش به تجارت گندم و جو نکن که از احتکار و نگهداری به منظور گران شدن آن در امان نیست. و شغل قصابی و سلّاحی (۲) برایش انتخاب نکن که

رحم از دلش می رود و سنگدل از خدا دور است» (۳).

۲. در احادیث آمده است که: اگر مزد حجامت را اوّل شرط نکنند و آنچه بعد از حجامت به وی می دهند قبول کند، اشکال ندارد. (۴)

۳. در برخی روایات از بافندگی (به سبک قدیم) نیز نهی شده است. (۵)

### در آمد و اجرت معلّم قرآن

۱. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: تعلیم دادن اطفال و کودکان چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد، ولی دستمزد نگیرید». عرض کرد: اگر کتاب های شعر و مانند آن بخوانند و از اوّل اجرت را معین کنم چطور؟ فرمود: «اشکال ندارد، مشروط بر اینکه بچه ها نزد تو برابر باشند و برخی را بر

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۵۸، ح ۵؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۶، باب ۳۰۸، ح ۲.

۲- «سلّاح» پوست کن، کسی که در کشتارگاه حیوانات را پوست می کند (فرهنگ عمید).

۳- کافی، ج ۵، ص ۱۱۴، ح ۴؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۳۰، باب ۳۱۴، ح ۱.

۴- کافی، ج ۵، ص ۱۱۵، ح ۱.

۵- ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۲۴.

برخی دیگر برتری ندهی». (۱)

۲. در حدیثی دیگر آمده است که از آن حضرت پرسیدند: برخی می گویند کسب معلّم حرام است؟ فرمود: «این دشمنان خدا دروغ می گویند تا اطفال مردم قرآن فرا نگیرند. اگر کسی به مقدار دیه فرزند خود را به معلّم بدهد بر وی حلال است، ولی بهتر است اول شرط مزد نکند و هرچه دادند بگیرد». (۲)

### خرید و فروش و دستمزد کتابت قرآن

۱. در احادیث معتبر آمده است: «هنگامی که قرآن می فروشید قصد فروش کاغذ و جلد آن را داشته باشید، نه نوشته های آن». (۳)

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزد گرفتن برای نوشتن قرآن مانعی ندارد». (۴)

### فضیلت زراعت و درختکاری

#### ارزش و فضیلت زراعت

۱. در حدیث است که علی بن ابی حمزه می گوید: حضرت کاظم علیه السلام را دیدم که در زمین (کشاورزی) خود کار می کرد و پاهایش در عرق فرو رفته بود. عرض کردم: فدایت شوم خدمتکاران کجا رفته اند که خودتان چنین فعالیت می کنید؟ فرمود: «کسی که بهتر از من و پدرم بوده با بیل در زمین کار کرده است». سپس فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و تمام پدران من با دست خود روی زمین کار کرده اند و این کار پیامبران و جانشینان آنان و صالحان است». (۵)

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۲۱، باب کسب المعلّم، ح ۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۱۲۱، باب کسب المعلّم، ح ۲.

۳- کافی، ج ۵، ص ۱۲۱، باب بیع المصاحف، ح ۱.

۴- قرب الإسناد، ص ۲۱۲، ح ۱۰۵۴؛ السرائر، ج ۳، ص ۵۷۳.

۵- کافی، ج ۵، ص ۷۵، ح ۱۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۸، ح ۳۸۰.

۲. در احادیث معتبر آمده است که: «حضرت علی علیه السلام با بیل روی زمین کار می کرد و مزارع را آباد می ساخت و آن حضرت از زحمت بازو، هزار برده را خرید و آزاد کرد».<sup>(۱)</sup>

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال

شغل زراعت را برای پیامبرانش اختیار کرد، تا از بارش باران کراهت نداشته باشند».<sup>(۲)</sup>

۴. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند روزی پیامبران را در زراعت و شیر حیوانات قرار داد، تا از بارش باران آسمان کراهت نداشته باشند».<sup>(۳)</sup>

۵. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «بهترین کارها زراعت است که انسان های خوب و بد از آن می خورند؛ آنچه شخص نیکوکار می خورد برای تو استغفار می کند و آنچه را فاسق می خورد او را نفرین می کند. و حیوانات و مرغان نیز از آن بهره می گیرند».<sup>(۴)</sup>

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زراعت کنید و درخت بنشانید. به خدا قسم، مردم کاری حلال تر و پاکیزه تر از آن نمی کنند. به خدا سوگند که پس از خروج دجال نیز زراعت و درختکاری خواهید کرد».<sup>(۵)</sup>

۷. در حدیثی دیگر فرمود: «زراعت کردن کیمیای بزرگ است».<sup>(۶)</sup>

۸. نیز در روایتی فرمود: «زارعان گنج های مردم هستند، زراعت می کنند و خداوند روزی نیکوی پاکیزه کرامت می کند و در قیامت جایگاه آنها از سایر

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۲.

۲- کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۱.

۳- کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۲.

۴- کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۵.

۵- کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۳.

۶- کافی، ج ۵، ص ۲۶۱، ذیل حدیث ۶.

مردم نیکوتر و منزلتشان از دیگران نزدیک تر است و در آن روز آنها را مبارک می نامند». (۱)

۹. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بر گروهی از زارعان عبور کرد که زمین را شخم می زدند. به آنها فرمود: «زراعت کنید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند همان گونه که با باران زراعت را می رویاند، با باد هم می رویاند». (۲) (بادهایی که حامل بخار آب هستند).

### فضیلت درختکاری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شش ویژگی است که انسان مؤمن پس از مرگ هم از آن سود می برد: فرزند نیکوکار که برای او استغفار کند، قرآنی که از او بماند و تلاوت شود، چاهی که باقی بماند، درختی که بکارد، آبی که جاری سازد، سنت نیکی که در میان مردم بگذارد و مردم پس از وی به آن عمل کنند». (۳)

۲. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هسته خرما را با آب دهان مبارکش مرطوب می کرد و آن را در زمین فرو می برد و همان لحظه سبز می شد. (۴)

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، دید آن حضرت مقدار زیادی هسته خرما بر دوش گرفته و می برد. پرسید: اینها چیست؟ فرمود: «إن شاء الله صد هزار درخت خرما است». سپس آنها را کاشت و حتی یکی از آنها خطا نرفت (و همه آنها بارور شد). (۵)

۱- کافی، ج ۵، ص ۲۶۱، ح ۷.

۲- کافی، ج ۵، ص ۲۶۲، ح ۱.

۳- خصال، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۲.

۴- کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۲.

۵- کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۶.

## باغ و باغداری

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که ابی عمرو می گوید حضرت صادق علیه السلام را که لباسی گشاد پوشیده بود و بیلی در دست داشت و در باغ خود کار می کرد و عرق از پشت مبارکش می ریخت، دیدم. عرض کردم: فدایت شوم اجازه بده من کارها را انجام دهم. فرمود: «دوست دارم انسان برای طلب روزی در زیر آفتاب عرق بریزد». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ یک از اموالی که پس از مرگ انسان باقی می ماند دشوارتر از طلا نیست». راوی پرسید: چه کند؟ فرمود: «باغ و خانه بخرد». (۲)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «در تورات نوشته شده است که هر کس زمین یا آب بفروشد و در مقابل آن زمین و آب دیگر نخرد، ارزش کار او باطل و از آن سودی نخواهد برد». (۳)

## آداب زراعت و درختکاری

### آداب زراعت

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت آدم علیه السلام به زمین آمد تشنه و گرسنه شد. به جبرئیل شکایت کرد. جبرئیل گفت: زراعت کن. آدم علیه السلام گفت: دعایی به من تعلیم کن. جبرئیل گفت: این دعا را بخوان: *اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَوْنَةَ الدُّنْيَا وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَالْبِسْنِي الْعَافِيَةَ، حَتَّى تُهَيِّئَنِي الْمَعِيشَةَ*». (۴)

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۶، ح ۱۳.

۲- کافی، ج ۵، ص ۹۱، باب شراء العقارات وبيعها، ح ۲؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۰۴، ح ۴۲۹.

۳- کافی، ج ۵، ص ۹۱، ح ۳؛ تهذيب، ج ۶، ص ۴۴۶، ح ۲۷۶.

۴- ترجمه: «بار خدایا، هزینه های زندگی ام را تأمین و هر ترسی که به خاطر بهشت است از من دور کن (لباس) عافیت را بر من بیوشان تا زندگی را بر من گوارا کنی». کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۴.



۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که می خواهی زراعت کنی یک مشت از بذر را بگیر و رو به قبله بایست و سه مرتبه بگو: (أَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ \* ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ) (۱) سپس بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًا مُّبَارَكًا وَاَرْزُقْنَا فِيْهِ

السَّلَامَةَ (۲) آن گاه بذری که در کف دست داری پاش». (۳)

۳. نیز در روایتی فرمود: «هنگامی که دانه را می پاشی بگو: اَللّٰهُمَّ قَدْ بَدَرْتُ وَاَنْتَ الزَّارِعُ، فَاجْعَلْهُ حَبًا مُّتْرَاكِمًا». (۴)

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک قبضه از بذر را در دست بگیر و رو به قبله بایست و سه مرتبه بگو: (ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ) (۵)

سپس بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَرْثًا مُّبَارَكًا وَاَرْزُقْنَا فِيْهِ السَّلَامَةَ وَالتَّمَامَ وَاَجْعَلْهُ حَيًّا مُّتْرَاكِبًا وَاَلَا- تَحْرِمْنِيْ خَيْرًا مَا اَبْتَعِيْ وَلَا تَفْتِنِيْ بِمَا مَتَّعْتَنِيْ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ، آن گاه بذر را پاش». (۶)

## آداب درختکاری

### دعای هنگام درختکاری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: به هنگام کاشتن درخت و پاشیدن دانه، جمله «سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ» را بر هر درخت و دانه ای بخوان که

۱- ترجمه: «آیا هیچ درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟! آیا شما آن را می رویانید یا ما می رویانیم؟» سوره واقعه، آیات ۶۳ و ۶۴.

۲- ترجمه: «بار خدایا، این بذر را بذر پربرکتی قرار ده و در آن سلامتی را روزی ما گردان».

۳- کافی، ج ۵، ص ۲۶۲، باب ما یقال عند الزرع والغرس، ح ۱.

۴- ترجمه «بار خدایا، من بذر را پاشیدم، اما زارع حقیقی تو هستی، پس محصول آن را انبوه و فراوان قرار بده». کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۲.

۵- سوره واقعه، آیه ۶۴.

۶- ترجمه: «بار خدایا، این زراعت را زراعت مبارکی گردان و سلامتی و کمال را در آن روزی ما کن و آن را دانه انبوه و فراوان قرار ده و آنچه را می طلبم محرومم نکن و در آنچه که به من داده ای مرا آزمایش (طاقت فرسا) نکن، به محمد و خاندان پاکش». مکارم الأخلاق، ص ۳۵۳.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ خَطَا نَخْوَاهُ كَرْدًا». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «در وقت کاشتن درخت و زراعت، بگو: وَمَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْمَلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ

يَأْذِنُ رَبِّهَا». (۲)

### بارور کردن درخت خرما و آبیاری درخت سدر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد درخت خرما خوب میوه دهد و خرمایش نیکو شود، ماهی های کوچک خشک را بگیرد و آن را نیمکوب کند و در هر شکوفه ای اندکی بپاشد و بقیه آن را در کیسه پاکیزه ای قرار داده، در میان درخت خرما جای دهد». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس درخت سدر را آب دهد، گویی مؤمن تشنه ای را سیراب کرده است». (۴)

### فلسفه درختان بدون میوه و درمان میوه های گرم زده

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال هیچ درختی را نیافرید مگر آنکه میوه داشت و قابل خوردن بود. امّا هنگامی که مردم برای خداوند فرزند قائل شدند میوه نصف درختان از بین رفت و هنگامی که برای خدا شریک قائل شدند درختان خار رویید». (۵)

۱- کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۵.

۲- ترجمه: «مَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ (وگفتار پاکیزه) همانند درخت پاکیزه ای است که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است. و هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد». کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۶.

۳- کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۳.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۶، ح ۴۴.

۵- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۳، باب ۳۷۴، ح ۱.

۲. در حدیث است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام از شهری عبور کرد که در میوه های آن شهر کرم فراوان بود. آنان به حضرت شکایت کردند. حضرت فرمود: شما که درخت می کارید اول خاک می ریزید و بعد آن را آب می دهید از این رو میوه های آن درخت کرم دارد. پس از این، اول آب بدهید سپس خاک بریزید. به این دستور عمل کردند و مشکل حل شد». (۱)

### بریدن درخت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «درخت میوه دار را هرگز قطع نکنید که عذاب بر شما نازل می شود». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بریدن درخت خرما کراهت دارد». پرسیدند: بریدن درختان دیگر چگونه؟ فرمود: «اشکال ندارد». پرسیدند: درخت سدر چگونه؟ فرمود: «بریدن درخت سدر در بیابان خوب نیست زیرا در آنجا کم است، اما در شهر اشکالی ندارد». (۳)

۳. در حدیث است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: بریدن درخت سدر چگونه است؟ فرمود: «پدرم درخت سدر را برید و به جای آن درخت انگور کاشت». (۴)

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۴، باب ۳۷۶، ح ۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۲۶۴، ح ۹.

۳- کافی، ج ۵، ص ۲۶۴، ح ۸.

۴- کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۷.



## فصل چهاردهم: آداب سفر

### اشاره

۱. سفر کردن، روزها و ساعت های خوب و بد
۲. اموری که نحوست های سفر را از بین می برد
۳. آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر
۴. آنچه مسافر باید همراه داشته باشد
۵. توشه سفر
۶. آداب معاشرت با همسفر
۷. سایر آداب سفر
۸. آداب راه رفتن و فرود آمدن
۹. دعاهای مسیر راه و منازل
۱۰. آداب سفرهای دریایی و عبور از پل ها
۱۱. آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر
۱۲. آداب اسب سواری و تیراندازی



## سفر کردن، روزها و ساعت های خوب و بد

### هدف از سفر کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در حکمت آل داوود نوشته است که هیچ کس سفر نکند، مگر برای سه هدف: سفری که توشه آخرت در آن حاصل شود، سفری که موجب گشایش امور زندگی گردد، سفری که برای تفریح و سرگرمی حلال باشد». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «سفر کنید تا بدن های شما سالم شود و جهاد کنید تا به غنایم دنیا و آخرت دست یابید و حج بروید تا بی نیاز شوید». (۲)

### سفر کردن به مقدار ضرورت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سفر قطعه ای از عذاب دوزخ است، هنگامی که کارتان در سفر تمام شد زود به سوی خانواده خود بازگردید». (۳)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام پرسید: مردی به سرزمینی سفر می کند که جز برف و یخ چیزی در آنجا نیست (برای

۱- محاسن، ص ۳۴۵، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۷۶۳.

۲- محاسن، ص ۳۴۵، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۷۶۴.

۳- محاسن، ص ۳۷۷، ح ۱۴۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۸۹۴.

وضوی نماز چه کند؟) حضرت فرمود: «چون مضطرّ است تیمّم کند و دیگر به چنین سرزمینی که دینش در آنجا به خطر می افتد نرود». (۱)

### روزهای نیک برای سفر کردن

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و عرض کرد: می خواهم به سفر بروم، تقاضا می کنم برای من دعا کنید. امام فرمود: «چه روزی عازم هستی؟» گفت: با توجه به اینکه روز دوشنبه روز مبارکی است، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز متولّد شده، در آن روز سفر را آغاز می کنم. حضرت فرمود: «دروغ می گویند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله جمعه متولّد شده و هیچ روزی شوم تر از روز دوشنبه نیست، زیرا در آن روز حضرت رسول وفات کرد و وحی آسمان قطع شد و حقّ ما را غصب کردند. می خواهی به تو خبر دهم از روز سهل و آسانی که خداوند در آن روز آهن را برای حضرت داوود علیه السلام نرم کرد؟» عرض کرد: آری. فرمود: «آن، روز سه شنبه است». (۲)

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قصد سفر دارد روز شنبه سفر کند که اگر سنگی در روز شنبه از کوهی حرکت کند خداوند آن را به جای خود بازمی گرداند. و هرگاه کارها بر کسی دشوار شود روز سه شنبه طلب کند که در آن روز آهن برای حضرت داوود علیه السلام نرم شد». (۳)

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به منظور ردّ عقیده گروهی که فال بد می زنند چهارشنبه آخر ماه سفر کند، از هر بلائی حفظ می شود و حاجتش روا می گردد». (۴)

۱- کافی، ج ۳، ص ۶۷، ح ۱؛ تهذیب، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۵۵۳.

۲- قرب الإسناد، ص ۲۲۹، ح ۱۱۶۳؛ خصال، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۴۸.

۳- کافی، ج ۸، ص ۱۲۵، ح ۱۰۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۷۶۶.

۴- خصال، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۴۳، ح ۴.



۴. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز پنجشنبه به سفر می رفت و می فرمود: «خدا ورسولش و فرشتگان، روز پنجشنبه را دوست دارند». (۱)

(این روایات مختلف دلیل بر این است که سفر کردن در همه این چند روز مناسب است).

### روزهای نامیمون برای سفر کردن

۱. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سفر کردن و تلاش برای برطرف کردن نیازها، در پیش از ظهر روز جمعه کراهت دارد زیرا ممکن است از نماز جمعه باز بماند. اما پس از نماز از تبرک جستن خوب است». (۲)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «سفر کردن در شب جمعه اشکال ندارد». (۳)

۳. در برخی روایات آمده است که: «در روز سوم، چهارم، پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیستم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و هشتم ماه، سفر نکن». (۴)

۴. در روایتی دیگر می خوانیم که: «هشتم و بیست و سوم ماه برای سفر کردن خوب نیست». (۵)

توجه: اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود، رعایت روزهای هفته سزاوارتر است (۶)، زیرا احادیث معتبر در مورد ایام هفته بیشتر است.

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۴۰؛ الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۷.

۲- خصال، ج ۲، ص ۱۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۳، ح ۶.

۳- محاسن، ص ۳۴۷، ح ۱۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۷۶۷.

۴- الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۹.

۵- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۲۰.

۶- محاسن، ص ۳۴۷، ح ۲۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۴۲.

۵. در روایتی معتبر آمده است: «هر کس زمانی که ماه در برج عقرب است سفر کند، یا ازدواج کند، عاقبت خوبی نخواهد داشت». (۱)

## اموری که نحوست های سفر را از بین می برد

### صدقه دادن

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «صدقه بده و هر روز که می خواهی سفر کن». (۲)
۲. نیز در حدیثی صحیح آمده است که از آن حضرت پرسیدند: آیا سفر کردن در روزی از روزها، مثل چهارشنبه و غیر آن کراهت دارد؟ حضرت فرمود: «سفر خود را با دادن صدقه آغاز کن و هر وقت می خواهی سفر کن». (۳)
۳. در روایتی صحیح می خوانیم که ابن ابی عمیر می گوید: من در علم نجوم مهارت داشتم و طالع را می شناختم، بدین رو هنگامی که به علم نجوم می نگریستم در برخی ساعت ها از برخی کارها کراهت داشتم و از این مطلب به امام کاظم علیه السلام شکایت کردم. امام فرمود: «هر زمان چیزی به دلت افتاد به اول فقیری که برخورد می کنی صدقه بده، تا خداوند ضرر آن کار را از تو برطرف کند». (۴)
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در اول روز صدقه دهد، خداوند نحوست آن روز را از او برطرف می کند». (۵)
۵. در روایتی دیگر آمده است: هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام می خواست به بعضی از مزارع خود برود، سلامتی خود را - به مقدار ممکن - با دادن صدقه از

۱- محاسن، ص ۳۴۷، ح ۲۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۴۲.

۲- محاسن، ص ۳۴۸، ح ۲۳؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۴.

۳- کافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۷۸۲.

۴- محاسن، ص ۳۴۹، ح ۲۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۷۸۳.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۷۸۴.

خداوند می خرید و صدقه را زمانی می داد که پا در رکاب مرکب می گذاشت. وهنگامی که خداوند او را به سلامت بازمی گرداند، شکر و حمد الهی به جا می آورد و به مقدار ممکن صدقه می داد». (۱)

### خواندن دعا به هنگام سفر

۱. در روایتی آمده است: «قبل از رفتن به سفر هنگام دادن صدقه این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اِشْتَرِیْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَیِّئَاتِیْ وَسَلَامَةَ سَفَرِیْ وَمَا مَعِیْ، فَسَلِّمْ نِیْ وَسَلِّمْ مَا مَعِیْ وَبَلِّغْنِیْ وَبَلِّغْ مَا مَعِیْ بِبِلَاغِکَ الْحَسَنِ الْجَمِیْلِ (۲) و بعد از

دادن صدقه بگو: لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ. لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ. سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرْضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ وَسَیِّئَاتِیْ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّى اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ. اَللّٰهُمَّ کُنْ لِیْ جَارًا مِنْ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَمِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ، بِسْمِ اللهِ دَخَلْتُ وَبِسْمِ اللهِ خَرَجْتُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُقَدِّمُ بَیْنَ یَدَیْ نَسِیَّاتِیْ وَعَجَلَتِیْ. بِسْمِ اللهِ وَمَا شَاءَ اللهُ فِی سَفَرِیْ هَذَا، ذَكَرْتُهُ اَمْ نَسِیْتُهُ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَی الْاُمُورِ کُلِّهَا وَاَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَالْخَلِیْفَةُ فِی الْاَهْلِ. اَللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَیْنَا سَفَرَنَا وَاطْوِلْنَا الْاَرْضَ وَسَيِّرْنَا فِیْهَا بِطَاعَتِکَ وَطَاعَةِ رَسُوْلِکَ. اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَبَارِكْ لَنَا فِیْمَا رَزَقْتَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا اَعُوْذُ بِکَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَکَاثِبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوْءِ الْمُنْظَرِ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عَضْدِی وَنَاصِرِی. اَللّٰهُمَّ اَقْطَعْ عَنِّیْ بُعْدَهُ وَمَشَقَّتَهُ وَاَصْحَبِیْ فِیهِ وَاخْلُفْنِیْ فِیْ اَهْلِیْ بِخَیْرِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ». (۳)

۱- محاسن، ص ۳۴۸، ح ۲۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۷۸۵.

۲- ترجمه: «بار خدایا، با این صدقه سلامتی خود و سلامتی سفرم و آنچه را که با من است خریدم (تضمین کردم). پس خودم و آنچه را که با من است به سلامت بدار و مرا و آنچه را که با من است به شایستگی به مقصد برسان».

۳- ترجمه: «معبودی جز خداوند یگانه نیست که دارای حلم و کرم است. معبودی جز خداوند یگانه نیست، همو که والا و بزرگ است. منزه است خدایی که پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار هفت زمین و آنچه در بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است. و درود بر پیامبران و سپاس از آن خدا که پروردگار جهانیان است و درود و رحمت بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش باد. بار خدایا، در برابر هرستمگر ستیزه جو و هر شیطان سرکش پناه من باش. به نام خدا داخل و به نام خدا خارج شدم. بار خدایا، منپیش از آنکه در این سفر فراموشی یا شتاب کنم (و بسم الله و ماشاءالله را ترک کنم) بسم الله و ماشاءالله را ازپیش می گویم؛ خواه بعدآ به یادم بیاید و جبران کنم و خواه فراموش کنم. بار خدایا، تو کمک کننده در کارها و همراه در سفر و جانشین در خانواده ای. بار خدایا، سفر را بر ما آسان و راه را بر ما کوتاه گردان و ما را با پیروی از خود و رسولت در آن مسیر پیش ببر. بار خدایا، امور ما را در وطن به هنگام سفر ما اصلاح کن و آنچه را به ما داده ای مبارک گردان و ما را از عذاب جهنم نگاه دار. بار خدایا، از سختی سفر و پریشانی به هنگام بازگشت و حوادث بد در خانواده و مال و فرزندان به تو پناه می بریم. بار خدایا، تو یار و یاور منی. بار خدایا، دوری و رنج آن را از من جدا کن و در آن یار من باش و در خانواده من با خیر و نیکی جانشین من باش. هیچپناهگاه و قدرتی نیست مگر به واسطه خدای والا و بزرگ مقام». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۲۵ و ۲۶.

۲. سید بن طاووس رحمه الله روایت کرده است که هرگاه در وقتی که سفر کردن کراهت دارد بخواهی سفر کنی، قبل از رفتن به سفر سوره حمد، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، آیه الکرسی، (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) و آیه ۱۹۰ سوره آل عمران (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ)، تا پایان سوره را بخوان، سپس بگو: اللَّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ وَبِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِحُكِّكَ وَلَا قُوَّةَ يَمْتَازُهَا ذُو الْقُوَّةِ إِلَّا بِمُنِّكَ، أَسْأَلُكَ بِصِفَاتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِزَّتِهِ وَسِدِّيقِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَآكْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَضُرَّهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُمْنَهُ وَأَقْضِ لِي فِي مُتَصَرِّفَاتِي بِحُسْنِ الْعَافِيَةِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْأُمِّيَّةِ وَكِفَايَةِ الطَّاعِنَةِ الْغُويَّةِ وَكُلِّ ذِي قَمَدَرَةٍ لِي عَلَى أذِيَّةٍ حَتَّى أَكُونَ فِي جُنَّةٍ وَعَضِيْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنَقِمَةٍ وَأَبْدَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَافِيفِ أَمْنًا وَمِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُشْرَأُ، حَتَّى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَلَا يَحِلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَدَى الْعِبَادِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ». (۱)

۱- ترجمه: «بار خدایا، هر بزرگی به وسیله تو بزرگی می کند و هر فخرکننده ای به وسیله تو افتخار می کند و هر صاحب قدرتی جز به وسیله تو قدرت ندارد و هیچ قدرتمندی را جز قدرت تو ممتاز نکند. به حق برگزیده ات از مخلوقات و انتخاب شده ات از مردم، محمد پیامبر تو ۹ و عترت و خاندانش: بر او و بر ایشان درود فرست و شرف امروز و زیانش را از من برطرف کن و خیر و برکتش را روزی من گردان و در تمام تصرفات منحسن عاقبت و رسیدن به محبت و امتیاز و کفایت در برابر طغیانگر گمراه کننده و هر صاحب قدرتی که قصداذیت دارد نصیحت کن تا از هر بلا و کینه ای در امان باشم. ترس ها را به امن و مشکلات را به آسانی مبدلگردان، تا هیچ کس مانع مراد من نشود و آزار هیچ کس مرا فرا نگیرد، زیرا تو بر هر چیزی توانایی و کارهابه سوی تو بازمی گردد. ای کسی که هیچ چیز مانند او نیست و او شنوا و بیناست». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۲۹.

## کتاب های نجوم را بسوزان

در حدیثی آمده است که عبدالملک به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به علم نجوم و طالع بینی سخت معتقد شده ام، تا آن پایه که هرگاه بخواهم کاری کنم به طالع خود نظر می افکنم، اگر طالع خود را نیک بینم به سراغ آن کار می روم و اگر شرّ باشد آن را ترک می کنم. حضرت فرمود: «حاجت برآورده می شود؟» گفت: آری. امام فرمود: «کتاب های مربوط به این موضوع را بسوزان». (۱)

## آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر

### غسل کردن پیش از سفر

در روایتی که سید بن طاووس نقل کرده است، بر کسی که قصد سفر دارد مستحب است قبل از رفتن به سفر غسل کند و پیش از غسل کردن این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَالصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِي قَلْبِي وَأَشْرِحْ بِي صَدْرِي وَنَوِّرْ بِي قَبْرِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً، مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَفِّهِ وَعَاهِهِ وَسُوءٍ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَطَهِّرْ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَدَمِي

وَشَعْرَى وَبَشْرَى وَمُخَى وَعَصْبَى وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِيْ شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِيْ وَفَقْرِيْ وَفَاقَتِيْ اِلَيْكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. (۱)

### نماز خواندن پیش از سفر

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ جانشینی برای مسافر در بین خانواده، بهتر از این نیست که به هنگام سفر دو رکعت نماز بگذارد و سپس بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتُوْدِعُكَ نَفْسِيْ وَاَهْلِيْ وَمَالِيْ وَدُرِّيَّتِيْ وَدُنْيَايَ وَاٰخِرَتِيْ وَاَمَانَتِيْ وَخَاتِمَةَ عَمَلِيْ. (۲)

سید بن طاووس؛ گوید: در رکعت اول (قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ) و در رکعت دوم (اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ) را بخوان (۳) و بعد از نماز این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتُوْدِعُكَ الْيَوْمَ

نَفْسِيْ وَاَهْلِيْ وَمَالِيْ وَوَلَدِيْ وَمَنْ كَانَ مِنِّيْ بِسَبِيْلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ. اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْنَا وَاَحْفَظْ عَلَيْنَا. اَللّٰهُمَّ اجْمَعْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ، اِنَّا اِلَيْكَ رَاغِبُونَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوْءِ الْمُنْظَرِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوْجِّهُ اِلَيْكَ هَذَا التَّوْجُّهَ طَلَبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا اِلَيْكَ، فَبَلِّغْنِيْ مَا اُوْمَلُّهُ وَاَرْجُوْهُ فِيكَ وَفِيْ اَوْلِيَائِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. (۴)

۱- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). هیچ پناهگاه و قدرتی مگر به سبب خدای والا و بزرگ نیست، و بر آیین رسول خدا و راستگویان از جانب خدا هستم. پروردگارا، به وسیله آن قلبم را پاکوسینه ام را گشاد و قبرم را نورانی گردان. بار خدایا، آن را برای من نور و پاکیزگی و دعا و شفای از هر درد و آفت و رنج و بدی از آنچه می ترسم و بر حذر هستم قرار ده. پروردگارا، قلب و اعضا و جوارح و استخوان ها و خون و مو و مغز و اعصابم و آنچه را که زمین از من در بر گرفته پاک گردان. بار خدایا، ای پروردگار جهانیان، آن را برای من در روزیکه نیاز به تو دارم گواه قرار ده، زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی.» الامان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۲۰.

۲- ترجمه: «بار خدایا، خود و خانواده و مال و فرزندان و دنیا و آخرت و پایان کارم را به تو می سپارم.» محاسن، ص ۳۴۹، ح ۲۹؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۱.

۳- الامان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۲۷.

۴- ترجمه: «بار خدایا، امروز خود و خانواده و مال و فرزندان خویش و همراهانم در این سفر، حاضر و غایب از آنان را به تو می سپارم. خدایا، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. خدایا، ما را در رحمت خویش گرد آور و فضل خود را از ما نگیر که ما به سوی تو رغبت داریم. بار خدایا، از رنج سفر و پریشانی بازگشت و بد دیدن در خانواده و مال و فرزندان در دنیا و آخرت به تو پناه می بریم. بار خدایا، من با این توجه به تو خواهان خشنودی و تقرب به سوی تو هستم، پس مرا به آنچه که آرزوی من است و امیدوار به آن نسبت به تو و دوستان تو هستم برسان، ای مهربان ترین مهربانان.» الامان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۲۸.

واگر بخواهی این دعا را هم بخوان: اَللّٰهُمَّ خَرَجْتُ فِي وَجْهِ هَذَا، بِلَا ثِقَةٍ مِنِّي لِغَيْرِكَ وَلَا رَجَاءٍ يَأْوِي بِي اِلَّا اِلَيْكَ وَلَا قُوَّةَ اَتَكِلُ عَلَيْهَا وَلَا حِيلَةَ الْجَبُّ اِلَيْهَا، اِلَّا طَلَبَ رِضَاكَ وَاِئْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ وَتَعَرُّضًا لِثَوَابِكَ وَسِيَّكُونًا اِلَى حُسْنِ عَائِدَتِكَ وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عِلْمِكَ فِي وَجْهِ، مِمَّا احِبُّ وَاَكْرَهُ. اَللّٰهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَمَقْضِيَّ كُلِّ لَأٍ وَاِءٍ وَاَبْسُطْ عَلَيَّ كِنْفًا مِنْ رَحْمَتِكَ وُلُطْفًا مِنْ عَفْوِكَ وَسَيِّعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَتَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ وَجَمَاعًا مِنْ مُعَافَاتِكَ وَوَفِّقْ لِي فِيهِ يَا رَبِّ جَمِيعَ قَضَائِكَ عَلَيَّ مُوَافِقَةً هَوَايَ وَحَقِيقَةً عَمَلِي وَاذْفَعْ عَنِّي مَا اَخِذُرُ وَمَا لَا اَخِذُرُ عَلَيَّ نَفْسِي، مِمَّا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَاَجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي لِاٰخِرَتِي وَدُنْيَايَ، مَعَ مَا اَسِيْتُكَ اَنْ تُخَلِّفَنِي فِيمَنْ خَلَّفْتُ وَرَائِي، مِنْ وُلْدِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَاِخْوَانِي وَجَمِيعِ حُرَاتِنِي، بِافْضَلِ مَا تَخَلِّفُ فِيهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَحِفْظِ كُلِّ مَضِيْعَةٍ وَتَمَامِ كُلِّ نِعْمَةٍ وِدِفَاعِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَكِفَايَةِ كُلِّ مَحْذُورٍ وَصِرْفِ كُلِّ مَكْرُوهِ وَكَمَالِ مَا يَجْمَعُ لِي بِه الرِّضَا وَالسُّرُورَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، ثُمَّ اَرْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسِيْتُوَدْعُكَ الْيَوْمَ، دِيْنِي وَنَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَذَرِيَّتِي وَجَمِيعِ اِخْوَانِي. اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْ الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ. اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْنَا وَاَحْفَظْ عَلَيْنَا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جِوَارِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَعَافِيَةٍ وَفَضْلٍ». (۱)

۱- ترجمه: «بار خدایا، خارج شده ام در این مسیر در حالی که به غیر تو اعتماد ندارم و امید نیست که پنهانگاهی جز به سوی تو بیابم و نه نیرویی که به آن تکیه کنم و نه چاره ای که به آن پناه برم، مگر درخواست خشنودی و رحمت تو و در پی پاداش و امیدواری به بخشش تو و تو می دانی چه چیز را دوست دارم و چه چیزی را خوش ندارم. بار خدایا، تقدیر هر بلا و قضای هر سختی را از من دفع کن! گوشه ای از رحمت و احسانی از بخشش تو و گشایشی از روزی تو و کمالی از نعمت تو و عافیت فراوانی را بر من گسترش ده! تقدیرات خود را طبق نیازهای من قرار ده و آنچه را که بر خود بیم دارم یا بیم ندارم، از آن چیزهایی که تو از من داناتری از من دفع کن و آن را خیر و نیکی برای آخرت و دنیای من قرار ده، اضافه بر این، از تو می خواهم که جانشین من باشی در آنچه که از خود (در وطن) به جای گذاردم از فرزندان و خانواده و مال و برادران و هر کسی که اندوه او را می خورم، به بهترین وجهی که نسبت به مؤمنین قائم مقام آنها می شوی، در پوشیدن هر بدی (عورت) و نگهداری هر مال و کامل کردن هر نعمت و دور کردن هر گناه و بازداشتن هر ترس و حفظ از هر بدی و کامل کردن آنچه که خشنودی دنیا و آخرت را برای من در بر خواهد داشت. سپس یاد و سپاس و اطاعت و عبادت خود را روزی من کن، تا تو از من به طور کامل راضی شوی. بار خدایا، من امروز دین و جان و خانواده و مال و فرزندان و همه برادرانم را به تو می سپارم. بار خدایا، حاضر و غایب ما را حفظ کن. خدایا، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. بار خدایا، ما را در کنار خود جای ده و نعمت خود را از ما نگیر و نعمت و عافیت و فضل خود را نسبت به ما تغییر نده.»

## دعا خواندن پیش از رفتن به سفر

۱. در روایتی آمده است: هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آماده حرکت برای سفر می شد چنین دعا می کرد: **اللَّهُمَّ بِعَمَلِكِ انْتَشَرْتُ وَبِإِيْمَتِكَ تَوَجَّهْتُ وَبِعَمَلِكَ اعْتَصِمْتُ، أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي. اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا لَا أَهْمَ لَهُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. اللَّهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوَى وَاغْفِرْ لِي وَوَجِّهْنِي إِلَى الْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ.** (۱)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گاه کسی برای سفر از خانه بیرون می رود بگوید: **اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ.**» (۲)

سپس دعاهایی را که هنگام بیرون رفتن از خانه و سوار شدن - در فصل های سابق گذشت - بخواند و آن گاه که سوار شد بگوید: **«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ**

۱- ترجمه: «بار خدایا، به یاری تو می روم و به تو روی می آورم و به دامن لطف تو چنگ می زنم؛ چون تو پناهگاه و امید من هستی. خداوند، آنچه را در نظر دارم و ندارم و آنچه را تو از من بهتر می دانی، کفایت کن. بار خدایا، توشه ام را تقوا قرار ده و مرا پیامرز و به هر جا که رو کنم مرا به خیر رهنمون باش.» مکارم الأخلاق، ص ۴۴۶.

۲- ترجمه: «بار خدایا، تو رفیق در سفر و حمل کننده بر مرکب و جانشین در خانواده و مال و فرزندانم هستی.»



وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ. سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَالْمُسْتَتَعَانُ عَلَى الأَمْرِ. اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بِلَاغًا تَبْلُغُ بِهِ إِلَى خَيْرٍ، بِلَاغًا تَبْلُغُ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ. اللَّهُمَّ لَا ضَيْرَ إِلَّا ضَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا حَافِظَ غَيْرِكَ». (۱)

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که هرگاه امام باقر علیه السلام می خواست به سفر برود، خانواده اش را در اتاقی دور جمع می کرد و این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ الغَدَاةَ نَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَالشَّاهِدَ مِنَّا وَالغَائِبَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكَ. اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُعَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَفَضْلِكَ. (۲)

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که هرگاه حضرت صادق علیه السلام عزم سفر می کرد، این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَأَحْسِنْ تَسْيِيرَنَا وَأَعْظِمْ عَافِيَتَنَا. (۳)

۵. در روایت دیگری آمده است که آن حضرت به هنگام رفتن به سفر چنین دعا می کرد: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ، بِاللَّهِ أَسِي تَفْتِيحِ وَبِاللَّهِ أَسِي تَنْجِيحِ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ. اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حُزُونِهِ وَذَلِّلْ لِي

۱- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به اسلام هدایت کرد و به نبوت محمد صلی الله علیه و آله بر ما منت گذاشت. منزّه است خدایی که این (مرکب) را مسخر ما کرد و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ و ما به سوی پروردگاران بازمی گردیم و حمد و ستایش مخصوص خداوند دو جهان است. بار خدایا، تو حمل کننده بر مرکب و کمک کننده بر کارها هستی. خداوندا، ما را به گونه ای به مقصد برسان که به سبب آن بهمه خیرات و رحمت و رضوان و مغفرت تو برسیم. بار خدایا، هیچ ضرری جز به اراده تو نیست و هیچ خیری جز از سوی تو نمی باشد و هیچ کس جز تو حافظ ما نیست». خصال، ج ۲، ص ۴۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۲- ترجمه: «بار خدایا، از آغاز صبح خودم و مال و خانواده و فرزندانم از حاضر و غایب را به تو می سپارم. خداوندا، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. بار خدایا، ما را در کنار خویش قرار ده! خدایا، نعمت را از ما سلب نکن و عافیت و فضل خود را نسبت به ما تغییر نده». محاسن، ص ۳۵۰، ح ۳۰؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۲.

۳- ترجمه: «خداوندا، راه را بر ما باز کن و مسیر ما را نیکو ساز و عافیت ما را کامل کن». محاسن، ص ۳۵۰، ح ۲۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۷، ح ۷۹۱.

كُلَّ صُعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَأَصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا أَخْذُرُ فِي عَافِيَةٍ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

واین دعا را نیز می خوانند: اَسْتَيْلُ اللهُ الَّذِي بِيَدِهِ مَا دَقَّ وَجَلَّ، بِيَدِهِ أَقْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ، أَنْ يَهَبَ لَنَا فِي سَفَرِنَا أَمْنًا وَإِيمَانًا وَسَلَامَةً وَإِسْلَامًا وَفَقْهًا وَتَوْفِيقًا وَبَرَكَهَ وَهُدًى وَشُكْرًا وَعَافِيَةً وَمَغْفِرَةً وَعِزْمًا، لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا. (۲)

۶. نیز در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قصد سفر دارد هنگامی که در خانه از جای برمی خیزد و قصد حرکت به شهر مقصد می کند سوره حمد را از پیش رو و سمت راست و جانب چپ بخواند، سپس آیه الکرسی را هم به همین صورت تلاوت کند، پس از آن بگوید: اَللّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَسَلِّمْ لِي وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ». (۳)

۷. سید بن طاووس؛ روایت کرده است که چون بر در خانه بایستد تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و سوره حمد را از پیش رو و سمت راست و چپ، سپس آیه الکرسی را به همین صورت تلاوت کند، سپس بگوید: اَللّهُمَّ

۱- ترجمه: «بار خدایا، من و آنچه را که با من است حفظ کن و من و آنچه را که با من است به صورتی نیکو و زیبابه مقصد برسان. به کمک خداوند سفر را آغاز می کنم. از خدا یاری می جویم و از او کمک می طلبم. و به محمد صلی الله علیه و آله روی می آورم. بار خدایا، هر مشکلی را بر من آسان و هر سختی را هموار گردان و تمام خیرونیکي ها را بیش از آنچه که امید دارم عطايم کن. و تمام شرور و بدی ها را بیش از آنچه که واهمه دارم از مندور کن، در حالی که در عافیت باشم. ای مهربان ترین مهربانان». مکارم الأخلاق، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.

۲- ترجمه: «از خدایی که روزی هر موجود کوچک و بزرگ و روزی فرشتگان به دست اوست، می خواهم که در این سفر به ما امتیت و ایمان و سلامت و اسلام و فهم و توفیق و برکت و هدایت و شکر و عافیت و بخششواراده عنایت کند و هیچ گناهی را برای ما باقی نگذارد». مکارم الأخلاق، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.

۳- ترجمه: «بار خدایا، من و آنچه تعلّق به من دارد را حفظ کن. و من و آنچه همراه من است را به سلامت بدار. و خود و همراهانم را به بهترین صورت ممکن به مقصد برسان». کافی، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۴۶.

إِلَيْكَ وَجْهْتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا حَوَّلْتَنِي، قَدْ وَثِقْتُ بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي، يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ. اللَّهُمَّ صِدِّقْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي فِيمَا غِيَّتْ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي مَا تَوَجَّهْتُ لَهُ وَسَبِّبْ لِي الْمُرَادَ وَسَخِّرْ لِي عِبَادَكَ وَبِلَادَكَ وَارْزُقْنِي زِيَارَةَ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِثْمَ مِنْ وُلْدِهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُيَدَّنِي مِنْكَ بِمَالْمَعُونَةِ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي وَلَا إِلَى غَيْرِي فَأَكِلُ وَأَعْطِبُ وَرَوِّدْنِي التَّقْوَى وَاغْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ. (۱)

واین دعا را نیز بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَاسْتَيْتَعَنْتُ بِاللَّهِ وَاللَّجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ. رَبِّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ لِأَنَّهُ لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَهِي إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَضُرُّ الشُّوْءَ إِلَّا أَنْتَ، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ آلاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ. (۲)

در روایتی آمده است که هر کس صبح از خانه بیرون آید و دعای بالا را

۱- ترجمه: «بار خدایا، رو به سوی تو آوردم و تو را جانشین خود در مورد اهل و مال و تعهداتی که به منسپرده ای قرار دادم. به تو اعتماد کردم پس ناامیدم نکن. ای کسی که ناامید نمی کنی شخصی را که به سویتو آمده و ضایع نمی کنی کسی را که به یاد تو است. خداوند، بر محمد و آل محمد درود بفرست و مرا نسبتبه آنچه که از آن غفلت کردم حفظ کن و به خود وانگذار، ای مهربان ترین مهربانان. بار خدایا، مرا در این سفر به مقصد برسان و اهداف سفر را بر من آسان بگردان و بندگان و شهرهایت را با من همراه ساز و زیارتحضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و امامان معصوم از فرزندان علی و تمام اهل بیت علیهم السلام را روزی امگردان. و در تمام احوال کمک من باش و مرا به خودم یا دیگری وامگذار تا بخورم و به زحمت بیفتم. و تقوا را توشه ام کن و در دنیا و آخرت مرا بیامرز. بار خدایا، مرا جزئی کسانی قرار ده که بیشترین توجه را به تو دارند.»

۲- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع کردم). و بر خدا توکل کردم و از خدا کمک جستم و بر خداتکیه نمودم و کار خود را به خدا واگذار کردم. پروردگارا، به کتابی که نازل کردی و به پیامبری که فرستادایمان آورده ام، زیرا جز تو نیکی نیاورد و جز تو بدی را باز ندارد. کسی که در جوار تو است عزیز و سربلند و ثنای تو بزرگ و نام های تو مقدس و نعمت های تو بزرگ است و معبودی جز تو نیست.»

بخواند، تا شب هنگام که به خانه بازمی گردد بلایی به او نخواهد رسید. و هر کس شب به هنگام بیرون رفتن از خانه آن را بخواند، تا صبح که به خانه بازمی گردد بلایی به او نرسد. (۱)

## دعای سفر

### اشاره

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سفر کند و این آیات را بخواند، خداوند متعال او را از دزد و حیوان درنده و زهردار تا زمانی که به سوی خانواده اش باز گردد حفظ می کند. و تا زمانی که باز گردد فرشتگان بسیاری همراهش باشند و برایش استغفار کنند: (وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ \* وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَشِيْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ \* فَسَأَلْنَاهُ لِمَا تَأْجُرُنَّ إِلَى الْفُلِّ قَالَ رَبُّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتُ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ \* فَجَاءَتْهُ إِخِدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى السَّبِيلِ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرًا مَا سَأَلْتَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ \* قَالَتْ إِخِدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْذِنْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْذَنَ الْقَوْمَ الْقَوِي الْأَمِينُ \* قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَابٍ فَمِنْ عَشْرٍ آفَافٍ مِمَّنْ عِنْدَكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَلَيْهِ سِجْدِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ \* قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجْلِينَ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ).» (۲)

۱- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۹۴ و ۹۵.

۲- ترجمه: «وهنگامی که به سوی مدین حرکت کرد گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند». وهنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را آب می دهند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که از گوسفندان خویش مراقبت می کنند (و به چاه نزدیک نمی شوند؛ موسی) به آن دو گفت: «منظور شما (از این کار) چیست؟» گفتند: «ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانان همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (قادر بر این کارها نیست)». - موسی برای (گوسفندان) آن دو آبکشید؛ سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگارا، به هر خیر و نیکی که تو بر من فرو فرستی نیازمندم». ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوتی کند تا مزد آب دادن (گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد». هنگامی که موسی نزد او [=شعیب] آمد و سرگذشت خود را برای او شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ستمکار نجات یافتی». - یکی از آندو (دختر) گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است که نیرومند و درستکار باشد (و او همین مرد است)». - (شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، (محببتی) از ناحیه تو است؛ من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم؛ و اگر خدا بخواهد مرا از صالحان خواهی یافت». - (موسی) گفت: «(مانعی ندارد)، این قراردادی میان من و تو باشد؛ البته هر کدام از این دو مدت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم)؛ و خدا بر آنچه ما می گوئیم گواهاست». (سوره قصص، آیات ۲۲ - ۲۸) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۸۷۶.

### همراه داشتن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در سفر

۱. از چیزهایی که باید در سفر به همراه خود داشت، تسبیح تربت امام حسین علیه السلام است. هنگامی که امام صادق علیه السلام به عراق آمد مردم نزد آن حضرت جمع شدند و پرسیدند: می دانیم تربت امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است، اما آیا باعث ایمنی از بیم و خوف هم می شود؟ حضرت فرمود: «هرگاه کسی بخواند از هر بیم در امان باشد، تسبیحی از تربت آن حضرت در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند: **أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ وَجِوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوُلُ وَلَا يُحَاوِلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ، مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جُنَّتِهِ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ يَلْبَسُ سَابِغِهِ وَلاَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ، مُخْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَذِيهِ، بِجِدَارِ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْأَعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ، أُوَالِي مَنْ وَالُوا وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا، فَاعْتَذِرْني اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمَ حَاجَزَتِ الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدِيحِ**

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱) اَنَا (جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ) (۲) سپس تسبیح را ببوسد و بر روی هر دو چشم بگذارد و بگوید :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّزْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ حَيْدِهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أُخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ (۳) اگر صبح این عمل را به جا آورد تا شب در امان باشد و اگر شب به این دستور عمل کند تا صبح در امان باشد». (۴)

۲. در روایتی دیگر آمده است: هر کس از سلطان یا شخص دیگری بترسد و هنگام خارج شدن از خانه به سفارش بالا عمل کند، از شرّ او در امان باشد. (۵)

### انگشتر به دست کردن در سفر

در فصل دوم همین کتاب، انگشترهای مناسب سفر بیان شد.

۱- ترجمه: «بار خدایا، در حالی شب را به صبح رساندم که به جوار منبع تو که دست هیچ کس به آن نمی رسد و مورد تجاوز واقع نمی گردد پناه آورده ام. از شرّ هر ستمگر و هر راهزنی، از تمام کسانی که آفریده ایو چیزهای دیگری که خلق کرده ای، چه (آنها که) خموش (اند) و چه گویا، (خود را) در سپری از هر چیز ترسناکی (نهادم) با لباسی بافته شده از دوستی خاندان پیامبرت و خود را می پوشانم از هر کس که قصد آزارم کند به سنگر محکم اخلاص، با اعتراف به حقّ آن بزرگواران و تمسک به رشته دوستی ایشان، در حالیکه یقین دارم حق مخصوص آنها و نزد آنها و پیش آنها و به وسیله آنهاست. دوست دارم هر کسی را که آنها دوست دارند و دوری می جویم از هر کس که آنها از او دوری جویند. پس خدایا به حقّ آنان مرا از شرّ هر آنچه از آن می ترسم پناه ده! ای خدای بزرگ، من دشمنان را به وسیله خدای پدیدآورنده آسمان ها و زمین از خود دور ساختم».

۲- ترجمه: «(بی شک ما) در پیش روی آنان سدی قرار دادیم و در پشت سرشان سدی و چشمانشان را پوشانده ایم، لذا نمی بینند». سوره یس، آیه ۹.

۳- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم به حقّ این تربت مبارک و به حقّ جدّ و پدر و مادر و برادر و فرزندانپاکش که آن را برای هر دردی شفا و برای هر ترسی امان و برای هر بدی وسیله محافظت قرار دهی».

۴- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۳۳ و ۳۴. در مورد دعای اول فقط اشاره شده که چنین دعایی هست.

۵- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۳۴.

## خواندن سوره عبس در سفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سوره عبس را در کاغذی سفید بنویسد و به هر کجا سفر کند آن را همراه خود ببرد، در آن سفر به جز نیکی نبیند و از خطرهای آن راه محفوظ بماند». (۱)

## به همراه بردن تعویذ در سفر

از جمله تعویذهایی که مناسب سفر است تعویذی است که در روایتی در قبضه شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله جاسازی شده بود که به این شرح است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَسْأَلُكَ يَا مَلِكَ الْمَلُوكِ، الْأَوَّلِ، الْقَدِيمِ الْإِبْدِيِّ، الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَحُولُ، أَنْتَ اللَّهُ الْعَظِيمُ، الْكَافِي لِكُلِّ شَيْءٍ، الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ. اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ، الْوَاحِدِ الْأَحَدِ، الصَّمَدِ الَّذِي

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. وَاجْتَبِ شُرُورَهُمْ وَشُرُورَ الْأَعْدَاءِ كُلَّهُمْ وَسُيُوفِهِمْ وَبَأْسِهِمْ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ. اللَّهُمَّ اجْتَبِ عَنِّي شَرَّ مَنْ أَرَادَنِي بِحِجَابِكَ الَّذِي اجْتَبَيْتَ بِهِ فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ شَرِّ فِسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ سَلَاحِهِمْ وَمِنْ الْحَدِيدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يُتَخَوَّفُ وَيُحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ وَعَلَيْهِ أَقْدَرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا». (۲)

۱- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۷۶.

۲- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. یا الله یا الله یا الله، از تو درخواست می کنم ای پادشاه پادشاهان، کهنخت و قدیم و همیشگی هستی و نابود نمی شوی و تغییر نمی پذیری. تو آن خدایی هستی که بزرگیو برای هر چیز کافی و بر هر چیز احاطه داری. بار خدایا، به نام بزرگ و یگانه و یکتا و بی نیازت که نه کسی از او متولد شده و نه او از کسی و برای او مانندی نیست، مرا کفایت کن. خدایا، شرّ آنان و شرّ تمام دشمنان و شمشیرها و هر گونه سلاح آهنین (از ناحیه) آنان را از ما باز دار. خداوند بر همه آنها احاطه دارد. بار خدایا، شرّ کسانی را که قصد بدی به من دارند به حجاب خود که با آن نگاه می داری و احدی نسبت به آن نگاه بدنمی کند از من بازدار؛ شرّ فاسقان جنّ و انس و شرّ سلاح هایشان، به ویژه سلاح های آنان و از هر چیز خوفناک و مورد حذر و شرّ هر سختی و بلا و شرّ هر چیزی که تو به آن داناتری و بر (دفع) آن تواناتر، زیرا تو بر هر چیزی توانایی و درود و سلام خداوند بر پیامبرش محمد و اهل بیتش». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۷۶.

## وسایل سفر پیامبر صلی الله علیه و آله و سفارشات لقمان

۱. در حدیث است که هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سفر می رفت شیشه روغن (برای چرب کردن بدن)، سرمه دان، قیچی، آئینه، مسواک، شانه، سوزن، طناب، چیزی که با آن کفش را وصله می کنند و نعل حیوان را به همراه می برد. (۱)
۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت لقمان به پسرش گفت: فرزندم، هنگامی که قصد سفر داری شمشیر، کمان، اسب، کفش، عمامه، طناب های

لازم، ظرف آب، سوزن خیاطی و داروهای مورد نیاز خود و همراهانت را همراه داشته باش. (۲)

### توشه سفر

#### اهمیت به همراه بردن توشه سفر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «آبروی انسان در این است که برای سفر توشه مناسبی بردارد». (۳)
۲. در حدیثی می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام هرگاه به سفر حج یا عمره می رفت از بهترین توشه ها - مانند بادام، شکر، قاووت ترش و شیرین - برمی داشت و به همراه می برد. (۴)

۱- مکارم الأخلاق، ص ۳۵.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۵۲، ح ۴۶۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۵، ح ۸۳۴.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۸۳۰.

۴- محاسن، ص ۳۶۰، ح ۸۳؛ کافی، ج ۸، ص ۲۵۲، ح ۴۶۸.



### توشه لازم برای سفر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که به سفر می روید سفره ای با خود ببرید و غذاهای خوب را در آن سفره بگذارید». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «در میان توشه ات نان بگذار که باعث برکت می شود». (۲)

۳. در حدیث است که امام صادق علیه السلام از یکی از یارانش پرسید: «به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می روید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «سفره ای (طعام، توشه مسافر) با خود می برید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «اگر به زیارت قبر پدر یا مادر خود بروید چنین نخواهید کرد». گفتند: پس چه بخوریم؟ فرمود: «نان با شیر یا ماست». (۳) (و در این سفر زیارتی غذای شما ساده باشد).

### اعتدال و میانه روی در هزینه های سفر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین روش هزینه کردن در نزد خدا میانه روی است و خداوند هزینه بسیار را دشمن می دارد، مگر در راه حج یا عمره». (۴)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به من خبر رسیده که عده ای چون به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می روند با خود سفره ای برمی دارند که در میان آن غذاهای مطبوع و گوناگون است؛ اگر به زیارت قبر دوستان خود بروند چنین کاری نمی کنند». (۵)

۱- محاسن، ص ۳۶۰، ح ۸۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۸۲۶.

۲- محاسن، ص ۳۶۰، ح ۸۴.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۸۲۸.

۴- محاسن، ص ۳۵۹، ح ۷۷، مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۸۲۹.

### مراقبت از توشه سفر

۱. در حدیث است که صفوان از امام صادق علیه السلام پرسید: من خانواده ام را همراه خود به حج می برم و پول خود را بر کمرم می بندم. حضرت فرمود: «اشکالی ندارد. پدرم می فرمود: توانایی مسافر در این است که نفقه خود را حفظ کند». (۱)
۲. در روایتی دیگر آمده است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دراهمی را که صورت هایی در آن نقش کرده اند همراه خود دارم و آنها را در همیان می گذارم و در حال احرام به کمر می بندم، چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». آن پول خرجی تو است و تکیه تو پس از (لطف) خدا بر آن است». (۲)

### آداب معاشرت با همسفر

#### آداب سفر

#### تنها سفر نکن

۱. در چندین حدیث آمده است که هر که تنها سفر کند ملعون است. (۳)
۲. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش کرد: «ای علی، هرگز تنها به مسافرت نرو که شیطان با انسان تنهاست و از دو نفر دورتر است. ای علی، هر که تنها به سفر رود گمراه است و دو نفر که می روند دو گمراهند و سه نفر مسافران (در طریق هدایت) اند». (۴)

۱- محاسن، ص ۳۵۸، ح ۷۴.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۲۶۶.

۳- محاسن، ص ۳۵۶، ح ۵۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۸۱۰.

۴- محاسن، ص ۳۵۶، ح ۵۶؛ کافی، ج ۸، ص ۲۵۱، ح ۴۶۵.

۳. در روایتی دیگر آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، حضرت از او پرسید: «چه کسی در راه همسفر تو بود؟» عرض کرد: تنها بودم. فرمود: «اگر جلوتر تو را می دیدم به تو می آموختم که چگونه باید سفر کرد». سپس فرمود: «یک نفر شیطان است دو نفر شیطان اند، سه نفر مصاحب اند و چهار نفر رفیقان اند». (۱)

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس به سفر می رود بگوید: ما شاءَ اللهُ، لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ آانسْ وَحَشْتِي وَأَعْنِي عَلَى وَحْدَتِي وَأِدِّ غَيْبَتِي». (۲)

### حق همسفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حق مسافر بر همسفرانش آن است که هر زمان بیمار شود سه روز برای او توقف کنند». (۳)

### هزینه های سفر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مستحب است همه همسفران هزینه های خود را روی هم بگذارند که این کار باعث خشنودی خاطر و نیکی اخلاقشان می شود». (۴)

۱- محاسن، ص ۳۵۶، ح ۵۸؛ کافی، ج ۸، ص ۲۵۱، ح ۴۶۳.

۲- ترجمه: «آنچه را خداوند اراده کند تحقق می یابد. هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه خدا نیست. بار خدایا، تو مونس تنهایی ام باش، بر تنهایی ام کمک کن و کمبودهای زمان غیبتم را جبران کن». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۸۰۷.

۳- محاسن، ص ۳۵۸، ح ۷۲؛ کافی، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۴.

۴- محاسن، ص ۳۵۹، ح ۷۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۸۱۵.

۲. در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: گروهی با هم دوست می شوند و در میان آنها غنی و فقیر وجود دارد، آیا غنی می تواند به هزینه های فقیر کمک کند؟ فرمود: «اگر قلباً راضی باشند اشکالی ندارد». (۱)

## همسفران

### اهمیت و تعداد همسفر

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اول همسفر (خوبی) پیدا کن، سپس به سفر برو».

(۲)

۲. در روایتی دیگر فرمود: «دو نفر با هم همسفر نمی شوند مگر اینکه محبوب ترین آنها نزد خدا کسی است که با رفیقش بیشتر مدارا کند و او ثوابش بیشتر است». (۳)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی بیش از هفت نفر نمی شوند مگر اینکه سر و صدایشان بسیار خواهد بود». (۴)

نکته: از روایات بالا معلوم می شود که حداقل همسفر سه نفر و حداکثر آنها هفت نفر و بیش از آن مناسب نیست.

### ویژگی های علمی و اخلاقی و مالی همسفر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسی دوستی کن که به

۱- محاسن، ص ۳۵۷، ح ۶۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱. روایت مزبور در هر دو مصدر از امام صادق علیه السلام است.

۲- محاسن، ص ۳۵۷، ح ۶۱ و ۶۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱.

۳- محاسن، ص ۳۵۷، ح ۶۱ و ۶۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱.

۴- کافی، ج ۸، ص ۲۵۱، ح ۴۶۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۸۲۰.

سبب او زینت یابی و با کسی که او به وسیله تو زینت یابد سفر نکن». (۱)

یعنی با کسی همسفر شو که علم و کمالات او از تو بیشتر باشد.

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسی که فضیلت تو را بر خود نداند آن قدر که تو از فضیلت او بر خود می دانی سفر نکن». (۲)

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با مثل خود رفاقت کن و با کسی رفیق نشو که خرج تو را بدهد که موجب خواری و ذلت مؤمن است». (۳)

۴. در حدیث است که شخصی به نام شهاب می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شما می دانید که من انسان توانگر و ثروتمندی هستم و به برادران دینی خود احسان می کنم. گاه با گروهی از آنان در راه مکه رفیق و همسفر شده و برایشان بسیار هزینه می کنم. این کار چه حکمی دارد؟ فرمود: «ای شهاب، چنین کاری نکن زیرا اگر دست به جیب شوی و هزینه کنی و آنها هم بخواهند مانند تو هزینه کنند متضرر می شوند و اگر خرج نکنند باعث خواری آنها می شود؛ پس با کسانی که از نظر مالی مثل تو هستند مسافرت کن». (۴)

۵. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی با گروهی ثروتمند رفیق و همسفر می شود، آنها سهم خود را از هزینه های سفر می پردازند

و این شخص نمی تواند مانند آنها هزینه کند چه حکمی دارد؟ فرمود: «دوست ندارم چنین شخصی خود را خوار کند، پس با کسی رفیق شود که مانند او باشد». (۵)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۸۱۶.

۲- محاسن، ص ۳۵۷، ح ۶۲؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۶، ح ۵.

۳- کافی، ج ۴، ص ۲۸۶، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۸۱۸.

۴- کافی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۸۱۷.

۵- محاسن، ص ۳۵۹، ح ۷۹؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۸.

## سایر آداب سفر

### سفارشات لقمان در مورد سفر و همسفران

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت لقمان به فرزندش نصیحت کرد که در سفر این امور را مراعات کند:

۱. در سفرهای گروهی در مورد کارهای خودت و آنها با ایشان مشورت کن.

۲. در برخورد با آنان بسیار تبسم کن.

۳. در توشه راه و هزینه کردن در میان همسفرانت، کرامت و بزرگواری داشته باش.

۴. هنگامی که تو را به میهمانی دعوت کنند بپذیر.

۵. اگر از تو کمک خواستند آنها را کمک کن.

۶. در سه چیز بر آنها سبقت بگیر: در سکوت بسیار، در نماز فراوان، در سخاوت و جوانمردی نسبت به آنچه با خود همراه داری از توشه و مرکب.

۷. اگر از تو طلب شهادت کردند، یا بر امر حقی بخواهند گواه باشی قبول کن.

۸. هنگامی که با تو مشورت کردند سعی کن نظر خوبی به آنها ارائه دهی.

۹. زود تصمیم نگیر و نظر خود را به آنها نگو، تا در آن اندیشه و تفکر کنی.

۱۰. در هنگام مشورت پاسخ ایشان را نده، تا در آن فکر برخیزی و بنشیننی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز بخوانی و در اثنای این امور فکر و حکمت خود را در مشورت آنها به کارگیری، زیرا هر کس خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشورت می کند خالص نگرداند، خداوند عقل و رأی او را می گیرد و امانت را از او برمی دارد.

۱۱. هنگامی که همسفرانت پیاده می روند تو هم با آنها پیاده برو.

۱۲. هنگامی که دوستان همسفر تو کاری انجام می دهند به آنها کمک کن.

۱۳. اگر همسفران تو صدقه یا قرضی می دهند، تو هم همراه آنها این کار را انجام بده.

۱۴. سخن کسی را که از تو بزرگ تر است گوش کن.

۱۵. هرگاه همسفرانت کاری از تو می خواهند یا سؤالی می پرسند (حتی الامکان) پاسخ مثبت بده و نه نگو که نه گفتن، نشانه عجز و موجب سرزنش است.

۱۶. هنگامی که در سفر راه را گم کردید و حیران شدید، فرود آیید (وبه راه ادامه ندهید).

۱۷. اگر در مسیری که به سمت محلّ مورد نظر می روید تردید دارید توقّف کنید و با همدیگر مشورت نمایید و مصلحت خویش را بیابید.

۱۸. اگر یک نفر را در بیابان و بین راه دیدید خبر راه را از وی پرسید که وجود یک انسان تنها در بیابان انسان را به تردید می اندازد که شاید جاسوس دزدان یا شیطان باشد که می خواهد شما را سرگردان کند. و از دو نفر نیز پرهیزید مگر اینکه نشانه های مثبتی در آنها ببینید که من (شخص غایب) نیستم، زیرا انسان عاقل هنگامی که با چشمان خود به چیزی نظر کند آنچه را حقّ است تشخیص می دهد و حاضر چیزی می بیند که غایب متوجّه آن نمی شود.

۱۹. فرزندم، هنگامی که وقت نماز فرا می رسد آن را تأخیر نینداز و با خواندن به وقت نماز احساس راحتی کن، زیرا نماز بدهی است (که هر چه زودتر ادا کنی سبک بارتر می شوی).

۲۰. نماز را با جماعت به جای آور، هر چند بر سر نیزه باشی.

۲۱. بر روی چهار پا نخواب که به سرعت باعث زخم پشت آن می شود. و این کار انسان های عاقل نیست، مگر اینکه در کجاوه باشی که بر اثر سستی مفاصل

ممکن است انسان بخوابد.

۲۲. هنگامی که به محلّ استراحت نزدیک می شوی از مرکب پیاده شو که آن چهارپا یار ویاور تو است واول علف او را بده بعد خودت غذا بخور.

۲۳. هنگام فرود آمدن مکانی را انتخاب کنی که زیباتر و خاکش نرم تر و پر گیاه تر باشد.

۲۴. هنگامی که فرود آمدی دو رکعت نماز بخوان.

۲۵. چنانچه خواستی قضای حاجت کنی، به جای دوردستی برو.

۲۶. هنگام سوار شدن بر مرکب نیز دو رکعت نماز بخوان.

۲۷. آن گاه از آن زمین خداحافظی کن و بر آن زمین واهل آن سلام کن، زیرا در هر قسمتی از زمین چند فرشته وجود دارد.

۲۸. اگر بتوانی هر غذایی که می خوری مقداری از آن را صدقه بده.

۲۹. مادام که سوار هستی کتاب خدا را قرائت کن.

۳۰. به هنگام کار، یاد و تسبیح خدا را فراموش نکن.

۳۱. به هنگام تنهایی و بیکاری دعا کن.

۳۲. در اول شب راه نرو، بلکه در ابتدای شب فرود آی و در نیمه آخر شب حرکت کن.

۳۳. به هنگام سفر صدایت را بلند نکن». (۱)

### مرّوت در سفر و حضر

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مرّوت در حضر (وطن) عبارت است از: قرائت قرآن، همنشینی با علما، تفکر در فقه و سایر علوم،



محافظة بر نماز جماعت. و مرّوت در سفر عبارت است از: هزینه کردن توشه خود، مخالفت نکردن با همسفران، یاد کردن خدا در هنگام بالا رفتن از بلندی ها و فرود آمدن از پستی ها و ایستادن و نشستن». (۱)

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مرّوت در سفر عبارت است از: توشه فراوان برداشتن (که در صورت لزوم به دیگران کمک کند)، پاکیزه گرداندن توشه، بخشش به همسفران، پوشاندن رازهای همسفران، شوخی و مزاح بسیار، البتّه بدون معصیت و گناه». (۲)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «مرّوت نیست که انسان تمام آنچه را در سفر دیده نقل کند». (۳)

### کمک کردن به مسافران

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به مؤمن مسافر کمک کند، خداوند متعال هفتاد و سه مشکل از مشکلات دنیوی او را برطرف و او را از اندوه رها می کند. و به هنگامی که از شدت احوال قیامت نفس های مردم می گیرد، خداوند هفتاد و سه غم و شدت را از او برمی دارد». (۴)

### توشه سفر

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «توشه مسافر حُدی

۱- خصال، ج ۱، ص ۹۲، ح ۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۶۶، ح ۱.

۲- معانی الأخبار، ص ۲۵۸.

۳- محاسن، ص ۳۵۸، ح ۷۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۸۰۱.

۴- محاسن، ص ۳۶۳، ح ۹۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۸۷۵.

خواندن است (۱). همچنین خواندن اشعاری که مشتمل بر حرام و باطل نباشد. (۲)

### همراهی با همسفران

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر با گروهی همسفر شدی نگو اینجا توقف کنیم و آنجا توقف نکنیم، زیرا در میان آن گروه کسی هست که این کار را بکند اگر تو اجازه بدهی». (۳)

(این گونه کارها را به دست یک نفر بسپارید تا اختلافی پیدا نشود).

### آداب راه رفتن و فرود آمدن

#### اشاره

آداب پیاده روی در سفر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کمر و روی شکم را محکم ببندید، تا پیاده رفتن بر شما آسان شود». (۴)

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بر شما باد به حرکت در شب که زمین در شب پیچیده می شود». (۵)

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمین در آخر شب پیچیده می شود». (۶) اشاره به اینکه انسان آمادگی زیادی در آن هنگام برای پیمودن راه دارد.

۱- «حُدی» آوازی بود که در سفر می خواندند.

۲- محاسن، ص ۳۵۸، ح ۷۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۸۲۳.

۳- محاسن، ص ۳۶۴، ح ۱۰۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۶۷.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۸۸۲؛ تهذیب، ج ۵، ص ۱۳، ح ۲۷.

۵- محاسن، ص ۳۴۶، ح ۱۰؛ کافی، ج ۸، ص ۲۶۰، ح ۴۸۹.

۶- محاسن، ص ۳۴۶، ح ۱۲؛ کافی، ج ۸، ص ۲۶۱، ح ۴۹۱.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت علی علیه السلام هنگامی که عزم سفر داشت، آخر شب حرکت می کرد». (۱)

۵. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که از پیاده رفتن خسته شدید تند حرکت کنید که واماندگی را برطرف می کند». (۲)

### آداب فرود آمدن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زمانی که در شب فرود می آید بر سر راه فرود نیاید. و در درّه ها نیز فرود نیاید که محلّ درندگان و مارهاست». (۳)

۲. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «در میان درّه ها فرود نیاید که مبادا سیلاب بیاید و به شما زیانی برسد». (۴)

### مدارا کردن با مرکب

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند مدارا کردن را دوست می دارد و بر آن یاری می کند؛ بنابراین، چون بر حیوانات لاغر سوار می شوید در منازل توقّف کنید. اگر زمین خشک باشد و گیاهی نداشته باشد تند حرکت کنید و اگر پر گیاه باشد منزل به منزل فرود آید». (۵) (تا حیوان به قدر کافی سیر شود).

۱- محاسن، ص ۳۴۶، ح ۱۱.

۲- محاسن، ص ۳۷۷، ح ۱۵۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۸.

۳- محاسن، ص ۳۴۶، ح ۱۰۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۸۷۸.

۴- محاسن، ص ۳۶۱، ح ۸۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۸۵۹.

۵- محاسن، ص ۳۶۱، ح ۸۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۸۵۷.

## دعاهای مسیر راه و منازل

## دعاهای واذکار سفر

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگام سفر بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِيْ عِبْرًا وَصَمْتِيْ تَفْكَرًا وَكَلَامِيْ ذِكْرًا» (۱).

۲. در روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به هنگام عبور از بلندی

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، آنچه در پیش روی اوست تا انتهای زمین، همه آن ذکر را می گویند» (۲).

۳. سید بن طاووس؛ چنین روایت کرده است: هر کس بر تپه یا بلندی یا پلی بالا رود، این ذکر را بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَكَ الشَّرْفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ (۳).

۴. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سفرها هر گاه در سرایشی قرار می گرفت «سُبْحَانَ اللَّهِ» و چون به سربالایی می رسید «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گفت» (۴).

۵. در حدیثی معتبر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در حال وارد شدن به درّه ای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، خداوند آن درّه را برای او از حسنات پر می کند» (۵).

۱- ترجمه: «بار خدایا، سفرم را عبرت و سکونم را فکر کردن و سخنم را ذکر قرار بده». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۷۹۷؛ الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۰۱.

۲- محاسن، ص ۳۵۳، ح ۴۴.

۳- ترجمه: «خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و خداوند بزرگ تر از آن است که به وصف آید. و حمد و ستایش مخصوص پروردگار دو جهان است. (خداوندا) شرافت از آن تو است و بر هر شرفی برتری داری». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۰۱.

۴- کافی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۶۱.

۵- محاسن، ص ۳۳، ح ۲۴.

۶. در حدیث است که وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سفر می رفت و شب می شد این دعا را می خواند: یا اَرْضُ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ، اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّكَ وَشَرِّ مَا فِيكَ وَسُوءِ مَا خُلِقَ فِيكَ وَسُوءِ مَا يَدُبُّ عَلَيْكَ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ اَسَدٍ وَاَسْوَدٍ وَمِنْ شَرِّ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ وَاَلِدٍ وَمَا وَاَلَدٌ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَلْنَ وَرَبَّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَمَا اَقْلَلْنَ وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَيْنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا اَضَلَلْنَ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّمَنِيْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَخَيْرَ هَذِهِ السَّنَةِ وَخَيْرَ هَذَا الْبَلَدِ وَاَهْلِهِ وَخَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَاَهْلِهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّيْ اَخِذْ بِنَاصِيَّتِيْهَا، اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ. (۱)

۷. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیاطین در لایه لای محمل ها و کجاوه ها آمده و شتران رارم می دهند. برای دور کردن آنها آیه الکرسی بخوانید». (۲)

۸. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در سفر از دزدان یا درندگان بترسد، بر یال اسبش آیه شریفه (لَا تَخَافُ دَرَكَاءَ وَلَا تَخْشَى) (۳) را بنویسد تا زیان آنها به اذن الهی

از وی برطرف شود. راوی گوید: من به سفر حج رفتم و در میان بیابان جمعی

۱- ترجمه: «ای زمین، پروردگار من و تو خداست. از شر تو و آنچه در تو است و بدی هایی که در تو خلق شده و بدی جنبندگان که بر روی تو حرکت می کنند و از شر شیران درنده و مار و عقرب گزنده و از شر ساکنان این شهر و از شر زایندها و آنچه زاینده اند به خدا پناه می برم. خداوند، ای پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه آن سایه افکنده اند و ای پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه بر روی آنها قرار دارد و ای پروردگار بادهای آنچه بر آن می وزند و ای پروردگار شیاطین و آنچه گمراه می کنند، از تو می خواهم که بر محمد و آلش درود فرستی و از تو درخواست می کنم که خیر امشب و امروز و این ماه و این سال و این شهر و اهل آن و این آبادی ساکنان آن را نصیب کنی و به تو پناه می برم از شر آن و شر آنچه در آن است و از شر هر جنبنده ای کهسرنوشت آن به دست تو است، بی شک (امر) پروردگار من بر صراط مستقیم است». مکارم الأخلاق، ص ۲۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۵۱.

۲- محاسن، ص ۳۸۰، ح ۱۵۹.

۳- ترجمه: «(به موسی وحی کردیم...) که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید و نه از غرق شدن در دریا». سوره طه، آیه ۷۷.

از دزدان به قافله ما زدند. آیه مزبور را بر یال اسبم نوشتم. به حق خداوندی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به رسالت فرستاد و حضرت علی علیه السلام را به امامت مشرف گردانید، خداوند آنها را نسبت به من کور کرد و زیانی از آنها به من نرسید». (۱)

### دعای ایمنی از دشمنان و دزدان

۱. در ادعیه سر آمده است که هرگاه در مسیر سفر از دشمنان و دزدان بترسد این دعا را بخواند: يَا آخِذًا بِنَوَاصِي خَلْقِهِ وَالسَّابِقِ بِهَا إِلَى قُدْرَتِهِ وَالْمُنْفَذِ فِيهَا حُكْمُهُ وَخَالِقِهَا وَجَاعِلُ قَضَائِهِ لَهَا غَالِبًا، اِنِّي مَكِيدٌ وَلِقَوَّتِكَ عَلَيَّ مَنْ كَادَنِي تَعَرَّضْتُ، فَإِنْ حُلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَذَلِكَ مَا أَرْجُو وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي إِلَيْهِمْ عَيَّرُوا مَا بِي مِنْ نِعْمَتِكَ، يَا خَيْرَ الْمُنْعَمِينَ، لَا تَجْعَلْ أَحَدًا مُغَيِّرًا نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ سِوَاكَ

وَلَا تُغَيِّرْهَا أَنْتَ رَبِّي وَقَدْ تَرَى الَّذِي نَزَلَ بِي، فَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَرِّهِمْ، بِحَقِّ مَا بِهِ اسْتُجِيبَ الدُّعَاءُ، يَا اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (۲)

۲. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام برای در امان ماندن از دشمنان این دعا را سفارش کرد: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُضِلَّ فِي هُدَاكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُضَيِّعَ فِي سَلَامَتِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُغْلَبَ وَالْاَمْرُ لَكَ. (۳)

۱- طَبِّ الْأَمَّةِ، ص ۳۶ و ۳۷ از امام کاظم علیه السلام.

۲- ترجمه: «ای کسی که زمام خلقش را به دست گرفته و قدرتش بر آن پیشی گرفته و حکمش در آن نفوذ دارد. ای خالق آنچه که قدرتش بر آن تعلق گرفته، من در معرض خطر قرار گرفته ام و به خاطر توانایی تو در برابر به خطر آفرین به در خانه ات آمده ام. اگر میان من و آنها حایل شوی این همان چیزی است که می خواهی مرا تسلیم آنان کنی نعمت را در مورد من تغییر خواهند داد. ای بهترین نعمت دهندگان، اجازه نده کسی نعمت را بر من تغییر دهد. تو پروردگار منی و آنچه را که بر من نازل شده می بینی. بین من و شرّ آنان حایل شو، به حقّ آن کسی که دعا به وسیله او مستجاب می شود ای خدا، ای پروردگار جهانیان». الأمان مناخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۱۲.

۳- ترجمه: «بار خدایا، به تو پناه می برم که در حکومت تو به من ستم شود. خداوندا، به تو پناه می برم که در تیررس هدایت تو گمراه شوم، بار خدایا، به تو پناه می برم که با بی نیازی تو فقیر شوم. بار خدایا، به تو پناهی برم که با سلامتی تو هلاک شوم. بار خدایا، به تو پناه می برم که مغلوب واقع شوم، در حالی که فرمان از برای تو است». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

## دعای منازل بین راه

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای علی، چون در منزلی فرود آیی بگو: اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (۱) تا خوبی آن منزل روزی تو شود و شر آن از تو دور شود». (۲)
۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد در منزلی فرود آید که ترسی از آن دارد این آیه شریفه را بخواند: (رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا)». (۳)
۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در سفر و منزلی فرود آید که از درندگان بترسد این دعا را بخواند: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبْعٍ (۴) اگر این دعا را بخواند تا زمانی که در آن منزل باشد از شر درندگان در امان است». (۵)

۴. سید بن طاووس روایت کرده است که هرگاه در منزل خود از جانوران زمین خوف داری این دعا را در مکان مورد خوف بخوان که از جمله دعاهاى سرّ است: يَا ذَارِي مَا فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا، لِعِلْمِكَ بِمَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَأْتَ، لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى

- ۱- ترجمه: «بار خدایا، ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آور و تو بهترین فرود آورندگان».
- ۲- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۸۸۷.
- ۳- ترجمه: «پروردگارا، مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز و از سوی خود حجتیاری کننده برای من قرار ده». (سوره اسراء، آیه ۸۰) محاسن، ص ۳۶۷، ح ۱۱۸.
- ۴- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی نیست جز الله، که یگانه است و شریک ندارد. حکومت و ستایش مخصوص اوست و خیر و نیکی به دستش و توانا بر هر چیزی است. بار خدایا، از شر هر درنده ای به تو پناه می برم».
- ۵- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۸۷۹.

كُلِّ مَنْ دُونَكَ، اِنِّي اَعُوذُ بِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِنَ الضَّرِّ فِي يَدَنِي، مِنْ سَيْبِ اَوْهَامِهِ اَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ، يَا خَالِقَهَا بِقُدْرَتِهِ وَفَاطِرَهَا بِفَطْرِيهِ اِذْرَاها عَنِّي وَاخْجِزْها عَنِّي وَلَا تُسَلِّطْها عَلَيَّ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّها وَبَاسِها يَا اللهَ العَلِيُّ العَظِيمُ، حُطِنِي بِحَيَاتِكَ وَاَحْمِنِي بِحِمَايَتِكَ وَاكْفِنِي بِكِفَايَتِكَ اِحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاجْنِبْنِي بِسِتْرِكَ الوَاقِي مِنْ مَخَافِي يَا رَحِيمٌ». (۱)

۵. در روایتی معتبر می خوانیم که دو برادر خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و عرض کردند: قصد داریم برای تجارت به شام برویم. حرزی به ما تعلیم ده که در سفر از آن استفاده کنیم. حضرت فرمود: «هنگامی که شب در منزلی فرود می آید و نماز مغرب و عشا می خوانید، پس از نماز پهلوی را بر رختخواب گذاشته و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگویید (۲)، سپس آیه الکرسی بخوانید. با این کار تا صبح محفوظ خواهید ماند». هنگامی که عازم سفر شدند، دزدان به تعقیب آنان پرداختند. شب هنگام که در منزلی فرود آمدند به دستور حضرت عمل کردند و خوابیدند. دزدان غلام خود را به آن منزل فرستادند تا اوضاع را بررسی کند، هنگامی که به آنجا آمد اثری از آن دو نفر ندید، بلکه دو دیوار مشاهده کرد. جریان را به دزدان گفت و آنها هم جز همان چه او مشاهده کرده بود چیزی ندیدند. صبح هنگام که به نزد آن دو نفر رفتند واز آنها پرسیدند: شب گذشته کجا بودید؟ گفتند: در همین منزل. دزدان گفتند: ما در پی شما آمدیم، اما جز دو دیوار

۱- ترجمه: «ای آفریننده تمام موجودات زمین، به سبب علمی که به آفریدگانت داری بر غیر خود سلطه داری. (بار خدایا) به خاطر قدرت تو بر هر چیز از وارد شدن زیان در بدنم به تو پناه می برم، از درنده و جنبند هومتعرض شونده از بقیه جنبندگان. ای خالق آنها به قدرت خویش و ای آفریننده آنها به آفرینش خود، آنها را از من دور کن و بر من مسلط نکن و از شر آنها مرا رهایی ده! ای خدای والای بزرگ مرا با احاطه خود احاطه کن و به حمایت فرما و از شر (هر ذی شری) کفایت کن و به حفظ خود محفوظ دار و با پوششنگهدارنده خود از آنچه موجب خوف است مستور فرما، ای رحیم و مهربان» الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۲۶.

۲- از این روایت استفاده می شود که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در آن زمان مشهور بوده است.



چیزی نیافتیم. قصه شما چیست؟ آنها دستورالعمل پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان کردند. دزدان گفتند: بروید که هیچ دزدی بر شما دست نخواهد یافت. (۱)

۶. سید بن طاووس؛ روایت کرده است: هنگامی که مسافر در منزلی فرود آید بگوید: **اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ** (۲)، سپس دو رکعت نماز

بگزارد و در هر رکعت پس از حمد هر یک از سوره های کوچک را که بخواند بخواند و بعد بگوید: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعِدْنَا مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ اطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَأَعِدْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا** (۳)، سپس

بگوید: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِنَّمَاءَ مِنْ وُلْدِهِمْ أَتَمَّهُ، أَتَوَلَّاهُمْ وَأَتَبَّرَهُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ دُخُولِنَا هَذَا صَلاَحًا وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا.** (۴)

۷. شیخ طبرسی رحمه الله می گوید: هنگامی که قصد حرکت از استراحتگاه داری دو رکعت نماز بگزار و از خدا طلب محافظت و حمایت کن و با آن مکان و اهل آن وداع کن که در هر مکانی فرشتگانی هستند؛ پس بگو: **السَّلَامُ عَلَي مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْحَافِظِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.** (۵)

۱- محاسن، ص ۳۶۸، ح ۱۲۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۴۶، ح ۳۴.

۲- ترجمه: «بار خدایا، ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آور که تو بهترین فرود آورندگانی.»

۳- ترجمه: «بار خدایا، خیر و برکت این مکان را روزی ما گردان و شر آن را از ما بازدار. بار خدایا، از میوه های آن به ما بخوران و از بیماری های آن ما را حفظ کن و ما را محبوب اهالی آن گردان و صالحان آن را محبوب ما قرار ده.»

۴- ترجمه: «شهادت می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست. او یگانه است و شریکی ندارد و محمد بنده رسول اوست و علی علیه السلام و امامان از فرزندانش امامان (ما) هستند. ولایت ایشان را دارم و از دشمنانشان بیزار می جویم. بار خدایا، خیر و نیکی این مکان را از تو می خواهم و از شر آن به تو پناه می برم. بار خدایا، ابتدای ورود ما را صلاح و راستی و میانه آن را رستگاری و انتهای آن را پیروزی قرار ده.» الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۲۵.

۵- ترجمه: «درود و سلام بر فرشتگان خداوند که وظیفه حفاظت (از ما) را بر عهده دارند. درود و سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند و رحمت و برکات خدا بر ما و آنان باد.» مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۴۰، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۵۳ و ۲۶۵.

## دعا به هنگام رسیدن به مقصد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که بر شهری مشرف شدی و نگاهت به آن شهر افتاد، این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَمَتْ وَرَبَّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَمَا اَقْلَمَتْ وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَّتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا اَضَلَّتْ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَمَا فِيهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا». (۱)

۲. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «هرگاه به شهر یا روستایی وارد شدی و نگاهت بر آنجا افتاد، بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اَللّٰهُمَّ اطْعِمْنِيْ مِنْ جَنَاهَا وَاَعِدْنَا مِنْ وِبَاها وَحَبِيْبِنَا اِلٰى اَهْلِهَا وَحَبِيْبِ صَالِحِيْ اَهْلِهَا اَيْنَا». (۲)

## آداب سفرهای دریایی و عبور از پل ها

### سفر دریا

### حکم سفرهای دریایی

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «سفر دریایی به منظور تجارت کراهت دارد». (۳)

۱- ترجمه: «بار خدایا، ای پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه بر آن سایه افکنده، ای پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه بر روی آن وجود دارد وای پروردگار بادهای و آنچه را پراکنده می کند وای پروردگار شیاطینو آنچه گمراه می کنند، از تو می خواهم بر محمد و آلش درود فرستی واز تو خیر این آبادی و آنچه در آن استرا می خواهم واز شر آن و شر آنچه در آن است به تو پناه می برم». محاسن، ص ۳۷۴، ح ۱۴۳.

۲- ترجمه: «خداوندا، خیر و نیکی این آبادی را از تو خواهانم واز شر آن به تو پناه می برم. بار خدایا، از میوه هایش به ما بخوران واز بیماری های آن ما را پناه ده و ما را در نزد اهل آن و نیکان آن را در نزد ما محبوب بگردان». مکارم الأخلاق، ص ۲۶۰.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۳۳۳.

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که برای تجارت

سوار بر کشتی شود، به روش مناسبی طلب روزی نکرده است». (۱)

۳. در روایات معتبر است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از سوار شدن بر کشتی به هنگام تلاطم و هیجان دریا. (۲)

(این روایات اشاره به زمانی است که کشتی ها بادبانی و کوچک و غیر مطمئن بود).

### آداب ودعای سوار شدن کشتی

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که سوار بر کشتی می شوی بگو: (بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) (۳) و چون دریا متلاطم

شود بر جانب چپ تکیه و با دست راست به سوی موج اشاره کن و بگو: قَرَى بِقَرَارِ اللَّهِ وَاسْتَكْنَى بِسَيِّكِنِهِ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». (۴)

و در برخی روایات وارد شده است که در وقت اضطراب و تلاطم دریا بگو: «بِسْمِ اللَّهِ، أَسْتَكْنَى بِسَيِّكِنِهِ اللَّهُ وَقَرَى بِقَرَارِ اللَّهِ وَاهْتَدَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (۵)

راوی گوید: من مکرر سوار بر کشتی شدم و در وقت تلاطم امواج دریا به این دستور عمل کردم و تلاطم دریافرونشست به گونه ای که گویی هرگز متلاطم نبود. (۶)

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان هنگام سوار شدن

۱- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۳۳۶.

۲- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۳۳۵.

۳- ترجمه: «به نام خدا سوار بر آن شوید؛ و هنگام حرکت و توقف کشتی یاد او کنید، که پروردگار آمرزنده و مهربان است». سوره هود، آیه ۴۱.

۴- ترجمه: «قرار گیر به قرار خدا و آرام شو به آرامش الهی و هیچ پناهگاه و قدرتی مگر به واسطه خدای والا و بزرگ نیست». کافی، ج ۳، ص ۴۷۱، ح ۵.

۵- شبیه ترجمه سابق است.

۶- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۴۳، ح ۲۵.

بر کشتی صد مرتبه الله اکبر بگویند و صد بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و صد مرتبه ظالمان آل محمد را به این ترتیب «اللَّهُمَّ الْعَن مَنْ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ» لعنت کند. سپس این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى الصِّادِقِينَ مِنْ آلِهِ. اللَّهُمَّ أَحْسِنْ مَسِيرَنَا وَعَظِّمْ أُجُورَنَا. اللَّهُمَّ بِعَمَلِكِ انْتَشِرْنَا وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْنَا وَبِكَ آمَنَّا وَبِحَبْلِكَ اعْتَصِمْنَا وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا. اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتُنَا وَرَجَائُنَا وَنَاصِرُنَا، لَا تَحِلَّ بِنَا مَا لَا نُحِبُّ. اللَّهُمَّ بِكَ نَحِلُّ وَبِكَ نَسِيرُ. اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَأَعْظِمْ عَافِيَتَنَا، أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَأَنْتَ الْحَامِلُ فِي الْمَاءِ وَعَلَى الظَّهِيرِ (وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) (۱) «وَمَا

قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ». (۲) اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرٌ مَنْ وَقَدَ إِلَيْهِ الرَّجَالُ، فَأَنْتَ سَيِّدِي

أَكْرَمُ مَزُورٍ وَأَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً وَلِكُلِّ وَافِدٍ تَخَفَةً، فَاسْأَلْكَ أَنْ تَجْعَلَ تُخَفَّتَكَ إِيَّايَ فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ وَأَشْكُرُ سَيِّعِي وَأَرْحَمُ مَسِيرِي مِنْ أَهْلِي بِغَيْرِ مَنْ مَنِي عَلَيْكَ، بَيْلَ لَمَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ أَنْ جَعَلْتَ لِي سَبِيلًا إِلَى زِيَارَتِهِ وَلِيكَ وَعَرَفْتَنِي فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، حَتَّى بَلَّغْتَنِي هَذَا الْمَكَانَ وَقَدْ رَجَوْتُكَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَأَمْلُتُكَ فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَاجْعَلْ مَسِيرِي هَذَا كَفَّارَةً لِذُنُوبِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (۳)

۱- سوره هود، آیه ۴۱.

۲- سوره زمر، آیه ۶۷.

۳- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). درود بر محمد رسول خدا و بر راستگويان از آلشباد. بار خدایا، مسیر ما را نیکو و مزد ما را بزرگ گردان. بار خدایا، به یاری تو می رویم و به تو روی می آوریم و بهتو ایمان داریم و به ریسمان تو چنگ زدیم و بر تو توکل کردیم. بار خدایا، تو محلّ اعتماد و امیدواری و یاورمایی، آنچه را خوش نداریم بر ما روا مدار، به امید تو بیرون آمده ایم و با کمک تو سفر می کنیم. بار خدایا، راه را بر ما آسان گردان و عافیت ما را بزرگ بدار که تو جانشین ما در خانواده و مال ما هستی و تو ما را در دریا و خشکی حمل می کنی و او (نوح) گفت: «به نام خدا بر کشتی سوار شوید؛ و هنگام حرکت و توقف کشتی یاد او کنید که پروردگار آمرزنده و مهربان است. آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناخته اند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمان ها پیچیده در دست اوست. خداوند منزه و برتر است از شریک هایی که برای او می پندارند. خدایا، تو بهترین کسی هستی که مردم به سوی او کوچ می کنند. تو ای آقای من، بهترین زیارت شده و بهترین مقصدی و برای هر زیارت کننده ای کرامت و بزرگواری قرار داده ای و برای هر واردشونده هدیه ای، از تو می خواهم که هدیه مرا آزادی از آتش جهنم قرار دهی. تلاش من را جبران کنی و در مسیرم به من رحم کن، در حالی که مننتی بر تو ندارم؛ و تو بر من منت داری که مرا به زیارتت خود توفیق دادی و فضیلت او را به من شناساندی و در شب و روز مرا حفظ کردی، تا اینکه مرا به این مکان رساندی. به تو امیدوارم، امید مرا قطع نکن. آرزو مندم، آرزویم را به نومییدی نکشان و این سفر را کفّارگناهانم قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

سید بن طاووس گوید: اگر هدفش از سفر، غیر زیارت باشد عبارات را به گونه ای تغییر دهد که مناسب سفرش باشد. (۱)

### دعا به هنگام ترس از غرق شدن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از غرق شدن بترسد این دعا را بخواند: (بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) (۲) بِسْمِ اللَّهِ

الْمَلَكِ الْحَقِّ (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)». (۳)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که از غرق شدن بترسد بگوید: (اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (۴) وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)». (۵) « (۶)

۱- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۰۴.

۲- سوره هود، آیه ۴۱. ترجمه آن در دعای قبل گذشت.

۳- سوره زمر، آیه ۶۷. ترجمه آن در ضمن دعای قبل گذشت. خصال، ج ۲، ص ۴۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۴۳، ح ۲۴.

۴- ترجمه: «ولئى وسرپرست من، خدایى است که این کتاب را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستى کند». سوره اعراف، آیه ۱۹۶.

۵- ترجمه آن گذشت.

۶- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۱۰.

## ذکر وداعی عبور کردن از پل

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «بر روی هر پلی شیطانی است، چون به آن نقطه رسیدید بسم الله بگویید تا از شما دور شود». (۱)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که بر پل قدم می گذارید بگویید: بِسْمِ اللَّهِ اَللَّهُمَّ اذْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ». (۲)

## آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر

### خواندن دعای سفر

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله با مؤمنان وداع می کرد می فرمود: زَوَّدَكُمُ التَّقْوَى وَوَجَّهَكُمُ إِلَى كُلِّ

خَيْرٍ وَقَضَى لَكُمْ كُلَّ حَاجَةٍ وَسَلَّمْ لَكُمْ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ إِلَى سَالِمِينَ». (۳)

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مسافری وداع می کرد دست او را گرفته، می فرمود: أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَةَ وَأَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَسَيَّهَلَ لَكَ الْحُزُونَ وَقَرَّبَ لَكَ الْبُعِيدَ وَكَفَاكَ اللَّهُمَّ وَحْفِظْ لَكَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ، عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، أَسْتَتُودِعُكَ اللَّهُ، سِرِّ عَلَى بَرَكَهِ اللَّهِ». (۴)

۱- محاسن، ص ۳۷۳، ح ۱۳۸؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۳.

۲- ترجمه: «به نام خدا. خدایا، شیطان رانده شده را از من دور کن». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۱۰۲.

۳- ترجمه: «خداوند تقوا را توشه مسافرتان سازد و شما را به سوی هر خیری رهنمون کند و همه حاجاتتان را برآورده گرداند و دین و دنیای شما را سالم بدارد و شما را به سلامت به سوی خانواده و دوستانتان در حالیکه آنها نیز سالم باشند باز گرداند».

محاسن، ص ۳۵۴، ح ۴۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۸۰۵.

۴- ترجمه: «خداوند دوستانت را نیکو قرار دهد و یاری تو را کامل گرداند و سختی را بر تو آسان و دور را بر تو نزدیک و مشکلات تو را کفایت و دین و امانت تو را حفظ و پایان کار تو را به خیر کند و تو را به هر خوب رهنمون سازد. تو را به تقوای الهی سفارش می کنم. تو را به خدا می سپارم. با برکت از سوی خدا حرکت کن». محاسن، ص ۳۵۴، ح ۴۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۸۰۶.

۳. در روایتی دیگر آمده است که در این وقت می فرمود: «أَسِيَتُودِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَاتَتِكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَزَوَّدَكَ التَّقْوَى وَغَفَرَ لَكَ الذُّنُوبَ». (۱)

۴. جمعی برای خداحافظی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسیدند، حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أذْنَبْنَاهَا وَنَحْنُ مُيَذَّبُونَ وَتُبِّئْنَا وَإِرَاهُمْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْآخِرَةِ وَالْدُنْيَا وَعَافِنَا وَإِرَاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَيْتَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ فِي سَيِّئَاتِنَا هَذِهِ وَالْمُسْتَقْبَلِ وَعَجِّلْ نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَوَلِيِّهِمْ وَاخْزِ عَدُوَّهُمْ عَاجِلًا». (۲)

### مشایعت کردن و استقبال از مسافر

۱. در احادیث معتبر آمده است که: «مشایعت کردن و استقبال از مؤمنان مستحب است و برای این منظور، مؤمنین می توانند به مقداری بروند که نمازشان شکسته و روزه آنها افطار شود (به مقدار ۵/۲۱ کیلومتر که مسافت شرعی است)». (۳)

۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کسی

۱- ترجمه: «دین و امانت و پایان کار تو را به خدا می سپارم، هر جا که روی می آوری خداوند تو را به کار خوب رهنمون سازد و تقوا را توشه تو قرار دهد و گناهان تو را بیامرزد». محاسن، ص ۳۵۴، ح ۴۹.

۲- ترجمه: «بار خدایا، گناهان ما را بیامرزد در حالی که ما گناهکاریم. وما و آنان را در دنیا و آخرت به گفتار ثابت و پابرجا ثابت قدم گردان و ما و ایشان را از شری که در میان بندگانت و در شهرهایت و در این سال و در سال آینده مقدر کرده ای حفظ کن و در یاری خاندان محمد و دوستانش تعجیل کن و دشمنانشان را به زودیرسوا گردان». محاسن، ص ۳۵۵، ح ۵۲.

۳- کافی، ج ۴، ص ۱۲۹، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱۲۹۹.

که از مکه بازمی گشت می فرمود: قَبِلَ اللهُ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ». (۱)

۳. در حدیث است هنگامی که جعفر طیار از حبشه بازگشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را به سینه چسبانید و میان دو چشمش را بوسید. وزمانی که اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله به یکدیگر می رسیدند مصافحه می کردند. وهنگامی که کسی از آنان از سفر می آمد، دیگران دست در گردنش می انداختند. (۲)

۴. در حدیثی دیگر می خوانیم: «هر کس دست در گردن حاجی کند، در حالی که هنوز گرد راه را از خود نشسته، گویی حجرالأسود را بوسیده است». (۳)

### سوغاتی آوردن و آداب پس از سفر

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی که از سفر بازمی گردد برای خانواده اش سوغاتی بیاورد، اگرچه قطعه سنگی باشد». (۴)

۲. در حدیث است که: «هرگاه مسافر از سفر برگشت سزاوار است قبل از هر کاری غسل کند و دو رکعت نماز بخواند، سپس به سجده رود و صد بار شکر الهی را به جا آورد». (۵)

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که بر مسافر مستحب است پس از بازگشت از سفر، برادران مؤمن خود را به میهمانی بخواند. (۶)

۱- ترجمه: «خداوند (اعمال و عبادات تو را) قبول کند و هزینه هایی را که در سفر متحمل شدی جایگزین فرماید و گناهانت را ببخشد». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۸۹۱.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۸۹۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۶۱.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۲۷۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۶۶.

۵- مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۱۹۱۷.

۶- محاسن، ص ۴۱۷، ح ۱۸۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۱، ح ۳.



## آداب اسب سواری و تیراندازی

### مسابقات

#### اسب سواری

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اصحاب خود دستور داد مسابقه اسب سواری برگزار کنند و جایزه آن را از مال خود قرار داد. (۱)

۲. در روایتی دیگر آمده است که بر صد و پنجاه مثقال نقره شرط بندی کردند. (۲)

۳. در روایات معتبر آمده است که حضرت در مسابقه اسب سواری شرکت کردند که مبلغ جایزه آن حدود بیست و یک مثقال نقره بود. (۳)

#### تیراندازی

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مسابقه اسب سواری و تیراندازی برگزار کنید و اگر مسابقه تیراندازی برگزار کنید آن را بیش از مسابقه اسب سواری دوست می دارم. (۴)

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر نوع بازی و سرگرمی و لهوی که مؤمن انجام دهد باطل است، مگر در سه چیز: تعلیم و تربیت اسب (برای مسابقه)، تعلیم و فراگیری تیراندازی، ملاعبه با همسر که اینها باطل نیست. و بی شک هر تیری که در راه خدا انداخته شود، خداوند سه کس را می آمرزد: کسی که آن تیر را ساخته، کسی که آن تیر را به مجاهد رسانده، مجاهدی که از آن تیر استفاده کرده است». (۵)

۱- قرب الإسناد، ص ۸۸، ح ۲۷۷.

۲- در حدیث آمده است هفت «اوقیه» که هر اوقیه بیست و یک مثقال است و مجموعاً حدود صد و پنجاه مثقالی شود. قرب الإسناد، ص ۱۲۲ ذیل حدیث ۴۵۵.

۳- کافی، ج ۵، ص ۴۹، ح ۷.

۴- کافی، ج ۵، ص ۵۰، ح ۱۳.

۵- کافی، ج ۵، ص ۵۰، ذیل حدیث ۱۳.

**شترسواری**

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام بازگشت از جنگ تبوک با اسامه بن زید مسابقه شترسواری گذاشت. (۱)

توضیح: البته روشن است که ساحت مقدس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از بازی و مسابقه و شرط بندی پاک و مبراست، ولی برای تقویت دین و تشویق مسلمانان به جهاد و دفاع از کیان اسلام و جلوگیری از تسلط اشرار و کفار و مشرکان و منافقان بر جان و ناموس و مال مسلمانان و دفع خطر بیگانگان و اثبات مشروعیت مسابقه اسب سواری و تیراندازی این کار را انجام می داد.

۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که ملائکه به هنگام شرط بندی از آن محل گریخته و کسانی را که شرط بندی می کنند نفرین می کنند، مگر در مورد مسابقه حیوانات و تیراندازی. (۲)

**کشتی**

در حدیثی معتبر می خوانیم که: «شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در خانه حضرت فاطمه علیها السلام به نوه های عزیز خود فرمود: برخیزید و کشتی بگیرید آنها مشغول کشتی شدند و حضرت فاطمه علیها السلام برای انجام دادن کاری از اتاق بیرون رفت. هنگام بازگشت متوجه شد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول تشویق امام حسن علیه السلام است. فاطمه علیها السلام گفت: پدر، کار عجیبی می کنید که بزرگ تر را تشویق می کنید. حضرت فرمود: دخترم، جبرئیل مشغول تشویق حسین است و من حسن را تشویق می کنم». (۳)

۱- قرب الإسناد، ص ۱۲۲، ح ۴۵۵.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲، ح ۱۳۶.

۳- امالی صدوق، ص ۴۴۵ و ۴۴۶.

## دفاع و جهاد

۱. در احادیث معتبر آمده است: کسی که برای دفاع از آبرو یا مال خود کشته شود شهید است. (۱)
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جهاد باعث عزّت و بزرگواری فرزندان شما می شود». (۲)
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال جهاد را (با شرایطش) واجب کرده و بزرگ شمرده و آن را عامل یاری گردانیده است. به خدا قسم، دین و دنیا (ی شما) جز با جهاد اصلاح نمی شود». (۳)
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس پیغام جهادکننده را به اهلش برساند، گویی برده ای را آزاد کرده و در ثواب جهاد آن رزمنده شریک است». (۴)
۵. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «تمام خیرها در شمشیر وزیر سایه شمشیر است (به هنگام جهاد با دشمن) و شمشیر اهل حق، کلید بهشت و شمشیر اهل باطل، کلید جهنم است». (۵)
۶. نیز در حدیثی معتبر آمده است که فرمود: «یکی از درهای بهشت «باب المجاهدین» نام دارد. آنها که در راه خدا جهاد کرده اند به سوی آن رفته، آن در به روی آنها گشوده می شود و ملائکه به آنها خوشامد می گویند». (۶)
۷. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام هنگامی که خبر تجاوز لشکر معاویه به شهر «انبار» را دریافت کرد خطبه ای به شرح زیر ایراد فرمود:

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۲، ح ۱ - ۵.

۲- کافی، ج ۵، ص ۸، ح ۱۳.

۳- کافی، ج ۵، ص ۸، ح ۱۱.

۴- کافی، ج ۵، ص ۸، ح ۹؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۳۴، ح ۹.

۵- کافی، ج ۵، ص ۲، ح ۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۳۴، ح ۶.

۶- کافی، ج ۵، ص ۲، ح ۲.

«جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. مردمی که از جهاد روی برگردانند خداوند لباس ذلت بر تن آنها می پوشاند و بلا به آنان هجوم می آورد، کوچک و خوار می شوند، عقل و فهمشان تباه می گردد، و به سبب تضييع جهاد، حق آنها پایمال می شود و نشانه های ذلت در آنها آشکار می گردد و از عدالت محروم می شوند.

آگاه باشید من شب و روز، پنهان و آشکار شما را به مبارزه با این جمعیت (معاویه و پیروانش) دعوت کردم و گفتم: پیش از آنکه با شما بجنگند با آنان

نبرد کنید.

به خدا سوگند، هر ملتی در درون خانه اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد حتماً ذلیل خواهد شد (و تنها جمعیتی در نبرد با دشمنان پیروز می شود که به استقبال آنها بشتابد)، ولی شما سستی به خرج دادید و دست از یاری من برداشتید و هر یک به دیگری واگذار کردید، تا آنجا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین شما را مالک شد.

اکنون بشنوید: (یکی از فرماندهان لشکر غارتگر معاویه از) بنی غامد به (شهر مرزی) انبار حمله کرده و نماینده و فرماندار من، حسان بن حسان بکری را کشته و سربازان و مرزبانان شما را از آن سرزمین بیرون رانده است.

به من خبر رسیده است که یکی از آنان به خانه زن مسلمان و غیر مسلمانی که جان و مالش در پناه اسلام محفوظ بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبد و گوشواره های آنها را از تنشان بیرون آورده است... .

در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته اند، آنها با غنیمت فراوان برگشته اند، بدون اینکه حتی یک تن از آنها زخمی و یا قطره ای خون از آنها ریخته شود.

اگر بر اثر این حادثه، مسلمانی از روی تأسّف بمیرد سرزنش نخواهد شد و از نظر من سزاوار وبه جاست.

شگفتا! شگفتا! به خدا سوگند، این حقیقت قلب انسان را می میراند و اندوه می آفریند که آنها در مسیر باطل خود این چنین متحدند و شما در راه حق این چنین پراکنده و متفرّق.

روی شما زشت باد! و همواره غم و غصّه قرینتان باد که شما هدف حملات دشمن قرار گرفته اید. پی در پی به شما حمله می کنند و شما به حمله متقابل دست نمی زنید. با شما می جنگند و شما نمی جنگید. این گونه معصیت خدا می شود و شما (با عمل خود) به آن رضایت می دهید.

هرگاه در ایّام تابستان فرمان حرکت به سوی دشمن دادم، گفتید: اندکی ما را مهلت ده تا سوز گرما فرو نشیند. و اگر در سرمای زمستان این دستور را به شما دادم، گفتید: اکنون هوا فوق العاده سرد است بگذار سوز سرما آرام گیرد. همه این بهانه ها برای فرار از سرما و گرما بود.

شما که از سرما و گرما (وحشت دارید) و می گریزید، به خدا سوگند از شمشیر (دشمن) بیشتر فرار خواهد کرد.

ای کسانی که به مردان می مانید ولی مرد نیستید! ای کودک صفتان بی خرد! وای عروسان حجله نشین! (که جز عیش و نوش به چیزی نمی اندیشید) چقدر دوست داشتم که هرگز شما را نمی دیدم و نمی شناختم، همان شناسایی که سرانجام مرا این چنین ملول و ناراحت ساخت. خدا شما را بکشد که این قدر خون به دل من کرده و سینه ام را مملو از خشم ساخته و کاسه های اندوه را جرعه جرعه به من نوشاندید. با سرپیچی و یاری نکردن، طرح های مرا (برای سرکوبی دشمن و ساختن یک جامعه آباد اسلامی) تباه کردید، تا آنجا که قریش گفتند: پسر ابوطالب مردی است شجاع، ولی از فنون جنگ آگاه نیست... .

خدا خیرشان دهد! آیا هیچ یک از آنها از من با سابقه تر و پیشگام تر در این میدان ها بوده است؟ من آن روز گام در میدان نبرد گذاشتم که هنوز بیست سال از عمرم نگذشته بود و هم اکنون از شصت گذشته ام، ولی آن که فرمانش را اجرا نکنند، طرح و نقشه ای ندارد (و هر اندازه فکر او بلند و نقشه اش دقیق باشد هرگز به جایی نمی رسد)». (۱)

### تحقیقی در مورد مسابقات اسب سواری و تیراندازی

#### جایزه دهندگان و جایزه گیرندگان

۱. در مسابقات تیراندازی و اسب سواری که شرط بندی جایز است، باید جایزه را برای کسی قرار دهند که برنده می شود؛ پس اگر برای کسی قرار دهند که عقب مانده جایز نیست.
۲. همچنین جایز نیست برای کسی که در مسابقه شرکت ندارد جایزه قرار داده شود؛ بنابراین، اگر دو تن از تماشاگران در مورد مسابقه اسب سواری یا تیراندازی شرط بندی کنند جایز نیست.
۳. اگر رئیس حکومت اسلامی از بیت المال مسلمین شرط کند که هر کس در مسابقه اسب دوانی یا در مسابقه تیراندازی برنده شود فلان مقدار جایزه می دهم، این کار جایز است.
۴. همچنین اگر شخص سومی (غیر از رئیس حکومت اسلامی) بگوید: این مبلغ از اموالم برای کسی است که در مسابقه اسب سواری یا تیراندازی برنده شود، اشکالی ندارد.
۵. در صورتی که مسابقه دهندگان هر کدام مبلغی بگذارند و شرط کنند که هر کس در این مسابقه برنده شد تمام این مبلغ مال او باشد، این کار جایز است.

## شرایط مسابقه اسب سواری

مطابق نظر مشهور علما، در مسابقه اسب سواری ده چیز شرط است :

۱. ابتدا و انتهای مسیر مسابقه معلوم باشد تا هر اسبی که در آن مسیر از همه پیشی گرفت برنده باشد.

۲. مقدار و نوع جایزه معلوم و مشخص باشد و هیچ ابهامی نداشته باشد.

۳. حیواناتی که قرار است در مسابقه شرکت کنند با دیدن مشخص شوند.

البته برخی علما معتقدند که اگر اوصاف و ویژگی های آن نیز معین شود کافی است و رؤیت لازم نیست.

۴. احتمال بُرد هر یک از حیوانات شرکت کننده وجود داشته باشد و به بیان دیگر، همه اسب ها در شرایط مساوی باشند؛ بنابراین، اگر اسب بسیار ضعیف و لاغر با اسب بسیار تندرو و قوی مسابقه دهد که معمولاً نمی تواند بر آن پیشی بگیرد جایز نیست.

۵. حیواناتی که در مسابقه شرکت می کنند از یک جنس باشند. مثلاً هر دو اسب یا استر باشند. پس اگر اسب را با استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازانند جایز نیست؛ البته در این شرط اختلاف نظر وجود دارد و نزد فقیر ثابت نیست.

۶. طبق نظر مشهور علما هر دو باید همزمان حرکت کنند، پس اگر شرط کنند که یکی زودتر حرکت کند جایز نیست.

۷. اسب ها باید با سوار کار در مسابقه شرکت کنند، پس اگر بدون سوار کار شرکت کنند جایز نیست.

۸. مسافت مسابقه به قدری باشد که قبل از رسیدن به خطّ پایان، چهارپایان از ادامه دادن مسیر ناتوان نباشند.

۹. سوارکاران باید مرد باشند، نه زن.

۱۰. هر دو به هنگام تاختن مساوی یکدیگر ایستاده باشند؛ البته در این شرط

اختلاف نظر وجود دارد و ظاهر آن است که اگر یکی پیش تر از دیگری ایستاده باشد اشکالی ندارد.

### نام اسب های مسابقه

در لغت عرب برای هر یک از اسب هایی که رتبه اول تا دهم را کسب کرده اند، نام خاصی وجود دارد:

۱. مُجَلِّي: اسبی که مقام اول را کسب کرده است.

۲. مُصَلِّي: اسبی که به مقام دوم دست یافته است.

۳. تَالِي: اسبی که در جایگاه سوم قرار گرفته است.

۴. بَارِع: اسبی که به مقام چهارم رسیده است.

۵. مُرْتاح: اسبی که مقام پنجم را کسب کرده است.

۶. حَظِي: اسبی که ششم شده است.

۷. عَاطِف: اسبی که به مقامی بهتر از هفتمی نرسیده است.

۸. مُؤَمَّل: اسبی که حائز رتبه هشتم شده است.

۹. لَطِيم: اسبی که در جایگاه نهم قرار گرفته است.

۱۰. فِشِكِل: اسبی که از همه عقب تر بوده است. (۱)

برای مقام های اول تا نهم می توان جایزه قرار داد امّا برای اسبی که آخر از همه قرار گرفته جایز نیست. بنابراین، اگر همه اسب ها همزمان به خطّ پایان برسند به هیچ کدام جایزه ای تعلق نمی گیرد.

### شرایط تیراندازی

مسابقات شمشیرزنی و نیزه پرانی و تیراندازی، هر سه جایز است و در

۱- علّت نامگذاری اسب های دهگانه را به این نام ها در کتاب جواهر الکلام (ج ۲۸، ص ۲۱۳ و ۲۱۴) مطالعه فرمایید.



تیراندازی مطابق نظر مشهور چند چیز شرط است :

۱. از ابتدا مشخص کنند که چند تیر به هدف بخورد برنده است.

۲. نیز مشخص شود تیرهایی که به هدف می خورد از میان پرتاب چند تیر باشد (مثلاً بگویند: هر کس پنج تیر از میان ده تیری که پرتاب می کند به هدف بزند برنده است).

۳. چگونگی و کیفیت اصابت تیر به نشانه را که شرحش خواهد آمد، مشخص کنند.

۴. مقدار مسافت تیرانداز از نشانه مشخص شود.

۵. اندازه نشانه و محلّی که تیر باید به آن موضع اصابت کند نیز مشخص شود.

۶. کمان و تیر هر دو از یک جنس باشد؛ البتّه فقها در این شرط اختلاف نظر دارند واقوی آن است که چنین شرطی معتبر نیست. اما اتّفاقی در کار نیست

که کمان و تیر معینی را شرط کنند، بلکه بعضی گفته اند اگر شرط تعیین نکنند باطل است.

۷. مسابقه به شکل «مبادرت» یا به روش «محاطه» صورت گیرد. منظور از «مبادرت» آن است که شرط کنند هر کس از مجموع بیست تیری که دو تیرانداز پرتاب می کنند پنج تیرش به هدف اصابت کند برنده است، پس اگر نفر اوّل پنج تیر از ده تیر و نفر دوم چهار تیر از ده تیر را به هدف بزند، نفر اوّل برنده است و اگر هر یک از آنها پنج تیر به هدف بزند هیچ کدام برنده نخواهد بود و منظور از «محاطه» آن است که شرط کنند هر کس پنج تیر از دیگری بیشتر به هدف بزند برنده است؛ بنابراین، اگر هر کدام بیست تیر پرتاب کند و نفر اوّل پانزده تیر به هدف بزند و نفر دوم ده تیر، نفر اوّل که پنج تیر بیشتر به هدف زده برنده است و اگر یکی چهارده تیر و دیگری ده تیر به هدف بزند هیچ کدام برنده نیستند. احتیاط آن است که از ابتدا مشخص کنند که به کدام یک از دو روش بالا مسابقه خواهند داد تا به فتوای همه فقها صحیح باشد.

## اقسام نشانه گیری

در مسابقه تیراندازی زدن به نشانه انواع واقسامی دارد :

۱. حابی، یعنی ابتدا تیر به زمین بخورد، سپس کمانه کند و به نشانه اصابت کند.

۲. خاصر، یعنی تیر بر یکی از دو طرف سیبل متصل شود.

۳. خازق، یعنی تیر نشانه را زخمی کند، ولی در آن فرو نرود.

۴. خاسق، منظور از آن این است که نشانه را سوراخ کند و تیر در آن بماند.

۵. مارق، یعنی تیر نشانه را سوراخ کند و از آن عبور نماید.

۶. خارم، بدین شکل که پهلوهای نشانه را بدرد، ولی در میان نشانه

فرو نرود. (۱)

با توجه به اقسام ششگانه هدف گیری، باید از اول معین کنند که به چه شکلی نشانه را هدف بگیرند و اگر شرط کنند که تیر بر نشانه فرو رود و چنان بزند که تیر نشانه را سوراخ کرده و از سمت دیگر آن عبور کند برنده است. همچنین هر مرحله پست تری شرط شود، ولی تیرانداز به شکل بهتری بزند برنده است. اما در صورت عکس (یعنی مرحله عالی تر شرط شود و تیرانداز مرحله پایین تر را بزند) برنده نخواهد بود.

و احتیاط آن است که در ابتدا صیغه عقد مسابقه جاری شود. یعنی یکی از مسابقه دهندگان این عقد را با شرایطی که ذکر شد بر زبان جاری کند و دیگری قبول کند و مستحب است به هنگام تیراندازی واسب سواری هدف فقط بازی و گذراندن وقت نباشد، بلکه هدف ورزش در راه خدا و تقویت دین و ایمان و حمایت از شیعیان در مقابل ظالمان باشد، تا ثوابی عظیم ببرد.

---

۱- علت نامگذاری اقسام ششگانه هدف گیری به نام های مزبور را در کتاب جواهر الکلام (ج ۲۸، ص ۲۱۶ و ۲۱۷) مطالعه فرمایید.

## خاتمه: برخی آداب متفرقه و فواید سودمند

### اشاره

۱. آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن *إن شاء الله*
۲. علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه
۳. عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه
۴. عوامل فقر و غنی
۵. اشعار ممدوح و مذموم
۶. مجازات لواط در دنیا و آخرت
۷. پندهای امام صادق علیه السلام
۸. برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله
۹. محرومان از نظر رحمت پروردگار و بهشت
۱۰. «مساحقه» (همجنس بازی زنان) و عقوبت شدید آن
۱۱. مسلمانان کافر!
۱۲. مست همچون بت پرست است
۱۳. موسیقی و قمار
۱۴. مناهی النبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)



## آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بسیاری از اوقات اتفاق می افتد که برخی شیعیان ما به هنگام شروع کارهایشان «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را فراموش می کنند، بدین سبب خداوند متعال آنها را به مشکلی گرفتار می سازد تا متنبه شوند و شکر و ثنای الهی را به جای آورند و با این کار، آن مشکل برطرف و کوتاهی شان بخشوده می شود؛ بنابراین، انسان باید هر کاری را با «بِسْمِ اللَّهِ»

آغاز کند». (۱)

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم علیه السلام را از خوردن میوه درخت ممنوعه بهشتی منع کرد، وی بدون گفتن **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** گفت: این کار را نخواهم کرد. سپس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون رانده شد. بدین رو، خداوند به پیامبرش فرمود: (وَلَا تَقُولَنَّ لِيْ شَيْءٍ اِنِّيْ فَاعِلٌ ذٰلِكَ غَدًا \* اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا نَسِيتَ) (۲) یعنی هر گاه ان شاء الله

را فراموش کردی هر زمان یادت آمد بگو، اگرچه بعد از یک سال باشد». (۳)

۱- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۲، ح ۷.

۲- ترجمه: «هرگز در مورد کاری نگو: فردا آن را انجام می دهم. مگر اینکه خدا بخواهد و هر گاه فراموش کردی، پروردگارت را به خاطر بیاور». سوره کهف، آیات ۲۳ و ۲۴.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۱۵.

### علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: «نُه عمل موجب غلبه فراموشی می شود، از جمله آنها خوردن سیب ترش و خوردن پنیر و گشنیز فراوان و حجامت کردن در گودی پشت گردن است». (۱)
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز باعث تقویت حافظه می شود: مسواک کردن، روزه گرفتن، تلاوت قرآن». (۲)

### عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه

۱. در حدیث است که: «روزی حضرت علی علیه السلام غمگین شد. فرمود: نمی دانم به چه علت غمگین شده ام، در حالی که در آستانه و درگاه در ننشسته ام و از میان گله گوسفندان عبور نکرده ام و وزیر جامه را ایستاده نبوشیده ام و دست و صورت خود را با لباسم خشک نکرده ام». (۳)
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ده چیز اندوه را برطرف می کند: پیاده روی، سوار کاری، سر زیر آب بردن، نگاه کردن به سبزه زار، غذا خوردن و نوشیدن آب، آمیزش، مسواک زدن، شستن سر با گل خطمی، نگاه کردن به زوجه مقبول، سخن گفتن با افراد باشخصیت». (۴)

### عوامل فقر و غنی

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چند چیز باعث فقر و پریشانی و چند چیز موجب توانگری و غنی می شود. چیزهایی که باعث فقر

۱- خصال، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۱۹، ح ۱.

۲- سفینه البحار، ج ۴، ص ۳۴۰. ولی به جای صیام (روزه) لبان (کندر) آمده است.

۳- خصال، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۱، ح ۱.

۴- خصال، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۲، ح ۳.

می شود: وجود تار عنکبوت در خانه، ادرار کردن در حمام، خوردن چیزی در حال جنابت، خلال کردن با چوب گز، ایستاده شانه کردن، نگهداری خاکروبه در خانه، قسم دروغ، زنا کردن، اظهار حرص کردن، خوابیدن بین نماز مغرب و عشا، خوابیدن پس از نماز صبح و قبل از طلوع آفتاب، دروغ گفتن، بسیار گوش دادن موسیقی، کمک نکردن به مردی که در شب تقاضای کمک می کند، زیاده روی کردن در مخارج، قطع صلّه رحم با خویشاوندان.

و آنچه باعث توانگری و بی نیازی می شود: نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را با هم خواندن، خواندن تعقیبات بعد از نماز صبح و عصر، صلّه رحم، جاروب کردن حیاط منزل، کمک مالی به برادر مؤمن، صبحگاهان به طلب روزی رفتن، استغفار بسیار، خیانت نکردن در مال مردم، سخن حق و راست گفتن، تکرار جملات مؤذّن به هنگام گفتن اذان، سخن نگفتن در حاجتگاه، حرص نداشتن در طلب دنیا، قدردانی و تشکر از کسی که نعمتی بر گردن انسان دارد، اجتناب از قسم دروغ، وضو گرفتن قبل از غذا، خوردن ریزه نان هایی که از سفره می ریزد، روزی سه مرتبه سبحان الله گفتن. با این کار خداوند هفتاد نوع بلا را دور می کند که کمترین آن فقر و پریشانی است». (۱)

(ممکن است منظور از جمع بین صلاتین این باشد که وقتی نماز مغرب را خواند در مسجد بنشیند و مشغول ذکر و دعا و قرآن باشد تا وقت فضیلت نماز عشا برسد، سپس نماز عشا را بخواند، آن گونه که برخی اهل تسنن انجام می دهند).

### اشعار ممدوح و مذموم

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در مدح اهل بیت علیهم السلام بیت شعر بگوید، خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا می کند». (۲)

۱- خصال، ج ۲، ص ۲۷۶ - ۲۷۸، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۱۴، ح ۱.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷، ح ۱.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در مدح ما اهل بیت ییتی شعر بگوید، از جانب روح القدس تأیید می شود». (۱)

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی یک بیت شعر در مدح اهل بیت بگوید، خداوند متعال برای او در بهشت شهری بنا کند که بزرگ تر از هفت برابر دنیا باشد. و هنگامی که وارد آن شهر شود هر ملک مقرب و هر پیامبر مرسلی به دیدن او می آیند». (۲)

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شکم کسی پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شعر باشد». (۳)

توجه: منظور از شعر در این روایت، اشعار مبتذل و عاشقانه و فسادانگیز و یا اشعار مدح و تملق گویی از ستمگران است.

### مجازات لواط در دنیا و آخرت

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواهر و مادر لواط دهنده بر لواط کننده حرام می شود و در روز قیامت گلوی او را گرفته، به کنار جهنم می کشند تا خداوند از حساب مخلوقات فارغ شود، سپس او را در آتش می اندازند و در هر طبقه از طبقات جهنم وی را عذاب می کنند تا به آخرین طبقات جهنم برسد. و لواط از زنا بدتر است، زیرا خداوند متعال هیچ امتی را به خاطر زنا نابود نکرد، ولی به خاطر لواط چند شهر را نابود کرد». (۴)

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷، ح ۲.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷، ح ۳.

۳- السرائر، ج ۳، ص ۶۳۳.

۴- فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۷۸.



## پندهای امام صادق علیه السلام

در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از حضرت درخواست موعظه کرد. حضرت فرمود: «اگر خداوند عهده دار روزی مردم است، پس غم و غصه برای چیست؟ و اگر روزی ات از سوی خدا قسمت شده، پس حرص برای چیست؟ و اگر حساب قیامت حقّ است، مال اندوزی بی حساب برای چیست؟ و اگر آنچه را در راه خدا انفاق می کنی خداوند عوض آن را می دهد، پس بخل ورزیدن چه جایگاهی دارد؟ و اگر مجازات خدا به وسیله آتش جهنّم است، نافرمانی خدا برای چیست؟ و اگر مرگ حقّ است، شادی بیجا برای چیست؟ و اگر همه چیز بر خدا عرضه می شود، مکر برای چیست؟ و اگر شیطان دشمن تو است، غفلت از او برای چیست؟ و اگر همه کس باید از صراط عبور کنند، عُجب و خودستایی برای چیست؟ و اگر همه چیز به قضا و قدر الهی است، اندوه برای چیست؟ و اگر دنیا فانی است، دل به دنیا بستن برای چیست؟» (۱)

## برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «عابدترین مردم کسی است که آنچه را خدا بر او واجب کرده به جا آورد. و سخی ترین مردم کسی است که زکات مال خود را پردازد. و زاهدترین مردم کسی است که آنچه را خدا حرام کرده ترک کند. و پرهیزگارترین مردم کسی است که در همه جا حق را بگوید، خواه به نفع او باشد یا به ضرر او. و عادل ترین مردم کسی است که آنچه برای خود می پسندد برای مردم هم بپسندد و آنچه برای خود نمی پسندد برای دیگران هم نپسندد. وزیرک ترین مردم کسی است که بیشتر به یاد مرگ باشد.

وحسودترین مردم کسی است که به زیر خاک رفته و از عقاب الهی ایمن شده و امید ثواب خدا داشته باشد. وغافل ترین مردم کسی است که از حوادث و دگرگونی های دنیا پند نگیرد. و قدرتمندترین مردم کسی است که دنیا نزد او ارزشی نداشته باشد. وداناترین مردم کسی است که علم مردم را با دانش خود جمع کند. وشجاع ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند. وبارزش ترین مردم کسی است که اعمال نیکش فراوان تر باشد. وکم بهاترین مردم کسی است که عملش کمتر باشد. وکم لذت ترین مردم کسی است که بر مردم حسد ورزد. وناراحت ترین مردم شخصی است که بخل ورزد. وبخیل ترین مردم کسی است که به آنچه خداوند بر او واجب کرده، بخل ورزد. وسزاوارترین مردم به حق کسی است که بیشتر به حق عمل کند. وبی حرمت ترین مردم انسان فاسق است. وفاسق ترین مردم پادشاهان ظالم اند. وپایین ترین مردم از نظر محبوبیت حاکمان ستمگرند. وفقیرترین مردم انسان طمعکار است. وبی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد. وبایمان ترین مردم کسی است که اخلاق نیکوتری داشته باشد. وگرامی ترین مردم پرهیزگارترین آنهاست. وکسی قدرتش عظیم تر است که به سراغ کارهای بیهوده نرود وپرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله و منازعه نکند، هر چند حق با او باشد. وبی مروّت ترین مردم شخص دروغگوست. وشقی ترین مردم سلاطین ستمکارند و دشمن ترین مردم نزد خدا وخلق خدا متکبرانند. وکسی در طاعت الهی تلاش بیشتر کرده است که گناهان را ترک کرده باشد. وداناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد. وسعادتمندترین مردم کسی است که با نیکان معاشرت کند. وعامل ترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند. وسزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند. ویاغی ترین مردم کسی است که شخصی که قصد کشتن او را نداشته به قتل

برساند و کسی که قصد زدن او را نداشته کتک بزند. و سزاوارترین مردم به عفو و بخشایش کسی است که قدرت بر عقوبت بیشتر داشته باشد و آلوده ترین مردم به گناه کسی است که در حضور مردم کارهای سفیهانه و در پشت سر آنها غیبت کند. و ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند. و دوراندیش ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته تر باشد. و بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره مند شوند». (۱)

### محرمان از نظر رحمت پروردگار و بهشت

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت بر سه گروه با نظر رحمت نمی نگرد و اعمالشان را قبول نمی کند و آنها را به عذابی دردناک دچار می سازد: منافقان (دوچهرگان)، کسانی که از فحش دادن و فحش شنیدن پروا نکنند، کسانی که خود چیزی داشته باشند ولی از مردم تقاضا کنند». (۲)

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهشت بر هر دشنام دهنده کم حیایی که از آنچه می گوید و آنچه درباره اش می گویند پروا نکند، حرام است». (۳)

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «بوی بهشت از پانصد سال راه به مشام می رسد، امّیّا عاقّ والدین و کسی که به ناموس خود بی اعتناست آن را استشمام نمی کند». (۴)

۱- امالی صدوق، ص ۲۰ و ۲۱، ح ۴.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۶۷.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۳.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۱، ح ۱۳۴۳.

## مساحقه (همجنس بازی زنان) و عقوبت شدید آن

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «زنان مساحقه گر را در روز قیامت حاضر می کنند، لباسی از آتش بر اندامشان پوشانده... و آنها را در جهنم می اندازند. و اوّل کسی که این عمل زشت را مرتکب شد از قوم لوط بود». (۱)

### مسلمانان کافر!

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ده گروه از امت من به خدای بزرگ کافرند: قاتل به ناحق (۲)، جادوگر، دیوث (۳)، هر که از پشت با زنی زنا کند، هر که با حیوان آمیزش کند، کسی که با محارمش نظیر مادر و خواهر جماع کند، هر که برای فتنه و فساد تلاش کند، کسی که به کفار سلاح بفروشد، هر که زکات مال خود را ندهد، کسی که حج بر او واجب شود و توانایی رفتن به حج را دارد و نرود». (۴) (منظور از کافر در اینجا کفر ایمان نیست، بلکه کفر در عمل است).

### مست همچون بت پرست است

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از شراب مست شود و تا چهل روز پس از آن بمیرد، در پیشگاه خدا همچون بت پرست باشد». (۵)

### موسیقی و قمار

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس چهل روز در

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۵۱ و ۵۵۲، ح ۲.

۲- در نسخه بحار الأنوار به جای «قتال»، «قتات» به معنای «بهتان زن، تهمت زن» آمده است.

۳- مردی که نسبت به رابطه جنسی زن خود با مردان دیگر تعصب و غیرت نداشته باشد. مردی که براید ریافت پول، زن خود را به همخوابگی با مردان دیگر وادار کند (فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱، ص ۱۴۰۸).

۴- خصال، ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۲۱، ح ۱۸.

۵- بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۲۷؛ قرب الإسناد، ص ۱۵۵.

خانه اش طنبور بنوازند، خداوند متعال شیطانی بر وی مسلط می کند و هیچ عضوی از اعضای او باقی نمی ماند مگر اینکه شیطان بر آن بنشیند و در این صورت حیا از وی رخت برمی بندد و نسبت به آنچه می گوید و می شنود پروا نمی کند و غیرت از وی زایل می گردد...» (۱).

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کیوتر در آواز خود بر کسانی که ساز می زنند و کنیزان خواننده را نگهداری می کنند و عود و نی می نوازند نفرین می کند.» (۲).

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس چهل روز در خانه اش طنبور، عود، یا یکی دیگر از آلت های ساز یا نرد یا شطرنج نگهداری کند، مستحقّ خشم الهی می شود. و اگر در این چهل روز بمیرد، فاجر و فاسق از دنیا می رود و جای او در جهنّم خواهد بود.» (۳).

۴. در حدیث است که در مورد تفسیر آیه شریفه (فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) (۴) از امام صادق علیه السلام پرسیدند. فرمود: «منظور از اوثان (بت ها)

شطرنج و منظور از قول زور (گفتار باطل) غنا و خوانندگی است و نرد از شطرنج بدتر است. اما شطرنج، نگهداری آن کفر، بازی کردن با آن شرک و تعلیم دادنش به دیگران گناه کبیره هلاک کننده و سلام کردن بر کسی که با آن بازی می کند گناه است. و کسی که دست در صفحه شطرنج بگرداند گویا دست در میان گوشت خوک کرده،... و کسی که با نرد قمار بازی کند مثل کسی است که گوشت خوک خورده و کسی که قمار و برد و باخت مالی کند، گویی دست در میان گوشت و خون خوک گذاشته است. و انگشتر بازی و بازی با تخته ای که بر رویش

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۳۳، ح ۱۴.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳- فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۸۲.

۴- ترجمه: «از بت های پلید اجتناب کنید و از سخن باطل پرهیزید». سوره حج، آیه ۳۰.

ریگ هایی می چینند و بازی می کنند و امثال آن جایز نیست. و تمام اینها حتی گردوبازی کودکان (که در آن برد و باخت مالی بوده باشد) قمار محسوب می شود». (۱) (آنچه در بالا درباره شطرنج آمد مربوط به زمانی است که جزء آلات قمار محسوب شود و یا با آن برد و باخت مالی کنند).

### مناهی النبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)

در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله از خوردن در حال جنابت نهی کرد و فرمود: «این کار فقر و پریشانی در پی خواهد داشت».

واز گرفتن ناخن با دندان و مسواک کردن در حمام و انداختن آب بینی در مساجد و خوردن نیم خورده موش نهی کرد و فرمود: «مساجد را محلّ رفت و آمد خود قرار ندهید، بدین گونه که از دری وارد واز در دیگر خارج شوید، مگر اینکه دو رکعت نماز (تحتیّت) در آن بخوانید».

واز ادرار کردن زیر درخت میوه دار، یا در میان راه نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه با دست چپ، یا در حالی که بر پهلو تکیه کرده، چیزی بخورند.

واز گچ کردن بر قبور و نماز خواندن در قبرستان نهی کرد.

و فرمود: «هر کس که در فضای باز غسل می کند مراقب باشد عورتش آشکار نشود».

ونهی کرد از آب خوردن از کناره دسته کوزه که محلّ اجتماع چرک هاست.

واز ادرار کردن در آب راکد (ایستاده) که باعث زوال عقل می شود نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه کسی با یک لنگه نعلین (کفش) راه برود، یا ایستاده نعلین بپوشد.

واز اینکه کسی روبه روی خورشید یا ماه ادرار کند نهی کرد و فرمود: «هنگامی که داخل حاجتگاه می شوید رو به قبله یا پشت به آن ننشینید».

ونهی کرد از گریه بلند و نوحه (شیون) کردن در مصیبت ها.

وزنان را از رفتن به تشییع جنازه نهی کرد.

ونهی کرد از اینکه چیزی از قرآن را با آب دهان محو کنند، یا چیزی از آیات قرآن را با آب دهان بنویسند.

واز خواب دروغ نقل کردن (به منظور آزار دادن مردم یا غیر آن) نهی کرد و فرمود: «هر کس چنین کند، خداوند متعال او را در قیامت موظف می کند که دانه جوی را گره بزند و او قادر بر این کار نخواهد بود و به همین سبب عذاب می شود».

واز مجسمه سازی نهی کرد و فرمود: «هر کس مجسمه ای بسازد، خداوند متعال در روز قیامت به او دستور می دهد که در آن مجسمه روح بدمد و قادر نخواهد بود».

ونهی فرمود از اینکه حیوانی را به آتش بسوزانند.

واز دشنام دادن به خروس نهی کرد، زیرا مردم را برای نماز صبح بیدار می کند.

ونهی کرد از داخل شدن در معامله دیگران؛ مثل اینکه مؤمنی بخواهد چیزی بفروشد یا بخرد و دیگری بگوید من کالای بهتری دارم از من بخر، یا من این کالا را از تو گران تر می خرم.

از سخن گفتن زیاد به هنگام آمیزش نهی کرد و فرمود: این کار سبب لال شدن فرزند می شود.

و فرمود: خاکروبه را شب در خانه نگذارید و همان روز بیرون ببرید که شیطان در آن لانه می کند.

واز اینکه در شب کسی با دست آلوده به غذا بخوابد نهی کرد که اگر چنین کند و شیطان دیوانه اش کند، جز خود کسی را سرزنش نکند.

ونهی کرد از استنجا با سرگین و استخوان.

واز اینکه زنی بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود نهی کرد که اگر چنین کند تا زمانی که به خانه بازگردد ملائکه آسمان ها و هر کس از جنیان و انسان ها که بر او بگذرند نفرین اش کنند.

ونهی کرد از اینکه زن برای غیر شوهرش خود را زینت کند و اگر چنین کند، بر خداوند لازم است که او را به آتش جهنم بسوزاند.

ونهی فرمود از اینکه زن نزد غیر شوهرش و نامحرمان، بیش از پنج کلمه ضروری سخن بگوید (در آنجا که احتمال انحراف از جاده عفاف می رود).

ونهی کرد از اینکه زنی نزد زن دیگر بخوابد و لباس یا ملحفه ای در میان

آنها نباشد.

ونهی کرد از اینکه زن آنچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته را برای زنی دیگر نقل کند.

ونهی فرمود از اینکه کسی با همسر خود رو به قبله آمیزش کند.

ونهی کرد از اینکه در کنار جاده ای که محل رفت و آمد است با همسرش آمیزش کند و اگر چنین کند، خدا و ملائکه و همه مردم بر او نفرین کنند.

واز رفتن نزد کسانی که مدعی خبر دادن از آینده هستند، مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان کذاب نهی کرد و فرمود: «هر که نزد اینان برود و آنها را تصدیق کند، از آنچه بر من نازل شده بیزار است.»

واز بازی با نرد و شطرنج و استفاده از طبل و تنبک و طنبور و عود نهی کرد.

واز غیبت کردن و گوش دادن به آن و سخن چینی کردن و گوش دادن به آن نهی کرد و فرمود: «سخن چین وارد بهشت نمی شود.»



واز رفتن به میهمانی انسان های فاسق وقسم دروغ نهی کرد وفرمود: «قسم دروغ، شهرها را ویران می سازد». وفرمود: «هر کس برای آنکه مال مسلمانی را ببرد قسم دروغ بخورد، خداوند در قیامت با او در غضب باشد، مگر آنکه توبه کند ومال آن کس را پس بدهد».

واز نشستن بر سر سفره ای که بر آن شراب می خورند نهی کرد.

ونهی کرد از داخل شدن به حمام بدون لنگ و سیلی بر صورت زدن به هنگام مصیبت وسخن گفتنی که انسان را از یاد خدا غافل سازد.

واز آشامیدن در ظروف طلا- ونقره (و خوردن غذا در آنها) واز فروختن خرما بر روی درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه مردان لباس ابریشمین بپوشند، ولی برای زنان اشکالی ندارد.

ونهی کرد از اینکه رطب را بر درخت به عنوان خرما وانگور را بر درخت به عنوان مویز بفروشند.

واز فروختن آلت نرد وشطرنج نهی کرد.

ونهی فرمود از خریدن و خوراندن شراب وفرمود: «شراب و کسی که درخت انگور را به قصد شراب می کارد و آن کس که انگور را برای تهیه شراب می فشارد وهر که آن را می خورد و آن کس که ساقی می شود وهر که آن را می فروشد، و کسی که آن را می خرد و کسی که پول آن را مصرف می کند و آن کس که آن را حمل ونقل می کند و کسی که برای او حمل ونقل می شود، همه ملعون پروردگارند وفرمود: «هر که شراب بخورد نمازش تا چهل روز قبول نمی شود واگر بمیرد و چیزی از آن در شکمش باشد بر خداوند لازم است که او را مجازات کند».

واز رباخواری وشهادت به ناحق ونوشتن سند ربا نهی کرد. وخداوند

گیرنده، دهنده، نویسنده، و گواه بر رباخواری را نفرین کرده است.

واز مصافحه کردن با کفار اهل ذمه و خواندن شعر در مسجد و اعلان گمشده در مسجد نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه در مسجد شمشیر را برهنه کنند و نیز چیزی (مانند سنگ) بر صورت جانوران بزنند.

ونهی کرد از نگاه به عورت مسلمان و فرمود: «هر کس عمداً به عورت مسلمانی نگاه کند، هفتاد هزار فرشته او را نفرین کنند».

وحتی نهی فرمود از اینکه زنی به عورت زنی نگاه کند.

واز فوت کردن بر غذا و آب و محل سجده نهی کرد.

واز نماز خواندن در قبرستان و در راه و آسیاب ها و ورودخانه ها و در محلی که شتران را می بندند و بر بام کعبه معظمه نهی کرد.

واز کشتن زنبور عسل و داغ نهادن بر صورت چهارپایان نهی کرد.

واز اینکه کسی به غیر خدا قسم بخورد نهی کرد و فرمود: «هر کس به غیر خدا قسم بخورد از رحمت خدا بیزار شده است».

واز قسم خوردن به سوره قرآن نهی کرد و فرمود: «هر کس به سوره ای از قرآن قسم یاد کند، باید در مقابل هر آیه آن سوره یک کفاره بدهد، خواه قسم راست باشد یا دروغ». (علما این کفاره را حمل بر استحباب کرده اند).

ونهی فرمود از اینکه قسم بخورد و بگوید: به جان تو و جان فلان شخص.

واز نشستن جنب در مسجد و برهنه شدن در شب و روز و حجامت کردن در روز چهارشنبه و جمعه نهی کرد.

ونهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه هنگامی که خطیب جمعه خطبه می خواند که اگر چنین کند ثواب نماز جمعه اش کامل نیست.

ونهی فرمود از اینکه انگشتر ساخته شده از فلز زرد یا آهن در انگشت کند.

ونهی کرد از اینکه تصویر حیوان در نگین انگشتر باشد.

واز خواندن نماز نافله به هنگام غروب آفتاب و به هنگام ظهر نهی کرد.

واز روزه گرفتن در عید فطر و قربان و سه روز بعد از عید قربان (برای کسانی که در منی هستند) و یوم الشَّک به نیت ماه رمضان، نهی فرمود.

ونهی کرد از اینکه همانند چهارپایان دهان بر آب بگذارد و بنوشد. و فرمود: «با دستان (تمیز و غیر آلوده خود در کنار چشمه و آنجا که ظرفی نباشد) آب بردارید و بیاشامید که بهترین ظرف های شماست».

ونهی کرد از انداختن آب دهان در چاهی که از آن آب می خورند.

واز به کار گرفتن کارگر قبل از تعیین اجرتش نهی کرد.

ونهی کرد از اینکه دو مسلمان با هم قهر کنند و اگر ناچار باشند، بیش از سه روز طول ندهند که هر کس چنین کند سزاوار آتش جهنم است.

ونهی فرمود از اینکه طلا را به طلا و نقره را به نقره با اضافه وزن بفروشند (که ربا محسوب می شود).

واز مدح و تمجید مردم در پیش روی آنان نهی کرد.

و فرمود: «هر کس قرآن را فرا گیرد و از روی بی اعتنایی فراموش کند، روز قیامت دست هایش در گردنش بسته باشد و خداوند به تعداد هر آیه ای ماری را بر وی مسلط گرداند، مگر اینکه خداوند او را بیامرزد».

و فرمود: «هر کس قرآن را بیاموزد و پس از آن حرامی بخورد، یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بر قرآن مقدم بدارد، مستحق غضب الهی گردد، مگر اینکه توبه کند. و اگر بدون توبه بمیرد قرآن با او دشمنی کند».

و هر کس با زن مسلمان یا مسیحی یا یهودی یا زرتشتی زنا کند و بی توبه بمیرد، خداوند متعال درهای بسیاری از جهنم به قبرش می گشاید که حیوانات موزی از جهنم وارد قبرش می شود و او تا روز قیامت در آتش می سوزد.

وهنگامی که از قبرش مبعوث می شود مردم از بوی متعفن وی اذیت می شوند وهمه او را به این کار زشت می شناسند تا به جهنم برود.

و فرمود: «هر کس به خانه مؤمنی نگاه کند تا از اسرار درون خانه اش باخبر شود، خداوند وی را با منافقینی که از عیب های مسلمانان جست وجو می کردند محشور می کند و نمیرد تا خدا او را رسوا سازد مگر اینکه توبه کند».

و فرمود: «هر کس به آنچه خداوند روزی وی کرده راضی نباشد و از خدا شکایت کند و صبر نکند، هیچ حسنه ای از او بالا نمی رود (وقبول نمی شود) و خداوند در قیامت از وی خشمگین خواهد بود، مگر اینکه توبه کند».

و فرمود: «هر کس بر زنی ظلم کند و مهرش را نپردازد، نزد خداوند زناکار محسوب می شود و خداوند در قیامت او را سرزنش می کند که من کنیز خود را به مهر مخصوص به عقد تو در آوردم و تو بر پیمان خود وفا نکردی و به آن زن ستم کردی. از حسنات وی بگیری و به جای مهر آن زن به وی بدهی و اگر حسناتش تمام شود خداوند دستور می دهد وی را به جهنم ببرند».

و از کتمان شهادت نهی کرد و فرمود: «هر کس شهادتی نزد او باشد و آن را کتمان کند، خداوند متعال در روز قیامت در حضور مخلوقات، گوشت بدن وی را به خودش می خوراند».

و فرمود: «جبرئیل پیوسته به من در مورد حق همسایگان سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم سهمی از ارث برای آنان قرار خواهد داد...».

و پیوسته مرا به مسواک زدن امر می کرد تا آنکه گمان کردم واجب خواهد شد. و پیوسته مرا به نماز شب سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم نیکان ائمت شب ها نخواهند خوابید».

و فرمود: «هر کس مسلمان تهیدستی را سبک بشمارد، حق خدا را سبک شمرده است و خداوند متعال او را در قیامت سبک می شمارد، مگر آنکه توبه کند».

و هر کس مسلمان تهیدستی را گرامی بدارد، خداوند در روز قیامت از وی

راضی و خشنود شود.

وهر کس از ترس خدا از گناه و خواهش نفسانی حرامی خودداری کند، خداوند جهنم را بر او حرام می کند و او را از وحشت هولناک روز قیامت در امان نگاه می دارد و دو باغ بهشتی که در قرآن مجید (۱) وعده فرموده به او عطا می کند.

وهر کس دنیا و آخرت بر او عرضه شود و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد در قیامت حسنه ای که به وسیله آن از جهنم نجات پیدا کند نخواهد داشت.

وهر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، خداوند از وی خشنود شود و گناهانش را ببامزد.

وهر کس چشمش را از نگاه به حرام پر کند، خداوند در روز قیامت دیده اش را از آتش پر می کند، مگر آنکه توبه کند.

وهر کس با زن بیگانه ای مصافحه کند، خداوند از وی خشمناک می شود.

وهر کس زنی را به طور نامشروع در بغل گیرد، او را با شیطانی در یک زنجیر کرده وهر دو را به جهنم می برند.

وهر کس مسلمانی را در خرید و فروش فریب دهد از ما نیست و در روز قیامت با یهودیان (ستمکار) محشور می شود».

و فرمود: «هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ حسنه ای از او قبول نمی کند تا آنکه شوهر را از خود راضی سازد، هر چند روزها روزه باشد و شب ها به نماز بایستد و برده گانی در راه خدا آزاد کرده و بر اسبان جنگی سوار کرده و به جهاد بفرستد، همچنین اگر مردی به زن خود ستم کند.

وهر که خشمی از کسی فرو برد که توانایی انتقام از وی را دارد، خداوند ثواب شهید به او کرامت می کند».

و از خیانت کردن در اموال مردم نهی کرد و فرمود: «هر کس در امانتی خیانت

کند و تا قبل از مرگش آن را به اهلش نرساند، مسلمان از دنیا نرفته و خداوند در روز قیامت از او خشمگین باشد.

وهر که در مورد دیگری شهادت به ناحق بدهد، خداوند وی را در پایین ترین نقطه جهنم با منافقان بر زبانش آویزان کند.

وهر کس مال خیانتی را بخرد، گویی خود خیانت کرده است.

وهر کس حق برادر مؤمن خود را حبس کند، خداوند برکت روزی را بر وی حرام می کند، مگر اینکه توبه کند.

وهر کس از گناه دیگران باخبر شود و آن را اشاعه دهد، گویی خود مرتکب آن شده است.

وهر کس برادر مسلمانش در رابطه با وامی به او نیازمند باشد و او قادر بر پرداخت باشد و ندهد، خداوند بوی بهشت را بر وی حرام می کند.

وهر کس برای رضای خدا بر اخلاق بد زوجه اش صبر کند، خداوند ثواب شاکران را به وی می دهد.

وهر زنی که با شوهرش مدارا نکند و با او سازگار نباشد و او را وادار بر کارهایی کند که از قدرتش خارج است، خداوند هیچ حسنه ای از او قبول نمی کند و در روز قیامت از او خشمگین خواهد بود.

وهر کس برادر مسلمان خود را گرامی دارد، گویی خدا را گرامی داشته است».

ونهی کرد از اینکه شخصی امام جماعت گروهی شود که به امامت وی راضی نباشند و فرمود: «هر کس با رضایت جمعی، امامت جماعت آنها را بر عهده گیرد و در وقت مناسب حاضر شود و نماز را به خوبی برگزار کند، مانند ثواب آن جمع را می برد، بی آنکه از ثواب آنها کاسته شود.

وهر کس برای صله رحم، یا به منظور کمک مالی به نزدیکی از بستگانش برود، خداوند متعال ثواب صد شهید به وی کرامت می کند و در مقابل هر قدمی که در این راه برمی دارد، چهل هزار حسنه برای او می نویسد و چهل هزار گناه از

وی محو می کند و چهل هزار درجه بر درجاتش می افزاید و چنان باشد که صد سال از برای خدا عبادت کرده باشد.

و هر کس حاجتی از حوائج دنیوی ناینبایی را برآورده سازد و برای این کار گام بردارد و تلاش کند، خداوند متعال بیزاری از نفاق و آتش جهنم را روزی اش گرداند و هفتاد حاجت از حاجات دنیوی اش را برآورده کند و پیوسته در رحمت الهی باشد تا بازگردد.

و هر کس بیماری را یک شبانه روز تحمّل کند و به عیادت کنندگان خود شکایت نکند، خداوند متعال او را با حضرت ابراهیم علیه السلام مبعوث گرداند، تا همچون برقی درخشنده از پل صراط عبور کند.

و هر کس در راه برآورده شدن حاجت بیمار گام بردارد، خواه برآورده شود یا نشود، همانند روزی که از مادر متولد شده از گناهان پاک می شود.

یکی از انصار پرسید: اگر آن بیمار از اهل خانه اش باشد ثوابش بیشتر است؟ فرمود: «آری». سپس فرمود: «هر کس مشکل و غم و اندوهی از غم های دنیوی مؤمنی را برطرف سازد، خداوند متعال هفتاد و دو غم از غم های آخرت و هفتاد و دو بلا از بلاهای دنیا را از او دفع کند که آسان ترین آنها درد شکم باشد».

و فرمود: «هر شخصی که از وی حقی طلب شود که قادر بر دادن آن باشد و تأخیر نکند، هر روز گناه باج گیر (عشّار) برای او نوشته می شود.

و هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند ولی بر وی منت بگذارد، خداوند عملش را حبیط و نابود کرده و ثوابی به او نمی دهد. خداوند متعال فرماید: «من بهشت را بر منت گذارنده و بخیل و سخن چین حرام کردم».

و هر کس در راه خدا صدقه ای دهد، در مقابل هر دره می به وزن کوه احد از نعمت های بهشتی به او داده می شود.

و هر کس واسطه صدقه ای به شخص نیازمندی شود، مانند ثواب کسی که آن صدقه را پرداخته به او می دهند، بی آنکه از ثواب صدقه دهنده کاسته شود.

و هر کس از ترس خدا گریه کند، خداوند به هر قطره اشکی که از چشمانش

جاری شود قصری در بهشت به وی می دهد که با مروارید و سایر جواهرات تزیین شده باشد، به گونه ای که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ کسی خطور نکرده باشد.

و هر کس برای نماز جماعت به سوی مسجد برود، در مقابل هر گامی که برمی دارد هفتاد هزار حسنه برایش می نویسد و هفتاد هزار درجه بر درجاتش می افزاید و اگر در این حال مرگش فرا رسد، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را مأمور می کند که در قبر از وی دیدن کنند و در تنهایی مونس او باشند و تا هنگام مبعوث شدن از قبر برایش طلب آمرزش کنند.

و هر کس برای رضای خداوند متعال اذان بگوید، خداوند ثواب فوق العاده ای برای او می نویسد. و هنگامی که مؤذن «أشهد أن لا إله إلا الله» می گوید، هفتاد هزار فرشته صلوات می فرستند و برایش استغفار می کنند و در روز قیامت در سایه عرش الهی باشد تا خداوند از حساب مخلوقات فارغ شود. و ثواب گفتن «أشهد أن مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» را چهل هزار فرشته می نویسند.

و اگر در نماز جماعت بر صف اول و تکبیر اول محافظت کند و به مسلمانان آزار نرساند، خداوند متعال همانند ثواب مؤذنان، در دنیا و آخرت به او کرامت فرماید.

و فرمود: «هیچ بدی را کوچک نشمرید، هر چند در نظر شما کوچک آید...، زیرا گناه کبیره با استغفار باقی نمی ماند. و گناه صغیره باقی نمی ماند با اصرار (زیرا هنگامی که بر گناه صغیره اصرار کردی و از آن توبه نکردی کبیره می شود)». (۱) (۲)

۱- امالی شیخ صدوق، مجلس ۶۶، ص ۴۳۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۳.

۲- این نوشتار - بحمدالله - در ساعت هفت صبح ۲۹/۱۲/۱۳۸۶ و خواندن آن در محضر حضرت استاد در ۱۴/۳/۱۳۸۸ و اصلاحات نهایی آن در ۳/۱۲/۱۳۸۸ به پایان رسید. والحمد لله رب العالمین.



## فهرست منابع

۱. القرآن الکریم، ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش.
۲. الإحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، انتشارات أسوه، تهران، چاپ سوم، ۱۴۲۲ق.
۳. الإختصاص، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۴. الإستبصار، محمد بن الحسن الطوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۵. الأصول من الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، دار صعب ودار التعارف، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق.
۶. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، انتشارات مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۷. اقبال الأعمال، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷ش.
۸. امالی صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ش.

٩. امالی طوسی، شیخ طوسی، انتشارات دارالثقافه، قم، چاپ اول، ١٤١٤ق.
١٠. امالی مفید، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ١٤١٣ق.
١١. امل الآمل، شیخ حرّ عاملی، مکتبه الاندلس، بغداد، چاپ اول، ١٣٨٥ق.
١٢. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، سیّد بن طاووس، مکتبه المفید، قم، چاپ اول.
١٣. الأنوار اللامعه فی شرح الزّیاره الجامعه، السیّد عبدالله الشّبر، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
١٤. بحار الأنوار، محمّدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ سوم، ١٤٠٣ق.
١٥. برگزیده حلیه المتّقین، حاج شیخ عبّاس قمی، کانون انتشارات ناصر، قم، چاپ اول، ١٣٧٥ش.
١٦. البرهان فی تفسیر القرآن، سیّد هاشم بحرانی، مرکز الطباعه والنشر فی مؤسسه البعثه، قم، چاپ اول، ١٤١٦ق.
١٧. بشاره المصطفی، عماد الدّین طبری، چاپ کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ اول، ١٣٨٣ق.
١٨. بصائر الدّرجات، محمّد بن حسن بن فروخ صفّار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
١٩. تاریخ العلامه ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمّد بن خلدون، دارالکتاب اللبّانی ومکتبه المدرسه، بیروت، چاپ اول.
٢٠. تحف العقول، حسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرّانی، مؤسسه النّشر الاسلامی، قم، چاپ هشتم، ١٤٢٩ق.
٢١. التفسیر المنسوب إلى الإمام أبی محمّد الحسن بن علیّ العسكري، مؤسسه الإمام المهدي، چاپ اول، ١٤٠٩ق.

۲۲. تفسیر عیاشی، محمّد بن مسعود بن عیاشی، المكتبة العلمیة الاسلامیة، تهران، چاپ اوّل، بی تا.
۲۳. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم القمی، مؤسسه دارالکتاب، قم، چاپ اوّل، ۱۴۰۴ق.
۲۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی وهمکاران، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.
۲۵. تفسیر نورالثقلین، علامه حویزی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۶. تنبیه الخواطر (مجموعه وزّام)، وزّام بن ابی فراس، انتشارات مكتبة الفقیه، قم، چاپ اوّل، بی تا.
۲۷. تهذیب الأحکام، محمّد بن الحسن بن علی الطوسی، مكتبة الصدوق، تهران، چاپ اوّل، ۱۴۱۷ق.
۲۸. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، شیخ صدوق، مكتبة الصدوق، تهران، چاپ اوّل، ۱۳۹۱ق.
۲۹. جامع احادیث الشیعه، حسین طباطبائی بروجردی، چاپ مهر، قم، چاپ اوّل، ۱۴۱۰ق.
۳۰. جامع الأخبار، تاج الدّین شعیری، انتشارات رضی، قم، چاپ اوّل، ۱۳۶۳ش.
۳۱. الجعفریات، (الاشعثیات) محمّد بن محمّد بن اشعث کوفی، مكتبة نینوی الحدیث، تهران، چاپ اوّل، بی تا.
۳۲. جواهر الکلام، شیخ محمّد حسن نجفی، دار احیاء التّراث العربی، بیروت، چاپ اوّل، ۱۹۸۱م.
۳۳. حلیه المتّقین، علامه مجلسی، تحقیق عبدالمجید شفقت، انتشارات جلوه کمال، قم، چاپ اوّل، ۱۳۸۶ش.

۳۴. الخرائج والجرائح، قطب الدّین راوندی، مؤسسه امام مهدی، قم، چاپ اوّل، ۱۴۰۹ق.
۳۵. الخصائص الفاطمیّه، محمّد باقر کجوری، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اوّل، ۱۳۸۰ش.
۳۶. الخصال، محمّد بن علی بن الحسین، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵ش.
۳۷. الخصال، محمد بن علی بن الحسین، با ترجمه: سید احمد فهري زنجانى، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، چاپ اوّل، بی تا.
۳۸. الدروس الشّریعیه، محمّد بن مکى العاملى، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرّسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۳۹. دعائم الإسلام، نعمان بن محمّد تمیمی مغربى، دارالمعارف مصر، چاپ اوّل، ۱۳۸۵ق.
۴۰. الدعوات، قطب الدّین راوندی، چاپ مدرسه امام مهدی، قم، چاپ اوّل، ۱۴۰۷ق.
۴۱. رجال کشّی، محمّد بن عمر کشّی، انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ اوّل، ۱۳۴۸ش.
۴۲. روضه المتّقین، محمّد تقى مجلسى، بنیاد فرهنگ اسلامى حاج محمّد حسین کوشانپور، قم، چاپ اوّل، بی تا.
۴۳. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوى، محمّد بن منصور بن احمد ابن ادریس حلى، دفتر انتشارات اسلامى، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۴۴. سفینه البحار، شیخ عباس قمى، دارالأسوه للطباعة والنّشر، ایران، چاپ اوّل، ۱۴۱۴ق.
۴۵. السنن الكبرى، احمد بن الحسین بن علی البيهقى، دار صادر، بيروت، چاپ اوّل، ۱۳۴۴ق.

۴۶. شرح نهج البلاغه، میثم بن علی بن میثم البحرانی، مؤسسه النصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
۴۷. صحیفه نور، امام خمینی، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۱ش.
۴۸. صحیفه الرضا، منسوب به امام رضا علیه السلام، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۴۹. طب الائمه:، عبدالله وحسین ابنا بسطام، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۵۰. عدّه الدّاعی، ابن فهد حلّی، مکتبه وجدانی، قم، چاپ اول، بی تا.
۵۱. العروه الوثقی، سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، چاپ اول، بی تا.
۵۲. علل الشرایع، شیخ صدوق، انتشارات مکتبه داورى، قم، چاپ اول، بی تا.
۵۳. عین الحیاه، علامه محمّد باقر مجلسی، مؤسسه فرهنگى انتشاراتى گرگان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۵۴. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، انتشارات جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
۵۵. الفتوحات المکیه، ابن العربی، دار صادر، بیروت، چاپ اول، بی تا.
۵۶. فرحه الغری، سیّد عبدالکریم بن طاووس، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، بی تا.
۵۷. الفروع من الکافی، محمّد کلینی، دارصعب ودارالتعارف، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۱ق.
۵۸. فرهنگ عمید، حسن عمید، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۵۰ش.
۵۹. فرهنگ فارسی، دکتر محمّد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ش.

۶۰. فرهنگ متوسط دهخدا، علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۶۱. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، آذرتاش؛ آذرنوش، نشر نی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۵ش.
۶۲. فقه الرضا، امام رضا علیه السلام، کنگره امام رضا علیه السلام، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۶۳. الفقه، سید محمد حسین شیرازی، دارالعلوم، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۶۴. فلاح السائل، سید بن طاووس، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، بی تا.
۶۵. الفوائد الرضویة، حاج شیخ عباس قمی، تحقیق: ناصر بیدهندی، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۶۶. قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر الحمیری، مؤسسه الثقافة الاسلامیه لکوشانپور، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۶۷. قصص الانبیاء، قطب الدین راوندی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۶۸. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، انتشارات مرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ق.
۶۹. کتاب من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین، دار صعب ودارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۷۰. کشف الغمّه فی معرفه الائمه، علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی، انتشارات مکتبه الحیدریه، قم، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۷۱. کمال الدین، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۳۹۵ق.
۷۲. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیّه قم زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم، نشر معروف، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.

٧٣. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، چاپ سیروس، تهران، چاپ اول، ١٣٣٥ش.
٧٤. مجله مبلغان (دوماهنامه)؛ معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیه، قم، چاپ اول، ١٣٨٨ش.
٧٥. مجمع البيان، فضل بن الحسن الطبرسی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٧٦. مجمع البحرين، شیخ فخرالدین الطریحی، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، قم، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٧٧. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ دوم، بی تا.
٧٨. مختصر البصائر، الحسن بن سلیمان الحلّی، تحقیق مشتاق المظفر، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ١٣٧٩ش.
٧٩. مختصر تاریخ دمشق، محمد بن مکرم المعروف بابن منظور، دارالفکر، دمشق، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
٨٠. مرآه العقول، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
٨١. مستدرک الوسائل، میرزا حسین النوری الطبرسی، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
٨٢. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی، مؤسسه البعثه، مشهد، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٨٣. مشکاه الأنوار، علی بن حسن الطبرسی، کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ اول، ١٣٨٥ق.
٨٤. المصباح، ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمّد العاملی الکفعمی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ سوم، ١٤٠٣ق.

۸۵. مصباح الشریعہ، منسوب بہ امام صادق علیہ السلام، مؤسسہ الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۸۶. مصباح المتہجد، شیخ طوسی، مؤسسہ فقہ الشیعہ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۸۷. معارف و معاریف، سید مصطفیٰ حسینی دشتی، مؤسسہ فرہنگی آرایہ، تہران، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۸۸. معانی الأخبار، شیخ صدوق، انتشارات جامعہ مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۱ش.
۸۹. المغنی والشرح الکبیر، ابنی قدامہ، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۹۰. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش.
۹۱. مفاتیح نوین، آیہ اللہ العظمیٰ مکارم شیرازی، مدرسہ الامام علیٰ بن ابی طالب علیہ السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.
۹۲. مفتاح الکرامہ، سید محمد جواد حسینی العاملی، مؤسسہ آل البیت، چاپ اول، بی تا.
۹۳. المقنع، شیخ صدوق، مؤسسہ امام ہادی علیہ السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۹۴. مکارم الأخلاق، رضی الدین حسن بن فضل الطبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۹۵. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شہر آشوب، مؤسسہ انتشارات علامہ، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
۹۶. منیہ المرید، شہید ثانی، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۹۷. مہج الدعوات، سید بن طاووس، انتشارات دار الذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.



۹۸. مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام، سیّد عبدالأعلى موسوی سبزواری، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۹۹. میزان الحکمه، محمّد محمّدی ری شهری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۰۰. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی، به قلم محمّدرضا آشتیانی و محمّدجعفر امامی، مدرسه الامام علیّ بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دهم، ۱۳۷۵ش.
۱۰۱. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۱۰۲. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

